تذکرہ علماے ہند

چندانا در کتابی روکش جام جهان نما که مشتمل تا حال از کتم عدم

بمنصهٔ شهود جلوه گر نشده

مصنفه

عالم المعی فاضل لوذعی محقق بیمثال حضرت رحمان علی صاحب

ممبر کونسل مقام ریوان حسب ایماے مصنف ممدوح

بار دوم

باهتمام بابو منوهر لال بهارگو سپرنٹنڈنٹ

در مطبع منشی نولکشور مقام لکهنؤ طبع گردید

سنه ۱۹۱۴ع

اطلاع - اس مطبع مین ہر علم و فن کی کتب کا ذخیرہ سلسلہ وار فروخت کے لیے موجود ہی جسکی فہرست مطول ہر ایک شایق کو چھاپہ خانہ سے مل سکتی ہی جسکے معائنہ و ملاحظہ سے شائقان اصلی حالات کتب کے معلوم فرماسکتے ہین قیمت بھی ارزان ہو اس کتاب کے ٹیٹل پیج کے تین صفحہ جو سادے ہین اُن مین بعض کتب تواریخ فارسی و اردو درج کرتے ہین تاکہ جس فن کی یہ کتاب ہی اُس فن کی اور بھی کتب موجودہ کارخانہ سے قدردانون کو آگاہی کا ذریعہ حاصل ہو

تواریخ مختص بحالات انبیا و اولیا وغیرہ

(فارسی)

کتب تصوف

بعون صانع مکین و مکان و فضل خلاق زمین و آسمان
هذا نام کتابی روکش جام جهان نما که مثلش تا حال از کتم عدم بمنصهٔ شهود جلوه گر نشده
موسوم به
تذکرهٔ علمای هند
عالم المعی فاضل لوذعی محقق بی مثال جناب رحمان علی صاحب ممبر کونسل مقام ریوان بانی مصنفه مولفه
در مطبع نامی منشی نولکشور واقع لکهنو بحسن حروف طبع شد

بسم الله الرحمن الرحیم
هست کلید در گنج حکیم

حمد بیحد و ثنای لاتعد حکیمی راست علّم بالقلم و سپاس بیقیاس علیمی را علّم الانسان ما لم یعلم حکیمی که زبان
گرو بیان را بکلمه سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا گویا ساخته و علیمی که دل انسان ضعیف البنیان
بتذکار و ما اوتیتم من العلم الا قلیلا تسلیمه داده بتعلیم رب زدنی علما پرداخته تعالی شانه ولایزال
سلطانه ازهار درود و سلام مروح مشام نثار بارگاهی باد که کوس نوبتش غریو العلماء ورثة الانبیاء
بذروهٔ افلاک و صیت انا مدینة العلم بگوش املاک رسانیده صلی الله علیه و علی آله واصحابه الطیبین
الطاهرین الهادین المهدیین سپس آن پوشیده مباد که مرز بوم هندوستان که جزو اولش هم پله جهان
هست از بدو شیوع اسلام تا این ایام بسیاری از علمای عظام و فضلای کرام گذشتند و نامی
از خود گذاشتند بقول مولانای جامی قدس سره السامی * نه ز دانایان بود این نکته مشهور *
که دانش در کتب داناست در گور * احصای اسامی گرامی شان بجز عالم الغیب که داند که بحیز
تحریر در آید مگر طبع حریص که ما لا یدرک کله لا یترک کله است بمقتضای * کار دنیا کسی
تمام نکرد * هر چه گیرید مختصر گیرید * هر چه دریافت می گذارد پس تراجم برخی از آن طائفه عالیه که از کتب
سلف و تحریرات رائقه معاصرین با عز و شرف بهم پیچیدان پیوسته دین وجیزه موسوم
تذکره علمای هند ملقب به تحفة الفضلا فی تراجم الکملاء بر می نگارم و از
اخلاق حسنه ناظرین با تمکین چشم می دارم که بعثرات و زلات قلم شکسته رقم این فاقد الاستعداد
دستگیری فرموده بذیل اصلاح عیب پوشی را کار فرمایند والله المستعان و علیه التکلان

واین کتاب مرتب است به ترتیب حروف هجا تا انظار کتاب را بتلاش ترجمه عالمی وقت روی نماید
وذکر ماخذ ومعاونین درخاتمه خواهد آمد انشاء الله تعالی

حرف الالف

مولانا ابوحفص ربیع محدث بصری ابن صبیح السعدی البصری بر طالبان اخبار مخفی
و مستتر نیست که اول شیوع ملت اسلامیه بممالک هند از دست محمد بن قاسم ابن عقیل ثقفی که
ابن عم و داماد حجاج ابن یوسف ثقفی بود در عهد خلافت ولید بن عبد الملک بظهور آمده یعنی
محمد بن قاسم بعمر هفده سالگی با لشکر مجاهدین بروز پنجشنبه دهم رمضان سال نود و سه و بقولے
سال نود و نه هجری ملک سنده را از داهر بن چچ مرزبان سنده مفتوح نموده رایات اسلامی
دران دیار مرتفع فرموده داهر مذکور در نبردگاه کشته شد همان زمان یا پس ازان صاحب
ترجمه دران دیار قدوم آورده بالجمله وی از تبع تابعین وکملای محدثین است از حسن بصری و
عطار روایت مے کند و از وسفیان ثوری ووکیع و ابن مهدی راوی اند وی رحمة الله علیه
صدوق و عابد و مجاهد بود گویند که وی اول مصنفین در امت اسلامیه است که بسال یک صد و
شصت هجری بملک سنده رحلت فرمود رضوان الله علیه

مولوی ابوالحسن فرنگی محلی ابن مولوی عبد الجامع ابن مولوی محمد نافع ابن مولوی عبد العلی
بحر العلوم بعد حفظ قرآن مجید بتحصیل علوم درسیه بخدمت مولوی عبد الحکیم نموده وبیعت
از مولوی حافظ عبد الوالی کرده هفتم ذی الحجه سال دوازده صد و هشتاد و دو هجری بعالم
جاودانی ازین جهان فانی درگذشت

مولوی ابوالحسن نصیرآبادی ساکن قصبهٔ نصیرآباد مضافات لکهنؤ عالم عامل صاحب
ورع وتقوی بود بیعت وخلافت سلسلهٔ نقشبندیه از مولوی مراد الله فاروقی نسبا والمجددی
المظهری مشرباً وتهانیسری موطناً مرید وخلیفه مولوی نعیم الله بهرائچی مرید وخلیفه حضرت مرزا مظهر
جان جانان قدس الله تعالی اسرارهم داشت عالمے را از ظلمات شرک وبدعت نجات بخشیده
و باتباع سنت سنیه مے کوشید دوم شعبان سن دوازده صد و هفتاد و دو هجری

رحلت فرموده بجنت آرمید

شاه ابوسعید عمری دہلوی تلمیذ مفتی شرف الدین رامپوری و مولانا رفیع الدین دہلوی بود و اجازت عامه از مولانا عبد العزیز دہلوی حاصل کرده و بیعت طریقهٔ نقشبندیه از شاه غلام علی دہلوی داشت بروز عید الفطر وقت صبح سال دوازده صد و چہل و نه ہجری در ٹونک وفات یافته غفر الله له

میر ابو الغیث بخاری در عہد جلال الدین محمد اکبر شاه عالمی متصوف آیتے بود از آیات الٰہی در مجلس لطیف او بجز قال الله و قال الرسول و اذکار مشائخ ہرگز ذکرے دیگر نبود در سال نہصد و نود و پنج ہجری بعارضهٔ قولنج بمقام لکھنؤ وفات یافته نعش او بدہلی آورده مدفون کردند و میر ستوده سیر تاریخ فوتش یافته اند

شیخ ابو الفیض فیضی خلف اکبر شاگرد شیخ مبارک ناگوری در سن نہصد[۹۵۴] و پنجاه و چہار ہجری متولد شده ذہن ثاقب و فکر صائب داشت بعمر چہارده سالگی فراغ علمی حاصل نمود در تمام علوم ہچو شعر و معما و عروض و قافیه و تفسیر و تاریخ و لغت و طب و خط و انشا عدیم النظیر بود در اوائل بتخلص فیضی شعر می گفت و در اواخر بتقریب برادر خورد خود ابو الفضل که وے را علامی مے نوشتند بغرض تعلی از ان وزن تخلص فیاضی اختیار نموده در سن نہصد[۹۷۴] و ہفتاد و چہار ہجری به بارگاه اکبر شاه رسیده بخطاب ملک الشعرا ممتاز شد او را قصیده ایست طویل در مدح اکبر بادشاه موارد الکلم در علم اخلاق بعبارت عربی بحروف مہمله و سواطع الالہام تفسیر قرآن بصنعت اہمال باتمام رسیده و صله آن ده ہزار روپیه اکبر شاه دریا داده میر حیدر معمائی تاریخ اتمام آن در سورهٔ اخلاص یافته و ترجمه فارسی لیلاوتی مصنفهٔ پنڈت بہاسکر بیدری که در سن ششصد[۶۲۲] و بست و دو ہجری تصنیف کرده بود و ترجمهٔ رامائن منظوم فارسی و مثنوی نلدمن و دیوان فارسی که دران پانزده ہزار ابیات انداز تصانیف مشہورهٔ فیضی اند تاریخ دہم صفر سن یک ہزار و چہار ہجری بمقام اکبرآباد فوت شده مدفون گشت بنا بر مشہور فیضی بمذہبی مقید نبود

ابو الفضل علامی پسر دوم شیخ مبارک ناگوری است در سن نہصد[۹۵۸] و پنجاه و ہشت

ہجری متولد شدہ بعمر پانزدہ سالگی از علوم معقول و منقول فراغ حاصل کردہ تجرد و عزلت پیش نظر
داشت مگر باصرار احباب در سال نوزدہم جلوس اکبری ملازمت بادشاہ اکبر حاصل نمودہ تفسیر
آیۃ الکرسی موسومہ تفسیر اکبری کہ از ان تاریخ تالیف برمے آید نوشتہ پیشکش بادشاہ کردہ
بالطائف خسروی مخصوص گشتہ اول بخدمت منشی گری ازان بعد بعہدۂ وزارت سرفراز
گشت و در اندک زمانے بخاطر بادشاہ آن چنان جا گرفت کہ محسود امرا و شاہزادگان شد
و تخلص خود علامی می کرد بوقت مراجعت از دکن باشارۂ شاہزادۂ سلیم یعنے جہانگیر راجہ ہر سنگھ
دیو بوندیلہ تاریخ چہارم ربیع الاول سال یک ہزار و یازدہ ہجری ابو الفضل را قتل کردہ و سرش
بریدہ نزد شاہزادۂ سلیم کہ در الہ آباد مقیم بود فرستاد شاہزادہ بغایت خوش شد و اکبر شاہ
تاسف خورد تحریرات وفاتر کتاب ابو الفضل و آئین اکبری و اکبر نامہ و عیار دانش و رسالہ
اخلاق وغیرہ یادگار قابلیت وے ہستند او ہم حسب شہرت مقید بمذہبے نبود۔

حافظ شاہ ابو اسحاق خلف و خلیفہ شاہ ابو الغوث گرم دیوان فاروقی بہیروی کہ
بسال یازدہ صد و ہفتاد و ہشت ہجری رحلت فرمود وے را گرم دیوان ازان گویند کہ
جسم مبارکش در بعض اوقات بخرق عادت بدرجۂ غایت گرم می شد کہ نان گندم بران توان
پخت وے را دو خلیفہ نامور بودند یکے شاہ معشوق علی غازی پوری دوم فرزند ارجمندش
مظہر محاسن اخلاق شاہ ابو اسحاق ذات شریفش نادرۂ روزگار مذکر شیم صحابۂ کبار بود زہد و تقوی
شعارش و احراز اسرار شریعت دثارش افتادہ در تصحیح و تنقید احادیث نبویہ علیہ الصلوٰۃ
والتحیۃ ملکۂ وہبی داشت و بتعلیم علوم ظاہر و باطن مے پرداخت و در مواظبت سنت سنیہ
اندکے تغافل نمی ورزید در امر معروف و نہی منکر ہر صغیر و کبیر و غنی و فقیر را یکسان مے دید بسال
دوازدہ صد و سی و چہار ہجری بریاض رضوان آرمید بہیروی نسبت بموضع بہیر ابابائے
مکسورہ موحدہ مخلوط بہا و یای مثناۃ تحتانیہ معروف و رائے مہملہ بعدش الف قریہ است
بضلع اعظم گڈھ از چڑیا کوٹ جانب شمال شش کروہ فاصلہ دارد

حکیم ابو الفتح گیلانی ولد مولانا عبد الرزاق جامع کمالات از ملازمان اکبر شاہ بود
پنجشنبہ نوزدہم شوال ۹۹۷ھ سال نود و ہفتم از صدی دہم ہجرت رحلت نمود

شیخ ابوالفتح علائی قریشی کالپوی مرید و خلیفۂ سید محمد گیسو دراز جامع علوم ظاہر و باطن بود بزیارت حرمین شریفین مشرف شده و کتاب عوارف المعارف پیش حضرت سید گیسو دراز گذرانیده و مثال خلافت و اقتدا یافته او را مصنفات است مثل تکمیل در نحو و مشاہد در تصوف قبرش بکالپی است برد الله مضجعه

قاضی ابوالفتح بلگرامی عرف قاضی کمال در عهد جلال الدین محمد اکبر بادشاه خدمت قضای بلگرام داشت و در علوم فقه علم بے مثالی مے افراخت بعمر ہشتاد و چہار سالگی در سن یکہزار و یک ہجری رحلت کرد

خواجه ابوالفتح کشمیری دانشمند محقق و عالم مدقق خصوصًا در علم کلام ید طولی داشت وی شاگرد خواجه حیدر چرخی است در استخراج مسائل فقهیه بے انباز بود کتاب سیف السابقین در رد عقائد اہل تشیع از تصنیفات اوست در صدی یازدهم ہجری بدار بقا رحلت کرد جزاه الله خیرا ه رفت اندر ہزار و یکصد سال ۔ تاریخ وفات اوست

شیخ ابوالفتح تھانیسری از فحول علمای روزگار و از اعیان متبحرین عالی مقدار بود سند حدیث از سید رفیع الدین محدث داشت و پنجاه سال در اکبرآباد درس علوم عقلی و نقلی فرموده و بسی مستعدان چالاک از دامن افاده او برخاسته اند مولوی عبد القادر بدایونی مصنف منتخب التواریخ از تلامذۂ اوست

مخدوم ابوالقاسم سندی ابن مفتی داؤد طالب علم صاحب مدرسه سرآمد روزگار بود بسیاری طلبۂ علوم را بفیض وافی رسانیده اورنگ زیب عالمگیری را از طرف خود وکیل شرعی قرار داده بود بسال ہزار و صد و سیزده ہجری فوت شد مخدوم رحمت الله سندی در ذهب العلم من السند تاریخ فوتش یافته

قاضی ابوالمعالی ساکن آگره شاگرد و خلیفه و داماد عزیزان بخارا است او در فقه چنان دستگاہی داشت که اگر بالفرض والتقدیر جمیع کتب فقه حنفی از عالم برافتادے او از سر نو مے توانست نوشت در سن نهصد و شصت و نه ہجری از توران بهند آمده در آگره مقیم شده ہمانجا وفات یافته سال وفاتش بدریافت نرسید ملا عبد القادر بدایونی مؤلف منتخب التواریخ

و میر غیاث الدین الملقب به نقیب خان اند مستفید شده اند

شیخ ابو المکارم اسمعیل ابن شیخ صفی الدین ردولوی دوازدهم ربیع الثانی سال هفتصد و هشتاد و نه هجرت ولادت یافته چهل روزه بود که پدرش وے را بپاے سید اشرف جهانگیر سمنانی پیر خود انداخت سید موصوف فرمود این هم مرید من است بالجمله شیخ ابو المکارم در سایۂ عاطفت پدر بزرگوار خود تربیت یافته بشانزده سالگی از جمیع علوم متعارفه فراغ حاصل کرده و شب و روز بدرس و تدریس و ذکر و فکر بسر مے برد او رحمة الله علیه بسیزدهم ربیع الاول روز چهارشنبه وقت عصر سال هشتصد و شصت هجرت از دار فانی بعالم جاودانی رحلت فرموده وے را چهار فرزند بودند عبد الصمد عزیز الله عبد القدوس حبیب الله عرف مخدوم مٹھن عبد الصمد و عزیز الله و حبیب الله از فیض تربیت پدر بزرگوار ارادت و خلافت خاندان چشتیه نظامیه حاصل کردند و شیخ عبد القدوس بخاندان چشتیه صابریه فیضیاب شده قصبۂ گنگوه را محط انوار و هدایت و ارشاد ساخت۔

حاجی ابراهیم محدث اکبر آبادی بزهد و تقوی و ورع و درس علوم دینے خصوصاً علم حدیث قیام داشت تقید بشرع و تورع وے از اختلاط و ارتباط بمردم بود همواره امر معروف و نهی منکر می نمود هر گاه حسب الطلب در عبادتخانۂ اکبر بادشاه می آمد برسم تکلفات و آداب ملوک مقید نمی شد و پیوسته وعظ و نصیحت می گفت و سال وفاتش بدریافت نرسید رحمة الله علیه

سید ابراهیم ایرجی ابن معین بن عبد القادر حسینی دانشمند کامل بر سائر علوم عقلی و نقلی و سعی تحقیقی عبور نموده کتب بسیار از هر علوم مطالعه کرده و تصحیح فرموده و مشکلات آنرا چنان حل کرده که هر کرا ادنی مناسبتی باشد نظر در کتاب او کافی بود و احتیاج استاد نداشت و الحق که در دهلی در زمان او هیچ کس بدانش او نبود وے بوجه ناحق شناسی اهل روزگار در زاویه تود بمطالعه و تصحیح کتب مشغول بودے و درس کم گفتی با این همه نسبت او بسلسلۂ علیه قادریه بهم غالب بودے مرید شیخ بهاء الدین قادری شطاری است در سن نهصد و بست هجری بدهلی در اواخر عهد سلطان سکندر لودے آمده شیخ عبد الله دهلوی و میان لادن و مولانا عبد القادر صابون گر و دیگر کارآگهان نامور به بزرگی او گرویدند و در عهد اسلام شاه در سن نهصد و پنجاه و سه هجری وفات یافته در مقبرۂ سلطان المشائخ مدفون است **ایرجی**

منسوب است بہ ایرچ بہمزۂ مکسورہ و یای تحتانی مثناۃ مجہول و رای مہملہ مفتوحہ و جیم فارسی قصبہ ایست بملک مالوہ اکنون بضلع جالون تعلق دارد و از شرفاے مشائخ و سادات آباد

معلم ابراہیم باعکظہ ساکن سورت دانشمند متبحر و فقیہ اشہر شافعی المذہب خطیب مسجد جامع بندر بمبئی بود ہموارہ بدرس و تدریس تفسیر و حدیث و فقہ مشغول بودی مفتی عبد اللطیف و مولوی سید عبد الفتاح عرف مولوی اشرف علی گلشن آبادی و سید عماد الدین از ارشد تلامذۂ وے ہستند بست و ہفتم رجب سن دوازدہ صد و ہشتاد و دو ہجری رحلت فرمودہ مرقدش در بندر سورت است و گلشن آباد نامش مشہور ناسک است

مولوی احسان الغنی ساکن دلمؤ مضاف لکھنؤ عالم عامل کہ ورع و تقوی دثارش بود بماہ رجب سال دوازدہ صد و ہشتاد و یک ہجری رحلت فرمود

حکیم احسان علی ساکن احمد آباد ناره خلف حکیم شیر علی متوطن احمد آباد ناره برادر کلان مؤلف کتاب بتاریخ بستم شعبان دوازدہ صد و بست و نہ ہجری بقصبۂ سلون متولد شدہ علوم رسمی و متعارفہ بخدمت قاضی عبد الکریم قدس سرہ بمقام راے بریلی و علم طب از والد خود حاصل کردند در طبابت مہارتی کامل داشتند و تمام عمر بعہدۂ وکالت سرکار انگریزی با ضلاع فتح پور و باندہ ممتاز بودند بمقام باندہ تا یک ہفتہ علیل ماندہ تاریخ نہم ذی الحجہ اخیر شب جمعہ سال دوازدہ صد و نود و چہار ہجری رحلت فرمودہ بروز جمعہ بمقام باندہ اندرون احاطۂ دیوان محمد علی مرحوم متصل قبر شیخ محمد شفیع الزمان مدفون شدند قطعۂ تاریخ وفات آن مرحوم از نتائج طبع شیخ محمد فہیم الزمان ساکن سندیلہ است ؎ حکیم احسان علی رحلت نمودند ؛ جوار حق کم از دو قوس بادا ؛ فہیم از درد دل سالش رقم زد ؛ مقامش جنت الفردوس بادا ؛ **ایضاً** از منشی نعمت حسن افسون تخلص رئیس باندہ ؎ احسان علی وکیل نے رحلت جہان سے کی ؛ ذات شریف پاک تھی ہر ایک عیب سے ؛ افسون کو فکر جو ہوئی سال وفات کی ؛ داخل ہوے بخلد ندا آئی غیب سے ؛ ۱۲۹۴ تصانیفہ۔ طب احسانی۔ معالجات احسانی۔ مفردات احسانی۔ مرکبات احسانی۔ اوراد احسانی۔ نکات احسانی۔ و دیگر کتب مفیدہ نیز یادگار ماند

قاضی احمد مجید تارہ نوی ابن قاضی مجد الدین بن قاضی تاج الافاضل ابن قاضی

شمس الدین شیبانی از اولاد امام محمد شیبانی صاحب امام اعظم ابوحنیفہ بود مولدش نارنول و
منشای او اجمیر و مرقد او ناگور است تلمذ و ارادت بخدمت خواجہ حسین ناگوری داشت در سن
ہژدہ سالگی فراغ حاصل کردہ انواع علوم را درس مے گفت قاضی مجد الدین پدرش را ہفت پسر
بودند ہمہ دانشمند و متقی و متدین و بزرگترین ایشان احمد مجد در علم و عمل برہمہ فائق و جامع علوم
شریعت و طریقت و ورع و تقوی و ذوق و حالت بود و در امر معروف و نہی منکر جانب دار
بحدیکہ پیش وے غنی و فقیر و خویش و بیگانہ درین باب مساوی بودند گاہے ما ہشت سا
بخود ماہی داد و ار باب دنیا را نزد وش قدرے نبود در آوان طالب علمی با دانشمندان بحث
کردی و بزبان عربی و فارسی تقریر نمودی و در مجالس ملوک و امرا در آمدی و بحث کردی ہم در عنفوان
شباب مرید خواجہ حسین ناگوری شد و از بحث و جدل و در آمدن بخانۂ ملوک توبہ کرد و علم طریقت
پیش پیر خود خواندہ در سن ہژدہ سالگی از نارنول با جمیر آمدہ ہفتاد سال در ان بقعہ شریف
بزہد و ورع در باخت و با نواع خیرات عمر بسر برد و در اجمیر روش او این بود کہ نیم شب
بروضۂ خواجہ بزرگ مے آمد و نماز تہجد مے گزارد و تا نماز چاشت آنجا مے کرد بعد فراغ
درس علوم دینیہ مے گفت و بعد قیلولہ قلیلہ بر مے خاست و تا عصر با وراد مشغول بودے
و بعد از ان تفسیر مدارک میان اہل مجلس بیان فرمودی چنانکہ سلوک طریق مشائخ وے بود
نقل است کہ وے مے گفت وقتے ہمراہ اقربائے خود برای مدد معاش بدہلی رفتیم و من دران ایام
خردسال بودم شیخ محمود دہلوی شیخ الاسلام در دہلی بود و صدارت علما با وے تعلق داشت
در نماز پیش از امام تحریمہ بست چون از نماز فارغ شد ہیچ کس از دانشمندان کہ در صف اول دہلوی
او بودند بوے چیزے نگفت چون دیدم کہ ہمہ مداہنت مے کنند من پیش آمدم و بشیخ الاسلام گفتم
کہ این نماز تو درست نیست کہ تحریمہ پیش از امام بستی شیخ الاسلام منفعل شدہ اعادہ نماز کرد
منقول است کہ رسم سلاطین ہند چنان بود کہ مردم با ایشان پشت خم کردہ و سر بر زمین نہادہ
سلام مے کردند قاضی احمد مجد و قاضی ادریس دہلوی کہ دانشمندان بودند بآن وضع سلام
نکردند کہ بدعت است السلام علیکم گفتند و برابر پادشاہ نشستند پادشاہ التفات
بایشان داد قاضی ادریس را قاضی اجمیر ساخت و چہار دیہ بوے داد و امر فرمودے

که موروثی قاضی احمد مجد بود بوے مسلّم داشت قاضی احمد مجد را بدرجهٔ نهایت محبت باولاد رسالت
پناه صلعم بود و در عموم احوال جامهٔ نفیس و کم پوشیدی و اکثر اوقات صرف کلاه بر سرش
بودی و جز نماز دستار بر سر کمتر بستی و شمشیر وار در مجلس تذکیر نشستی و تا قال الله و قال الرسول بهیبت و
عظمت تمام گفتی چنانکه زهرهٔ ملوک آب شدی و تعظیم خود از کس نمی پسندید بعد مدتے متوجه ناگور شد
که مسکن پیروی است و بتاریخ بست و پنجم صفر سال نهصد و بیست و هفت هجری الله اکبر گویان
جان بحق تسلیم کرد و در روضهٔ مخدوم بزرگ سلطان التارکین در پایان پیر خود مدفون گشت
ملا محمد نارنولی که مرد صالح و مقبول و مرید قاضی احمد مجد و مورخ وقت بود تاریخ فوتش چنین یافته
ست نظر بسته بود احمد مجد شیبان ٭ زدون خلیفه زاهد رشاه ٭ که تاریخ آن پیر خود نارنولے
بگو در دو عالم شیخ زاهد ٭ رحمة الله علیهم اجمعین

مولانا شیخ احمد سرهندی مجدد الف ثانی ابن مولانا شیخ عبدالاحد فاروقی

نسب آنحضرت به بست و هشت واسطه بجناب امیر المؤمنین سیدنا عمر بن الخطاب رضی الله
عنه مے پیوندد وی رحمه الله از بزرگان سرهند بلکه باعث فخر اهل هند عالم ربانی و مجدد الف
ثانی جامع بود میان علوم ظاهر و باطن و دلیلے بود ساطع بر شرافت نوع انسانی در سال هفتاد و
یکم از صدی دهم هجرت بساعت وجود قدم رنجه فرمود و بصغر سنی از حفظ قرآن مجید فراغت یافته
بتحصیل علوم متداوله پرداخته اولا از والد ماجد خود بعض علوم استفاده نموده بسیالکوٹ
رفت و از مولانا کمال الدین کشمیری نزیل سیالکوٹ کتب معقول بتحقیق و تدقیق تمام خوانده و
علم حدیث از مولانا یعقوب کشمیری اخذ کرده باز بخدمت مولانا عبدالرحمن محدث که از کبرا
محدثین هندوستان بود حدیث مسلسل بواسطهٔ واحد و اجازت تفسیر و صحاح ستّه
و دیگر مقروات یافته بود هفده سالگی از تحصیل علوم ظاهر فراغ حاصل کرده بدرس و تصنیف
مشغول شد خلافت سلسلهٔ چشتیه از والد خود داشت و اجازت بیعت قادریه و غیره
از شیخ سکندر کیتهلی یافته بهواے حجاز محمل شوق بسته بدهلی رسید و آنجا با حضرت خواجه محمد
باقی بالله الکنگی قدس سره دولت ملاقات دست داد بطریقهٔ علیهٔ نقشبندیه بخدمت شان
بیعت کردند و در دو ماه و چند روز نسبت حضور سلسلهٔ نقشبندیه حاصل نمودند چنانچه همدران

ایام حضرت خواجه یکی از مخلصان خود رقم فرموده‌اند که شیخ احمد نام مردی از سرهند کثیر العلم
قوی العمل بروزی چند با فقیر نشست و برخاست کرده بسیار از روزگار و اوقات خود مشاهده نموده
بآن می ماند که آفتابی شود که عالم از او روشن شود اتفاقی و بهمان زمان آوازه آنحضرت بلند شده
آستان شان مطاف رجال و مجمع اصحاب کمال گشت علمای دور و نزدیک دامای ترک
تاجیک بشرف حضور بهره ور گردیدند و مشایخ ارادت آوردند و سلسله شان از هند تا ماوراء النهر و
روم و شام و مغرب رسیده ذات بابرکات شان آیتی بود از آیات ربانی و نفحه بود از نفحات
یزدانی نزاعی که درمیان علمای کرام و صوفیه عظام از هزار سال بود ایشان برداشتند و مورد
و مصداق حدیث مصلح شدند چه ایشان درمیان علمای ظاهر و صوفیه صلح بودند که اختلاف
فریقین را در وحدت وجود بلفظ راجع داشتند صبر و رضا و تسلیم و شفقت بر خلق و صله رحم و رعایت
ارباب حقوق و حقیقت در اسلام و نسبت در کلام شیمه کریمه ایشان بود با این همه متمسک به
کتاب و سنت اند این یک فضیلت مقام هزار فضائل توانند بود منقول است که علمای ظاهرین
پیش سلطان جهانگیر ابن اکبرشاه شکایت کردند که شیخ احمد دعوی می کند که مقام وی
بالای مقام صدیق اکبر است چون سلطان شیخ را طلبیده از حقیقت حال استفسار کرد شیخ
جواب داد که شما برای خدمتی ادنی خادم خود را پیش خود می طلبید و براه مهربانی بوی سخنی
پوشیده می گوئید ضرور است که آن خادم ادنی بعد طی کردن مقامات امرای عالی درجه بشما می
رسد و باز آن خادم مراجعت کرده بمقام خود ایستاده می شود پس به این آمد و رفت لازم نمی آید
که مرتبه خادم ادنی بالای امرای نامدار باشد پادشاه خاموش ماند و از عتاب گذرانید بعد ازین وقت
مردی از حضار بارگاه شاهی بشاه معروض داشت که تکبر شیخ ببینید که سجده بشما نکرده حال آنکه شما
ظل الله و خلیفه او هستید بادشاه بر غضب شده وی را در قلعه گوالیار محبوس کرد شاهجهان پسر
جهانگیر که بشیخ خلوصی داشت قبل از آمدنش ببارگاه شاهی افضل خان و خواجه عبدالرحمن مفتی را
مع بعض کتب فقه نزد شیخ فرستاده پیغام داده بود که علما سجده تحیت جهت سلاطین جائز
داشته اند شما را باید که وقت ملاقات بادشاه را سجده کنید و من ضامن می شوم که از سلطان
بشما ضرری نخواهد رسید شیخ در جوابش گفت که اجابت سجده رخصت است و عزیمت

آنست که بحضور خدای عزوجل دیگری را سجده نکرده شود القصه شیخ تا سه سال در حبس مانده بعده
جهانگیر پادشاه وی را بدین شرط از قید برآورد که وی بالشکر سلطانی بوده همراهش گشت کند چنانچه
شیخ چندی به لشکر سلطانی حاضر ماند پس ازان از پادشاه رخصت وطن یافته بسرهند
رونق افروز شده بروز سه شنبه بیست و هشتم صفر سال سی و چهارم از صدی یازدهم هجرت
بجوار رحمت ایزدی پیوست و در سرهند مدفون گشت تاریخ وفاتش رفیع المراتب یافته اند
نور الله مضجعه تصانیفه الاتیه رساله تهلیلیه رساله اثبات نبوت رساله مبدء و معاد
رساله مکاشفات غیبیه رساله آداب المریدین رساله معارف لدنیه رساله رد الشیعه
تعلیقات العوارف شرح رباعیات خواجه باقی بالله مکتوبات در سه مجلد تمثیل
حدیث شریف ان الله یبعث لهذه الامة علی رأس کل مائة سنة من یجدد لها امر دینها که در سنن
ابی داود وغیره کتب معتبره مروی است مراد از راس مائة باتفاق اهل حدیث آخر صد است و
علامات و شروط مجدد آنست که وی عالم باشد بعلوم ظاهره و باطنه و نفع از تدریس و تالیف و تذکیر
او شائع باشد و در احیای سنن و محو بدعات سرگرم بوده و در آخر یک صدی و اول صدی
دیگر اشتهار علوم و شیوع انتفاع از وی باشد پس فضائل و اوصاف مولانا شیخ احمد باعلی صوت
ندای کند که وی رحمة الله علیه مجدد است نه مجدد مائة بل مجدد الف ثانی واضح تا ظاهرا فرق بین
است سرهند بکسر سین مهمله و سکون رای مهمله و کسر های هوز و سکون نون و آخر دال مهمله
شهریست درمیان دهلی و لاهور بر شارع عام کذا ذکره حسان الهند فی سبحة المرجان
مولانا احمد آبادی ابن مولانا سلیمان قدس سرهما اصل زاد بوم ایشان گروهست مولانا
سلیمان مذکور دار احمد آباد گجرات گزیده از خدمت شیخ عبدالحق دهلوی کسب فیوض نموده
فاضل متبحر گشت تصانیف عالیه از و یادگار اند پسرش مولانا احمد یگانه روزگار بوده بهمه
علوم دست رسا داشت و در اکثر علوم تصانیف نادره دارد و سلسلهٔ معقول بدیار گجرات
از وی رواج یافته از جمله مصنفاتش فیوض القدس نام کتابیست در علم کلام که آن را ازالة الهامات
همسر آن توان گفت اکثر تحصیل وی پیش مولانا محمد شریف بوده شرح مواقف و اکثر علوم
عقلیه از مولانا ولی محمد شاه و تصوف از جمال شیخ فرید اخذ کرده و دریافت پیش

شاه قباد مخاطب به دیانت خان گذرانید و اجازت حدیث و بعض علوم از والد خود مولانا سلیمان
گرفته بتاریخ بست و یکم جمادی الثانی سال یازده صد و دوازده هجری بعالم قدس شتافت
مولانا نور الدین گجراتی شاگردش تاریخ وصال وی درین مصرعه یافته ع شمعی که بود به انجمن
علم گل شده * مرقد پدر و پسر در احمد آباد گجرات است

ملا احمد رامپوری که بولایتی شهرت داشت شاگرد مولوی برکت اله آبادی بعلوم درسیه
خصوصاً در فلسفه ماهر بود سلسلهٔ تلمذ اکثر علمای رامپور بدو منتهی می شود

ملا احمد عبد الحق فرنگی محلی ابن ملا محمد سعید بن ملا قطب الدین الشهید السهالوی تحصیل
علوم بخدمت عم خود ملا نظام الدین نمود و در جنب وے بتدریس مشغول گشت و اعتبار تمام
در ارباب و اراکین شهر لکهنؤ پیدا کرده و امور خانه داری عم خود را سبکدوش مے داشت تصانیفش
شرح سلم و حواشی زواهد ثلثه یادگار اند

ملا احمد حسین فرنگی محلی ابن ملا محمد رضا پسر چهارم ملا قطب الدین الشهید السهالوے
کتب درسیه متعارفه بخدمت عم خود ملا نظام الدین تحصیل نموده فاضل کامل گشت و بتدریس
علوم عمر گرانمایهٔ خود بسر میبرد و اواخر عمر او را سفر فیض آباد پیش آمد و آنجا بیمار شده بوطن می آمد در اثنای
راه وفات یافت ملا حبیب الله فرنگی محلی از تلامذهٔ اوست

ملا احمد انوار الحق فرنگی محلی ابن ملا احمد عبد الحق بن ملا محمد سعید بن ملا قطب الدین سهالوی
چون در فطرت ازلی محبت الٰهی در دلش ریخته بودند در عالم طفولیت بخدمت والد خود مے
نشست و از برکات انفاس طیبهٔ او استفاده مے برد کتب درسیه بخدمت مولوی احمد حسین
و ملا محمد حسن خوانده تکمیل علوم ظاهر بخدمت مولوی عبد العلی بحر العلوم نموده بعمر هفتده سالگی بخدمت
والد خود فائز به بیعت گشته توجه خاطر بمعقولات نداشت کتب منقول البته منظور نظرش بودند
الغرض اوقات شریفش بعبادت الٰهی بسر مے برد و نفسی بدون ذکر و شغل برباد نمے داد
حالات شریفش از خوارق عادات مفصلاً در اغصان اربعه مذکور است بست و ششم
شعبان روز سه شنبه یک پاس روز مانده سال دوازده صد و سی و شش هجری روح مبارکش
از جسد قالب برآمده برفیق اعلی پیوست در باغ خود واقع لکهنؤ مدفون شد

شاعری مادهٔ تاریخ فوتش در مصرعه. رحمت حق بروح انور باد یافته

شیخ احمد لاهوری بن عبدالله بن علی محمد بن محمد جمال الدین دوانی وے ابوالمجد مولوی
محمد اشرف لکھنوی بود اسلافش از دوان که قریه ایست در شیراز بودند وقتیکه اهل تشیع بر ایران
زمین استیلا یافتند وقتل ونهب اهل سنت از دست شان بظهور آمد جدش به پشاور رسید
همانجا شیخ احمد متولد شد وعلوم عقلیه ونقلیه اکتساب کرد وانپشاور بموضع نبه اقامت گزید طبیبی
حاذق بود بمداواهٔ فقرا وغربا مے پرداخت وباغنیا التفات نمی شد همواره بریاضات و
بدرس علوم اشتغال داشت ودرسن یکهزار دو هفتاد وهفت هجری وفات یافته در نبه مدفون گردید
نبه دیهی است از دیهات سیالکوٹ مضافات لاهور

مولوی احمد حسن قنوجی فرزند کلان مولوی سید آل حسن قنوجی جامع علوم عقلیه ونقلیه
بتاریخ نوزدهم رمضان یوم شنبه وقت اشراق سال دوازده صد وچهل وشش هجری متولد شده
علوم مروجه ببلاد متفرقه بخدمت اساتذه چند آموخت شاعری قوسے الحافظ حمید الدین بود
در آخر بحلقهٔ تلمذ مولوی عبد الجلیل کولی در آمد واجازت حدیث از شاه عبد الغنی مجددی دهلوی یافته
در سال دوازده صد وهفتاد وشش هجری باراده حج بیت الله از وطن روانه شده بمقام
برووه ملک گجرات رسید نزد مولوی غلام حسین قنوجی مقیم شد ودر انجا بمرض تپ بیمار گشته
نهم جمادی الاولے بروز جمعه سال دوازده صد وهفتاد وهفت هجری رحلت فرموده
بعد نماز جمعه در تکیه ماتریدیه مدفون گشت طاب الله ثراه

مولوی احمد الله پانی پتی فرزند وتلمیذ قاضی ثناء الله پانی پتی ومرید مرزا مظهر جانجانان
دهلوے ماهر فقه وحدیث صاحب ورع وتقوی بود در سال یازده صد ونود وهشت هجری
بعالم جوانی سوے عالم جاودانی شتافت

شیخ احمد فیاض امیٹھوی از فحول علمای کبار صاحب تقوی وریاضت ومجاهده بود
بحالت بیماری حسب قرآن مجید را در یکسال یاد کرده اکثر کتب متداوله بر زبان داشت
اگر شاگردی در خواندن غلط کردی صحت آن بیان گفتی تفسیر وحدیث وسیر وتاریخ خوب میدانست
قرأت فاتحه عقب امام روا داشتی معاصر شیخ نظام الدین امیٹھوی بود وشیخ

نظام الدین مذکور در سال ششصد و ہشتاد و یک ہجری وفات یافتہ تاریخ وفات شیخ احمد
معلوم نشد

قاضی احمد اللہ بلگرامی عرف محمد عثمان ابن قاضی محمد احسان وی بحلیہ علوم آراستہ بود
خصوصاً بفقہ و حدیث در بلگرام نظیری نداشت تا سال نود و ششم صدی دوازدہم بر مسند
قضاے بلگرام متمکن بود بلگرام را در زبان پیشین سرے نگری گفتند بالجملہ آن قصبہ عمدہ منبع و معدن
علماے و فضلاے نامدار بود از قنوج بسمت شمال مائل بمشرق بفاصلہ پنج کروہ واقع است
و در وسط آن پیرو شہر دریای گنگ بفاصلہ دو نیم کروہ مے گذرد

مفتی احمد ابو الرحیم فرنگی محلی ابن مفتی محمد یعقوب بعد تحصیل کتب درسیہ بدرس
اشتغال داشت و مزاولت کتب فقہیہ بسیار نمودہ مفتی متدین مشہور بود مدتے عدالت
فوجداری در عہد نواب سعادت علی خان لکھنوی باو تفویض ماند نواب موصوف بر دیانت
و امانت وے اعتمادی داشت بقضای الٰہی بیمار شدہ وفات یافت رحمۃ اللہ علیہ

مولوی احمد رضا خان بریلوی سلمہ اللہ تعالیٰ ابن مولوی نقی علی خان بن
مولوی رضا علی خان متوطن بریلی روہیلکھنڈ تاریخ دہم ماہ دہم یوم السبت سال ہفتاد و
دوم از صدی سیزدہم بعرصۂ دنیا قدم نہاد جد شریفش بروز عقیقۂ وے بشر شدہ گفت خوابی
دیدم کہ تعبیر آن فاضل و عارف شدن این فرزند است بالجملہ صاحب ترجمہ بعمر چہار سالہ از
خواندن قرآن مجید فراغت یافتہ و بعمر شش سالگی بماہ ربیع الاول بر سر منبر مجمع کثیر رسالۂ
میلاد شریف خواند تمامی علوم درسیہ از معقول و منقول بخدمت والد ماجد خود تحصیل نمودہ
بتاریخ چہاردہم شہر ہشتم سال ہشتاد و ششم از صدی سیزدہم فاتحہ فراغ خواند و ہمان تاریخ جواب
استفتاے رضاعت نوشتہ والد ماجد وی کار فتاوے نویسی باو سپردہ و در سال نود و
چہارم صدی مذکور بخدمت سید شاہ آل رسول مارہروے شرف بیعت حاصل نمودہ
مثال خلافت و اجازت جمیع سلاسل و سند حدیث یافتہ در سال نود و پنجم صدی مذکور بہ
معیت والد ماجد خود بزیارت حرمین شریفین زادہما اللہ شرفاً مشرف شدہ از اکابر علمای
آن دیار اعنی سید احمد دحلان مفتی شافعیہ و عبد الرحمان سراج مفتی حنفیہ سند

حدیث وفقہ واصول وتفسیر ودیگر علوم یافتہ۔ روزی نماز مغرب بمقام ابراہیم علیہ السلام خواند بعد نماز امام شافعیہ حسین بن صالح جمل اللیل بلا تعارف سابق دست صاحب ترجمہ گرفتہ بخانہ خود برد و تا دیر پیشانی وی گرفتہ فرمود انی لاجد نور اللہ من ہذا الجبین پس سند صحاح ستہ واجازت سلسلۂ قادریہ بدستخط خاص دادہ فرمودند کہ نام تو ضیاء الدین احمد است در سند مذکور تا امام بخاری علیہ الرحمۃ یازدہ وسائط اندوہم در مکۂ معظمہ بایمای شیخ جمل اللیل موصوف شرح رسالۂ جوہرۂ مضیہ در بیان مناسک حج مذہب شافعیہ کہ از تصانیف شیخ سابق الوصف است اندر دو یوم نوشتہ ونام آن النیرۃ الوضیۃ فی شرح الجوہرۃ المضیۃ مقرر کردہ پیش شیخ برد شیخ بہ تحسین وآفرین وے لب کشاد در مدینہ طیبہ مفتی شافعیہ یعنی صاحبزادہ مولانا محمد بن محمد غرب ضیافت صاحب ترجمہ کردہ با ثنائے اکل طعام مسئلہ افضلیت مدفونین بقیع پیش گردید صاحب ترجمہ گفت کہ امیر المومنین عثمان رضی اللہ عنہ افضل اند و مولانا می فرمود کہ حضرت ابراہیم ابن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فضیلت دارند جانبین دلائل خود ہا بیان مے کردند آخر مولانا فرمود کہ ہر دو قول صحیح وموجہ اند صاحب ترجمہ گفت ولکل وجہۃ ہو مولیہا آن وقت بانگ نماز عصر از حرم شریف برخاست مولانا فرمود فاستبقوا الخیرات آن جلسہ برخاستہ بنماز شریک شد بشب یعنی بعد نماز عشا صاحب ترجمہ در مسجد خیف تنہا توقف نمود وانجا بشارت مغفرت یافتہ وے سلمہ ربہ تصانیف بسیار دارد از ان جملہ اینند

ماتعلق بالنبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم ۱ تجلی الیقین بان نبینا سید المرسلین ۲ اقامۃ القیامہ علی طاعن القیام لنبی تہامہ ۳ سلطنۃ المصطفی فی ملکوت کل الوری ۴ نفی الفیٔ عمن بنورہ انار کل شیٔ ملقب بہ قمر التمام فی نفی الظل عن سید الانام ۵ ہدی الحیران فی نفی الفیٔ عن شمس الاکوان ۶ سمع وطاعۃ لاحادیث الشفاعۃ ۷ نور الافلاک بجلال حدیث لولاک ۸ القیام المسعود بتنقیح المقام المحمود ۹ اجلال جبریل بجعلہ خادما للمحبوب الجلیل ۱۰ اسماع الاربعین فی شفاعۃ سید المحبوبین ۱۱ البحث الفاحص عن طرق حدیث الخصائص **مما یتعلق بتفضیل الشیخین** ۱۲ منتہی التفصیل لمبحث التفضیل ۱۳ مطلع القمرین فی ابانۃ سبقۃ العمرین ۱۴ الزلال الانقی من بحر سبقۃ الاتقی ۱۵ الکلام البہی فی تشبیہ الصدیق بالنبی ۱۶ وجد المشوق بجلوۃ اسماء الصدیق

والفاروق **مما یتعلق باہل بیت النبوۃ والصحابۃ** ۱۷ احیاء القلب المیت بنشر
مناقب اہل البیت ۱۸ اظلال السحابہ فی اجلال الصحابہ ۱۹ رفع العروش الخاویہ من ادب الامیر
معاویہ ۲۰ الاحادیث الراویہ لمناقب الصحابی معاویہ **مما یتعلق بالاولیاء الکرام**
۲۱ الاہلال بفیض الاولیاء بعد الوصال ۲۲ انہار الانوار من یم صلوٰۃ الاسرار ۲۳ ازہار الانوار
من ضیاء صلوٰۃ الاسرار ۲۴ طوالع النور فی حکم السراج علی القبور ۲۵ مجیر معظم شرح قصیدہ اکسیر اعظم
مما یتعلق بالمسائل النزاعیۃ ۲۶ حیاۃ الموات فی سماع الاموات ۲۷ منیر العین فی
حکم تقبیل الابہامین ۲۸ نسیم الصبا فی ان الاذان یحول الوبا ۲۹ البارقۃ الشارقۃ علی
مارقۃ المشارقۃ **مما یتعلق بفن الحدیث** ۳۰ النجوم الثواقب فی تخریج احادیث الکواکب
۳۱ نور عینی فی الانتصار للامام العینی ۳۲ الروض البہیج فی آداب التخریج۔ اگر پیش ازین کتابے
درین فن یافتہ نشود پس مصنف را موجد تصنیف ہذا مے توان گفت **مما یتعلق بالفقہیات**
۳۳ عبقری حسان فی اجابۃ الاذان ۳۴ حسن البراعۃ فی تنفیذ حکم الجماعۃ ۳۵ ازکی الاہلال فی
ابطال ما احدث الناس فی امر الہلال ۳۶ الاحلی من السکر لطلبۃ سکر روسر بفتح رائے مہملہ و
سکون واو و سین مفتوحہ و آخر رائے مہملہ ساکنہ نام جماعت تجار انگریز است کہ در شاہجہانپور
کارخانہ شکر و قند اجرا کردہ اند و استخوان حیوانات سوختہ بزگال آن تصفیہ شکر وغیرہ مے نمایند
۳۷ اجود القری لمن یطلب الصحۃ فی اجارۃ القری ۳۸ النیرۃ الوضیۃ فی شرح الجوہرۃ المضیئۃ
۳۹ جلی جلیۃ فی ان المکروہ تنزیہا لیس بمعصیۃ ۴۰ الامر باحترام المقابر ۴۱ البارقۃ اللمعا علی
طالع نطق بکفر طوعا ۴۲ المقالۃ المسفرہ عن احکام البدعۃ المکفرہ ۴۳ احکام الاحکام فی
التناول من یظن مالہ حرام ۴۴ فصل القضا فی رسم الافتا ۴۵ العطایا النبویہ فی الفتاوی
الرضویہ **من ابواب شتّٰی** ۴۶ مقامع الحدید علی خد المنطق الجدید ۴۷ اعتبار الطالب
بحث ابی طالب ۱۲۹۹ ۴۸ السعی المشکور فی ابداء الحق المہجور ۴۹ نور الامال فی الاوفاق و
الاعمال ۵۰ ماثل و کلے من ادعیۃ المصطفٰے۔ بماہ جمادی الآخر سن سیزدہ صد ہجری با
برخے از مفضلین بریلی و بدایون و سنبھل و رامپور وغیرہ کہ سرخیل شان مولوی محمد حسن
سنبھلی بودند در بلدہ بریلی فراہم شدہ خواستند کہ بصاحب ترجمہ در باب تفضیل باب

مناظرہ کشاید صاحب ترجمہ باوجود علالت طبع واستعمال منضجات اول اسی سوال نوشتہ پیش سرگروہ آن طایفہ فرستاد مجرد معاینہ اسولۂ مذکورہ سرگروہ مناظرین بسوارے عجلہ وخائف بعجلت تمام جانب وطن تشریف فرما شدند و دیگر معاندین شان بزاویہ من سکت سلم پناہ بردند چنانچہ قدرے تفصیل این واقعہ در رسالۂ فتح خیبر مطبوع شدہ است زان بعد اعلان مناظرہ بحث مذکور منجانب صاحب ترجمہ عموماً مطبوع شدہ شائع گشت تا الے یومنا ہذا از جانب صدائے برنخاست ذلک فضل اللہ یوتیہ من یشاء واللہ ذو الفضل العظیم تصانیف وے تا این زمان قریب ہفتاد و پنج مجلد رسیدہ اند سلمہ اللہ تعالیٰ

ملا احمد زین جونپوری عالم متبحر و عامل و متوکل و متورع و متبرک مرید شیخ معروف جونپوری بود و شیخ معروف مرید مولانا الٰہ داد شارح کافیہ وہدایہ و بزدوی و مدارک است و وی مرید راجہ حامد شاہ مانک پوری بود

مولانا احمد تھانیسری مرید شیخ نصیر الدین اودھے دہلوی در فضائل و علوم ظاہری بسیاری ماہر بود بعد معاودت امیر تیمور گورگانی مولانا از دہلی بکالپی آمدہ متوطن شد وہمان جا وفات یافتہ اندرون قلعہ کالپی مدفون گردید او را قصیدہ ایست دالیہ در لغت کہ در وداد فصاحت و بلاغت دادہ چند بیت ازان شیخ المحدثین دہلوی در اخبار الاخیار نقل کردہ قابل دید ست

قاضی احمد غفاری قزوینی از اولاد امام نجم الدین عبد الغفار ست کہ صاحب کتاب حاوی در مذہب شافعی گذشت فاضل و منشی و مورخ و خوش طبع بے عدیل بود کتاب نگارستان در عجائب حالات و غرائب واقعات و کتاب نسخ جہان آرا کہ نامش تاریخی است در مجمل تواریخ عالم از زمان آدم تا حضرت خاتم صلعم از تالیفات اوست در آخر حال دست از وزارت بادشاہزادگان عراق باز داشتہ متوجہ زیارت بیت الحرام گردیدہ و آن سعادت را دریافتہ از بندر اہل ہندوستان سے آمد ناگاہ دست قضا در رخت ہستی وے خلل انداختہ در سال نہصد و ہفتاد و پنج ہجری بعالم بقا گشید یفعل اللہ ما یشاء و یحکم ما یرید

مولوی احمد بخش سندیلی ابن مولوی سید عبداللہ ساکن سندیلہ اخذ علوم از والد ماجد خود
و نیز مولوی اعزالدین سندیلی و مولوی حیدر علی سندیلی کردہ مرید و خلیفہ پدر خود بود و طلب
ظاہر و باطن را از وفیضی مزید مے رسید کمتر درس میداد و مرید مے کرد سال وفاتش معلوم
نہ شدہ در باغ امرہرہ واقع قصبہ سندیلہ پائین والد خود بخاک آسود علیہ رحمۃ اللہ الودود

شیخ احمد عرب یمنی شروانی ابن شیخ محمد یمنی شروانی در اواخر صدی دوازدہم
یا باوائل صدی سیزدہم ہجری بہندوستان آمدہ و سیاحت شہرہائے کلان نمودہ اکثر بکلکتہ مقیم
بودے در فن ادب عرب مہارتے کامل داشت از تصانیف وے نفحۃ الیمن فیما یزول بذکرہ
الشجن کہ بپاس خاطر مستی مزون صدر المدرسین کلکتہ تالیف نمودہ و مناقب حیدریہ کہ بطیب
خاطر غازی الدین حیدر فرمانروائے لکھنؤ تصنیف کردہ و شمس الاقبال فی مناقب
ملک بھوپال و انشائے عجب العجائب مشہور اند و اظہار لیاقت علمی وے مے کنند
سال وفاتش بدریافت نرسیدہ

مولوی احمد علی عباسی چریاکوٹی از اکابر و مشاہیر علمائے ہندوستان ہست
بجمیع فنون متداولہ مہارتے تمام داشت علی الخصوص در اصول فقہ و فلسفہ اولی علم سربلندی
مے افراشت بسال یک ہزار و دو صد ہجری از کتم عدم بمنصہ شہود قدم وجود نہادہ در
عنفوان شباب در وطن مالوف خود بہ تحصیل علوم کمر ہمت بستہ طرفے از صرف و نحو بخدمت مولوی
حافظ غلام علی عباسی کہ از گرامی ناموران مرد بوم چریاکوٹ بودند اخذ فرمودہ بعد ازان چون داعیۂ
تحصیل کمال در دلش راسخ بود بسے بر نیامد کہ سوداے رہ نوردی برزیلہ اہل بستہ و خار
عنا در پاے جہد و طلب شکستہ بخدمت مشاہیر علمائے ہند پیوستہ انا نجا کہ طبع صافی
وذہن ثاقب داشت ہیچ درے از درہاے علم نبود کہ بر وکشادہ نشد فنون ریاضیہ را
از مولوی غلام جیلانی ہمراہی مولوی حیدر علی رام پوری و نیز تعلیم ایشان تکمیل
آوردہ و فلسفہ و فقہ و اصول و بلاغت را از بلاد بعیدہ حاصل کردہ و تحصیل علم
قراءت و تجوید زمام تعلم بدست قاری نسیم رام پوری سپردہ و آن را با نجام رسانیدہ
و اعمال مسلوکہ درویشان از برگزیدہ آفاق حضرت حافظ ابو اسحاق عرح

ساکن بہار گرفتہ و در ایام تحصیل داد سیاحت دادہ و بجہد تمام در پے ہر ہنری فتادہ بعمر سی
سالگی از جمیع فنون درسیہ و غیر درسیہ طرف بستہ بوطن باز آمدہ برسم ازدواج و مناکحت
پرداخت و زان بعد بمسند افادہ فنون و درس علوم نشستہ جمعے کثیر را از فنون مختلف
بہرہ مند گردانید در تعلیم وے را طریقہ خاصہ بود کہ ہیچ متعلم بے بہرہ وا نمی ماند علمائے معاصرش
از طرز تعلیم وے معترف بکمالش بودند بتصانیف کمتر متوجہ مے شد مگر باقتراح بعض
احباب بہ تسوید اجزائے چند در بعض علوم پرداختہ کہ بعضی از ان ناتمام ماندہ و برخے را
تکمیل ساختہ چو انوار احمدی حاشیہ قال اقول و شرح سلم العلوم بانجام نرسیدہ و لوا النواظر در علم
مناظرہ باتمام رسانیدہ و ہمچنین رسائل او در فنون مختلفہ فی الجملہ موجود اند و از ارشد و اشہر
تلامذہ وے علمائے موصوف الذیل ہستند مولوی نصر اللہ خان خویشگی خورجوی و مولوی
علی عباس چریاکوٹی و مولوی نجم الدین چریاکوٹی و مولوی عنایت رسول چریاکوٹی صاحب ترجمہ
علیہ الرحمۃ بماہ ذی حجہ سال دوازدہ صد و ہفتاد و دو ہجری رخت ہستی بروضہ رضوان بربست
علیہ الرحمۃ والغفران **چریاکوٹ** قصبہ ایست مردم خیز در سواد اعظم گڈھ بہیرا بباے
موحدہ مکسورہ مخلوط بہاے مختفی و یاے مثناۃ تحتانیہ معروف و راے مہملہ مفتوحہ بآخرش الف
قصبہ ایست بسواد اعظم گڈھ مسکن مشائخ عظام

قاضی احمد علی سندیلی ابن سید فتح محمد ساکن سندیلہ شاگرد و داماد مولانا حمد اللہ سندیلی
دانشمند متبحر کثیر الدرس والتصانیف ذکی و فہیم بود از پیشگاہ سلاطین دہلی بعہدۂ قضاے قصبہ
سندیلہ عز امتیاز داشت مولوی حیدر علی ابن مولانا حمد اللہ ہم ازو مستفید شدہ حاشیہ میر زاہد
رسالہ و حاشیہ میر زاہد ملا جلال و حاشیہ میر زاہد شرح مواقف و شرح سلم العلوم و حاشیہ
منہیہ بر شرح سلم و رسالہ فرائض حنفی از تصنیف انیق او یادگار ماندہ در اواخر صدی دوازدہم ہجری
رحلت فرمودہ بقصبہ سندیلہ در صحن امام باڑہ سید غلام حسین مدفون گشت طاب اللہ
ثراہ و جعل الجنۃ مثواہ

خواجہ اختیار الدین عمر ایرجی آبا و اجداد او از کبراے خطہ ایرج بودند و بمنصب
عہدہ داری معین و منصوب آخر الامر او را جذبہ دست داد و یکلخت ترک حطام دنیا وے نمودہ

آنچه از ادرارات و انعامات متعین داشت همه را بطوع و رغبت گذاشته در طلب علم و طریقه زہد قدم صدق نهاد و در خدمت قاضی محمد سادی که از اساتذہ عهد و صلحاے روزگار و مرید و خلیفه شیخ نصیر الدین محمود بود تحصیل علم کرد و به نعمت خلافت و اجازت مشرف گشت وفاتش چهاردهم محرم سن هشت صد و نه هجری واقع شده بمقام ایرج مدفون گشت علیه الرحمة والرضوان

حکیم ارزانی دہلوی نامش محمد اکبر بن حاجی محمد مقیم در عصر فیض اثر بادشاه جمجاه ابو المظفر محی الدین اورنگ زیب عالمگیر غازی طبیبی حاذق مرید خاندان قادریه بود بمطب مرضیٰ و تالیف کتب طبیه بسر می‌برد از تصانیف او کتب ذیل مشهور اند. میزان الطب. حدود الامراض منتخب اکبری. مجربات اکبری. مفرح القلوب شرح قانونچه. قرابادین قادری. طب اکبر که در سال یازده صد و هشت هجری ترجمه کتاب شرح اسباب و علامات تالیف نموده تاریخ تالیف آن در لفظ شرح اسباب و علامات بعد حذف اعداد حروف علت که چهار الف و یک واو هست مولف موصوف خود یافته

قاضی ارتضا علی خان گوپاموی ابن مصطفےٰ علی خان در سال یازده صد و نود و هشت هجری متولد شده بخدمت مولوی حیدر علی سندیلی علوم عقلی و نقلی اخذ کرده و فن ادب از مولوی محمد ابراهیم بلگرامی آموخته جامع شریعت و طریقت بود در سن دوازده صد و بیست و پنج هجری نزد والد خود بمدراس رسیده و در آن وقت والد وے قاضی مدراس بود بعد وفات پدر خود هم بران منصب ممتاز شده بافاده علوم مے پرداخت بر صدرا و میرزاہد ملا جلال وغیره حواشی و شروح نوشته که مطرح انظار علماے کرام اند از تصانیف ارتضائیه و نقود الحساب و رساله فرائض و شرح قصیده برده نیز از تصانیف مشهوره وے اند در سال دوازده صد و پنجاه و یک هجری وفات فرموده

مولوی انوار الحق فرنگی محلی ابن ملا احمد عبد الحق و برادر عینی ملا احمد انوار الحق تا شرح جامی بخدمت مولانا عبد العلی بحر العلوم خوانده بسبب روانگی مولانا موصوف جانب بیلکهنڈ کتب متوسطه اکثرے از معقولات منقول بخدمت ملا احمد حسین تحصیل نموده کتب معقول پیش ملا محمد حسن استفاده کرده از بعد بنا بر درس و تکمیل به شاهجهان پور نزد مولانا بحر العلوم رفت و از انجا معاودت نموده مدتے در وطن خود لکهنؤ بدرس

معروف ماند پس بتلاش معاش بطرف رامپور رفت و بهیلی روانه شد شاه لال مرحوم او را غنیمت شمرده بخانه خود جایش دادند و بخدمت وے طلبه علم برائے تدریس ہجوم کردند در مسجد شاه مذکور درس میداد و از شاه موصوف بسلسله نقشبندیه بیعت کرده و از انجا همراه مولانا بحر العلوم روانه بهار شد و در انجا درس بطلبه میداد بازوا پس بوطن آمد و بکار درس مشغول ماند و بعمر هفتاد سالگی از عالم فانی بملک جاودانی خرامید

شیخ اسحاق لاهوری ابن شیخ کاکو دانشمند متبحر و متوکل و متورع دایم درس می گفت جامع جمیع علوم و صوفی مشرب و همیشه بحق مشغول می بود تا نی بر سید سخنی نمی گفت شیخ سعد الله و شیخ منور از تلامذه او مشهور ماند سن شریفش از صد متجاوز شده بسال نهصد و نود و شش هجرت رحلت فرمود

مفتی محمد اسد الله آکه آبادی ابن مفتی کریم قلی بزرگی خاندان ایشان بهمگنان ظاهر و هویداست دانشمند ذکی و متقی باوصاف حمیده و اخلاق پسندیده آراسته و پیراسته بود نسبت تلمذ به مولانا فضل رسول بدایونی داشت هنگامیکه در فتح پور مفتی عدالت بوده فقیر جامع الاوراق شرح عقائد نسفی و مشکوٰة شریف در خدمت بابرکت شان سبقاً خوانده باز قاضی القضاة صدر آگره و در اخیر صدر الصدور جونپور شده بتاریخ یکم جمادی الاول یوم دوشنبه سال سیزده صد هجری لا اله الا انت گویان جان بجان آفرین سپرده بمحله چتر ساری منحلات جونپور مدفون شدند طاب الله ثراه

مولوی اسد علی سندیلی پدر وے شیخ صادق علی از فیض آباد آمده مرید دربان شاه سندیلی شده همانجا سکونت اختیار کرده اسد علی بقصبه مذکور ولادت یافت از علمای وقت کتب درسیه باتمام رسانیده و تمام عمر ملازم درس و تعلیم بوده بست و هشتم ربیع الثانی سال دوازده صد و نود و هشت هجری روز جمعه رحلت فرموده بسندیله مدفون گشت

مولوی اسلم مدراسی نام وے محمد سعید است دانشمندی متبحر از تلامذه ارشد ملک العلمای مدراس بود کتاب تحفه اثنا عشریه مصنفه مولانا شاه عبد العزیز دہلوی را از فارسی بعربی ترجمه نموده کتاب سفینة النجات هم از تصانیف اوست علیه الرحمه

سید اسمعیل بلگرامی دانشمند متبحر بود بہ سال یازدہ صد و شصت و چہار ہجری وفات یافتہ

شیخ اسمعیل لاہوری از عظماے محدثین و مفسرین بود اول کسی است کہ علم حدیث و تفسیر بہ لاہور آورد و ہزارہا مردم در مجلس وعظ وے مشرف باسلام مے شدند در سال چہار صد و چہل و ہشت ہجری بہ لاہور درگذشت

اسمعیل عرب از اقران شیخ حسین تبریزی در ہیأت و حکمت و طب بے نظیر بود و بدرس شرکت مکانی با شیخ حسین داشت و طلبہ را ازین صحبت شریف ایشان ابواب فیض بروے مے کشود بوجہ اثاث البیتی کہ داشت شبے اورا دزدان شہر بعہد جلال الدین محمد اکبر شاہ کشتند

سید اشرف سمنانی وی را سید اشرف جہانگیر گویند از اکابر علماے ربانی و کاملان صاحب کرامت و تصرفات است در سیاحت با امیر کبیر سید علی ہمدانی قدس سرہ رفیق بود عاقبت بجانب ہندوستان افتاد و در حلقۂ ارادت شیخ علاء الدین درآمد اورا پیش از ارادت مقامات عالیہ کشف و کرامت حاصل بود در حقائق و توحید سخنان عالی دارد و اورا مکتوبات است مشتمل بر تحقیقات غریبہ و با قاضی شہاب الدین دولت آبادی معاصر بود غالباً قاضی از وے تحقیق بحث ایمان فرعون کہ در فصوص الحکم اشارتی بدان واقع شدہ است کردہ بود او درین باب بوے مکتوبے نوشت کہ در اخبار الاخیار شیخ المحدثین دہلوی نقل کردہ مزار سید اشرف در کچھوچھہ است نام مبارکش را در دفع جن بغایت موثر مے دانند و اورا ملفوظاتے است مسمی بہ لطائف اشرفی کہ یکے از مریدان او جمع کردہ

شیخ اعظم ثانی لکھنوی ابن شیخ ابو البقا بن شیخ موسی بن شیخ ضیاء الدین کرمانی از علماے فحول و دانشمند متبحر جامع بود میان علوم ظاہری و باطنی و ارادت بہ شیخ ابو الفتح جونپوری داشت شیخ ضیا لکھنوی و شیخ سعد الدین خیرآبادی از ارشد تلامذہ وے اند و با شیخ سعد اللہ کنہ درسے فراز معاصرت و محبتی تام داشت گویند وے را در علم فقہ مرتبہ بلند و پایہ ارجمند بود و در تقریر مسئلہ فقہیہ بیانے صافی و تقریرے وافی مے کرد وے را در علم فقہ رسائل متعددہ اند شیخ ضیاء الدین اب الجدی در عہد ہلاکو خان از کرمان بہ ہندوستان آمدہ

جہت ملاقات شاہ سمرقندی بہ لکھنؤ رسیدہ و بہ سبب علاقہ محبت او شان دران بلدہ توطن اختیار کرد شیخ اعظم ثانی سہ عقب ذیل گذاشتہ وفات یافتہ سال وفاتش معلوم نہ شد ۱۔ شیخ محمد عرف شیخ قاضی ۲۔ شیخ احمد فیاض ۳۔ شیخ نصیر الدین۔ اولاد ہر یکے ازانہا در لکھنؤ و دیوہ و انام موجود اند

مولوی افہام اللہ سندیلی ابن مولوی سید فتح اللہ بن سید شاہ غلام علاء الدین مخدوم زادہ سندیلہ اکتساب علوم متداولہ از والد خود و مولوی عبد اللہ و مولوی احمد بخش سندیلیان و مولوی انوار الحق و مولوی سراج الحق لکھنویان و علم طب از حکیم مرزا محمد علی لکھنوی طبیب شاہی کردہ احسان حسین خان و مظفر حسین خان فرزندان سبحان علی خان کمبوہ و مولوی محمد علی شاہ لکھنوی از تلامذہ صاحب ترجمہ بودند بجز شرحی مختصر بر میزان الصرف تالیفے ازو یافتہ نشد بمقام نان پارہ ضلع بہرائچ وقتیکہ ملازم راجہ منور علی خان بود ازین جہان بی بنیان رخت ہستی بربستہ ہمانجا مدفون گشت علیہ الرحمۃ والغفران

مولوی اکبر علی سندیلی ابن مولانا حمد اللہ سندیلی شارح سلم العلوم و برادر کلان مولوی حیدر علی سندیلی اکتساب علوم ظاہر از والد ماجد خود نمودہ عالم متبحر بود مگر بدرس و تدریس بوجہ افکار وادوار دو چلہ نشینی التفاتے نکرد او مرید شاہ قدرت اللہ مرحوم صفی پوری بود و شرح بسیط بر حزب البحر از تصانیف شریفہ او یادگار روزگار ہست تاریخ بست و ہفتم شعبان سال دوازدہ صد و بست خواہ بست و پنج ہجری ازین دار فانی بعالم جاودانی شتافت و بمقابر قدیم صاحبان سندیلہ واقع موسی پور بخاکش سپردند علیہ رضوان اللہ العلی الاکبر

مولوی آل حسن قنوجی ابن اولاد علی از سادات حسینی بخاری بلدہ قنوج در سال دوازدہ صد و دہ ہجری متولد شدہ اوائل علوم درسیہ از مولوی عبد الباسط قنوجی تحصیل کردہ سپس بہ لکھنؤ رفتہ بخدمت علماے آنجا مثل مولوی محمد نور وغیرہ مستفید گشت و در سال دوازدہ صد و سی و سہ ہجری بدہلی رفتہ بجرگہ تلامذہ مولانا عبد العزیز و مولانا رفیع الدین منسلک شدہ اجازت کتب تفسیر و حدیث بدست آورد مرید و خلیفہ سید احمد مجاہد بریلوی و شریک جہاد بادی اعظم عزیمش بدرس و افادہ و موعظہ بسر بردہ مولفاتش بزبان ہندی

وفارسی وعربی بسیار اند ازانجمله راه سنت وہدایۃ المومنین ونور الوقامن مراۃ الصفا ورسالہ
درمعنی کلمہ طیبہ ورسائرد وتعزیہ ورسالہ آداب تذکیر ورسالہ آداب بیعت ورسالۃ الاختصاص
فے الحدود والقصاص وتقویۃ الیقین سے فے رد عقائد المشرکین وغیرہ از مولفات مفیدہ وی اند
بسال دوازده صد وپنجاه وسه ہجری رحلت فرمود تاریخ وفاتش درمات مجیر یافته اند[1253]
از اعقاب او مولوی سید صدیق حسن خان بہادر زوج ثانی رئیسۂ بھوپال اند ذکر شان
درحرف صاد بیاید انشاء اللہ تعالے

مولانا الٰہ داد جونپوری از اکابر علماے جونپور بیک واسطہ شاگرد قاضی شہاب الدین
دولت آبادی ومرید حاجی حامد شاہ مانک پوری بود عمر عزیزش در افادہ علوم وتصانیف صرف
کرده در تحریر وتقریر وتنقیح مطالب علمی قدرتے تمام وحظی وافر داشت تصانیف عمده
ومعتبره دارد ازانجمله شرح ہدایہ در فقہ بچند مجلدات ضخیمہ وشرح بزدوی وحاشیہ بر حاشیہ ہندی
وحاشیہ تفسیر مدارک از وی یادگار روزگار اند شیخ عبد الحق محدث دہلوی در اخبار الاخیار نقل کرده
کہ شیخ حسن بن طاہر ومولانا الٰہ داد صاحب ترجمہ در سلوک طریق علم رفیق یکدیگری بودند
ودرمیان ایشان مودتے عظیم بود چون شیخ حسن ابن طاہر درسلسلہ حاجی حامد شاہ مانکپوری
درآمد مولانا الٰہ داد گفت کہ میان حسن شما عزت طالب علمان برباد دادید وی فرمود شما
نیز لحظے بخدمت ایشان برسید امتحان کنید تا ما را معذور دارید روز دیگر ہر دو یار قصد ملازمت حاجی
حامد شاہ کردند مولانا الٰہ داد مسئلہ چند از ہدایہ وبزدوی کہ بہ نسبت اشکال موسوم بودند تصور
کرده با خود راست کرد چون بخدمت سید رسیدند وی رحمۃ اللہ علیہ بیان عادت خود از
سرگذشت احوال خود حکایت کرد کہ رفع اشکال مولانا الٰہ داد نمود گردید پس مولانا نیز مرید وی
شد وبسلوک طریق مجاہده وریاضت مشغول گشت ودر سال نہصد وسی ودو ہجری
وفات یافتہ نور اللہ مرقدہ

میان الٰہ داد لکھنوی مولوی عبد القادر بدایونی در منتخب التواریخ تحریر نموده کہ
میان الٰہ داد از دانشمندان مستعد صاحب تصرف بود طبعی وقاد داشت وذہن نقاد در فقہ
واصول فقہ وعربیت نظیرش نبود در نحو رسالہ موسوم قطبی بایراد مثال ودر عبارت نوشتہ

از تصنیفات او دو چیز غریب دیدم اول رسالہ کہ از طول چہاردہ سطر و از عرض نیز ہمان قدر سطور بجدول نوشتہ بودند و احکام و مسائل چہاردہ علوم از ین استخراج مے یافت دوم رسالۂ قبطون نام بر نہج مقالہ کہ عبارتی بروش مقامات حریری داشت و تصنیفات دیگر ہم دارد انتہی ملخصاً حال وفاتش جائی یافتہ نشد

مولانا الہداد سلطانپوری اصلش از قریہ فیودہ توابع سندیلہ است تلمذ نزد عبد اللہ مخدوم الملک نمودہ بشرافت حسب و نسب ممتاز از اعاظم علما و اکابر فقرای ہند بود در عہد اکبر بادشاہ چندگاہ بصدارت صوبہ پنجاب بعدہ بقضائے آلہ آباد منصوب گردید و بجزوے معاش کہ داشت قانع بود و او را تصانیف بسیار ہست کتاب کشف الغمہ و منہاج الدین از تالیفات وے مشہور اند در سال یکہزار و شش ہجری رحلت کرد طاب اللہ تعالے ثراہ۔

مولانا الہداد لنگرخانی لاہوری منسوب بہ محلہ لنگرخان از محلات لاہور در اکثر علوم متداولہ ماہر و تبحر بود و تشرع و تورع و تقوی و صلاح بغایتے داشت و پیوستہ بدرس مشغول مے بود ہرگز بخانہ ارباب دنیا نرفتہ و از ملوک زمانہ حاجتی نخواستہ و مدد معاش نگرفتہ غفر اللہ لہ

مولانا الہداد امروہی ملا مستعد و خوش طبع شیرین سخن خوش صحبت ندیم پیشہ بود مطائبہ طبع داشت در ملازمت اکبر بادشاہ در سلک سپاہیان انتظام یافتہ در سال نہصد و نود ہجری در نواحی سیالکوٹ ودیعت حیات سپردہ بموجب امر وہہ مدفون گشت نور اللہ مرقدہ

شیخ اللہ یار خیرآبادی از علمائے متبحر بود در ابتدای احوال سالہا بدرس و افادہ گذرانید کہ بسیار دانشمندان صاحب کمال از وے وارث ماندہ اند آخر الامر بالکل رجوع بطریقہ صوفیہ نمودہ خط ارشاد از شیخ صفی خلیفہ شیخ سعد الدین حاصل کرد ذوق سماع و حالت وجد بروے غالب آمد قدم اندا بواب اہل دنیا کوتاہ گردانید تا اینکہ استدعائے ضیافت کسے ہم قبول نکردے در سال نہصد و نود و سہ ہجری وفات یافتہ نور اللہ مرقدہ

حکیم امام بخش نامش احمد اللہ ساکن قصبہ کیرت پور ماہر علوم عقلی و نقلی طبیب حاذق از تلامذہ حکیم محمد اسحاق دہلوی ملازم راجہ تکیت رائے مدار المہام نواب آصف الدولہ بہادر رئیس ملک اودھ بود کتاب آداب الاطبا و رسالہ موسوم بمعرکۃ الآرا ہر دو بزبان عربے

و رسالہ خلاصۃ الطب در بیان ستہ ضروریہ بزبان فارسی از تصانیف اوست والد باجسد
مسودہ اوراق حکیم شیر علی مرحوم نسبت تلمذ بوے دارند سال وفاتش بدریافت نرسید
علیہ الرحمۃ والغفران

حافظ امان اللہ بنارسی ابن نور اللہ ابن حسین بنارسی حافظ قرآن مجید جامع معقول و
منقول حاوی فروع و اصول در عہد اورنگ زیب عالمگیر بعہدۂ صدارت لکھنؤ کامیاب بود
در سن یازدہ صد و سی و سہ ہجری بمقام بنارس وفات یافتہ ہمدر انجا مدفون شد کتب
مرقومۂ ذیل از تصانیف او یادگار اند مفسر در اصول فقہ محکم الاصول شرح مفسر مذکور و
حواشی بر تفسیر بیضاوی و عضدی و تلویح و حاشیہ قدیمہ و شرح مواقف و حکمۃ العین و شرح
عقاید دوانی و رشیدیہ و بر مباحثہ میر باقر علے استرآبادی و ملا محمود جونپوری در مسئلہ
حدوث دہری محاکمہ تحریر کردہ و با قاضی محب اللہ بہاری مصنف سلم العلوم ہنگامیکہ
ملا محب اللہ قاضی لکھنؤ بود مذاکرہ علمی میداشت

شیخ امان اللہ پانی پتی نامش عبد الملک بن عبد الغفور از علمائے صوفیہ موحدین
شاگرد شیخ مودود لاری و مرید شیخ محمد حسن بن شیخ حسن ابن طاہر جونپوری بود او در علم
توحید و تصوف کتب و رسائل بسیار اند از انجملہ رسالہ موسومہ اثبات الاحدیہ و شرح
لوائح جامی قدس سرہ السامی از تصانیف اوست تاریخ دوازدہم ربیع الآخر سال نہصد و
پنجاہ و ہفت ہجری ازین دار فنا بدار بقا شتافت مدفنش پانی پت است سقی اللہ ثراہ

مولوی امان اللہ دہلوی بن مولوی خیر الدین عالم فاضل متورع کامل در صغر سن
از علوم درسیہ فراغت یافتہ محسود اقران گشت در حسن اخلاق و علوم اشفاق آشنا و بیگانہ نزدش
مساوی بود مر تصانیف رائقہ و تالیف فائقہ او یادگار اند امیر الامرا نواب خان دوران خان
وزیر محمد شاہ بادشاہ دہلی بوے خلوصی داشت و از حضور بادشاہ بمنصب شیخ الاسلام
سربلندی یافتہ در جنگ نادر شاہ درانی بیازدہ صد و پنجاہ و یک ہجری مقتول شد

مولوی امان علی احمد آبادی خلف حکیم شیر علی متوطن احمد آباد نادرۂ روزگار و یگانۂ زمان
مؤلف کتاب علوم متعارفہ اولا اختصرات از مولوی ثابت علی ساکن بھکا ضلع الہ آباد

خوانده وکتب مطولات پیش مولوی محمد سعید رام پوری داماد مفتی شرف الدین گذرانیدند و علم طب از والد ماجد خود اکتساب نمودند ورع و تقوی شعار و شار شان بود حسب الطلب مهاراجه بشناتھ سنگھ فرمان روای ریوان از فتح پور آمده بتاریخ بست و چهارم ربیع الاول سال دوازده صد و نجاه و هفت هجری بمنصب طبابت بمشاهرهٔ یک صد و بست روپیه ملازم شدند دران وقت مسلمانان سکنهٔ خاص ریوان و مضافات آن به لاعلمی و صحبت هنود مانند آن ها از پابندی صوم و صلوٰة بمراحل دور بودند بلکه برخے باسماے هنود موسوم بودند بیمن قدوم شان بسیاری از مسلمانان پابند صوم و صلوٰة پنجگانه شدند از عوام مرضی هیچ نمی گرفتند و دوا از نزد خود مے دادند پانزدهم شوال روز شنبه وقت عصر بمقام احمد آباد تاره سال دوازده صد و پنجاه و هشت هجری بخدمت مولانا عبد الهادی فتح پوری خلیفهٔ رفیع الدین عرف مولوی ذوالفقار علی بیعت بسلسلهٔ قادریه و نقشبندیه مجددیه کرده خلافت هر دو سلسله حاصل نمودند و اکثر مردم این دیار را بحلقهٔ ارادت خود آوردند هیژدهم ذی الحجه روز جمعه سال دوازده صد و هفتاد و دو هجری انتظام مهمات کل ریاست سپرد کردیده و تا حیات بر عهدهٔ منتظم مهمات مقرر ماندند بتاریخ بست و چهارم ربیع الاول سال دوازده صد و هفتاد و هفت هجری بمقام ریوان رحلت فرموده هم در آنجا مدفون شدند حکیم ابو خان دهلوی تاریخ فوتش چنین بنظم آورده ؎ صد افسوس حضرت امان علی ٭ بجنت شده از جهان منتقل ٭ کنون سال رحلت چه گویم بتو ٭ ـــه هوش رفت از غم درد دل ۱۲۷۷ تصانیف مثنوی پنجه خورشید بزبان اردو حسن البیان فی تفسیر الایمان. موضح البدعات تیسیر العسیر فی تراکیب الاکاسیر رساله لدغ الکلب. دو رساله خواص سور قرآنی بنظم اردو و فارسی. ترجمهٔ منظوم چهل حدیث. رد الوثیقه در رد مذهب نصاری. عجائب النوادر فی علاج البواسیر و النواسیر مجربات متین. قرابادین متین ناتمام.

مولانا حاجی امداد الله سلمه الله ساکن تھانه بھون جامع علوم ظاهر و باطن بیعت و خلافت سلاسل چشتیه صابریه قدسیه و چشتیه نظامیه قدوسیه و قادریه قدوسیه و نقشبندیه مجددیه قدوسیه و سهروردیه قدوسیه و کبرویه قدوسیه از جناب فیض مآب قبلهٔ حقیقت

وکعبہ معرفت حضرت میاں جیو شاہ نور محمد جھانوی دارند بسے از علماے اعلام ہمچو مولوی رشید احمد گنگوہی و مولوی محمد قاسم نانوتوی و مولانا و مرشدنا حافظ حاجی محمد حسین محب اللہی العمری الہ آبادی بحلقۂ ارادت حضرت ایشان در آمدند و بمراد دلی خود ہا فیضیاب شدند چنانچہ حضرت ایشان در ضیاء القلوب تحت وصایاے خود ارشاد فرمودہ اند و نیز ہر کس کہ ازین فقیر محبت و عقیدت و ارادت دارد مولوی رشید احمد و مولوی محمد قاسم را کہ جامع جمیع کمالات علوم ظاہری و باطنی اند بجاے من فقیر بلکہ بمدارج فوق از من شمارند اگرچہ بظاہر معاملہ برعکس شد کہ اوشان بجاے من و من بمقام اوشان شدم و صحبت اوشان را غنیمت دانند کہ این چنین کسان درین زمان نایاب اند و از خدمت ایشان فیضیاب بودہ باشند فقط الحق کہ ذات ستودہ صفات حضرت ایشان فی زماننا یادگار سلف است بزمانہ غدر بعد حصول برات خود از مخمصہ بہ مکہ معظمہ ہجرت فرمودہ مقیم آنہ یار برکت آثار و مرجع صغار و کبار اند ہموارہ بحرم شریف درس مثنوی مولانا روم مے دہند غذاے روح ضیاء القلوب و تحفۃ العشاق و جہاد اکبر و ارشاد مرشد و درد غمناک از تصانیف حضرت ایشان مشہور اند مولوی محمد یعقوب نانوتوی و حافظ محمد یوسف تھانوی و مولوی کرامت علی انبالوی و مولوی محمد ابراہیم اجراوری از خلفاے مجاز حضرت ایشان اند فقیر حقیر مسود اوراق نیز بتوسط دستگیری مولانا و مرشدنا حافظ محمد حسین الہ آبادی بزمرۂ خدمۂ خدام حضرت ایشان در آمدہ اجازت و بیعت بہر سلاسل یافتہ اللہم ذ فقنے لما تحب و ترضے و اجعل آخرتے خیرا من الاوے

مولوی امیر الدین علی امیٹھوی ہرگاہ کفرۂ ہنود مسجد عالمگیری واقع ہنومان گڈھی متعلقہ اودہ را کہ از معابد شہیرۂ ہندوستست شہید کردند درمان ہمو کہ شاہ غلام حسین بہ حمیت اسلام تاریخ سیزدہم ذیقعدہ سال ہفتاد و یکم بعد صدی دوازدہم ہجری شہید گردید مولوی امیر الدین علے مرحوم جہت انتقام خون شاہ غلام حسین و جہاد بمقابلۂ بیراگیان ہنومان گڈھی پے سپر دجمیع کثیر از غازیان جان سپار دست بدستکش داوند علماے سنی و شیعہ بہ لیس و پیش افتادند کسے بنقصان منشاء انکار فرضیت جہاد لب کشادہ دیگرے

شرطا امت پیش نہادہ واجد علی شاہ فرمان روای لکھنؤ وعدۂ تصفیہ منازعت سے کرد و از جانب
رزیڈنٹ جہت انسداد قتال وجدال قدغن شدید بشاہ وقت رسید و درین قیل وقال چندی
توقف رو نمود چون بمقابلہ دولتمندان ہنود قطع امید رو نمود امیر المجاہدین عزم بالجزم بسوے
مقصود کردہ روانہ شد بارلو فرنگی افسر فوج فرمان رواے لکھنؤ بحکم حاکم وقت سد راہ شدہ
بمقام شجاع گنج فوج بارلو غازیان را محاصرہ کردہ از طرفین نوبت بمقابلہ رسیدہ بتاریخ
بست وششم صفر روز چہارشنبہ بسال ہفتاد و دوم از صدی سیزدہم ہجری امیر المجاہدین شربت
شہادت چشیدہ بروضۂ رضوان شتافت شکر اللہ سعیہ در عین معرکہ بعض ارادت مندان
او عرض کردند کہ اکنون موقع دیگرگون ہست اگر فرمایند شمارا بجاے محفوظ بریم بجوابش بی ساختہ
از زبان حق ترجمانش این مصرعہ برآمد ع سر میدان کفن بردوش دارم ٭ طالبان تاریخ بعد
شہادتش چون غور کردند اعداد مصرعہ برجستہ مطابق سال شہادت برآمدند منشی ظہیر الدین خلف
منشی مسعود بلگرامی تضمین آن کردہ وہو ہذا **قطعہ** بتاریخ شہیدان کفن پوش ٭
چہ حاجت تا سخنش من برنگارم ٭ کہ خود فرمود آن میر شہیدان ٭ سر میدان کفن بردوش دارم ٭

مولوی امین اللہ فرنگی محلی ابن مولوی محمد اکبر ابن مفتی ابو الرحم ابن مفتی محمد یعقوب
حافظ و فاضل درس بطلبہ میداد یک پسر مسمی بمولوی عبد الحلیم گذاشتہ بتاریخ بست ونہم
جمادی الثانی سال دوازدہ صد و پنجاہ و سہ ہجری بعارضۂ دق جہان گذران را پدرود نمود

مولوی اوحد الدین بلگرامی عالم وحید العصر و فرید الدہر در علم ادب و انشاے عرب
تلمیذ شیخ احمد عرب یمنی شروانی مؤلف نفحۃ الیمن بود از تصانیف او کتاب نفائس اللغات ہست
کہ در ان زبان اردوے ہندوستانی را کہ مرکب از فارسی و عربی و ترکی و ہندی است اصل
لغت قرار دادہ عربی و فارسی آن را بیان کردہ الحق ایجادے نمودہ کہ پیش از ان ہیچ کتابے
از مکمن عدم بمنصۂ وجود شاید جلوہ گر نشدہ باشد اتمام آن بعہد محمد علی شاہ بادشاہ اودہ تاریخ
ہفتم رجب سال دوازدہ صد و پنجاہ و سہ ہجری بظہور پیوستہ سال وفات صاحب ترجمہ
معلوم نگردید شکر اللہ سعیہ ٭

مولوی الہ داد جونپوری

اصول و فروع بے نظیر روزگار جودت طبع بمثابہ داشت کہ در وقت بحث چون کار بنقل مے افتاد صفحہ صفحہ و ورق ورق عبارت را بیاد مے خواند و مے گفت کہ این عبارت فلان کتاب است و در انجا ہم ببینید و خصم را الزام مے داد چون تفحص مے کردند اثرے ازان در کتاب نمے یافتند

حرف الباء الموحدہ

مولانا بدر الدین اسحاق دہلوی ابن علی بن اسحاق دہلوی در اوائل حال بہلی تحصیل علم مے کرد و در طلب علوم بجوش طبعی و حدت ذہن ممتاز بود بعد اتمام تحصیل علوم مروجہ متوجہ بخارا شدہ باجودہن رسید آوازہ کمال حضرت شیخ فرید الدین گنج شکر شنیدہ مشتاق خدمت او شدہ بملازمتش رسید شیخ چون اورا قابل دید بجا دے و داماد ے خود مخصوص گردانید و خرقۂ خلافت بخشید وی را رسالہ ایست مسمی باسرار الاولیا کہ دران ملفوظات گنج شکر جمع کردہ و در علم تصریف کتابے نظم کردہ و غایت تبحر و فصاحت را در انجا بکار فرمودہ قبرش در صحن مسجد جامع قدیم اجودہن است

شیخ بدہ بہاری دانشمندی راسخ و طبیبی حاذق بود کہ شیر شاہ سور از غایت اعتقاد کفش پیش پای او می نہاد وی بیارشاد قاضی شہاب الدین دولت آبادی شرحی معتبر نوشتہ

مولوی برہان الدین ساکن دیوہ دانشمند فقیہ و محدث کہ ظاہر و باطنش بصلاح و تقوی آراستہ بود تمام عمر خود بتذکیر و موعظ خلائق بسر بردہ ہزارہا مردم بہدایت وارشادش عادات قبیحہ غیر مشروعہ را ترک کردند و براہ راست آمدند از تصانیف او چند رسائل کہ بنظر مسود اوراق گذشتند ہمہ مفید و بذیل مذکور اند مؤلف در ایام صبی از دیدار پر انوارش مشرف شدہ بود مثال مبارک وی ہنوز کہ بہ شصت و یک سال رسیدم از خیالم نرفتہ تصانیفہ تاریخ بست و نہم ربیع الثانی روز سہ شنبہ سال دوازدہ صد و چہل ہجری مباحثہ بمسائل مختلف فیہا در میان علماے دہلی واقع شدہ سرگروہ فریق اول حامی السنۃ مولانا رشید الدین خان و سرخیل فریق ثانی ماحی البدعۃ مولانا عبد الحی بودند چون مباحثہ باختتام و تقریر و تحریری ہر دو فریق بنظر صاحب ترجمہ در آمد وے رحمۃ اللہ علیہ رسالہ بطور محاکمہ

تحریر فرمودہ کہ برسالہ محاکمہ مشہور و قابل دید است۔ رسالہ تحقیق الاوزان بکار آمد صدقہ نذر کوٰۃ و مہر بسال دوازدہ صد و چہل و ہفت نوشتہ۔ رسالہ احکام عید الفطر و رسالہ احکام عید الاضحیٰ حسب استدعاے بعض صلحاے احمد آباد تارہ در سال دوازدہ صد و پنجاہ ہجری تحریر کردہ۔ رسالہ نکاح۔ رسالہ منع اشارۂ تشہد۔ رسالہ نذر و ذبیحہ۔ رسالہ تحقیق ربوا و رسخ رسالہ کفارۂ میت۔ از تصانیف وے اند رحمۃ اللہ علیہ وعلی اسلافہ

شیخ برہان الدین نسفی دانشمندے کامل حال بود اگر شاگردے بخدمت او آمدے تا چیزی بخواند او گفتی کہ اول بر من سہ شرط بکن تا چیزی ترا بیاموزم از ان جملہ شرط اول اینست کہ طعام یک وقت خوری تا وعاے علم خالی ماند دوم آنکہ ناغہ نہ کنی اگر یک روز ناغہ کنی دوم روز سبق نگویم سوم آنکہ چون مرا در راہی پیش آئی ہمین کہ سلام کنی زود بگذری دست و پا افتادن و تعظیم زیادت درمیان راہ نہ کنی

شیخ برہان الدین محمود بلخی بن ابی الخیر اسعد البلخی رح از اکابر علماے وقت سلطان غیاث الدین بلبن متصف بوفور علم و دانش بود وجد و سماع جامع بود میان علوم شریعت و طریقت در عہد صبی بصحبت مولانا برہان الدین مرغینانی صاحب ہدایہ رسیدہ و بشارت علم یافتہ بسال ہشت صد و ہشتاد و ہفت ہجری وفات یافتہ قبرش جانب شرقی حوض شمسی واقع دہلی است کہ آن را تختہ گویند مردم آن دیار خاک قبرش باعتقاد فتح باب علم اطفال را مے خورانند رحمۃ اللہ علیہ

بہاء الدین زکریا ملتانی خلیفہ شیخ شہاب الدین سہروردی نام نامیش زکریا کنیت وے ابو محمد لقبش بہاء الدین القرشی الاسدی ثم الملتانی شیخ الاسلام ہند از اکابر اولیاے ہند صاحب کرامات ظاہرہ و مقامات باہرہ جامع بود بعلوم ظاہری و باطنی از بغداد بملتان شرف قدوم ارزانی فرمودہ اکابران بلدہ بروے حسد بردند و کاسہ پر از شیر بخدمتش فرستادند شیر باینکہ درین شہر گنجایش دیگرے نیست شیخ الاسلام این معنے را دریافتہ گلی بر شیر کاسہ نہادہ پیش آن جماعہ فرستاد و می بر آنکہ درین شہر جاے ما چون گل بر سر خواہد بود اکابر ملتان از حسن لطافتش حیران ماندند و از اغنیاے شاگرد بودہ وی را تصانیف عدیدہ

خاص بعلم سلوک ہستند تاریخ ہفتم صفر سال ششصد و شصت و یک ہجری رحلت فرمودہ
مرقدش بملتان ہست رحمۃ اللہ علیہ وعلی اسلافہم

شیخ بہاء الدین مفتی آگرہ بغایت مردی بزرگ عالم وعامل ومعمر ومتبرک ومتدین بود
ودر سخاوت واعانت مسلمانان یگانہ عصر از اولاد شیخ الاسلام بہاء الدین زکریا در سال ہفتصد و
شصت وشش ہجری وفات یافت تغمدہ اللہ بغفرانہ

شیخ بہکھاری کاکوروی نامش نظام الدین ابن امیر سیف الدین است بسال ہشت
صد و نود ہجری ولادت یافتہ جامع علوم ظاہر وباطن بود در علوم ظاہریہ بمولانا ضیاء الدین
مدنی محدث وقاضی عبد اللطیف ہرانی نسبت تلمذ داشت ودر اوائل کتب درسیہ
متعارفہ از والد خود تحصیل کردہ ودر اکتساب علم باطن مرید سید ابراہیم ایرجی است کہ
نبیرۂ سید عبد الرزاق ابن غوث الثقلین شیخ عبد القادر جیلانی بود کتاب منبع در اصول حدیث
ومعارف در تصوف وترجمہ رسالہ ملہمات قادری مصنفہ سید عبد الرزاق از تصانیف
شریفہ او یادگار ماند عمر نود ویک سال بسال نہصد وہشتاد ویک ہجری وفات
یافتہ در قصبہ کاکوری مدفون شد جملہ مخدوم زادگان کاکوری از اولاد امجاد او ہستند
از ان جملہ شاہ محمد کاظم وشاہ تراب علی قدس اللہ سرہما شہرہ آفاق بودند ومولوی
محمد محسن نیز از اولاد وییند کہ در نظم ونثر نظیر خود ندارند قصائد نعتیہ وسراپای رسول اکرم صلعم و
مثنوی صبح تجلی در میلاد مبارک وغیرہ اند کہ از بسیار دلکشی نمونہ از شہرۂ تصنیفات
بدیع اوشان است سلمہ اللہ تعالے

شیخ بہکھاری جونپوری ابن شیخ الہ داد جونپوری یکی از علمای فحول عہد دولت
سلطان سکندر لودی بود منقول است کہ سلطان روزی علمای دیار خویش را جمع کردہ بیک
جانب شیخ عبد اللہ تلنبی وشیخ عزیز اللہ تلنبی وجانب دیگر شیخ الہ داد جونپوری وپسرش
شیخ بہکھاری را در بحث معارض ساختہ آخر چنان معلوم شد کہ آن دو بزرگوار در تقریر داین
دو عزیز در تحریر فائق اند واللہ اعلم

شیخ بہلول دہلوی بعلم حدیث راغوب ورزیدہ در صحبت اہل فقر وفنا رسیدہ

با اہل دنیا کارے نداشت در عہد اکبر شاہ بافادہ و افاضہ طلاب مشغول بود

شاہ بہلول جالندہری عالم عامل و فاضل کامل شاگرد سید عبد الرشید وضع قلندرانہ داشت مرید شاہ بھیکہ چشتی لاہوری بود و کتاب بعلوم مختلفہ تصنیف کردہ از انجملہ فوائد الاسرار و شرح دیوان حافظ شیرازی و احوال نامہ از مصنفات اوست در سال یک ہزار و یک صد و ہفتاد ہجری رہگراے علیین شد نور اللہ مرقدہ

شیخ بہار لکھنوی ابن محمد شریف از اولاد شیخ سعد اللہ کندوری فرزند جامع بود میان شریعت و طریقت از اول فطرت بر شعار تقوی و صلاح برآمد و بہمت ذاتی نشو و نما یافتہ بعد تحصیل علوم دینی بہ تہذیب اخلاق و تبدیل صفات موفق شدہ از زہاد وقت گردید مسن و معمر و متبرک بود و بافادہ علم اشتغال داشت و افضل ترین مشاغل این بود کہ کتب بسیار جمع کردہ و تصحیح فرمودہ و مشکلات آن را چنان حل نمودہ کہ ہر کرا دستے مناسبتی باشد بنظر یک کتاب او کافی بود حاجت استاد نداشت و با وجود این لطافت کتب وے اورا سادہ طبع مشہور وقت بود سال فوتش بدریافت نرسید شکر اللہ سعیہ

ملا بیکس غزنوی بیکسی تخلص میکرد بوفور فضائل و صنوف کمالات اتصاف داشت و بزیارت حرمین شریفین رسیدہ بہندوستان آمد بعضی کتب احادیث مثل مشکوۃ المصابیح در عرب و شمائل النبی صلعم بحضور مرتضی شریفی وغیرہ گذرانیدہ بجہت استیلاے ضعف پیری متوجہ وطن مالوف غزنین شدہ بمنزل پشاور بندای ارجعی الی ربک اجل شنیدہ در سال نہصد و ہفتاد و سہ ہجری بجوار رحمت ایزدی پیوست

میر محمد شروانی ملا خوش فہم اعلی ادراک بود مجالسی شگفتہ داشت از شروان بقندہار بخدمت خانخانان بیرم خان آمدہ نشو و نما یافت و بعد از فتح ہند خطاب خانی بعدہ خطاب ناصر الملکی یافتہ در ملک مالوہ بآب نربدا غرق شدہ ہلاک گشت

شیخ پیر محمد لکھنوی دانشمندی بود بعلوم ظاہری و باطنی صاحب التصانیف الرائقہ والتالیفات اللائقہ آبای کرامش از سادات مشہد یا جون سادات جونپور بودند کتب درسیہ در جونپور و حرمین شریفین و دہلی و اجمیر و تشریح تحصیل کردہ بہ لکھنو آمدہ مدتے بمقام شاہ

مینا قدس سره بوده ریاضات و مجاهدات می کشید و فاتحه بعد فراغ بخدمت مولوی قاضی
عبدالقادر لکهنوی خوانده در باطن از روح پرفتوح حضرت شاه مینا ادام الله فیضه مینا تربیت
می یافت بعده بخدمت شاه عبدالله سیلع چشتی پیوست و در بقیهٔ اولی نعمت ارادت و خلافت
وی کامیاب شد و اجازت سکونت لکهنؤ یافت و حسب وصیت پیر خود مدام بدرس افاده
علوم مشغول بودی انچه از فتوحات یافتی براه خدا صرف می کردی و بجز قوت
یک روزه برای خود نگرفتی اکثری از علمای نامدار فاتحه فراغ از و خوانده اند بعد وفاتش که در سال
هشتادم از صدی یازدهم بوقوع آمده شیخ محمد آفاق که سرحلقه مریدان وی بود بجانشینش منصوب گردید
مرقد شیخ پیر محمد بر بلندی لب دریای گومتی در شهر لکهنؤ زیارت گاه است و به ٹیله شاه
پیر محمد شهرت دارد

حرف التاء المثناة

شیخ تاج الدین دہلوی ولد شیخ زکریا اجودهنی دہلوی از علمای عهد اکبر شاهی شاگرد
رشید شیخ امان پانی پتی بود از تصانیف او شرح لوایح و شرح نزهة الارواح است گویند وی
هم باعث بر فتور اعتقاد اکبر شاه بود

مولوی تراب علی لکهنوی ابن شیخ شجاعت علی بن مفتی فقیه الدین بن مفتی محمد دولت
بن مفتی ابوالبرکات مصنف فتاوی جامع البرکات نامش رکن الدین محمد و کنیت وی ابوالبرکات
ست سلسله نسبش به مصعب بن زبیر می پیوندد بزرگانش باشندهٔ دهلی اند در سال
دوازده صد و سیزده هجری تولد یافته لفظ بهره ور زاده ۱۲۱۳ تاریخ ولادت اوست الغرض وی
بخدمت مولوی سید مخدوم لکهنوی و مولوی محمد اسمعیل لندنی و مولوی مظهر علی لکهنوی و مولوی
ظهور الله لکهنوی اکتساب علوم نموده فایق الاقران گشت و بدرس و افادهٔ طلبه عمر خود
بسر برده تاریخ دوازدهم صفر سال دوازده صد و هشتاد و یک هجری بمقام قصبه
محمد آباد ضلع اعظم گڈھ رحلت فرموده بمدار انجا مدفون شد و لفظ فارغ ۱۲۸۱ ماده فوت او یافته اند
او را تصانیف بسیار اند از آن جمله برسه بذیل مذکور می شوند شمس الضحی لازالة الدجی
التکملة العلی للاوالد الفراضة الغالبة مصفاة الاذهان فی تحقیق البیان -

العشرة الکاملة منہیہ مصفاة الاذہان - التحقیقات البدیعة الشوکیة فی تبیین الفوات السعدیہ التحقیقات الزکیة فی التوہمات السعدیہ - حاشیہ شرح ملا جامی ناتمام - ازالة الغفلة عن اشعار المطول - الترشیح الجلی فی مسائل المرور امام المصلی - القول الصواب فی مسائل الخضاب العجالة الدقیقة فی مسائل العقیقہ - سبیل النجاح الی تحصیل الفلاح - التعلیق المرضی علی شرح القاضی - التعلیق الاحسن علی شرح ملا حسن - حاشیہ شرح سلم مولوی حمد اللہ سندیلی - شوکة الحواشی لازالة الغواشی حاشیہ صدرا - تحفة الروایات فی اجوبة الواقعات ناتمام - الهامیین علی الجلالین ناتمام - شرح فارسی قصیدہ بردہ - ترجمہ فارسی قصیدہ شقراتی - تحصیل الحجرہ باداب العمرہ - شرح فارسی تحصیل الحجرہ - مسالک السداد فی مسائل الافراد - ہدایة الانام فی آداب الاحرام - تحصیل التخضع باداب التمتع - الفوز المبین باداب البلد الامین ہر دو ناتمام اند - موائد القرب فی آداب الاکل والشرب - درک المآرب فی آداب اللحی والشوارب - شرح شمس بازغہ ناتمام - التحقیقات الکاملہ فی ابطال ارتدادات الکاملیہ العجالة الملکیہ - سواء الطریق لابطال اقوال الزندیق - ہدایة المجیبین اسے مسائل العیدین - قرة العینین فی ابطال مسح الرجلین - رسالہ در فضائل حضرت صدیق رض - رسالہ در فضائل حضرت عثمان رض - رسالہ معراجیہ وغیرہا

شاہ تراب علی کاکوروی ابن شاہ محمد کاظم قلندر از دانشمندان صوفیہ در علم تصوف دستگاہی کامل داشت وی را معدن تہذیب اخلاق می توان گفت مطالب رشیدی و اصول مقررہ و دیوان اشعار وغیرہ از تصانیف وے مشہور اند و او دو فرزند ارجمند یعنی مولوی شاہ حیدر علی و مولوی شاہ تقی علی بود کہ ہر دو کمال ظاہر و باطن داشتند -

مولوی تفضل حسین خان کشمیری معروف بخان علامہ کہ بذات خود شیعی مذہب شدہ مولدش سیالکوٹ و منشاے او شاہجہان آباد ست و در علوم عقلیہ و نقلیہ بہرہ وافی داشت خصوصاً در علوم ریاضیہ شہرہ آفاق بود در شاہ جہان آباد از مولوی وجیہ تلمیذ ملا نظام الدین سہالوی و کتب معقول و ریاضیات از مرزا محمد علی ابن میرزا خیر اللہ مہندس استفادہ نمودہ و بہ لکھنؤ از ملا حسن فرنگی محلی میرزا ہد شرح مواقف سبق گرفتہ

ودیگر کتب حکمیہ ہمچو شفا وغیرہ بطور خود مطالعہ کردہ در محافل بخاریہ علم انی اعلم ما لا تعلمون برافراشت
وہنگامیکہ اتالیق نواب سعادت علی خان بود در الہ آباد بمولوی غلام حسین دکنی شاگرد مولوے
برکت الہ آبادی بتوسط مولوے ولدار علی طرح مباحثہ منطق انداخت ودر بنارس از شیخ
محمد علی حزین نیز استفادہ علوم نمودہ وتلمذ دانشمندان فرنگ اعزازی نام داشت
زبان عربی وفارسی وانگریزی وبانشی نیکو میدانست بغایت سادہ روش بود چندے
بوکالت آصف الدولہ ممتاز بودہ باز بنیابت نواب موصوف ممتاز گشت آن زمان ہم سادہ
روے را از دست نداده دربان پدر خود مقرر نکردہ ہر کس باوے رسید بعد
فوت آصف الدولہ در عہد نواب سعادت علی خان لکھنوی از نیابت مستعفی شدہ بمطالعہ
کتب وافادہ طلبہ علوم مے گذرانید از تصانیف معتبرہ او کتابے در فن ہیئت حکماے فرنگ و
دو نسخہ دیگر در جبر ومقابلہ وغیرہ اند بمقام کلکتہ بعارضہ فالج ومالیخولیا مبتلا شدہ جہت تبدیل آب وہوا
بہ لکھنؤ میرفت کہ مابین کلکتہ ومرشد آباد بتاریخ پنجم شوال سال یک ہزار ودو صد و
پانزدہ ہجری درگذشت غفر اللہ ذنوبہ

ملا تقی الدین ششتری در عہد جلال الدین محمد اکبر بادشاہ علوم عقلی ونقلی نیکو میدانست
وطبع نظم داشت بحکم اکبر شاہنامہ فردوسی بعبارت نثر نوشتہ بقول ملا عبد القادر بدایونی قماش را
پلاس وریسمان را پشم کردہ

مولوی تقی علی کاکوروی ابن شاہ تراب علی قلندر بن شاہ محمد کاظم قلندر ساکن قصبہ
کاکوری مضافات لکھنؤ تلمیذ مولوی محمد مستعان کاکوروی بود ہموارہ بدرس وافادہ طلاب
مشغول بودی کتاب روض الازہر فے مآثر القلندر ازو یادگار ہست عمرو راز یافتہ
بتاریخ ہفتدہم رجب سن دوازدہ صد ونود ہجری بروز چہارشنبہ بعد ساعتی بالاے
دوازدہ ساعت نہاری رحلت فرمود

حرف الثاء المثلثہ

مولوی ثابت علی ساکن بہکا ابن شیخ نہال الدین صدیقی ساکن موضع بہکا متصل
پورہ مفتی پرگنہ چائل ضلع الہ آباد شاگرد رشید مولانا محمد اشرف لکھنوی بکتب منطقیہ

مهارتی کامل داشت اکثر درس و تدریس شان بذریعه ملازمت امرای وقت بود هنگامی که
جناب شان جهت تعلیم مولوی محمد عمر برادرزاده مولوی محمد ظهور مچهلی شهری بمقام
غازی پور ملازم بودند مؤلف اوراق شرح جامی بخدمت شان تحصیل کرده وفات شریفش
هفتم ربیع الاول روز دوشنبه سال دوازده صد و هشتاد و دو هجری بموضع بهکا مسکن
مالوف اتفاق افتاد

قاضی محمد ثناء الله پانی پتی از اولاد شیخ جلال الدین کبیر الاولیا پانی پتی قدس سره اند
زبدۂ علمای پرهیزگار و عمدۂ اتقیای روزگار بودند بعمر هفت سالگی حفظ قرآن شریف نموده تا زمان
شانزده سالگی از تحصیل علوم فراغ یافتند و در ایام تحصیل صد و پنجاه کتاب سوای کتب
درسیه بمطالعه خود در آوردند نخستین بیعت بخدمت شاه محمد عابد سنامی قدس سره
نمودند بعد وفات حضرت ممدوح بخدمت مرزا مظهر جان جانان شهید قدس سره المجید
کسب کمالات کردند و بزبان حضرت ایشان بلقب علم الهدی سرفراز گشتند و
مولانا شاه عبد العزیز قدس سره العزیز بلقب بیهقی وقت یاد می فرمودند مدت العمر
در افاضه فیض ظاهر و باطن و اشاعت علوم و فصل خصومات و اجابت سوالات و حل
معضلات مصروف می بودند و در علم تفسیر و فقه و کلام و تصوف ید طولی داشتند
خصوصاً فقاهت وی بمرتبه رسیده بود که چندین کتب و رسائل درین علوم تصنیف
فرموده و مکاتیب بسیار در جواب اسوله مشکله تحریر فرموده اند تفسیر مظهری کتابیست بس
ضخیم در هفت مجلد کلان و السیف المسلول که آن را شمشیر برهنه هم میگویند در رد مذهب شیعه
و ارشاد الطالبین و رساله مالابد منه و تذکرة الموتی والقبور و تذکرة المعاد و حقوق الاسلام
که بحقیقة الاسلام شهرت دارد و رساله در حرمت و اباحت سرود و رساله
حرمت متعه و رساله شهاب ثاقب و دیگر کتب و رساله که از بیست عدد متجاوز خواهد بود
از تصانیف حضرت ایشان است وفات شریف قاضی موصوف بتاریخ غره
رجب سال دوازده صد و بست و پنج هجری بوقوع آمد مولوی غلام محی الدین پانی پتی تاریخ
رحلتش در آیه کریمه فهم مکرمون فی جنات النعیم یافته علیه الرحمة والمغفرة من الغفور الرحیم

حرف الجیم

شیخ جان محمد لاهوری دانشمند ماهر شریعت و طریقت مقتدای زمانه به محله پرویز آباد
که بیرون لاهور است سکونت داشت در صغر سن بخدمت شیخ عبدالحمید خلیفه شیخ اسمعیل
عرف میان کلان لاهوری تحصیل علم می‌کرد روزی همراه اوستاد بخدمت میان موصوف
حاضر بود که میان سابق الذکر بوی فرمود که اگر عالم شوی بمن تکرار احادیث خواهی کرد شیخ جان محمد
بحیا و ادب ساکت ماند باشارت اوستاد عرض کرد که اگر بتوجه شریف فائز المرام خواهم شد
بالضرور بخدمت خواهم رسید میان موصوف دست برداشته بحق وی دعا نمود که
مستجاب شد وی در چند ماه استعدادی بهم رسانید که شیخ عبدالحمید از تعلیمش خود را
قاصر یافته او را بشیخ محمود لاهوری سپرد او بخدمت شیخ محمود بسی نگذشت که فاتحه
فراغ برخواند روزی جاذبه قلبی میان کلان وی را مجذوب کشید چون جان محمد بخدمتش حاضر آمد
میان کلان با وی معانقه کرده نعمت باطن عطا فرمود و گفت که حسب وعده بروز
دوشنبه و جمعه نزدم تکرار احادیث کرده باشند چنانچه تا حیات میان موصوف بایام معینه
حاضر آمده تکرار احادیث می‌کرد و بهر حدیث که شبهه عاید می‌شد میان کلان بتوسط مراقبه
از حضور پرنور رسالت پناهی صلی الله علیه و آله وسلم تصحیح آن می‌کرد وی رحمة الله علیه
بسال یازده صد و بیست هجری رحلت فرموده در پرویز آباد مدفون گشت می‌گویند که بعد
چند سال بمقدم محله مذکور در منام گفت که نعش مرا برآورده متصل مرقد میان کلان مرحوم
مدفون کن ورنه بر محله تو بلای سخت نازل خواهد شد صباح آن مقدم مذکور نعش مبارک
وی را از مدفن برآورده قریب میان کلان مدفون ساخت رحمة الله علیه

سید جان محمد بلگرامی ابن سید معین الدین در سال هزار و هشتاد و سه هجری ولادت
یافته اول قرآن مجید حفظ نموده بتحصیل علوم متعارفه قدم نهاد و در جمیع علوم لائق و فائق گشت
و خط نسخ خوب می‌نوشت بشوق زیارات از بغداد و سر من رای و نجف و کربلا و طوس
به بیت الحرام رسیده بعد ادای مناسک حج بمدینه منوره بتمنای موت رغبت
اقامت انداخت در مسجد نبوی به تصحیح مصاحف می‌پرداخت و همدران بقعهٔ کریمه

در سال یازده صد و چهل و نه هجری رحلت فرموده در بقیع مدفون شد

مولوی جان محمد لاهوری از اعاظم مشایخ و اکابر علماے لاهور بود بروز جمعه وعظ مے گفت خلق خدا از دور و نزدیک بخدمت وے حاضر شده بهره وافے و حظ کافے از علم و عمل حاصل مے کردند در سن دوازده صد و شصت و هشت هجری بلاهور درگذشت۔

شیخ چاپن میواتی ساکن سهنه و آن قصبه ایست در ملک میوات هیزده کروه از دهلی از علماے صوفیه صافیه و مشاهیر خلفاے شیخ عبد العزیز دهلوی بود بر جاده فقر استقامت تام داشت و کتب تصوف مثل فصوص الحکم و نقد النصوص وغیره را بطالبان اهل استحقاق درس می گفت در آخر عمر جلال الدین محمد اکبر شاه را نسبت وے اعتقادی عظیم پیدا شده و در بعضی مهمات استمداد از وی نمود و در عبادت خانه قریب محل شاهی جاے از براے او معین ساخته شبها خلوت باوی می داشت بادشاه چون نماز معکوس را از و مشاهده نمود نسبت معکوس شد شیخ در سال نهصد و نود و هشت هجری درگذشت

مولوی جعفر ساکن ڈلمو مضاف لکهنؤ عالم صاحب ورع و تقوے بود در سال دوازده صد شصت و دو هجری وفات یافته

سید جلال کشمیری ابن سید جمال عالم و عامل حافظ کتب فقه و حدیث و تصوف بود متصل مقابر آبا و اجداد خود خانقاهے ساخته با تقاے تمام بسر مے برد در دوازده صد و هفتده هجرے رحلت کرد

شیخ جلال تهانیسری خلیفه عبد القدوس گنگوهے قدس سرهما جامع علوم ظاهری و باطنی بود با فاضه علوم دینیه و نشر معارف یقینیه اشتغال داشت آخر حال از علوم رسمیه اعراض نموده از جلوت بخلوت آمده اوقات شریف بختم قرآن مجید و نوافل و درود و دعا مربوط بود سنین عمرش بنود و سه رسیده و بغایت ضعیف و نحیف گشته پوستی و استخوانے مانده بود با آنکه قوت نشست و برخاست نداشت هر وقت از کم قوتے و بے قوتے تکیه زده خفته بودے همین که استماع اذان فرمودی بے مدد دیگرے برخاسته و نعلین پوشیده و عصا بدست گرفته خود بخود آداب طهارت و صلوٰة قیام نمودے

وباز برسم معہود بر بستر خفتے و در سن نہصد و ہشتاد و نہ ہجری عالم فانی را پدرود کرد و در لفظ شیخ الاولیا تاریخ رحلتش یافتہ اند

مولانا جلال الدین مانکپوری جد مولانا حسام الدین مانکپوری است مردی بزرگ وعالم وعابد وصابر ومتقی بودے بعد از نماز خفتن تا آنکہ مردم بیدار مے بودند بخواب می رفت بعد از آنکہ مردم بخواب مے رفتند برمے خاست تا بامداد نماز کردے وہر روز چہل ویک بار سورۂ یس بخواندی و بعد نماز چاشت تعلیم علم دین می کرد و خوردن از کسب کتابت بود مصحف مے نوشت و بدہلی مے فرستاد بہ پانصد تنکہ ہدیہ مے شدی وہر گاہ بے وضو قلم نگرفتے و اگر در ملک وقتے برغبت غارت گری شدی دران ایام گوشت نخوردی شاید کہ گوشت از مواشی مغروقہ باشد و وے ارادت بہ شیخ محمد جنیفہ نظام الدین اولیا قدس سرہ داشت۔

مولوی جلال الدین احمد بنارسی بن مولوی عبد الاعلی بنارسی بسال دوازدہ صد و بست ویک ہجری متولد شدہ بخدمت والد خود و نیز مولوی احمد اللہ بنارسی علوم متعارفہ اکتساب نمودہ سند حدیث از مولوی عبد الحق محدث بنارسی یافتہ عامل بالحدیث و متبع سنت نبوی وقانع ومتقی بود جید الحافظہ آن چنان بود کہ در یک روز یک پارہ کلام مجید حفظ نمودہ وقت شب بماہ رمضان بتراویح مے خواند فرہنگ اخوان الصفا و فاتحۃ الصواب فی قراۃ فاتحۃ الکتاب و زبدۃ القوانین در صرف ونحو وشرح کافیہ ناتمام وقواعد اردو ناتمام از تصانیف اوست بکالج بنارس بعہدہ مدرسی اول معزز بود بسال دوازدہ صد و ہفتاد و نہ ہجری بعمر پنجاہ و ہشت سال انتقال فرمود

مولانا جلال الدین رومی کہ بس اوستادے متقن بود و اکثر در منصب افادہ سبق علوم دینی در مدرسہ فیروز شاہی واقع دہلی در عہد فیروز شاہ پادشاہ مے داد و متعلمان را ہموارہ تفسیر وحدیث و فقہ تعلیم مے کرد

قاضی جلال الدین ملتانی دانشمند متبحر حق گو وحق پسند بود در ابتداے حال تجارت کردی و در اواسط بدرس مشغول شد و چند سال در اکبر آباد اقامت فرمود و بعد عزل قاضی یعقوب بامر اکبر پادشاہ بعہدہ قاضی ہند مباہی گشت و دیانت و امانت

بنفس نفیس خود بهترین قضاة بود اما بشومی پسر نا خلف بدیانت بجانب دکن اخراج یافت حکام آن دیار که آوازه رسوخ او در دین اسلام و اظهار کلمة الحق شنیده بودند در تعظیم و تکریم او باقصی الغایة کوشیدند از انجا بزیارت بیت الله الحرام مشرف شده همانجا داعی اجل را
لبیک اجابت فرمود علیه الرحمة والرضوان

سلطان جلال الدین قریشی دانشمندی متجرد درویشی صاحب حالت مجذوب شکل بود اکثر احوال سر و پا برهنه بودے و در بسیار با نها گذشتے و از پوشش بر مقدار ستر عورت اکتفا کردی و علوم عقلی و نقلی درسے و حقیقتے همه بر زبان داشتے و گاہے که در تقریر آن افتادی بیانے وافے کردے هیچ چیز هیچ کس تعلق نداشت بزبان عربی و فارسی و هندی سخن گفتی مشرب قلندریه داشت از عبادات بر فرائض و سنن اقتصار کردے فصوص الحکم و سائر کتب تصوف یاد داشت چندگاه در دهلی تشریف داشت و در بیانه و اگره و نواحی آن نیز می بود عمر او بست و پنج سال بود در سن نهصد و چهل و هشت هجری وفات یافت در بعض
قریات مندو مدفون شد رحمة الله علیه

سید جلال الدین حمید عالم بن سید محمد ابو المجد محبوب عالم احمد آبادی گجراتی دوم جمادی الاول بسال هزار و شصت و دو هجری ولادت یافته علم ظاهر و باطن از پدر بزرگوار خود آموخته بمرتبه کمال رسیده رساله مرآت الرویا در تعبیر خواب و رساله مفتاح الحاجات در اعمال و اشتغال از او شان یادگار اند شب بستم ذی الحجه سال هزار و صد و چهارده هجری
جهان فانی را پدرود فرمود و در احمد آباد گجرات بر آسود

مولوی سید جلال الدین برهانپوری عرف الله والے صاحب شاگرد مولانا شاه عبد العزیز دهلوی عارف وقت زاهد و عابد و محدث بود در سال دوازده صد و هفتاد و سه
هجری در برهانپور وفات یافته

شیخ جمال الدین احمد بالنسوی الخطیب انتساب او بامام اعظم ابو حنیفه کوفی است از اعاظم خلفای شیخ فرید الدین گنج شکر قدس سرهما جامع کمالات ظاهر و باطن بود صاحب ترجمه رسائل و اشعار دارد که در میان مردم یافته نمی شود از انجمله رساله ملهمات بزبان عربی

جامع کمالات متفرقہ است کہ در اوصاف فقر بیان فرمودہ قبرش در قصبہ ہانسی است
یزار و یتبرک بہ

ملا جمال الدین کشمیری برادر ملا کمال الدین دانشمند متبحر و مرید بابا فتح اللہ حقانی بود
شب و روز شغل بدرس و تعلیم داشت ابوالفقرا شیخ نصیر الدین و بابا نصیب الدین و شیخ
اسمعیل چشتی از تلامذہ وی اند او بے تکلفانہ بیک قمیص و بوریا بسر می برد مرقدش بہ کشمیر است

مولوی جمال الدین فرنگی محلی ابن ملا علاء الدین شارح فصول اکبری از کتب درسیہ
فراغت حاصل کردہ بملک مدراس رفتہ بنا بر تعلیم نواب غلام غوث خان رئیس کرناٹک بمشاہرہ
دو صد و پنجاہ ملازم شدہ ہمدرانجا بتاریخ ہشتم ربیع الثانی سال دوازدہ صد و ہفتاد و شش ہجری
وفات یافتہ مدفون گشت

مولانا جمال لاہوری ساکن محلہ تلہ مخلات شہر لاہور اعلم علمای وقت جامع جمیع علوم
شاگرد ملا اسمعیل اچی خوش تقریر و بذلہ گوی در عہد اکبر بادشاہ مدرس مدرسہ لاہور بود می گویند
از عمر ہشت سالگی بافادہ طلبہ مشغول شدہ مباحث دقیقہ معقول و منقول با آسانے
خاطر نشان شاگردان مے ساخت صاحب صلاح و تقوی و متخلق باخلاق حمیدہ بود تفسیر
شیخ فیضی را اکثری از اصلاح دادہ اُچی نسبت باوچ بضم اول و سکون واو و جیم فارسی
مشدد قریہ ایست مشہور از توابع ملتان و اوچ بزبان پنجابی بلند را گویند چون آبادی آن قریہ
بر زمین بلند واقع شدہ لہذا آن را اوچ نامیدند

شیخ جمال دہلوی فاضل خردمند متخلص بجمالی مرید شیخ سماء الدین رح دہلوی بود از ہند
بخراسان رفتہ و بعد فوت سلطان حسین مرزا از خراسان بہ ہند آمدہ بمصاحبت سلطان سکندر
لودی و بابر شاہ و ہمایون شاہ بسر بردہ و ہر یکے از شاہان صدر الذکر احترامش مے کردند
کتاب سیر العارفین از تصانیف مشہورہ اوست در سال نہصد و چہل و دو ہجری رحلت نمود
خسرو ہند بودہ تاریخ فوت اوست

مفتی جمال خان دہلوی ابن شیخ نصیر الدین و برادر میان لادن تلمیذ پدر خود
از طائفہ کنبوہ اعلم العلماء زمان خود و در علوم عقلیہ و نقلیہ خصوصاً فقہ و کلام و عربیت

وتفسیر بی نظیر بود بر شرحین مفتاح محاکمہ کردہ وکتاب عضدی را چہل مرتبہ از اول تا آخر درس دادہ وہمیشہ درس گفتی وافادہ علوم دینی فرمودی وبخانہ ملوک وسلاطین نرفتی وپیوستہ نزد حکام معزز ومحترم بودے اکثر شاگردانش دانشمند شدہ اند وعمرش از بود گذشتہ بود کہ در سن نہصد وہشتاد وچہار ہجری بدار البقا رحلت فرمود **تصانیفہ** شرح عضدی۔ شرح مفتاح شرح انوار فقہ وغیرہ

جواد ساباط مردی بود از عرب اصل نام وی جواد ساباط لطفی بن ابراہیم ساباط السا باطی وبعد ارتداد از ملت محمدیہ بملت مسیحیہ بنام ناتانئیل ساباط شہرت یافتہ بسال دوازدہ صد وبست ودو ہجری در کلکتہ بشیخ احمد عرب شروانی ملاقی شدہ او در ظرافت سخن ونقل نوادر وغرایب وایراد مضحکات وعجائب یکتاے روزگار بود در علوم مختلفہ تصانیف دارد **مصنفات** القواعد الفکریہ فی الصرف والنحو بالفارسیہ۔ ضروریات الصرف۔ ربط الجار فی رد الاستغفار وآن کتابیست از تصنیف مولوی باقر مدراسی در اثبات اجتہاد امیر معاویہ۔ مقدمۃ العلوم در منطق۔ الموجز النافع در عروض۔ مختصر در قوافی۔ الانموذج الساباطی در عروض وقوافی۔ التحفۃ الباقشریہ در صنائع و بدائع۔ شراب الصوفیہ در اصول تصوف۔ الہام الساباطیہ در تجربات خود او خطاب الساباطیہ ودعیہ کہ براے خود انشا نمودہ۔ موجبۃ الرمل۔ ضرغاطۃ الرمل۔ ومحاکمہ ساباطیہ در صرف ونحو ہندی وغیرہا کتب ورسائل بزبان عرب وفارس تالیف نمودہ ونیز قصائد غیرا او دارد

جوہر ناتھہ کشمیری از علمای نامدار کشمیر است محدث وجامع علوم عقلیہ بود اکثر علوم بمدرسہ سلطان قطب الدین کشمیری تحصیل کردہ بحرمین شریفین رفتہ بعد اداے مناسک حج بیت اللہ بتحصیل حدیث متوجہ شدہ واز اکابر علما واجلہ محدثین آن دیار اجازت حدیث حاصل نمود واز ملا علی قاری ہروی وابن حجر مکی اجازت حدیث بسند معنعن یافتہ وبکشمیر معاودت کردہ بگوشہ انزوا بعبادت خالق مشغول گشتہ وبغرض استرزاق حلال بپیشہ رسیدن پشم کہ از ان دوشالہ سازند اختیار کردہ ودرس علوم وتفہیم ہم مے کرد

از تلامذہ اشہر وے ملا محمد ڈپیگر محشی شرح جامی است صاحب ترجمہ بسال ہزار و بست و
شش ہجری وفات یافتہ در کشمیر جانب شرقی مرقد ملا حسین خباز مدفون شد

ملا جیون امیٹھوی نام او شیخ احمد ابن ابی سعید بن عبداللہ بن عبدالرزاق بن خاصۃ
الصدیقی نسباً الحنفی مذہباً المکی اصلاً الصالحی لطناً الامیٹھوی مولداً قوت حافظہ بغایتے
داشت کہ قصیدہ بشنیدن یکبار یاد وے گرفت و عبارت کتب درسیہ بلا معاینہ
کتاب زبانی مے خواند اولاً قرآن مجید حفظ کردہ کتب درسیہ از علماے عصر خود تحصیل نمودہ
فاتحہ فراغ بخدمت ملا لطف اللہ ساکن کوڑہ جہان آباد خواند پس ازان بحضور محی الدین
اورنگ زیب بادشاہ باریاب شدہ بادشاہ موصوف بتعظیم و توقیر تمام پیش آمدہ بحلقہ
تلامذہ وے در آمد تا زندگی پا از جادہ ادبش بیرون نہ نہادہ ہمچنین اولاد بادشاہ موصوف
مراعی آدابش بودند ملا ممدوح الذکر عمر عزیزش را با افادہ درس و تصنیف صرف نمودہ
بزیارت حرمین شریفین مشرف شدہ از غرہ ربیع الاول سن یازدہ صد و پنج ہجری تسوید
نور الانوار شرح منار آغاز کردہ بہ ہفتم جمادی الاول سال مذکور در حرم شریف مدینۂ منورہ
بلا اعانت کتابے باختتام رسانیدہ و نیز تفسیر احمدی در شرح آیات احکامی از تصانیف
شہیرہ اوست در یازدہ صد و سی ہجری بدہلی وفات یافتہ نعش و بامیٹھی آوردہ دفن کردند
طاب اللہ ثراہ و جعل الجنۃ مثواہ

حرف الحاء المہملۃ

میان حاتم سنبھلی شاگرد و مرید شیخ عزیز اللہ تلنبی سنبھلی در عہد خود من حیث الجامعیۃ
خصوصاً در علم کلام و اصول و عربیت و فقہ بی ہمتا و مرتاض و صالح و متقی بودے گویند شرح
مفتاح و مطول را از باے بسم اللہ تا تاے تمت چہل مرتبہ درس گفتہ ہمچنین حال کتب دیگر
قیاس باید کرد چون ملا علاء الدین لاری حاشیۂ عقائد نسفی مصنفہ خود را بدعوے تمام
نزد میان پیش کرد وی بعد از مطالعہ چندان تدقیق فرمود کہ ملا را ہیچ جواب نماند بالجملہ تا ہفتاد
سال بر مسند افادہ و ارشاد متمکن بود در سال نہصد و شصت و ہشت یا نہ ہجری
از دار دنیا درگذشت

حافظ کوبکی مشهور بحافظ تاشکندی دانشمند متبحر بود خصوصاً در عربیت در خدمت ملا عصام الدین
اسفراینی تلمذ نموده جمیع علوم نیک میدانست و بسیار افاده فرمود سپاهی وضع بود در سن
نهصد و هفتاد و هفت هجری بهند آمده بملازمت اکبرشاه مشرف شده تفسیر سوره محمد صلی الله
علیه وآله وسلم بحضور شاه گذرانیده قریب چهل هزار روپیه صله یافته براه گجرات متوجه
حرمین شریفین شد

حاجی محمد کشمیری اصلش از همدان است یکی از بزرگانش همراه سید علی همدانی بکشمیر آمده
رخت اقامت انداخت حاجی محمد در انجا متولد شده و بدهلی رسیده کسب فضائل نموده در اکثر
علوم بمرتبه کمال رسیده بفقر و عبادت بسر می برد و بامور دنیوی ملوث نمی شد بروز پنجشنبه
نوزدهم صفر سال هزار و شش هجری وفات یافت ع نوزدهم بود از شهر صفر ماده
تاریخ فوت اوست

شیخ حبیب الله قنوجی از مشائخ کبار بلده قنوج عالم علوم درسیه مروجه معاصر مولوی
علی اصغر قنوجی در سلوک و تصوف توغل عظیم داشت و همگی همتش بهدایت و ارشاد خلق الله
معروف بود جواهر خمسه و تذکرة الاولیا و روضة النبی و انیس العاشقین و الفاضل فی الفقه
از تصانیف لطیفه اوست و او از شاه عبد الجلیل الهآبادی بیعت و ارادت داشت
در سال یازده صد و چهل هجری در قنوج وفات یافته بباغ خودش مدفون گشت

ملا حبیب الله فرنگی محلی ابن ملا محب الله بن ملا احمد عبد الحق بن ملا محمد سعید بن ملا
قطب الدین الشهید السهالوی اکثر کتب درسیه بخدمت برادر کلان خود ملا محمد مبین تحصیل
نموده و بعضی از آن بخدمت عم خود ملا انوار الحق اکتساب کرد و کتب مطوله از ملا احمد حسین
و معقولات در خدمت ملا محمد حسن خواند بوجه فقدان معاش متوجه بدرس نشد شب شانزدهم
ذی قعده سال دوازده و صد و بست و شش هجری وفات یافته ع شد بعرش
برین حبیب الله ماده تاریخ رحلت است

مولانا حسام الدین مانک پوری ابن مولانا خواجه ابن مولانا جلال الدین مرید و
خلیفه شیخ نور قطب عالم پنڈوه از اعیان مشائخ وقت خود عالم بود بعلوم شریعت

در طریقت او را ملفوظاتی ہست رفیق العارفین نام کہ یکے از مریدانش جمع کردہ۔

حکیم حسن گیلانی بحذاقت شہرت داشت و علمش نہ چنان بود اما بہ مکارم اخلاق و محامد اوصاف موصوف بود سوم محرم سال یک ہزار و چہار ہجری وفات فرمود۔

شیخ حسن بن طاہر جونپوری والد او شیخ طاہر از ملتان بطلب علم باین دیار افتاد مدتے در بلدہ بہار سکونت کرد و پیش شیخ بدہ حقانی تحصیل علم نمود وہم در بہار شیخ حسن پسرش متولد شد و از عنفوان شباب در اثنائے تحصیل علم طلب حق دامنگیر حال او گردید کہ مرید راجی حامد شاہ مانکپوری گشت او را رسائل در سلوک و علم توحید اند از ان جملہ کتاب مفتاح الفیض ہست در علم سلوک وی از مشایخ جونپور است در زمان سلطان سکندر لودی از جونپور باستدعاے او بدہلی قدوم آوردہ در کوشک بجی منڈل کہ نام برج حصار سلطان محمد تغلق ہست با اہل و عیال سکونت ورزید وہم در انجا بتاریخ بست و چہارم ربیع الاول سن نہصد و نہ ہجری وفات یافتہ قبرش و نیز قبر اکثر اولادوے

در انجا ہست علیہ الرحمۃ

حسن علی موصلی شاگرد رشید شاہ فتح اللہ در سال فتح کابل بملازمت اکبر بادشاہ رسیدہ مامور بتعلیم شاہزادہ بزرگ گشت و چندگاہ شیخ ابوالفضل نیز خفیہ از و تعلیم فن ریاضی و طبیعی و سایر اقسام حکمت گرفت و دقائق و غوامض علوم را از و کسب کردے و بعد چندی ترک وظیفہ کردہ عازم گجرات شد در انجا میرزا نظام الدین احمد و پسرش محمد شریف از و استفادہ علوم غریبہ عقلیہ نمودہ بدرجہ کمال رسیدند بعد زمانے ابوالفضل وغیرہ مقربان شمۂ از فضائل و کمالات او در مجالس شاہی مذکور ساختند کہ فرمان بہ طلب او رفت صاحب ترجمہ بلاہور آمد وقت کورنش او را تکلیف سجدہ نمودند و از ین معنے

آزار یافتہ در سن نہصد و نود وہشت ہجری عازم وطن گردید

مرزا حسن علی صغیر محدث لکھنوی ساکن محلہ بیچلے گنج نمحلات لکھنو ملقب بہ میرک جمال الدین المعروف بمرزا از سادات علوی ہست خود را ہاشمی مے نوشت سند حدیث از مولانا شاہ عبد العزیز دہلوی یافتہ چند با مردم علم حدیث از و استفادہ نمودند

سیدی مولوی ابوالخیر محمد معین الدین المشہدی الکڑوی سند حدیث از ایشان داشتند
رسالہ تحفۃ المشتاق فی النکاح والصداق از تصانیف مشہورہ ویست ونیز کتابے موسوم
بہ برہان الخلافۃ وفتاوی بزبان فارسی بدو منسوب مے کنند وبعضے مے گویند کہ مذہب
شافعی مے داشت منشی خادم علی سندیلی مؤلف تاریخ جدولیہ بہ سال دوازدہ صد وبست وشش
ہجری بمقام باندا مستفیض خدمت او شدہ وبعد او اخر سلطنت نصیر الدین حیدر شاہ اودھ
بمقام لکھنؤ بمرض استسقار حلت فرمودہ ہم درانجا مدفون شد سقی اللہ ثراہ

مرزا حسن علی کبیر محدث لکھنوی ساکن محمود نگر منجملات لکھنؤ شاگرد مولوے
حیدر علی سندیلی بود

مولانا حسن صغانی لاہوری ابن محمد بن حسن بن حیدر صغانی صغان بصاد
مہملہ مفتوحہ وغین معجمہ شہریست از شہرہاے ماوراء النہر معرب چغان بزرگانش از انجا آمدہ
بلاہور رخت اقامت انداختند مولانا حسن بتاریخ پانزدہم صفر سن پانصد وہفتاد وہفت
ہجری در لاہور متولد شدہ نشوونما یافت واز پدر خود تحصیل علوم کردہ مولانا موصوف
فقیہ کامل ومحدث عامل وعالم ربانی واقف احکام ومعانی بود در سن ششصد و
پانزدہ ہجری بہ بغداد رفتہ مقیم شد وبعلوم عدیدہ کتب فائقہ تصنیف کردہ وہمانجا قبل تکمیل
تصنیف کتاب العباب در لغت در سن ششصد وپنجاہ ہجری وفات یافتہ
حسب وصیت خود ہمان سال بمکہ معظمہ مدفون شد منجملہ تصانیف مشہورہ او
کتب ذیل ستند اول اندشوارد در لغت شرح القلادہ السمیطیہ فی
توشیح الدریدیہ۔ کتاب الافتعال۔ کتاب العروض۔ مشارق الانوار۔
مصباح الدجی۔ الشمس المنیرۃ۔ شرح البخاری۔ درۃ السحابۃ وشرح درۃ السحابۃ در علم
حدیث۔ کتاب الفرائض۔ کتاب العباب ناتمام۔ وغیرہ۔

امیر حسن بن علاء سنجری دہلوی اورا در میان فضلاے عصر عزتے ومکانے
دیگر بود ودر میان مریدان شیخ نظام الدین اولیا بقربت وعنایت شیخ امتیازی داشت
در حسن معاملت وصفاے سیرت وسائر صفات حمیدہ یگانہ روزگار بود

باوصاف تصوف موصوف و با میر خسرو مصاحبت و معاصرت داشت او را بمدح غیاث الدین بلبن قصاید یست و در کلام امیر خسرو مدح سلطان مذکور کمتر امیر حسن را کتابیست مسمی بفوائد الفواد و دران ملفوظات شیخ نظام الدین قدس سره جمع کرده در غایت متانت الفاظ و لطافت معانی و کتاب مذکور درمیان خلفا و مریدان شیخ نظام الدین قدس سره بحجو دستور یست

مولوی حسین علی سندیلی ولد غلام مرتضی دراصل باشندہ قصبہ صفی پور از اولاد همشیرہ مخدوم عبد الصمد عرف شاہ صفی صفی پوری هستند سلسلہ انساب شان بہ عبد اللہ ابن عمر رضی اللہ عنہما میرسد از چہار پشت بواسطہ نانہالی بہ قصبہ سندیلہ قیام پذیر ہاند مولوی حسین علی بسال دوازدہ صد و چہل بہ سندیلہ متولد شدند و بخدمت پدر خود و نیز علماے فرنگی محل کتب فارسے و عربی تحصیل نمودہ فراغ حاصل کردہ بافادہ طلبہ اشتغال دارد دیوان اشعار فارسے و شرح چہل کاف و آمد نامہ منظوم از تصانیف اوست بخدمت سید شاہ محمد احسن سرہندی بختیار نگری بسلسلہ قادریہ ارادت وارند و نیز مجاز اخذ بیعت بسلسلۂ قادریہ چشتیہ و سہروردیہ از شاہ خادم صفی صفی پوری هستند سلمہ اللہ وابقاہ

سید حسین شاہ متخلص بحقیقت کہ فی الحقیقہ در فضائل و کمال بجاے خود شاہی بود و بہ منصب میر منشی رئیس مدراس سربلندے داشت وے را تصانیف بسیار اند ازانجملہ کتاب خزینۃ الامثال ست کہ دران امثال عربی و فارسے و هندی بسال دوازدہ صد و پانزدہ ہجری جمع آوردہ بخاتمہ کتاب مذکور مے نگارد کہ چون درین خزینہ عامرہ نقود امثال عربیہ و فارسیہ و هندیہ بہا است بنائے علیہ فرہا چاش در ہرسہ السنہ حسن اتمام پذیرفت و بعد اختتام خامہ وو زبانم اشعار تاریخش نیز در ہرسہ زبان گفت ؎
حین اتممت ہذہ النسخۃ ستتہا بربے المتعال ٭ سال تاریخ خواستم کہ کنم ٭ ہم زنامش عیان براہل کمال ٭ گرنپچے سے خرچ شاہ عدد ٭ بولا ہاتف خزینۃ الامثال ٭

خواجہ حسین ناگوری از اولاد شیخ حمید الدین ناگوریست جامع میان شریعت

وطریقت وحقیقت و مرید شیخ کبیر بود و در ولایت گجرات مدتے بخدمت پیر خود بوده بتحصیل
علوم کسبی و وہبی نموده بوطن اصل رجوع فرمود از تصانیف او تفسیر نور النبی است که ہر
جزوے از قرآن مجلدی جدا نوشته وحل تراکیب و بیان معنے قرآن از انچه در تفسیر ہا
مے باشد به تفصیل و تسہیل تمام تر بیان فرموده و بر قسم ثالث مفتاح شرحی نوشته
رسائل و مکتوبات دیگر نیز دارد و گویند که سوانح شیخ احمد غزالی را نیز شرحی کرده است و وی
اول کسے است که بر بالاے قبر خواجه معین الدین چشتی اجمیری عمارت روضه بنیاد نہاد
وے به تعلیم علوم دین و تلقین طریق ارباب یقین مشغول و بغایت مولع محبت حضرت
سرور کائنات صلعم بود ہرچه از خانه و باغ و چاه داشت ہمه را بآن حضرت نسبت
کرده وقف نموده بود و در سن نہصد و یک ہجری وفات یافت رحمۃ اللہ علیه

ملا حسین ہروی از فرزندان شیخ رکن الدین علاؤ الدوله سمنانی است در علوم
معقول شاگرد مولانا عصام الدین و ملا حنفی بود و در شرعیات تلمذ نزد خاتم العلماء والمحدثین
شیخ ابن حجر ثانی نموده و در وادی سلاست شعر و انشاء صنائع و بدائع و حسن تقریر و
فصاحت و بلاغت و ظرافت و لطائف بے نظیر بود دیوان اشعار فارسی باتمام رسانیده
از پیشگاه اکبر شاه بنظم نمودن سنگھاسن بتیسی مامور شده بود مگر بانجام نرسید وے در سال
نہصد و ہفتاد و نه ہجری از ہندوستان رخصت وطن حاصل کرده شیخ فیضی که تربیت
یافته او بود در لفظ دام ظله تاریخ آن یافت ہمدران نزدیکے به کابل ازین عالم
گذشت

مولوی حسین علی قنوجی ابن مولوی عبد الباسط قنوجی شاگرد پدر خود بود و بحیات
پدر خود بدرس و افاده طلبه علوم مے پرداخت تمرین المتعلم در بیان صیغ مشکله ازو
یادگار ہست بعد پنج ماه از فوت والد خود بعمر بست و چہار سالگی و در سال دوازده
صد و بست و سه ہجری ازین جہان بعالم جاودان رفت تغمده اللہ فے دار النعیم

مولوی حسین احمد ملیح آبادی ابن شاه علی احمد بن شاه علی محمد والد وی از
سرہند به لکھنؤ تشریف آورده از انجا بقصبه ملیح آباد مضافات لکھنؤ رخت اقامت

انداخت صاحب ترجمہ بتاریخ بست و پنجم صفر سال دوازدہ صد و یک ہجری بہ ملیح آباد متولد شدہ بخدمت مولوی ظہور اللہ لکھنوی و مولوی عبدالرحیم ساکن کلکتہ و مرزا حسن علی محدث صغیر ساکن لکھنؤ محلہ سیچی گنج و مولوی سید مخدوم لکھنوی و مولوی نور الحق لکھنوی و مولانا شاہ عبدالعزیز دہلوی و شیخ عمر محدث مکی و حکیم محمد صادق فیض آبادی و مولوی حیدر علی سندیلی اکتساب علوم متداولہ نمودہ ہموارہ بدرس و عبادت و ارشاد طالبان مشغول بودہ بہ تصنیف کمتر متوجہ بود رسالہ جواز قرأت فاتحہ خلف امام و رسالہ در بیان بیعت و شرح رسالہ مولوی رفیع الدین دہلوی در بیان وجود و چند رسائل در تصوف و حلیہ نبوی صلعم از تصانیفش بر صفحہ روزگار یادگار ماند چہارم رمضان سن دوازدہ صد و ہفتاد و پنج ہجری وفات یافتہ بجوار والد خود در مقابر موضع دودھیا متصل ملیح آباد مدفون شد

مولوی حفیظ اللہ فرنگی محلی ابن ملا حبیب اللہ ابن ملا محب اللہ فرنگی محلی برادر خرد مولوی ولی اللہ ذہین و ذکی بودہ باستعداد تمام کتب درسیہ تحصیل کردہ خدمت ارد(?)لی عدالت فیض آباد از سرکار شاہ لکھنؤ داشت ہمدران حالت بدرس طلبہ می پرداخت بستم ربیع الثانی سال دوازدہ صد و ہفتاد و نہ ہجری رحلت فرمود۔

حکیم الملک گیلانی نامش شمس الدین در حکمت و طب جالینوس زمان و مسیح دوران بملازم اکبر شاہ و خیر خواہ بندگان خدا و آشنا پرور بود پیوستہ طلبہ را درس گفتی و بے ایشان طعام نخوردی و بخانہاے مردم کم رفتی بسال نہصد و ہشتاد و ہشت ہجری بزیارت حرمین شریفین رفتہ ہمانجا سفر آخرت پیش آمد

حکیم دانا سیالکوٹی نامش ملا محمد صادق ابن مولانا کمال الدین سیالکوٹی ہست جامع علوم عقلیہ و نقلیہ بود نور الدین محمد جہانگیر بادشاہ شہرہ کمالش شنیدہ او را بہ محفل خاص بار دادہ ہرگاہ مباحثہ علماے اہل تسنن و تشیع پیش آمدے وے از اہل سنت مناظر و مجیب بودے و ملا حبیب اللہ شیعہ را خاموش کردے بعد وفات بخانہ خود واقع محلہ جمالتہ مدفون گردید

مولوی حمد اللہ سندیلی ولد حکیم شکر اللہ ولد شیخ دانیال ولد پیر محمد صدیقی از ارشد
تلامذہ ملا نظام الدین بن ملا قطب الدین شہید سہالوی عالم عامل وطبیب حاذق بود در
قصبہ سندیلہ من مضافات لکھنؤ مدرسہ کلان بنا نہاد بجہت مصارف مدرسہ چند دیہ از
پیشگاہ پادشاہ وقت معافی یافتہ عمر گرامی خود بدرس وافادہ طلبہ علوم مے گذرانید از پیشگاہ
شاہ دہلی مخاطب بفضل اللہ خان بود نواب ابو المنصور خان صوبہ دار اودھ بوے دستار
بدل برادرانہ داشت بسیاری علما وفضلاے نامدار از سایہ دامن تربیتش سر بر آوردہ اند
کہ نام نامی شان درج ذیل است قاضی احمد علی سندیلی داماد صاحب ترجمہ۔
مولوی احمد حسین لکھنوی۔ ملا باب اللہ جونپوری۔ مولوی محمد اعظم قاضی زادہ
سندیلہ۔ مولوی عبد اللہ ابن مولوی زین العابدین مخدوم زادہ سندیلہ واز مولوی
حمد اللہ مرحوم الترجمہ تصانیف ذیل مشہور ومتداول اند شرح تصدیقات
سلم العلوم معروف بحمد اللہ وحاشیہ شمس بازغہ وحاشیہ صدرا وشرح زبدۃ الاصول
عاملی وفات او بمقام دہلی در سال یازدہ صد وشصت ہجری بوقوع آمدہ جانب غرب
وجنوب از مزار حضرت قطب الدین اوشی قدس سرہ مدفون گشت غفر اللہ لہٗ

قاضی حمید الدین ناگوری در عہد شمس الدین التمش بادشاہ بود نام شریفش محمد ابن
عطا ست از مشائخ متقدمین ہندوستان جامع بود میان علم ظاہر وباطن مرید وخلیفہ
شیخ شہاب الدین سہروردی اما بر مشرب او وجد وسماع غالب آمد کہ دران مولع ومتوغل
بود او را تصانیف بسیار است بزبان عشق وولولہ سخن مے کند از ان جملہ طوالع شموس
در اسماء حسنی وے بسال ششصد وپنج ہجری بجوار رحمت حق پیوست

شیخ حمید الدین الصوفی السعیدی الناگوری السوالی کنیتش ابو احمد ولقب وے
سلطان التارکین است از اعاظم خلفاے خواجہ بزرگ معین الدین سنجری اجمیری واکابر
علماے صوفیہ صافیہ رضوان اللہ علیہم اجمعین از اولاد سعید بن زید من جملہ عشرہ مبشرہ
رضی اللہ عنہم بود عمرے دراز یافتہ واول مولودیست کہ بعد فتح دہلی بخانہ
مسلمانان پیدا شدہ از زمان حضرت خواجہ معین الدین تا اوائل وقت

شیخ نظام الدین اولیا باقی بود و را تصانیف بسیار اند از ان جملہ نسخہ اصول الطریقہ مشہور تر است وفاتش بست و نہم ربیع الثانی سال ششصد و ہفتاد و سہ ہجری وقوع یافتہ مرقدش در ناگور است یزار و تبرک بہ سوائے موضعی است از مواضع ناگور کہ شہریست بسر زمین مارواڑ

مولانا حمید قلندر دہلوی فاضلی شاعری بود مرید شیخ نظام الدین اولیا ست و در صحبت بعضے خلفاے شیخ انچہ مقتضی قابلیت و استعداد باشد استفادہ کرد و اول در خدمت مولانا برہان الدین غریب بود و جملہ ملفوظات او جمع آوردہ بعد از ان در ملازمت شیخ نصیر الدین محمود افتادہ و از ملفوظات او نیز جمع نمود آن را خیر المجالس نام کرد ابتداے تالیف آن در سن ہفت صد و پنجاہ و پنج ہجری بود و انجام آن در سال ہفت صد و پنجاہ و شش ہجرے صورت بست

شیخ حمید سنبھلی علامہ زمان یکتاے دوران بہ تفسیر دانی قرآن مجید معروف و دقیقہ رسی فرقان حمید موصوف بود ہمایون پادشاہ بوے عقیدہ راسخ داشت مے گویند کہ وے در زمان تسخیر ہندوستان بہ نوبت ثانی جہت استقبال ہمایون شاہ بکابل رفت و از بسکہ بادشاہ را با و اعتقاد بود روزے برآشفت و گفت کہ پادشاہم تمام لشکر شما را رافضی دیدم پادشاہ پرسید شیخ چرا چنین مے گوید گفت وہر جا نام لشکریان شما یار علی و کفش علی و حیدر علی یافتم و ہیچ کس را ندیدم کہ بنام یاران دیگر بودہ باشد بادشاہ ہم برآمد و قلم کہ پرستش بود بر زمین زدہ گفت نام پدر کلانم خود عمر شیخ است دیگرے نے دانم و برخاستہ بحرم سرا شد و باز آمدہ بملائمت ورفق شیخ را بحسن عقیدہ خویش اطلاع داد نتیجہ این حکایت عصوبت شیخ حمید بر تسنن و خوش عقیدگی و حسن خلقی ہمایون بادشاہ است رحمہما اللہ تعالے

قاضی حمید الدین دہلوی عمدۃ العلما قدوۃ الفضلا عمر خود را بدرس صرف کرد و شرح ہدایۃ الفقہ از تصنیفات مشہورہ او ست بسال ہفت صد و شصت و چہار ہجری بدار البقا رحلت فرمود.

حمید الدین نارنولی عالم متصوف بود تیسیر البرکات شرح دلائل الخیرات از تالیفات اوست که دران اختلافات نسخ متن بیان کرده

ملا حیدر کشمیری ابن خواجہ فیروز بعمر ہفت سالگی قرآن مجید حفظ نموده از علمای وقت ہیچو بابا قطب الدین و جوہرناتھ اولاً استفاده کرد وازان بعد از کشمیر بدہلی رسیده بخدمت شیخ المحدثین دہلوی فقہ و حدیث و تفسیر تکمیل نمود و بکشمیر واپس آمد حاکم آنجا ہر چند برای قضای آن بلده گفته وی ازان منصب اباکرد وفاتش درسال ہزار و پنجاه و ہفت ہجری بظہور پیوسته

قاضی حیدر کشمیری المخاطب بقاضی خان از علمای کبار و فقہای نامدار کشمیر شاگرد ملا عبد الرشید زرگر بود بوجہ عسرت معاش از وطن مالوف بہ لشکر محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر بادشاه پیوست و بتوسط سیادت خان صدر الصدور بخدمت بادشاه رسیده اولاً بتعلیم شاہزادگان مامور شد باز بتقاضای دہلی سربلندی یافته بدیانت و عدالت وی بادشاه بغایت رضامند شده وی را بخطاب قاضی خان ممتاز فرموده در سال یازده صد و بست و یک ہجری بعارضه اسہال بملک دکن وفات یافته نعش وی بکشمیر آورده بیرون شہر در باغ بچہ بوده زیر زمین سپردند

مولوی حیدر علی سندیلی ابن مولوی حمد اللہ سندیلی تلمیذ والد ماجد خود و قاضی احمد علی سندیلی بود تکمیل از ملا باب اللہ جونپوری شاگرد پدر خود کرده عالم متبحر و طبیب حاذق و شاعر بود از تلامذه مشاہیرش قاضی ارتضا علی خان گوپاموی و مولوی دلدار علی لکھنوی مجتہد شیعہ و مولوی سید محمد پسر مولوی دلدار علی مرقوم و مولوی نور اللہ فرنگی محلی و حافظ غلام میر سندیلی و مولوی احمد بخش سندیلی و مولوی نجف علی و قاضی جلال الدین آسیونی و مولوی محمد علی بدایونی و حاجی امین الدین کاکوروی و مولوی اعز الدین سندیلی و مولوی حسین احمد ملیح آبادی و مرزا حسن علی محدث کبیر ساکن لکھنؤ محلہ محمود نگر و مولوی رجب علی چریاکوٹی اند حاشیہ میر زاہد رسالہ و تعلیقات میر زاہد ملا جلال و تعلیقات شرح سلم مولوی حمد اللہ و تکملہ ناتمام شرح سلم

مولوی حمداللہ از تصانیف مشہورہ او ہستند بتاریخ ششم رجب سال دوازدہ صد و بست و پنج ہجری وفات یافتہ در صحن مدرسہ پدر خود بہ سندیلہ مدفون شد علیہ الرحمۃ والغفران

مولوی حیدر علی رامپوری اولاً از مولوی عبدالرحمٰن قہستانی دکھنی وثانیاً از مولوے محمد جیلانی رامپوری اکتساب علوم کردہ تکمیل تحصیل نمود و بدختر مولوے محمد جیلانی مذکور کتخدا گشت در علم طب ید طولی داشت با واخر عہد نواب احمد علی خان بہ ٹونک رفتہ در آنجا عزے و شانے یافت مے گویند سند علم حدیث از مولانا عبدالعزیز دہلوی یافتہ در ٹونک درس و طبابت مے کرد ہمانجا وفات یافت تاریخ وفاتش معلوم نیست از مولفات وی صیانۃ الاناس عن وسوسۃ الخناس بزبان اردو و رسالہ رفع الیدین بفارسے مشہور اند

مولوی حافظ حیدر علی فیض آبادی در علم مناظرہ و کلام فایق الاقران بود خصوصاً درفن مناظرہ با شیعہ سے در زمانش نظیرے نداشت مطالعہ کتب خصم زیادہ تر مد نظرش بود عمر شریفش از ہفتاد و پنج متجاوز شدہ قریب پنج سال مے گذرد کہ در حیدر آباد دکن بملازمت فرمان رواے آن دیار دو صد روپیہ مشاہرہ مے یافت ہمانجا رحلت فرمودہ مدفون گشت اکنون پسرانش در انجا ملازم و موجود اند علاوہ کتب مذکورہ ذیل دیگر مصنفاتش تمام و ناتمام در مناظرہ شیعہ ہستند **تصانیفہ المشہورہ** منتہی الکلام۔ رسالہ در نکاح ام کلثوم۔ نضارۃ العینین عن شہادۃ الحسنین۔ کاشف البثام عن تدلیس المجتہد المقمقام۔ ازالۃ الغین عن بصارۃ العین در سہ جلد۔ الداہیۃ الحاطمہ علی عمن اخرج من اہل بیت الفاطمۃ۔ رویۃ الثعالیب والغرابیب فے انشاء المکاتیب۔ رسالہ در بیعت مرتضوے

حرف الخاء المعجمہ

خانخانان دہلوی نامش عبدالرحیم پسر محمد بیرم خان خانخانان است بچہاردہم صفر سال نہصد و شصت و چہار ہجری در لاہور متولد شدہ در قابلیت و استعداد

ممتاز و یکتاے روزگار بود بزبان فارسی و ہندی و سنسکرت اشعار نیکو مے گفت واقعات
بابری از تصانیف وے است بعمر ہفتاد و دو سالگی در سال ہزار و سی و دو ہجری
وفات یافتہ در دہلی مدفون گشت

مولوی خادم احمد فرنگی محلی بن مولوی محمد حیدر بن مولوی محمد مبین که محفل وعظ و مسجد
فرنگی محل بطریق آباے خود مے آراست واز وعظ وے رونق فرنگی محل بود و بیعت از
پدر خود مولوی محمد حیدر مرحوم داشت مے گویند ہنگامیکه مولوے امیر الدین علی امیٹھوی
بجمعیت اسلامی جہت مقابلہ بیراگیان ہنومان گڑھی بسال ہفتاد و یکم بعد صدے
دوازدہم کمرہمت بستہ بود وے ہم بشمول دیگر علماے نیز خواہ حسب اشارہ نواب
نقی علی خان بفہمایش مولوی امیر الدین علی سابق الوصف لب کشادہ ہمدران زمان
بتاریخ دہم ذی الحجہ سال مذکور مولوی خادم احمد بعارضہ فرود آمدن رودہ مبتلا شدہ واقع
دوازدہم وقت ظہر طائر روح پرفتوحش بعالم بالا پرواز نمود منشی الطاف حسین منشی
خزانہ سلطانی تاریخ رحلتش فے البدیہہ چنین بسلک نظم کشیدہ ﮦ درین مقام سرای
فانی نہ کعبہ و نے کنشت باشد ۞ نہ طفل باشد نہ پیر باشد نہ خوب باشد نہ زشت باشد ۞
نہ تخت باشد نہ تاج باشد نہ مملکت نے خراج باشد ۞ نماند این ہیچ قصر و ایوان نہ در نہ دیوار
نہ خشت باشد ۞ نہ پست باشد نہ اوج باشد نہ بحر باشد نہ موج باشد ۞ بماند البتہ
نام آنکس ہر آنکہ نیکو سرشت باشد ۞ بعین حسرت شدہ روانہ چو خادم احمد ازین زمانہ ۞
رقم زد الطاف بہر سالش الٰہی او در بہشت باشد ۞ فاعتبروا یا اولی الابصار بہینید
کر درہمان قرب زمان بہ لکھنؤ و مرزبان آن از دست انگلشیان چہا بروے کار ظہور
یافتہ **تصانیفہ** دو رسالہ عربیہ و فارسی در بیان دائرہ ہندیہ۔ تعلیقات متفرقہ
بر شرح وقایہ۔ رسالہ حاصل و محصول متعلقہ فوائد ضیائیہ

مولوی خرم علی بلہوری از مشاہیر فقہاے بلہور شاگرد خاندان مولانا شاہ عبدالعزیز
دہلوی بود ہموارہ در قلع بدعت و احیاے سنت مے کوشید چنانچہ رسائل مؤلفہ
وے بران دلالت مے کنند وے رحمۃ اللہ علیہ در سال دوازدہ صد و پنجاہ و

هشت هجری حسب الامر نواب ذو الفقار بهادر رئیس باندا ترجمه در المختار شرح تنویر الابصار
از کتاب النکاح بزبان اردو آغاز کرده بماه رجب سن دوازده صد و هفتاد هجری تا آخر
کتاب باتمام رسانید بعد ازان بماه محرم بسال دوازده صد و هفتاد و یک هجری
ترجمه کتاب الحج مکمل نموده از شروع کتاب تا باب الاذان ترجمه نوشته بودند که همدرین
سال داعی اجل را لبیک اجابت گفته رهگرای عالم بقا شدند بعد وفات شان
مولوی محمد احسن نانوتوی حق تالیف ترجمه مذکور از ورثه مولوی خرم علی مرحوم خرید فرموده
آنرا مکمل کرده نامش غایة الاوطار نهادند که عدد وی دوازده صد و شصت و چهار می
برآید که آن زمانه درمیان ۱۲۵۹ و ۱۲۶۰ هجری است رساله منع قرات فاتحه خلف الامام و ترجمه
مشارق الانوار و آداب المریدین و نصیحة المسلمین ازو یادگار اند

امیر خسرو دهلوی خسرو شاعران نامدار و سرآمد متصوفان معرفت شعار جامع علوم ظاهر
و باطن بود وی سلطان الشعرا برهان الفضلا است نام شریفش ابوالحسن بن امیر
سیف الدین محمود از امیرزاده های هزاره بلخ بود در قصبه مومن آباد عرف بیتالی تولد یافته
اشعار آبدارش از چهار صد هزار زیاده اند و مشهور است که نود و نه کتاب در سلک نظم کشیده
ازان جمله تغلق نامه و کتاب قران السعدین در بیان داستان ملاقات ناصرالدین
بغراخان حاکم بنگاله با پسرش معزالدین کیقباد بادشاه دهلی است وی نسبت فنا
فی الشیخ با مرشد خود مولانا شیخ نظام الدین اولیا قدس سره داشت بعد شش ماه از فوت
پیر خود شب جمعه هیژدهم شوال سال هفتصد و بیست و پنج هجری بجوار رحمت حق پیوست
پائین مرشد خود در دهلی مدفون گشت رحمة الله علیه

مولانا خواجه مانکپوری پدر مولانا حسام الدین مانکپوری دانشمند متبحر و متقی بود فقر
بسیاری کشید وقتی سه فاقه شده بود که شخصی پیش وی برای استفتا آمد و پاره زر نیز
آورد وی زر نگرفت و صاحبش باز گردانید مردم خانه عتاب کردند نماز شام رسید ملک
عین الدین در مانکپور فرود آمده بود دعا می خواند او را لفظی مشکل شد پرسید درینجا
عالمی هست گفتند مخدوم مولانا خواجه دانشمند تاسخی است طلبیده آن لفظ را حل کرده

ملک عین الدین جہان قدر زرگر مستغنے آوردہ بود بازیافت جامہ وطعام پیش آورد بعد ازان باہل خانہ گفت چون ہمت کردیم ومال مشکوک بازگردانیدیم خداے تعالی مالا از وجہ حلال عطا کرد رحمۃ اللہ علیہ

خواجہ محمد قنوجی بن عبدالرحمن قنوجی عالم عارف وسالک بود از سادات رسول دو اخلاق حمیدہ وفضائل شہیرہ داشت بحرمین شریفین رفتہ واز مشائخ آن دیار مستفید شدہ بقنوج مراجعت فرمود از تصانیف او کتابیست در علم تصوف وسلوک موسوم بہدایۃ السالکین الی صراط رب العالمین در قنوج وفات یافتہ تاریخ فوتش معلوم نشد

خواجہ محمد دہلوی بن مولانا بدرالدین اسحاق از اولاد دختری شیخ فریدالدین گنج شکر است قدس سرہ جامع علوم وحاوی فنون بود در علم حکمت وموسیقی نیز کمالی داشت و بکمال ذوق وشوق وعبادت موصوف بود وے شیخ نظام الدین اولیارا در نماز امامت مے کرد از ملفوظات شیخ نظام الدین کتابے مسمی بانوارالمجالس جمع کردہ رحمۃ اللہ علیہ

مولانا خواجگی کالپوی مرید وخلیفہ شیخ نصیرالدین محمود وشاگرد مولانا معین الدین عمرانی واوستاد قاضی شہاب الدین دولت آبادی بود پیش از آمدن امیر تیمور گورکان از دہلی برآمدہ بکالپے متوطن شد ودر ہمانجا بسر برد قبرش بیرون شہر کالپے است

خواجہ بہاری لاہوری فقیہ محدث مفسر واقف اسرار حقانی بود اولا از مسکن خود حاجی پور بقصبہ گودہ بود بہ نیت تحصیل آمدہ بخدمت شیخ جمال الاولیاے خواند سپس بلاہور آمدہ بخدمت ملا محمد فاضل لاہوری دستار فضیلت بست ودبجانہ وے سکونت اختیار کردہ بالآخر مرید وخلیفہ حضرت میان میر گشت در سال ہزار وشصت ہجری وفات یافتہ بلاہور مدفون گردید

شاہ محب اللہ الہ آبادی نامش محمد یحیی برادرزادہ وداماد وخلیفہ شیخ محمد افضل الہ آبادی بحر امواج علم شریعت وطریقت بود بعمر سیزدہ سالگی از تحصیل علوم متعارفہ فراغ حاصل نمودہ موافق تربیت وتعلیم پیر خود مدارج سلوک را طے کردہ ہم پہلوے مرشد خود برآمد وبعد مرشد خود تمام عمر امور خلافتش انجام داد کتب ورسائل بسیار

تصنیف کرده ازانجمله القول الصحیح فی صلوٰة التسبیح والکلام المفید فیما یتعلق بالشیخ والمرید والکلمات
المؤتلفه فی المقاصد المختلفه و بضاعة مزجاة و مأخذ الاعتقاد فی شان الصحابه و اهل بیت
الامجاد و تزیین الاوراق فی مخرق الطباق و خلاصة الاعمال و وفیات الاعلام
به نمط نفحات الانس ملا جامی و چهار مجلد مکتوب در اظهار حقیقت تصوف مشهور و معروف
اند شب دوشنبه پانزدهم جمادی الاول سال یک هزار و یک صد و چهل و چهار هجری بجوار
رحمت حق آسوده بجنب پیر و مرشد خود در اله آباد مدفون گشت کان الشیخ قطبا تاریخ
رحلت اوست

حرف دال مهمله

داتا گنج بخش لاهوری نام شریفش علی مخدوم غزنوی است شجره نسب او با مام حسن
بن علی رضی الله عنهما منتهی میشود از اولیاے متقدمین جامع علوم ظاهر و باطن عابد زاهد متقی
مظهر خوارق و کرامات حنفی المذهب بود سالها مرشد خود شیخ ابو الفضل بن حسن ختلی
با دیگر مشائخ کبار چون شیخ ابو القاسم گرگانی و ابو سعید ابو الخیر و ابو القاسم قشیری محدث صحبت
یافته فوائد کثیره حاصل کرده و در عصر باشاره مرشد خود از غزنی بلاهور آمده
هنگامه فضیلت و مشیخت گرم نمود روز بدرس و تعلیم و شب به تلقین بسر میبرد
بسے علما و صلحا از دامن تربیت او برخاستند تصانیف بسیار از و یادگار اند از آن جمله
کشف المحجوب شهرت دارد بسال چهار صد و شصت و پنج هجری رحلت نموده در
خانقاه خود بلاهور زیر زمین آسوده

ملا درویزه پشاوری جامع علوم ظاهری و باطنی مرید و خلیفه سید علی غواص بود دفع
زنادقه و ملاحده در غفلت نهایت میکوشید با آنها مباحثه کرده بهم ساخته خصوصاً
با عیسیٰ ملوتے و بایزید ملحد که خود را پیر روشن نام نهاده بود بحثها کرده کتاب
مخزن الاسلام بزبان پشتو تالیف نموده ناتمام ماند پسرش ملا عبد الکریم او را باتمام رسانید
هر قدر از تصنیف ملا درویزه است در آن علاوه معارف و حقائق تذکره احکام شرع
شریف بسیار است و آنچه از تکمیل پسرش عبد الکریم است در آن اکثر حقائق و معارف تصوف

مذکور شده و مخزن الاسلام را نیز شرحی ہست مسمی بشرح کلمات باقیات مولانا درویزه در
سال یکہزار و چہل و ہشت ہجری وفات یافته

حافظ دراز پشاوری نامش محمد احسن واعظ ابن حافظ محمد صادق واعظ بن حافظ
محمد اشرف خوشالی پشاوری در فقه و حدیث و اصول یگانه روزگار از دودمان علم و فضل بود
اکثر علوم از والد ماجد خود که عالم و فاضل بود تحصیل نموده بمسند افادت و افاضت
متمکن شد و تمام عمر گرامی بدرس طلبه و تالیف کتب صرف کرده فتح الباری شرح فارسی
صحیح بخاری و تفسیر سورۂ یوسف و تفسیر والضحی و معراج نامه و وفات نامه و حاشیه شرح قاضی
مبارک بر سلم و حواشی تتمهٔ احمد یوسف و غیره رسائل و کتب از تصانیف اوست
بعمر شصت و یک سالگی بحدود دوازده صد و شصت و سه ہجری رحلت فرمود

بابا داؤد مشکوتی کشمیری از علماے نامدار کشمیر در فقه و حدیث و تفسیر و حکمت و
معانی ید طولی داشت و حافظ مشکوة المصابیح بود بدین وجه او را مشکوتی میگفتند
علوم متداوله بخدمت خواجه حیدر چرخی اکتساب کرده و علم باطن پیش بابا نصیب الدین
و خواجه محمود نقشبندی حاصل نمود کتاب اسرار الاخبار در حالات سادات و درویشان کشمیر
اسرار الاشجار و منطق الطیر منظوم از تصانیف اوست و بسال ہزار و نود و ہفت ہجری
وفات یافت در کشمیر متصل عیدگاه مدفون گشت

مولوی سید دلدار علی لکھنوی مجتہد الشیعه ابن مولوی معین الدین بن عبد الہادی
رضوی در سال یکہزار و یک صد و شصت و شش بقصبه جائس یا نصیر آباد متولد شده او
اول کسے ہست که در اہل تشیع به ہندوستان دعوی اجتہاد کرده و جمعه و جماعت در ان
مذہب بظہور آورده در مبادی احوال علوم عقلیه را از فضلاے ہندوستان مثل سید غلام حسین
دکنی الہ آبادی و مولوی حیدر علی و ملا احمد الله سندیلی و مولوی باب الله شاگرد
ملا حمد الله سندیلی استفاده نموده بعد فراغ از عقلیات در کربلاے معلی از آقا باقر
بہبہانی و سید علی طباطبائی اکتساب علوم فقه و حدیث و اصول کرده و در مشهد مقدس
از سید مہدی بن سید ہدایت الله استفاده و اجازت یافته بوطن مالوف رجوع نمود

و بافاده و تعلیم مطالب مذهبی سعی کوشید کتب ذیل از تصانیف وی است اساس الاصول۔
مواعظ حسنه۔ شرح باب الصوم حدیقة المتقین مصنفه اخوند مجلسی۔ و شرح باب الزکوة
از کتاب مذکور۔ و عماد الاسلام در پنج مجلد کلان و شهاب ثاقب و صوارم الالهیات و
حسام الاسلام و احیاء السنه و رساله ذو الفقار و رساله غیبت و رساله جمعه و حاشیه بر شرح
هدایه حکمت ملا صدرا و منتهی الافکار و مسکن القلوب و رساله وهبیه و رساله آثارة الاحزان
در عهد سلطنت غازی الدین حیدر بادشاه اوده بمقام لکهنؤ بشب نوزدهم رجب سن
یک هزار و دو صد و سی و پنج هجری وفات یافت در مقبره حسنیه واقع لکهنؤ مدفون شد تجاوز الله
عن سیاته وے در سال دوازده صد و بست و هفت هجری مسجدی تعمیر فرموده شاعری
تاریخ آن گفته و هو هذا ؎ دلبر زهرا و دلدار علی کامل اندر اجتهاد و اتقا ساخت چون مسجد
شده تاریخ آن مسجد اقصاے ثانی شد بنا؛ بالآخر صاحب الترجمه در عهد سلطنت
غازی الدین حیدر بادشاه اوده بمقام لکهنؤ بشب نوزدهم رجب سن یک هزار و دو صد و
سی و پنج هجری وفات یافته در مقبره حسنیه مدفون شد

مولوی دین محمد سندیلی ابن وجه الدین ابن شیخ عبد السمیع قاضی زاده سندیله
دانشمندی محدث و مدرس بود توکل و تقوی شعار خود داشت در اوائل صدی سیزدهم
جهان فانے را بدرود نمود

حرف ذال معجمه

مولوی ذاکر علی سندیلی ابن مولوی اکبر علی ابن مولوی حمد الله سندیلی شارح سلم العلوم
جوانے فارغ التحصیل بود از والد ماجد خود و عم خود مولوی حیدر علی سندیلی تربیت و تعلیم یافته
بعالم جوانی ازین جهان فانی هنگام غسل غدیر آبے که آن را بندی تالاب گویند
روبروی والد خود غریق بحر شهادت گردید ؎ این ماتم سخت است که گویند جوان مرد
اسبغ الله علیه شآبیب الرحمة والغفران

حکیم ذکا خان ساکن آگره طبیب حاذق در سلک ملازمان مادهوجی سیندهیا والی
گوالیار انتظام داشت در سن دوازده صد و شش هجری وفات یافت قبرش اندر احاطه

درگاه شاه علاء الدین واقع اکبرآباد موجود است و آن را از سنگ مرمر ساخته اند بران تاریخ
فوت وی منقوش است و هو هذا ٥ ذکا خان عالم قانون حکمت * که وا دست عقل
کل بر دست او بوس * شب آدینه پنجم ز شوال * بحرم کوچ زد زین کهنه کوس *
خرد گفت از سر افسوس تاریخ * شد از دنیا مسیح وقت افسوس

حرف الراء المهملة

راجح ابن داؤد احمدآبادی شهر صفر سنه هشتصد و هفتاد و یک در احمدآباد ولادت یافته صرف و نحو و منطق و عروض و غیره از محمد بن محمود ستری حنفی درس گرفته و علم معانی و بیان از مخدوم بن برهان الدین و علم هیئت و کلام بجد است محمد بن تاج الحنفی اکتساب نموده در جمله فنون تبحر پیدا کرده و طبع مائل بشعر داشت و اجازت الفیه حدیث از سخاوی گرفته در سال نهصد و چهار هجری رحلت فرمود

رحمت الله سندی از اکابر علمای عاملین بود از سنده بمدینه طیبه اقامت گزیده در سال نهصد و نود هجری بمکه معظمه رحلت فرمود

حافظ رحمت الله آبادی اصلش از پنجاب است و ضعفی بر دو چشمانش بعارضه چیچک بی بصر شده چون بسن تمیز رسید قرآن مجید باندک زمانی یاد کرد و کتب صرف و نحو از علمای عصر زبانی خوانده همچنین کتب اکثر علوم از اساتذه وقت خواند بغایت ذکی الطبع وجید الحافظه بود که گویند کار از شنیدن سه کرت عبارت کتب ورق ورق یاد می گرفت قاموس اللغة در شش ماه یاد کرده کتب صحاح سته بر زبان داشت در آله آباد متاهل شده رخت اقامت انداخت چهارم رمضان المبارک روز سه شنبه سال دوازده صد و نود و سه هجری از این جهان رحلت فرمود رحمة الله علیه

مولوی رحمت الله فرنگی محلی پسر سوم مولوی نور الله بن ملا احمد ولی بن قاضی غلام مصطفی بن ملا محمد اسعد بن ملا قطب الدین سهالوی شاگرد عم خود ملا ظهور الله از تحصیل علوم درسیه فراغت یافته بمقام نادی پور نانچطرح اقامت افگند در سنه سوم بیشتر همت مصروف داده تعلیم علوم متداوله از معقولات و منقولات است

بطلب سیادخلقی ازفیض وے کامیاب می شدند بتاریخ شانزدہم جمادی الاول سن سیزدہ
صد وپنج ہجری بغازی پور رحلت فرمودہ مدفون گشت

شیخ رزق اللہ دہلوی عم کلان شیخ عبدالحق محدث دہلوی متخلص بمشتاقی مردے
فاضل وکامل وعارف از نوادر روزگار ازمردم سلف یادگار جامع فضائل صوری و
معنوی بود وطبع موزون در ہندی وفارسی داشت در سالہاے ہندی او پیم آین و
جوت نرنجن پیش ارباب شوق وذوق مقبول ومشہور اند تخلص او در ہندی راجن ودر فارسی
مشتاقی در سال نہصد ونود وہفت ہجری رحلت نمود ورمشتاق ختم تاریخ وفات
او شیخ المحدثین دہلوی یافتہ رحمہما اللہ

مولوی رستم علی قنوجی ابن مولوی علی اصغر قنوجی در سال یازدہ صد ویازدہ ہجری
متولد شدہ از مختصرات تا مطولات کتب درسیہ بخدمت والد خود تحصیل کردہ بعد وفات
پدر سنا تحہ فراغ در سال یازدہ صد وچہل ہجری بخدمت ملا نظام الدین لکھنوی خواندو مسند
افادہ وافاضہ جانشین پدر گردید تفسیر صغیر کہ در ایجاز عبارت بجلالین ہمدوش است و
شرح منار در غایۃ اختصار از تصانیف شہیرہ اوست در سال یازدہ صد و
ہفتاد وہشت ہجری رحلت فرمودہ

مولانا رشید الدین خان دہلوی از ارشد تلامذہ مولانا رفیع الدین دہلوی ذہن
وقاد وطبع نقاد ودر علم کلام کمالی وافر داشت شوکت عمریہ بجواب بارقہ ضیغمیہ مقدمہ
متعہ وغیرہ رسائل در رد مذہب اہل تشیع از تصنیفاتش یادگار ماندہ در سال دوازدہ صد و
چہل وسہ ہجری طائر روحش باوج علیین پرواز کرد برد اللہ مضجعہ

مولوی رضا حسن خان کاکوروی ابن امیر حسن خان از مخدوم زادگان
کاکوری است سیزدہم ذیقعدہ یوم پنجشنبہ سال دوازدہ صد وچہل وشش ہجری ولادت
یافتہ حاجی محمد سعید بغدادی چند قطعہ تاریخ ولادتش بزبان عرب نظم نمودہ ازان جملہ
این است ؎ شرف العصر مولود وفاق ہو وبادہ ثانی معدن الخیر قد زان الوجود وذہانت
وفطانت وہبی داشت بعمر ہیژدہ سالگی از تحصیل علوم متعارفہ فراغ یافتہ

خصوصًا در انشای عربی و فارسی نظمًا و نثرًا گوی سبقت از اقران ربوده مشار الیہ اہل کمال گشت مصنفاتش در بنگال مشہور و معروف اند منجملہ آن قصیدہ انموذج الکمال ہموزن و قافیہ قصیدہ بردہ در سال دوازدہ صد و شصت و چہار ہجری تصنیف فرمودہ چنانچہ بخاتمہ آن مے فرماید ؎ تم المدیح فقد اخت موتمنا؛ الفہ از لل الایجاز والختم؛ وشرح آن بدوازدہ صد و شصت و پنج ہجری نوشتہ دران وقت نوزدہ سالہ بود دیگر مطارح الاذکیا در حل عویصات علوم مختلفہ ہست و این ہر دو کتاب بنظر مؤلف رسیدند الحق کہ از ان لیاقت علمی مصنف ظاہر مے شود آخر باقتضای کل نفس ذائقۃ الموت در عین شباب بملک بنگالہ سفر آخرت گزید رحمۃ اللہ علیہ

مولوی رضا علی خان بریلوی

ابن محمد کاظم علی خان بن محمد اعظم شاہ ابن محمد سعادت یار خان بہادر از اجلہ علماے بریلی ملک روہیلکھنڈ و از عائلہ افاغنہ بڑہیچ است بزرگان شان پیش سلاطین دہلی بر عہدہ ہاے جلیلہ بمنصب شش ہزارے سرفراز و ممتاز بودند وے بسال بست و چہارم صدی سیزدہم ہجرت متولد شدہ بخدمت مولوی خلیل الرحمن مرحوم بمقام ٹونک تحصیل علم درسی کردہ بعمر بست و سہ سالگی از اکتساب علوم متداولہ فراغ یافتہ مشار الیہ اماثل و اقران گشت خصوصًا در علم فقہ مہارتے کامل داشت تذکیر پر تاثیر وے مشہور و معروف است بالجملہ لینت کلام و سبقت سلام و زہد و قناعت و حلم و تواضع و تجرید از خصائص وے توان شمرد دوم جمادی الاول سال ہشتاد و دوم صدی سیزدہم ازین سراے سپنج رحلت فرمود رضی اللہ عنہ بڑہیچ بباے موحدہ تازی و راے ثقیلہ ہندیہ ہر دو مفتوح و یاے تحتانی ساکن و جیم فارسے موقوف گروہے از افاغنہ اند کہ ایشان را روہیلہ نیز گویند

شاہ رضا لاہوری

قادری شطاری از اکابر علماے و کملاے مشائخ لاہور صاحب مثنوی و ارشاد بود فتوحات ظاہر و باطن ہر انچہ بود پیوستہ در پنجاب بکسی میسر نگشت بتاریخ دوازدہم جمادی الاول سال ہیژدہم از صدی دوازدہم رحلت فرمودہ مرقدش بلاہور است

شیخ رضا رفیقی کشمیری ابن محمد بن مصطفی رفیقی کنیت وے ابو حمزه است بسال دوازده صد و پنج هجری متولد شده از پدر بزرگوار و اعمام وجد مادرے خود و شیخ نعمت الله بن اشرف لوپکری علوم تحصیل کرده فقیه و محدث و مفسر گشت و بدرس علوم مذکور اشتغال داشت و بهر که و مه سبقت سلام مے کرد و از بس حلیم و رحیم و متواضع بود بماه شعبان سنین دوازده صد و هفتاد و شش هجری رحلت فرمود

میر رضی الدین از علماے کشمیر فاضل کامل و متبحر بود بزمان تسلط مرزا حیدر به محله قطب پوره مدرس مقرر شده باکثر علوم تالیفات جیده دارد و دختر وے بحبالهٔ نکاح ملا فریدون در آمد مولوے فقیر محمد لاهوری در حدائق حنفیه مطبوعه مطبع نولکشور بصفحه ۳۷۷ اولاً وفاتش در سن نهصد و پنجاه و شش هجری نوشته باز بهمان صفحه در ذیل ترجمه میر موصوف وفات او در سن نهصد و شصت هجری تحریر مے فرمایند ندانم که صحیح کدام است و وجه تکرار ترجمه چیست بجز اینکه بر مسامحت قلم تاریخ محمول شود

مولوی رضی الدین ولد حبیب الدین قاضی کانپور که بزیور رضا و تسلیم آراسته بود بحکم قضا در سال دوازده صد و شصت و دو هجری در بلده کانپور از دولت سراے فنا بدار البقاے بقا شتافت مولانا محمد سلامت الله کشفی ادام الله برکاته تاریخ وفاتش چنین یافته ~ سال باغ شرف مولوی رضی الدین ٭ قضا نهفته بخاکش چو آفتاب بمیغ ٭ (۱۲۶۲)
زپیر عقل چو سال وفات او جستم ٭ بنعره گفت بمن هاے هاے و دریغ ٭ —

میر سید رفیع الدین محدث ساکن آگره آباے کرامش همه علما و صلحا بوده اند و او نیز دانشمند و محدث بود و بنهایت جود و سخاوت و خلق و لطف داشت در معقولات شاگرد مولانا جلال الدین دوانی و در حدیث شاگرد شیخ شمس الدین محمد بن عبد الرحمن السخاوی الحافظ المصری است و اصلش از شیراز بود تولد او هم در انجا است در زمان سلطان سکندر لودی بدهلی تشریف آورد سلطان سکندر را در حق او اعتقادی عظیم پیدا شد وی باذن سلطان سکندر در آگره اقامت فرمود وفات او در سال نهصد و پنجاه و چهار هجری شده قبرش هم در انجا است که خانهٔ او بود رحمة الله علیه

مولانا رفیع الدین دہلوی ابن شاہ ولی اللہ دہلوی از اجلہ علماے وقت بود مقدمۃ العلم و رسالہ عروض و کتاب التکمیل و رسالہ دفع الباطل و اسرار المحبۃ و ترجمہ قرآن مجید بزبان اردو و تحت اللفظ از تصانیف وے ہستند گاہی شعر ہم گفتی چنانچہ غزل مولانا عبد الرحیم دہلوی راکہ در بیان ماہیۃ نفس بجواب غزل عربی شیخ الرئیس بود مخمس نمودہ بسال دوازدہ صد و چہل ونہ ہجری رحلت فرمود رفع اللہ درجاتہ فی الجنات

مولوی رفیع الدین مراد آبادی ابن فرید الدین علم حدیث بخدمت مولوی خیر الدین سورتی شاگرد شیخ محمد حیات سندی و نیز بخدمت شاہ ولی اللہ محدث دہلوی حاصل نمودہ و با مولانا شاہ عبد العزیز دہلوی صحبتہای تحقیق و تدقیق داشت مرید و شیخ محمد غوث لاہوری بود و بحرمین شریفین رفتہ بحج و زیارت مشرف شدہ و کتابے در حالات حرمین شریفین تالیف کرد کتاب قصر الآمال بذکر الحال و المآل و سلو الکئیب بذکر الحبیب و ترجمہ عین العلم و شرح اربعین نووے و کنز الحساب و تذکرۃ المشائخ و کتاب الاذکار و تذکرۃ الملوک و شرح غنیۃ الطالبین و تاریخ افاغنہ مشہور ترین از مصنفات وے اند پانزدہم ذی الحجہ سال دوازدہ صد و ہژدہ ہجری در مراد آباد بمرض استسقا وفات یافت۔

مولوی روح اللہ لاہوری در سال یازدہ صد و ہفتاد و یک ہجری متولد شدہ باکتساب علوم پرداخت در صرف و نحو و منطق و معانے و حدیث و تفسیر و اسنے نظیر خود نداشت شاگرد رشید مولوے محمد سلیم لاہوری بود حکام عہد یعنے رنجیت سنگھ وغیرہ ادب وے بغایت مے کردند دران زمان کہ شورش سکھان در لاہور بدرجہ غایت رسیدہ بود اوست کہ در لاہور آثار شرع جاری داشت فتواے او نزد علماے عصر مقبول مے شد در مکہ معظمہ رفتہ بلسے روز بماہ رمضان شریف قرآن مجید حفظ کرد صاحب تصانیف بود بوقت مراجعت در معمورہ یمن بسال دوازدہ صد و چہل و چہار ہجری وفات یافتہ

شاہ رؤف احمد مصطفے آبادی نقشبندی مجددی مصطفے آبادی برادر خالہ زاد

شاہ ابوسعید دہلوی فقیہ و محدث و مفسر بود کسب علوم ظاہر از مولانا شاہ عبدالعزیز کردہ خرقۂ خلافت خاندان نقشبندیہ از شاہ غلام علی یافتہ در بھوپال مقیم شدہ تفسیر رؤفی بزبان اردو تالیف نمود کہ آغاز آن در دوازدہ صد وسی وسہ و اختتام آن در دوازدہ صد و چہل وہشت ہجرے بظہور پیوستہ و نیز دار المعارف در بیان ملفوظات مرشد خود و دیوان رافت در اشعار ہندی و فارسی از تصنیفات اوست و در اشعار رافت تخلص مے کرد از بھوپال بعزم زیارت بیت اللہ روانہ شدہ بسوارے جہاز درسال دوازدہ صد و سہ ہجری انتقال فرمود

حرف زاے معجمہ

مولانا شاہ زاہد بخاری احمد آبادی محدث و فقیہ حنفی المذہب مرید شاہ عالم گجراتی درس علوم مے داد تاریخ ششم شعبان سال ہشت صد و نود و سہ ہجری وفات یافت و بہ احمد آباد گجرات مدفون گشت

ملک زین الدین و ذیر الدین ایشان دو برادر گو در علماے کرام معدود نیستند مگر از اسخیاے روزگار و صلحاے است دمحب العلم و العلما بودند لہذا ذکر شان درین مختصر بمقتضاے المرء مع من أحب تیمنا و تبرکا کردہ مے آید

ملک زین الدین از وکلاے خان جہان کہ از بنی اعمام سلطان سکندر لودی توفیق بر خیرات و مبرات رفیق حالش بود و بعلاقۂ صلاح و تقوے و خدمتگاری اکثر مشائخ و علماے وقت را باد محبتی در جوع بود و مے ہموارہ تلاوت قرآن مجید بحالت قیام مے کرد و رحلے ساختہ کہ تا سینہ وے بلند بود بران قرآن مجید مے نہاد و استادہ تلاوت مے کرد و تمام متعلقان او از خدمتگاران وغیرہ از نصف آخر شب براے تہجد بر مے خاستند و تا وقت چاشت در منزل او جز باشارت دست و زبان بوجہ شغل اوراد وغیرہ کارے نمی شد گویند کہ وی را شب جمعہ بر در مطہر رسول اللہ صلعم مقدار چند من برنج قبول سنے پختند بر ہر برنجی سہ کرت قل ہو اللہ احد خواندہ می رسیدند و در ایام مولد آنحضرت صلعم ہر روز یک ہزار تنکہ زیادہ مے کرد تا روز دوازدہم

دوازده هزار تنگه خرج مے شد تنکه بالفتح وکاف عربی بمعنی قرص رائج خواه از زر باشد
خواه نقره یا مس واین مفرس تکه است

ملک زبیرالدین بجهت ملازمت برادر که درگاه در سلطانے داشت اکتفا کرده
روزگار بتجرد مے گذرانید وقریاتیکه در حوالی دهلی بود نه ملکیت گرفته بعلما وصلحا وصوفیان
خوش مے گذرانید چون هر دو برادران اتفاقاً بروز چهارشنبه دعاے شهادت خود
مے کردند چنان شد که ایشان مے خواستند یعنی زین الدین در سنه نهصد و بست و
شش هجری مسموم وفات یافت و زبیرالدین همراه سلطان ابراهیم ابن سلطان سکندر
بودے در سنه نهصد و سی و دو هجری شهید شد قبر او جانب غربی حوض شمسی
واقع دهلی است

زین العابدین دهلوی عرف شیخ اڈهن دهلوی جد مادری شیخ عبدالحق محدث
دانشمند کامل متورع و متعبد و در غایت خشوع وانکسار و تأدب و وقار بود بهمان وضع و
آداب که درمیان مردم مے بود درون خانه نیز بودے و زبانش دائم بذکر الله مے رفت
وحلیه در غایت جمال و نورانیت داشت که انوار علم و تقوے از جبین وی لائح بود
اکثر احوال صائم بودے و در لقمه احتیاط تمام داشتی سلطان ابراهیم بن سلطان سکندر
بودے وے را بجهت خویش خواند قبول نکردے مرید مولانا سماء الدین و شاگرد
مولانا عبدالله تلنبی است رحمة الله علیهم وفات او در سال نهصد و سی و چهار هجری بوقوع پیوست
قبرش جانب غربی حوض شمسی در دهلی است

شیخ زین الدین خوافی متخلص وفائی صدر مستقل ظهیرالدین محمد بابر پادشاه بود فور
دانشمندی موصوف بود او را مسجدیست در آگره و مدرسه که آن طرف آب جون واقع شده و
صاحب کمالات صوری و معنوے و در تاریخ و بدیهه گوئی و شعر و سائر جزئیات
نظم و نثر و انشا بے عدیل زمان خود بود گویند که مجلس اول که با بابر پادشاه ملاقات
نموده پرسید که سن شما چند باشد وے فی البدیهه گفت که قبل ازین به پنج سال
چهل ساله بودم و حالا چهل ساله ام و بعد و سال دیگر چهل سال تمام می شود و دست

قطعہ ہذا سے غم گریبان گیر شد سر در گریبان چون کشم؛ شوق دامنگیر آمد پا بدامان چون کشم؛ اے گریبانم زشوقت تار و دامن چاک چاک؛ بے تو پا در دامن و سر در گریبان چون کشم؛ وے تاریخے نوشتہ مشتمل بر فتح ہندوستان و شرح غرائب آن و داد سخنوری در آن دادہ وفاتش در حدود چہار گذشت بسال نہصد و چہل و دو دادہ در مدرسہ خود باگرہ مدفون گشت

خواجہ زین الدین علی تپور کشمیری راینواری از علماے کشمیر شاگرد شیخ یعقوب صرفی و ملا شمس الدین پال و مرید شیخ حمزہ بود در اواسط عمر بحرمین شریفین رفتہ از شیخ ابن حجر مکی اجازت حدیث یافتہ بکشمیر واپس آمدہ بتدریس علوم صارف الاوقات بود بعد وفات بمحلہ راینوارہ کہ مسکن وے ست مدفون گشت

مولوی زین الدین کشمیری ابن خواجہ عبد اللطیف دانشمند کامل ذکی الطبع بود و طبع موزون داشت اشعار فصیح مے گفت در اکل حلال کمال محتاط بود بعمر پنجاہ و دو سالگی بسال یازدہ صد و پنجاہ و پنج ہجری وفات یافتہ بمحلہ راینواری محلات کشمیر قریب خواجہ زین الدین علی جد خود مدفون شد

حرف سین مہملہ

مولوی سخاوت علی عمری جونپوری ساکن قصبہ منڈیاہون مضافات جونپور کثیر الدرس والتذکیر کہ از ذات جامع صفات نشان مرحلہ علوم را فیض عام بود ولادت ایشان در سن دوازدہ صد و بست و شش ہجری وقوع یافتہ از مولوی قدرت علی و مولوی عبد الحی دہلوی و مولوی محمد اسمعیل دہلوی و مولوی احمد اللہ انامی اکتساب علوم نقلیہ و عقلیہ فرمودہ بدرس و افادہ طلبہ ہمہ تن متوجہ بود و مسجد جامع جونپور کہ از تعمیرات سلاطین شرقیہ است بقبضہ اہل تشیع مرکز بدعات شنیعہ بود مخلص فرمودہ و انجا مدرسہ بنا نہادہ است آنچہ قائم گردید تا حال جاریست وقت نماز پنجگانہ و جمعہ مے شود و صدہا کسان حافظ قرآن از وے برآمدند چندے در باندا بعہد نواب ذو الفقار بہادر مرحوم مدرس مدرسہ آنجا بود و در عراق دو کرت بہ حضرت ایشان

شرف یاب شد اول در مچھلی شہر بکان استادی مولانا محمد شکور غفر اللہ لہ ودوم در فتح پور
بفرودگاہ مفتی محمد اسد اللہ مرحوم ذات پاکش مہربان بحال طلبہ یافتم وے حج بزیارت
بیت اللہ الحرام مشرف شدہ بہ درا بجا بشتم شوال سال دوازدہ صد و ہفتاد و چہار ہجری
جان بجان آفرین تفویض نمودہ بجنۃ المعلی مدفون گشت القول القویم فی احادیث النبی الکریم
در حدیث و رسالہ اسلم در منطق و رسالہ تقوے در رد بدعات وعقائد نامہ اردو و رسالہ
کلمات کفر و رسالہ اسرار فقر و جواب سوالات تسعہ از مولوے شیخ محمد مچھلی شہری
و رسالہ عرض نیک در مناظرہ شیعہ و رسالہ عرفان در اوقات و رسالہ تعداد لغات
وغیرہا از تصانیف مشہورہ او ہستند بسے علماے نامدار از زیر دامن تربیتش برخاستند
از انجملہ مولوے سید خواجہ احمد نصیر آبادی و مولوے کرامت علی جونپوری و مولوی رجب علی
جونپوری و مولوے محمد شریف جونپوری و ملا غلام محمد جگدیس پوری اعظم گڈھی و مولوے
شیخ محمد مچھلی شہری و مولوی محمد یعقوب بہاری و مولوی شجاعت حسین و مولوے محمد عمر
غازیپوری و مولوی غلام جیلانی بائیہ پوری غازیپوری و مولوی فیض اللہ مئوے اعظم گڈھی
و مولوی رحیم اللہ ساکن ضلع بستی مشہور اند وی را حق تعالی چہار فرزند ارجمند عطا فرمودہ یکے
مولوی محمد دوم مولوے حکیم محمد حنیف سوم مولوے محمد شبلی چہارم مولوے حافظ ابوالخیر محمد مکی
ذکر این چہار بمحل خود خواہد آمد انشاء اللہ تعالے

مولوی سراج الحق بدایونی ابن مولوی فیض احمد بدایونی اند عالم کامل و فاضل مکمل
ذہن نقاد و طبع وقاد وارند ولادت شان در سال دوازدہ صد و چہل و شش ہجری
بمنصہ وجود جلوہ ظہور افگند اظہار الحق نام تاریخی ایشان است اکثر کتب درسیہ پیش
والد ماجد خود گذرانیدہ و تکمیل تحصیل بخدمت خال خود مولوی نور احمد بدایونی نمودند
و شرف بیعت از مولوے شاہ فضل رسول بدایونی یافتہ بافاضہ و افادہ ہمہ تن متوجہ
ہستند درین چنین زمان کہ غلو در کتابہ و علما دیگر اند ذات شریفش را از مغتنمات
توان شمرد رسالہ سراج الحکمۃ در فلسفہ و شرح رسائل قیاسات بہاء الدین عاملی
و شرح میزان منطق و حاشیہ بر کتاب مختصر نقشہ در رسائل طبیہ و دیوان عربی

وفارسی از تصانیف شان مطرح انظار علماے وقت اند سلمہ اللہ وابقاہ ورقاہ اسمے بایمناہ
حکیم سراج الدین شاہ جہان آبادی از مشاہیر اطباے شاہجہان آباد علامہ زمان بود در تصانیف وکتابت شہرتے داشت چراغ دین وانتخاب بحر الکلام وعلم رموز وعقل افزا وحکمت ایمانی وسراج منیر وسراج ہدایت ولب لباب مثنوی مولانا روم ودستور العمل علماے متقدمین وعقلاے سابقین ومجموعہ گل وریاحین وقانون العلاج از تالیف اوست
سراج الدین علی خان اکبر آبادی آرزو تخلص محقق زبان فارسی چراغ ہدایت و تذکرۂ شعرا موسوم بمجمع النفایس وتنبیہ الغافلین متضمن خوردہ گیری شیخ علی حزین گواہ فضل اوست علاوہ فارسی در ریختہ گوئی ہم کمالے داشت بروقت بربادے دہلی حسب الاشارہ نواب سالار جنگ بہ لکھنؤ رفتہ ہمانجا در سال یازدہ صد وشصت ونہ ہجری وفات یافت
مولوی سید سرفراز علی سندیلی ولد میر محفوظ علی ولد میر محمد صالح کہ سلسلہ نسبتش بہ سید ناموسی کاظم رضی اللہ عنہ میرسد در سال دوازدہ صد وسی وشش ہجری ولادت یافتہ بخدمت علماے زمان خود اکتساب علوم مروجہ متداولہ نمودہ فراغ حاصل کرد از ابتداے تعلم تا حال اشتغال بہ تعلیم طلبہ دارد وخلیفہ مجاز شاہ غلام رسول کانپوری رحمۃ اللہ علیہ اند سلمہ اللہ والقاہ
شیخ سعد اللہ بنی اسرائیلی لاہوری از شاگردان رشید شیخ اسحاق بن کاکو لاہوری است خود را بنی اسرائیلی می گفت اطوار مختلف داشت ابتداء متشرع بود بہ یکبار ترک تقید نمودہ مرتکب جمیع نواہی شدہ باسطرب تعلق پیدا کردہ باریش سفید در بازار مے گذشت سے
زین بیش گرچہ خلق گرفتی ز ما سبق
بہ عشق آمد و نماند نشانے ز ما سبق
مردم خاکپای او را از بس حسن عقیدہ بجای توتیاے کشیدند وعقیدہ ولایت باو داشتند در ان حالت در عین تخاس درس مے گفت واز اسباب جمعیت ہرچہ داشت در عشق آن نگار در باخت شبے باو شراب مے خورد کہ جمعے از محتسبان باتفاق

طلبہ کہ نسبت تلمذ با و داشتند ہجوم نمودہ بجہت اصلاح حال او از راہ دیوار بخانہ او درآمدہ و
آلات ملاہے و مناہے شکستن خواستند کہ او را تعزیر نمایند ہمان سخن را بزبان آورد کہ
بہ خلیفہ ثانی امیر المومنین عمر رضہ گفتہ بودند کہ اگر یک نامشروع کردہ ایم شما سہ نامشروع
را ارتکاب نمودہ اید پس شما بتعزیر سزاوارترید کہ بہ تجسس بے اذن از راہ دیوار سر زدہ
درین خانہ درآمدید آن جماعہ منفعل و خجل شدہ بازگشتند بعد ازان توفیق توبہ نصوح یافتہ
و کتاب احیاء العلوم را دستور خود ساختہ پیشہ بعبادت و ریاضت مے گذرانید و
تصانیف بسیار مفید و عالی نوشتہ ازان جملہ شرح بر جواہر القرآن مصنفہ
امام غزالی است جلال الدین محمد اکبر بادشاہ او را بخلوت طلبیدہ پرسید ند کہ از کدام قوم
گفت از جماعہ نویسندہا کہ ایشان را بزبان ہندی کالیستھ مے گویند بادشاہ را این بے
تکلفی او بسیار خوش آمد صحبتی ممتد بوی داشتند او ہرگز سائلی را محروم نگذاشتہ باوجود آنکہ از
اسباب تجارت و زراعت فارغ بودہ و مدد معاش از جانب بادشاہ ہم نداشت معلوم
ہیچکس نمی شد کہ آن ہمہ صرف و بذل و ایثار از کجا بود و خلائق درین امر حیران بودند بعد ازانکہ
بسن ہشتاد سالگی کم و بیش رسیدہ ازین سراے مجازی درگذشت و اصاغر و اکابر
بہ تشییع جنازہ او متجاوز از الوف رفتہ نعش پاک را بہ تبرک بر سر و دوش مے گرفتند

کہ جای نہادن قدم نبود التائب من الذنب کمن لا ذنب لہ

شیخ سعد اللہ کندوری فراز لکھنوی ابن شیخ سماء الدین لکھنوی جامع بود بجمیع علوم
نقلی و رسمی و حقیقی سطوت و شوکت ظاہر و باطن داشت و از اغنیاے شاکر ببذل و ایثار
مشہور بود از بسکہ طعام وافر بر فقرا و محتاجان ایثار مے کرد وے را کندورے فراز
گفتندے و از زبان فیض ترجمان مخدوم شیخ قیام الدین بلقب شیخ الاسلام گشت
ارادت و خلافت خاندان چشت از والد ماجد خود یافتہ و خرقہ سہروردیہ از سید اجمل
جونپوری گرفتہ او را ہشت پسران بودند - بدیع الدین - فرید الدین -
شیخ بڈھی - شیخ جہانگیر - امین الدین - سعد الدین - فخر الدین - رکن الدین -
صفات و بزرگی وی متجاوز از حد احصا است بعضے ازان شیخ رحمت اللہ لکھنوی

در تذکرة الاصفیا تحریر کرده این مختصر گنجایش آن ندارد بالجمله وفاتش بست وسوم ربیع الثانی
سن هشت صد و بست ونه هجری واقع شده بائین پدر خود به لکهنو مدفون گشت شیخ
رحمت الله مؤلف تذکرة الاصفیا در کلمه رحمة الله علیه تاریخ فوتش یافته که ورست
بالفتح ودال مهمله مضموم سفره و دستار خوان

شیخ سعد الله بیانوی در علم نحو نظیر خود نداشت سالها ملجا و ملاذ طلبهٔ علم و اهل سلوک ود
صائم الدهر بود و از شیر و گیاه و میوه‌های بیابانی افطار کردی از صغر سن بار ارادت
شیخ محمد غوث بر دوش نهاده آخر الامر حیرت برو غالب آمده سکوت ورزید و در حجره
تنهائی عزلت گزید که فرزندان را هم بحضور راه نمیداد در سال هشت صد و هشتاد و نه هجری
ازین جهان درگذشت و بخانقاهی که در بیانه تعمیر کرده بود مدفون گشت برد الله مضجعه
بیانه بروزن بهانه قصبه ایست قریب بهرت پور

حافظ سید سعد الله بلگرامی فاضل بی عدیل عالم بی مثیل شاگرد ملا عبد الرحیم قاضی
مراد آباد شاگرد ملا عبد الحکیم سیالکوتی در سال یک هزار و یک صد و نوزده هجری وفات یافت

مولانا سعد الله سلونی ابن عبد الشکور سبط شیخ پیر محمد سلونی در صغر سن با اندک
زمانی از تحصیل علوم فراغ یافته بمسند درس و تصنیف جلوه افروز شد و بزیارت حرمین
شریفین فائز گشت و در مکه معظمه تا دوازده سال قیام فرمود اهل حرمین شریفین بوی اعتقادی
راسخ داشتند شیخ عبد الله بصری مکی صاحب ضیاء الساری شرح صحیح بخاری
بطریقه قادریه مرید او گردید مخدوم هاشمی سندهی از ارشد تلامذهٔ اوست مولانا سعد الله
از مکه معظمه معاودت کرده به بندر سورت رخت اقامت انداخت و مرجع خلائق شد
شرح هدایة الحکمة و رساله کشف الحق و شرح مثنوی مولانا روم و رساله تحفة الرسول
از تالیفاتش یادگار اند بتاریخ بست و هفتم جمادی الاولی سال یک هزار و یکصد و شصت و دو
هجری به بندر سورت وفات یافته همانجا مدفون گشت علیه الرحمة والغفران وی را دو فرزند
عبد العلی و عبد الولی بودند پسر ثانی در کمالات علمی ثانی پدر بود و عزلت تخلص می کرد
مولوی محمد صادق ٹھٹھوی شاگرد اوست

مولوی مفتی سعد اللہ مرادآبادی ولادت شریف او در سال ہزار و دو صد و
نوزدہ ہجری وقوع یافتہ کہ تاریخش از لفظ ظہور حق و بیدار بخت برمے آید و در اوائل سن صبی
از کتب فارسیہ ضروریہ فراغت یافت من بعد بشوق طالب العلمی در سر افتاد برامپور
رفتہ شروع در صرف و نحو نمود پس ازان بمقام نجیب آباد شرح جامی وغیرہ از
مولوی عبد الرحمن قندھاری خواندہ استعداد درست تمام بہم رسانیدہ بدہلی تشریف آوردہ
بر آخوند شیر محمد ولایتی و مولوی محمد حیات پنجابی و مفتی محمد صدر الدین خان صدر الصدور
اکثر کتب درسیہ تحصیل کردہ در سال ہزار و دو صد و چہل و سہ ہجری بلکھنؤ وارد شدہ
از مولوی محمد اشرف لکھنوی و مولوی محمد اسمعیل مرادآبادی و میرزا حسن علی محدث و
مفتی ظہور اللہ لکھنوی فرنگی محلی رجوع آوردہ بعد فراغ علمی و ازدواج خود اولاً بعہدہ
مدرسی مدرسہ شاہی و ثانیاً بتالیف بعض مجلدات تاج اللغات ترجمہ قاموس ثالثاً
بعہدہ افتاے کچہری کوتوالی تا مدت بست و نہ سال مامور ماند درین ایام
بسفر حج بیت الحرام توفیق یافتہ از شیخ جمال مکی سند جدید علم حدیث گرفتہ بلکھنؤ
مراجعت فرمودہ بالتزام عہدہ افتا معروف شد بعد عزل واجد علی شاہ حسب الطلب
نواب یوسف علی خان کہ تلمیذش بود برامپور رسیدہ خدمت قضا و افتا و مرافعہ
وغیرہ بدو تفویض یافت و تا عہد نواب کلب علی خان رئیس رامپور بدستور بعہدہ
مفوضہ مامور بود واقع چہاردہم رمضان روز یکشنبہ سال ہزار و دو صد و نود و چہار ہجری
بمقام رامپور داعی اجل را لبیک گفتہ رحلت فرمودہ ہمانجا مدفون گشت طالب اللہ
شاہ دو فرزند ارجمند مسمیان لطف اللہ و بشارت اللہ عقب خود گذاشت ہر دو
برامپور قیام پذیر اند حکیم لطف اللہ در تاریخش چند اشعار عربی گفتہ مقطع آن کہ
شامل مادہ تاریخ است اینست ؎ فانا اللطف نعت تاریخہ بسعی موتہ و اختاہ
قبوجہ الجمیل یا بشری ؛ قیل شاہ و طالب طیب شاہ ؛ مولوی محمد یحیی تاریخش چنین گفتہ
؎ تاریخ وفات گفت یحیی ؛ گنجینۂ علم و فضل صد آہ ؛ مسعود اداق [illegible] ۱۲۹۴ھ
بمقام لکھنؤ جہت طلب علم در انجا وارد بود صاحب ترجمہ را دیدہ شک

فراغ یافت و با اصاغر کم توجہی مے نمود از تصانیف راقم او کتب ذیل یادگار ماند مفید الطلاب فی خاصیات الابواب القول الفضل فی ہمزة الوصل عقود الاجیاد فی مجہول اختار و انقاد نوادر الاصول فی شرح الفصول در علم صرف غایة البیان فی تحقیق السبحان رسالہ ترکیب بسم اللہ در نحو خلاصة النوادر نوادر البیان فی علم القرآن رسالہ منہ فی وجود الغنہ در قرأت القول المانوس فی صفات القاموس نور الصباح فی اغلاط الصراح ترجمہ بعض مجلدات قاموس در علم لغت ترجمہ فقہ اکبر و وصیت نامہ امام ابو حنیفہ و ترجمہ حقیقة الاسلام و ہدایة النور فیما یتعلق بالاظفار والشعور زاد السبیل الی دار الخلیل و حواشی ما لا بد منہ و رسالہ طہر متخلل در دینیات حاشیہ بر شرح سلم مولوی حمد اللہ سندیلی و شرح ضابطة التہذیب و شرح خطبہ قطبی در منطق رسالہ قوس قزح و رسالہ تناسخ و رسالہ تحقیق علم واجب در حکمت و رسالہ سبع عرض شعیرہ موسوم مفید البصیرہ در حساب حاشیہ بر شرح چغمینی در ہیأت رسالہ تشبیہ و استعارہ در علم بیان رسالہ عروض با قافیہ و میزان الافکار شرح معیار الاشعار و قصیدہ لامیہ فارسیہ وغیرہا

شیخ سعد الدین لکھنوی بن شیخ الاسلام شیخ سعد اللہ کندوری قرار لکھنوی جامع بود میان علم ظاہر و باطن و مدام بدرس و افادہ علوم دینیہ اشتغال داشت و در مدرسہ وی طلبہ مستعد رجوع مے کردند طبع شریفش مائل بشعر بود و تخلص او سعدی است از نتائج فکر اوست

چو واری موسئے چون قل ہو اللہ ٭ مخلی در کشش بگو ماسوی اللہ ٭ ولہ
چون درست موافق است سعدی ٭ سہل است جفای ہر دو عالم ٭ ولہ گر بعیوب
کس نگنی ٭ خندہ بر عیب دیگران چہ زنی ٭

بست و نہم جمادی الاول سال ہشت صد و ہشتاد و یک ہجری رحلت بدار البقا فرمودہ اعداد مخدوم قطب الاولیا موافق سال وفاتش اند

شیخ سعد الدین خیرآبادی پدرش قاضی خیرآباد بود شیخ اولاً از حفظ قرآن مجید فراغ نمودہ بحلقہ تلمذ مولانا اعظم لکھنوی در آمد تکمیل تحصیل علوم کردہ مرید شیخ مینا لکھنوی گشت بعد وفات پیر خود بخیرآباد وطن مالوف خود رفتہ بدرس و ارشاد صارف الاوقات ماند

تاکہ در سال ہشت صد و ہشتاد و دو ہجری وفات یافت شرح مصباح و شرح کافیہ و شرح جامی و بزدوی و شرح رسالہ مکیہ مسمی بہ مجمع السلوک کہ مبنی از ملفوظات و حالات شیخ بینا دوی درج کردہ از دست قبض و رخیرآباد دست بزار و تبرک بہ۔

ملا سعد الدین محمد ہلوی کنیتش ابو الفضائل بود شرح کنز الدقایق و مثال از عمدہ تصانیف اوست و در سن ہفت صد و نود و یک ہجری بجوار رحمت ایزدی پیوست

طاب ثراہ وجعل الجنۃ مثواہ

مولوی سعد الدین صادق دہلوی ابن مولوی امان اللہ شہید بسال یازدہ صد و بست و ہفت ہجری متولد شدہ و از والد ماجد خود علوم تحصیل کردہ بر مسند افادہ متمکن گشت و در اکثر مباحثات بر معاصرین غالب مے آمد تاریخ بست و سوم ذی حجہ سال یازدہ صد و پنجاہ و یک ہجری وفات یافتہ و قریب بمدفن والد خود مدفون گردید

مولانا سعید محمد قندی اعلم العلماے روزگار بودہ اکتساب علوم از ملا احمد جند و ملا محمود سرخ و ملا عصام الدین ابراہیم نمودہ در سال نہصد و شصت و شش ہجری بہ ہندوستان آمدہ بملازمت اکبر بادشاہ ممتاز شدہ کیفیت درویشی و انکسار غالب داشت خوش طبع و فصیح و بلیغ و شفیق بر تلامذہ بود صحبت او بادشاہ را خوش مے آمد

در سال نہصد و ہفتاد ہجری بجوار رحمت ایزدی پیوست

مولوی سلام اللہ محدث رامپوری بن شیخ الاسلام بن حافظ فخر الدین از اولاد امجاد شیخ عبد الحق محدث دہلوی فقیہ و محدث و مفسر بود علوم متداولہ از والد ماجد خود شیخ الاسلام مصنف شرح فارسی صحیح بخاری در رسالہ طرد الاوہام عن اثر الامام الہمام و کشف الغطا عما لزم الموتی عن الاحیا حاصل کرد و سند اجازت حدیث وغیرہ یافت جد امجد او حافظ فخر الدین نیز علامہ عصر بود از تصانیف حافظ مذکور شرح فارسی صحیح مسلم و شرح فارسی عین العلم و شرح حصن حصین یادگار روزگار اند بالجملہ صاحب ترجمہ بعد اکتساب علوم بجو اسلاف خود بر مسند افادت و افاضت متمکن بودہ در نشر علوم مے کوشید بماہ جمادی الثانی وقت شام سال دوازدہ صد و بست و نہ و بقیے

دوازده صد و سه ہجری رحلت کرد تصانیفه المشهورة کمالین حاشیه جلالین ـ مُحلّی مُسوّی
شرح موطا که آغاز و سن دوازده صد و پانزده ہجری تصنیف نمود تاریخ آن ہو الفوز الکبیر
ترجمہ فارسے صحیح بخارے ـ ترجمہ فارسی شمائل ترمذی ـ رسالہ اصول حدیث
بزبان عربی

مولانا محمد سلامت اللہ بدایونی کانپوری ابن شیخ برکت اللہ صدیقی رئیس

بدایون عالم العلوم کالشمس بین النجوم ذات بابرکاتش مستغنی از توصیف وتعریف است
مؤلف اوراق نیز چندی خوشہ چینی خرمن فیض آن بزرگوار نموده رسالة الاسناد که
وقت اعطاے سند بہ مخدومی مولوے شاہ محمد عادل ارشد تلامذه خود جناب موصوف
بزبان فارسے تصنیف فرموده اند بنابر بیان ترجمہ شریف کافی ہست ازان رسالہ
ترجمہ عالیہ بسبیل اختصار حوالہ قلم نموده مے آید وہو ہذا

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم

مے گوید سلامت اللہ بدایونی مولد صدیقی نسب حنفی مذہب قادری مشرب که فقیر
تحصیل کتب درسیہ متداولہ از خدمت چند فضلاے عصر نموده اول در حداثت سن
از خدمت مولانا ابو المعالی بن مولانا عبد الغنی بدایونی که سلسلہ درس ایشان بہ ملا
جلال الدین دوانی میرسد استفاده کرده درعرض مدت دو سال از میزان صرف تا شرح جامی
بر کافیہ و شرح تہذیب یزدے فوائدم بعد ازان از خدمت مولوے ولی اللہ
رحمۃ اللہ له از تلامذه مولانا باب اللہ جونپوری بودند تحصیل قطبی و میبذے
و رشیدیہ مناظره بعمل آمد بعد ازین ہمینکه مولوے صاحب بداعیہ ضرورے
مراجعت بوطن خود فرمودند حسب ارشاد ہدایت بنیاد حضرت پیر و مرشد برحق سید
شاه آل احمد مارہروی قدس سره العزیز بخدمت شریف مولانا محمد مجد الدین عرف
مولوے مدن صاحب که دران زمان از کلکتہ مراجعت فرموده عزت افزاے سکنہ
بریلی بودند حاضر شده تکمیل تحقیق و تدقیق کتب درسیہ متعارفہ از زواہد ثلاثہ و قاضے
مبارک و حمد اللہ شرح سلم و مطول تفتازانی و صدرا و شمس بازغہ و شرح عقائد جلالی

با ملا یوسف و حاشیه ملا کمال الدین و هدایه فقه حنفی و مسلم الثبوت و بیضاوی و غیره آن
اتفاق افتاد و جناب مولانا بفرط عنایت در اندک فرصت هر قدر یاکه از ذخیره مبلغ معلومات
به تحویل خود به دولت داشتند تفویض من هیچ کاره فرمودند و حق اینست که جل تحقیقات و
تدقیقات که معارک آراء و مزال اقدام علما و فضلا هست ازین ارشاد جناب ممدوح
در کیسه استعداد ام فراهم شد و الله یضاعف لمن یشاء و بعد طی مرحله تحقیق و تدقیق کتب
درسیه بر طبق فرمان واجب الاذعان جناب پیر و مرشد برحق قدس سره ذخیره اندوز
سعادتها از خدمت سراپا موهبت مولانا شاه عبد العزیز دهلوی انار الله برهانه
گردیده در صدد تحقیق و تنقیح و سند کتب احادیث و تفاسیر افتاده فائده ازین مائده
عائده گرفتم چنانچه صحاح سته و کتب تفاسیر را از حضور مولانای ممدوح و مولانا
رفیع الدین برادر کوچک ممدوح که تبحر تام در جمله علوم خاصه علم حدیث و تفسیر داشتند
بعرض سند رسانیدم تا آنکه از فیض مجالست و خدمت این هر دو بزرگ
فهم معانی احادیث و ادراک حقائق و دقائق تفسیر بمذاق طبعم حاصل شد آخر کار جناب
مولانای ممدوح تفقد کریمانه بحال این خاکسار فرموده به اجازت صحاح سته و مشکوة
المصابیح و حصن حصین و کتاب المسلسلات و دیگر کتب احادیث و تفاسیر و رسائل
مصنفه خود و نیز کتب مؤلفه والد ماجد خود سرفراز فرموده رخصت فرمودند مجملاً
فقیر سند کتب درسیه تمام و کمال از خدمت مولانا مجد الدین شاه جهان پوری دارد
و سند کتب احادیث و تفاسیر قراءةً و سماعةً و درایةً و اجازةً از زبدة المحدثین و
اسوة المفسرین مولانا شاه عبد العزیز دهلوی و برادر ایشان مولانا رفیع الدین دارد و
حضرت ایشان از والد ماجد خود شان مولانا شاه ولی الله محدث دهلوی دارند و
حضرت ایشان حال اسانید متنوعه خود در کتاب الارشاد الی مهمات الاسناد
بتمامه تفصیل نوشته اند انتهی ملخصاً مولانا صاحب الترجمه حین حیات خود مسجدی
بمقام کانپور وطن خود در سال یک هزار و دو صد و شصت و هفت هجری تعمیر فرمودند
که تاریخ بنای از فقیر یافت - ان هذا الا بیت الله - و ما هذا الا مسجد الفردوس - و و الله

ہوالغنی الحمید ہے برآید چونکہ نفس قدسی آنحضرت مفید عام و مفیض انام بود صدہا علما و فضلاے نامی زیر سایہ دامان تلمذ و درس آن خاتم العلما برخاستہ اند با این ہمہ کتب مصنفہ حضرت معزی الیہ وال بر ذخیرہ علمی شان موجود اند از انجملہ کتب ذیل ہستند تحفۃ الاحباب و معرکۃ الآراء و برق خاطف در مناظرہ اہل سنت و شیعہ و تحریر الشہادتین شرح سر الشہادتین در بیان شہادت سید الشہدا رضی اللہ عنہ و شہدای رحمت خرد و کلان در بیان میلاد سرور کائنات علیہ الصلوۃ والتحیات و رسالہ شہاب ثاقب در سقوط کواکب و حقائق احمدیہ در علم حقائق و بحر التوحید در بیان شطحیات اولیاء اللہ و اسرار العاشقین در حل اقوال و اشعار عربیہ و فارسیہ بطریق صوفیہ کرام و رسالہ کشفیہ بجواب ایرادات بعض جہلہ کہ بوجہ ناواقفیت از اصطلاحات حافظ شیراز بر چند اشعار حافظیہ وارد نمودہ اند و ترجمہ دو تا رسالہ شیخ محی الدین بن العربی در بیان لطائف موسومہ معاشات صوفیہ و مکاشفات قدسیہ و رسالہ لغات حالات و رسالہ اشباع الکلام فی اثبات المولد والقیام و رقعات کشفی و شرح مثنوی گل کشتی و رسالہ الوان در بیان جواز و عدم جواز الوان و رسالہ در تحقیق جواز مصافحہ و معانقہ عیدین و رسالہ مجموعہ استفتاکہ اجوبہ ہر یک خود تحریر فرمودہ اند و رسالۃ الاسناد در بیان کیفیت تحصیل علوم مختلفہ متداولہ و استحصال اسناد علوم از اساتذہ - مولانا را طبع شعرگوئی ہم بود بنابران تخلص خود کشفی مے کردند و دیوان کشفی کہ مجموعہ اشعار آبدار فارسی است مشتے نمونہ از خروارے بہ میزان فہم باید سنجید چند اشعار از دیوان مذکور بطور انموذج نوشتہ مے شوند ؎ آنانکہ بر خیال تو جان را فدا کنند ٭ بینند اگر ندیدہ جمالت چہا کنند ٭ محو نظارۂ رخ خوب تو دیدہا ست ٭ آئے کہ خاک پاے ترا توتیا کنند ٭ بر سم کہ رفتہ رفتہ فتد طشت من ز بام ٭ یاران اگر کلافہ عشق تو وا کنند ٭ غیر از جفا ندید دل من ز مہوشان ٭ این ہم حکایتے است کہ خوبان وفا کنند ٭ بیمار عشق بہ نشود از دم مسیح ٭ بیہودگی نگر کہ طبیبان دوا کنند ٭ تنہا نہ من سبکرو گلزار وحدتم ٭ زندان تمام تکیہ بدوش صبا کنند ٭ آئینہ را بدست نگیرند زینہار ٭ خوبان اگر بعاشق زار یاد کنند ٭ ٭

تا بدو حق شناس فی راه خود بگیر، خاصان حق همیشه بمن اقتدا کنند، قدما هم چنانکه ملائکت آسمان
تمام مرا وظیفه بجاے دعا کنند، حروف حزین بگفته حافظ نے رسد، کشفی تو کیستی که ترا مرحبا کنند،
بالجمله بہر کمالے را زوالی است و کل نفس ذائقة الموت مسکن دل ہر صاحب خیالے
آیا تم آیا که آن آفتاب فلک تحقیق و تدقیق وقت سوم رجب یوم شنبه سال یک هزار و
دو صد و هشتاد و یک هجری زیر افق عدم پنهان شده در کانپور پیش مسجد خودش بزمین سپردند
طاب الله ثراه وجعل الجنة مثواه قطعه تاریخ وفات آن مرجع العلوم بر سنگ بالین
مزارش چنین کنده اند ~ مظهر کشف و کرامات جناب کشفی، هادی راه خدا کاشف راز
عرفان، شده برخاسته خاطرش از این گلشن دهر، رفت و چشم زدن جانب باغ رضوان،
سال تاریخ قلمبند نمودم از شد، یوم هفته سوم از ماه رجب شد زجهان،

حاجی سلطان تهانیسری بزیارت مکه معظمه و مدینه طیبه مشرف شده و علوم نقلیه را
خوب ورزیده و مدتے مدید در خدمت اکبر پادشاه بوده حسب الحکم پادشاه موصوف
چهار سال به ترجمه کتاب مهابهارت موسوم برزم نامه بطریق انفراد و استقلال
اشتغال داشته بناے کار نقیب خان شروع شده بود اند و باتمام رسید هنگام ترجمه
نویسی مهابهارت یکے از وے پرسید که این چیست که مے نویسید گفت که حرف ده هزار
رساله را بزبان حال موافق مے سازم

قاضی سماء الدین الملقب بقتلق خان وزیر سلطان حسین شرقی که اعلم العلماے
وقت بود در سال هشت صد و هشتاد و چهار هجری بدست سلطان بهلول لودے اسیر
شده بزندان رفت و از حبس مومنان رہائی یافت

مولانا سماء الدین دہلوی جامع بود میان علوم رسمی و حقیقی و تقوے و ورع از
دنیا زیاده بر احتیاج اختیار نکرده و پیش مولانا سناء الدین شاگرد میر سید شریف
جرجانی تلمذ کرده و از ملتان بسبب بعضے وقائع برآمده مدتها در رنتهبور و بیانه وغیره
گذرانیده به دہلی آمد و توطن کرد مرید شیخ کبیر است و سخن بهم کبیر داشت در آخر عمر
حاسه بصرش رفته بود حق سبحانه تعالی بے واسطه علاج بصارت را بوے رد کرد

برلمعات شیخ فخرالدین عراقی حواشی نوشتہ کہ مجمل معانی آن کافی ووافی است ورسالہ مفتاح الاسرار ہم از تصانیف اوست تاریخ ہفتم جمادی الاول سن ہشصد ویک ھ وفات یافتہ قبراو در دہلی بالاے حوض شمسی است رحمہ اللہ ومولانا تراب علی لکھنوی از اولاد امجاد شان ہستند

مولوی ضیاء الدین احمد بدایونی ابن مولانا محمد شفیع بن مولانا عبدالحمید ابن مولانا محمد سعید ابن مولانا محمد شریف ابن مولانا محمد شفیع بدایونی ولادت وے در سال دوازدہ صد ونوزدہ ہجری بظہور پیوستہ چنانچہ ظہور حق نام تاریخی ویست اکثرے از علوم درسیہ بخدمت مولانا فضل امام خیرآبادی وعلم حدیث وتفسیر بخدمت مولانا شاہ عبدالعزیز دہلوی تحصیل نمودہ فوائد معتمدہ درنحو وحاشیہ قاموس در لغت ودیگر مسودات عربیہ از تالیفاتش یادگار اند وے رحمۃ اللہ علیہ بیعت بخدمت عم خود مولانا عبدالمجید عین الحق داشت بماہ محرم سال دوازدہ صد وہفتاد وہشت ہجری رحلت فرمودہ

سید احمد گیسو دراز کالپوی جامع علوم ظاہر وباطن مرید پدر خود سید محمد کالپوی بود گیسو دراز گردنش بمتابعت سید محمد گیسو دراز بود کہ در دکن آسودہ اند کتاب جامع الکلم بعبارت عربی در شرح اسماے حسنیٰ ومشاہدات بزبان فارسے در حقائق ومعارف از تصنیفات اوست در سال یک ہزار وپنجاہ وہشت رحلت فرماے عالم بقا شد قدس اللہ سرہ

سید احمد مجاہد راے بریلوی گو بظاہر بجرگہ علماے ظاہر معدود نبود مگر باطن او بنور علم الٰہی معمور بودہ وے از خاندان سادات تکیہ راے بریلی است کہ دران خاندان عالی پیش ازین بسیاری از اولیاء اللہ گذشتہ اند ہمچو شاہ علیم اللہ کہ وفاتش در سال ہزار ودو وشش ہجری وشاہ محمد عدل عرف شاہ لال متوفی سن یازدہ صد ونود ودو ہجری سید احمد قدس سرہ مرید وخلیفہ مولانا شاہ عبدالعزیز مرحوم بود در سال دوازدہ صد وسی وہفت ہجری بزیارت بیت اللہ مشرف شدہ بسال دوازدہ

صد و سی و هشت هجری مراجعت نموده بمسکن خود رسیده هفتم جمادی الثانی سال دوازده
صد و چهل و یک هجری روز دوشنبه وقت عصر از تکیه رای بریلی بعزم جهاد فی
سبیل الله هجرت فرموده بتاریخ بست و چهارم ذیقعده سال دوازده صد و چهل و شش
هجری متصل بالاکوت واقع ملک پنجاب شربت شهادت چشید. شکر الله سعیه

سید محمد دهلوی بن سید مبارک بن سید محمد بن سید محمود کرمانی جامع کتاب سیر الاولیا که
دران احوال مشایخ چشتیه جمع نموده وی بصغر سن بشرف بیعت شیخ نظام الدین اولیا
قدس سره مشرف شده و بعد از وی بخدمت خلفای او بوده از شیخ نصیر الدین محمود
که اجل خلفای شیخ موصوف بود تربیت یافته رحمة الله علیه

سید محمد گیسو دراز ساکن گلبرگه ابن یوسف الحسنی الدهلوی خلیفه راستین شیخ
نصیر الدین محمود چراغ دهلی جامع بود میان سیادت و علم و ولایت و شان رفیع و رتبتی
منیع و کلام عالی داشت در اوائل حال بدهلی تشریف داشت بعد رحلت فرمودن پیر خود
بدیار دکن رفت و قبولی عظیم یافت و همانجا رحلت فرمود او را گیسو دراز ازان گویند که
روزی او با چندی دیگر از مریدان پالکی شیخ نصیر الدین محمود برداشته بودند وقت
برداشتن گیسوی او بسبب درازی در پایه پالکی بند شد و او بسبب رعایت ادب و
استغراق به برآوردن گیسو مقید نشده همبران وضعی که واقع شد مسافت بعیده
قطع کرد چون شیخ برین معنی اطلاع یافت خوشحال شده این بیت انشا فرمود
هر که مرید سید گیسو دراز شد ٭ والله خلاف نیست که او عشق باز شد ٭ بعض مریدانش
که محمد نام داشت ملفوظاتش موسوم بجوامع الکلم جمع کرده و از تصنیفات خاص وی
کتاب اسمار است که حقائق و معارف بزبان رمز و ایما و الفاظ و اشارات بیان فرموده

مفتی سید محمد لاهوری بن مفتی غلام محمد لاهوری صاحب علم و عمل بود کتاب
خلاصة المدارج و فقه محمدی و مخزن الفرایض از تالیفات اوست باراده زیارت
حرمین شریفین قدم براه سفر نهاده که ناگاه متصل شخن کوت سفر آخرتش پیش آمد و به
دار البقا گردید

سید محمد قنوجی از فرقۂ سادات رسول دار و استاد اورنگ زیب عالمگیر بادشاه ماہر علوم ریاضیه و ادبیه بود حاشیۂ مطول از تصانیف اوست

مولوی سید محمد برہانپوری ابن شاہ فضل اللہ نایب رسول اللہ دانشمند بزرگ و عارف سترگ بعد وفات پدر و سادہ آرای افادہ علوم در برہان پور شد از تصانیفش کتاب تحفۃ المرسلہ مشہور و معروف است

سید محمد مکی الدہلوی ابن سید جعفر المکی متبحر دانشمند خلیفہ شیخ نصیر الدین محمود چراغ دہلی در توحید و تفرید مقام عالی داشت کتاب بحر المعانی و دقائق المعانے و حقائق المعانے و رسالہ اسرار ردح و رسالۂ پنج نکات و بحر الانساب در بیان نسب اہل بیت از تصانیف اوست بعہد سلطان بہلول لودے در سن ہشت صد و نود و یک ہجری رحلت فرمود

میر سید محمد امروہی عالم باعمل صاحب صلاح و تقوی و ورع بود از سید جلال تلمیذ سید رفیع الدین در بدایون تحصیل علوم کردہ بعد از تحصیل کمالات بدرس و افادہ مشغول شد در اواخر در سلک ملازمان درگاہ بادشاہی بمرتبہ اختصاص رسیدہ بمنصب میر عدلی عز امتیاز یافت و درین منصب جلیل القدر طریق عدالت و انصاف و صدق و امانت سلوک داشتے تا زمانیکہ او میر عدل بار اکبرے بود ہیچ مبتدعی و ملحدی را قدرت رخنہ انداختن در دین اسلام نبود بعد از و نام میر عدلے بر سائر مردم مجازی و عاریتی گشت در سن نہصد و ہشتاد و چہار ہجری بحکومت بھکر فائز شدہ ہمانجا در سن نہصد و ہشتاد و شش ہجری بجوار رحمت حق پیوست

سید محمد بلگرامی ابن سید عبد الجلیل الحسینی الواسطی بلگرامی در علم ادب کمالی داشت شاگرد سید طفیل محمد اترولوی بود و استفادہ فنون عربیہ و فروع ادبیہ از والد خود کردہ کتاب الجزء الاشرف من المستطرف منتخب کتاب مستطرف از مؤلفات اوست کہ در سال یک ہزار و یک صد و پنجاہ و پنج ہجری انتخاب کردہ ہشتم شعبان شب شنبہ سال یک ہزار و یک صد و ہشتاد و پنج ہجری وفات یافتہ در بلگرام مدفون شد طاب اللہ ضریحہ

شیخ سیف الدین سرہندی ابن شیخ محمد معصوم ابن شیخ احمد مجدد قدس سرہم جامع علوم عقلیہ ونقلیہ بود اکتساب علوم از والد ماجد خود کردہ وہم در طریقت مرید وے وبہ لقب محی السنہ مشہور بود وبارباب دنیا تعلق نداشت بمجرد شنیدن نام اللہ تعالی حالتی بروی طاری مے شد در سال ہزار ونود وہشت ہجری وفات یافتہ قدس سرہ

حرف الشین المعجمۃ

شاہ احمد شرعی ساکن چندیری دانشمندی متبحر ودرویشی کامل کبیر السن جامع جمیع علوم عقلیہ ونقلیہ رسمیہ وحقیقیہ بود در دیار چندیری ملک مالوہ توطن داشت وی درجواب ابیات صاحب کشاف کہ در طعن اہل سنت وجماعت وارد اشعار ہمان وزن وقافیہ گفتہ است **اشعار صاحب کشاف** وجماعۃ سموا ہواہم سنۃ جماعۃ حمر لعمری موکفۃ ‡ قد شبہوہ بخلقہ تخوفوا ‡ شنع الوری فتستروا بالبلکفۃ ‡ **جواب شاہ احمد شرعی** عجبا لقوم ظالمین تلقبوا ‡ بالعدل مافیہم لعمری معرفۃ ‡ قد جاءہم من حیث لایدرونہ ‡ تعطیل ذات اللہ مع نفی الصفۃ ‡ وفات او در سن نہصد وبست وہشت ہجری بوقوع پیوستہ شیخ عبد الغنی سنبتی کہ دانشمند متشرع ومتعبد بود شاگرد اوست۔

شیخ شاہ محمد فاروقی از اکابر علمای جونپوری بورع وتقوی موصوف وہموارہ بافادہ ودرس علوم مصروف بود وملا محمود جونپوری نبیرہ اوست شیخ موصوف در سال ہزار وسی ودو ہجری وفات یافتہ نور اللہ روحہ

شرف الدین احمد منیری ابن یحیی المنیری وی از مشاہیر مشایخ ہندوستان است چہ احتیاج کہ کسی ذکر مناقب وی کند او را تصانیف عالیہ است از جملہ تصانیف او مکتوبات مشہور ولطیف ترین تصانیف اوست بسیارے از آداب طریقت واسرار حقیقت دران اندراج یافتہ وبر آداب المریدین نیز شرحے دارد ووے مرید خواجہ نجیب الدین فردوسی است قبر شیخ شرف الدین در بہار است یزار ویتبرک وی رحمۃ اللہ علیہ در سال ہفتصد وہشتاد ودو ہجری وفات یافتہ

مفتی شرف الدین رامپوری ماہر علوم فلسفہ ومنطق مشہور است داماد

ملا احمد ولایتی بود در سال دوازده صد و پنجاه و شش ہجری ہنگامیکہ از کلکتہ برام پور میرفت در اثنائے راہ بہ فتح پور ہنسوہ بنابر فاتحہ خوانی قبر مولوی محمد سعید داماد خودش کہ بدرگاہ سید شاہ راجی قدس سرہ مدفون اند بمسکن برادر کلانم حکیم احسان علی خان فرود آوردہ وران وقت راقم ہیچمدان صغیر السن بود لاکن ہنوز حلیہ او بصفحہ خیالم مرتسم ہست کہ وے میانہ قد سیاہ رنگ سفید ریش نحیف الجثہ ضعیف القوی بود از تصانیف او سراج المیزان در منطق و شرح سلم تا لا یجد و لا یتصور و بعض فتاوای فقہیہ مشہور اند

حکیم شریف خان دہلوی طبیب مشہور و معروف ہست عجالہ نافعہ و تالیف شریفی در علاج الامراض و دستور الفصد و حاشیہ نفیسی و حاشیہ شرح اسباب وغیرہ از تصانیف اوست وفاتش در سال دوازده صد و سی و یک ہجری واقع شدہ شاعری تاریخ فوتش این چنین یافتہ ع دریغا ازین دار فانی گذشت ٭ حکیم و طبیب و لطیف و ظریف ٭ خرد گفت سال وفاتش چنین ٭ صد افسوس مرزا محمد شریف

مولانا شعیب دہلوی پدرش ملا منہاج در صغر سن از لاہور بقصد تحصیل علم در دہلی آمد و در تحصیل علوم ریاضات شاقہ کشیدہ بعدہ در عہد دولت سلطان بہلول لودی مفتی شہر شد و ہمین جا سکونت ورزید مولانا شعیب عالم و عامل در صورت و سیرت ملک تمثال بود و در وعظ و تذکیر بے نظیر زمان خود وقتیکہ وعظ گفتی و قرآن خواندی ہیچ کس را مجال عبور ازان راہ نبودے اگرچہ خود بار گران بر سر داشتی ایستادہ شدے و استماع نمودی و اورا در وعظ بحسب اختلاف مقامات وعد و وعید حالات عارض شدے جمیع اکابر و علماے شہر دہلی در پاے وعظ او حاضر شدندی و اکثر از موالی و آہاے شہر در ابتدا شاگرد او بودند بسال نہصد و سی و شش ہجری وفات یافتہ قبرش در دہلی بر بالاے حوض شمسی است نور اللہ مرقدہ

قاضی شمس الدین شیبانی دانشمند متبحر بود از دہلی در زمان تغلق شاہ بنارلول رفت در بدایت حال گاہ و زسنت نکاح در دست او نیامدہ بود بقصد زیارت خانۂ کعبہ برآمد و چون بگجرات رسید در مسجدے درآمد واعظی معتزلی مذہب بر منبر برآمدہ تقریر مذہب

اعتزال کہ در مادہ خلق افعال عباد ہست کرد گفت این دست نیست اگر بکشایم من بکشایم و اگر
بربندم من بربندم ہیچ کس را از حاضران قوت مجادلہ او نبود قاضی شمس الدین گفت اگر قدرت
بدست تست چرا دست بر پشت بربندے حاکم گجرات را این دخل وے خوش آمد
جاریہ کہ از دار الحرب آوردہ بودند پیش کش او کرد و از وے اولاد شد حق سبحانہ در اولاد
او برکت داد و علم بخشید رحمۃ اللہ علیہم اجمعین یکے از اولاد او بنام تاج الافاضل بود از
وے پنج پسر شدند ہمہ دانشمند و متقی یکے از پسران او قاضی مجد بود پدر شیخ احمد مجد کہ
ذکر او در حرف الف گذشت داو را ہفت پسر ہمہ عالم و عامل بودند

مولانا شمس الدین یحییٰ اودہی وی از تلامذہ مولانا فرید الدین شافعی است کہ شیخ
الاسلام اودہ بود از اودہ بنا بر تحصیل علم بدہلی قدوم آوردہ و بخدمت مولانا ظہیر الدین بھکری
تلمذ نمودہ از مشاہیر علمائے شہر دہلی گشت بیشتر مردم شہر در تلمذ بوے انتساب مے کردند
بآن نسبت مفخر و مبتہج بودند گویند او را شرحے است بر مشارق الانوار و دران نقل کردہ کہ ناگاہ
بہی قطر وے روزے با مولانا صدر الدین نام وے بخدمت شیخ نظام الدین اولیا
قدس سرہ آمد شیخ پرسید در شہرے با شید چیزے تعلم مے کنید گفت آری بخدمت مولانا
ظہیر الدین بھکری اصول بزدوی می خوانیم شیخ ایشان را از بعضی مواضع کہ باشکال مشہور بود
پرسید گفت کہ سبق ما تا ہمین جا رسیدہ است این حرف پیدا نیز مشکل ماندہ است شیخ آنرا
حل کرد ایشان را اعتقاد در حق شیخ راسخ شد بعد از مدتے مولانا شمس الدین یحییٰ مرید شد
و بمرتبہ کمال رسید و از اعاظم خلفائے شیخ گشت و میان یاران اعلی شیخ معظم و مکرم و صاحب
صدر شد و از تکلفات و مراعات رسم و عادات مبرا و از تعلق تزویج معرا بود و کمتر کسے را مرید
گرفتی شیخ نصیر الدین محمود کہ از تلامذہ او ست در مدح وے گفتہ شعر سألت العلم من
احیاک حقاً ❊ فقال العلم شمس الدین یحیی ❊ زمانیکہ سلطان محمد تغلق شاہ دہلی تیغ قہر و سیاست
بر خلائق خصوصاً بطائفہ مشائخ آختہ بود مولانا شمس الدین یحییٰ را طلبیدہ گفت مثل تو دانشمندی
انجا چکند بکشمیر برو و در بتخانہائے آن دیار بنشین و خلق خدا را باسلام دعوت کن مولانا از پیش
سلطان برائے تہیہ اسباب سفر برآمد و گفت کہ من شیخ را بخواب دیدہ ام کہ مرا می طلبید مردم

چہ می گویندمن بخدمت خواجہ خود میروم ایشان مرا کجا می فرستند فرداے آن روز بر سینہ او دبلی برآمد و بیمار افتاد این خبر بسلطان رسید حکم کرد کہ او را بدرگاہ ما بیارند مبادا کہ بہانہ میکردہ باشند ودرین اثنا بسال ہفتصد و چہل و ہفت ہجری ازین عالم رحلت فرمود قبر او در یاران چبوترہ در دہلی است رحمۃ اللہ علیہ

مولوی حافظ محمد شوکت علی صدیقی سندیلی ابن چودھری سند علی بن چودھری

منصب علی تاریخ نوزدہم محرم الحرام یوم الخمیس سال دوازدہ صد و سی و چہار ہجری ولادت یافتند جدشان چودھری منصب علی بخششی بنبیرۂ اولین خود ہزار ہا روپیہ صرف فرمود ہرگاہ عمر شریفش قریب بسہ سال رسید دنبلے زیر کمر برآمد کہ از صدمہ آن اعصاب پا تشنج شدہ ہر دو پا لاغر و کوتاہ گشتند و از رفتار شدند با وجود تداوی اطباے عصر از ان آفت مخلصے دست نداد بعمر چہار سال و چہار ماہ و چہار روز کہ معمول شرفای مسلمانان ہندوستان است رسم تسمیہ خوانی بظہور پیوست حفظ قرآن مجید از سید فتح اللہ سندیلی و حافظ محمد ابراہیم خیرآبادی نمودہ بچہار سال فراغت یافتند در خدمت مولوے سید فقیہ اللہ سندیلی و ملا اسرار قل بخاری قدری مستفید شدند بعدہ والد ماجد شان یعنی چودھری سند علی مولوی تراب علی ابن شیخ شجاعت علی لکھنوی را کہ دانشمند متبحر بودند بمشاہرہ پنجاہ روپیہ نقد با ضافہ خوراک و پوشاک و صرف چند طلبہ بنا بر تعلیم صاحب ترجمہ ملازم کردند کہ در مدت قلیل از کتب درسیہ بخدمت مولوے معزے الیہ فراغ حاصل کردند لیکن والد ماجد شان چودھری سند علی قبل از فراغ داعی اجل را اجابت لبیک گفتہ رہگرای عالم بقا شدند اعمام شان چودھری حشمت علی و چودھری عظمت علی کہ موجود بودند تقریب فراغ بکشادہ پیشانی تمام بصرف پانزدہ ہزار روپیہ بانجام رسانیدند جزاہم اللہ خیرا درین تقریب بسیاری از علما و صلحا و طلبہ و حفاظ و اطبا و حجاج و مشایخ مدعو بودند صاحب ترجمہ بعد نماز جمعہ وعظ آیہ کریمہ وعلم آدم الاسماء الآیۃ گفتند بعدہ سورۂ فاتحہ و حدیث انما الاعمال بالنیات خواندند و علماے موجودین از دست خاص دستار فضیلت بفرق مبارکش بستند و مولوے تراب علی را یک ہزار روپیہ نقد و دوشالہ و رومال وغیرہ اعمام صاحب ترجمہ

تذکر کردند علی ہذا القیاس دیگر علما را حسب حال بذل نمودند مشار الیہ بدرس و تربیت طلبہ علوم مصروف اند و از مولوی سید حسین احمد ملیح آبادی و شاہ خادم صفی صفی پوری و سید شاہ نوازش احمد صفی پوری و شاہ محمد علی صفی پوری بیعت و خلافت سلاسل قادریہ و چشتیہ و سہروردیہ حاصل نمودہ و صدہا مردم مریدانش ہستند مواہب ہیچمدان را در تالیف این تذکرہ از حضرتش امدادے کامل رسید کہ ادائے شکرش ہمہ از زبان ہم نمی تواند کرد سلمہ اللہ والقاہ و ادصلہ اسے ما یتمناہ تصانیفہ الشہیرہ حاشیہ شرح جامی الاستقصاء فی الاستفسار، علم الیقین فی مسائل الاربعین ثمرات الانظار فیما مضی من الآثار غایۃ الادراک فی مسائل السواک انوار الہدے فی تحقیق الصلوۃ الوسطی کشف المستور عن وجہ السحر کتب زیر تالیف ختمہا اللہ بالخیر رسالہ در باب طہارت مصلے رسالہ انشراح الصدر بلیلۃ القدر رسالہ بجواب بطلان خلافت خلفاے ثلثہ - افاضۃ المنافع بمسائل اختلاف المطالع در تحقیق رویت ہلال عقد اللولو المسحور فی تکملۃ کشف المستور - افہام السائل بجواب ماتہ مسائل - انشاء محمود افزا - تاریخ سندیلہ

قاضی شہاب الدین دولت آبادی

ابن شمس الدین بن عمر الزاولی در دولت آباد متولد شدہ از قاضی عبد المقتدر دہلوی و مولانا خواجگی تلمیذ مولانا معین الدین عمرانی اکتساب علوم کردہ ہرگاہ لشکر امیر تیمور متوجہ دہلی شد قبل رسیدنش بدہلی قاضی شہاب الدین ہمراہ استاد خود مولانا خواجگی از دہلی بکالپی شتافت مولانا خواجگی بکالپی رخت اقامت انداخت و قاضی بجونپور رفت سلطان ابراہیم شرقی قدوم قاضی مغتنم شمردہ با عزاز و تعظیم تمام پیش آمدش و او را ملک العلما ملقب کرد قاضی وسادہ افادہ و درس بجونپور مزین فرمود و تصنیف کتب معروفہ گردید از آنجملہ بحر مواج تفسیر قرآن مجید بزبان فارسی و حاشیہ کافیہ و کتاب ارشاد در نحو کہ دران تمثیل ہر مسئلہ در ضمن عبارت ادا کردہ فقیر کتاب مذکور بہ کتب خانہ مولانا مفتی علی کبیر مچھلی شہری دیدہ بود و بدائع البیان در فن بلاغت و شرح بزدوی در اصول فقہ و شرح قصیدہ بانت سعاد و رسالہ در تقسیم علوم بعبارت فارسی و مناقب السادات و فتاوی ابراہیم شاہی و غیرہ

از تصانیف وی مشہور اند تاریخ بست و پنجم رجب سال ہشت صد و چہل و نہ ہجری رحلت فرمود
بجونپور جانب جنوب مسجد سلطان ابراہیم کہ بنام مسجد اٹالہ شہرت دارد مدفون شد مؤلف
اوراق در سال شصت و یکم صدی سیزدہم ہجری وقتیکہ از مچھلی شہر بغازی پور مے رفت
مرقدش را زیارت کردہ نور اللہ مرقدہ صاحب تاریخ فرشتہ نوشتہ کہ اصل او از غزنین است
در دولت آباد دکن نشو و نما یافتہ سلطان ابراہیم شرقی در تعظیم و توقیر او بسیار می کوشید
و بروزہاے متبرک در مجلس سلطان ابراہیم بر کرسی نقرہ مے نشست گویند
وقتے قاضی را مرضے طارے شد سلطان بعیادت او رفتہ بعد از تفتیش احوال
و اظہار لوازم مہربانی قدحے پر از آب کردہ گرد سر مولانا گردانیدہ بنوشید و گفت بارخدایا
ہر بلاے کہ در راہ او باشد نصیب من گردان و او را شفا بخش ازینجا عقیدہ آن صاحب
تخت و تاج نسبت علماے شریعت محمدی صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم معلوم بتوان کرد
کہ تا چہ غایت بود۔

شہاب الدین معمائی در فن معما گوئی مہارت کاملہ داشت ہمراہ بادشاہ ہند آمدہ
در سلک ندماے مقرب او انتظام داشت رسالہ در تبیین و توضیح علم معما از تصنیفات
اوست بسال نہصد و چہل و دو ہجری بعہد ہمایون شاہ فوت شدہ شہاب الثاقب
تاریخ فوت اوست

ملا اشرف کشمیری از احفاد بابا عثمان گنائی و علماے نامدار کشمیر محدث و فقیہ
جامع علوم عقلی و نقلی بود ملا حیدر و مفتی برادر زادہ اوست پیش علماے شہر خود کتب درسیہ
گذرانیدہ بحرمین شریفین رفتہ و از ابن حجر مکی اجازت حدیث یافتہ باز بکشمیر آمدہ بافادہ
طلبہ علوم مے پرداخت کہ اجلش دررسید بمحلہ قلاش پورہ مدفون گشت۔

حکیم شیر علی احمد آبادی بن حکیم محی الدین صدیقی والد ماجد ابن مسود اوراق اولاً
کتب درسیہ طبیہ بحضرت والد خود تحصیل فرمودہ بعد ازان بمقام لکھنؤ پیش حکیم امام بخش
مرحوم تلمیذ حکیم محمد اسحاق خان دہلوی مغفور بمطب نمودہ فن طبابت بمہارت رسانیدہ
و بسرکار نواب آصف الدولہ بہادر بعہدہاے معزز مثل تحصیلداری و فوجداری

ملازمت کرده بعمر شیخوخت خانه نشین شده به معالجه مرضا مے پرداخت و از کسی خواہان مزد
نمے شد و اوقات شبا روزی بتلاوت قرآن مجید و درود دلائل الخیرات و صلوٰة پنجگانه صرف
مے نمودے غفر الله له بعد فراغ نماز چاشت و اشراق بر سر پلنگ نشستگاه او بود نشسته
به پرسش احوال مرضا که موجود بودندے مے پرداخت و ہر یکے را علاج مناسب تجویز میفرمود
حتی الامکان نسخه قلیل الاجزا و کثیر المنفعت تجویز مے کرد و بخانه کسے نمے رفت و از اہل برادری
و مردم مفلوک الحال چیزے نمے گرفت انچه از اغنیاے بیرونی بدو مے رسید ہمه بمدادات
غربا صرف مے نمودی را طریق معالجه عجیبے بود که تعلق بدید و شنید ندارد روزی طفلی را
پیش وے آوردند که بدرد گوش بیہوش بودے گفت که چیزے در گوشم مے کاود والد
مرحوم فرمود که حقه بسیار پیچان نے آوردند او را از کارد که در قلمدانش بود بچو قلم تراشیده
در گوش ماؤف طفل نهاد و بطرف دیگر فتیله سوزان نهاد سبے بر نیامد که طفل متبسم گردید
ہر گاه نے را بر زمین زدند بچه ہزار پا که آنرا کنکهجوره گویند برآمد مردمان ششدر شدند زنے
خمیازه کرده ہر دو دست بالاے سر برد ہمچنان دستهایش کشیده ماندند به ہیچ تدبیر فرود
نمے آمد والد مرحوم فرمود که باین زن رشته مضحکه داشته باشد و دفعتاً دست خود
زیر ناف زن برد ہمچنین کرد زن ماؤف ہر دو دست دفعتاً فرود آورد بادائل ماه شعبان المعظم
سال دوازده صد و پنجاه و شش ہجری حضرت قبله گاہے بعارضه تپ و اسہال کبدی
مبتلا شدند حکیم مردان علی و حکیم احسان علی مؤلف طب احسانی اخلاف حضرت
شان که از مؤلف برادران کلان تر و دران وقت موجود بودند ہر یکے طبیب حاذق بود
بمداواے کوشیدند لاکن ہیچ قضاے نبشته نشاید سترد تدبیرے کارگر نشد بتاریخ
چہاردہم رمضان المبارک سال مذکور وقت نماز عشا کلمه طیبه گویان بعمر ہفتاد و پنج سالگی جان
بحق تسلیم فرموده بمقابر آبائے واقع احمد آباد مدفون شدند ہفت پسر یعنی حکیم
مردان علی و حکیم علی رضا و حکیم احسان علی و مولوی حکیم امان علی و حافظ قربان علی و حکیم فرمان علی
و بنده رحمان علی مؤلف و پنج دختر اعقاب خود گذاشتند و جمله اولاد پسری و دختری
از ذکور و اناث خرد و کلان شصت کس وقت وفات آن جناب زنده و موجود

بودند یک روز قبل از وفات همه را پیش خود طلبیده یگان یگان را پرسش فرموده رخصت
نمودند مؤلف اوراق دران وقت از سال یازدهم ماهی چند تجاوز کرده بود شعراے
وقت تاریخ وفات آن مبرور که لوک ریز خامه غنـ ـمودند ثبت ذیل اند ازان جمله
از شیخ نیاز محی الدین سلونی شبیر علی بفن طبابت به ملک هند ٭ بود هست بی مبالغه
بوعلی سهیم ٭ رحلت بخلد کرد ز دار الشفای دهر ٭ در خانه باغ خلد به عنوان بود ندیم ٭ تاریخ
آن بدیهه ز طبع صحیح ریخت ٭ افسوس بے علاج طبابت شده سقیم از مولوے
کفایت علی کافی مرادآبادی جو شبیر علی نے کیا انتقال ٭ تو کافی مناسب ہے یہ
ثواب ٭ یہی سال تاریخ لکھ دیجئے ٭ بہ لوح لحد خادم بو تراب ۱۲۵۶ از صنعت مرادآبادی
حکیم شبیر علی ثانی فلاطون تھے ٭ یہ چاہا آپنے اب سیر کیجے جنت کی یہی ہے سال وفات
اُن کا صنعت از سر آہ ٭ ہزار حیف مسیح زمان نے رحلت کی ۱۲۵۶ ٭ از شاہی لکھنوی
چو رفت از جهان شیخ عالی نسب ٭ که راز خفی بود بر وے جلی ٭ خرد از سر جهد تاریخ گفت ٭
لحد باشے حشر شبیر علی ٭ ۱۲۵۶

حرف الصاد المهملة

ملا صادق حلوائی سمرقندی علامۂ زمان رتبه ادازین عالی تر است که در شمار شعرا
درآورده شود ملاے خوش فهم و خوش بیان بے مادہ بود بعد از تردد بسیار به هندوستان آمده
و کشان کشان توفیق رفیق او شده بزیارت بیت الله و اماکن شریفه آن دیار رسید و در سن
نهصد و هفتاد و هشت هجری مراجعت نموده قصد وطن مالوف کرد و در اثنای راه مرزا محمد حکیم
وے را بکامل تکلیف توقف فرموده سبق شروع کرد وے در شعر گوئی سلیقه خوب و
فطرتی عالی داشت صاحب دیوانست از نتیجه طبع اوست ـه دل گم شده و نے
دیدم کس نشان ازو ٭ در خنده است لعل تو دارم گمان ازو ٭ وله ضمیر روست چو آئینه
در مقابل ماست ٭ در و بعاینه پیداست آنچه در دل ماست ٭ وله درد عشقت که تو
پنهان در دل و جان داشتم ٭ شد عیان از چهره ام هر چند پنهان داشتم ٭
سید صبغة الله بروجی نامش سید محمد الدین بن سید روح الله حسینی شاگرد

شیخ وجیہ الدین گجراتی و خلیفہ او بود زمانے حسب اشارہ پیر خود بدرس و ارشاد مشغول ماند
وگروہی عظیم از خلائق بحلقۂ تلمذ و ارادت او در آمد زان بعد بحرمین شریفین رفتہ شرف زیارت
حاصل کردہ بوطن خود باز آمد و در سال نہصد و نود و نہ ہجری بمالوہ قدوم آوردہ و از انجا
باحمد نگر آمدہ تا سالے بایماے برہان الملک مرزبان مالوہ مقیم بودہ بارادۂ حرمین
شریفین بارِ دیگر بسوے بیجاپور گشت سلطان ابراہیم بیجاپوری بخدمات لائقہ پیش آمدہ
سامان سفر مہیا کرد و بر جہاز خاص سوار کردہ سمت حرمین روانہ نمود سید موصوف
مع توابع و خدام بحرمین رسیدہ بعد شرف یابی زیارت در جبل احد قریب مدینہ منورہ
رخت اقامت انداخت و جواہر خمسہ محمد غوث گوالیاری را مرتب نمود کتاب الوحدۃ
و رسالہ ارادۃ الدقائق فے شرح مرآۃ الحقائق و ما لا بسع للمرید از مصنفات اوست احمد
شادی و حسن فراقی و حبیب اللہ و عبد العظیم از تلامذہ وے اند در سال ہزار و پانزدہ ہجری
بمدینہ طیبہ علی صاحبہا الصلوٰۃ والتحیۃ رحلت فرمود رضی اللہ عنہ بَرَوْدَج بفتح بای
موحدہ و سکون راے مہملہ و فتح واو و جیم بر وزن جعفر شہریست بصوبۂ گجرات

صدر جہان پہانوی ساکن پہانی کہ دہی است از توابع قنوج سیدی فاضل خوش
طبع بود و کسب کمالات در خدمت شیخ عبد النبی صدر الصدور گنگوہی کردہ بسعی شیخ
موصوف چندین سال مفتی ممالک محروسہ بود زان بعد ہمراہ حکیم ہمام بالیلچیگری نزد حاکم
توران زمین رفتہ و باز آمدہ بصدارت سرفراز شد

قاضی صدر الدین جالندہری ثم اللاہوری در عہد اکبر بادشاہ قاضے
بندر بھروچ ملک گجرات دانشمند متبحر از تلامذہ مخدوم الملک عبد اللہ سلطانپوری اوست
بود در تحقیقات از و فائق بودہ اعتقاد باہل تصوف و طبع خوش داشت با این ہمہ لبادہ
بے خود آن چنان مغلوب حسن ظن بود کہ اگر کسے را بشیوہ تجرید یافتی گو آنکس مبتدع بودی
بلا تفتیش رفتی و دست بستہ ایستادی روزے یکے از مبتدعان عیار باو گفت کہ خضر
علیہ السلام دائم ہمراہ من مے باشد قاضے در پایش افتادہ گفت کہ مرا ہم آن عیار گفت
الحال مرا فکر کد خدائی دختر دامنگیر ہست و آن موقوف بہ ہفت صد تنگہ است

بعد از فراغ خاطر ازین کار ترا بخضر ملاقی سازم قاضی فی الحال ہفت صد تنگہ با و داد بعد
از دو روز آنکس پیش قاضی آمده گفت بیا که خضر را بتو نمایم قاضی را بدر یا بر د عیار طویل القامة و
قاضی کوتاه قد بود در آبی که تا بحلق بود رفته استاد گفت که بیا این جا خضر ست قاضی
گفت من شناوری نمی دانم چگونه بیایم مرد گفت ترا بجای خضر دلالت کردم اگر تو نتوانی آمد گناه من چیست

صدر الدین حکیم دہلوی عمده ترین اطباے وقت وی را در صناعت طب مہارت
تام بود از اجلہ خلفاے شیخ نصیر الدین محمود است در طفولیت منظور نظر شیخ نظام الدین
اولیا نیز شده قصۂ پیدائش وی بدعاے سلطان المشائخ و بودن پدر یان وی را بنا بر معالجہ
بیمار در اخبار الاخیار مذکور ست از تصانیف وے صحائف است بس فصیح و متین
مشتمل بر معارف و حقائق رحمۃ اللہ علیہ

مفتی صدر الدین دہلوی اصلش از کشمیر ست وی در دہلی متولد شده اکتساب
علوم نقلیہ بخدمت مولانا شاه عبد العزیز و مولانا عبد القادر و مولانا محمد اسحاق نموده و علوم
عقلیہ از مولوی فضل امام خیر آبادی اخذ کرده فائق الاقران شد از سرکار انگلیشیہ بعہدۂ
صدر الصدوری و افتاے دہلی سربلندی داشت با مروت و احسان بود و اکثر طلبہ
مدرسہ دار البقا را که زیر جامع مسجد دہلی بود طعام و لباس مے داد بسال دوازده صد و ہفتاد
و سہ ہجری که زمان غدر بود باتہام فتواے جہاد منصب و جائداد منقولہ و غیر منقولہ از دست
رفت و تا چند ماه نظر بند بود بعد تحقیقات رہا شده جائداد غیر منقولہ باز یافت جائداد منقولہ
که در معرض البیع من یزید در آمده واپس نشد زمان بعد ہم بدرس مے پرداخت طبع
موزون داشت اشعار عربی و فارسی و اردو می گفت و آزرده تخلص وی بود و بسیارے
مردم از بلاد و امصار بعیده آمده از و مستفید می شدند بوجہ کثرت درس و افتا بتصانیف
کم توجہی داشت رسالہ منتہی المقال فی شرح حدیث لا تشد الرحال و در المنضود فی حکم
امرأة المفقود و اجوبہ کثیره استفتاہا از و یادگار اند تا دو سال بمرض فالج مبتلا بوده بعمر ہشتاد و
یک سالگی بروز پنجشنبہ بست و چہارم ربیع الاول سال دوازده صد و ہشتاد و پنج
ہجری وفات فرمود و مولوی ظہور علی المخاطب بہ شمس الشعرا تاریخ وفاتش

چنین یافته ــه چه مولانا صدر الدین که در عصر* امام اعظم آخر زمان بود* زهے صدر الصدور نیک محضر* بعدل و داد چون نوشیروان بود* بروز پنجشنبه کرد رحلت* کزین عالم نه جاے جاودان بود* ربیع الاول و بست و چهارم* وداع او سوے دار الجنان بود* ظهور افسوس آن اوستاد ذی قدر* پدر وارم همیشه مهربان بود* چراغش هست تاریخ ولادت

کنون گفتم چراغ دو جهان بود*

مفتی صدر الدین لکھنوی ۱۱۷۵ از اولاد شیخ محمد عرف شیخ قاضی پسر اکبر شیخ اعظم ثانی بود عالم مسن و بزرگ طبع شعر گوئی داشت در زمانیکه ارادت خان فوجدار لکهنو به بیت اقامت خود محله ارادت نگر آباد کرد و عمارت عالی ترتیب داد صاحب ترجمه در مدح خان مذکور و تعریف عمارت قصائد و غزلیات نوشته از آن جمله اینست ــه همه آفاق چون جسم و جهان را جان ارادت خان* صفات عالیاتش گوهر است و کان ارادت خان* شود آباد هر جاے که افتد یک نگاه او* خراب آباد گیتی را سزد سامان ارادت خان* **وله ایضاً** هر سوخته کان به ارادت نگر آید* گر چوب خشک است که با برگ و نوا آید* جای هست مصفا که اگر دیدۂ یعقوب* اندر نظر آرد غم یوسف بسر آید* وفاتش در سال هزار و هفتاد و پنج هجری واقع شده پسرش محمد صادق تاریخ وفاتش و تاریخ بنای مقبره که در سن یازده صد و نه تعمیر شده این چنین یافته ــه شده تاریخ وصال وے و تاریخ بنا*

گر بود خانۂ جنت ز پی دوست خدا*

مولوی سید صدیق حسن خان بهادر ۱۱۷۵ ۱۳۰۹ ابن مولوی سید آل حسن قنوجی کنیت شان ابو الطیب است بسال دوازده صد و چهل و هشت هجری بالقنوج متولد شده علوم درسیه مروجه بخدمت مفتی صدر الدین خان دهلوی و علوم تفسیر و حدیث وغیره از علماے یمن و هند مثل قاضی حسین بن محسن انصاری و شیخ عبد الحق بن فضل الله هندے و شیخ محمد یعقوب دهلوی مهاجر برادر مولوے محمد اسحاق دهلوی اکتساب فرمود از هر یکے اجازت عامه تامه یافته بمطالعه کتب متنوعه علوم متعدده پرداخت تا اینکه مطیه سفرش بریاست بهوپال که از ممالک مالوه است رحل اقامت انداخت و دران بلده ترقیات

روز افزون استقبالش کرد بوزارت و نیابت چہ گفتہ آید بزوجیت رئیسہ بھوپال در سال
دوازدہ صد و ہشتاد و ہشت ہجری رسیدہ بخطاب نوابی و خانی کامیاب گردید و لنشان
مجیدی درجۂ ثانیہ از سلطان عبدالحمید خان عثمانی یافتہ دو فرزند ارجمند از بطن زوجۂ دیگر
دارد یکے میر نور الحسن خان طیب دوم میر علی حسن خان طاہر ہر دو صاحب علم و ثروت
مثل پدر اند کتب مؤلفہ صاحب ترجمہ بزبان ہندی و فارسی و عربی کہ در مطابع بھوپال
و مصر و قسطنطنیہ وغیرہ مطبوع شدند اسمائے آنہا بذیل مذکور اند ابجد العلوم۔
اتحاف النبلاء۔ الاحتواء۔ الادراک۔ الاذاعہ۔ چہل حدیث۔ افادۃ الشیوخ۔ اکسیر فی
اصول التفسیر۔ اکلیل الکرامہ فی تبیان مقاصد الامامۃ الانتقاد الرجیح فی شرح الاعتقاد
الصحیح۔ بدور الاہلہ۔ بغیۃ الرائد فی شرح العقائد۔ البلغۃ الی اصول اللغۃ۔ بلوغ السؤل من
اقضیۃ الرسول۔ تمیمۃ الصبی۔ ثمار التنکیت فی شرح ابیات التثبیت۔ الجنۃ فی
الاسوۃ الحسنۃ بالسنۃ۔ حجج الکرامہ فی آثار القیامہ۔ الحرز المکنون من لفظ المعصوم المامون
حصول المامول من علم الاصول۔ الحطہ بذکر الصحاح الستہ۔ حل الاسئلۃ المشکلہ حقیقۃ
الاکوان۔ دلیل الطالب الی ارجح المطالب۔ ذخر المحتی من آداب المفتی رحلۃ
الصدیق الی البیت العتیق۔ الروضۃ الندیہ فی شرح الدرۃ البہیہ۔ ریاض الجنۃ
فی تراجم اہل السنۃ۔ السحاب المرکوم۔ سلسلۃ العسجد فی ذکر مشائخ السند۔ شمع انجمن۔
صافیہ شرح شافیہ۔ ضالۃ الناشد۔ ظفر اللاضی بما یجب فی القضاء علی القاضی۔ العبرۃ
مما جاء فی الغزو و الشہادۃ و الہجرۃ۔ العلم الخفاق من علم الاشتقاق۔ عون الباری بحل
ادلۃ البخاری۔ غصن البان غنیۃ القاری۔ فتح البیان فی مقاصد القرآن۔
فتح المغیث بفقہ الحدیث۔ الفرع النامی من الاصل السامی قصد السبیل قضاء الارب۔
قطف الثمر۔ کشف الالتباس رد شیعہ۔ لف القماط۔ لقطۃ العجلان۔ مثیر ساکن الغرام۔
مراتع الغزلان۔ مسک الختام شرح بلوغ المرام۔ منہج الوصول۔ الموعظۃ الحسنہ۔ نشوۃ
السکران۔ نیل المرام من تفسیر آیات الاحکام۔ الوشی المرقوم۔ ہدایۃ السائل۔ یقظۃ
اولی الاعتبار۔ جمادی الثانی شب پنجشنبہ سال سیزدہ صد و ہفت ہجری

وفات یافتہ بخاک بھوپال مدفون گشت

صفی بن نصیر اسم شریفش صفی الدین بن نصیر الدین بن نظام الدین است سلسلہ نسبش بچند واسطہ با امام ابو حنیفہ کوفی مے پیوندد و امام ہمام رحمۃ اللہ علیہ از اولاد نوشیروان عادل شاہ عجم بود بالجملہ شیخ نظام الدین جد صاحب ترجمہ با پسر خود نصیر الدین از مرز بوم غزنین باتفے چند در حادثۂ ہلاکوخان بعہد دولت علاء الدین خلجی رو بہندوستان نہادہ مدتے در دہلے قیام ورزید و در قرأت مذکور قاضی شہاب الدین بن شمس الدین دولت آبادی ہم ازان دیار وارد دہلی گشت و بزمرۂ تلامذہ قاضی عبد المقتدر مباہی گردید چون حادثۂ مغل در دہلے رو نمودہ بعہد سلطان ابراہیم شرقی قاضی شہاب الدین و شیخ نظام الدین جد صاحب ترجمہ از دہلے بجونپور قدوم آوردند قاضی دخترے داشت او را بشیخ نصیر الدین بن نظام الدین منکوح فرمود از وسہ پسر بوجود آمدند صفی الدین فخر الدین رضی الدین و ہر یکے بخدمت قاضی شہاب الدین جد مادرے خود باکتساب علوم متداولہ دانشمند متبحر شدند شیخ صفی الدین بعد فراغ بدرس علوم متعارفہ پرداخت و بسیاری کتب عربیہ و فارسیہ از شروح و متون تصنیف فرمودہ ازان جملہ دستور المبتدے و حل الترکیب کافیہ و غایۃ التحقیق شرح کافیہ مشہور اند شیخ صفی الدین مدتے بدرس و تدریس گذرانیدہ بالآخر بتلاش شیخ وارد ردولی گشت ہمدران زمان سید اشرف جہانگیر کہ مرقدش در کچھوچھہ است دران بلدہ رونق افروز بود چون شیخ صفی الدین بخدمتش سید سید اشرف قدس سرہٗ بمجرد دیدنش برخاست و قریب خود نشانید و ہمان ساعت وے را بسلسلہ چشتیہ نظامیہ مرید گرفتہ خرقۂ خلافت عطا فرمود برادر خوردش شیخ رضی الدین دران ہنگام بردولی عہدہ قضا داشت شیخ صفی الدین ہم درانجا رخت اقامت انداخت پسرش شیخ ابو المکارم اسمٰعیل است کہ رسالہ دستور المبتدی جہت تعلیم او تالیف فرمودہ و نیز شیخ ابو المکارم را خرقۂ خلافت خاندان چشتیہ نظامیہ پوشانیدہ بتاریخ سیزدہم ذیقعدہ سال ہشت صد و نوزدہ ہجری بریاض رضوان خرامید

مولانا صفی الدین سرہندی مشہور بصفی القدر بن عزیز القدر بن محمد عیسیٰ بن

سیف الدین بن محمد معصوم الملقب بعروة الوثقی بن مولانا شیخ احمد مجدد الف ثانی سرہندی دانشمند متبحر و محدث معتبر جامع علوم ظاہر و باطن تارک الدنیا زاہد طالب المولی بود نواب نصیر اللہ خان مرزبان رامپور ہر چند جہت بخشی گری فوج خود ملتجی بشد وے قبول نہ فرمودہ دوام بمطالعہ کتب حدیث و تفسیر و اوراد اشتغال داشت بروز پنجشنبہ بست و پنجم شعبان سال دوازده صد و بست و شش ہجری بدار البقا شتافت

حرف الضاد المعجمہ

خواجہ ضیاء الدین برنی مؤلف تاریخ فیروز شاہی کہ بسال پنجاه و ہشتم صدی ہشتم ہجری اتمام یافتہ دران کتاب تواریخ ہشت نفر شاہان کہ در مدت نود و پنج سال سلطنت کرده اند از غیاث الدین بلبن تا فیروز شاہ ذکر نموده وے مرید شیخ نظام الدین اولیا است مجموعہ لطافت و ظرافت بود از ہر گونہ کلمات و حکایات یاد داشت و در آخر واسطہ لطائف طبع و حسن ندیمی کہ داشت بخدمت سلطان محمد تغلق متمکن و مستقل گشت و بعد انہ در دولت فیروز شاہ بما یحتاج کفایت کرده گوشہ گرفت کتاب حسرت نامہ در تصوف ہم از تصانیف اوست و بعد وفات در جوار روضہ شیخ نظام الدین اولیا مدفون گشت رحمۃ اللہ علیہ گویند بزمان شیخ نظام الدین اولیا قدس سره سہ کس بنام ضیاء الدین بودند یکے قاضی ضیاء الدین سنامی کہ منکر شیخ بود دوم خواجہ ضیاء الدین برنی صاحب ترجمہ کہ معتقد و مرید شیخ علیہ الرحمہ بود سوم خواجہ ضیاء الدین نخشبی کہ نہ منکر بود و نہ معتقد

خواجہ ضیاء الدین نخشبی بدایونی مرید شیخ فرید نبیره و خلیفہ شیخ حمید الدین ناگوری است او را تصنیفات بسیار است از انجملہ سلک السلوک عشره مبشره کلیات و جزئیات طوطی نامہ وغیره کتاب سلک السلوک در شیرین بیانی و رنگین زبانی مشہور است و مشتمل بر حکایات لطیفہ کہ اثرے تمام دارد وے رحمۃ اللہ در سال ہفتصد و پنجاه و یک ہجری وفات یافتہ نور اللہ مرقده

قاضی ضیاء الدین سنامی دانشمند متبحر و دیانت و تقوے مقتداے وقت عالم

شیخ نظام الدین اولیا قدس سرہ بود و بر پایہ شریعت بغایت قدم راسخ داشت و دائم بر شیخ
از جہت سماع احتساب کردی و شیخ با وے جز معذرت و انقیاد پیش نہ آمدی و در تعظیم صاحب
ترجمہ علیہ الرحمۃ دقیقہ نامرعی نگذاشتی او را کتابی است مسمی بہ نصاب الاحتساب حاوے
بر دقائق و آداب احتساب و انواع بدعت و احکام سنت گویند کہ شیخ نظام الدین اولیا
در مرض موت قاضی ضیاء الدین بعیادت وے رفت قاضی دستار خود را بپائے انداز
شیخ انداخت شیخ دستار وے برچید و بر چشم نہاد شیخ تا کہ پیش وے نشست
قاضی تسلیم با وے در چار نکرد چون برخاست و بیرون آمد آواز فوتش برخاست شیخ
می گریست و تاسف میکرد کہ یک ذات حامی شریعت بود حیف کہ آن نیز نماند رحمۃ اللہ علیہما
در تذکیر ضیاء الدین سنامی زیادہ از سہ ہزار مردم حاضر می شدند نقل است کہ وقتی شوارب
شیخ شرف الدین ابو علی قلندر پانی پتی بغایت دراز شدہ بود کسے را مجال آن نبود کہ بوے
امر بقص آنہا کند مولانا ضیاء الدین سنامی کہ جوش شریعت در سر داشت مقراض برگرفت
و محاسن شریفش در دست گرفتہ قص شوارب کرد گویند کہ بعد ازان شیخ ابو علی قلندر
ہمیشہ محاسن خود را بوسیدی و گفتی کہ این در راہ شریعت محمدیہ گرفتہ شدہ است قدس سرہما

حافظ ضیاء اللہ بلگرامی از سادات واسطی بلگرام و فضلای عالی آن مقام ہست حافظ
وقاری قرآن مجید و عالم کامل بود ہموارہ بدرس طلبہ اشتغال داشت در نثر و نظم عربی و فارسے
بلند پایہ بود نشائتش بعد فوت او بدو دفتر ترتیب یافتہ و میر عبد الجلیل بلگرامی بر آن
دیباچہ نوشتہ وے بسال ہزار و یک صد و نہ ہجری از دار دنیا باخرت رحلت فرمود

حرف الطاء المہملۃ

سید طفیل محمد اترولوی ابن سید شکر اللہ الحسینی الاترولوی البلگرامی دانشمند متبحر
جامع علوم ظاہرہ و باطن طبع موزون داشت بتاریخ ہفتم ذیحجہ سال یکہزار و ہفتاد و سہ ہجری
در قصبہ اترولی متولد شدہ بعد ہفت سال بمعیت عم خود سید احسن اللہ بشاہجہان آباد رفت
و در انجا اکتساب علوم آغاز کرد و سبق اول میزان الصرف از سید حسن عرف رسول نما کہ از
مشاہیر عرفاے دہلی بود خواند و از ابتدا تا شرح جامی از عم خود سید احسن اللہ

قرارت کردہ بعمر پانزدہ سالگی بہجرت بسوی بلگرام آمده دیگر کتب درسیه از سید مربی بلگرامی و سید سعد اللہ بلگرامی و قاضی علیم اللہ گنجندوی و مولانا قطب الدین شمس آبادی استفاده نموده و بعد فراغ علمی در بلگرام رخت اقامت انداخته عمر خود در خدمت علوم شریف صرف نمود و گروهی کثیر افاضل ازو کامیاب شدند تاریخ بست و چهارم ذیحجه سال یکهزار و یکصد و پنجاه و یک هجری وفات یافته در باغ محمود نگر واقع بلگرام مدفون گردید اشرق اللہ ضریحه۔ آترولی بضم همزه و سکون تای فوقانیه و فتح رای مهمله و سکون واو و کسر لام و سکون تحتانیه قصبه ایست از توابع اکبرآباد

شیخ طیب رفیقی ابن احمد بن مصطفیٰ بن معین الدین رفیقی کنیت او ابوالمصطفیٰ در یازده صد و نود و یک هجری ولادت یافته فقیه و محدث بود بعد خواندن قرآن مجید علوم متعارفه ظاهر و باطن از پدر بزرگوار و عم دینی عم خود اخذ نموده و دست ارادت بدست پدر داده بصحبت اولیا و مشایخ عظام مستفیض گشت و از میان عبد المجید تعلیم طریقه قادریه و کبرویه و شطاریه یافته و جمعے غفیر از علما و فضلا بحضرتش مستفید شدند و در آخر عمر خود بمسجد معتکف شده بقیام لیل و صیام نهار می پرداخت و بعلم حدیث و فقه و سلوک و معرفت کتب متعدده تصنیف کرده حامی مذهب حنفی بود بروز دوشنبه ماه شوال سال دوازده صد و شصت و شش هجری وفات یافته

حرف الظاء المعجمه

مولوی ظهور الحق فرنگی محلی ابن مولوی اظهار الحق تحصیل علوم مرسومه متعارفه نموده قرآن مجید حفظ کرده اشتغال بقرأت آن و تفسیر بیضی و مطالعه کتب حدیث میداشت و توجه به معقولات هرگز نکرده و برای رفع عسرت سفر کلکته و مدراس و حیدرآباد اختیار کرد لاکن زیادت از نصیب نیافت النصیب یصیب الغرض تمام عمر به تنگی بسر برد

مولوی ظهور اللہ فرنگی محلی ابن مولوی محمد ولی بن مفتی غلام مصطفیٰ در سنه هزار و یکصد و هفتاد و چهار هجری ولادت یافته از والد ماجد خود و عم بزرگوار ملا محمد حسن

اکتساب علوم کردہ در عہد یمین الملک سعادت علی خان نواب لکھنؤ بعہدۂ افتا مباہی گشت پس بوجہی چند کہ خداوند تعالی داند از عہدۂ افتا معزول شدہ برفاقت حکیم مہدی علیخان نائب نواب موصوف رسیدہ بسفارش وے بست روپیہ ماہوار از سرکار نواب یافت بعد وفات سعادت علی خان پسرش غازی الدین حیدر ثانیاً اورا بعہدۂ مذکور منصوب کرد تعلیقات حاشیہ زاہدیہ بر شرح تہذیب منطق و حاشیہ بر شمس بازغہ از تصانیف اوست و بدرس اشتغال داشت در عصر خود نامی برآورد و قومے بخدمت او تحصیل علوم کردہ و جمعی از فضلا و کامیاب گشتہ

حرف العین المہملۃ

ملا عالم کابلی عارف تخلص ملائی شیرین ادائی خوش طبعی معدون حرکاتی بود زبان تحیّت دعیران سخنہاے گفت کہ از خندہ ہلاک بایستی شد از بیاض خود تقریبے در بحث شرح مقاصد نوشتہ و اشعاری کردہ کہ این عبارت از کتاب قصد ہست کہ از جملہ مصنفات کاتب ہست و ہمچنین تجدید در مقابل شرح تجرید و یک و حاشیہ بر مطول نوشتہ و گفتہ کہ این تقریر نقل از کتاب طول ہست کہ در برابر مطول و اطول ہست و کتابے در شرح حال مشائخ ہند بنام فواتح الولایہ نوشتہ صاحب مجمع سلالۃ العقل بحر الجود عالم الآثار ہم از تالیف اوست بسال نہصد و نود و دو ہجری وفات یافت

مولوی عالم علی مرادآبادی ابن سید کفایت علی ابن سید فتح علی ساکن قصبہ نگینہ ضلع بجنور وارد مرادآباد عالم و حافظ و طبیب و قاری بود در خدمت اساتذۂ ذیل تلمذ یافتہ مولوے فریدالدین سہارنپوری ملا غفران رامپوری حافظ شیرازی رامپوری مولوے محمد رامپوری مفتی شرف الدین رامپوری مولانا مملوک علی نانوتوی مولانا محمد اسحاق دہلوی حکیم نصر اللہ خان تلمیذ حکیم شریف خان دہلوی حکیم غلام حیدر خان دہلوی مولوے نوازش علی نگینوی مولوی تہور علی نگینوی رسالہ فضائل صیام و رسالہ فضائل رسول مقبول صلعم و رسالہ قراءت ضاد معجمہ و رسالہ تعدد جمعہ و شرح ضابطہ شرح تہذیب یزدی از تصانیف مشہورہ وی اند تاریخ التتم

رمضان المبارک روز پنجشنبہ مابین عصر و مغرب سال دوازدہ صد و نود و پنج ہجری بعمر شصت
و ہفت سالگی رحلت فرمود بباغ جنان باد مسکن ۞ مادۂ تاریخ فوتش یافتہ اند

حافظ عبد اللہ اعظم گڈھی ساکن قصبۂ مو ضلع اعظم گڈھ مؤلف رسالہ تسہیل الفرائض وغیرہ کہ باوصاف حسبی آراستہ و بفضائل کسبی پیراستہ است اکثر کتب درسیہ از فاضل صمدانی مولوی محمد فاروق عباسی چریاکوٹی خواندہ و بعض کتب حدیث از مولوی نذیر حسین محدث نزیل دہلی سماعت نمودہ و مدتے بمدرسۂ چشمۂ رحمت غازی پور بتدریس بسر بردہ و صدہا طلبۂ علوم را افادہ داد مگر بوجہ عصبیت مسلک قشریان حدیث از پایۂ خویش انحطاط پذیرفتہ سلمہ اللہ تعالیٰ

شیخ عبد اللہ تلبنی ابن شیخ اللہ داد عثمانی تلبنی وے تاج العلما سراج الفضلا و یگانۂ عصر در معقول و منقول و یکتاے دہر در فروع و اصول بود مدتے بوطن خود قصبۂ تلبنہ مضاف ملتان بدرس و افادہ طلاب اشتغال داشت ہنگام خرابی ملتان بعہد سلطان سکندر لودھی بدہلی آمدہ رخت اقامت انداخت و علم معقول را دران دیار رواج داد قبل ازان بغیر از شرح شمسیہ و شرح صحائف از علم منطق و کلام در ہند شایع نبود مے گویند زیادہ از چہل عالم نحریر و متبحر از پاے دامن شیخ عبد اللہ مثل میان لادن و جمال خان دہلوی و میان شیخ پورے و میران سید جلال بدایونی وغیرہ برخاستہ اند چون سلطان سکندر بوقت درس پیش شیخ عبد اللہ مے آمد بتقریب آنکہ مبادا خلل بسبق طلبہ افتد پنہان در گوشۂ مجلس آہستہ مے نشست و بعد از فراغ درس سلام علیک گفتہ بایکدیگر صحبت مے داشتند بدیع المیزان شرح میزان منطق از تصانیف اوست وفات وے در سال بست و دوم صدی دہم بود اولئک لہم الدرجات العلیٰ تاریخ رحلتش یافتہ اند

آخوند عبد اللہ کشمیری ابن خواجہ محمد فاضل توبیگردی شاگرد ملا محمد محسن و امان اللہ شیخ الاسلام از فحول علماے کشمیر و مرید و خلیفہ قاضی شاہ بود سیر و سیاحت پشاور و لاہور کردہ بمنصب افتاے کشمیر سربلندی یافت بالآخر تارک شدہ بعبادت الٰہی

مشتغل گشت با محمد عثمان و با با عبد اللہ و ملا عبد المؤمن و میر محی الدین قادرے و قاضے محمد حسین و ملا نور الدین و قوام الدین محمد مفتی علماے کشمیر از تلامذہ وید ند در منتصف شوال سال یازدہ صد و ہفتاد و یک ہجری وفات یافت

شیخ عبد اللہ مدنی او و شیخ رحمت اللہ مدنی سندی دو عزیز بودند از فقہاے صوفیہ از مدینہ مطہرہ بدین دیار تشریف آوردہ افادہ علم حدیث نبوی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نمودہ طلبہ این دیار ایشان را شیخین مے گفتند خواجہ عبد الشہید عبد الالٰہی رح مے فرمودند کہ این شیخین یاد از ان شیخین مے دہند کہ ابوبکر صدیق و عمر فاروق باشند رضی اللہ عنہما ہر کدام آیتے در علم و عمل و تقوی و ورع بودند نظیر ایشان از ان مقامات شریفہ بدین دیار کس نیامدہ ایشان از یاران خاص و خلفاے شیخ علی متقی بودند بعضے حکام کہ از جانب سلطان روم بمکہ معظمہ مے آمدند و بہ شیخ اعتقاد و بندگی بسیار داشتند شیخ از براے اکثر اصحاب و خدام و فقراے خود وظیفہ از ایشان مے گرفتند الا ایشان را و بندگی شیخ عبد او نا را زیرا کہ وجہ این مال خالے از شبہہ نبود والد شیخ رحمۃ اللہ علیہ قاضے عبد اللہ از ولایت سند در بعضے حوادث روزگار بقصد زیارت سید کائنات صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم و توطن در ان مقامات با برکات با جمعے کثیر از فرزندان و اہل و عیال برآمدہ چندگاہ در احمد آباد اقامت نمودہ با شیخ علی متقی صحبت داشت و بعد از وصول بمقامات شریفہ در مدینہ منورہ توطن فرمودہ اندک مدت درگذشت و این شیخ عبد اللہ یار و مصاحب قاضے عبد اللہ بود و نشو و نماے ایشان در مدینہ منورہ بود و سالہا دران مقامات شریفہ بدرس و عبادت گذرانیدہ بجہت بعضے حوادث و بواعث در حدود سن سبع و سبعین و تسعمائۃ درین دیار آمدند بعد از عود چندگاہ در احمد آباد کہ حکم وطن اصلی ایشان داشت اقامت نمودند و در آخر ہر دو بزرگ بتفاوت چند سال در عین مرض کہ قوت حس و حرکت مفقود بود از احمد آباد برآمدہ عزیمت آن مقامات شریفہ نمودہ برآمدند و تا وصول بمکہ معظمہ فرصت یافتہ عنقریب بدار بقا رحلت فرمودند رحمۃ اللہ علیہما

سید عبد الاول

سید عبد اللہ لاہوری ابن سید عبد الخالق بھاکری از سادات عظام و مشائخ کرام
سلسلۂ قادریہ جامع علوم عقلیہ و نقلیہ بود تمام عمر شریف خود در تعلیم و تدریس فقہ و حدیث و
تفسیر بسر بردہ و سائلی را از فیض مظہر خود محروم نکردہ در سال نہصد و چہل و سہ ہجری رحلت
فرمودہ بلاہور در جوار مزار سید جان محمد مدفون گشت

ملا عبد اللہ سلطان پوری از قوم انصار آباے او در سلطان پور سکونت اختیار
کردہ بودند از فحول علماے زمان و یگانہ دوران بود خصوصاً در علم فقہ و تعلیلات گوی سبقت
ربودہ در عربیت و اصول و فقہ و تاریخ و سائر نقلیات تصانیف لائقہ و
رائقہ دارد از ان جملہ کتاب عصمۃ الانبیا و شرح شمائل النبی صلعم مشہور اند از ہمایون بادشاہ
بہ مخدوم الملک و شیخ الاسلام مخاطب شدہ در ترویج شریعت غرا ہمیشہ سعی بلیغ می نمود
سنی متعصب بود تا اینکہ دفتر ثالث روضۃ الاحباب را میگفت کہ از میر جمال الدین محدث نیست
درین باب مولوی عبد القادر بدایونی با او مکالمہ کردہ کہ تفصیلش در منتخب التواریخ مذکور
است ملا موصوف در عہد اکبر شاہ آن چنان متمول شد کہ بعد فوتش سہ کرور از خزانہ او بر آمدہ
وے بعہدہ وکالت دیوان خانہ عالی سرفراز بود در سال نہصد و نود ہجری وقت انصراف
از مکہ معظمہ در احمد آباد گجرات رحلت کرد سلطان پور از مضافات لاہور است

مولوی عبد اللہ سندیلی ابن سید زین العابدین مخدوم زادہ قصبہ سندیلہ شاگرد مولوی
حمد اللہ سندیلی و مرید شاہ عبد الباسط امیٹھوی بود و اجازت خاندان چشت از شاہ قدرت اللہ
محمد الصفی پوری حاصل نمودہ در علوم ظاہری و باطنی مہارت کامل داشت بروز پنجشنبہ
بعد نماز عصر و بروز جمعہ وقت نماز جمعہ حالت مجذوبانہ بروی طاری مے شد سوے
این دو روز در بقیہ ایام سالکانہ بسر می برد مزارش در مقابلہ باغ امیرہ قصبہ سندیلہ است

عبد اللہ شطاری ابن شیخ بہلول سندیلی دانشمند متصوف صاحب تصانیف
انیق بود کتاب سراج السالکین و انیس المسافرین و اسرار الدعوات و کنز الاسرار و اشکال الشطاریہ
و شرح رسالہ غوثیہ وغیرہ از تصانیف اوست دوم بست و سوم جمادی الاول سن ہزار
دوہ ہجری در بلدہ آگرہ رحلت فرمود رضی اللہ عنہ

شیخ عبد الله بداونی از نواحی سامانه که مسکن آبا و اجداد وے بود بجانب دہلی سفر اختیار
کردہ بقرأت قرآن وطلب علم مشغول شد بالآخر جمعی از علمای نامدار و مشائخ کبار را دریافته
از فحول دانشمندان عہد گشت ودست ارادت بشیخ عبد الباقی چشتی بداونی روح الله روحه داده
ونیز بخدمت شیخ صفی قدس سره پیوسته بتکمیل رسیده ونعمت علم ظاهر از اکثر مقتدایان وقت
خویش یافت خصوصاً از شیخ لادن دہلوی وسید جلال بداونی وبعد وفات سید جلال بمسند
قائم مقام او شده سالها در بداون بدرس افاده فرموده خیلے از دانشمندان نامی از دامن او برخا
وبروش سلف اشیای ضروری ومایحتاج از بازار بخانه خود بهم داشته مے آورد و در اثنای
راه بجماعه طلبه را سبق نیز مے فرمود هرچند طلبه منع تصدیع مے نمودند و می گفتند که این خدمت
بایان بما آریم قبول نمی داشت وباوجود اجازت از بزرگواران مقید شیخی ومریدی نبود بلکه
احتراز تمام از آن وادی داشت ملا عبد القادر بداونی شرح صحایف در علوم کلام وتحقیق در علم
اصول فقه بخدمت وے استفاده نموده وے در منتخب التواریخ مے نویسد که مسترشدان
اشکالات دقیق می آوردند هرگز ندیدم که او را در افاده وافاضه وحل آن ابحاث شبهه ونکات
غامضه احتیاج بمطالعه کتب افتاده باشد تا نگه تصحیح نقل یا بحث جزئی وجهی بوده باشد بالجمله تا سن
نود سالگی زنده بود تاریخ وفاتش بنظر مؤلف نرسید

مولوی حافظ عبد الله بلگرامی حنفی مذهب قادری مشرب ابن سید آل محمد وسطی
بلگرامی بتاریخ بست و یکم جمادی الاول سال دوازده صد وچهل وهشت هجری بقصبه بلگرام ولادت
یافته سلسله نسبش بحضرت زید بن زین العابدین بن سیدنا حسین بن سیدنا علی کرم الله
وجهه مے پیوندد وبعضی بزرگانش از مدینه منوره بشهر واسط آمده رخت اقامت انداختند
واز اولاد امجادش سید محمد صغری در سال ششصد وچهارده هجری بقصبه بلگرام که سابق الزمان
نامش سری نگر بوده آمده متوطن گشت واز وے چند قبائل متفرع ومتشعب شدند الا بالجمله شیخ بهیا
سیپنے اولاد برادران یگانه اند ایشان قبیله شیخ بهیا صاحب ترجمه منسوب است بالجمله مولوی
عبد الله بعمر دوازده سالگی بعد ختم قرآن مجید وکتب مروجه فارسی از وطن خود بهمراهی والد ماجد خود
خال خود سید فرزند حسین عرف کورے میان بکانپور آمده بتحصیل کتب عربیه مصروف شده

درضمن آن از حفظ قرآن مجید فراغت یافت کتب صرف ونحو ومختصرات منطق بخدمت بعض تلامذه جناب مولانا محمد سلامت الله بدایونی کانپوری خوانده بعده از قطبی تا شرح سلم حمد الله خاص بخدمت معزی الیه اکتساب نموده وبقیه کتب منطق وفلسفه وقصائد عربیه بخدمت مولانا فضل حق خیرآبادی بمقام رامپور ولکهنؤ استفاده کرده ازان بعد دیگر کتب درسیه فقه وحدیث وتفسیر وغیره بریاست الور از مولوی نور الحسن کاندهلی که در معقولات تلمیذ مولانا فضل حق خیرآبادی ودر حدیث شاگرد مولانا محمد اسحاق دهلوی بودند باتمام رسانیده بکانپور معاودت نموده باز بخدمت مولانا محمد سلامت الله مرحوم بیضاوی شریف خوانده بماه شوال سال دوازده صد وهفتاد وشش هجری سند فراغ حاصل فرموده نیز از سید احمد دحلان مفتی شافعیه ومدرس مسجد بیت الله الحرام سند فقه وحدیث وتفسیر یافته وبخدمت حافظ عبد العزیز دهلوی خلیفه سید شاه آل احمد مارهروی عرف اچھے میان صاحب بسلسله قادریه شرف بیعت شده دست خلافت یافته بمنصب مدرسی مدرسه عربیه بنارس در سرکار انگریزی عز امتیاز داشت تصانیف رائقه یادگار گذاشته بتاریخ یکم رمضان روز یکشنبه سال سیزده صد وپنج هجری از دار فانی بعالم جاودانی رحلت فرمود شاعری تاریخ نوشته چنین یافته قطعه نکو سیرت چو عبد الله حافظ سوی ملک بقا ناگاه رفته بسال رحلتش هاتف ندا داده بجنت پاک عبد الله رفته تصانیفه رساله عین الافاده فی کشف الاضافه دربیان اضافت رساله هادیه درحرمت شطرنج وگنجفه وغیره حاشیه هدایه فقه از کتاب البیوع تا کتاب الشفعه تحفه علیه حاشیه هدیه سعیدیه در علم حکمت طبعی فیض فارسی در قواعد فارسی تشریح النحو عربی وقواعد نحو بزبان اردو که درصله آن از سرکار انگلشیه دو صد روپیه عطا شده فیض الصرف قواعد صرف عربی بزبان اردو دفع عصمت تذکره زنان شاعرات تشریح الانشاره شاهد نظم شرح گلدسته دانش حل غوامض شرح اشعار اردو علاوه آن رسائل بر فرقهٔ وهابیه وقصاید ومکاتیب عربیه وقطعات تواریخ عربیه و فارسیه از ایشان یادگار اند۔

مولوی عبد الاعلی فرنگی محلی خلف اکبر ملا عبد العلی بحر العلوم بن ملا نظام الدین بن ملا قطب الدین الشهید السهالوی تحصیل کتب درسیه بخدمت پدر بزرگوار خود نموده چندے

اشتغال بتدریس داشت در مدراس بیمار شد که یاس از حیات او رو داد از والد خود رخصت وطن خواست هرچند والد ماجد شان بالغ شد که درین بیماری مسافت بعیده چگونه طی خواهد گشت از اراده خود باز نه آمد رخصت شده روانهٔ لکهنؤ گردید و در اثنای راه در سال دوازده صد و هفت هجری وفات یافته شاعری تاریخ وفاتش چنین گفته ع زین جهان رفت چو عبد الاعلی یافت در خلد مقام اعلی ۞ بست و ششم زمه شعبان بود ۞ رحلت از عالم اجسام نمود ۞ گفت

تاریخ وفاتش رضوان ۞ کرد آرامگه خود بجنان ۞

مولوی عبد الاعلی بنارسی ابن حاجی شاه کریم الله الصدیقی النقشبندی از قواح غازیپور زمانیه آمده در بنارس سکونت پذیر شد صاحب ترجمه علیه الرحمه بسال دوازده صد و چهار هجری ولادت یافته علوم ظاهریه متعارفه از والد ماجد خود و نیز علمای عصر تحصیل فرموده فائق الاقران گشت و علم باطن از والد خود شاه کریم الله تعلیم و تلقین یافته بدرس و افاده طلبه شاغل قانع و صاحب ورع و تقوی بود کتاب هدایة المسلمین و تهذیب المنطق منظوم فارسی وغیره از تصانیف وی یادگار اند بمقام بنارس در مدرسه موسومه جی نرائن کالج بعهده مدرس اول عربی ممتاز بود ازان مستعفی شده بعبادت الهی اوقات شریفش صرف می نمود که در سال دوازده صد و هفتاد و چهار هجری بعمر هفتاد سالگی ازین جهان فانی بعالم جاودانی شتافت در فاطمان باغ

شاهزادگان بنارس مدفون گردید روح الله روحه الاسنی

سید عبد الاول زیدپوری بن علاء الحسینی آبا و اجدادش از زید پور بوده اند که قصبه ایست از مضافات جونپور بعد ازان بولایت دکن رفته شد ولادتش همدران جا شد و همانجا تحصیل علوم نمود ارادت به بعضی از اولاد سید محمد گیسو دراز داشت جامع جمیع علوم عقلی و نقلی رسمی و حقیقی بود در اکثر علوم تصنیفات دارد فیض الباری شرح صحیح بخاری رساله فرائض منظوم رساله فارسی در تحقیق نفس منتخب کتاب سفر السعادة از تصانیف وی مشهور اند علاوه آن بر اکثر کتب حواشی و شروح و تعلیقات دارد در آخر عمر بطلب خانخانان محمد بیرم خان بدهلی آمده

در سال نهصد و شصت و هشت هجری برحمت حق پیوست

خواجه عبد الباقی بالله دهلوی نقشبندی امام وقت و مقتدای زمانه جامع کمالات

ظاہر و باطن زاہد و متقی متصف بخصائل حمیدہ مخزن سجایای پسندیدہ بود در اوائل از کابل بسمرقند قدوم آوردہ و بعد تحصیل علوم فقہ و حدیث و تفسیر وغیرہ دست ارادت بخواجہ محمد امکنگی خلیفہ خواجہ درویش محمد دادہ مرید وی شد و بعد تکمیل کمالات باطن خرقہ خلافت یافتہ رونق افروز دہلی گشت و بدرس و تلقین خلائق بسر مے برد وی رحمۃ اللہ علیہ نہایت کم گو و کم خورد کم خواب بود بعد نماز عشا تا نماز تہجد روزانہ دو مرتبہ قرآن شریف ختم نمودی از اجلہ خلفاے وی مولانا شیخ احمد سرہندی مجدد الف ثانی است بست و پنجم جمادی الاخری سال یکہزار و دوازدہ ہجری بدہلی رحلت فرمودہ متصل قدم رسول بمحلہ گنجشک گیران مدفون شد

مولوی عبد الباسط بن مولوی رستم علی قنوجی در حدیث و تفسیر و اصول و فروع یدطولی داشت تفسیر ذوالفقار خانی مے نوشت کہ قبل از اتمام تفسیر عمرش در سال دوازدہ صد و بست و سہ ہجری تمام شدہ بجوار رحمت حق پیوست غفر اللہ لہ رسالہ عجیب البیان فی علوم القرآن ہم از تصنیفات اوست

مولوی عبد الباسط فرنگی محلی ابن مولوی عبد الرزاق بن مولوی جمال الدین احمد کتب درسیہ بخدمت والد خود خواندہ فارغ التحصیل گشتہ حفظ قرآن مجید نمودہ جوان صالح و عابد بود سلسلہ بیعت بمولوی عبد الوالی داشتہ بسرکار نواب نظام حیدرآباد بمشاہرہ چہار صد روپیہ ملازم شدہ بتاریخ بست و دوم ذیحجہ سال دوازدہ صد و نود و پنج ہجری در عین شباب بگلگشت رضوان خرامید رحمہ اللہ تعالی

مولوی عبد الجامع فرنگی محلی ابن مولوی محمد نافع بن مولانا عبد العلی بحر العلوم تحصیل کتب درسیہ نمودہ مگر بحسب مذاق حدیث درس بظہور رسیدہ بہ حیدرآباد دکن رفتہ در انجا بتاریخ بست و دوم شوال دوازدہ صد و ہفتاد و دو ہجری وفات یافتہ بپہلوے قبر مولوی محمد غضنفر مدفون شد

مولوی شیخ عبد الجلیل سندیلی ابن حافظ وارث علی بن بشارت علی بماہ ذیحجہ سال دوازدہ صد و ہفتاد و سہ ہجری متولد شدہ اول قرآن مجید حفظ کردہ مختصرات صرف و نحو بخدمت والد ماجد خود گذرانیدہ بخدمت مولوی حافظ شوکت علی سندیلی و مولوی سید محمد علی

دوکوہی ومولوی محمد کمال عظیم آبادی ومولوی حکیم عبد الحمید عظیم آبادی ومولوی مقیم الدین ساکن کوٹ محمد متعلقہ دیرہ اسمعیل خان وحکیم عبد العلی لکھنوی تکمیل علوم درسیہ نمودہ فی الحال مدرس مدرسہ شوکت الاسلام سندیلہ اند از ایام تحصیل تا اینوقت اشتغال بتدریس طلبہ دارند رسالہ ہدایۃ الکبری لانتقال الدوار من وجۃ الی الاخری ورسالہ البرق الخاطف فی علوم النبض و المعارف ورسالہ الشہاب الثاقب علی منکری ردیۃ اللہ الواجب از تالیف وے اند سلمہ اللہ تعالیٰ۔ دوکوہی نسبت بہ دوکوہ وآن قصبہ ایست از مضافات جالندھر شوکت الاسلام مدرسہ ایست کہ آنرا مولوی حافظ محمد شوکت علی رئیس سندیلہ در سندیلہ بنا فرمودہ ودر کثیر با مداد اساتذہ وطلبہ صرف مے فرماید جزاہ اللہ خیرا

سید عبد الجلیل بلگرامی ابن سید احمد حسینی واسطی ولادتش بتاریخ سیزدہم شوال سن یکہزار وہفتاد ویک ہجری در بلگرام وقوع یافتہ اخذ علوم عقلی ونقلی از مولانا غلام نقشبند لکھنوی کردہ فائق الامثال والاقران گردید وسند حدیث از سید مبارک محدث بلگرامی شاگرد شیخ نور الحق حاصل نمودہ در تفسیر وحدیث وتاریخ ولغت وادب وشعرگوئی مہارتی وبزبان عربی وفارسے وترکی وہندی طلاقتی وافر داشت وبہر زبانی تصنیفی رشیق وتالیفی انیق از وے یادگار اند از عہد اورنگ زیب تا زمان فرخ سیر از شاہان دہلی بعہدہ بخشیگری وسوانح نگاری باعزاز تمام بسر بردہ ہرگاہ در سن یازدہ صد ویازدہ ہجری اورنگ زیب عالمگیر بادشاہ قلعہ ستارہ فتح نمود میر عبد الجلیل در یک شب یازدہ قطعہ تواریخ آن فتح نظم نمودہ رسالہ موسوم بگلزار فتح شاہ ہند دہلوی نامہ فیروزمندی شاہ عالمگیر ترتیب دادہ بحضور شاہ گذرانیدہ مورد الطاف خسروانہ شد وطرفہ اینکہ از ہر دو نام رسالہ مذکور تاریخ فتح قلعہ ستارہ برمے آید وقطعہ تاریخ از ان رسالہ کہ بطرز استنباط گفتہ است بنابر نزہت ناظرین حوالہ قلم می شوند قطعہ تاریخ در عربی لما توجہ سلطان الانام الی رب السموات فی تائید اسلام ٭ اقراہماہ فی اصل خضرۃ ٭ بودیا قادر افتتاح المرام ٭ فصار حصنا افتتاح الاہم مفتحا ٭ حصنا لمن عبدوا اتجار اصنام ٭ نظرت فی الفات وہی اربعۃ ٭ من ذی ابہامہ من غیر ابہام ٭ وجدتہن لعام الفتح حنیئۃ ٭ رقیما علی سنتہ من ذا ابہام ٭ اللہ تلک بیہ بیضا رقد ترعت ٭ للناظرین فیا للمعجز السامی ٭ ہذا البدیع من التاریخ الشائع ٭ عبد الجلیل

بتائیدات الہام ؛ **ایضاً بفارسی** چو شد ابہام زیر خنصر آمد ؛ بود اسم اعظم در شمارہ ؛ قلاع
کفر شد مفتوح فی الحال ؛ ز تیغ او عدو شد پارہ پارہ ؛ ز انگشتان شد بر تقا ابہام ؛ برابر چار الف کردم
شمارہ ؛ بعینہ بود شکل سال ہجری ؛ پے تاریخ تسخیر ستارہ ؛ چنین تاریخ گفتن اختراعیست ؛ شد از عبد الجلیل
این آشکارہ ؛ سید جلیل القدر مذکور الصدر شب شنبہ تاریخ بست و سوم ربیع الآخر سال یازدہ
صد و سی و ہشت ہجری در بلدہ شاہجہان آباد رحلت فرمودہ بمقام بلگرام بوطن خود مدفون گردید
نور اللہ مضجعہ سید غلام علی آزاد حسان الہند در آیۂ کریمہ للذین احسنوا الحسنیٰ وزیادۃ تاریخ فوتش یافتہ

مولوی عبد الحق رامپوری خلف ملا محمد عمران رام پوری شاگرد والد خود بود در سال دوازدہ
صد و نود و دو ہجری بملک دکن رحلت کرد

شیخ عبد الحق دہلوی ابن سیف الدین بن سعد اللہ بن الترک الدہلوی بخاری کنیت او
ابو المجد بود یکی از اجدادش از بخارا آمدہ بدہلی سکونت پذیر شد وی رحمۃ اللہ علیہ بماہ محرم سال
نہصد و پنجاہ و ہشت ہجری ولادت یافتہ تاریخ ولادت او شیخ اولیا ہست و از بدو شعور کمر ہمت
بطاعت حق و طلب علم بستہ قریب بلوغ اکثر علوم دینیہ فرا گرفت و بہ بیست و دو سالگی از فضائل
و کمالات فراغ حاصل نمودہ قرآن شریف حفظ کرد بالجملہ فقیہ و محدث بقیۃ السلف و حجۃ الخلف
جامع علوم ظاہر و باطن بود علم حدیث بہ محروسہ ہندوستان از وی شیوع یافتہ و بیا قبولیت خدا داد
حاصل بود کہ فردے از افراد دانش پژوہان و دانش پیشہ بانکارش لب نکشادہ وی در عنفوان شباب
بحرمین شریفین متوجہ شدہ و مدتے دران دیار پر انوار با علما و مشائخ وقت خصوصاً شیخ عبد الوہاب
متقی خلیفہ و جانشین شیخ علی متقی صحبتہا داشتہ تکمیل فن حدیث را بدرجۂ اعلیٰ رسانید و با برکات فراوان
مراجعت بوطن مالوف فرمودہ بنشر علوم و افادہ خلائق مشتغل گشت مے گویند کہ تصنیفاتش
خورد و کلان از صد متجاوز اند کہ فی زماننا باعث فخر علما و دستور العمل اوشایان ہستند چون طبع
موزون داشت در شعر تخلص حقی می کرد اشعارش بشمار ابیات تقریباً بہ پنج لک میرسند مرید سید
موسیٰ قادری بسلسلہ قادریہ بود در اوائل با شیخ احمد سرہندی مجدد الف ثانی خلافی داشت مگر آخر
از خیال خود باز آمدہ بتصفیہ پرداخت وفاتش در سال یک ہزار و پنجاہ و دو ہجری در دہلی
بظہور آمدہ مرقدش بمقبرہ قطب صاحب بر کنار حوض شمسی ہست ہزار و تیرہ کسبہ تاریخ فوت او

در فخر العلما یافته از تصانیفه الشهیرة لمعات شرح عربی مشکوة ٭ اشعة اللمعات شرح فارسی
مشکوة ٭ شرح سفر السعادت ٭ شرح فتوح الغیب ٭ مدارج النبوة ٭ شرح اسماء الرجال بخاری ٭
اخبار الاخیار ٭ جذب القلوب ٭ زبدة الآثار ٭ جامع البرکات ٭ مرج البحرین ٭ زاد المتقین ٭ فتح المنان
فی مناقب النعمان ٭ ما ثبت بالسنة ٭ تحلیه سید المرسلین ٭ چهل رساله

مولوی عبد الحق بنارسی ابن مولوی فضل الله باشنده قصبه نیوتنی مضاف لکهنو متوطن
بنارس که نسب وے بحضرت عثمان ابن عفان مے پیوندد در سال دوازده صد و شش هجری
ولادت یافته چنانچه از لفظ فضل رسول تاریخ ولادت بر می آید چون از ایام صبی شوق حدیث خوانی
در دل حق منزل او ریخته بودند بنا بران رخت سفر بر داشته کمر همت به تجسس و تحقیق آن علم
شریف بسته بدهلی رفت و پیش مولانا عبد القادر رامپوری و مولوی محمد اسمعیل شهید دهلوی هم سبق گشت
زان بعد بشهر صنعا ملک یمن رسیده از قاضی محمد بن علی الشوکانی سند قرآن و حدیث که نام آن
اتحاف الاکابر فی اسناد الدفاتر است حاصل کرد و مشار الیه امثال و اقران گردید گویند که وی هفت
حج بیت الله کرده یکے از ان همراهی سید احمد رای بریلوی و مولوی محمد اسمعیل دهلوی بود و حج آخر بمقام
منی سال دوازده صد و هشتاد و شش هجری بعمر هشتاد ساله رحلت فرموده در مسجد خیف مدفون شد
که از لفظ فضل رسول تاریخ فوت وے بر می آید ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء وی تارک تقلید بود
از تصانیف او الدر الفرید فی المنع عن التقلید مشهور است و سواء الطریق تصنیف مولانا تراب علی صاحب
لکهنوی از نام مولوی عبد القادر سهیلی در رد همین الدر الفرید است مولوی جلال الدین احمد
بنارسی مدرس اول گورنمنٹ کالج بنارس و مولوی حمید الدین احمد مدرس کالج مذکور از رشید تلامذه وے اند

مولوی عبد الحق خیرآبادی شاگرد پدر خود مولوی فضل حق خیرآبادی بعلوم عقلیه یگانه اشتغال
خود بدربار رئیس رامپور معززانه بسر می برد از تصانیف شان حاشیه غلام یحیی و تسهیل الکافیه و شرح
هدایة الحکمة و حاشیه عالیه شرح میرزاهد امور عامه مطبوع و شائع اند سلمه الله و ابقاه

ملا عبد الحکیم سیالکوتی علامه زمان سرآمد اقران خود شاگرد رشید مولانا کمال الدین کشمیری و خواجه تاش
حضرت علامه ربانی شیخ احمد سرهندی مجدد الف ثانی قدس سره بود و بآنحضرت عقیدت
راسخ داشت و حضرت مجدد او را آفتاب پنجاب میگفت در عهد جهانگیر ابن اکبر شاه در سیالکوت مسکن خود

بدرس علوم افادہ میداد ہرگاہ شاہجہان بن جہانگیر سریرآرای سلطنت گردید وصیت وے
بہ قدردانی علما وفضلا اقطار عالم را گرفت ملا موصوف بآستانۂ سلطنت علیا رسیدہ بیافتن انعام
واکرام مباہات حاصل کرد شاہجہان ملا را دو مرتبہ در ترازو با نقرہ سنجیدہ بدو بخشید کہ ہر مرتبہ
شش ہزار روپیہ بوزنش برآمد وعلاوہ آن چند دیہات مرفوع القلم او را اعطا فرمود ملا تمام عمر
خود بدرس وتصانیف بسر بردہ مشہور است کہ یک لک روپیہ ماہواری از سلطان وقت بیافت
تا اینکہ بتاریخ شانزدہم ربیع الاول سال ہزار وشصت وہفت ہجری جان بحق تسلیم کردہ در سیالکوٹ
مدفون شد مجملہ تصانیف او کتب ذیل مشہور اند حاشیہ تفسیر بیضاوی ۞ تکملہ حاشیہ عبد الغفور
بر فوائد ضیائیہ ۞ ترجمہ فارسی غنیۃ الطالبین ۞ حاشیہ مقدمات اربعہ تلویح ۞ حاشیہ مطول ۞
حاشیہ شرح مواقف ۞ حاشیہ شرح عقائد تفتازانی ۞ حاشیہ شرح عقائد دوانی ۞ حاشیہ بر حاشیہ خیالی
حاشیہ شرح شمسیہ ۞ حاشیہ شرح مطالع ۞ الدرۃ الثمینۃ فی اثبات الواجب تعالیٰ ۞ حواشی بر حواشی
شرح حکمۃ العین ۞ حواشی بر حواشی ہدایۃ الحکمۃ میبذی ۞ حواشی بر حواشی مراح الارواح
مولوی عبد الحکیم لکھنوی ابن مولوی عبد الرب بن بحر العلوم مولانا عبد العلی بن ملا نظام الدین بن ملا
قطب الدین سہالوی تحصیل کتب درسیہ مختصرات ومتوسطات از والد خود مولوی عبد الرب نمودہ
دایم ومطولات از مولوی نور الحق مرحوم نمودہ شب وروز بدرس مصروف بود صلاح وتقوی
شعار ودثار خود گردانیدہ بشب بیداری وبیاد الٰہی می گذرانید وہمگی ہمت خود بخدمت طلبہ علوم
معطوف داشت ودر تاذیبی بمسافران نفید الوطن مشار الیہ بود الحق کہ ذات ستودہ صفاتش
جامع ظاہر وباطن بود وبیعت از شاہ نجابت اللہ کرسوی داشت محرر سطور در سال دوازدہ
صد وشصت وچہار ہجری بہ لکھنؤ بہرہ یاب صحبتش شدہ بغایت خلیق ومسافر نواز یافت بست
چہارم صفر روز پنجشنبہ سال دوازدہ صد وہشتاد وہشت ہجری جان بحق تسلیم نمودہ فقرہ وان موت
الاعلم موت العالم مادۂ تاریخ وفاتش یافتہ اند دو عقب خود گذاشتہ یکی مولوی عبد الحلیم دوم
مولوی محمد نعیم ہر دو عالم وبر جادہ آبای مستقیم اند ۞ شرح کافی بزبان فارسی ۞ تفسیر بسم اللہ
فارسی ۞ ترجمہ فارسیہ دقائق الحقائق ۞ حاشیہ شرح سلم مولوی حمد اللہ ۞ شرح دائر الوصول الے
علم الاصول ۞ شرح جلدین آخرین ہدایہ ۞ شرح چہل کاف در فارسی ۞ شرح رسالہ نظامیہ

در بیان وضوء رسول مقبول صلعم ٭ مجرود در علم صرف ٭ زبدۃ النحو ٭ حاشیہ تفسیر بیضاوی ٭ شرح رسائل الارکان ٭ حاشیہ بر حاشیہ زاہدیہ بر شرح تہذیب ملا جلال الدین دوانی ٭ حاشیہ بر حاشیہ کمالیہ شرح عقائد جلالی ٭ جدول الصرف فارسی ٭ جدول النحو فارسی از تصانیف رائقہ او یادگار است قدس اللہ روحہ الاقدس

مولوی عبد الحلیم فرنگی محلی ابن مولوی امین اللہ بن مولوی محمد اکبر بن مفتی احمد ابو الرحیم بن مفتی محمد یعقوب بن ملا عبد العزیز بن ملا محمد سعید بن ملا قطب الدین الشہید السہالوی بیاندہم شعبان سال دوازدہ صد وسی و نہ بمقام لکھنؤ متولد شدہ بعمر دہ سالگی از حفظ قرآن مجید فراغت یافتہ بتحصیل علوم درسیہ کمر ہمت بست و بخدمت والد ماجد خود مولوی محمد امین اللہ و مفتی ظہور اللہ و مفتی محمد اصغر و مولوی نعمت اللہ و مفتی محمد یوسف علماے فرنگی محلی بعمر شانزدہ سالگی از اکتساب علوم درسیہ متداولہ خاندان قطبیہ شہیدیہ فراغ حاصل کردہ دانشمند متبحر جامع علوم عقلی و نقلی حاوی فنون فرعی و اصلی گشتہ وسادہ آرای درس و افادہ گردید و بسال دوازدہ صد و شصت ہجری بشہر باندا مضاف بوندیل کھنڈ رفتہ رئیس آنجا نواب ذوالفقار بہادر کہ قدردان علما و فضلا بود باعزاز و اکرامش پیش آمدہ وی را مدرس مدرسہ خود گردانید و مدتی بدان کار مامور ماندہ بوطن خود لکھنؤ واپس آمدہ یکسال در وطن مالوف متوقف شدہ بشہر جونپور قدوم آوردہ حاجی امام بخش مرحوم کہ یکے از رؤسای ذو دولت آن شہر بود بکمال قدردانی پیش آمدہ بمدرسہ امامیہ حنفیہ کہ خود بانی آن مدرسہ بود وی را مدرس مقرر کرد کہ عالمی از علم وے بدان بقعہ بہرہ اندوز گشت و تا نہ سال بدان منصب معزز بودہ بسال دوازدہ صد و ہفتاد و شش ہجری بوطن مراجعت کردہ دست بیعت بدست مولوی عبد الوالی قادری فرنگی محلی دادہ در سن ہفتاد و ہفت ہجری بعد صدی دوازدہم بحیدرآباد دکن تشریف بردہ سید تراب علی خان سالار جنگ مدار المہام آن مرزبوم کہ متصف باوصاف حمیدہ کالشمس بین النجوم بود وی را مدرس مدرسہ نظامیہ مقرر ساخت درین سفر بمقام سیلان کہ بشاہراہ دکن واقع ہست آن چراغ دودمان قطبیہ غریت کدہ جامع الاوراق را فروغ اعزاز بخشیدہ بود در آنوقت مولوی عبد الحی خلف الصدق شان صغیر السن قطبی می خواند و بسال ہفتاد و نہم بعد صدی دوازدہم ہجری از حیدرآباد بحصول رخصت عازم زیارت حرمین

شریفین زادہما اللہ تشریفاً و تعظیماً شدہ بخدمت علما و مشائخ آن دیار پر انوار فائز گشتہ مستفید گردید از انجملہ
بحکم معظمہ از مولانا محمد جمال حنفی و از مولانا احمد بن زین دحلان شافعی اجازت و سند علم حدیث
و دیگر علوم معقول و منقول حاصل کردہ در سن دوازدہ صد و ہشتاد ہجری بزیارت طیبہ علیٰ
صاحبہا الصلوٰۃ والتحیہ شرف اندوز شدہ از مولانا علی مدنی شیخ الدلائل سند دلائل الخیرات
و از مولانا محمد بن محمد ان العرب الشافعی مدرس مسجد نبوی سند حدیث و تفسیر وغیرہ و از مولانا عبد الغنی
ابن مولانا ابو سعید مجددی دہلوی نزیل مدینہ منورہ اجازت حدیث و تفسیر و فقہ وغیرہ و
از مولوی عبد الرشید بن مولانا احمد سعید مجددی دہلوی اجازت قصیدہ بردہ و
حزب البحر یافتہ بالا مال از فیوض و برکات حجاز در سن دوازدہ صد و ہشتاد و دو ہجری بہ حیدرآباد
رونق مراجعت بخشیدہ بانصرام حکومت عدالت نظامیہ مشغول گشت پس از ان بماہ جمادی الثانی
سال ہشتاد و سوم بعد صدی دوازدہم از ہجرت باستعمال رخصت بوطن مالوف تشریف آوردہ از
سنت نکاح خلف خود مولوی عبد الحی مرحوم فراغت یافتہ در سال ہشتاد و چہارم بماہ جمادی الثانی
از لکھنؤ رخصت سفر حیدرآباد کہ در حقیقت سفر آخرتش توان گفت بہ بست و یکم ماہ شعبان
سال مذکور دران بلدہ رسیدہ بکار متعلقہ خود مصروف بود کہ ناگاہ عارضہ سل دق بماہ صفر المظفر
سن ہشتاد و پنجم بعد صدی دوازدہم بجثہ لطیفش عارض شدہ بتاریخ بست و نہم شعبان المعظم
روز دوشنبہ سال مذکور طائر روح پر فتوح او از قفس عنصری پرواز نمودہ بشاخسار جنان نشیمن
گرفت و حسب وصیت در پائین قبر شاہ یوسف قادری کہ از کبار اولیاے دکن اند مدفون گشت
شعراے وقت قطعات عدیدہ متضمن تاریخ رحلتش بسلک نظم کشیدند از انجملہ مولوی عبد الرحمن
صاحب گنج الحجتین گفتہ ؎ العالم والعارف باللہ تعالیٰ ٭ قد قرّ الی اللہ مجید و ثنا ٭ امت بعالم التوفی
بیقین ٭ قد شرفا اللہ بقصر و لقاء ٭ و دیگری این مصرع گفتہ ؎ واقف راہ خدا مولوی عبد الحلیم ٭ و در
لفظ غفرہ نیز تاریخ وفاتش یافتہ اند تصانیفہم الرائقہ التحقیقات المرضیہ حل حاشیہ میر زاہد رسالہ
القول الاسلم حاشیہ شرح سلم ملا حسن کشف المکتوم فی حاشیہ بحر العلوم القول المحیط فیما یتعلق
بالجعل المؤلف والبسیط حل المباحث فی شرح العقائد التعلیق الفاضل فی مسئلۃ الطہر المتخلل
معین الغائصین فی رد المغالطین الایضاحات لمبحث المختلطات کشف الاشتباہ فی شرح

السلم لحمد للہ - البیان العجیب فی شرح ضابطۃ التہذیب - کاشف الظلمہ فی اقسام الحکمہ - العرفان
در منطق - نظم الدرر فی سلک شق القمر - التحلیہ شرح التسویہ مؤلفہ شیخ محب اللہ الہ آبادی -
نور الایمان فی آثار حبیب الرحمن - برکات الحرمین - ایقاد المصابیح فی صلوۃ التراویح - الالماس فی
تحقیق الدعا - غایۃ الکلام فی بیان الحلال والحرام - خیر الکلام فی مسائل الصیام - القول المحسن
فیما یتعلق بالنوافل من السنن - عمدۃ التحریر فی مسائل اللون واللباس والحریر - قمر الاقمار حاشیہ نور الانوار
حاشیہ نفیسی شرح موجز - الاقوال الاربعہ - ودیگر کتب مثل حاشیہ ہدایہ وحاشیہ بدیع المیزان وحاشیہ
حاشیہ قدیمہ ناتمام ماند کہ اجلش دررسید عطر اللہ روحہ

مولوی عبد الحمید خان رامپوری ابن ملا غفران رامپوری از برادر خورد ملا محمد عمران
ونبیرہ مولوی ارشاد حسین رامپوری اکتساب علوم نمودہ بدرس وافادہ طلبہ اشتغال دارد بسال
دوازده صد ونود وہشت ہجری در قصبہ سندیلہ جہت لقای مولوی حافظ شوکت علی رئیس
سندیلہ قدوم آوردہ بود سلمہ اللہ تعالے

مولوی عبد الحمید بدایونی ابن مولوی محمد سعید بدایونی بسال یازده صد وپنجاه ودو ہجری
ولادت یافتہ از مولوی محمد لبیب برادر کلان خود تحصیل علوم متداولہ نمودہ شرف بیعت از
حضرت شاہ سید آل احمد قادری مارہروی قدس سرہ حاصل ساختہ کامل ومکمل شد بسال
دوازده صد وسی وپنج ہجری رحلت فرمود روح اللہ روحہ

مولوی عبد الحی دہلوی شاگرد وداماد مولانا شاہ عبد العزیز قدس سرہ العزیز از اجلہ
معاونان نامی سید احمد مجاہد بریلوی بود در فقہ حنفی دستگاہی کامل داشت رسالہ نکاح بیامی
وفتاوای متفرق از تالیف اوست تاریخ ہشتم شعبان روز یکشنبہ سال دوازده صد وچہل و
سہ ہجری بعارضہ بواسیر رحلت فرمود

مولوی عبد الحی فرنگی محلی ابن مولوی عبد الحلیم ابن مولوی محمد امین از اولاد امجاد ملا
قطب الدین سہالوی بود کنیت او ابو الحسنات است بمقام باندا در عشرہ اخیرہ ذیقعدہ سال
شصت وچہارم از صدی سیزدہم ہجری ولادت یافتہ از عمر پنج سالگی بحفظ قرآن مجید مشغول شدہ
بدہ سالگی ازان فارغ گشت ودر جامع مسجد جونپور اول امامت تراویح کردہ در یازده سالگی بخدمت

والد خود تحصیل علوم متعارفه آغاز نموده بهفده سالگی فارغ شده بافاده طلبه بجنب او استاد
سے پرداخت وکتب علم ریاضی از مولوی نعمت الله فرنگی محلی خال والد خود که از مهره آن علم بود
تحصیل کرده؛ اه والد ماجدش هنگامیکه بحیدرآباد میرفت مؤلف اوراق بمقام بیلوان از دیدارش
مسرور شده وی دران حال که صغیر السن بود ذکاوت طبع وجودت حافظه از جبینش پیدا و رشید
وے رحمة الله علیه دو مرتبه بزیارت حرمین شریفین زادهما الله شرفاً و تعظیماً مشرف و مباهی
گشته اولا بسال دوازده صد و هفتاد و نه هجری بمعیت والد خود و ثانیاً در سال دوازده صد و
نود و دو هجری و از سید احمد دحلان شیخ الشافعیه بمکه معظمه اجازت جمیع ما اتصل له من الشیوخ
و همچنین از والد خود یافته عالم از تعلیم و درسش فیضیاب گشت و بسے افاضل نامدار از سایه
دامن فیضانش برخاستند بالجمله صاحب ترجمه علیه الرحمة کثیر الدرس و التصنیف بدان مرتبه بود که
صیت افاضه و اشاعت علومش در حیات وی اکناف عالم را بگرفت قریب به مجددیت رسیده
بست و نهم ربیع الاول سال چهارم صدی چهاردهم هجرت یوم دوشنبه وقت شب بعارضه صرع
بمقام لکهنؤ این جهان بی بود را پدرود فرموده همانجا مدفون گردید جز دختری عقبی نگذاشت آن صبیه
دو صد روپیه ماهوار از نظام حیدرآبادی یابد سید عبد العلی شرفی تخلص تاریخ فوتش چنین گفته ـــه
هاے مولانا محمد عبد حی ؛ شاد و غلمان ز میان باز رفت ؛ آستانش سجده گاه خلق بود ؛ قبله هندوستان با
برفت ؛ گفت شرفی مصرع سال وفات ؛ وای استاد زمان ابرفت **ایضاً** از مولوے
محمد سعید عظیم آبادی حسرت تخلص ـــه کرد رحلت جناب عبد الحی ؛ فاضل لکهنوی فطین فرنگی
گفت سال وفات او حسرت ؛ شد فرنگی محل ز علم تهی **تصانیفه الرائقه** عمدة الرعایه حاشیه
شرح وقایه ؛ مجموعه خطب سالتمام ؛ الفلک المشحون فی الانتفاع بالمرهون ؛ تذکرة الفکر فی سجدة الذکر ؛
تحفة الطلبه فی تحقیق مسح الرقبه ؛ الرفع والتکمیل فی الجرح والتعدیل ؛ القول الجازم فی
سقوط الحد بنکاح المحارم ؛ نفع المفتی والسائل بجمع متفرقات المسائل ؛ الفلک الدوار فی رؤیة
الهلال بالنهار ؛ القول المنشور فی هلال خیر الشهور ؛ الافصاح عن شهادة المرأة فی الارضاع ؛
تحفة النبلاء فی جماعة النساء ؛ الکلام الجلیل فیما یتعلق بالمندیل ؛ الاجوبة الفاضلة للاسئلة
العشرة الکاملة ؛ الهسهسة بنقض الوضوء بالقهقهة ؛ خیر الخبر فی اذان خیر البشر ؛ سباحت

الفکر فی الجہر بالذکر ٭ النافع الکبیر لمن یطالع الجامع الصغیر ٭ رفع الستر عن کیفیۃ ادخال المیت
وتوجیہہ الی القبلۃ فی القبر ٭ طرب الاماثل فی تراجم الافاضل ٭ ترویح الجنان بتشریح حکم شرب الدخان
ردع الاخوان عن محدثات آخر جمعہ رمضان ٭ اکام النفائس فی اداء الاذکار بلسان الفارس
زجر الناس علی انکار اثر ابن عباس ٭ الانصاف فی حکم الاعتکاف ٭ امام الکلام فیما یتعلق بالقرأۃ
خلف الامام ٭ غیث الغمام ٭ الآثار المرفوعہ فی الاخبار الموضوعہ ٭ دافع الوسواس فی اثر ابن
عباس رسالہ احکام شبیت اردو ٭ فواید البہیہ فی تراجم الحنفیہ ٭ امتحان الطلبہ فی الصیغ المشکلہ ٭
التبیان فی شرح المیزان ٭ چہار گل در صرف ٭ خیر الکلام فی تصحیح کلام الملوک ملوک الکلام ٭
ازالۃ الجمد فی اعراب اکمل الحمد ٭ اکمل الحمد در نحو ٭ ہدایۃ الوریٰ الی لواء الہدیٰ تعلیق حاشیہ
غلام یحییٰ بر حاشیہ زاہدیہ قطبیہ ٭ مصباح الدجیٰ فی لواء الہدیٰ ٭ نور الہدیٰ تکملہ لواء الہدیٰ ٭
علم الہدیٰ ٭ حل المغلق فی تحقیق المجہول المطلق ٭ الکلام المتین فی تحریر البراہین ٭ تیسر العسیر فی
مبحث المثناۃ بالتکریر ٭ الافادۃ الخطیرۃ فی بحث نسبۃ سبع عرض شعیرہ ٭ التعلیق العجیب بحل
حاشیۃ الجلال علی التہذیب ٭ تکملہ حاشیہ والد خود بر نفیسی ٭ الہدیۃ المختاریہ شرح الرسالۃ العضدیہ
در مناظرہ ٭ القول الاشرف فی الفتح عن المصحف ٭ زجر ارباب الریان عن شرب الدخان ٭ احکام
القنطرہ فی احکام البسملہ ٭ غایۃ المقال فیما یتعلق بالنعال در علم فقہ ٭ حسرۃ العالم بوفات مرجع العالم
در ترجمہ والد خود ٭ افادۃ الخیر فی الاستیاک بسواک الغیر ٭ مقدمۃ الہدایہ ٭ مذیلہ الہدایہ ٭ تحقیق
العجیب فی التثویب ٭ تحفۃ الاخیار فی احیاء سنۃ سید الابرار ٭ الحجہ علی ان الاکثار فی التعبد
لیس ببدعۃ ٭ الکلام المبرور فی رد القول المنصور ٭ ہدایۃ المعتدین فی فتح المقتدین ٭ وغیر ان از
تعلیقات متفرقہ بر کتب متعددہ وسیوہ کتب دیگر اند کہ صاحب ترجمہ در رسالہ نافع کبیر اسامی
آنہا تحریر فرمودہ اسمائے گرامی تلامذہ مولوی عبدالحی فرنگی محلی کہ بعد تکمیل و فراغ بحصول
سند ممتاز شدند مولوی عبدالعزیز ساکن بھیرہ ضلع اعظم گڈھ مولوی بدیع الزمان لکھنوی مولوی
وحید الزمان لکھنوی مولوی محمد عبدالاحد الہ آبادی مولوی سید مرتضیٰ بیشیے ساکن نونا ریاہ
ضلع غازی پور مولوی عبدالباری ساکن نگرنہسہ مولوی محمد حسین الہ آبادی مولوی علی حیدر خان
ساکن خالص پور پرگنہ ملیح آباد مولوی ساکن عبدالکریم پنجابی مولوی بشارت کریم

مولوی عبدالغفور سکنہ رمضان پور مولوے عبدالغنی بہارے مولوے فدا حسین ساکن محی الدین
نگر مضاف بہار مولوے ابوالحسن مرحوم ترہٹی مولوے عین القضاۃ حیدرآبادی مولوے
عبدالعزیز فرنگی محلی مولوے نظام الدین فرنگی محلی مولوے عبدالرحمن ساکن صاحب گنج مولوی
حافظ محمد شعیب ولایتی مولوے اکبر خان مرحوم ولایتی مولوے محمد اسحاق ساکن اسیٹھے
مولوی سلیمان ساکن پھلواری ضلع عظیم آباد مولوے عبدالقادر ولایتی مولوی سید امین نصیرآبادے
مولوے محمد ہارون نصیرآبادی مولوی ظہور الاسلام فتحپوری مولوے لطف الرحمن عظیم آبادے
مولوے مظاہر الحق عظیم آبادی مولوی محمد ابراہیم آلہ آبادی مولوی محمد تقی اعظم گڈھی مولوی محمد نذیر لکھنوی
مولوی بشیر محمد ولایتی مولوی آزاد خان مرحوم مولوی عبدالغنی بہاری مولوی محمد یسین آروے
مولوی قادر بخش سہسرامی مولوی محمد حسین نصیرآبادی عرف صاحب میان مولوی سید محمد
رسان کابلی مولوی عبداللہ ساکن چاندپارہ ضلع اعظم گڈھ مولوی ابوالفضل محمد حفیظ اللہ ساکن بندی
ضلع اعظم گڈھ مولوی محمد عثمان ساکن چنپارہ ضلع اعظم گڈھ مولوے انعام اللہ فرنگی محلی مولوے
عبدالماجد بھاگل پوری مولوے قاسم پا ساکن کرا ضلع آلہ آباد مولوے سید اعجاز حسین ساکن سیوتی
مولوے محمد عثمان ساکن کہنٹہا ضلع اعظم گڈھ کذا فی کنز البرکات مصنفہ مولوے محمد حفیظ اللہ سابق
الذکر سلمہ اللہ کہ سند علمی در سال اخیر صدی سیزدہم از مولوے عبدالحی مرحوم یافتہ اند۔

مولوی عبدالرب فرنگی محلی پسر خرد مولانا عبدالعلی بحرالعلوم از خرد سالے ہمراہ والد خود در
شاہجہان پور و رام پور و بہار و مدراس ماند و مولانا کوشش بلیغ در تعلیم و تدریس او نمود و کتب
درسیہ تمام و کمال باو تعلیم ساخت و شب و روز مشغول امور اوی بود بالجملہ مولانا او را باموال
خطیر بغرض کتخدا شدنش بوطن فرستاد وے بہ لکھنؤ آمدہ از نکاح خود فارغ گردید و زر کثیر کہ از مدراس
آوردہ بود ہمہ بہ فضولے و مصرفے دی برباد رفت کہ افلاسش رو نمود بعد وفات مولانا بحرالعلوم
وے و برادر زادہ اش عبدالواجد بمدراس رفتند چنانچہ تفصیل آن بذیل ترجمہ مولوے
عبدالواجد خواہد آمد آخر کار ترک تدریس و درس کردہ بیافتن دو صد روپیہ از سرکار نواب مدراس
و یک صد و ہفتاد و پنج روپیہ از سرکار انگریزیہ معاوضہ جاگیر راضی شدہ تدریس بمولوی عبدالواجد
سپردہ بہ لکھنؤ آمد و تا حیات خود معاوضہ مذکورہ بتوسط رزیڈنٹ لکھنؤ مے یافت

کذا فی الاغصان الاربعہ

مولوی عبدالرب دہلوی جامع معقول و منقول ماہر فروع و اصول کامل فنون علم و ادب حاوی اسرار لغت عرب که وعظ پرتاثیرش شهرهٔ آفاق بود مسجد جامع بمقام سهارن پور بصرف زر کثیر تعمیر فرموده بماه محرم سال پنجم صدی چهاردهم هجری بمقام دهلی رحلت فرمود طاب الله ثراه بیدل سهسرامی تاریخ وفاتش چنین گفته **قطعهٔ تاریخ** جناب مولوی عبدرب آن * که وقت وعظ دل می شد شکارش * درین ماه محرم جان بحق شد * زهے رحمت که بارد بر مزارش * رقم زد سال رحلت کلک بیدل * درود ایزدی باد انثارش

مولوی عبدالرزاق فرنگی محلی ابن مولوی جمال الدین احمد بن مولوی علاء الدین فرنگی محلی بسال دوازده صد و سی و هفت هجری متولد شده چون هشت ساله گشت پدرش مولوی جمال الدین بحیدر آباد رفت وے بمقتضای فطرت بتحصیل علوم اشتغال نمود در اوائل از مولوی نور کریم دریاباوی کتب مختصره خوانده بقیه کتب بخدمت مفتی محمد اصغر و مفتی محمد یوسف فرنگی محلی تکمیل فرمود و کتب درسیه حدیث و تفسیر بخدمت مولوی حسین احمد ملیح آبادی گذرانیده و تمامی کتب حدیث از مرزا حسن علی محدث لکهنوی قرأت نمود و بعد آن جمله کتب حدیث از حضرت ملا محمد حسن مدنی قرأت نمود که مولوی حسین احمد و مرزا حسن علی مع دیگر محدثین سماعتش می فرمودند و کتب عقائد و سلوک و تصوف از مولوی عبدالوالی مرشد خود استفاضه نمود و بعد آن قرآن مجید در یکسال حفظ نموده بسال دوازده صد و پنجاه و چهار هجری فراغ کلی حاصل کرد و اجازت بیعت سلسله قادریه و چشتیه از مولوی عبدالوالی و نیز پدر خود یافته بعد وفات مرشد خود سلسلهٔ درس و تدریس منقطع فرموده اشتغال بیاد حق شعار و دثار خود ساخت در سن سیزده صد و هفت هجری در اواخر ماه صفر انتقال فرموده در باغ مولوی انوار صاحب مدفون شد

مولوی سید عبدالرحمن لکهنوی عالم متصوف بیعت و خلافت سلسله چشتیه داشت در مسجد ٹیلہ شاہ پیر محمد(؟) واقع بلده لکهنؤ مقیم بود همانجا بتاریخ ششم ذیقعده سن دوازده صد و پنجاه و نه هجری وفات یافته در صحن مسجد مذکور مدفون گردید روح الله روحه وایشان عالم و خادم سادات و قانع و متوکل و عزلت نشین بودند و رساله کلمة الحق و رساله کاسر الاصنام در توحید از تصانیف

شان هست و ملیح و عیص مرد و غنا بسیار بودند

مولوی عبدالرحمن ساکن قصبه بهدوهی ضلع مرزاپور عالم متقی واعظ تارک الوطن که در مسجد نارگهاٹ واقع شهر مرزاپور متوکلانه بسر می برد در سال دوازده صد و هشتاد و پنج هجری رحلت نمود

مولانا عبدالرحیم دهلوی عمری نسب حنفی مذهب نقشبندی مشرب جامع فنون عقلی و نقلی حاوی علوم اصلی و فرعی محدث بود از اخلاف امجادش مولانا شاه ولی الله دهلوی و مولانا شاه اهل الله دهلوی هستند ع این خانه تمام آفتاب است ۲۲ و دوازدهم صفر در سال یکهزار و یکصد و سی و یک هجری وقت چاشت رحلت فرمود

مولوی عبدالرحیم صفی پوری ابن عبدالکریم صفی پوری دانشمند مشهور در علوم ادبیه حظی وافر داشت از تصانیف او شرح قصیده سبعه معلقه و غایة البیان فی علم اللسان در بیان قواعد صرفیه والمسالک البهیه فی القواعد النحویه و خریدة الادیب فی المؤنث السماعی و منتهی الارب فی کلام العرب ترجمه قاموس در چهار جلد مشهور اند تاریخ وفاتش معلوم نشد

مولانا عبدالرشید جونپوری ابن شیخ مصطفی ابن عبدالحمید ملقب به شمس الحق بود و شمسی تخلص میکرد شاگرد شیخ فضل الله جونپوری و مرید پدر خود شیخ مصطفی مرید شیخ محمد مرید نظام الدین امیتهوی قدس الله اسرارهم از اولیای کبار و علمای کرام بود در اوائل حال بتدریس و افاده علوم شغل داشتی زان بعد ترک کرده بمطالعه کتب حقائق اکتفا کرد و از اختلاط امرا و اغنیا احترازی داشت شاهجهان بادشاه اوصاف حمیده او شنیده مشتاق ملاقاتش گشت فرمان بدست وکیلی بطلب وفرستاد مولانا قبول نکرد و از گوشه عزلت پا بیرون ننهاد تصانیف مفیده دارد منجمله آن رشیدیه در مناظره و زاد السالکین فی شرح اسرار الخلوة و رساله محکوم مرجاو حاشیه شرح مختصر عضدی و حاشیه فارسی برکافیه ابن حاجب و مقصود الطالبین و رساله او دیوان شعر فارسی مشهور اند و حادثه وفاتش انچنین مشهور است که بعد فراغ سنت فجر چون در فرض آغاز کرده وقت گفتن تحریمه طائر روحش باشیان جنت بسال یکهزار و هشتاد و سه هجری پرواز نمود ادخله الله بحبوحة الجنان

مولوی محمد عبدالسبحان ابن شیخ محمد محسن ساکن تهذآباد ناره فاضل علام حاجی بیت الله الحرام طبیب حاذق حامل قرآن از بدو سن شعور بصلاح و تقوی آراسته بلکه مؤلف اوراق میداند

کہ ازبلوغ تا وقت اخیر صلوٰۃ فریضہ از وقوت نشدہ باشد و جملہ علوم ظاہریہ و باطنیہ و خلافت
ارشاد از مولوی فخرالدین احمد الہ آبادی حاصل نمود تمام عمر شریف بہ ہدایت و ارشاد و بدرس علوم
مثل او ستاد خود بسر بردہ مولوی عبدالحمید خلف مولوی حیدر حسین جونپوری و مولوی محمد
عبدالکافی برادرزادہ صاحب ترجمہ از شاگردان او شان صاحب استعداد و لیاقت موجود اند
منجملہ کتب مصنفہ شان رسالہ اسرار الصلوٰۃ قصۂ منظومہ حضرت اسمعیل ع قصۂ منظومہ حضرت
سلیمان ع التسدید فی وجوب التقلید دلائل قاطعہ در تحقیق فرقہ ناجیہ تنبیہ المقال فی ازالۃ الجدال
مطبوع شدہ شائع اند آخر کار بعمر شصت و سہ سالگی تاریخ بست و یکم محرم الحرام یوم جمعہ سال یکہزار
و سہ صد و سہ ہجری بمقام الہ آباد از دار فانی بعالم جاودانی رخت زندگی بربست و در مقابر باشی کہ
مقبرہ اہالیان دائرہ شاہ اجمل مرحوم است مدفون شد غفر اللہ لہ

ملا عبدالسلام لاہوری شاگرد میر فتح اللہ شیرازی فقیہ و مفسر بود از شاگردان وی ملا عبدالسلام
ساکن قصبہ دیوہ مضاف لکھنؤ مشہور است بر تفسیر بیضاوی حواشی برجستہ دارد بسال یکہزار و سی
و ہفت ہجری وفات یافتہ

قاضی عبدالسلام بدایونی ابن عطاء الحق محدث و مفسر بود تفسیر زاد الآخرۃ منظوم بزبان
اردو قریب دو لکہ شعر بسال دوازدہ صد و چہل و چہار ہجری تصنیف کردہ از زاد الآخرۃ سال
تالیفش برمی آید در سال دوازدہ صد و پنجاہ و پنج ہجری ازین جہان فانی بعالم جاودانی
شتافت نور اللہ مرقدہ

مولوی عبدالسلام ساکن ہسوہ ابن سید شاہ ابوالقاسم نقشبندی ساکن قصبہ ہسوہ
کہ متصل فتح پور است در سال دوازدہ صد و سی و چہار ہجری ولادت یافتہ نام تاریخی او سید
ریاض الحسن مردی متقی بود کہ از بدو سن شعور ورع و تقوی را و ثار خود کردہ بعد حفظ قرآن ابتدا اکثر
کتب درسیہ از عم خود مولوی سراج الدین احمد خواندہ بعدہ از مولوی معین الدین کڑوی و
مولوی محمد معین لکھنوی وغیرہ تکمیل نمودہ و سند صحاح ستہ از مولانا شاہ عبدالغنی دہلوی گرفتہ
در سال دوازدہ صد و شصت و یک ہجری فراغ علمی حاصل نمود و بخدمت شاہ احمد سعید مجددی
بیعت و خلافت سلسلۂ نقشبندیہ یافتہ و در سن دوازدہ صد و ہشتاد و دو ہجری مشرف

حج اکبر و زیارت روضۂ منوره شده بعد اجازه از شیخ احمد دحلان مکی شافعی تکمیل حدیث نمود و بافاده و افاضهٔ
خلایق می پرداخت بعارضهٔ دنبل در ماه شوال سال دوازده صد و نود و نه هجری رحلت فرموده
شیخ محمد علی طلیق تخلص ساکن قصبه ہتسوه در فقرهٔ نور الله تربته تاریخ وفاتش یافته

ملا عبد الشکور بتلو کشمیری از علمای نامدار صاحب ورع و تقوی بود پیش خواجه حیدر چرخی
وغیره علمای وقت تلمذ نموده بتدریس منقولات اشتغال داشت اورنگ زیب عالمگیر بادشاه
زر کثیر که جهت قوت علمای کشمیر فرستاده بود از ان چیزی قبول نکرده بسال سیزدهم از صدی
دوازدهم هجری رحلت فرمود ملا محمد اشرف شاگرد و استاد زادهٔ او قصیدهٔ عربی در مرثیهٔ او گفته
و دران قصیده مادهٔ تاریخ وفاتش چنین یافته ع لامات بوفاته عالما

قاضی عبد الصمد چڑیاکوٹی ابن قاضی ابو الحسن بن ملا محمد ماه بن قاضی منصور عباسی طبعی عالی
و ذهنی صافی داشت بعد تحصیل علوم از پدر دانش آموز برای حصول سند قضا که منصب موروثی
او بود بحکم پدر بزرگوار بدهلی شتافته و در انجا مجمع علما در فضل و کمال امتیاز یافته تا آنکه ارکان شاهی
وی را در فقه و اصول و دیگر علوم منقول و معقول یگانه دیدند و بحکم محمد شاه فرمانروای شاهجهان آباد
بمنصب قضای پرگنه چڑیاکوٹ و دیگر مقامات پیشنهاد کردند مگر او رحمة الله علیه قضای پرگنه خود که آبای
کرامش از عهد قدیم بران مامور بودند قبول فرمود و دیگر مقامات را بمستحقان قدیم ارزانی نمود و از دهلی
بچڑیاکوٹ مراجعت کرد و در خوبی فصل خصومات و حسن تعلیم فنون در سیر گیتی نیکنامی بدست آورد
یگانهٔ آفاق حافظ محمد اسحاق از تلامذهٔ اوست صاحب ترجمه علیه الرحمه در سال هفتاد و یکم از صدی
دوازدهم هجرت درگذشت قاضی منصفت مادهٔ تاریخ وفاتش یافته اند رحمة الله علیه و علی اسلافه

شیخ عبد العزیز دہلوی ابن حسن بن طاهر چشتی از مشاهیر مشایخ چشتیه و از اکابر علمای
صوفیهٔ صافیه رضوان الله علیهم مظهر معرفت و محبت و بعلوم شریعت و طریقت و حقیقت عالم بود
و بسماع و تواجد وظیفه داشت مرید پدر خود شیخ حسن بود همواره متکلف بودی و بحاجت روای
خلائق کوشش بلیغ نمودی و در علوم ظاهره هم کامل مکمل بود و تفسیر عرائس و عوارف و فصوص الحکم
و شرحش بتلامذه درس گفتی و صاحب تصانیف شده است از انجمله رسالهٔ عینیه است که در مقابل
رسالهٔ غیریهٔ شیخ امان پانی پتی نوشته و بسیاری از مسائل غامضهٔ عینیت وجود موافق کشف

ارباب شهود در انجا مذکور شده ملا عبد القادر بدایونی مولف منتخب التواریخ نیز از وی بعض کتب و
رسائل تصوف استماع و استفاده نموده وی رحمة الله علیه در جونپور بسال هشت صد و نود و هشت
هجری متولد شده بعمر یک و نیم سالگی همراه والد خود بدهلی تشریف آورده تاریخ ششم جمادی
الاخری سن نهصد و هفتاد و پنج هجری شهباز روحش باوج بقا پرواز نمود قطب طریقت نماند
ماده تاریخ فوتش یافته اند و چون مشار الیه در تصانیف و مکاتیب خود را ذره ناچیز عبد العزیز
می نوشته اند ذره ناچیز نیز تاریخ رحلتش یافته می شود

مولانا عبد العزیز دهلوی ابن مولانا شاه ولی الله محدث دهلوی در سال یازده صد و پنجاه
و نه هجری ولادت یافته و به غلام حلیم اسم تاریخی موسوم گشت و بعمر پانزده سالگی بخدمت والد
ماجد خود از تحصیل علوم عقلیه و نقلیه و تکمیل کمالات ظاهریه و باطنیه فارغ شده بعد پدر بزرگوار مشغل ایکه
درس و ارشاد گردید بالجمله وی جامع علوم بلکه آیتی از آیات الهی بود هر چه در توصیفش خامه و زبان
بطراز در شتی هست از خرواری دانکی هست از بسیاری رساله سر الشهادتین و بستان المحدثین و تحفه
اثنا عشریه و عجاله نافعه و فتح العزیز تفسیر سورهٔ بقره و دو پاره اخیر قرآن مجید از تصانیف شهیره وی اند
هفتم شوال سال دوازده صد و سی و نه هجری ازین جهان بی بنیان بعالم جاودان رحلت
فرمود شاعری تاریخ فوتش چنین گفته ع بی سر و پا گشته اند از دست بیداد اجل [illegible]
دین لطف و کرم فضل و هنر علم و عمل

ملا عبد العلی بحر العلوم لکهنوی ابن ملا نظام الدین بن ملا قطب الدین الشهید السهالوی
در اواخر عمر پدر بوجود آمده بعمر هفده سالگی از جمله کتب درسیه و علوم متعارفه بخدمت پدر بزرگوار فراغ
حاصل نموده بعده پدرش همان سال ارتحال فرمود بعد وفات پدر بمطالعه کتب معقول و منقول
مشغول گشت و مطالب غامضه بخدمت ملا کمال الدین که تلمیذ خاص پدرش بود پیش می کرد
در اوائل حال صاحب ترجمه علیه الرحمة را سانحه عظیم بوطنش لکهنو پیش آمده که بدان سبب روانه
شاهجهان پور گشت حافظ الملک حافظ رحمت خان رئیس آن شهر قدومش از مغتنمات شمرده باعزاز
و اکرام تمام پیش آمده وجه معقول برای معاش وی مقرر ساخت تا حیات حافظ الملک
همدر انجا مقیم بوده بتدریس طلبه اشتغال داشت بعد کشته شدن حافظ الملک مرحوم نواب

فیض الله خان رئیس رامپور ملای موصوف را برامپور برده وانجا نیز به تعلیم و تدریس مشغول بود
لیکن بوجه قلت کفاف مولانا برخاسته خاطری بود که درین اثنا منشی صدر الدین بهاری وسعدا
برای تدریس مدرسه خود که در بهار بنا نهاده بود خرچ معتد به فرستاده طلبید چنانچه ملا عبد العلی
از رامپور جانب بهار روانه شده در اثنای راه از راه بریلی ملا ازهار الحق را که در انجا مقیم بود همراه
خود به بهار برد منشی صدر الدین باعزاز و اکرام پیش آمده چهار صد روپیه ماهوار برای ذات خاص
مولانا و یک صد روپیه ماهوار برای ملا ازهار الحق علاوه مصارف طلبه مقرر کرده داد
مدتے در انجا رونق افزود مسادهٔ تدریس ماند بعد چندی مفتریان وقت درمیان وے و
منشی صدر الدین رنجشی پیدا کردند تا انجا هم برخاسته خاطر گردید این خبر به نواب والاجاه محمد علی خان
رئیس کرناتک وغیره رسید خطی بطلب مولانا مع خرچ بخشش فرستاد که مولانا روانه مدراس
شد چون آنجا رسید نواب موصوف مع عزیزان و امیران استقبالش نموده باعزاز تمام بمحل خود
برد و مدرسه کلان بنا نموده مولانا در آن مدرسه بتدریس طلبه مشغول گشت و از سرکار نواب
موصوف بحر العلوم خطاب یافت بعد وفات نواب محمد علی خان پسرش عمدة الامرا بعد او عظیم الدوله
نبیرهٔ محمد علی خان بر مسند ریاست نشستند و عمر مولانا به هشتاد و سه سالگی رسیده بعوارض جسمانی
مبتلا گشته دوازدهم رجب سال دوازده صد و بیست و پنج هجری رحلت فرموده در مدراس
مدفون گشت بجایش مولوی علاء الدین که شاگرد و داماد وی بود مقرر گردید تصانیفه الشهیرة
ارکان اربعه در اصول فقه و حاشیه بر میر زاهد رساله و حاشیه بر حاشیه زاهدیه بر شرح تهذیب
جلالیه و حواشی ثلاثه بر حاشیه زاهدیه امور عامه جدیده و قدیمه و شرح سلم مع حاشیه منهیه و عجاله نافعه
مع منهیه و فواتح الرحموت شرح مسلم الثبوت و تکمله بر شرح ملا نظام الدین بر تحریر ابن همام و تنویر
الابصار شرح فارسی منار و حاشیه بر شرح صدرای شیرازی و شرح مثنوی مولانا روم قد
شرح فقه اکبر و هدایة الصرف و رساله در احوال قیامت و رساله توحید وغیره

مولوی عبد العلی فرنگی محلی بابو تراب شهرت داشت پسر چهارم مولوی عبد الجامع بن
مولوی محمد نافع ابن مولوی عبد العلی بحر العلوم هست بعد حفظ قرآن مجید جمله کتب درسیه تحصیل کرده
فاتحه فراغ خواند صاحب استعداد و مرید مولوی عبد الوالی فرنگی محلی بود و درس مے داد و

عین شباب بعارضہ سل ودق مبتلا شدہ بتاریخ دوم جمادی الاول سال دوازدہ صد و نود و دو
ہجری لاولد بہ لکھنؤ وفات یافت رحمہ اللہ

مولوی حافظ عبد العلی نگرامی درسال دوازدہ صد و سی و دو ہجری بہ قصبہ نگرام از
مضافات لکھنؤ متولد شدہ در اوائل کتب مروجہ درسیہ از خال خود مولوی حافظ علیم اللہ نگرامی
تحصیل کردہ پس ازان بہ لکھنؤ رفتہ از چند علماے وقت مستفید شدہ فاتحہ فراغ علمی پیش مولوی
انور علی لکھنوی خواند و اجازت جملہ علوم ظاہرہ از حافظ علیم اللہ سابق الذکر عن مرزا حسن علی محدث
لکھنوی عن مولانا شاہ عبد العزیز دہلوی یافتہ مرید قاضی سید عبد الکریم بریلوی بود و از شاہ گلزار
لکھنوی خلیفہ قاضی ممدوح تلقین و اجازت جملہ خاندانہاے طریقت حاصل کردہ اسامی کتب
مؤلفہ صاحب ترجمہ اینست تفسیر آیات الاحکام رد المبتدعین تحقیق الامور فی الفاتحۃ والنذور
التحریر فی المزامیر التسکین المسئول علی من انکر کون مسح الرقبۃ من سنۃ الرسول۔ تحقیق فی المولد و
القیام۔ نور الایمان فی تائید مذہب النعمان۔ الیواقیت اللطیفۃ فی تائید مذہب ابی حنیفہ
رسالہ درباب حفاظ شیعہ ہدایۃ الانام الی خرقۃ المشائخ العظام رسالہ تقریر حق۔ رسالہ مولد شریف
مسودہ اوراق درسن دوازدہ صد و شصت و چہار ہجری بمقام لکھنؤ بخدمت صاحب ترجمہ
مشرف شدہ بجدی خلیق و منکسر النفس یافت خدا ایشان بیامرزد و در شب بست و ہشتم ماہ شوال
سال ہزار و دو صد و نود و شش ہجری رحلت فرمودہ بہ نگرام مدفون گشت انا للہ وانا الیہ راجعون
نگرام بنون مفتوح و کاف فارسی ساکن و راے مہملہ مفتوحہ والف و میم موقوف۔

مولوی عبد العلی خان رام پوری ابن ملا محمد عمران بن ملا محمد غفران رام پوری شرف
تلمذ بخدمت جد امجد خود یافتہ حافظ و قاری بود در سن دوازدہ صد و نود و ہفت ہجری رحلت فرمود

مولوی عبد العلی قنوجی ابن مولوی علی اصغر قنوجی شاگرد برادر خود مولوی رستم علی قنوجی عالم علوم
عقلیہ و نقلیہ بود حاشیہ شرح منار در اصول فقہ از تصانیف اوست بموضع بندگی متصل کورا
جہان آباد ضلع فتح پور ہسوہ رحلت فرمود سال فوتش معلوم نہ شد

مولوی عبد العلی اسلام آبادی ابن منت علی از شرفاے اہل اسلام چاٹگام است بروز پنجشنبہ در شہور
دوازدہ صد و شصت و دو ہجری ولادت یافتہ کتب درسیہ فارسیہ پیش اساتذۂ وقت گذرانیدہ بعم

چہاردہ سالگی میزان الصرف آغاز کردہ بمدت نہ ماہ از درس مجموعہ صرف و نحو فارغ شدہ بکلکتہ شتافت
و بمدرسہ سرکار انگریزی معمور شدہ طرح اکتساب علوم انداخت و بہر سالی از جماعتی بجماعتی ترقی می شد
و اساتذہ ہر جماعت بروشفقتہا ارزانی داشتند تا بر جمیع مماثلان خود گوی سبقت می ربود و بیافتن انعام
مباہی می گشت و در اثنای تحصیل علوم متداولہ اہل اسلام بزبان انگریزی ہم مہارت معتد بہ پیدا
کرد و بمدیران مدرسہ بمنصب مدرس زبان فارسی مقرر شد الحال عربی پروفیسر مدرسہ ہوگلی ہست
سلمہ اللہ تعالی کتاب صحیفۃ الاعمال ذمرآۃ الاحوال مصنفہ اومشتی ہست از خرواری و سطری ست از طوماری
اسلام آباد نام چاٹگام مضاف ممالک بنگال ہست

ملا عبد الغفور لاہوری لقب او رضی الدین از عمدہ ترین تلامذہ مولانا عبد الرحمن جامی
قدس سرہ السامی بود حاشیہ فوائد ضیائیہ بمتانت تمام نوشتہ کہ تکملۂ آن ملا عبد الحکیم سیالکوٹی نمودہ است
در سن نہصد و دوازدہ ہجری جان بجان آفرین سپرد طاب اللہ ثراہ۔

شیخ عبد الغفور اعظم پوری از علمای مشاہیر وقت مرید شاہ عبد القدوس چشتی صاحب
کمالات صوری و معنوی بود در متابعت حضرت ختمی پناہ صلعم توفیق رفیق داشت اکثر اوقات
درس علوم دینیہ فرمودی بحسن صورت و خوبی سیرت سر آمد اہل زمان بود مرید گرفتی خلائق را وعظ
و نصیحت فرمودی در تصوف رسائل متعددہ نوشتہ چون عمرش بدایرۂ ابنا الثمانین عتقاء اللہ
قدم نہاد بسال نہصد و ہشتاد و پنج ہجری بدار البقا رحلت فرمودہ باعظم پور مدفون گشت اعظم اللہ
شانہ اعظم پور قصبہ ایست از توابع سنبھل

شیخ عبد الغنی بدایونی از علمای صوفیہ قدس اللہ اسرارہم در ترک دنیا ازہم وقت و در تجرید
شبلی روزگار بود باوائل کہ طلب علم در بدایون میکرد حال بر و غالب می آمد احیانا یکپاس کم و بیش
در عین سبق خوانی از شنیدن نغمہ بے شعوری ماند بالجملہ بنا بر بعضی علائق کہ سر راہ طالبان آگاہ میگردد
ے در راہ خدا کہ رہزنانند ۞ آن راہ زنان ہمین زنانند ۞ در طلب کفاف بدہلی رفت و بملازمت
تاتار خان حاکم آنجا کہ در لباس اہل جاہ از اہل اللہ بود رسید و ارادت بشیخ عبد العزیز دہلوی آورد
و تحصیل تمام کتب متعارفہ و متداولہ در خدمتش نمود و سالہا درس گفت بیکبارہ جذبۂ عنایت
ازلی گریبانگیر او شد و از ہمہ اشتغال بر آمدہ چندگاہ در خانقاہ شیخ خود در سلک درویشان

مرتاض انتظام یافته به مجاهدت در ریاضت اشتغال گرفته بعد از تحصیل کمال بیرون از آباد انے
بجانب قدمگاه حضرت رسالت پناه صلعم در مسجدی که مشهور بمسجد خان جهان است سکونت ورزیده
پیوسته باعتکاف مے گذرانید و با آنکه عیال بسیار داشت راه سلوک را بقدم توکل می سپرد چون در سن
یکهزار و سه هجری خانخانان بخدمتش رسیده التماس نصیحتی نمود فرمود که اتباع سنت محمد صلی الله
علیه وآله وسلم لازم گیر

مولوی عبدالغنی دہلوی ابن ابوسعید العمری بماه شعبان سال دوازده صد و سی و پنج
هجری در دهلی متولد شده اولاً حفظ قرآن مجید نمود بعد از والد خود مولوی شاه ابوسعید و مولوے
مخصوص الله ابن مولانا رفیع الدین دهلوی و مولوی محمد اسحاق دخترزاده مولانا عبدالعزیز و شیخ
محمد عابد سندی و شیخ ابوزاهد اسمعیل رومی اخذ علوم کرده بدرس حدیث مشغول گشت مرید و خلیفه
والد خود بود و ذیلے بر سنن ابن ماجه تالیف نموده نامش انجاح الحاجه است علاوه آن دیگر مؤلفات
دارد بعد بغاوت و تسلط انگریزان بدهلی بمکه معظمه رفته و از انجا بمدینه منوره رخت اقامت انداخت
همدران بقعه متبرکه بماه محرم سال دوازده صد و نود و شش هجری رحلت فرمود **قطعه تاریخ وفات**
شاه عبدالغنی وحید زمان ٭ نادش علم و عارف بالله ٭ سال نقلش شنیدم از هاتف ٭ بهترین محدثین ای آه ٭

مولوی سید عبدالفتاح گلشن آبادی ابن سید عبدالله حسینی از سادات نقویه ساکن
گلشن آباد عرف ناسک عالم با عمل فاضل اجل بخدمات موالی وقت مثل سید میان سورتی و مولوی
شاه عالم ساکن برودہ و مولوی بشارت الله کابلی و ملا عبدالقیوم کابلی و مفتی عبدالقادر تهانوی
خلیل الرحمن ساکن مصطفے آباد عرف رامپور دهلوی و مولوی فضل رسول بدایونی و مولوی محمد اکبر
کشمیری و معلم ابراهیم با علمه تحصیل علوم متعارفه و متداوله نموده در سن دوازده صد و شصت
و چهار هجری بعد امتحان سند افتا یافته در سال دوازده صد و هفتاد و یک هجری به منصب افتا ے
عدالت ضلع خاندیس ممتاز گشت و در سال دوازده صد و هشتاد و چهار هجری بمدرسه
الفنسٹن واقع بندر بمبئی مدرس عربی و فارسی شده اکنون از سرکار انگلشیه پنشن یافته بوطن
مالوف خود مقیم اند و نیز از سرکار سابق الذکر به خطاب جسٹس آف پیس و خان بهادر معزز
و مباهی است مدام بتدریس و موعظت و تالیف کتب مفیده اوقات عزیزش بسر مے برد

سلمہا اللہ تعالی مولوی سید نظام الدین و شیخ قطب الدین و قاضی سید بچو میان خان لیسی تلامذہ ویند
ویرا دو فرزند ارجمند ہستند مولوی سید امام الدین احمد و سید سراج الدین محمد رقاہما اللہ معارج العلوم
تصانیفہ الانیقہ - تحفۂ محمدیہ فی رد وہابیہ - تائید الحق - جامع الفتاوی در چہار جلد - خزینۃ العلوم در دو
جلد فارسی آموز دو حصہ - تشریح الحروف فارسی - خزینۂ دانش - کلید دانش فارسی - کلید دانش عربی
اشرف القوانین - مصادر الافعال - مجامع الاسما - تعلیم اللسان - تحفۃ المقال - اشرف الانشا
جغرافیہ عالم - باقیات الصالحات - دیوان اشرف الاشعار - رحمۃ للعالمین - تاریخ روم
تاریخ اولیا وغیرہ

مولوی شاہ عبد القادر بدایونی ابن مولوی شاہ معین الحق فضل رسول بدایونی ولادت
شان در ہفتم رجب سال دوازدہ صد و پنجاہ و سہ ہجری علی صاحبہا الصلوۃ والسلام وقوع
یافتہ مظہر حق نام تاریخی ولیست اللہم اجعل کاسمہ الشریف اکثر کتب درسیہ پیش مولوی نور احمد بدایونی
و بعض کتب ہیچو شروح سلم العلوم و شرح اشارات و محاکمات وغیرہ بخدمت مولانا فضل حق خیرآبادی
گذرانیدہ مشار الیہ بین الاقران گشت و بشرف بیعت و خلافت از والد خود سعادت اندوز گردید
و ہمراہی والد خود ہنگام زیارت حرمین شریفین زادہما اللہ تشریفاً بخدمت شیخ الفقہا والمحدثین مولانا
شیخ جمال عمر مکی اخذ حدیث فرمودہ بافادۂ علوم دینی و تالیف کتب دینیہ می پردازند
رسالہ احسن الکلام فی تحقیق عقائد الاسلام بزبان عربی و رسالہ سیف الاسلام المسلول علی المناع
بعمل المولد والقیام بزبان فارسی و رسالہ حقیقۃ الشفاعۃ علی اہل السنۃ والجماعۃ و شفاعۃ السایل
بتحقیق المسایل مشتمل بر جواب دو صد سوال در فقہ و عقاید و دیوان عربی در نعت شریف نبوی
صلعم کہ در اثنای راہ سفر مدینۂ طیبہ مشتمل بر ذکر آثار خیر الامصار مسنوح خاطر عاطر شدہ از تصانیف
شان مرغوب اہل العلم اند ما سوای مذکور الصدر دیگر کتب و رسائل زیر تالیف اند اللہم تممہا بالخیر
الغرض ذات جامع البرکات حضرت سابق الصفات از مغتنمات قرآن شمرہا اللہم زد فی معالیہ
و بارک فی ایامہ و لیالیہ خصوصاً امداد دیگر در تالیف این کتاب ہیچمدان از جناب ایشان بسیار ادای شکرش
آن بقول شخصی ؎ اگر ہر موی تن گردد زبانم ؛ ادای شکر او کی می توانم ؛ تا گزیر بدین فقرہ دعائیہ
ختم کلام می نمایم عمرہ اللہ الوقت بحیاتہ وافاض علینا بجمال حیاتہ

شیخ عبد القادر پٹنی ثم المکی بن شیخ ابو بکر مفتی مکه معظمه از احفاد شیخ محمد طاهر پٹنی فصیح و بلیغ و دانشمند جید و فقیه مستند بود اکتساب علوم از شیخ عبد الله انصاری مکی شافعی کرده از تصانیف شریفه او فتاوی در چهار جلد و مجموعة المنشآت مشهور است و در یازده صد و هشتاد و سه هجری رحلت فرموده

شاه عبد القادر اورنگ آبادی متخلص مهربان معروف به فخری اصلش از سادات نقویه نیشاپور است بعض اسلافش از آنجا به قصبه کنتور مضافات لکهنؤ آمدند و والد ماجدش شرف الدین خان به اورنگ آباد وارد شده قاضی بلده رونق گردید و در آنجا صاحب ترجمه در سال یازده صد و چهل و سه هجری متولد شده حفظ قرآن مجید و اکتساب علوم عقلیه و نقلیه کرده به تدریس می پرداخت و خرقه قادریه در بر داشت در شاعری شاگرد غلام علی آزاد بلگرامی بود تمام عمر شریفش در هدایت و ارشاد بسر کرد در اواخر صدی دوازدهم به مدراس رفت نواب والاجاه رئیس آن دیار به بزرگی و حسن عقیده بوی پیش آمده همانجا در سال دوازده صد و چهار هجری وفات یافته در خانقاه واقع قصبه میلاپور مضافات مدراس مدفون گردید

مولوی عبد القادر لکهنوی ابن شیخ سلطان از اولاد مولانا قطب الدین محدث ابن مولانا خضر محدث مردے بود بزرگ بغایت متقی از دنیا زیاده بقدر احتیاج اختیار نکردی و از محاصل چند قطعه مدد معاش که قریب موضع کسمنڈی پرگنه ملیح آباد بود صرف احتیاج خود و فقرا می ساخت چون در اصل فطرتش نشاء تقوی و ورع غالب بود مردانه قدم در ساحت کسب علوم گذاشت و جابجا خصوصاً به بلده لاهور تحصیل و تکمیل علوم نموده مکرم و مبجل شده بابرکت و کرامت بوطن مالوف لکهنؤ معاودت فرمودی در زمان خود بفضل و علم مشار الیه اقران بود عادت معهوده داشت که بعد نماز عشا تا که مردم بیدار بودندی می خسپید چون مردم می خفتند او برخاستی و تا بامداد بنماز و اشغال باطن مشغول بودی بعد نماز چاشت بتعلیم و افاده طلبه می پرداخت تا چهل سال به مسند درس و افاده جا داشت شیخ پیر محمد لکهنوی و اکثر علمای شهر و جوار از تلامذه وی اند صاحب ترجمه چهار خلف الصدق خود گذاشته رحلت فرمود سال رحلتش دریافت نشده غالباً در اواسط صدی یازدهم بوده باشد مرقدش به لکهنؤ بجوار خانقاه [illegible] برد الله مضجعه

مولوی عبد القادر [illegible] ابن مولوی ابو النصر محمد ادریس عبد الصمد بن مولوی ابو سعید

محمد محمود ندیم نواب مرشد آباد و الملقب بعاقبت محمود بن مولوی محمد کلیم خلیفه مرزا مظهر جانجانان قدس سره
ابن محمد رفیع بن محمد صالح بن عبدالکریم فاروقی مدنی ثم الہروی ثم الہندی الپنجابی السلہٹی کنیت وے
ابو محمد است علوم متعارفه بخدمت مولوی رمضان الله اکتساب کرده وی تلمیذ مولوی فضل الرحمن
قاضی القضات شاگرد مولوی غلام سبحان قاضی القضاة بنگال و وی شاگرد مولوی معظم الدین تلمیذ مولانا عبدالعلی
بحر العلوم بود صاحب ترجمه شام و پگاه خود بدرس علوم و تصانیف بسر می برد از جمله کتب مصنفه او که بنظر راقم الحروف
گذشته رساله رد المعقول در رد فرقه وہابیه و الفوائد القادریه فی شرح العقائد النسفیه و الجوامع القادریه
در عقائد اہل سنت و الدر الازہر فی شرح الفقه الاکبر مشهور اند سلمه الله تعالی

شیخ عبدالقادر احمد آبادی بن عبدالله العیدروس یمنی حضرموتی ہندی کنیت او ابو بکر لقبش
محی الدین بود در روز پنجشنبه بستم ربیع الاول سال نهصد و هفتاد و هشت هجری در احمد آباد گجرات
متولد شده بخدمت علمای وقت اکتساب علوم نموده دانشمند متبحر گشت و علوم عجیبه و فنون غریبه
بتصانیف و تالیف شائع کرد که از و یادگار ماند و بسال هزار و سی و هشت هجری در احمد آباد رحلت
فرمود **تصانیفه** الفتوحات القدسیه فی الخرقة العیدروسیه الحدائق الخضرة فی سیرة النبی و اصحاب
العشرة المنتخب المصطفا فی مولد المصطفی الدر الثمین فی بیان المهم من الدین اتحاف الحضرة العزیزه
بعیون السیرة الوجیزه المنهاج الی معرفة المعراج الانموذج اللطیف فی اہل بدر الشریف
اسباب النجاة و النجاح فی اذکار المساء و الصباح الحواشی الرشیقه علی العروة الوثیقه المنح الباری
بختم البخاری تعریف الاحیاء بفضائل الاحیاء العقد النبوی بفضائل الآل بغیة المستفید شرح تحفة المرید
النفحة العنبریه فی شرح بتیین العنبریه غایة القرب فی شرح نهایة المطلب اتحاف اخوان الصفا بشرح
تحفة الظرفا صدق الوفا بحق الاخاء النور السافر فی اخبار القرن العاشر و غیرها و غیرها

مولانا عبدالقادر دہلوی ابن مولانا شاه ولی الله محدث دہلوی در تفسیر و حدیث و فقه
شانی بلند داشت موضح القرآن ترجمه قرآن مجید بزبان اردو بکمال فصاحت تحریر فرمود که بر ماہران
محاوره اردو مخفی نیست نہم رجب سال دوازده صد و چهل و دو هجری رحلت فرمود

مولوی عبدالقادر سندیلی ابن مولوی شاه جمیل الدین بن مولوی اظہر علی ابن مولوی اصغر علی
بن مولوی محمد الله سندیلی نوزدہم محرم سال دوازده صد و سی و چهار هجری یوم پنجشنبه در قصبه سندیله

متولد شده از حافظ مولوی شوکت علی سندیلی و مولوی سید فقیہ اللہ سندیلی و مولوی عبد الحکیم فرنگی محلی و مولوی تمر العلی لکھنوی اکتساب علوم متعارفہ نموده فراغ علمی حاصل ساخت و در بید والد خود بود بمقامات ناگود وبہانسی وغیره بذریعہ نوکری تعلیم قیام داشت بسیاری از طلبہ از و مستفید شدند وا قع نوزدہم ذیحجہ سن دوازده صد و ہفتاد و دو ہجری وفات یافتہ قریب مزار والد خود پیش دروازه مدفون گشت

ملا عبد القادر بدایونی ابن ملوک شاه از اکابر بلده بدایون شاگرد شیخ مبارک ناگوری بفضل و کمال متصف بود بعد از ان اکبر شاه منسلک شده در محفل خلوت بار داشت اکثر بانتخاب و ترجمہ کتب ہندیہ مامور می شد کتاب راماین بفارسی ترجمہ کرده و تاریخ کشمیر منتخب نموده در تاریخ گوئی مهارتی وافر داشت کتاب منتخب التواریخ که آنرا تاریخ بدایونی نیز میگویند مرجع گوئی و فضل و کمال او دلیلی است واضح کتاب مذکور بتاریخ بست و سوم جمادی الثانی سال یکہزار و چهار ہجری اتمام پذیرفتہ تاریخ اتمامش صاحب ترجمہ چنین یافتہ **قطعہ** شکر للہ کہ باتمام رسید * منتخب از کرم ربانی * سال تاریخ ز دل جستم و گفت * انتخابی که ندارد ثانی * مراد از ثانی دو حرف اند یکی نون که ثانی حرف اول است و دوم یای مثناۂ تحتانی که ثانی حرف آخر است چون اعداد دو حرف مذکور که شصت اند از لفظ انتخابی خارج شوند سال اتمام کتاب بر می آید ترجمہ سنگاسن بتیسی موسوم بنامہ خرد افزا کہ از ان تاریخ ترجمہ بر می آید نیز از صناعت او است

شیخ عبد القدوس گنگوہی صاحب علم و عمل از اکابر علمای صوفیہ صافیہ مرید شیخ محمد بن شیخ عارف بن شیخ احمد عبد الحق ردولوی بود و اعتقاد کامل بروحانیت شیخ احمد عبد الحق ردولوی داشت کتاب انوار العیون قریب بہفت فن از تصانیف اوست در سال نہصد و چهل و پنج ہجری رحلت فرمود رضی اللہ عنہ

مولوی عبد القدوس فرنگی محلی پسر اکبر مفتی محمد یعقوب بن ملا عبد العزیز حافظ قرآن بود کتب معقول از پدر خود و کتب منقول از ملا محمد حسن تحصیل کرده جامع معقول و منقول شد و بہ تعلیم و تدریس مے پرداخت و از وفات پسر خود عبد السلام که استعداد خوب و خط مرغوب داشت رنجہا کشیده وفات یافت

ملا عبد الکریم کاکوروی ابن حافظ شہاب الدین ابن شیخ بهکهاری کاکوروی بعمر ہیژده سالگی

از کتب درسیہ فراغ یافتہ بطور سیاحت بدہلی رسید و بمزار فائض الانوار خواجہ قطب الدین او شے چندی مراقب بودہ بحلقہ خواجہ باقی باللہ قدس سرہ نیز نشستہ بکاکوری تشریف آوردہ عمر گرانمایہ بہدایت وارشاد خلائق واذکار باطنی بسر برد تاکہ برحمت حق پیوست سال وفاتش بدست نیامد

حاجی عبدالکریم لاہوری عالم باعمل و فاضل بی بدل مرید شیخ نظام الدین بلخی بود شرح فصوص الحکم فارسی و اسرار عجیبہ در بیان ذکر و شغل چشتیہ از تصانیف اوست در سال یکہزار و چہل و پنج ہجری

از ین جہان رحلت کرد علیہ الرحمۃ والغفران

ملا عبدالکریم پشاوری ابن ملا درویزہ پشاوری با خوند کریم داد شہرت داشت علوم ظاہری و باطن از والد ماجد خود اخذ کردہ محقق افغانستان گشت فاضل صوفی مشرب بود واز میر سید علی غواص خرقہ خلافت یافتہ وی صاحب شریعت و طریقت بود و کتاب مخزن الاسلام از تصانیف اوست از خوارق او منقول ہست کہ وی ہر شب یک جزو کاغذ سفید بحجرہ خودمی برد و بغیر روشنی چراغ وغیرہ تحریر فرمودہ علی الصباح بیاران خود میداد تا آنکہ کتاب مذکور باختتام رسید در سال ہزار و ہفتاد و دو ہجری وفات

یافتہ بعلاقہ یوسف زئے مدفون گشت

قاضی سید عبدالکریم رای بریلوی ابن سید محمد مقیم رئیس قدیم رای بریلی کہ جداد پیش قاضی محمد آصف صوفی نگرامی بود بحلیہ علم و عمل آراستہ و بصلاح و تقوی پیراستہ اول بخاندان نقشبندیہ با مولوی سید عبدالکریم چوراسی خلیفہ شاہ لال رای بریلوی بیعت نمودہ با شتغال و اذکار نقشبندیہ مستفیض شدہ بخدمت مولانا سید عبدالرحمن نزیل لکھنؤ حاضر شدہ اجازت و خلافت دیگر سلاسل چشتیہ و قادریہ و سہروردیہ و اویسیہ و قلندریہ حاصل کرد فیض تام برداشت و رسائل متعددہ تالیف فرمودہ کہ تفصیل آن در ذیل مذکور ست وسیلۃ النجاۃ فی احکام الاموات۔ الکلام المتین فی کشف اسرار الحق والیقین۔ رسالہ در بیان مراتب ولایت و خاتم آن۔ رسالہ در محاکمہ بحث وجود مطلق و وجود عام۔ رسالہ در فرق میان بروز و تناسخ بتاریخ بست و دوم رجب سال یکہزار و دو صد و چہل و ہشت ہجری در رای بریلی وفات یافتہ مدفون گشت نور اللہ مرقدہ

شیخ عبدالکریم سہارنپوری انصاری سہارنپوری مروی صاحب وجد و حال بود در جمیع علوم و فنون مہارت کامل داشت بتاریخ چہارم محرم سال ہزار و بست و چہار ہجری فوت شد عزیزی

شمع ارشاد حق تاریخ فوتش یافتہ مؤلف حین تالیف کتاب آنرا منظوم ساختہ وہو ہذا شیخ عبدالکریم
انصاری ؛ بود از خطۂ سہارنپور ؛ از محرم چو چاردہ بگذشت ؛ رخت بربست سوی رب غفور ؛
شمع ارشاد حق بگفت کسی ؛ سال نقل و رحال آن مبرور ؛

ملا عبداللطیف سلطانپوری از معلمان اورنگ زیب عالمگیر بادشاہ بود و در معقولات و منقولات مہارت تمام داشت سال یکہزار و سی و شش ہجری وفات یافت ع آفتاب علم را آمد کسوف ؛ مادہ تاریخ فوتش یافتہ اند۔

میر عبداللطیف قزوینی از سادات حسنی سیفی است در علوم عقلی و نقلی بہرہ تمام داشت و آبا عن جد سلسلہ ایشان تاریخی آمدہ چونکہ سادات سیفی ہمہ سنی متعصب بودہ اند لہذا شاہ طہماسپ فرمان روای ایران ضیاع و عقار ایشان را کشیدہ گرفت میر موصوف از ولایت عراق در سال نہصد و شصت و نہ ہجری متوجہ ہند شدہ سعادت خدمت اکبر شاہ دریافتہ بادشاہ پیش ایشان سبقی چند از دیوان حافظ و غیر آن خواندہ اند و از پنجم رجب سن نہصد و ہشتاد و یک ہجری در معمورہ جدید فتح پور سیکری بدار الخلد انتقال نمودہ بالاے قلعہ اجمیر در جوار میر سید حسین خنگ سوار مدفون گشت قاسم ارسلان فخر الیس تاریخ فوتش یافتہ

مولوی عبدالمجید بدایونی ابن مولوی عبدالحمید ابن مولوی محمد سعید ابن مولوی محمد شریف ابن مولوی محمد شفیع بدایونی بتاریخ بست و نہم رمضان سال یازدہ صد و ہفتاد و ہفت ہجری متولد شدہ ظہور اللہ نام تاریخی وی یافتند از صغر سن بخدمت مولانا محمد علی بدایونی تربیت یافتہ بر کمال ورع و تقوی و تعلم علم دین مجبول بود و اکثر کتب متداولہ مروجہ بخدمتش تحصیل نمودہ بعد وفاتش بقیہ کتب درسیہ بخدمت مولانا ذوالفقار علی ساکن قصبہ دیوہ مضاف لکھنؤ کہ تلمیذ مولانا نظام الدین ابن ملا قطب الدین سہالوی بودند تکمیل فرمود و بعد فراغ علی ہوادی طلب مرشد کامل پاے استقامت نہاد و بہر جا بتلاش شیخ کامل میرفت چونکہ اتباع شرع شریف در بسیاری از مشائخ وقت نمی یافت تنفری ازین طائفہ بخاطرش جا گرفت اما از آنجا کہ طالع بیدار داشت بخواب دید کہ در مجلس حضرت ہادی المضلین سید المرسلین صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم جناب محبوب سبحانی غوث صمدانی شیخ عبدالقادر جیلانی و مخدوم الانام کان نمک و گنج شکر شیخ فریدالدین و دیگر اولیاء اللہ قدس اللہ تعالی اسرارہم

حاضراند پس باشارہ حضرت رسالت پناہی صلعم جناب غوث الاعظم دست صاحب ترجمہ بدست
سید شاہ آل احمد مارہروی دادند چون وی رحمۃ اللہ علیہ بیدار شد راہ مارہرہ گرفتہ بخدمت پیر دستگیر
خود رسیدہ کمال ورع وتقوی واتباع شرع را بہم یافتہ شرف بیعت حاصل نمود وبخلافت ممتاز
گشت واز حضور پیر بلقب عین الحق مباہی شد زان بعد بعمر ہشتاد سالگی بزیارت حرمین شریفین
زادہما اللہ شرفا بہرہ اندوز گردید کتاب مواہب المنان شرح جواہر الرحمان کہ عبارت از
ملفوظات غوثیہ ہست ورسالہ رد روافض بزبان فارسی ورسالہ رد وہابیہ در ہندی ودیگر رسائل
از تصانیف شان اند ومنجملہ تلامذہ ارشدوی شاہ آل رسول مارہروی ومولوی افتخار الدین ہستند
صاحب ترجمہ علیہ الرحمۃ بتاریخ ہفتدہم محرم الحرام سال دوازدہ صد وشصت وسہ ہجری رحلت فرمودہ
علماے دیار وشعراے امصار قطعات تاریخ فوتش برشتہ نظم کشیدند ازان جملہ مفتی سعد اللہ مرادآبادی
آشفتہ تخلص چنین یافتند ؎ جناب مقدس شہ کاملین ٭ امام ہدی قبلۂ اہل دین ٭ بعلم وعمل یادگار سلف
زفیضش منور دل عارفان ٭ سر اولیا شاہ عبد المجید ٭ خدا لیش دہد جنت حور عین ٭ بماہ محرم شب
ہفتدہم ٭ بسوی جنان شد غریبت گزین ٭ رقم کردہ آشفتہ تاریخ آن ٭ کہ گردید واصل بخلد برین -

قاضی عبد المقتدر دہلوی ابن قاضی رکن الدین الشریحی الکندی الدہلوی خلیفہ شیخ
نصیر الدین محمود اودہی دانشمند فیاض ودرویش کامل واوستاد قاضی شہاب الدین ہست بغایت
فصیح وبلیغ بود قصائد وغزلیات دارد وقصیدۂ او کہ در معارضہ لامیۃ العجم بمدح آنحضرت صلعم گفتہ
دلالت دارد بر کمال فصاحت او واو وانجم درس می گفت وبافادۂ علم مشغول بود کہ طریقہ شیخ
نصیر الدین محمود اکثر خلفاے ایشان ہمین بود ووصیت او بطالبان اشتغال علم وحفظ شریعت بود
وگفتی فکر در یک مسئلہ شرعی فضل دارد بر ہزار رکعتی کہ منسوب بہ عجب وریا کنند گویند کہ وی اوان
طالب علمی پیش شیخ نصیر الدین محمود میرفت وبحث میکرد وشیخ او سادہ بجہای او را نیکو دوست داشتی
واو را تحریص کردی بر تحصیل علم تا انجام کار مرید شیخ شد ونعمت باطن را بافضیلت ظاہر مقرون گردانید
یکے از معتقدان ایشان کتابے نوشتہ ہست مسمی بہ مناقب الصدیقین دران می نویسد کہ روزے
قاضی شہاب الدین زری یافتہ بود بامادر خود گفت این زر را در جای گور کنم این بگفت ودر مجلس
قاضی عبد المقتدر رفت وے بجرد آنکہ نظر بر قاضی شہاب الدین افگند گفت شما کہ در گور کردن

زر بید باعلم کجا پروا نبید قاضی شہاب الدین بر گفتار خود متنبہ شد قاضی عبد المقتدر می گفت پیش من طالب علمی می آید کہ پوست او علم و مغز او علم و استخوان او علم است و ازین طالب علم قاضی شہاب الدین را می خواست بتاریخ بست و ششم محرم سال ہفتصد و نود و یک ہجری بعمر ہشتاد و ہشت سال وفات یافتہ قبرش بمقام خواجہ قطب الدین بختیار اوشی جانب جنوب حوض شمسی است نور اللہ مرقدہ

شیخ عبد النبی صدر الصدور گنگوہی بن شیخ احمد بن عبد القدوس گنگوہی چند مرتبہ بحرمین شریفین رفتہ علم حدیث را خواند و بعد از ان کہ بازگشتہ آمد از روش آبا و اجداد کرام خود سماع و غنا را منکر بود و بروش محدثین سلوک می نمود و بتقوی و طہارت و نزاہت و عبادت ظاہری اشتغال داشت پدرش در اباحت سماع رسالہ نوشتہ او نیز در انکار سماع رسالہ ساختہ لاجرم باعث ایذا و تکلیف بسیار شد و این باعث شہرت او گشت اکبر بادشاہ دران زمان صدری میخواست کہ بصفت علم و دیانت موصوف باشد بتوسط بعض وسائل او را در سال نہصد و یک صدر الصدور مقرر ساخت او بر عہدۂ خود کوس استقلال زد و وارد مال و جاہ و اعتبار زائد از انچہ گفتہ شود نصیب او گردید کہ در زمان ہیچ بادشاہی اینچنین صدری نگذشتہ و بادشاہ را چندگاہ نسبت او انچنان اعتقاد پیدا شدہ بود کہ کفش پیش پای او می نہاد آخر بوجہ مخالفت مخدوم الملک ملا عبد اللہ سلطانپوری و دیگر علما آن قضیہ منعکس شد و مزاج سلطانی بسبب بعضی حوادث از وی منحرف گشتہ در سال نہصد و ہشتاد و ششم از منصب صدارت معزول شدہ آخر بعد خرابی بسیار او را و ملا عبد اللہ سلطانپوری را کہ باہم مخالف بودند بصورت رفیق یکدیگر ساختہ بمکہ معظمہ فرستادند تاہم میان ہر دو رفع کدورت صورت نہ بست آخر بی صبری کردہ از مکہ معظمہ ہر دو بدیار ہند رجوع نمودند مولانا ملا عبد اللہ در دیار گجرات بسال نہصد و نود و یک ہجری وفات یافتہ و شیخ عبد النبی بدرگاہ بادشاہ آمد مدتی در بندی خانہ محبوس ماند و ہم دران حبس بسال نہصد و نود و دو ہجری رحلت کرد رسالہ بعبارت عربی در رد طعن امام قفال مروزی شافعی کہ بر امام ابوحنیفہ کردہ بود از تصانیف اوست

عبد النبی شطاری نامش عماد الدین محمد عارف العثمانی الصوفی الشطاری نسبۃً و خرقۃً الحنفی مذہبًا پیرو شرع و مرید شیخ عبد اللہ صوفی شطاری اکبرآبادی از علمای عظام صوفیہ کرام بود تصانیف رائقہ ازو یادگار ماند از انجملہ فواتح الانوار شرح لوائح الاسرار ملا جامی و لوائح شرح لوائح مختصر فواتح مذکور

ذریعۃ النجاۃ شرح المشکوٰۃ۔ شرح الفصوص۔ شرح ترجمہ فصوص۔ شوارق اللمعات فی شرح اللمعات
شرح خلاصۃ العشق۔ شرح جام جہان نما۔ شرح اللطیفۃ الغیبیہ۔ شرح نخبۃ الفکر۔ شرح آداب حنفی۔ شرح
معمای میر حسین۔ شرح جواہر خمسہ۔ شرح کلید مخازن۔ شرح تحفۃ حل الودود۔ فیض الخبیر شرح حاشیہ
سید شریف بر عضدی۔ رسالہ در تعریف فقر۔ رسالہ کشف الجواہر۔ رسالہ در اسم ذات۔ رسالہ
در شرح حدیث خیر الاسماء عبد اللہ و عبد الرحمٰن۔ رسالہ کنوز الاسرار فی اشعار الشطار۔ جوامع کلم الصوفی
مقامات العارفین۔ فتوحات المغیبہ۔ حدائق الانشاء۔ رسالہ ناسخ و منسوخ مسمی بدستور المفسرین
بحر الکرم شرح عین العلم۔ حاشیہ شرح جامی از بحث حال تا مجرورات۔ سواطع الالہام شرح تہذیب
الکلام۔ شرح حدیث الصلوٰۃ معراج المؤمنین۔ شرح حدیث کنت کنزاً مخفیا۔ دستور السعادۃ فی
بیان الولایۃ۔ فیض القدوس منتخب نقد النصوص۔ مطالع الانوار المخفی شرح اجوبۃ الولی جواہر الاسرار
شرح الفصوص الفارابی۔ فیض الملک المبین شرح حق الیقین۔ حاشیہ بر نقد النصوص۔
لوامع الانوار فی مناقب السادات الاطہار۔ رسالہ سماع۔ رسالہ در جواب اسولہ فاضل لاہوری
شرح جواب شیخ ابن سینا کہ بر مکتوب ابو الخیر مولانا ابو سعید نوشتہ۔ مواہب الٰہی شرح صول ابراہیم شاہی
شرح ارشاد النحو قاضی شہاب الدین۔ روح الارواح شرح حکمۃ اشراقیہ۔ رسالہ ایمان فرعون۔ رسالہ
خلوات الوجود۔ رسالہ ناسخ التناسخ۔ شرح حضرات خمس وغیرہا سال وفاتش دریافتہ نشدہ در خاتمہ
فواتح الانوار کہ بتاریخ ہشتم ذی حجہ یوم جمعہ سال ہزار و بست ہجری تصنیف نمودہ می نویسد قد وقع
الفراغ یوم الجمعۃ ثامن ثانی عشر من عشرین من حادی عشر من الہجرۃ تجاہ مرقد الشیخ الوالد الواقع ببلدۃ
آگرہ صانہا اللہ من جمیع مایکرہ و تاریخ اتمامہ انضال حق انتہی بلفظہ ازین عبارت زمانہ حیات صاحب
ترجمہ چنانکہ مذکور شد دریافت می شود واللہ اعلم بالصواب

ملا عبد النبی احمد نگری ابن قاضی عبد الرسول العثمانی الاحمد نگری گجراتی علامہ زمان یگانہ
دوران شاگرد و مرید شاہ وجیہ الدین علوی احمد آبادی بود بسیاری از تصانیف او بر صفحۂ روزگار یاد
از مرتبہ علمی وی می دہند ازانجملہ کتاب جامع الغموض منبع الفیوض شرح مبسوط کافیہ نحو بعبارت
فارسی است کہ در سال یازدہ صد و چہل و چہار ہجری بمقام احمد نگر مضافات ممالک گجرات دکن تالیف
نمودہ و نیز حاشیہ بر شرح تہذیب یزدی نوشتہ شکر اللہ سعیہ

شیخ عبدالواحد بلگرامی شاہدی تخلص صاحب فضائل و کمالات و ریاضت و عبادات بود و اخلاق مرضیہ و صفات رضیہ داشت نام پدرش ابراہیم بن خطیب بود وطن اصلی وی بلگرام است مگر بعض اجدادش بقصبہ باڑی قیام ورزیدند او بہ بلگرام آمدہ رخت اقامت انداخت نسبت ارادتش بہ سید حسین سکندرہ میرسد مصنفات در حقائق و معارف دارد از ان جملہ حقائق ہندی و حل شبہات و شرح کافیہ تا بحث غیر منصرف کہ آنرا عقود معانی تصوف کشیدہ و شرح نزہۃ الارواح و سبع سنابل در تصوف اند اکبر شاہ وی را بتعظیم تمام طلبید زینی در سیر غلال مرحمت فرمود مؤلف نفائس المآثر ویرا از اکابر قنوج شمردہ ہمانا کہ بلگرام سرکار قنوج بود از منظوماتش مناظرہ انبہ و خربزہ باہل مذاق شیرینی و چاشنی میدہد عمرش از صد متجاوز شدہ وفاتش بشب جمعہ سوم رمضان سال یکہزار و ہفدہ ہجری در بلگرام وقوع یافتہ ہمانجا مدفون گردید عزیزی تاریخ فوتش چنین یافتہ ؎ چو رفت واحد صوری و معنوی گفتم ؞ ہزار و ہفدہ شب جمعہ ماہ صوم سوم ؞ مصرعہ ثانی تاریخ صوری و معنوی است بیانش آنکہ بست عدد کہ بحساب جمل در مصرعہ ثانی زاید می شود آنرا بلطافت تخرجہ کردہ یعنی واحد صوری کہ عددش نوزدہ است و واحد معنوی کہ یکی است مجموعہ آن بست شد آنرا خارج کردہ یکہزار و ہفدہ کہ سال وفاتش بود باقی ماند

میر عبدالواحد بلگرامی واحد و ذوقی تخلص داشت شعر بزبان ہندی و فارسی می گفت کتاب شکرستان خیال مشتمل بر نظم و نثر در وصف حلویات بدستور دیوان مرتب کردہ دوم محرم یازدہ صد و سی و چہار ہجری روز جمعہ در معرکہ زمینداران لاہور بقتل رسید

مولوی عبدالواحد فرنگی محلی پسر کلان مولوی عبدالاعلی بن مولانا عبدالعلی بحر العلوم اولاً بخدمت ملا ازہار الحق فرنگی محلی تحصیل علوم کردہ بقیہ کتب درسیہ پیش جد خود در مدراس گذرانیدہ فراغ حاصل نمودہ بارادہ حصول منصب قضا و افتا بہ کلکتہ رفتہ با ہارنگٹن حاکم عدالت بنگال ملاقی شد مگر حصول مرام صورت نہ بست بعد فتح دہلی مفتی ضلع روہتک بمشاہرہ دو صد و پنجاہ روپیہ بسفارش حاکم مذکور مقرر گردید و از انجا تبدیل شدہ بپانی پت رفت و بعد چندی حلت کرد

مولوی عبدالواجد خیر آبادی شاگرد و ہمشیر زادہ مولوی محمد اعلم سندیلی بود و از تلامذہ و مولوی فضل امام خیر آبادی صدر الصدور دہلی بسن تا مور شدہ رحمۃ اللہ علیہما مولوی عالم العالم مرحوم خیر آبادی شارح قصیدہ بردہ از احفاد امجادش ہم سبق مؤلف اوراق بدقت طبع و حدت ذہن

مشارالیہ اقران بود غفر اللہ لہٗ۔

مولوی عبدالواجد فرنگی محلی پسر خرد مولوی عبدالاعلی ابن مولانا عبدالعلی بحرالعلوم در صغر سن بخدمت جد خود بمدراس رفتہ مختصرات از عم خود مولوی عبدالرب ومتوسطات از دیگران ومطولات بخدمت جد خود مولانا عبدالعلی تحصیل نمودہ بہ لکھنؤ آمد وی و عم خردش مولوی عبدالرب در لکھنؤ بودند کہ مولانا عبدالعلی بحرالعلوم بمدراس رحلت فرمود خبر وفاتش یافتہ مولوی عبدالواجد و عمش مولوی عبدالرب بمدراس رفتند و مستدعی جای مولانا مرحوم شدند چون مولوی علاء الدین پیش ازین بجایش مقرر شدہ بود عزل وی رئیس وقت مناسب ندانست بدین وجہ مدرسہ خاص کہ مملوک مولانا مرحوم بود بہ مولوی عبدالرب پسر مولانا مرحوم داد و مولوی علاء الدین راجای دیگر دادہ مشاہرہ مولانا مرحوم نصف بمولوی عبدالرب و نصف بہ مولوی علاء الدین مقرر ساخت مولوی عبدالرب برادر زادہ خود یعنی مولوی عبدالواجد را قائم مقام خود کردہ کنارہ کش گشت ازان وقت مولوی عبدالواجد مدرس مدرسہ مولانا مرحوم نیابۃً گردید و لا ولد درگذشت

حاجی عبدالولی طرخانی کشمیری دانشمند کامل و محدث بود اصل وطن خود طرخان بود واقع ترکستان بحرمین شریفین رفتہ و باداء مناسک حج مشرف شدہ در مدرسہ دارالشفا از شیخ ابوالحسن سندھی اجازت حدیث و تفسیر حاصل کردہ بکشمیر قدوم آورد و تتمۃ الحواشی ملا کوسج تحفۃً بخدمت شیخ الاسلام مولانا قوام الدین محمد گذرانید و اجازت کتب حدیث و تفسیر بوی دادہ مدتی بمکان او مقیم ماند آخر الامر از دست ظلمہ بسال یازدہ صد و ہفتاد و یک ہجری شربت شہادت چشید

مولوی عبدالوالی فرنگی محلی ابن محمد ابوالکرم ابن مفتی محمد یعقوب بعد تکمیل تحصیل علوم بیعت از جد مادری خود ملا انوار الحق نمودہ خلیفہ برحق و مجاز مطلق از و گشت و جملہ عمر عزیزش بیاد الٰہی و عبادات و ریاضات بسر برد و بشب بست و دوم شعبان سال دوازدہ صد و ہفتاد و نہ ہجری بعمر نود سالگی بجوار رحمت الٰہی پیوست مولوی عبدالباسط در کنت کنزاً مخفیاً تاریخ وفاتش یافتہ

مولوی عبدالوحید فرنگی محلی ابن مولوی عبدالاحد پسر کلان مولوی عبدالاعلی بن مولوی عبدالعلی بحرالعلوم کتب درسیہ بخدمت مولوی قدرت علی و مولوی سراج الحق و مولوی ولی اللہ و عم خود مولوی عبدالواجد ساکن فرنگی محل تحصیل کردہ بتاریخ پنجم شعبان سال دوازدہ صد و نہ ہجری لا ولد وفات یافت

حاجی سید عبدالوہاب بخاری از اولاد سید جلال بخاری بزرگ است که جد سید جلال الدین مخدوم جہانیان بود سید جلال مذکور را دو پسر بودند یکے سید احمد دیگر سید محمود مخدوم جہانیان پسر سید محمود است و حاجی عبدالوہاب از اولاد سید احمد است وی رحمۃ اللہ علیہ بزرگ بود موصوف بعلم و عمل و حال و محبت در اوایل حال که ہنوز در ملتان که وطن داشت روزی در خدمت پیر و استاد و جد خود سید صدرالدین بخاری نشسته بود از وی شنید که بسا گفت دو نعمت در عالم بالفعل موجود اند که فوق جمیع نعمتہا است ولیکن مردم قدر آن دو نعمت نمی شناسند و بدان پی نمی برند و از تحصیل آن غافل اند یکے آنکه وجود مبارک سید ما محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بصفت حیات در مدینه موجود است و مردم این سعادت را نمی یابند و دیگر قرآن مجید که کلام پروردگار است وی سبحانه تعالی بواسطه بیان متکلم و خلق از آن غافل اند سید عبدالوہاب بمجرد شنیدن این کلام آتش شوقش برپا شد و رخصت زیارت مدینه درخواست و براه خشکی بزیارت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم شتافت و این سعادت را دریافته باز بوطن اصلی خود عود نمود بعد از آن بتقریب بعضی سوانح روزگار در عهد دولت سلطان سکندر لودی بدہلی آمد سلطان سکندر لودی اعتقاد عظیم پیدا شد و آنچه از شرائط تعظیم و تبجیل بود رعایت نمود و بار دیگر از دہلی قصد زیارت حرمین شریفین کرد و مکرر باین سعادت عظمی رسید و به بشارتہا حضرت خاتم الرسل صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم اشارت یافته باز بدہلی عود فرمود و بنای تفسیر بست که اکثر قرآن مجید بلکه تمام آنرا ارجاع بنسبت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم و ذکر او کرده و بسیاری از دقائق عشق و اسرار محبت دران درج کرده است غالباً وقوع آن در غلبهٔ حال و استغراق وقت بوده باشد نقلی چند از وی شیخ المحدثین دہلوی در اخبار الاخیار انتخاباً درج فرموده و آغاز تصنیف تفسیر مذکور شہر ربیع الثانی سال نہصد و پانزده ہجری و اتمام آن بروز دوشنبه تاریخ بستم ماه شوال سال مذکور بظہور پیوسته وی رحمۃ اللہ علیہ در سال نہصد و سی و دو ہجری وفات یافته که عدد عبارت شیخ حاجی موافق آنست و مقبرهٔ وے در جوار مقبرهٔ شاه عبداللہ در دہلی است و او را با شاه عبداللہ بحالت حیات نسبت محبت و نیاز بسیار بود که آنچه میگویند که فنا فی الشیخ می باشد این چنین خواهد بود

شیخ عبدالوہاب منور آبادی ابن میر ہاشم عالم عامل و فقیه کامل متورع و متقی بود تمام عمر شریف بذکر قال اللہ و قال الرسول بسر کرده بعمر ہشتاد سالگی در سن یازده صد و پنجاه و دو ہجری رحلت فرمود (۲۹)

شیخ عبدالوہاب قنوجی المخاطب بنواب سعد خان بہادر ساکن محلہ راجگیر محلات بلدہ قنوج فاضل جلیل و عالم نبیل در علوم متعارفه ید طولی داشت تصانیف مفیده بالعلوم در سینه دارد از انجمله استفتاح الفقه و نخبة المذاهب در علم کلام و کتاب الصدره در عقائد نشان می دهند

سید عبدالوہاب بالوری ابن سید عبدالمجید گویند دریای علم وہبی بود بمطالعه کتب و تدریس علم اشتغال داشت در سال نهصد و شصت و پنج هجری وفات یافت در بالوره مدفون گشت

شیخ عبدالوہاب متقی ابن شیخ ولی الله مندوی بپانزده سالگی در عنفوان سن والدین شان درگذشتند از همان زمان قائد توفیق الهی رفیق حال ایشان شده در طلب حق براه فقر و تجرید مسافرت و سیر عالم کشید غالب سیر ایشان در نواحی گجرات و اکناف ولایت دکن و سیلان و سرندیپ بود و زیاده از سه روز در هیچ مقام اقامت نمی کرد مگر در بعضی بلاد که بجهت تحصیل علم و تقریب صحبت مشایخ و علما مقبل را استیفای غرض و انقراض حاجت اختیار اقامت ضرورت می افتاد در عنفوان شباب ماه جمادی الاولی سنه نهصد و شصت و سه هجری بمکه معظمه آمد شیخ علی متقی با استماع خبر آمدنش بسابقه تعارف که با والد ماجد شان داشت پیش ایشان آمد و مہربانیہا کردند و استدعای صحبت نمودند وی رحمة الله علیه بمقتضای استغنای ذاتی اول گفت ان شاء الله بینهم تا نصیب چیست در آخر بمشاهده فضل و کمال شیخ متوجه صحبت نمودند و بکتابت تالیفات شیخ و تصحیح و مقابله آنها مشغول شدند تا دوازده سال بمصاحبت شیخ در فقه و حدیث وغیره علوم شرعیه مهارت کامل حاصل کرده از کاملین اولیاء الله شدند بعد وفات شیخ تا سی و شش سال بمکه معظمه نشر علوم ظاهر و باطن میکردند در ایام اقامت حج فوت نشد شیخ عبدالحق دهلوی بمکه معظمه از ایشان سند حدیث حاصل کرده مرید شان شدند وی رحمة الله علیه سنه الف هزار و یک هجری ازین دار فانی بعالم جاودانی شتافت مندو سابق دار الخلافه سلاطین مالوه بود و اکنون زیر حکومت ریاست دهار است و بمانڈوگڈه مشهور است

شیخ عزیز الله تلنبی صاحب ارشاد و ہدایت داشته در عهد سلطان سکندر لودی از ملتان در سنبھل آمده رخت اقامت انداخت طبعی فیاض و استحضاری غریب داشت که هر علم متعلقین هر طلبه کتابی مشکل متنها را که می خواندند بی مطالعه درس می گفت و میگویند بارها امتحان پیش آمده که هیچ سوالی لا مرفوع آورده اند در شیخ آنزا در وقت افاده متاعل ساخته میان حاتم سنبھلی از ارشد تلامذه او بود

از و تصانیف رایقه مشهوره اند از انجمله رساله عینیه ست که بمقابله رساله غیریه شیخ امان الله پانی پتی نوشته در سن نهصد و هفتاد و پنج هجری رخت هستی ازینجهان بعالم جاودان برد انا لله و انا الیه راجعون

تلنبه بضم تای مثناة فوقانی و فتح لام و سکون نون و فتح بای موحده با آخرهای هوز شهری است قریب ملتان

مولوی عسکر علی سندیلی خلف اکبر مولوی حمد الله سندیلی از والد ماجد خود تحصیل علوم نموده فراغ حاصل کرد بتوسل وی باریاب بارگاه شاه دهلی شد و از دربار شاهی بخطاب خیر الله خان مباهی گردید و چند مواضع بجاگیر یافته بنا بر تعمیر مدرسه مامور شد و تعمیر مدرسه مذکور حسب الحکم شاهی باهتمام نواب ابو المنصور خان صوبه دار اوده در سن یازده صد و چهل و شش هجری باتمام رسیده بمدرسه منصوریه شهرت یافته و تاریخ تعمیرش در لفظ خیر المدارس بمناسبت خیر الله خان یافته اند بهردران مدرسه بدرس و افاده طلبه مشغول بود که باواخر صدی دوازدهم ازین جهان فانی بعالم جاودانی رخت هستی بربست علیه الرحمة والغفران

ملا عصمة الله سهارنپوری از مشاهیر علمای هندوستان ست اگرچه بظاهر بینائی نداشت اما در باطن چشم بصیرتش روشن بود تمام عمر خود در خدمت علم و تدریس بسر کرده تصانیف رائقه دارد از انجمله شرح خلاصة الحساب و حاشیه فوائد ضیائیه یعنی شرح ملای جامی است در سن هزار و سی و نه هجری برحمت حق پیوست

مولوی عصمت الله لکهنوی خلف اکبر مولوی عبد القادر و مرید شیخ پیر محمد سلونے وی حافظ قرآن و عالم علوم غریبه بود و در علم و عمل از برادران خود فوقیت داشت لباس سپاهانه را شعار و حال خود ساخته بصورت اغنیا در صحبت بادشاه وقت مستور بود دوم رجب سال یکهزار و یکصد و سیزده هجری شب شنبه براه دکن در موضع بهنده وفات یافته و هفتدهم شوال سن مذکور بروز جمعه در موضع ... اتوه متصل بلده لکهنو مدفون کردندش خلد الله دار النعیم تاریخ رحلت ولیست

مولانا علاء الدین نیلی از علماے اوده بود روشنی پاکیزه و صفای تمام داشت پیش مولانا فرید الدین شافعی که شیخ الاسلام اوده بود تفسیر کشاف می خواند و مولانا شمس الدین یحیی اودهی و دیگر علمای اوده جامع بود تمدنی علما داشت اما باوصاف تصوف موصوف بودی اگرچه از سلطان المشائخ نظام الدین اولیا مجاز مطلق بود اما یک مرید هم نگرفت او را بخدمت پیر خود غایت محبت بود

قبرش در دہلی نزدیک چبوترہ یارانست رحمۃ اللہ علیہ

ملا علاء الدین لاہوری پسر شیخ منصور لاہوری از دانشمندان مشہور و مدرس است مدتے در صحبت خانخانان معزز و مکرم بود چون بملازمت محمد اکبر شاہ رسید نیز خیلی عتبار یافت و ہر چند تکلیف سپاہگری نمودند قبول نکردہ بدرس و افادہ مشغول ماند و ہر چہ از جاگیر حاصل می شد ہمہ صرف طلبہ می کرد و حاشیہ مشہورہ بر شرح عقاید از تصنیفات معتبرۂ اوست بزیارت حج مشرف شدہ ہمانجا

داعی اجل را لبیک اجابت گفتہ جان بجان آفرین سپرد

ملا علاء الدین فرنگی محلی برادر عینی ملا نور الحق ابن ملا احمد انوار الحق بن ملا احمد عبد الحق تحصیل علم چندے بخدمت ملا محمد مبین فرنگی محلی نمودہ نزان بعد از عم خود ملا احمد ازہار الحق در بانس بریلی افادہ برداشتہ ہنگامیکہ ملا عبد العلی بحر العلوم در بہار بمدرسہ منشی صدر الدین مدرس بود بہمراہی عم خود ملا ازہار الحق در آنجا رفتہ فاتحہ فراغ خواندہ بوطن مراجعت نمود و از والد خود بیعت حاصل کردہ باشتغال باطن می کوشید و اندکی درس و تدریس نیز می کرد چون مولانا عبد العلی بحر العلوم بمدراس رفت وی ہم در انجا بخدمتش پیوست و تا حیات مولانا در حضرتش تکمیل علوم می نمود بعد وفات مولانا بوجہ وا دلیش بسرکار نواب مدراس مدرس مقرر گشت و بخطاب ملک العلماء ممتاز گردید از تصانیف او شرح فصول اکبری است دہم شوال سال دوازدہ صد و چہل و دو ہجری در مدراس وفات یافتہ آنجا مدفون گشت

مولانا علاء الدین لاری صاحب حاشیہ بر عقاید نسفی از پیش خانزمان باگرہ آمدہ اشتغال بدرس علوم نمود و مدرسہ از خس ساخت و مدرسہ خس تاریخ آن یافتند و در سال نہصد و شصت و نہ ہجری بحج رفتہ دہمدران سفر رخت سفر آخرت بربست رحمۃ اللہ علیہ

مولوی علی اصغر قنوجی ابن مولوی عبد الصمد از اکابر علمای قنوج در سال ہزار و پنجاہ و یک ہجری متولد شدہ از ملا محمد قنوجی و ملا عصمۃ اللہ سہارنپوری مختصرات و متوسطات و مطولات خواندہ فاتحہ فراغ بخدمت ملا محمد زمان کاکوروی خواند جامع علوم عقلیہ و نقلیہ و امام تصوف و سلوک مرید و خلیفہ شاہ پیر محمد لکھنوی بود تا شصت سال عمر شریف خود بتدریس طلبہ گذرانیدہ جم غفیر از علما و فضلا زیر دامن تربیتش بمرتبۂ فضیلت رسیدند تصانیف ذیل از و یادگار اند اللطائف العلیہ فی المعارف الالہیہ۔ بتصرۃ المدارج در سلوک۔ القصیدۃ المہیمیۃ فی النفحۃ المحمدیۃ۔ شرح قصیدہ

تذکرة النفائس العلیه فی کشف اسرار المیمیه تفسیر ثواقب التنزیل که در اختصار و ایجاز هم پله جلالین است
و در علوم ادبیه و مسائل شرعیه بر کشاف و بیضاوی تفوق میخواهد شرح فصوص الحکم وے بسال یازده صد
و چهل هجری رحلت فرمود غلام علی آزاد بلگرامی تاریخ وفاتش بنظم آورده ـه مولوی زمان علی اصغر

از وفاتش کمال شد معدوم ٭ سال تاریخ او نوشت خرد ٭ شد نهان آفتاب صبح علوم

قاضی علی اکبر چریاکوٹی ابن قاضی عطار رسول بن قاضی غلام مخدوم عباسی در سال بست و پنجم
صدی سیزدهم متولد شده هرچند سلسله تحصیل وار از اوستاد باتمام نرسیده و سرمایه اکتسابش از فوائد ضیائیه
جامی متجاوز نگردیده مگر از انجا که جودت ذهن و قوت حافظه اش آیتے بود از آیات الٰهی و موجی بود از بحر
فیض نامتناهی بذکر بعض حالاتش می پردازم و آیه کریمه ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء ورد زبان
مے سازم والد ماجدش قاضی عطار رسول گو صاحب علم و استعداد بود و در فرائض و فقه مهارتے معتد به
داشت مگر چونکه از حکومت انگلشیه گاهی بمنصب منصفی و گاهی بعهدۂ تحصیلداری مامور بوده در تعلیم صاحب
ترجمه علیه الرحمه نظر توجه نمی گماشت وی بشوق جبلی خود که از مبدأ فیاض بدلش ودیعت بود کتاب گلستان
از اوستاد باتمام رسانید آنگاه استعدادے و قوتے فراهم آورد که بدان جمله کتب متداوله فارسی را
بے مدد اوستاد حل میکرد بعد ازان بتحصیل صرف و نحو عربی پرداخت و از مقامات مختلفه مختصرات
ابتدائی را حاصل کرده بنا بر قوت مطالعه استوار ساخت از همسالانش منقول هست که او را هنگام
تحصیل به بذل جهد مشغول ندیدیم مگر جواب هر سوال از وے بے تامل می شنیدیم کتاب کافیه بحشی بدستش
افتاد شبها بمطالعه آن سپری کرد تا آنکه کتاب مذکور را بزور حواشی باتمام رسانید پیشتر آن فوائد ضیائیه
از مولوی احمد علی چریاکوٹی که رابطه مصاهرت نیز بوے داشت قریب چهل سبق ازان کتاب آموخت
و باقی را بمطالعه خود بآخر رسانید همچنین از جاهای عدیده نبذی از منطق و کلام خوانده باین قلت
تحصیل استعداد سخن فهمی را بمرتبه رسانید که مسائل دقیقه فلسفه و کلام از شرح مواقف و صدرا
وغیره می گرفت و از راے نادره راے خود داد تحقیقات انیقه میداد و گره از معضلات فن می کشاد
هر بحثے که می گرفت گاہے از دست نمی داد و هر کتابیکه یکبار از ابتدا تا انتها مطالعه کردے
در هیچ باب بعد ازان حاجت بمراجعت نمی افتاد منقول هست که روزی صاحب ترجمه با اوستاد
و مولائے مشهور مولانا محمد شکور مغفور مچھلی شهرے در بحث جوهر فرد بمناظره درآمد مولائے ممدوح

بابطال ترکیب اجسام از امثال این اجزا در گفتگو بکشاد و وی از جانب متکلمان ساحت سنگ منع و
مناقضه درراه می نهاد بالجمله تا ہفته درین باب مکالمه فیمابین جاری ماند گفتگوی طرفین بطوالت
کشید در انجام کار مولای ممدوح لب به تحسین وی کشاد و داد جوہر شناسی داد که در مسئلهٔ مختلف فیها که
بجانب منع آن تسلیم دلیلی نمود تقریر ایجابی رسانید که متاخرین متکلمین از ان اغماض کرده اند - قاضی
مشار الیه صاحب ثروت و مال و ہم مطرح انظار عز و وقار حکام انگلشیه بود بایام غدر ہندوستان
بصلهٔ خیر سگالی از سرکار انگریزی وظیفهٔ انعام و منشور برات اخذ اسلحه بدست آورده با اینهمه همیشه
تحصیل کمال را می پسندید و حصول جاه و منال را بدیدهٔ اعتماد و طلب نمی دید و بفرزندان خود مولوی
عنایت رسول و مولوی محمد فاروق که ہر یکی از ان مرات کمال پیدا اند تاکید تحصیل علم و ہنری فرمود
و گاہی بتحریص اکتساب سیم و زر نمی نمود به تصانیف و تالیف رغبتی نداشت دو رساله از مصنفاتش
موجود اند یکے در رد بعض مزعومات اہل فرنگ یعنی مسئلهٔ جذب و انجذاب دوم در رد بعض اعتراضات
شیعه وی در بسال ہشتاد و سوم از صدی سیزدہم رحلت فرمود اوصله الله سبحانه الی اعلی علیین
مولوی علی احمد
دختر زاده حافظ شاه ابو اسحاق سجاده نشین آستانهٔ بجیراضلع اعظم گڈه در ورع و زہد
چون جد خود یگانهٔ روزگار است ولادت باسعادت وی در سال دوازده صد و بست و نه ہجری
بظهور پیوسته اکثر کتب درسیه از فاضل ادیب مولوی محمد سلیم مچهلی شهری مرحوم آموخته و سندی از ان
از مولوی احمد علی عباسی چریاکوتی رحمة الله علیه گرفته فاضلے قوی الحفظ و الادراک از ثقات آن دیار است
مولوی محمد فاروق عباسی چریاکوتی سلمه الله در مراسله مداد زیب رقم فرموده که راقم سطور بیش از سی
سال بخدمت سراپا برکتش طرف سعادت می بندد و تا ایندم کلامیکه وال بر ذم کسی باشد از زبانش
نشنید و مجلسش را گاہی خالی از ذکر الٰہی ندید تا این زمان به صلاح حال و محمودیت السنه رجال
و به التزام و مداومت محاسن اعمال مقرون است ادام الله برکاته
مولوی علی بخش خان بدایونی
از عمائد علما و روسای بلدهٔ بدایون است تلمذ بخدمت مولوی
فیض احمد بدایونی و شرف بیعت بخدمت مولوی شاه عبد الحمید عین الحق بدایونی داشت با وجود
تعلق منصب صدر الصدوری که از سرکار انگریزی بدان مباہی بود در تعلیم طلبه و تالیف کتب
دینیه مشغول می ماند رساله شهاب ثاقب رساله تائید الاسلام در رد فرقه نیچریه رساله در رد مذہب شیعه

از تالیف وی مطبوع شدہ شائع و مطبوع طبع حق پسندان اند بقیہ تالیف مفیدہ اش ہنوز زیر طبع نرسیدند در سال سیزدہ صد و سہ ہجری رحلت فرمودہ بعالم جاودانی شتافت علیہ الرحمۃ والرضوان ۔

مولوی علی عباس چریاکوٹی ابن شیخ امام علی ابن شیخ غلام حسین ابن شیخ سعد اللہ برادر زادہ مولوی احمد علی عباسی است و از جانب مادر بفاضل باب اللہ جونپوری می پیوندد از افاضل دہر و اذکیای عصر بود کتاب بیبندی از مولوی ابو الحسن منطقی گرفتہ و بقیہ کتب درسیہ از عم بکرم ممدوح الصدر آموختہ قوت حافظہ اش بغایت عتیق بود و ذہن و فطنتش برتبہ اعلی انیق بالجملہ این فاضل جلیل المنازل ہم ذکا جودت داشت و ہم فطانت حدت لاجرم در عہد تحصیل بمناظرہ و جدل مدام بر حریف پیچیدہ و در میزان بحث کسی باو برابر نمی سنجید ہر کتابی کہ میخواند با استاد مجارات فرس مناظرت میراند تا آنکہ تحصیلش بترتیب نظامی چون بحواشی زاہدیہ متعلقہ رسالہ قطبیہ رسید استعدادش بمطالعہ کتاب و تنقید مضامین ہر باب تام و کامل گردید پس دست از تحصیل باز کشید و بمطالعہ کتب قدما و ہم متاخرین ہمچندی کہ بشب و روز می کشید و شغلش بروز میرسید در چند سال بجودت حافظہ و حسن فطانت بمسائل اکثر کتب درسیہ و غیر درسیہ حاوی گشتہ و از کتب مشہورہ کمتر بود کہ از نگاہش نگذشتہ اکثر کتب درسیہ را بی مراجعت بحواشی طالبان را محققانہ می آموخت ہرگاہ بر مسائل درس نظامیہ واقف گردید عنان عزیمت بسوی تکمیل ادب و حفظ لغات عرب گردانید تا آنکہ برادای مضامین ہم نظم و ہم نثر حظی وافی بدست آورد و اکثر مسائل منطقیہ و نحویہ را منظوم کرد بحث و جدل بطبیعتش غالب بود و ہر سخنی کہ بر زبان آوردی ہر چند در آن بسر خطا بودی اگر خصم را بزور جدال ساکت کردی روزی در مثال جثت زید الفظ جثت را فعل متعدی و زید را مفعول بہ فرمودہ یکے از اذکیای محصلین در آن باب با او راہ مخالفت پیمودہ و دیگر معاصران ہم با محصل مذکور موافقت کردند تا آنکہ سلسلہ جدل درازی کشید و بعد اختتام جہد زبان نوبت تکمیل کلک بیان رسید پس مولوی ممدوح در آن باب رسالہ ترتیب ساخت آنگاہ کسے از محصلان بہ تحریر جوابش نپرداخت و مولوی ممدوح در قضیہ شرطیہ کہ انقسامش بتقسیم غیر حاصر متصلہ و منفصلہ مشہور است قسمی جدید پدید آورد و نامش شرطیہ عباسیہ کرد و مثال قام زید ثم قعد عمرو فرمودہ بالجملہ فاضل ممدوح بقوت نقادۂ خود مسائل ہر علم را بمیزان نظر مے سنجید و بتحقیق نفس الامر حکیمانہ می کوشید چنانچہ نقض و احکام او در مسائل متداولہ بسیار اند این مختصر

ذکر آمرا بر تنا بدو از فنون متداوله در فن تواریخ و سیر کامل بود و بفن ادب و انشاء نظم و نثر بطور عرب
هم مهارتی معتد به داشت و از علوم دیگر هم بے بهره نبود در اوائل حال برسم سیاحت به حیدرآباد دکن
رفته و بمدح امرای دولت قصائد غرا انشا کرده از کم حظی بر نداشت و طرفی نه بست از انجا واپس آمده
قصیده مشتمل بر هجو آن مرز و بوم بقلم آورده و این شعر از همان قصیده است ؎ من حیدرآباد ابهرین
والقمر فیها فواد اولی المکارم یصدع ؛ بعد ازان بریاست بهوپال شتافته در انجا بانعامات نواب سکندر بیگم
والیه ریاست جائزه ها برداشته و سالی چند در انجا اقامت داشت بسببے برخیا بدکر بمخالفت بعضی
ارکان آن دولت بوطن باز آمد و روزگارے چند در وطن به بیکاری بسر برد از انجا که شهره
کمالش آفتاب وار بر جهانی تافته والی حیدرآباد بمشاورت ارباب دولت او را بعزت و جلالت
تمام بخواند و بمنصب دیوانگاه بالندش نشانده روزی چند بعمل منصبی خود مقیم بوده بعد ازان ترک
عمل کرده بروزینه ماهانه وظیفه بلا شرط خدمت قناعت نموده تا آنکه در سن دوم صدی چهاردهم هجرت
بوطن رسیده باواخر ذیحجه سال مذکور رحلت فرموده ولادتش بگمان غالب سال سی ام صدی
سیزدهم است از اشعار اوست ؎ لکان ندی فی الزمان فهاته ؛ واجبر والکان فی میقاته لم یبن
قصیده در مدح شمس الامرا گوید ؎ ولم یکن شمس السماء سمیه ؛ ما تهدی لخضوانه ؛ دیگر از اشعار اوست
؎ ثغور کو الحواهب المحیا ؛ شمار لالات ثریا ؛ انتهی قصیر مولف بسال دوازده صد و شصت و
هجری بزمره طلبه علوم وارد بیت السرور غازیپور بوده سال هنگام بفرودگاه مولوی محمد ظهور علی شهری
صدر الصدور شهر مذکور بخدمت صاحب ترجمه که پاس بقیه مولوی ابوالحسن منطقی سندهی تشریف
آورده بود دریافت در حقیقت همان اوصاف در صحبت بود نه دیگر ... این همه قابلیت بجلت
حدت طبع وقاد و جودت ذهن نقاد قبولیت نه پیوسته از مقبولیت اقران نفسا افتاده و من فاقد
الاستعداد آن وقت حاشیه عبدالغفور بر شرح جامی و شرح تهذیب یزدی پیش مولانا مولوی ابوالحسن
میخواندم و میگذاردم بعد ازان نزد ان کتاب نبراس الفطانه مصنفه صاحب ترجمه بنظر گذشته الحق که از ان داد
قابلیت داده عامله الله بلطفه الخفی

مفتی علی کبیر مچھلی شهری شاگرد سید تفضل حسین خان کشمیری است مدتی منصب افتای محکمه
دارالسلطنه سرکار انگریزی سرفراز بوده هم از ان منصب حق تقاعد حاصل نموده خانه نشین گردید

جامع الاوراق ہرگاہ در سن دوازده صد و شصت ہجری بجرگۂ تلامذه مولانا محمد شکور مرحوم و مغفور
مچھلی شہری کہ ہمشیره زاده وی بود نیز بمچھلی شہر رسید وی را دید کہ ضعیف و نحیف شده محض استخوانی و پوستی
داشت و قد شریفش بکثرت پشتی ہیچ جسم را کج گشته غالبا نود سالگی دران زمان رسیده باشد گاہی ما طلبہ
کہ بخدمتش میرفتیم بتمامی اخلاق حمیده و پرسش احوال پیش می آمد تا بیکی می طلبید ہم بہمون ہیئت کہ داشت
برخاسته از المارى بر آورده می داد و میگفت ــ کتابم میدہم لاکن باین شرط کہ طبل بوقت صندوق نسپاری

قاضی علی محمد بیجاپوری از اکابر علمای عہد سلطان ابراہیم عادل شاه محدث و مفسر و فقیہ بود بہ لقب
اوستاد الاولیا شہرت داشت از گجرات به بیجاپور آمده دران بلده افتتاح مدرسه نمود کہ اکثر از طلبۂ علوم
ازو مستفیض شده منجملہ تلامذه وے شاه برہان و شیخ ابوتراب مدراسی و سید محمد مدراسی و
قاضی ابراہیم زبیری مشہور اند در عہد سلطان سابق الذکر منصب قضای بیجاپور امتیازے داشت
چہارم ماه ذیحجہ سن ہزار و ہفتاد ہجری رحلت فرموده در بیجاپور مدفون گشت

ملا علی محدث سمرقندی برادر ملا صادق حلوای علم حدیث در عرب تحصیل کرده بغایت متقی
و پرہیزگار بود بہندوستان آمده در سال نہصد و ہشتاد و یک ہجری بجوار رحمت ایزدی پیوست
ملا عالم کابلی این تاریخ یافت **قطعہ** دریغا کہ ناگاه ملا علی را ۞ ربود از میان دستبرد حوادث ۞ پی
سال تاریخ او سال دیگر ۞ بگو مرد ملا علی محدث ۞

شیخ علی متقی برہان پوری ابن حسام الدین بن عبد الملک بن قاضی خان المتقی لقبا
القادری الشاذلی المدینی الچشتی مشربا الجونپوری وطنا البرہانپوری مولدا المکی منزلا در سال ہشت
صد و ہشتاد و پنج ہجری در برہانپور دکن متولد شده حالات بابرکات شان شیخ عبد الحق محدث
دہلوی در اخبار الاخیار بتفصیل تمام تحریر فرموده ملخص آن اینست کہ وی رحمۃ اللہ علیہ در ہفت
و ہشت سالگی پیدرش بخدمت شاه باجن برہانپوری مرید ساخته خود بسفر آخرت خرامید وے بعد
وفات پدر چندی بصحبت امرا و سلاطین وقت بسر برده در عین شباب بہ مقتضای جاذبۂ ازلی
بخدمت شیخ عبد الحکیم بن شاه باجن رسیده خرقۂ خلافت سلسلۂ چشتیہ پوشید و از برہانپور بملتان
مطیہ سفر کشا بنده بخدمت شیخ حسام الدین متقی ملتانی رسیده تفسیر بیضاوی و عین العلم را بخدمت
ایشان مطالعه نمود و سلوک طریقہ ورع و تقوی را بامداد برکات صحبتش پیش گرفته ہمراه زاد تقوے

راحلہ ورع توفیق عزیمت حرمین شریفین یافتہ بخدمت شیخ ابو الحسن بکری شرف تلمذ حاصل نمودہ دیگر علمائے عصر آن دیار را دریافت و مستفید گشت واز شیخ محمد بن محمد بن محمد السخاوی خرقہ خلافت قادریہ و شاذلیہ در بر کشیدہ بمکہ معظمہ رخت اقامت انداخت و عالمی را بانوار طاعات و مجاہدات و بآثار افاضات و افادات علوم دینی و فنون یقینی منورو مستفید ساخت و بجمع و تصنیف کتب و رسائل علم حدیث و تصوف پرداخت از انجملہ جامع صغیر و جمع الجوامع شیخ جلال الدین سیوطی را کہ مرتب بحروف ہجا بود مبوب بابواب فقہیہ فرمود و بار دیگر از ان منتخبی گرفتہ آنہم بغایت مہذب و منقح آمد و رسالہ تبیین الطرق و مجموعہ حکم کبیر در تصوف از تصانیف ولیست و مجموع تصانیفش از صغیر و کبیر عربی و فارسی از صد متجاوز اند تاریخ دوم جمادی الاولے سال نہصد و ہفتاد و پنج ہجری بمکہ معظمہ رحلت فرمود علیہ رحمۃ ربہ الودود و لفظ شیخ متقی تاریخ وفاتش یافتہ اند

ملا علی مہائمی ابن شیخ احمد از قوم نوائت بروزن ثوابت از تجار سیر زمان صاحب عرفان مقرر توحید وجودی بود مصنفات متبرکہ معتبرہ دارد از انجملہ تفسیر رحمانی کہ آنرا تفسیر مہائمی نیز گویند و زوارف شرح عوارف المعارف و شرح فصوص الحکم و شرح فصوص مصنفہ شیخ صدر الدین قونوی و ادلۃ التوحید و رسالہ در بیان وجوہ اعراب قولہ تعالیٰ الم ذلک الکتاب لاریب فیہ ہدی للمتقین کہ دوازدہ کرور و ہشتاد و سہ لک و چہل و چہار ہزار و پانصد و بست و چہار وجہ بیان نمودہ صورتش در ہندسہ اینست ۱۲۸۳۴۴۵۲۴ بماہ جمادی الاولی سال ہشت صد و سی و پنج ہجری وفات یافتہ بمہائم مدفون شد قدس سرہ مہائم بروزن عظائم بندریست از بنادر کوکن کہ نام ملکی ہست در دکن بر کنار سمندر۔ نوائت بروزن ثوابت قومیست در بلاد کوکن می گویند کہ ہرگاہ حجاج بن یوسف ثقفی پنجاہ ہزار اولیا و علما وغیرہ بکشت گروہے از قریش مدینہ طیبہ جلا وطن شدہ بساحل بحر ہند رسیدہ و سکونت ورزیدند از اولاد آنہا فرقہ نوائت ہست۔

سید علیم اللہ جالندھری جامع علوم ظاہر و باطن مرید شاہ ابو المعالی و خلیفہ سید بھیکہ بود انہار الاسرار و تنزیہۃ السالکین و شرح اخلاق ناصری و زبدۃ الروایات و نثر الجواہر ترجمہ فارسی نظم الدر و المرجان عربی مؤلفہ مرزا جان بیگ محدث از تصانیف مشہورہ وی اند بسال یکہزار و دو صد و دو ہجری وفات یافت

مولوی حافظ علیم الله نگرامی صاحب علم و فضل و تقویٰ نواسه مولانا شاه عبدالرحمن نزیل لکھنؤ بود چون همتش همواره مجمول اشتغال داشت بنابران بجز ترجمه رساله مرشد خود مسماة بجهد المقل تالیفی نکرده در سال هزار و دو صد و پنجاه و پنج هجری از دار فنا بعالم بقا شتافت روح الله روحه

مولوی علیم الله قنوجی ابن مولوی فصیح الدین قنوجی در فضائل نمونه سلف صلحا و در عربیت یادگار عرب عربا تلمیذ مولوی عبدالباسط قنوجی بود از تصانیف لطیفه اوست کتاب دار الفضائل فی شرح الشمائل و چند رسائل در منطق و کتاب تبیین الهدی شرح قطر الندی که بسال دوازده صد و پانزده هجری تالیف نمود سال رحلتش معلوم نیست

امیر کبیر سید علی همدانی ابن سید شهاب الدین دوازدهم رجب روز دوشنبه سال هفتصد و چهارده هجری متولد شده مخزن علوم ظاهر و باطن مظهر تجلیات ربانی و مرید علاء الدوله سمنانی بود اکثر ممالک دنیا را سیر کرده و بخدمت هزار و چهار صد اولیاء الله رسیده مستفید گشت و در سن هفتصد و هشتاد و یک هجری از همدان با هفتصد کس سادات در خطه کشمیر تشریف آورده بمحله علاء الدین پوره که حالا آنجا خانقاه والیست رخت اقامت انداخت و لفظ مقدم شریف او تاریخ قدومش یافته اند قطب الدین شاه والی کشمیر بکمال ارادت بدو پیوسته وی رحمة الله علیه بغایت سرگرمی اشاعت اسلام بخطه کشمیر نموده بعمر هفتاد و سه سالگی بمیان کبیر که نام مقامی است بتاریخ ششم ذی حجه سال هفتصد و هشتاد و شش هجری وفات فرموده نعش او در ختلان مدفون کردند چون که وقت انقطاع روح بسم الله الرحمن الرحیم از زبان مبارکش برآمده بود همین کلام اخیر تاریخ فوتش یافته اند رحمة الله علیه وعلی اسلافه **تصانیفه** مجمع الاحادیث. شرح اسمای حسنی. ذخیرة الملوک. شرح فصوص الحکم. مراة التائبین. شرح قصیده خمریه فارضیه. آداب المریدین. اوراد فتحیه وغیره اند

شیخ علی کشمیری رفیقی بن یحیی بن معین الدین بروز سه شنبه چهارم رمضان سال یازده صد و پنجاه و دو هجری ولادت یافته از پدر بزرگوار و برادر کلان خود شیخ اسلم اخذ علوم کرده فقیه و محدث گشت و هر سه پسران خود یعنی عبدالاحد و بهاء الدین و شیخ ثنا و برادران عم زاد خود یعنی ابو الطیب احمد و عبدالله و آخوند عبدالرسول را تعلیم علوم نمود عامل و عارف زاهد و متورع بود بتاریخ دهم محرم الحرام سال دوازده صد و چهارده رحلت فرمود

شیخ علائی مهدوی بیانوی بن شیخ حسن از مشائخ کبار بنگاله بود و برادر خرد وی شیخ
نصر اللہ که از فحول علما بود از بنگاله بزیارت مکه معظمه رسیده و از انجا بهند آمده در خطه بیانه رحل اقامت
انداختند جار نصر الله والفتح تاریخ قدوم ایشان یافتند شیخ حسن بارشاد و هدایت و شیخ نصر الله
بفتوی و درس قیام داشت شیخ علائی که ارشد اولاد شیخ حسن و از عهد صبا آثار نجابت و صلاح
بلوح پیشانی او عیان بود در ملازمت پدر خود کسب علوم ظاهری و باطنی و تهذیب اخلاق نموده در
اندک زمانی کتب متداوله را مطالعه کرده بتدریس و افاده مشغول شد بعد وفات پدر ترک تدریس
گفته بر جاده طاعت و نهج ریاضت و سجاده مشیخت استقرار گرفته طالبان راه را تلقین و ارشاد مینمود
لیکن هنوز بقیه از آثار نفس اماره داشت و می خواست که بوی شیخی دیگر دران شهر شرکت مکانی
نداشته باشد آخر طریق آبا و اجداد خود ترک داده بخدمت عبد الله نیازی مرید خلیفه سید محمد
جونپوری موجد طریق مهدویه آمده روش وی آموخت و جمعی کثیر بادی شدند و راه سلوک بقدم
توکل سپردند و با این همه اسلحه و آلات حرب برای دفع مخالفان همیشه با خود می داشتند و هر جا
در شهر و بازار نامشروعی و منهی که میدیدند جبرا و قهرا گرفته احتساب میکردند و خوف حاکم نداشتند و حکام
موافق امدادش میکردند هرگاه سلیم شاه پسر شیر شاه سور بر سریر سلطنت هند جلوس نمود آوازه
شیخ علائی بسمع او رسید میر سید رفیع الدین محدث و میان ابو الفتح تهانیسری و دیگر علمای
آگره را احضار فرموده باغوای مخدوم الملک ملا عبد الله سلطانپوری شیخ علائی را از بیانه طلب داشت
او با جمعی از اصحاب مخصوص که همه یکتا پوش و مسلح بودند بدرگاه آمده برسومی که در مجلس ملوک
می یافتند مقید نا شده بوجه مسنون بر همه اهل مجلس سلام کرد سلیم شاه جواب بکره گفته بمقربان او و منع
شیخ بسیار گران آمد و مخدوم الملک بیش ازین خاطر نشان سلیم ساخته بود که این مبتدع دعوی
مهدویت میکند و سر خروج دارد واجب القتل است آخر و بسفارش عیسی خان نجات ازان
یافته سلیم شاه حکم باخراج شیخ علائی نموده بسوی هندیه رفته که بسرحد دکن است و اعظم همایون شروانی
حاکم آنجا او را چندی پیش خود داشت و در انجا هم خلائق برو گرویدند مخبران این خبر بسلیم شاه
رسانیدند تا که بار دوم طلب وی حکم صادر فرمود چون وی حاضر آمد سلیم شاه بوی گفت که تو از عقیده خود
توبه کن شیخ سخن شاه گوش نکرد سلیم بسزای تازیانه حکم فرمود شیخ که از بیشتر ناتوان بود در تازیانه

سوم جان بجان آفرین سپرد نعش او به پای فیل بسته در اردوی معلی گردانیدند و حکم کردند که هیچ کس دفن نکنند این واقعه
بسال پنجاه و هفتم صدی دهم روداد اردوی معلی بازاریکه پیش دروازه شاهی باشد

معتمد الملوک سید علویخان حکیم دهلوی اصل نامش محمد هاشم بن حکیم محمد هادی قلندر بن سید
مظفر الدین علوی از اولاد محمد بن حنفیه است ولادت او بماه رمضان سن هزار و هشتاد هجری در دار العلم
شیراز شده و در سن یازده صد و یازده هجری بهند آمده در پای قلعه ستاره بملازمت عالمگیر بادشاه
به خلعت و منصب سرفراز گردیده بخدمت شاهزاده محمد اعظم تعیین گردید و در عهد شاه عالم بهادر شاه
بخطاب علویخان و اضافه منصب جاگیر شایان یافت و محمد شاه بادشاه را معالجات خوب کرده
بادشاه موصوف ویرا به نقره سنجیده به منصب شش هزاری و نقدی سه هزار روپیه ماهوار و بخطاب
معتمد الملوک سرفراز فرمود نادر شاه با عزاز تمام همراه خود برده از آنجا به حج بیت الله رفته در سن
یازده صد و پنجاه و شش هجری به شاهجهان آباد واپس آمد از تصنیفات او کتابی است جامع الجوامع
در علم طب که اسم باسمی است بتاریخ بست و نهم رجب سن یازده صد و شصت هجری در شاهجهان آباد
بمرض استسقا فوت شده و برحسب وصیتش در حوالی درگاه حضرت نظام الدین اولیا مدفون کردند

ملا عماد الدین عثمانی لبکنی عالم متبحر ذهانت جبلی و ذکاوت طبعی داشت شاگرد رشید
ملا عبد العلی بحر العلوم بود هرگاه ملا موصوف بحرمین شریفین رفت ملا عماد الدین بقیه شرح چغمینی
پیش ملا محمد حسن خوانده از تصانیف او عقده وثیقه در بیان چند مباحث معقولیه وغیره و عشره کامله
در مبحث علم مع منهیات آن و رساله مقوله عشره در شرح ابیات محقق طوسی متضمن بیان مقولات عشره
بر سرمایه علمی او گواه اند لبکن بفتح لام و سکون بای موحده و کاف عربی مفتوح و نون نام دیهی است
در ضلع بانس بریلی ملک روهیل کهند

مولانا عماد الدین غوری از اکابر مشائخ دیار نارنول و از اولاد مولانا عماد است که در عهد
محمد تغلق بود آبا و اجداد وی از عرب بغداد آمدند و از آنجا بعض از بزرگانش همراه سلطان شهاب الدین
غوری بهندوستان رسید میگویند که وی در عنفوان شباب در کسب علم نکوشیده بود و بسیار روز بازو
داشت در هنگامها با پهلوانان کشتی گرفتی روزی پهلوانی مشهور را که از وی قوی تر بود بزمین آورده بوم
مست و مغرور بخانه می آمد یکی از علمای عصر او را باین حالت دیده تاسف خورد و او را بدین حال

طعنہ زد جمیعتی و غیرتی بحال او راہ یافت و آنان وضع کہ داشت پشیمان شد و خواست کہ تحصیل علم کند اما چون در خردی اینکار نکردہ بود سعی وی درین باب بے فائدہ نمود ناچار ملازمت روضہ شیخ محمد ترک تارنوی اختیار کرد و شب و روز در انجا با طہارت افتادہ بودے نوافل خواندی و ذکر و تلاوت قرآن کردے چون طہارت پدر نیامدی از روحانیت شیخ برای حصول علم استمداد کردی دوازدہ سال ہمچنین منوال گذرانید تا شبی براے طہارت پدر می آمد شخصی پیدا شد و او را از عقب در گرفت و گفت بخواہ ہرچہ خواہی وے طالب طریقہ اجداد خود بود علم و تقوے درخواست آن مرد گفت برو کتاب خانہ بزرگان خود پیش گیر و بردم درس بگو حق سبحانہ تعالے ابواب علوم دینیہ بروی فتح کرد وے رحمۃ اللہ علیہ مردے بزرگ بود کمال اتباع داشت کہ ہیچ سنتی از سنن سید المرسلین صلعم ترک نمی کرد و فقر و فقرا بسیار دوست مے داشت رحمۃ اللہ علیہ

شیخ عماد الدین رفیقی کشمیری بن عبد الرسول بن اسلم بن یحیی رفیقی کشمیری در دوازدہ صد و چہل و شش ہجری ولادت یافتہ علوم متعارفہ از اساتذہ وقت حاصل کرد و صحیح بخاری پیش شیخ [illegible] واعظ گذرانیدہ مرید شیخ احمد تاریلی بود و بعزم زیارت بیت اللہ سفر اختیار کردہ و اکثر بلاد را سیر و سیاحت نمودہ حج بیت اللہ مشرف گشت شیخ نظام الدین و شیخ حمزہ بنی اعمام او از و مستفید شدند بروز جمعہ وقت عصر ہشتم رمضان سال سیزدہ صد ہجری جان بجان آفرین سپرد

عمر غزنوی بن اسحاق بن احمد ہندی غزنوی کنیت او ابو حفص و لقب سراج الدین بود علم فقہ را از امام زاہد وجیہ الدین دہلوی و شمس الدین خطیب دہلوی و ملک العلما سراج الدین ثقفی دہلوی و رکن الدین بدایونی اخرہ تلامذہ ابو القاسم تنوخی شاگرد حمید الدین ضریر حاصل کردہ و بمصر رفتہ قاضی القضاۃ شد بسیاری التصانیف عمدہ و معتبرہ یادگار ماندہ اند از انجملہ توشیح شرح ہدایہ و زبدۃ الاحکام فی اختلاف ائمۃ الاعلام و شامل در فقہ و شرح بدیع الاصول و شرح مغنی و غرۃ المنیفہ فی ترجیح مذہب ابی حنیفہ و شرح زیادات و شرح جامع صغیر و شرح جامع کبیر ناکمل و شرح تائیۃ ابن الفارض و کتاب الخلاف و کتاب التصوف و شرح منار و شرح المختار و لوائح الانوار و لطائف الاسرار و عمدۃ الناسک فی المناسک و شرح عقیدۃ الطحاوی و اللوامع فی شرح جمع الجوامع مشہور اند بقول کفوی در سال ہفت صد و شصت و سہ ہجری و بقول سیوطی و صاحب

کشف الظنون در سال هفتصد و هفتاد و سه هجری وفات یافته والله اعلم بالصواب -

عنایت الله قادری لاهوری قصوری ثم اللاهوری الشطاری کنیت وی ابو المعارف جامع علوم ظاهر و باطن بود غایة الحواشی حاشیه شرح وقایه در دو جلد متضمن فروع کثیره و ملتقط الحقائق شرح کنز الدقائق که در آن مسنونیت اشارهٔ سبابه را ترجیح داده از تصانیف او یادگار ماند و وفاتش بسال یازده صد و چهل و یک هجری بظهور آمده

ملا عنایت الله سال کشمیری از علمای کشمیر فقیه و محدث و متقی و متورع بود اکتساب علوم از مولوی ابو الفتح و ملا عبد الرشید زرگر و فرزندان خواجه حیدر چرخی کرده باندک زمانی فائق الاقران شد سی و شش مرتبه مذاکره صحیح بخاری از اول تا آخر نمود و مثنوی مولانا روم بکمال ذوق و شوق بخواند و از مشائخ وقت خرقه خلافت یافته و تمام عمر گرامی بتدریس و تذکیر بسر برد طبع موزون داشت اشعار صوفیانه میگفت بعمر شصت و هشت سالگی آخر ماه شعبان سال یازده صد و بیست و پنج هجری رحلت فرمود

مولوی عنایت رسول چریاکوٹی از علمای فحول ماهر معقول و منقول واقف اسرار قدوس و عقول نافذ الانظار فروع و اصول ابن قاضی علی اکبر ابن قاضی عطاء رسول است بسال چهل و چهارم از صدی سیزدهم هجرت در مرز و بوم یوسف آباد چریاکوٹ بعائله بنی عباس متولد شده در صغر سن رسائل ابتدائی از صرف و نحو بخدمت والد بزرگوار خود و دیگر اکابر گذرانید چون بکافیه ابن حاجب رسید بذیل تعلیم مولوی احمد علی چریاکوٹی متمسک گردید وی بحکم صله رحم بمهر و کرم تمام به تعلیمش میکوشید و در سفر و حضر با پور تمکین مولوی نجم الدین بسلک مرافقت می کشید بالجمله چون از تکمیل تحصیل هندسه و حساب و مناظره و هیئات و دیگر علوم ریاضیه و حکمیه فراغتی بدست آورد رو بجانب احادیث نبی علیه السلام کرده بخدمت مولوی حیدر علی مرحوم بریاست حیدر آباد و ٹونک پیوسته و در آنجا از تحقیقات مسائل نقلیه و هم عقلیه طرفی بست و بوطن باز آمد و تا چندی بوطن مالوف مقیم شده بشوق آموختن زبان عبری به کلکته رفت و در آنجا سالی چند پابند اقامت گشته از احبار یهود زبان عبری بالجمیع الوجوه آموخت و از آیات تورات و زبور و غیره زبراولین بشارات و پیشین گوئیها نسبت حضرت سید المرسلین بپایهٔ اثبات رسانید و بسال هفتاد و یکم از صدی سیزدهم هجرت از آن دیار مراجعت بوطن فرمود باز قدم بهنور وسے بجانب نفر سوده به تعلیم چند از طلبه

علوم میکوشید وکثرت وہجوم طلبہ گاہی نمی‌شکیبید با این ہمہ انزوا واستغنا آوازۂ کمالش بگوش سید احمد خان
نجم الہند رسید کہ وی ہمہ تن بہ پیدایش کوشید و دست بدامن استفادہ او آویخت و موصوف الرحمہ
جرعہ افادہ خود بجام طلبش ریخت و راز پوشیدہ کتب قدیمہ در کیسۂ خیالش نہاد نجم الہند عفی اللہ عنہ داد
گوہر شناسی داد. مولوی مرحوم از چند سال بہ تہذیب و تسہیل علوم شعار فہمیدن شدہ ہست نخستین
علم صرف را بہ تہذیب لطیف وتحقیق دقیق درسی جنیر تبہ و دیگرہ صفائش بناخن فکرت کشود بعد
ازان بہ تحریر تنقیح ہندسہ وحساب وساخت پرداخت وجملہ اشکال ومسائل فنون مذکورہ بدلائل
سابقہ وافکار لاحقہ مرتب ساخت واعمال حسابیہ وہندسیہ ومسائل مناظر وانعکاس با اسلوب
خوب وطرز مرغوب از پردہ السنہ غیر بزبان مروجہ ہند جلوۂ ظہور و بروز داد واین کتاب را
بخدمت والی حیدرآباد فرستاد کہ مہرہ فنون بچشم قبول دیدند و مرتبہ نہایت پسندیدند سلمہ اللہ تعالی

ملا عیاض رامپوری تلمیذ مفتی شرف الدین رامپوری مردے بحاث بود کہ از ہر کسی بحث
ومناظرہ میکرد او را کتابے ہست موسوم دستور المنتہی در صرف کہ بمقابلہ دستور المبتدی تالیف کردہ
بجاے سوال وجواب لفظ شک فک دران اختیار کردہ

شاہ عیسی جند اللہ برہانپوری از اکابر علمای واعاظم عرفای برہانپور بود انوار الاسرار تفسیر
قرآن مجید بزبان عرب در چہار مجلد از تصانیف شہیرہ اوست برد اللہ ضجیعہ

حرف الغین المعجمہ

مولوی غلام اللہ لاہوری فاضل اجل وعالم اکمل از علمای لاہور بود فیض علمی از ذات
بابرکاتش شرفا و غربا رسیدہ مفتی غلام سرور لاہوری مصنف گنج تاریخ وغیرہ از تلامذہ اوست
احمد دین وحمید دین دو عقب گذاشتہ در سال دوازدہ صد وہفتاد و دو ہجری درگذشت

مولوی غلام حسنین قنوجی ابن مولوی حسین علی بن مولوی رستم علی قنوجی در سال دوازدہ صد
وبست ویک ہجری متولد شدہ غلام علیم نامش تاریخی است شاگرد مولوی محمد صادق خان
فرخ آبادی ومولوی ولی اللہ فرخ آبادی بود در سال دوازدہ صد وپنجاہ وپنج ہجری بزیارت بیت اللہ
الحرام مشرف شدہ بمدینہ منورہ از شیخ محمد عابد سندی اجازت کتب صحاح وسنن یافت
بمطالعہ کتب تصوف اکثر اوقات خودش صرف نمود حاشیہ کتاب الشمائل الاثنا عشریہ لمؤلفہ

مولوی رستم علی بعدش از تالیفات اوست در اواخر عمر مرتبہ دوم کہ سفر بیت اللہ اختیار کردہ بعد فراغ حج ہنگام مراجعت در بندر بمبئی سفر آخرت اختیار نمودہ داعی اجل را لبیک اجابت گفت در ابجد العلوم مطبوعہ در سال وفاتش حرف چند سہ دوازدہ نوشتہ از صفر ہم صفر ہست ندانم بکدام سال وفات یافت

مفتی غلام حضرت لکھنوی علامہ زمان فقیہ دوران مفتی عدالت بلدہ لکھنؤ بود بسال دوازدہ صد و سی و چہار ہجری وفات یافتہ شاعری تاریخ فوتش نظم گفتہ و ہو ہذا ـــ مفتی غلام حضرت
افسوس کو بود بشہر لکھنؤ حاکم شرع ✿ سال تاریخ رحلت آن مرحوم ✿ فرمود کہ بود او حاکم شرع ـ

مولوی غلام رسول لاہوری از عمدہ ترین افاضل لاہور شاگرد پسر مولوی غلام فرید لاہوری بود علماے پنجاب بتلمذ وی فخر میکردند بسال دوازدہ صد و پنجاہ وفات یافتہ

مولوی غلام رسول پنجابی از علماے پنجاب در فقہ و حدیث و تفسیر فاضل کامل اکثر اوقات وعظ میگفت مرید شیخ محمد نصیر مجددی بود بسیاری از تصانیف او بزبان پنجابی اند در سال دوازدہ صد و نود و یک ہجری در گذشت

حسان الہند سید غلام علی آزاد بلگرامی ابن سید نوح حسینی نسباً واسطی اصلاً و حنفی مذہباً و چشتی مشرباً و بلگرامی مولداً و منشاءً تاریخ بست و پنجم صفر روز یکشنبہ سال یکہزار و یکصد و شانزدہ ہجری در بلگرام متولد شدہ کتب درسیہ از اول تا آخر از سید طفیل محمد اترولوی خواند و لغت و سیر نبویہ صلعم و سند احادیث شریفہ و اشعار عربیہ و فارسیہ از جد مادری خود سید عبد الجلیل بلگرامی گرفتہ و عروض و قوافی و بعضے فنون ادبیہ از خال خود سید محمد بن سید عبد الجلیل استفادہ نمود و مرید سید لطف اللہ بلگرامی بود بزیارت حرمین شریفین فائز گشتہ و صحیح بخاری از شیخ محمد حیات سندہی در مدینہ منورہ قرأت کرد و اجازت صحاح ستہ از و گرفت و بہندوستان واپس آمدہ بصاحبت نواب نظام الدولہ ناصر جنگ ابن نواب نظام الملک آصف جاہ حیدر آبادی رسید منجملہ تصانیف عربیہ او ضوء الدراری شرح صحیح بخاری تا کتاب الزکوٰۃ و تسلیۃ الفؤاد در قصائد خود و تراجم علما و دو دیوان عربی کہ در ہر دو دیوان سہ ہزار اشعار اند و ہفت صد اشعار عربی کہ در کتاب سبحۃ المرجان بطور مثال درج کردہ و سبحۃ المرجان فی آثار ہندوستان و از تصانیف فارسیہ او ید بیضا و سرو آزاد خزانۂ عامرہ در تذکرۂ شعرا و روضۃ الاولیا تذکرۂ بعض اولیا و مآثر الکرام تاریخ بلگرام در ذکر اولیا

و فضلای شعرای بلگرام و سبعة السادات فی حسن خاتمة السادات و دیوان فارسی و مظهر البرکات و سبعه
سیاره وغیره از وی یادگار ماند در سال یکهزار و دو صد هجری ازین جهان رحلت نمود نور الله ضریحه

حافظ غلام علی چریاکوٹی ابن شیخ نجابت الله عباسی از رسائل مولوی محمد احسن عباسی آ
در اوائل حال یکے از سلحشوران عساکر بود روزی یکے از بزرگانش فرمود ای کاش در خاندان عباسی
بودی که بجای فن تیغ و تبر سرمایه علم و هنر بدست آوردی و بجای ورشه و سپر کسب احادیث و خبر کردی
بسماع این کلام نبض غیرتش در حرکت آمد تا آنکه ردای رهنوردی بر شانه افگنده و بطلب گوهر علم
بر مرکب عجل نشسته از یار و دیار بریده آستانه فیض کاشانه مولانا شاه عبد العزیز دهلوی پیوسته و در انجا
تا دیر باز قیام ورزیده از علوم رسمیه فراغتی بدست آورده بوطن رسید و تعلیم برادران قوم کوشید
طرز تعلیم مفید و پسندیده داشت و در صرف و نحو رسائل نغز و دلکش دارد صاحب مروت و اخلاق
کریمه بود در سال چهل و هشتم صدی سیزدهم جهان فانی را وداع نمود

مولانا غلام علی دهلوی از سادات علوی و مریدان مرزا مظهر جانجانان عارفی بود کامل
جامع علوم ظاهر و باطن ولادتش در سن یازده صد و پنجاه و شش هجری بوقوع آمده چنانچه شاعری
تاریخ میلاد شریفش چنین یافته ؎ چو شد مهر چرخ هدی حضرت غلام علی شده ظهور فلک در جهان عیان
بشگفت پس ولادت شریفش بجست رافت دل مه سپهر هدایت شده طلوع بگفت و تاریخ بست ۱۱۵۶
و دوم صفر سن دوازده صد و چهل هجری ازین جهان فانی رحلت فرموده در پهلوی مرشد خود مدفون
گشت از عبارت نور الله مضجعه سال وفاتش بر می آید مسود اوراق که تاریخ رحلتش نیز منظوم ساخته
اینست ؎ چو ماه چرخ هدی حضرت غلام علی ز برج کشید نقاب بعدم آفتاب نهفت ؛ گریه ۱۲۴۰
پیر طلب بحسرت و افسوس بهر سپهر هدایت نهفت سال بگفت ۱۲۴۰

قاضی غلام غوث گوپاموی فاضل افضل و فقیه اکمل از احفاد قاضی مبارک شارح سلم بود
بخدمت ارتضا علی خان اکتساب علوم نموده مدام بدرس و تدریس مشغول بودی چندی در صیغه قضو
ملک مدراس بر مسند قضای آنجا رونق بخش بوده و مجلد فتاوی را [illegible]
سال دوازده صد و [illegible] هجری بدار [illegible] رخت هستی [illegible]

مولوی غلام فرید لاهوری [illegible] ورعی عالم [illegible] فاضل اکمل جامع کمالات ظاهری [illegible]

عابد زاہد ذاکر شاغل بود تمام عمر بتدریس و تعلیم طلبہ علوم بسر بردہ وا ز دنیا و اہل آن سروکارے نداشت تجرید و تفرید بطبع گرایش غالب بود بسال دوازدہ صد و شانزدہ ہجری جہان بجان آفرین سپرد

شاہ غلام قطب الدین آلہ آبادی مصیب تخلص ابن شاہ محمد فاخر زائر ابن شیخ خوب اللہ آلہ آبادی مرید و خلیفہ پدر خود بود تولدا و بغرہ محرم سال یکہزار و یکصد و سی و ہشت ہجری است تاریخ ولادتش از نیک بخت ازلی بادا می برآید تکمیل علوم ظاہر بخدمت مولوی برکت اللہ آلہ آبادی کردہ در ایام حداثت سن ہنگامیکہ والد ماجدش بمکہ معظمہ رفت مسند آرای خلافت شدہ از تصانیف او دیوان فارسی کہ نہایت مطول و مضبوط است و مثنوی نان و قلیہ در جواب نان و حلوا و بستان الحقیقۃ یادگار علم وینند در آخر عمر خود جہت حج بیت اللہ رفتہ بتاریخ سلخ ذیقعدہ سال یکہزار و یکصد و ہشتاد و ہفت ہجری در بلد الحرام وفات یافتہ در قبہ ام المومنین خدیجہ کبری جانب راست مدفون گشت تاریخ فوتش منشی جوگل کشور شاگردش بتعمیہ گفتہ و ہو ہذا ؎ ذات پاک غلام قطب الدین رخت بربست زین جہان افسوس ٭ دل سوزان من سوال نمود ٭ سال این غم ز نوحہ خوان افسوس
با دل زار سوختہ گفتم ٭ قطب الدین رفت زین جہان افسوس
۱۱۸۷

مفتی غلام محمد لاہوری از اولاد امجاد شیخ بہاء الدین زکریا ملتانی و پدر مفتی غلام سرور لاہوری جامع علوم و فنون بود مدام بکار تدریس و طبابت سرگرم می ماند و قوت حلال از کتابت قرآن مجید حاصل میکرد در سال دوازدہ صد و ہفتاد و شش ہجری وفات یافت

مولوی غلام محمد خان ساکن کوٹ ولد رحمت خان عرف خان محمد از گروہ کہوکران ساکن کوٹ بخدمت بابرکت مولانا محمد سلامت اللہ کشفی کانپوری رسیدہ اکتساب علوم متعارفہ کردہ ورع و تقوی شعار و دثار خود ساختہ و تنہا لشینی مطبوع طبع شریفش بود بعد فراغ علمی اعزہ و اکابر موضع مذکور مستدعی قدومش بدان قریہ شدند وی گفت تا وقتیکہ ہمقوم ما ترک سودخواری و احتجاب زنان از نامحرمان اختیار نخواہند کرد بدان موضع قدم نخواہم نہاد ہرگاہ مردم ہمقوم او ہر دو شرط را تلقی بہ قبول کردند وی بوطن آمدہ تا حیات خود ہمہ را پابندی شریعت غرا ہدایت نمود و مسجدی دران موضع تعمیر کردہ آخرکار بحکم کل نفس ذائقۃ الموت واقع چہاردہم ربیع الاول روز یکشنبہ سال اول صدی چہاردہم ہجرت رحلت فرمودہ بمسکن خود مدفون گشت علیہ الرحمۃ و الغفران

کهو کهر بکاف تازی مضموم مخلوط بہا و واو ساکن و فتح کاف تازی مخلوط بہا و رای مہملہ ساکنہ گروہی است از اہل اسلام کہ لقب خانی دارند و اصل شان از پنجاب است چنانکہ از تاریخ فرشتہ وغیرہ مستنبط میشود وانیان خود را شیخ میدانند و لفظ خان بر خود خطاً می انگارند و ہمہ سنی مذہب اند کوٹ بضم کاف تازی و واو ساکن مجہول و تای ہندی دیہی است در دوابہ گنگ وجمن متصل جانب چپ دریای جمن اکنون بضلع فتحپور سہوہ تعلق دارد

قاضی غلام مخدوم چریاکوٹی ابن قاضی عبد الصمد عباسی بفطانت و ذکا چون پدر مشہور بود و بکرم و سماحت بالسنہ مردم مذکور بعد تکمیل علوم متداولہ شوق تعلم زبان سنسکرت در دلش پدید آمد تا آنکہ در تحصیل زبان مذکور حظی وافی برگرفت و بمقام بنارس کہ معدن مہرۂ زبان مرقوم است میان ماہران این فن امتیازی کافی یافت طبعی سخن سنج داشت بزبان فارسی دیوانی ترتیب داد چون زمان وداع دنیا نزدیکش رسید ہمہ را بجوابیہ در آتش سوزان نہاد و اشعارش کہ بر صفحہ السنہ مردم ملفوظ بودند اندکی از انجملہ اینست ؎ بباغ دہر نہ گل ماند و نی سمن باقیست ٭ نہ عندلیب بجا چند و چمن باقیست ٭ دلم بسوخت تنم سوخت واستخوان ہم سوخت ٭ تمام سوختم و ذوق سوختن باقیست ٭ فیض خان بکرم خوشتم ہیچ محتاج ٭ درون سینہ دلی حسرت وطن باقیست ٭ صدیقی الصدوق مولوی محمد فاروق چریاکوٹی کہ سلسلۂ نسبتش بدو واسطہ بصاحب ترجمہ میرسد غزلی بجواب غزل مذکور انشا فرمودہ برای تربیت ناظرین سخنور بزبان قلم سپردہ می آید **غزل** نہ آن پیالہ نہ آن می نہ آن چمن باقیست ٭ مگر بہیچ دلم قصۂ کہن باقیست ٭ چنان گداختہ ام من کہ غیر یاد تو نیست ٭ ز من ہر آنچہ در آغوش پیرہن باقیست ٭ بہر چہ داد خداوند شادم ولیکن ٭ درون دل ہوس طائف و یمن باقیست ٭ خجل ز منت دشنام تو شدم ای جان ٭ کہ بر زبان تو زین حیلہ یاد من باقیست ۔ الغرض موصوف المترجمہ بجای پدر بزرگوارش بعہدۂ قضا مامور بودہ بسال پنجم از صدی سیزدہم ہجرت بعمر پنجاہ سالگی جہان فانی را پدرود فرمود غفر اللہ تعالیٰ ۔

مولوی غلام محی الدین بگوی ابن حافظ نور حیات بن حافظ محمد شفا بن حافظ نور محمد بگوی عالم اجل فاضل اکمل فقیہ و محدث جامع کمالات صوری و معنوی بود بروز دوشنبہ ماہ محرم سال دوازده صد و سہ ہجری متولد شدہ قرآن شریف از حافظ حسن نظراً قراءت کردہ بعدہ بماہ مبارک رمضان یک یک پارہ روزانہ حفظ کردہ بشب در تراویح میخواند تا اینکہ در یکماہ حافظ

در آن گشت بتحصیل علوم متوجه شد چونکه ذهن و ذکای کامل داشت بملک پنجاب کسی و یارا تعلیم
دادن نتوانست بالآخر او مع برادر خرد مولوی احمد الدین که هشت ساله بود بدهلی قدوم آورده از
علمای دهلی علوم معقول و منقول خوانده علم حدیث بخدمت مولوی محمد اسحاق تحصیل نموده سند
آن از مولانا شاه عبد العزیز یافته هرگاه فارغ التحصیل گشت بلاهور رسیده در لال مسجد تا سی
سال بتدریس طلبه علوم اشتغال داشت پس بوجه بیماری استرخا بمسکن خود موضع بگا متعلقه
بهیره مضاف لاهور آمده تا چهارده سال بیمار ماند و هم در آنحالت باب تدریس و تعلیم مفتوح داشت
در شب دوشنبه ماه شوال سال دوازده صد و هفتاد و سه هجری وفات یافته در موضع بگا مدفون شد
و دو فرزند خلف الصدق عقب خود گذاشت یکی حاجی مولوی غلام محمد که امام جامع مسجد لاهور است
دوم مولوی عبد العزیز که امام جامع مسجد بهیره است سلمهما الله تعالی

حافظ سید غلام میر سندیلی ابن سید قلندر بخش بن مولوی عبد الله ابن سید زین العابدین
مخدوم زاده سندیله بخدمت مولوی حیدر علی سندیلی و مولوی ظهور الله لکهنوی و مولوی عبد الواجد
خیرآبادی تحصیل علوم کرده اکثر بنواح کلکته تا چندی بسر می برد باز بسندیله مراجعت نموده بدرس طلبه
پرداخت سوم ذیقعده سال دوازده صد و شصت و چهار هجری وفات یافته بمقابر امروهه واقع
قصبه سندیله مدفون گشت

مولوی غلام نجف حقانی سندیلی ولد احمد شاه ولد حافظ عنایت الله حقانی از
شیوخ قصبه سندیله دانشمند کثیر الدرس و حامل قرآن سریع التلاوة بود و اکثر بماه رمضان المبارک
بیک شب ختم نمودی در سال دوازده صد و پانزده هجری رحلت نمود

شیخ غلام نقشبند لکهنوی ابن شیخ عطاء الله یگانهٔ روزگار جامع شریعت و طریقت بود وی
رحمة الله علیه تلمیذ میر محمد شفیع دهلوی شاگرد شیخ عطاء الله مذکور است و شیخ عطاء الله شاگرد شیخ پیر محمد
لکهنوی بود لاکن شیخ غلام نقشبند فاتحهٔ فراغ بدست شیخ پیر محمد لکهنوی که استاد پدرش بود
خوانده و تمام عمر گرامی خود بافاده و تدریس طلبه علوم بسر برده جمعی کثیر از فاضلان مدارس بپایهٔ تکمیل
همراه خود رسید و سلسلهٔ تعلیم اکثر علمای هندوستان بوی می پیوندد شاه عالم ابن اورنگ زیب
عالمگیر بادشاه غفران کالش استفا کرده ادراک و طلبید و با عزاز و اکرام تمام پیش آمده تلمذ نمود

استاد او سید عبدالجلیل بلگرامی است که ذکرش گذشت تفسیر ربع قرآن مجید مع حاشیه آن و نیز تفسیر چند سور قرآنی و فرقان الانوار و رساله لامعه عرشیه در وحدت وجود و شرح قصیده خزرجیه وغیره از تصانیف معتبره وستنده وی بید واقع سلخ رجب سال یکهزار و یکصد و بست و شش هجری این جهان بی بود را پدرود فرموده به لکهنؤ مدفون گشت نور الله مرقده

مولوی غلام یحیی بهاری مسقط راس و موضع اکبر متصل قصبه نگرنهسه از توابع بهار است که از بهار بفاصله هشت کروه مابین پٹنه و بهار واقع شده دانشمند متبحر و سرآمد علمای روزگار بود و در ذہانت و منطق دانی گوی سبقت بر اماثل و اقران خود ربوده از تصانیف او حاشیه بر میرزاہد رساله متداول علمای زمان ہست در سال یازده صد و بست و هشت هجری وفات یافته در بهار بیرون احاطه درگاه مخدوم شرف الدین قدس سره مدفون گشت رحمة الله علیه. اکبر بکسر اول و فتح کاف عربی و سکون یای تحتانی معروف و رای ہندی در آخر. نگرنهسه بفتح نون و کاف فارسی و سکون را و نون مضموم و ہای ساکنه و سین مفتوحه در آخر ہای مختفی

میر غیاث الدین قزوینی ابن میر عبداللطیف قزوینی از عمده ترین افاضل عهد جلال الدین محمد اکبر بادشاه بود در علم سیر و تواریخ و اسماء الرجال و سائر محاضرات آیتی بود از آیات پروردگار و برکتی بود از برکات روزگار در قوت حافظه ویرا ثانی لوح محفوظ باید شمرد در خدمت بادشاه بخواندن علم تاریخ و سائر کتب نظم و نثر شبانه روز اشتغال داشت بخطاب نقیب خان ممتاز بود

حرف الفاء

ملا فتح الله اودهی در اوائل حال از علمای نامور دہلی بود سالها در مسجد جامع دہلی که پایین منار شمسی است بر مسند درس و افاده جا داشت و در آخر مرید و خلیفه شیخ صدر الدین حکیم شد و بسلوک این طریق مشغول گشت گویند که وی ریاضات بسیار کشید ولیکن نفحه ازان بمشام جانش نرسید شکایت این حال پیش پیر خود برد فرمود که ترک درس کن و کتب از ملک خود بدر کن او همچنان کرد مگر کتابی چند که بسمت نفاست و لطافت موسوم بودند نزد خود نگاه داشت هنوز فتح باب معرفت در توقف بود تا بقیه کتب را نیز از خود جدا کرد او را دیدند که بر لب آبی نشسته اجزا را می شست و آب از چشم او میرفت تا لوح ضمیرش از نقش ماسوی الله پاک شد و در

بدل آن علم باطن نسبت یافت شیخ قاسم اودہی دہلوی از مریدان اوست رسالہ دارد مسمے
بآداب السالکین رحمۃ اللہ علیہما

میر فتح اللہ شیرازی شیعی مذہب از سادات شیراز اعلم العلمای زمان بود جمیع علوم عقلی ونقلی وحکمت وہیئت وہندسہ ونجوم ورمل وحساب وطلسمات ونیرنجات وجر اثقال نیکو میدانست ولیاقت رصد بندی داشت ودر علوم عربیت وحدیث وتفسیر وکلام نیز نسبت او مسلم است شاگرد غیاث الحکما ودو تصانیف خوب دارد میر موصوف اگرچہ در مجالس بغایت خلیق ومتواضع نیک نفس بود لیکن آن ساعت کہ بدرس اشتغال داشتی بشاگردان غیر از فحش والفاظ رکیک وہجو بر زبانش نرفتی ازین جہت کم مردم بدرس او میرفتند وشاگردے رشید ہم از وبرنخاستہ چند سال در دکن پیش عادل خان حاکم آنجا بود چون در سن نہصد ونود ویک ہجرے بملازمت اکبر شاہی آمد بعضد الملک مخاطب گردیدہ بملک کشمیر در نہصد ونود وہفت ہجری وفات یافتہ بمقام تخت سلیمان مدفون شد

از مصنوعات او آسیائی بود کہ خود حرکت میکرد وآرد سائیدہ می شد وآئینۂ کہ از دور ونزدیک اشکال غریبہ در وی مرئی میگشت وبندوقیکہ بیک گردش دوازدہ آواز میداد

بابا فتح محمد برہانپوری عالم علوم عقلیہ ونقلیہ محدث وعارف باللہ مدام در برہانپور درس دادی علم فقہ وحدیث وتفسیر از والد ماجد خود مولانا عین العرفا شاہ محمد عیسی جند اللہ برہانپوری اکتساب نمودہ جد او شیخ محمد قاسم سندہی بلقب رئیس المحدثین شہرت داشت مرقدش بکہ معظمہ است

مولوی فخر الدین زرادی بزرگی بود جامع علوم وتقوی ودر امر دین صلابتی تمام وعظمتے وافر داشت در اوائل حال پیش مولانا فخر الدین ہانسوی در شہر دہلی تعلیم میکرد وبخوبی طبع وقت سخن وفصاحت عبارت از ممتازان اہل شہر بود عاقبت مرید وخلیفہ سلطان المشائخ حضرت نظام الدین اولیا قدس سرہ شدہ از میان متعلمان برآمد ودر سلک درویشان منسلک گشت وبیشتر احوال در سفر بودی ودر صحاری وبیابانہا عبادت خدا کردی وصوم دائم داشتی وزمانیکہ در عہد محمد تغلق شاہ بادشاہ دہلی مردم دہلی را بدیوگیر میفرستادند او نیز رفت از انجا بزیارت خانہ کعبہ رفت واز انجا بہ بغداد رفتہ علم حدیث بحث کرد ہنگام بازگشت در کشتی

غرق آب شد و مولانا بدرجهٔ شهادت رسید در صرف کتابی از وی مشهور است رحمة الله علیه

مولوی **فخر الدین احمد آله آبادی** از اولاد امجاد شاه رفیع الزمان مرحوم اله آبادی که یکی از دائره منجمله دو دائرهٔ دوازده گانه اله آباد بنام نامی شان به محله یحیی پور مشهور است رکنی بود از شرفای شهر اله آباد بشهر لکهنؤ در خدمت علمای عصر یعنی مفتی محمد یوسف و مولوی نعمت الله و مفتی محمد اصغر و مولوی حسین احمد محدث لکهنوی فرنگی محلی و آخون شیر محمد ولایتی تحصیل علوم متعارفه متداوله نموده بعد فراغ علمی مراجعت به اله آباد وطن خود فرموده وساده آرای مسند ارشاد حسب خاندان خود گردیده و حج بیت الله الحرام شرف اندوز شد علاوه آن افادهٔ درس بطلبه و افاضهٔ معالجه بمرضی نیز میفرمود و بوجه حذاقت و شهرت معالجه ملقب بحکیم بادشاه شد اکثرے از خلفای طریقت و تلامذهٔ علوم به برکت فیض شان نامی و گرامی شدند مثل مولوی مسیح الدین احمد خلف و خلیفه موصوف الذکر و مولوی محمد عبد السبحان ساکن احمد آباد نارہ و برادر زادهٔ شان مولوی حافظ عبد الکافی وغیرهم منجمله تصانیف ممدوح الذکر رسالة تفرقة البدعة والسنة وکشف الالسنة عن تکفیر الفرقة الرفضة و رسالهٔ تکبیر و نذیر و رسالهٔ مولد شریف و رسالة المناسک الحج و رسالهٔ ازالة الشکوک والاوهام بجواب تقویة الایمان و فاتحة فی جواز الفاتحة مشهور اند بالجمله بمصداق آیهٔ کریمه کل من علیها فان بعمر هفتاد و دو سالگی بتاریخ بست و سوم ربیع الثانی یوم جمعه سال یکهزار و سه صد و سه هجری از دار فنا بدار بقا رحلت فرموده بمحله یحیی پور منجملات شهر اله آباد مدفون شد علیه الرحمة والغفران

فرید واحد العین از نگاروان سید شاه میر سا نه بود و در انجمان نشان سید هند که با آنکه تحصیل چندان نکرده بود اما هر مسئله مشکل و بحث دقیق و غامض را از هر کتاب مستفتیانه که از وی می پرسیدند در لحظه قلم و دوات گرفته در سلک تحریر کشیده حل می ساخت اما تو با تحریر بلکه قرأت آنچه خود می نوشت نداشت

مولوی **فرید الدین احمد** بن سید محمد راجی ابن مولوی سید یاد علی مشهدی کره وی ذهن و ذکای جبلی دارد و با وائل در خدمت مولانا محمد سلامت الله کشفی کانپوری و دیگر علمای وقت اکتساب علوم متداوله نموده متوجه به تعلم قوانین انگریزی شد و در قانون دانی و معاملات فهمی مشار الیه اماثل و اقران و مورد عنایات حکام والا شان گشت چندی بوکالت هائی کورت زمان به بعهدهٔ سب جج امتیاز داشت الحق اگر به تحصیل علوم بخدمت علمی کمربستی کم از ملا حسن سهالوی و ملا عبد الحکیم نبودے در بنجا لت هم متاع و عقار که وی دارد دیگر همچشمان را کم داده اند با این همه اغره و اقربا پروری

شعار خاص اوست بتقریب جیوبلی ملکہ انگلستان و قیصر ہند او نیز بخطاب خان بہادر امتیاز یافتہ
سلمہ اللہ تعالے

مولوی فضل امام خیرآبادی شیخ فاروقی شاگرد رشید مولوی سید عبد الواجد خیرآبادی بمنصب صدر الصدوری شاہجہان آباد از سرکار انگریزی عزت و امتیاز داشت بر میرزاہد رسالہ و میرزاہد ملا جلال حواشی متینہ نوشتہ و در علوم عقلیہ گوی سبقت ربودہ آمدنامہ کہ دران قواعد فارسی بیان کردہ و نیز ترجمہ چند علمای جوار لکھنو تحریر فرمودہ بس مفید مبتدیان ست پنجم ذیقعدہ سال دوازدہ صد و چہل و سہ ہجری داعی اجل را لبیک اجابت گفتہ بفردوس بریں شتافت

مولوی فضل اللہ سندیلی ابن سید شاہ غلام علاء الدین مخدوم زادہ سندیلہ در اوائل از مولوی زین العابدین سندیلی تحصیل علوم کردہ تکمیل آن در قصبہ گوپامو بخدمت علمای عصر آنجا نمودہ مرید و سجادہ نشین والد خود بود بہدایت و ارشاد طالبین میپرداخت باواخر صدی دوازدہم وفات یافتہ بمقبرہ کریم باغ اندرون روضۂ پدر خود واقع قصبۂ سندیلہ مدفون گشت

مولوی فقیہ اللہ سندیلی ابن سید صلح اللہ بن سید غلام علاء الدین مخدوم زادہ سندیلہ در سال دوازدہ صد و سہ ہجری متولد شدہ بخدمت مولوی احمد بخش سندیلی و مولوی ہادی ساکن دیوا و مولوی غلام حسین بنگالی و مولوی اسلم بلگرامی و مولوی نور الحق لکھنوی و مولوی محمد حید ر فرنگی محلی لکھنوی و مولوی سراج الحق فرنگی محلی لکھنوی و مفتی محمد اصغر فرنگی محلی و مولوی محمد جعفر ساکن کسمنڈی اکتساب علوم نمودہ و بیعت ارادت از والد خود حاصل کردہ ہموارہ درس میداد و وعظ میفرمود بتاریخ بست و دوم صفر سال دوازدہ صد و پنجاہ و نہ ہجری وفات کرد بصحن مسجد مخدوم صاحب واقع قصبۂ سندیلہ مدفون گردید

شاہ فضل اللہ برہانپوری بہ لقب نائب رسول اللہ شہرت داشت اصلش از جونپور است و برہانپور وطن اقامت اوست کہ در انجا متوطن شدہ مدرسہ بنہاد نہاد و مدام بدرس فقہ تفسیر و حدیث و تصوف مشغول می بود مصارف مدرسہ و طلبہ بادشاہ وقت خود میداد وفات وی درسن ہزار و پنج ہجری در برہانپور وقوع یافتہ ہمدرانجا مدفون گشت

مولانا فضل رحمن اوصاف حمیدہ و خصائص پسندیدۂ شان بحدیاند کہ قلم مقطوع اللسان

شمہ ازان بر صفحۂ قرطاس بی اساس برنگارد و انسان ضعیف البنیان را چہ یارا کہ عشر عشیر آن بمعرض
بیان آرد ؎ لا یدرک الواصف المطری خصائصہٗ وان یک سابقًا فی کل ما وصفا ٭ بالجملہ نام
والد ماجد شان اہل اللہ بن محمد فیاض متوطن قدیم قصبۂ ملانوان ضلع اونام ممالک اودہ از اولاد
امجاد مخدوم شیخ محمد ملانوان مصباح العاشقین ہست حضرت شان بنات خود قصبۂ مراد آباد
ضلع اونام را کہ از ملانوان سہ کروہی فاصلہ دارد بقدوم سکونت رونق بخشیدہ اند و بعض اولاد
شان ہنوز بقصبۂ ملانوان مقیم اند حضرت موصوف الالقاب در سال دوازدہ صد و ہشت ہجری
ولادت یافتند چنانچہ فضل رحمن بدون الف و لام تعریف و الف بعد میم نام تاریخی و شان ہست
بدین حساب عمر شریف تا سال سیزدہ صد و پنج ہجری کہ زمانۂ تالیف مجموعۂ ہذا ست نود و ہفت
سال می شود اللہم متع المسلمین بطول بقائہٖ تحصیل علوم درسیۂ رسمیہ بخدمت اساتذۂ وقت کہ مشہور ترین
آنہا مولانا شاہ عبد العزیز دہلوی و مرزا حسن علی کبیر محدث لکھنوی و مولوی محمد اسحاق دہلوی اند
فرمودند ورع و تقوی و اتباع فقہ و حدیث شعار و دثار او شان ہست ارادت بیعت و
اجازت خلافت از حضرت شاہ محمد آفاق دہلوی و نیز از حضرت شاہ غلام علی دہلوی قدس اللہ
سرہما دارند چون از بدو سن شعور طبع گرامی بشغل باطن مجبول شدہ اتفاق تدریس و تصنیف نیفتادہ
در اوائل حال گاہی بہ تذکیر و موعظت می پرداختند الحال بوجہ ضعف جسمی کہ لازمۂ این عمر است
آنہم نمی شود مگر تاہم فی زماننا مرجع خلائق اند صغیر و کبیر و توانگر و فقیر مشہور و غیر مشہور از نزدیک
و دور مے آیند و بشرف بیعت بہرہ یاب مے شوند دام اللہ فیضہ علی رؤس المسترشدین
مؤلف اوراق بماہ ذیحجہ سال سیزدہ صد ہجری از وطن مالوف بارادۂ استلام سدۂ منیفہ تا بکانپور
رفتہ و از انجا بدریافت آمد کہ از او نام تا مراد آباد آب باران سر بطغیانی دارد کہ عبور بسواری عرابہ و
پالکی وغیرہ دشوار ہست ناچار بزبان حال شعر مشہور آوردہ بریوان واپس آمدم ؎ تہی دستان
قسمت را چہ سود از رہبر کامل ٭ کہ خضر از آب حیوان تشنہ می آرد سکندر را

مولوی فضل رسول بدایونی ابن مولوی شاہ عبد المجید قدس سرہما بماہ صفر سنہ دوازدہ
صد و سیزدہ ہجری متولد شدہ نام تاریخی وی ظہور محمد است تکمیل و تحصیل کتب درسیہ متعارفہ
بخدمت مولوی انوار الحق فرنگی محلی خلف مولوی انوار الحق شاگرد ملک العلما بحر العلوم ملا عبد العلی

نمودہ بقصبہ ردولی پیشگاہ مزار پر انوار مخدوم شاہ عبدالحق قدس سرہ و اکابر علمای وقت مثل مولوی عبدالواسع و مولوی عبدالواجد خیرآبادی و مولوی ظہور اللہ فرنگی محلی و غیرہم رسم دستاربندی ادا فرمودند زان بعد علم طب از حکیم سید بر علی خان موہانی و علم حدیث و تفسیر از شیخ المکہ عبداللہ سراج و شیخ المدینہ شیخ عابد مدنی و علم تصوف از والد ماجد خودش حاصل نمودہ و نیز بیعت و خلافت در سلسلۂ قادریہ چشتیہ از والد خود یافتہ چند بار بحرمین شریفین رفتہ از حج و زیارت مشرف گشت یکبار از دہلی احرام بستہ پیادہ تا بمبئی رسیدہ و از انجا بسواری جہاز بجدہ فرود آمد باز جدہ بمدینہ پیادہ رفتہ ہمچنین بہ کمال جذب و ارادت ببغداد خیرالبلاد رفتہ سجادہ نشین و سادۂ غوثیہ حضرت سید علی ہم از خود اجازت خاص بوی عطا فرمودہ بالجملہ ہموارہ بہدایت و تعلیم خلائق و تدریس می پرداخت و در بیخ کنی وہابیہ کوشش بلیغ می نمود بسیاری از علمای فضلای نامی بسایۂ تربیتش نشو و نما یافتند از انجملہ مولوی فیض احمد بدایونی و مولوی سخاوت علی جونپوری و مفتی سداللہ آلہ آبادی و مولوی شاہ احمد سعید رامپوری و مولوی عنایت رسول چریاکوٹی ہستند سوم جمادی الثانی سال دوازدہ صد و ہشتاد و نہ ہجری روز پنجشنبہ بعد نماز ظہر بعمر ہفتاد و ہفت سالگی جہان فانی را پدرود فرمودہ در بدایون مدفون گشت بردا اللہ مضجعہ مولوی عبدالسلام مرادآبادی تاریخ وفاتش در فقرۂ انا فضل الرسول یافتہ تصانیفہ المشہورۃ بوارق محمدیہ ۔ تصحیح المسائل ۔ معتقد منتقد ۔ سیف الجبار ۔ فوز المومنین ۔ تلخیص الحق ۔ احقاق الحق ۔ شرح فصوص الحکم ۔ رسالۂ طریقت ۔ حاشیہ میر زاہد ۔ حاشیہ ملا جلال ۔ طب الغریب ۔ رسائل و دیگر مسائل شتی

مولوی فضل حق خیرآبادی عمری حنفی ماتریدی چشتی در سال دوازدہ صد و دوازدہ ہجری ولادت یافتہ شاگرد پدر خود مولوی فضل امام است حدیث از مولانا عبدالقادر دہلوی اخذ کردہ و قرآن مجید در چہار ماہ یاد گرفتہ و فراغ علمی بعمر سیزدہ سالگی حاصل نمودہ مرید شاہ دہومن دہلوی بود در علوم منطق و حکمت و فلسفہ و ادب و کلام و اصول و شعر فائق الاقران و استحضارے فوق البیان داشت کلامش زائد بر چہار ہزار اشعار شاہد بود از بلاد بعیدہ طلبہ علوم آمدہ از و مستفید می شدند بسال دوازدہ صد و شصت و چہار ہجری مؤلف حدیقہ بمقام لکھنؤ بخدمتش رسیدہ دیدکہ در عین حصہ کفی و شطرنج بازی تلمیذی را سبق افق المبین میداد و مطالب کتاب بلا

بہ تعلم با حسن بیانی دل نشین می نمود تالیفات رائقه دارد انگریزان او را بزمانه فساد ہند قید کرده
بجزیرهٔ رنگون فرستادند ہمدرانجا بتاریخ دوازدہم صفر سال دوازده صد و ہفتاد و ہشت ہجری
وفات یافته **تصانیفه** الجنس الغالی فی شرح الجواہر العالی۔ حاشیه شرح سلم قاضی مبارک۔ حاشیه
افق المبین۔ حاشیه تلخیص الشفا۔ الہدیة السعیدیة در حکمت طبعی۔ رساله تحقیق العلم والمعلوم۔ الروض
المجود فی تحقیق حقیقة الوجود۔ رساله تحقیق الاجسام۔ رساله تحقیق کلی طبعی و تشکیک در ماہیات
و تاریخ غدر ہندوستان خلف رشید وی مولوی عبدالحق که آئینه کمال پدر است بریاست رامپور تعلق دارد

شیخ فضیل کالپوی پسر کلان شیخ جلال واصل کالپوی در وادی عربیت دستگاہی غریب
داشت اشعار و قصائد عربیه بفصاحت تامه اوست این مطلع قصیده وی است که جواب معین الدین
طنطرانی گفته ؎ یا جمیل الوجه وجهی عن قدیم الحال حال ٭ راح روحی بالنوی والدمع کالسلسال
سال ٭ و مطلع قصیده طنطرانی اینست ؎ یا خلی البال قد بلبلت بالبلبال بال ٭ بالنوی زلزلت
قلبی فهو بالزلزال زال ٭ و شیخ فضیل موصوف توقیع نثر و نظم عربی که بر تفسیر شیخ فیضی نوشته دلالت
بر کمال او دارد

مولوی فقیر محمد جہلمی بن حافظ محمد سفارش بموضع چتن که از شهر جہلم بفاصله دو میل جانب
غرب است بروز پنجشنبه در دوازده صد و شصت ہجری متولد شده تحصیل علوم عربی درسی
بخدمت میان قطب الدین ساکن تالیان واله و میان غلام محمد ساکن موضع بباده و مولوی
نور احمد ساکن موضع کمانی کوتلی و غیره علمای عہد تحصیل کرده رفته رفته بسلک تلامذه مفتی صدر الدین
خان صدر الصدور دہلی منسلک گشته باندک زمانی فارغ التحصیل گشت و بوطن مالوف واپس آمد
و در رد مذہب نصاری کوشش بلیغ دارد و الحال مالک و مربی مطبع سراج المطابع واقع جہلم است
ترجمه تصدیق المسیح و حاشیه صیانة الانسان عن وسوسة الشیطان و حدائق الحنفیه در تذکره علمای
حنفی و زبدة الاقاویل فی ترجیح القرآن علی الاناجیل و رساله آفتاب محمدی از تصانیف وی است سلمه الله تعالی

مولوی فیض احمد بدایونی ابن حافظ غلام احمد بن مولوی شمس الدین ابن مولانا محمد علی
بدایونی ولادت وی در حدود دوازده صد و بیست و سه ہجری رو داد۔ تحصیل علوم عقلی و نقلی بخدمت
خال خود مولوی شاه فضل رسول بدایونی بکمال تحقیق و تدقیق تحصیل نموده مرید مولانا شاه

عبدالمجید جد مادری خود بود و تشریح کمالات علمیه و حالات قدسیه وی درین مختصر گنجائش ندارد و منجمله
تالیف او حاشیه صدرا و حواشی فصوص فارابی و دو دواوین ثلثه عربی و فارسی دارد و در مناقب
حضرت غوث الاعظم قدس سره بود که اکثر از آنها در فتنه عامه هند ضائع شد و وی رحمة الله علیه
در حدود سال دوازده صد و هفتاد و چهار هجری رحلت فرمود

ملا فیروز کشمیری معروف به چاگنای والد بابا نوتی گنائی بعنفوان شباب از زیارت
حرمین شریفین مشرف شده واپس بهندوستان آمده در بدایون باکتساب علوم کوشش نمود
مگر بے سود بود آخر برهنمونی طالع بخضر علیه السلام دوچار گشت از و استدعای علم کرده وی او را
تعلیم علوم نمود صاحب ترجمه به فقه و حدیث و تفسیر وغیره فائق اقران گشته بعهده افتای کشمیر عز
امتیاز یافت و مرید میر حمزه کشمیری شده در عهد حسین شاه والی کشمیر بسال نهصد و هفتاد و سه هجری
بعمر هفتاد سالگی از دست اهل تشیع کشته شد شیخ یعقوب صیرفی در تاریخ فوت او فرموده
از پے تاریخ در دین وحید گفت شد از بهر دین ملا شهید از فرزندانش ملا عبدالوهاب دانشمندی
صاحب تالیف بود بر حاشیه توقی و شرح مواقف و شرح شمسیه حواشی نوشته

حرف القاف

قاضی خان ظفرآبادی نامش یوسف ناد بوم ظفرآباد مرید خلیفه شیخ حسن ابن طاهر جونپوری
جامع علوم ظاهر و باطن و بصفت قناعت موصوف بود نصیر الدین محمد همایون شاه هر چند از وی
التماس قبول نذری کرد وی قبول نکرد و گفت ع از خدا خواهم و از غیر نخواهم بخدا که نیم بنده
غیر و نه خدای دگر است چون فرمان معافی پیش شیخ عبدالله که اکبر اولاد او بود بردند وے
نیز قبول نکرد و گفت پسر باید که بر متابعت پدر رود وفات قاضی خان پانزدهم صفر سال
نهصد و هفتاد بود مرقدش در ظفرآباد سواد جونپور است

قاضی قاضن بهکری ابن قاضی ابوسعید بن قاضی زین الدین بهکری سرآمد علمای وقت
بانواع فضائل حفظ قرآن و علم قرائت نکو آراسته بود در فقه و تفسیر و حدیث و تصوف و عربیت
انشا مهارتی کافی داشت در راه ای سلوک بسی ریاضات کشیده و بزیارت حرمین شریفین
رسیده و سیر و سفر بسیار کرده بالآخر در سلک مریدان سید محمد جونپوری مدعی مهدویت منسلک گردید

لهذا علمای وقت بر وی طعن داشتند آخر از شاه حسن حاکم سند قضای بهکر یافته بجای سوروقی نشست
و در کبر سن ازو استعفا جسته به برادرش قاضی نصرالله سپرده وی بسال نهصد و پنجاه و هشت هجری در
گذشت بهکر به بای موحده مفتوح مخلوط بها و کاف عربی مشدد مفتوح مخلوط بهای هوز و رای مهمله
نام شهریست از مضافات سند

ملا قاسم کاهی تخلص از علم تفسیر و هیأت و کلام و تصوف و بیرا بهره تمام بود و هم در موسیقی تصنیف
دارد اگرچه صحبت مشائخ متقدمین و زمانه مولانا جامی قدس سره السامی و غیر ایشان دریافته اما تمام عمر
بالحاد و زندقه صرف کرده مع ذلک صفت وارستگی و آزادگی و بذل و ایثار به وجه اتم داشت دیوان
اشعار او مشهور هست و گل افشان نام مثنوی در جواب بوستان سعدی قافیه بقافیه گفته مطلع آن نعت
س جهان آفرین را بجان آفرین ٭ بجان آفرین صد جهان آفرین ٭ از عهد همایون شاه تا عهد اکبر شاه
زنده بود تاریخ فوتش بدریافت نرسید

سید قطب الدین محمد بن الحسنی الکروی ابن سید رشید الدین احمد بن الغزنوی که سلسله نسب
پدری وی بحضرت امام حسن بن امیر المومنین علی رضی الله عنهما می پیوندد عالم متبحر و فقیه نحریر صاحب
ولایت و مجاهد فی سبیل الله بود در پانصد و هشتاد و یک هجری متولد شده بعهد سلطان قطب الدین
التمش از غزنی بدهلی قدم آورده و از انجا بموضع کره بضم کاف عربی و رای مهمله مشدده مفتوحه در آخر الف
که قریب قصبه هسوه بمسافت نیم فرسنگ واقع هست و به کره ساوات شهرت دارد رخت اقامت انداخت
پس از ان به نیت غزا و جهاد بخطه کره بفتح کاف عربی و رای هندی و الف که بقاییست بر لب گنگ
محاذی مانک پور رونق افروز شده با راجه جی چند غزا فرموده غالب آمد و بعمر نود و شش سالگی بمقام
کره سوم رمضان سال ششصد و هفتاد و هفت هجری رحلت فرمود سه پسر عقب خود گذاشت سید
نظام الدین سید قوام الدین مقیم دهلی سید تاج الدین قاضی بداون اولاد امجاد سید موصوف الرحمة
در قصبات کره و نصیر آباد و در دولی و کوندهن پتی و اجهوا و رسول پور و کرولی و منعم آباد و راجوپور و گوالیار
و کرتی و جهیرا و دهلی و بداون و هسوه و غیره سکونت دارند بساوات قطبیه مشهور اند -

ملا قطب الدین شهید سهالوی از شیوخ انصاری هست که نسبش بسیدنا ابو ایوب انصاری
رضی الله عنه صاحب رسول الله صلی الله علیه وسلم می پیوندد یکی از بزرگانش از مدینه طیبه بهرات آمده

متوطن شد و از اولاد امجادش خواجه عبد الله انصاری مشهور و معروف در هرات مدفون است از
احفاد خواجه موصوف شیخ علاء الدین انصاری بهند آمده بجوار دهلی سکونت ورزیده وفات یافت
از احفاد علاء الدین صدر الذکر ملا نظام الدین بقصبه سهالی مضافات اوده رخت اقامت انداخت
وی بپشت هشتم از ملا قطب الدین شهید بود ملای صاحب ترجمه امام الاساتذه ومقدام الجهابذه معدن
علوم عقلیه مخزن فنون نقلیه بود اخذ علوم از ملا دانیال جورسی شاگرد ملا عبد السلام ساکن دیوه و
از قاضی گهاسی شاگرد شیخ محب الله اله آبادی کرده عمر عزیزش بشغل درس بسر برد گویی ریاست
علمی بجوار لکهنؤ برو ختم شد و سلسله تلمذ اکثر علمای هند بدو منتهی می شود در قصبه سهالی دو فریق از شیوخ
یکے عثمانی دوم انصاری مقیم و قائض بودند و هر دو فریق بوجه مشارکت زمینداری قصبه سهالی باهم نزاع
موروثی داشتند در سال یازده صد و سه هجری شیوخ عثمانی وقت شب بخانه ملا قطب الدین انصاری
هجوم کرده او را از جان کشتند و مکانش سوختند مسوده حاشیه شرح عقائد دوانی مصنفه وی بهمان
هنگامه تلف شد و کتاب تلویحات از تصانیف اوست و او چهار فرزند ارجمند عقب خود گذاشت
که اولاد آن هر چهار تا تحریر کتاب هذا در فرنگی محل واقع لکهنؤ و ضلاع بنارس و مرزاپور موجود اند ابقاهم الله
ابدے ماشاء الله اولاد هر یکے از فرزندانش صاحب علم و عمل بوده اند بقول شخصی ع اینخانه تمام
آفتاب است ع در تمامی هندوستان اینچنین خاندان که در ان علم موروثی ابا عن جد باشد یافته نمی شود
بجز خاندان ملای شهید برخی از احفاد امجادش که بوفور علم و کثرت درس و تصانیف خود شهرهٔ آفاق
بودند ذکر شان درین اوراق ثبت کرده شده سهالی بکسر سین مهمله و های هوز و الف و لام بکسره
ویای تحتانی معروف قصبه ایست از توابع لکهنؤ جورس بفتح الجیم الفارسی وسکون الواو و رای
مهمله مفتوحه و الف و سین مهمله قصبه ایست از قصبات ملک اوده دیوه بکسر دال مهمله و
سکون یای تحتانی و فتح واو و های هوز در آخر قصبه ایست از قصبات ملک اوده فرنگی محل
اکنون محله ایست از محلات شهر لکهنؤ دار الاماره صوبه اوده سابق قطعه زمین بود که در ان تاجری
از فرنگستان سکونت داشت ازین وجه آن قطعه زمین بفرنگی محل شهرت گرفت بعد مرور ایام
بوجه نماندن اعقاب تاجر فرنگی زمین مذکوره در نزول شاهی در آمد بعد قتل ملاے شهید
اولاد شان جهت قیام خودهاے مذکور معاف یافتند و در انجا هنوز اولاد شریفش قیام پذیر اند

و آن موقع به فرنگی محل شهرت دارد

مولوی قطب الدین شمس آبادی اصلش از سادات اٹیهی است از انجا بشمس آباد آمده اقامت ورزید اعلم علمای زمان بود اولاً از علمای زمانه خود اکتساب علوم کرده بعده بزمره تلامذه ملا قطب الدین سهالوی داخل شده فراغ علمی حاصل کرد و تمام عمر بشمس آباد بر مسند افاده و درس متکی بوده بعمر هفتاد سالگی در سال یکهزار و یکصد و بست و یک هجری درگذشت نور الله مرقده اٹیهی بفتح همزه و کسر میم و یای تحتانی ساکن مجهول و تای هندی مخلوط بهای هوز و یای تحتانی معروف قصبه ایست از قصبات لکهنو و شمس آباد قصبه از توابع قنوج

نواب قطب الدین خان بهادر محدث دهلوی در دوازده صد و نوزده هجری ولادت یافته فقیه و محدث و مفسر قامع شرک و بدعت بود علوم دینیه خصوصاً حدیث و اصولش از مولوی محمد اسحاق دهلوی حاصل نمود و نیز از فیض علمای حرمین شریفین مشرف گشته در دوازده صد و هفتاد و نه هجری بمکه معظمه وفات یافته **تصانیفه** مظاهر حق ترجمه اردو و شرح اردو مشکوة جامع التفاسیر ظفر جلیل ترجمه اردو حصن حصین مظهر جمیل - مجمع الخیر - جامع الحسنات - خلاصه جامع صغیر - هادی الناظرین - فقه سلطان - معدن الجواهر - وظیفه مسنونه تحفة الزوجین - احکام الضحی - فلاح دارین - تنویر الحق - توقیر الحق تحفة العرب والعجم - احکام العیدین - رساله مناسک - خلاصة النصائح - گلزار جنت تنبیه النساء - حقیقة الایمان - مراد المعاد - تذکرة الصیام تذکرة الربا و غیر ذلک

مولوی قطب الهدی ساکن رای بریلی بن سید محمد واضح بن سید محمد صابر بن سید آیة الله بن سید شاه علم الله قدس الله اسرارهم از اکابر علمای وقت متشرع و متدین بود کتب درسیه از افاضل لکهنو خوانده و حدیث و تفسیر و جز آن از دینیات بخدمت مولانا شاه عبد العزیز دهلوی و برادران ایشان و از شاه عبد القادر مصنف موضح القرآن قرات و سند کرده و دستگاهی عالی درین علوم حاصل فرمود و اخذ معارف و لطائف بخدمت شاه غلام علی دهلوی نموده بعد از تکمیل تحصیل و معاودت بوطن مالوف گوشه عزلت اختیار کرده در تدریس دینیات و تربیت طالبان مولی تعالی می پرداخت وفاتش در چهل سالگی بتاریخ نوزدهم ربیع الآخر سن دوازده صد و بست و شش هجری واقع شده از تصانیف وی رحمه الله غیر از رساله موسومه بجانب الشرقی فی اثبات کفر

فرعون الغرقی یافته نه شد

سید قمر الدین حسین اورنگ آبادی بن سید منیب الله بن سید عنایت الله اصل او
از سادات خجند است در سال یکهزار و یکصد و بیست و سه هجری متولد شده علوم عقلیه و نقلیه از علمای
نامدار آن دیار حاصل کرده بحفظ قرآن مجید توفیق یافت و طریقه نقشبندیه از پدر خود پوشید عالم با عمل
و فاضل اجل بود تاریخ بستم جمادی الاولی سال یکهزار و یکصد و هفتاد و چهار هجری باراده زیارت
حرمین شریفین از اورنگ آباد مع دو فرزندان خود میر نور الهدی و میر نور العلی روانه شده اولاً بمدینه
طیبه از جده متوجه شده هفتم ذیقعده سال مذکور بمدینه سکینه داخل گردیده بزیارت نبوی صلعم
مشرف یاب گشت و تاریخ چهارم ذیحجه سن مذکور بمکه معظمه رسیده مناسک حج ادا کرده بوطن خود
اورنگ آباد واپس آمده کتاب مظهر النور تحشیه و جز از تصانیف اوست که در سال یکهزار و
یکصد و شصت و چهار هجری تصنیف کرده تاریخ دوم ربیع الاول یکهزار و یکصد و نود و سه هجری
رحلت فرموده در اورنگ آباد مدفون گردید غلام علی آزاد تاریخ وفاتش در لفظ موت العلماء ثلمة یافته

سید قوام الدین دهلوی ابن اوسط سید قطب الدین محمد بن الحسنی عالم عامل و فاضل
متدین و کامل بود بدختر سلطان التمش کدخدا شده بدهلی اقامت ورزید ولادتش بسال ششصد و
بیست و هفت هجری بظهور پیوسته و بعمر هشتاد و سه سالگی در سال هفتصد و ده هجری رحلت فرمود
از تلامذه او سید رکن الدین بن سید نظام الدین بن سید قطب الدین محمد بن الحسنی بود

مفتی قوام الدین محمد کشمیری ابن مولوی سعد الدین صادق ابن مولوی معز الدین بن
امان الله شهید بن مولوی خیر الدین چهارم شعبان سال دوازده صد و پنجاه و دو هجری ولادت
یافته محدث و فقیه جامع کمالات ظاهر و باطن بود بعد ختم قرآن مجید بخدمت شیخ رحمه الله ملا
مقیم لستعلو پیگرد بهفت سنی کسب علوم و فنون کرده مسعود اقران گشت و اجازت حدیث از
میر قادری تلمیذ شیخ القراء و حاجی عبد الولی طرخانی تلمیذ شیخ ابو الحسن سندهی مدنی و حاجی نعمت الله
نوشهری و بابا محمد محسن بلچهری تلمیذ مولوی امان الله شهید یافته بخانقاه سید محمد امین اویسی هنگامه
درس و تدریس گرم ساخت و رفته رفته بقضای کشمیر و شیخ الاسلامی آن دیار رسیده و بصحبت شاه
زین العابدین قادری و میان زکریا لاهوری و شیخ الاسلام احمد اکبرلی و خواجه عبد الرحیم بیگمان تنها

مستفید و مستفیض شده کتاب صحائف سلطانی که مشتمل بر بیان شصت علوم از تصانیف
اوست نهم ماه ذیقعده سن دوازده صد و نوزده این جهان را پدرود نمود۔

حرف الکاف

مولوی کرامت الله چریاکوٹی ابن احمد فلیح عباسی از ماهران علوم و نام آوران آن مرز و بوم
بود بصغر سن بعد از مرگ پدر وطن را وداع نمود و بطلب علوم بجونپور ورود فرمود و آنجا
بخدمت ملا محمد عسکری شیعی نبدی از کتب درسیه با تمام رسانید بعد از آن پیش ملا احمد الله سندیلی رسیده
از کسب علوم و معارف هر تلید و طارف فارغ گردید و خواست تا بهم دستاربندی پردازد و غلغله
شهرت خود باطراف ملک و چارسوی گیتی اندازد گویند مجلسی آراسته شد و قریب سی صد از علمای
امصار و طلبه هر دیار گرد آمدند و هر کسی از آن انبوه مسئله از مسائل علوم مختلفه همی پرسید آن فاضل
عالی پایگاه بجواب هریکی از آن تحسین بیکران و آفرین بی پایان می شنید بعد تحصیل علوم بطلب دنیا
کوشید و از بعض امرای لکهنؤ بوجه کفاف تیولی که محاصلش دو هزار روپیه بود موظف گشت و تمام عمر
بجاه و جلالت تمام و در جمعیت خواص و عوام بسر برده در سال پنجاه و یک از صدی سیزدهم هجرت
بصد سالگی جهان فانی را پدرود فرمود

مولوی کرامت علی جونپوری صدیقی متشرع و متورع واعظ کثیر التصانیف والدرس
مرید سید احمد بریلوی در هدایت و ارشاد خلائق بغایت می کوشید خصوصاً مردم ممالک ڈهاکه و بنگاله
از وی مستفیض و مستفید شدند و دران دیار طریق اسلام از همین و برکت او شیوع یافته بتاریخ سوم ربیع الآخر
روز جمعه وقت صبح صادق سن یکهزار و دو صد و نود هجری وفات فرموده بمقام رنگپور مدفون
گشت شکر الله سعیه مولوی حافظ احمد فرزند ارجمند آن هدایت مآب و مولوی محمد محسن برادرزاده
شان یادگار وی اند سلمهما الله تعالی تصانیفش مفیده مفتاح الجنة - زینة المصلی - دعوات مسنونه
قرة العیون - تذکیه نسوان - زاد التقوی - راحت روح - نور علی نور - فیض عام - تذکیه العقاید
مراد المریدین - قوة الایمان - نسیم الحرمین - احقاق الحق - تنویر القلوب - حق الیقین - قول الحق -
مراة الحق - رفیق السالکین - عکازة المؤمنین بطرد المعاندین - براهین قاطعه فی مولد خیر البریه - کرامة
الحرمین فی ازالة شبهة الفریقین - ملخص القول الامین - اطمینان القلوب - هدایة الرافضین

برہان الاخوان مخارج الحروف۔ زینۃ القاری۔ شرح ہندی جزری۔ شرح شاطبی ترجمہ مشکوۃ جلد اول۔ ترجمہ شمائل ترمذی۔ فتح باب صبیان۔ کوکب دری۔ نورالہدی حجب قاطعہ۔ مکاشفات رحمت۔ دافع الوسواس مصباح الظلام۔ رسالہ بیعت۔ قامع المبتدعین استقامت۔ ردالبدعۃ قوت روح سبیل الرشاد۔ القول الثابت۔ رسالہ محمودیہ وغیرہ

مولوی کرم اللہ محدث دہلوی پدرش از ہنود بود بدست مولانا شاہ عبدالعزیز دہلوی خلعت اسلام پوشیده وی بعد تحصیل علوم ظاہر از شاه غلام علی دہلوی خرقہ خلافت یافت اکثری از اہل دہلی بفن قرأت شاگردش بودند یک مرتبہ بحج مشرف شده بوطن الیف آمد و بروالیسی خود تاسفها کرده باز بزیارت حرمین شریفین شتافت و در اثنای راه بسال دوازده صد و پنجاه و ہشت ہجری وفات یافت مورخ آیۂ کریمہ ومن یخرج من بیتہ مہاجرًا الی اللہ الآیہ گشت روح اللہ روحہ

مولوی کریم اللہ دہلوی ابن مولوی لطف اللہ فاروقی بخدمت مولانا شاہ عبدالعزیز دہلوی و مولانا رشید الدین خان دہلوی و مولوی محمد کاظم دہلوی اکتساب علوم رسمی نموده دست ارادت بدست سید آل احمد مارہروی عرف اچھے میاں داده نقد خلافت بدست آورده کثیرالدرس والتصانیف بود چہارم شوال سال نود و یکم صدی سیزدہم ہجرت بعمر نود سالگی از دار فنا ہجرت فرمود

مولوی کریم الزمان سندیلی ابن خواجہ جمال الدین از خواجہ زادگان قصبہ سندیلہ کہ نسب وی بحضرت عبیداللہ احرار علیہ الرحمۃ می پیوند بماه صفر سال دوازده صد و سی ہجری ولادت یافتہ بخدمت علمای عصر ہیچو مولوی تراب علی لکھنوی و مولوی سعداللہ مرادآبادی تحصیل نموده بدرس وافاده طلبہ علوم بسر می برد و بتاریخ بست و نہم ربیع الثانی سال دوازده صد و نود و ہفت ہجری بمرض فالج وفات یافتہ

مولوی کلیم اللہ جہان آبادی دانشمندی متبحر مرید شیخ یحیی مدنی بود کتب معتبره در علوم مختلفہ و علم حقائق تصنیف کرده سواءالسبیل و کشکول و مرقع از تصنیفات بدیعہ اوست و بسن ہزار و یکصد و چہل ہجری جان بجان آفرین سپرد نوراللہ مرقده

ملا کمال الدین سہالوی از اجل تلامذۂ مولانا نظام الدین بن ملا قطب الدین الشہید السہالوی است جامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول افضل ترین اذکیای عصر بود تصانیف انیقہ بسیار دارد از انجملہ عروۃ الوثقی و شرح کبریت احمر و حاشیہ مکالیہ بر شرح عقاید جلالیہ مبسوط و مشہور اند و تعلیقات

حاشیہ زاہدیہ کہ بر شرح تہذیب جلالی ہست نوشتہ وفات وی سیزدہم محرم الحرام سال ہفتاد و نہم صدی دوازدہم ہجرت وقوع یافتہ فقرہ بردالوہ مضجعہ مادہ تاریخ رحلتش یافتہ اند انعمہ اللہ بکمالہ۔

کمال الدین علامۂ دہلوی خواہرزادۂ شیخ نصیر الدین محمود چراغ دہلی و خلیفۂ او بود سلسلہ نسبتش بہ سیدنا حسن بن علی رضی اللہ عنہما می پیوندد و چونکہ وی بحدیث و تفسیر و فقہ و اصول یگانۂ روزگار بود ویرا علامہ می گفتند باحمدآباد گجرات قدوم آوردہ و مدتی بہ ہدایت و افادۂ خلائق بسر بردہ بسال ہفت صد و پنجاہ و شش ہجری وفات یافتہ در دہلی مدفون گشت نوراللہ مرقدہ

مولانا کمال الدین زاہد دہلوی دانشمند متبحر بکمال ورع و تقوی و دیانت موصوف بود شیخ نظام الدین اولیا مشارق الانوار کتاب حدیث را پیش او سند کردہ و او پیش مولانا برہان الدین بلخی و او پیش مصنف کتاب سلطان غیاث الدین بلبن آرزو کردہ کہ مولانا کمال الدین زاہد را امام خود فرماید مولانا انکار فرمود رحمۃ اللہ علیہ

ملا کمال الدین لاہوری برادر مولانا جمال الدین جامع علم و عمل و زہد و تقوی بود مدتی مدید در لاہور و سیالکوٹ بر مسند تدریس و تلقین متمکن بودہ افادہ و افاضہ خلائق می نمود شیخ احمد مجدد الف ثانی و ملا عبدالحکیم سیالکوٹی از ارشد تلامذہ وی بسال ہزار و ہفتدہ ہجری در بلدۂ لاہور وفات یافتہ مگر فی زماننا قبرش مفقود است تاریخ فوتش چنین است مصرعہ لحق حق قطب تاج اولیا ملا کمال

حرف اللام

مولوی لال محمد ساکن ہسوہ از سادات قطبیہ قصبہ ہسوہ ضلع فتحپور عالم متبحر جامع علوم عقلیہ و نقلیہ کثیر التصانیف بود بر اکثر کتب شروح و حواشی نوشتہ کتابی در نسب نامہ سادات عرب و عجم تحریر کردہ و تمام عمر بقصبۂ ہسوہ بافادۂ علوم عقلی و نقلی بسر بردہ لاولد وفات یافت ملفوظات قطبیہ از تالیفات وی است نسب پدری وی بہ سید قطب الدین محمد المدنی الحسنی کہ ذکرش بحرف قاف زیب تحریر یافتہ بدین نہج می پیوندد سید لال محمد بن فیض اللہ بن سید ملوک ابن سید علی بن سید جان بن سید طاہر بن سید رکن الدین بن سید قطب الدین بن سید اخوند بن سید بڈا ابن سید قوام الدین بن سید صدر الدین بن رکن الدین بن سید نظام الدین بن سید قطب الدین محمد المدنی الحسنی الغزنوی الدہلوی الکڑوی۔

شاه لطف الله انبالوی مرید شاه بهیکه چشتی لاهوری صاحب علم و عمل بود ثمرة الفواد در ذکر
کرامات و خرق عادات مرشد خود تالیف کرده در سال یکهزار و یکصد و هشتاد و شش هجری
وفات یافت نور الله مضجعه

حرف المیم

قاضی مبارک گوپاموی مرید و شاگرد شیخ نظام الدین امیٹهوی قدس سره بود کسب علم و تهذیب
اخلاق در خدمت شیخ موصوف نموده علمی بوجه اتم دریافت و تا مدتی بمنصب قضا داشت و تا آخر عمر
معزز و محترم و مکرم زیست و همچنان بجانب آخرت رحلت گزید یادگار رشید تلامذهٔ او میان مخدوم بداین
میان ابو الفتح خراسانی است که اکثر نسخ درسیه را درس میفرمود و دیگر سید یحیی الدین است که همین نسبت
داشت کذا فی منتخب التواریخ لملا عبد القادر البدایونی

شیخ مبارک ناگوری از فحول علمای روزگار بود در مبادی احوال پیش خطیب ابو الفضل کازرونی و مولانا
عماد طارمی در گجرات کسب علوم نموده پیوسته بدرس علوم دینیه اشتغال داشت و فن شعر و معما و غیره
سائر فضائل خصوصاً علم تصوف را خوب ورزیده و شاطبی را یاد گرفته درس می گفت و قرآن مجید را
بقرآت عشره حفظ کرده در آخر عمر تفسیر قرآن مجید چهار مجلد موسوم به منبع العلوم نوشته و میزان تفسیر لطیف
شریف دارد قریب پنجاه سال در آگره بافاده و افاضه طلبه علوم گذرانیده فرزندانش شیخ ابو الفضل
علامی و ملک الشعرا شیخ ابو الفیض فیضی فیاضی و شیخ ابو الخیر و غیره مفخر زمانه بودند هفدهم ذیقعده سال هزار و
یک هجری در لاهور برحمت حق پیوست

سید مبارک بلگرامی حسینی واسطی شاگرد شیخ نور الحق فرزند و تلمیذ شیخ المحدثین شیخ عبد الحق محدث
دهلوی بود عمر عزیزش در افادهٔ علوم دینی خاصة فن حدیث و درس طلبه صرف نموده بسال یکهزار و صد
و یازده هجری طائر روحش از قفس عنصری پرید و بشاخسار روضهٔ رضوان نشیمن گرفت رضی الله عنه

قاضی مبارک گوپاموی شارح سلم العلوم ابن شیخ محمد دائم دهوی فاروقی که بر منطقیات و شرح سلم
گواه عدیل است معاصر مولوی حمد الله سندیلی و مولوی قاضی احمد علی سندیلی بود و بهر دو قاضی مناظره و
مباحثهٔ علمی بظهور آمده بسال یازده صد و شصت و دو هجری رحلت فرموده کذا فی بحر زخار قاضی
بخاتمهٔ شرح خود عبارتیکه نوشته است بجنسه منقول می شود قد تم الشرح بفضل من الله تعالی وتبارک بس عبید

محمد مبارک فی سنة الف و مائة واربعین وثلث من الهجرة النبویة فی سابع شهر ربیع الاول یوم الخمیس
فی بلدة شاهجهان آباد والحمد لله رب العالمین حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه والصلوٰة علی نبینا محمد خیر البریة
وعلی آله وازواجه واصحابه المؤمنین والمؤمنات برحمتک یا ارحم الراحمین

مولانا شیخ محب الله آله آبادی دانشمند متبحر از مشاهیر علمای صوفیه در علوم ظاهر و باطن
سرخیل امثال واقران خود بود وطن اصلی او قصبه صدرپور توابع خیرآباد و مضافات او و نسبتش
بحضرت عمر فاروق رضی الله عنه بوساطت شیخ فرید شکرگنج می پیوندد دست ارادت بشیخ ابوسعید گنگوهی
داده خرقهٔ خلافت حاصل فرمود تحقیقات و تدقیقاتش در علم تصوف بمرتبهٔ اجتهاد رسیده بلکه می سزد
که شیخ محی الدین عربی را شیخ اکبر و ویرا شیخ کبیر گویند او را تصانیف عمده در حقائق و توحید بسیار اند که آن را
خزینهٔ دقائق و گنجینهٔ حقائق اسرار الهی توان شمرد از جملهٔ تصانیف او که مشهور اند بذیل مذکور می شوند
شرح فصوص عربی۔ شرح فصوص فارسی۔ رساله هفت احکام۔ غایة الغایات۔ مغالیط عامه۔
سر الخواص۔ عبادة الخواص۔ طرق الخواص۔ عبادة اخص الخواص۔ مناظر اخص الخواص۔ رساله تسویه۔
رساله سه رکنی۔ رساله وجود مطلق۔ نهم رجب سال هزار و پنجاه و هشت هجری قریب غروب آفتاب
آن آفتاب عالمتاب در پردهٔ عدم متواری گشت مزار شریفش در اله آباد زیارتگاه ارباب
بصیرت است و اولاد و امجادش بپایهٔ شاه محب الله قدس سره رونق افزا اند از انجمله مولائی و مرشدی
مولانا حافظ حکیم حاج الحرمین الشریفین مولوی محمد حسین سلمه الله رب المشرقین چراغ این دودمان
عالی هستند از ارشد تلامذه و خلفای شیخ محب الله قدس سره قاضی گهاسی اله آبادی و میر سید کبیر قنوجی
و میر سید محمدی فیاضی امروهی بودند رحمة الله علیهم علی اسلافه و اخلافه

قاضی محب الله بهاری ابن عبد الشکور بموضع کره متعلقه محب علی پور مضافات بهار در قبیله
ملک متولد شد بحری بود از بحار علوم و بدری بود بین النجوم در اوائل کتب درسیه از علمای عصر خوانده
آخر بزمرهٔ تلامذهٔ ملا قطب الدین شمس آبادی منسلک شده فراغ حاصل کرد بعده بدکن رفته بملازمت
عالمگیر بادشاه بعهده های قضای لکهنؤ و حیدرآباد از یکی بعد دیگری مباهی گشت بعده بتعلیم نبیره بادشاه
موصوف یعنی رفیع القدر بن شاهزاده محمد معظم ملقب بشاه عالم مامور گردید و در عهد محمد معظم شاه عالم
بعهدهٔ صدارت ممالک هند و خطاب فاضل خان ممتاز شد آخر کار در سال یازده صد و نوزده

ہجری وفات یافتہ اندرون احاطۂ مزار شاہ فریدالدین طویلہ بخش بمحلہ چاندپورہ محلات شہر بہار
مدفون شد تاریخ فوت او از مصرعہ قاضی مولوی محب اللہؒ و نیز از مصرعہ رفتہ سوی ارم محب اللہ
بر می آید سلم العلوم و افادات در منطق و مسلم الثبوت در اصول فقہ مع منہیۂ آن و الجوہر الفرد در بیان
جزء لایتجزی و رسالہ مغالطہ عامۃ الورود از تصانیف او مقبول و متداول علما اند از لفظ مسلم الثبوت
تاریخ تالیفش بر می آید یعنی یازده صد و نہ ہجری بہار بکسر بای موحدہ و ہای ہوز مفتوح و الف و رای
مہملہ شہریست در ممالک شرقی ہندوستان بعہد شاہان عائلۂ تیموریہ بنام صوبہ بہار مشہور بود کرا
بفتح کاف عربی و رای مہملہ و الف مقصورہ نام دہی ہست از توابع محب علی پور علاقہ بہار

انتباه

سید غلام علی آزاد بلگرامی در سبحۃ المرجان نوشتہ کہ محب اللہ بہاری شاگرد ملا قطب الدین شمس آبادی
بود و مولوی عبدالحلیم لکھنوی در حاشیۂ شرح ملا حسن نسبت تلمذ او بہ ملا قطب الدین شہید سہالوی
بیان کرده اند واللہ اعلم بحقیقۃ الحال

مولوی محمد احسن عباسی چریاکوٹی از عمده ترین اذکیای دہر و گرامایگان عصر بود برای
تکملۂ علوم عقلیہ و فنون نقلیہ بخدمت جامع علوم اولین و آخرین ملا نظام الدین لکھنوی فرنگی محلی
شتافتہ و در انجا از معارف عقلیہ و دقائق نقلیہ نصیبی وافی یافتہ قوت حافظہ و صفائی ذہنش
بمرتبہ بود کہ ہر کتابیکہ می خواند عبارت آن بجمیع الفاظ و معانی ہنگام مطالعہ بلوح حافظہ وی محفوظ
مے بود و گره ہمہ نکات و دقائق متعلقہ سبق ناخن فکرتش می کشود لاجرم پیش اوستاد سبق خود ہر روز
کتاب ناکشوده می خواند و در بحث دقائق و کشف معضلات دقیقہ در نظرش مخفی نمی ماند ہمہ دانستند
کہ کتاب ناخوانده نمی خواند بلکہ مضامین با جملہ ابحاث دقیقہ و تحقیقات انیقہ از پیشتر می داند **لطیفہ**
روزی شارح سلم العلوم ملا محمد حسن مرحوم بدو گفت کہ از تو عجبی ترکیست کہ کتاب خوانده میخوانی وی
بجوابش گفت کہ تو ئی زیرا کہ من نادانی خود را دانستم تا باصلاحش کوشیدم و تو این ہم ندانستی کہ من نادانم
لاجرم ہمچنان در تیرگی نادانی ماندی بالجملہ وی بعد تکمیل علوم بدہلی در آمده بخدمت ارکان دولت
شاہی عزتے عظیم و قدرے فخیم بدست آورد علمای شہر با وطرح جدال انداختند و علم
منازعت افراختند عاقبت ہمہ سپر انداختند و بہ خجالت و ندم ساختند از انجا کہ ذات والاپش

اعجوبهٔ روزگار و نادرهٔ امصار بود آوازهٔ بوالعجبیش بوالی شهر رسید و آن قهرمان حدیث کمالش را بگوش دل بشنید خواست تا بحضرتش خواند واز خاک مذلتش برگرفته بر کرسی دولتش نشاند چون حاسدان شنیدند بهلاکش کوشیدند خون جگر خوردند و زهر در طعامش کردند کارش تمام گردید مصرعه ای روشنی طبع تو بر من بلا شدی ؛ میگویند هرگاه زهر قاتل بر رگ و پی آن مظلوم سرکشید نامه از وطنش رسید وی دران کشاکش سوح پرفتوح در جوابش باین شعر کفایت ورزید و برید روحش بپای رضا و تسلیم بحضرت عزت سرمدی و دولت ابدی دوید **فرد** از حیاتم رمقی بود که یادم کردی ؛ بهر تحقیق

نفس آئینه شد نامهٔ تو

مولوی محمد احمد فرنگی محلی پسر و جانشین مولوی احمد انوار الحق هر چند اتمام تحصیل کتب درسیه چنانکه باید نکرده لاکن کسب اذکار و اوراد از والد خود نموده مدام بعبادت الٰهی مشغول بود پانزدهم صفر روز یکشنبه سال دوازده صد و شصت و شش هجری بجلد برین شتافت مصرعه نور انوار رفت

از دنیا ؛ مادهٔ تاریخ وفات اوست

مولوی محمد ادریس نگرامی ابن مولوی حافظ عبد العلی نگرامی شاگرد و خلیفه پدر خود است بحکم الولد سر لابیه بچو والد ماجد خود بتدریس و هدایت و ارشاد مردمان می کند خداوند کریم او را بحفظ و امان خود نگاه داشته بر جادهٔ استقامت و هدایت مستقیم دارد کتب مفصلهٔ ذیل از تصانیف رائقهٔ وی اند - ابراز الکتمان من تکمیل الایمان تحفة النبلا فی آداب الخلفاء القول المتین فی التابین الکلام الموطا فی تحقیق الصلوة الوسطی - مذاهب القدوس فی احکام الجلوس - طریق الفلاح الی الاضطجاع بعد رکعتی الصباح تحصیل المرام تبویب مسند الامام اربعین من مرویات نعمان سید المجتهدین الکلام النفیس فی ترجمة محمد ادریس تحفة المجیب فی تحقیق الصلوة والکلام بین یدی الخطیب الکلام المبین فی تحقیق مجدد ی الامین لمحاء السیئات باقامة الصلوات قرة العیون عن معنی کان فی عون

ملا محمد سعد سهالوی خلف اکبر ملا قطب الدین الشهید السهالوی شاگرد پدر خود علامه عصر است از حین حیات پدر بپیشگاه محی الدین اورنگ زیب عالمگیر بادشاه حاضر بوده خدمت صدر الصدور مملکت برهانپور حاصل نموده سر بلند بود همدران اثنا به غیبت وی ملا قطب الدین را شیوخ عثمانی سکنهٔ سهالی از جان کشتند وی رحمة الله علیه در دکن وفات یافته

مولانا شیخ محمد اسعد حنفی مکی از تلامذۂ شیخ تاج الدین مالکی نزیل مکہ است علامۂ وقت بود از مکہ معظمہ بہندوستان آمدہ زمانی برفاقت نواب نظام الدولہ ناصر جنگ بسر برد نواب موصوف تعظیم و تکریم او میکرد بعد قتل نظام الدولہ ناصر جنگ ہمشیرہ زادۂ او مظفر جنگ مالک ملک شد شیخ محمد اسعد بزمرۂ رفقای مظفر جنگ منسلک گردید پس ازان درمیان مظفر جنگ و افاغنۂ قاتلین ناصر جنگ نفاق پیدا شدہ نوبت بجنگ طرفین رسید مظفر جنگ و رؤسای افاغنہ مقتول شدند ہمدران معرکہ شیخ محمد اسعد بتاریخ ہفتدہم ربیع الاول روز یکشنبہ وقت ظہر سال یکہزار و یکصد و شصت و چہار ہجری بقتل رسیدہ بمیدان جنگ سرزمین کریت مدفون شد غلام علی آزاد بلگرامی کہ دران معرکہ حاضر بود تاریخ فوتش چنین گفتہ ع مضی خیرنا اسعد الاتقیا ؛ الا لا یری مثلہ واحد ؛

لقد الہم اللہ تاریخہ ؛ قضی نحبہ عالم ماجد ؛

مولانا محمد اسحاق دہلوی کنیتش ابو سلیمان دختر زادۂ مولانا شاہ عبد العزیز دہلوی شاگرد و جانشین جد مادری خود بود در حدیث و تفسیر و فقہ مہارتی تام داشت مؤلفاتے چند چو مسائل اربعین و اثنای ہندی از وی یادگار اند از ہند بمکہ معظمہ ہجرت فرمودہ ہمدرانجا بسال دوازدہ صد و شصت و دو ہجری برحمت حق پیوست رحمۃ اللہ علیہ

قاضی محمد اسلم ہروی از احفاد ملا خواجہ کوہی خراسانی است بہرات متولد شدہ در کابل نشو و نما یافت و اکتساب علوم متعارفہ بخدمت شیخ بہلول لاہوری نمودہ بعد از فراغ علمی پیش نور الدین محمد جہانگیر بادشاہ آمدہ چون قاضی از اقربای میرکلان محدث استاد جہانگیر بود بادشاہ بنوازش پیش آمدہ ویرا بمنصب قضای کابل نامزد فرمود قاضی عہدۂ خود را بامانت و دیانت تمام انجام داد جہانگیر او را بحضور خود طلبیدہ قضای اردوی معلی بدو سپرد و در عہد شاہجہان ابن جہانگیر نیز ہمان منصب مستقل بودہ بمنصب ہزاری سرفراز گردید و تا سی سال بعہدۂ قضای لشکر سرفراز ماندہ مورد مراحم سلطانی بود روزی شاہجہان ویرا بروپیہ وزن فرمود شش ہزار و پانصد روپیہ کہ ہم پلۂ قاضی شدند بدو بخشید قاضی علاوہ علوفۂ قضا جاگیر دہ ہزار روپیہ سالانہ از بارگاہ سلطانی می یافت و بسال شصت و یکم صدی یازدہم ہجری بلاہور وفات یافت پسرش محمد زاہد صاحب زواہد ثلاثہ است

محمد اسمعیل محدث لاہوری از سادات عظام بخاراست در عہد سلطان مسعود غزنوی بآواخر سال سہ صد و نود و پنج ہجری بلاہور آمدہ متوطن شد ماہر علوم فقہ و حدیث و تفسیر و جامع ظاہر و باطن بود وی اول واعظان اسلام است کہ در لاہور بہ تذکیر و موعظت لب کشادہ وازتاثیر وعظ وی ہزارہا کفار مشرف باسلام شدند در سال چہارصد و چہل و ہشت ہجری وفات یافت بیرون بلدۂ لاہور جانب جنوب مدفون گشت

مولوی محمد اسمعیل دہلوی ابن مولوی عبد الغنی بن مولانا شاہ ولی اللہ در دیانت و رسائی فکر یگانۂ روزگار و مشار الیہ علماء کبار بود ہمراہ سید احمد مجاہد ساکن رای بریلی رحمۃ اللہ علیہ زمام غزا فی سبیل اللہ بدست گرفتہ مساعی جمیلہ بظہور آوردہ بتاریخ بست و چہارم ذیقعدہ سال دوازدہ صد و چہل و ششم ہجری متصل بالاکوٹ ملک پنجاب شربت شہادت چشیدہ بریاض رضوان خرامید رسالۂ اصول فقہ و رسالۂ توحید و صراط مستقیم و تنویر العینین و تقویۃ الایمان از مصنفات مشہورہ اوست طاب اللہ ثراہ

مولوی محمد اسمعیل لندنی ساکن قدیم مرادآباد از چندی سکونت لکھنؤ اختیار کردہ مردی ذہین و ذکی الطبع بود خصوصاً در علم ادب استعداد کامل داشت مولوی تراب علی لکھنوی از تلامذۂ اوست وجہ شہرتش بلندنی اینست کہ نصیر الدین حیدر فرمان رواے لکھنؤ برسم سفارت او را بپیشگاہ شاہ لندن فرستادہ بود و در لندن با زنی عیسائی کہ آنزا مس وٹ می گفتند نکاح کردہ بلکھنؤ باز آمد چونکہ طبع آزاد داشت ہرگاہ بعدن رسیدند زوجہ عیسائیش گفت بزیارت بیت اللہ کہ از اینجا قریب است چرا نمی روی بجوابش گفت مرا بدیوار ہای سنگین اعتقادی نیست اعوذ باللہ من سوء الاعتقاد منجملۂ تصانیفش حاشیۂ شرح تہذیب یزدی و حاشیۂ میبذی مشہور است ہجدہم ربیع الاول سن دوازدہ صد و پنجاہ و سہ ہجری فوت شدہ تجاوز اللہ عنہ

ملا محمد اشرف متوکشمیری خلف خواجہ محمد طیب از احفاد خواجہ حیدر کشمیری ذہین و ذکی بود اولاً از بزرگان خود اکتساب کمالات نمودہ بخدمت ملا محمد محسن فقہ و غیرہ تعلیم کردہ دانشمند متبحر گشت تصانیف رائقہ در علم قرائت و رد شیعہ و دیگر فنون از وی یادگار ماند کتاب جواہر الحکم منجملۂ آن شہرت دارد بسال یازدہ صد و بست و سہ ہجری وفات یافت

مولانا محمد اشرف لکهنوی ابن قاضی نعمت الله خوشنویس ولد محمد معظم ولد احمد علی صدیقی بزرگی از اسلافش از لاهور آمده مقیم لکهنؤ شد وی رحمة الله شاگرد مولوی نور الحق لکهنوی فرنگی محلی و مولوی سید مخدوم لکهنوی و مرید سید احمد مجاهد بریلوی بود بتدریس و تصنیف عمر عزیزش بسر برده در تالیف تاج اللغات که بحکم والی لکهنؤ مؤلف شده او هم شریکی داشت اشتغال راسخ و شرحش در رویهٔ شامخه و قسطاس الصرف و تفسیر قرآن مجید عربی و تاریخ علماء و مشایخ و سلاطین هند ناتمام که مسودهٔ آن بخط شریفش بنظر مؤلف کتاب هذا گذشته از تصانیف او هستند مولانا ثابت علی مرحوم ساکن موضع بهکا ضلع الهآباد از تلامذهٔ او و از اساتذهٔ جامع الاوراق اند صاحب الترجمه بتاریخ هفتم صفر سن دوازده صد و چهل و چهار هجری بمرض هیضه رحلت فرموده در حجرهٔ مسجد خود واقع جهوائی توله محلات لکهنؤ مدفون گردید شرفه الله بتشریف الغفران

مولوی محمد اصغر فرنگی محلی ابن مفتی احمد ابو الرحم ابن مفتی محمد یعقوب عالم و حافظ قرآن و بتدریس طلبه اشتغال داشت و بمنصب افتای عدالت دیوانی شهر لکهنؤ سرفراز بود بتاریخ نوزدهم رجب بسال دوازده صد و پنجاه و پنج هجری وفات فرمود

مولوی محمد اعلم سندیلی قاضی زاده قصبهٔ سندیله از اولاد عمر فاروق رضـ شاگرد ملا کمال الدین سهالوی بود فاتحهٔ فراغ بخدمت مولوی محمد الله سندیلی خواند و بتدریس و تصنیف مشغول گشت از مشاهیر تلامذهٔ او مولوی سید عبد الواحد خیرآبادی همشیره زادهٔ وی و مولوی محمد سبحان کاکوروی اند حاشیهٔ او بر شرح منار و سه حاشیه بر صدرا صغیر و کبیر و اکبر و رسالهٔ تشکیک از تصانیف او مشهور هستند باواخر صدی دوازدهم رحلت فرموده بمحلهٔ ملکانه محلات قصبهٔ سندیله مدفون گشت

خواجه محمد اعظم ڈومری ابن خیر الزمان کشمیری مجددی از علمای نامدار و مشایخ کبار کشمیر بود از ملا عبد الله شیده و ملا ویسک کامل بیگ میر هاشم وغیرهم کسب علوم کرده دست ارادت بدست شیخ محمد مراد مجددی داده در شعرگوئی و تاریخ نویسی مهارت کامل داشت تاریخ اعظمی معروف بتواریخ دوهمری در حالات بادشاهان و مشایخ و علما و شعرای کشمیر بسال یازده صد و چهل و هشت هجری تالیف نموده واقعات کشمیر نام تاریخی آن کتاب است و نیز کتاب فیض مراد در حالات و مقالات پیر خود و فوائد المشایخ در بیان فقر و رسالهٔ اثبات الجزء و تجربة الطالبین و اشجار الخلد و ثمرات الاشجار

وشرح کبریت احمر از ویادگار ماند درسن یازده صد وہشتاد وپنج ہجری رحلت فرمود

مولوی محمد اعظم عباسی ابن مولوی نجم الدین عباسی چریاکوٹی ولادت باسعادت وی درسال دوازده صد وشصت وشش ہجری بظہور پیوستہ اکثر کتب درسیہ رسمیہ از عم خود مولوی محمد فاروق عباسی چریاکوٹی ونیز از مولوی علی عباس عباسی خوانده وبقیہ از مقامات مختلفہ باتمام رسانیده اکنون بخدمتی معتد بہا بحیدرآباد دکن ماموراست سلمہ اللہ وبقاه الی ما یتمناه

مولانا شیخ افضل جونپوری افضل الفضلای عصر واعلم العلمای دہر جامع علوم عقلیہ ونقلیہ متشرع ومتقی خوش خلق سلیم المزاج بود واوقات عزیزش وایام در خدمت علم صرف میکرد چون ملا محمود جونپوری کہ ارشد تلامذۂ او بود رحلت عالم بقا کرد مولانا را از مرگش حزنی عظیم داد وبی بحدی دامنگیر شد کہ تا چہل روز بآن غم تبسم نفرمود وبعد چہل روز بہمان رنج والم درسال ہزار وشصت ودو ہجری جان بجان آفرین سپرد انا للہ وانا الیہ راجعون

شیخ محمد افضل الہ آبادی ولادت او شب دہم ربیع الاول سال سی وہشتم از صدی یازدہم بوطن اصلش قصبہ سید پور توابع غازیپور زمانیہ بظہور پیوستہ در اوایل حال بجونپور آمده واز ملا نور الدین تحصیل علوم متعارفہ را بانجام رسانیده تا شش ماه بدرس وتدریس علوم اشتغال داشت دفعۃً جذبۂ عشق الہی برو غالب آمد ترک آن وادی نموده بکالپی رفت وبخدمت میر سید محمد قدس سرہٗ مشرف شده شرف بیعت واجازت سلسلۂ چشتیہ وقادریہ وسہروردیہ ومداریہ ونقشبندیہ یافتہ باانیہمہ ہیچو شیخ خود تمام عمر متبع سنت نبویہ علی صاحبہا التحیہ وپیرو طریق نقشبندیہ ماند حسب ایمای مرشد خود رحل اقامت بالہ آباد انداختہ بکمال توکل بر مسند ہدایت وارشاد نشستہ مرجع انام گشت درسال ہزار وہشتاد ہجری مسجدی بالہ آباد تعمیر فرموده تاریخ آن بقعۂ افضل یافتہ اند وتاریخ بنا بہ خانقاہش کہ درسن ہزار ونود ودو بنا نہاده مقام افضل ہست باوجود مشاغل ہدایت وارشاد بسیارے از تصانیف عمده بعبارت عربی وفارسی وارد از انجملہ شرح گلستان. شرح بوستان شرح زلیخا. تذکیر دلپذیر. شرح فصوص الحکم مسمی بشرح الفصوص علی وفق النصوص فتح الاغلاق. رسالۂ عربیہ وفارسیہ در بحث ایمان فرعون. شرح قصاید خاقانی. سیر منظوم شرح مثنوی معنوی وغیره اند کہ از انجملہ مجلد ہفتاد زیاده شده وی رحمۃ اللہ علیہ بعمر ہشتاد وہفت یا نود ودو سالگی پانزدہم ذیحجہ روز جمعہ

سال یازده صد و بست و چهار هجری جان بمشاهدهٔ جانان تسلیم نموده این جهان بی بنیان را پدرود فرمود
سال وفاتش از کان الشیخ قطباً بر می آید مدفنش باله آباد است یزار و یتبرک بعدش شیخ محمد یحیی عرف
شاه خوب الله برادر زادهٔ او زینت بخش وسادهٔ ارشاد گردید

شیخ محمد آفاق لکھنوی عالمی مجرد و محقق بلند همت و فضیلت علوم ظاهر و باطن آراسته و در طریقت
و مجاهدات صادق دم و راسخ قدم بود وی از اکابر زادگان صوبهٔ بهار ساکن موضع تلاده مضاف پٹنه بود
در اوائل کتب متداوله بخدمت شیخ وجیه الدین گوپاموی گذرانید و بعد از ان قدم بکوی فقر و فنا نهاده
اسم و رسم سود و زیان بباد فنا بر باد داده و بصحبت شریف شیخ پیر محمد لکھنوی مشرف شده دست
ارادت بدست وی داده بسیاری از مشائخ وقت را دریافته و از خدمت شاه مجاهد پوری نیز استفادهٔ
علوم طریقت نموده و رساله مصباح الطالبین شیخ عبد الرسول گھندوی که خلیفه شاه مجاهد بود بحکم پیر
خود تعریب نموده و دران رساله جمیع اذکار و افکار و مشرب علیه قلندریه مندرج است همه را شیخ محمد آفاق
بعمل آورده بود الغرض بعد وفات شیخ پیر محمد قدس سره چند سال جانشین او بوده و از تکلفات
رسم و عادات مبرا بود و از تعلق تزویج معرا قبرش در لکھنؤ پائین پیر خود است یزار و یتبرک به

حاجی محمد افضل سهرندی ابن شیخ محمد معصوم بن شیخ احمد مجدد سهرندی دانشمند متبحر و محدث بود
بعد تحصیل علوم ظاهر مرید شیخ حجة الله نقشبندی شد زان بعد از شیخ عبد الاحد خلیفه شیخ احمد سعید مستفید گشت
و بزیارت حرمین شریفین مستفیض شده از انجا با فیوضات و برکات بی شمار واپس آمده بتدریس علوم
دینی و تلقین اسرار باطنی می پرداخت مولانا شاه ولی الله دهلوی سند حدیث از وی یافته هر چه از فتوحات
بوی میرسید از ان کتب هر فن خرید کرده وقف می نمود وفاتش یازده صد و چهل و شش هجری بظهور پیوسته

مولوی محمد اکبر کشمیری از اکابر علمای وقت بود تا سی سال در مدرسه محمدیه متعلقه جامع مسجد
بمبئی درس میداد بسیار از تلامذهٔ وی بملک کوکن هنوز موجود اند از انجمله مولوی سید عبد الفتاح گلشن آبادی
و مولوی سید عماد الدین مفتی عبد اللطیف نامی و گرامی هستند در سال دوازده صد و هفتاد و هجری
رحلت فرموده به بندر بمبئی مدفون شد

ملا محمد امین کشمیری دانشمند متبحر کثیر الدرس التصنیف بود ملا عنایت الله شال و ملا محسن وغیره
علمای کشمیر از تلامذهٔ وی اند بر شرح تهذیب وغیره کتب متداوله حواشی و شروح دارد ماه رمضان

بروز لیلة القدر سال نہم از صدی دوازدہم وفات یافتہ نور اللہ ضریحہ

مولوی محمد امجد قنوجی از اکابر فضلا و اعظم علمای قنوج شاگرد رشید مولوی علی اصغر قنوجی کثیر الدرس والتالیف بود حاشیہ صدرا در علم حکمت از تالیف شہرۂ اوست تاریخ وفاتش معلوم نہ شد

محمد بیرم خان خانخانان از اولاد مرزا جہان شاہ است بوفور دانش و سخا و صدق و حسن نطق و نیاز و انکسار گوی سبقت از ہمگنان بردہ در ابتدای حال بخدمت بابر شاہ و در وسط بملازمت ہمایون شاہ نشو و نما یافتہ بخطاب خانخانانی سرفرازی یافت و در عہد جلال الدین محمد اکبر شاہ بایام سلطنت خود و سالقابش افزود وی بنفسہ درویش دوست علم و صاحب حال نیک اندیش بود و بہمین سعی بجلادت و حسن تدبیرش ہندوستان در مرتبہ ثانی مفتوح شد و فضلای جہان از اطراف و اکناف رو بدرگاہ او آوردہ از کف بحر نوالش شاداب می رفتند و بارگاہ آسمان جاہش قبلۂ ارباب فضل و کمال زمانہ را بوجود شریفش تفاخر بود لاکن ارباب نفاق مزاج بادشاہ از وی متغیر ساختہ بودند ناچار وے بقصد زیارت حرمین شریفین با توابع از راہ ناگور روانہ گجرات گردید براہی کہ در ان انبوہی از درخت مغیلان بود میگذشت ناگاہ گوشۂ دستارش بخاری بند شدہ از سر افتاد چون این را بشگون بدے شمارند خانخانان را فی الجملہ تغیری در بشرہ رو نمود حاجی محمد خان در بدیہہ خواند ـــــہ در بیابان چون بشوق کعبہ خواہی زد قدم ؛ سر زنشہا گر کند خار مغیلان غم مخور ؛ آن قبض بہ بسط مبدل گشت چون بہ پٹن گجرات رسید روزی در حوض سہس لنگ در کشتی نشستہ سیر میکرد ناگاہ مبارک خان افغان نامے کہ در ابتدای فتح ہندوستان خانخانان حکم بہ قتل پدر او فرمودہ بود موقع انتقام خیال کردہ بوقت نماز شام کہ خانخانان از کشتی فرود می آمد با جمعی از اوباش بہ بہانہ ملاقات آمدہ بیک ضربت خنجر آبدار شربت شہادتش چشانید این واقعہ در سال نہصد و شصت و ہشت ہجری بظہور پیوستہ عظام او را حسب وصیتش بمشہد بردند تاریخش چنین یافتہ اند رباعی بیرم بطواف کعبہ چون بست احرام ؛ در راہ شہید گشت نایافتہ کام ؛ تاریخ شہادتش ز دل پرسیدم ؛ گفتا کہ شہید شد محمد بیرام ؛ خانخانان رقیق القلب و بجنان اکابر مشایخ رضی اللہ عنہم معتقد بود و ہمیشہ در مجلس شریفش سخن از قال اللہ و قال الرسول می اندند روزے در سیکرے بدیدن درویشی گوشہ نشین رفتہ از معنی آیۂ کریمہ تعز من تشاء و تذل من تشاء پرسید چون درویش تفسیر ناخواندہ بود جواب نداد خانخانان خود گفت تعز من تشاء بالقناعة

و تذل من تشاء بالسوال نماز جمعہ و جماعت از خانخانان فوت نمی شد لیکن بہ تفضیل مائل بود بحافظ محمد امین خطیب میگفت کہ در القاب حضرت امیر کرم اللہ وجہہ کلمہ چند بیشتر از دیگر اصحاب بیفزائے لطیفہ شبے ہمایون شاہ مخاطبہ با بیرم خان داشت و در الظاہر غنودگی دست داد بادشاہ او را تنبہ فرمودند کہ ان بیرم با تو میگویم وی گفت بلی بادشاہم حاضرم اما چون شنیدہ ام کہ بملازمت بادشاہان محافظت چشم و پیش درویشان نگاہداشت دل و نزد عالمان حفظ زبان باید کرد بنا بران درین فکر بودم کہ چون حضرت ہم بادشاہ و ہم درویش و ہم عالمند کدام را نگاہ خواہم داشت بادشاہ را این ادا از و خوش آمد و تحسین فرمود و برا دیوان اشعار بزبان فارسی و ترکیست در منقبت حضرت امیر کرم اللہ وجہہ قصیدہ گفتہ کہ مطلعش اینست ۵ شہی کہ بگذرد از نہ سپہر افسر او؛ اگر غلام علی نیست خاک بر سر او؛ محبت شہ مردان مجو ز بی پدری؛ کہ دست غیر گرفتست پای مادر او؛

مولوی محمد جعفر سندیلی ابن شاہ ولی اللہ بن شاہ غلام علاء الدین بن سید سوج اللہ مخدوم زادہ سندیلہ بخدمت مولوی اظہر علی سندیلی و مولوی دار ثعلی سندیلی و مولوی فقیہ اللہ سندیلی و مولوی انعام اللہ سندیلی و مولوی تراب علی لکھنوی تلمذ نمودہ بہ نوبت تدریس و تصنیف برسیدہ تاریخ سیزدہم رمضان سن دوازدہ صد و شصت و یک ہجری در لکھنؤ رحلت فرمود نعشش را بقصبہ سندیلہ آوردہ در کریم باغ دفن کردند

مولوی محمد جونپوری خلف اکبر مولوی سخاوت علی عمری جونپوری مہاجر و مقیم مکہ معظمہ بآبیاری تعلیم پدر بزرگوار سرو علمش بالیدگی و تازگی یافتہ در علم و فضل و زہد و تقوی و ورع و وعظ و افتاء و بدیہہ گوئی و حاضر جوابی و تحریر دلپذیر و تقریر پر تاثیر یگانہ آوان و ممتاز بین الامثال و الاقران بود تحریکہ در تعریف ہیچ املا نمودہ یادداز قابلیتش میدہد در عین شباب ازین عالم اسباب بحیات پدر سابق الالقاب تاریخ دوم شوال سال دوازدہ صد و ہفتاد و سہ ہجری رخت ہستی بسوئی روضۂ رضوان کشید اللہم اغفر لہ و لوالدیہ

مولوی حکیم محمد جنید جونپوری خلف دوم مولوی سخاوت علی عمری جونپوری ہمراہ والد بزرگوار بممالک حجاز تشریف فرما شدہ و تاحیات پدر از فیضان علمی و عملی وی مستفیض بود بعد رحلت پدر بجونپور آمدہ بخدمت مولوی عبد الحلیم فرنگی محلی کہ مدرس مدرسہ حاجی امام بخش جونپوری بود

بعض کتب درسیه خوانده بخدمت مفتی محمد یوسف فرنگی محلی فراغ علمی حاصل نموده متوجه بتحصیل فن طبابت گشت و پیش حکیم اولاد علی کاهش مطب کرده دران فن مهارتی و حذاقتی اکتساب نموده هنوز ابتدای تذکیره امداد طلبه وافتاد و تداوی مرضی مشغول می بود در عین جوانی ازین جهان فانی بسال دوازده صد و هشتاد و یک هجری بعالم جاودانی شتافت خلفی بنام مولوی محمد معروف گذاشت وی بخدمت مولوی عبد الله ساکن چهپرا کتب درسیه گذرانیده فارغ است سلمه ربه

جمیل

قاضی محمد جمیل پهاپوری عالم کامل و فاضل باعمل مدرس مدرسه حیدرآباد دکن بود بسال دوازده صد و هفتاد و چهار هجری وفات یافته غفر الله له

مولوی محمد حامد فرنگی محلی پسر و جانشین مولوی احمد در ماه رجب سال دوازده صد و هشتاد و سه هجری رحلت فرموده بجایش مولوی لمعان الحق پسر مولوی برهان الحق سجاده نشین گردید

شیخ محمد حسن جونپوری بن شیخ حسن بن طاهر جونپوری از عرفای روزگار جامع بود میان حال و قال و بظاهر صوریه نیز تعلقی داشت اصل بیعتش بجانب پدر بسلسله چشتیه بود لیکن ارتباط او بسلسله علیه قادریه بیشتر غالب آمده سالها در حرم مدینه منوره علی صاحبها الصلوة و التحیه مجاورت کرده از مشائخ قادریین بیعت و اجازت یافته از خوارق او مشهور است که چون از خلوت می برآمد هندو و مسلمان هر کرا نظر بر روی او فتادی بیساخته صدای تکبیر برآوردی و تعجب کردی از المکتوبات و رسائل مریدان بسیار اند و مولدش جونپور و اقامتش باگره بود بتاریخ بست و نهم رجب سال نهصد و چهل و چهار هجری وفات یافته در دهلی نزدیک منڈل برابر مرقد والد ماجد خود مدفون گشت قدس سره

ملا محمد حسن بن قاضی غلام مصطفی بن ملا محمد اسعد خلف اکبر ملا قطب الدین الشهید السهالوی تلمیذ ملا نظام الدین بن ملا قطب الدین شهید در ذهن و ذکا بر برادران خود سبقت برده در تحقیقات معقول و منقول نظیر و مثیل خود نداشت کثیر الدرس والتصانیف بود شرح مسلم الثبوت تا مبادی الاحکام و معارج العلوم در منطق و غایة العلوم و طبی و حاشیه بر شرح هدایة الحکمة صدر الدین شیرازی حاشیه شمس بازغه و حواشی زواهد ثلثه و شرح سلم العلوم از تصانیف انیقه وی مشهور اند بعد مراجعت از دهلی بفرنگی محل استقامت ورزیده تدریس علوم میکرد مگر بوجه بعضی عوائق که منع تعلیم نمود و از قیام وطن نا مناسب ندانسته جانب روهیل کهند رخت غربت بست در عهد نواب فیض الله خان

برام پور رفته در محله موسومه مدرسه اقامت گزید و درانجا نکاح ثانی بزنی غیرکفو کرده از بطن او مولوی
عبدالله و عبدالرزاق بوجود آمدند چنانچه اولادشان از زوجه ثانیه برام پور موجود اند زوجه سوم دختر
صفی پور بود از وی پسری موسوم غلام دوست محمد متولد شده که پسرانش مولوی غلام یحیی و مولوی غلام محمد
و مولوی غلام زکریا مقیم بنارس بسرکار انگریزی بر عهده‌های جلیله ممتاز بودند بالجمله ملا حسن در رام پور
وفات یافته همانجا مدفون است تاریخ وفاتش بهم دریافت نرسیده از شاگردانش مولوی محمد مبین لکهنوی
و مولوی عمادالدین لبکنی مشهور اند.

مولوی محمد حیدر لکهنوی بن ملا محمد مبین بن ملا محب الله فرنگی محلی تحصیل علم بخدمت پدر بزرگوار
خود نموده بتدریس مشغول بود و بتذکر و هدایت خلق اشتغال ورزیده و از شاه نجابت الله مرحوم
بیعت نموده همچو والد خود مقبول خلایق بود از سرکار نواب سعادت علیخان سه روپیه یومیه کفاف
می یافت بعزم حج بیت الله روانه شده بعد قطع تکالیف سفر بتاریخ دوم جمادی الاول سال دوازده
صد و چهل هجری بمکه معظمه رسیده از سید یوسف البطاح یمنی و شیخ عمر مکی تحصیل صحیحین کرده بماه جمادی الثانی
سوی مدینه طیبه رخت سفر بسته و درانجا از علمای وقت سند حدیث حاصل نمود در آخر ماه شعبان باز
بمکه آمد و قرآن شریف که در اثنای راه حفظ نموده بود بماه رمضان در بیت الله خواند و بعد ادای ارکان
حج بتاریخ بست و هفتم ذیحجه سن مذکور از مکه معظمه روانه شده بهزار خرابی بعد نوزده روز به بمبئی رسیده
قصد وطن نمود چون بحیدرآباد بتقریبی داخل شد هزار روپیه ماهوار از سرکار نواب نظام برای وی
مقرر شده انتهی اولادش مولوی ظهور حسن و مولوی افضل حسن هنوز در حیدرآباد دکن موجود بودند و جاگیر
چهار هزار روپیه سالانه از سرکار نظام مے یابند کذا فی الاغصان الاربعه

شیخ محمد حیات سندهی از علمای ربانیین و عظمای محدثین عالم باعمل بود نام پدرش ملا فلاریه
از قبیله چاچر ساکن اطراف عادل پور محروسه ملک سنده شیخ محمد حیات از وطن خود بحرمین شریفین
در عنفوان شباب رفته مناسک بیت حرام دریافت و بمدینه طیبه رخت اقامت انداخت و سوای
توکل اسباب معیشت ذخیره نساخت و بهمان حالت موجوده به تحصیل علوم پرداخت و بشاگردی
مولانا ابوالحسن سندهی مقیم مدینه سکینه برداشت و علم علوم درسیه بمیامن او برافراخت و اجازت
حدیث از مولانا عبدالله بن سالم بصری یافت و تمام سرمایه عمر خود بدرس حدیث نبوی درباخت

بروز چهارشنبه تاریخ بست و ششم صفر سال یکهزار و یکصد و شصت و سه هجری رخت هستی از دار فنا بدار بقا برداشت و طائر روحش جسد پاکش را بجنة البقیع سپرده بروضهٔ رضوان نشیمن ساخت اعطاه الله الحسنات۔ فلاریه بفای مفتوحه اسم سندهی است چاچر بدو جیم فارسی مفتوح درمیان آن الف و در آخر رای مهمله قوییست در ملک سنده عادل پور شهریست خرد از توابع بهکهر

مولوی محمد رضا لکھنوی خلف اصغر مولوی عبد القادر لکهنوی در اوایل حال بخدمت شیخ پیر محمد لکهنوی و نیز برادر کلان خود قاضی محمد وارث تلمذ کرده و بعد فراغ از تحصیل علم ضروری بتصفیه قلب مشغول شد و ریاضتهای شاقه از اربعین نشینی و اسفار بعیده بخود گوارا فرموده از مشائخ و فقرای وقت مستفید میشد در صحراها و بیابانها بعبادت مولی پرداختی و آخر بقدم تجرد و تفرد براه خشکی بزیارت حرمین شریفین مشرف شده در بلده مصر بست و دوم رمضان سن یازده صد و هفت هجری رحلت نموده همانجا مدفون گردید۔

ملا محمد رضا سہالوی پسر چهارم ملا قطب الدین الشهید بعد والد خود بخدمت ملا نظام الدین برادر کلان خود تعلیم و تربیت یافته فراغ حاصل نموده در حسب براد خود تدریس طلبه میکرد از حضرت سید شاه عبد الرزاق بانسوی بیعت کرده روانه مدینه منوره گشت و بعد زیارت روضه شریفه حج بیت الله مشرف شده ببغداد آمد و هم در انجا جان بجان آفرین سپرد

شیخ محمد رفیقی کشمیری بن مصطفیٰ بن معین الدین رفیقی کنیت وی ابو الرضا بود بسال هزار و دو صد و پنجاه و چهارم هجری متولد شده فقیه و محدث و مفسر صوفی مشرب بود علوم معقول و منقول از پدر و ماد خود مقیم السنة ٹوپیگر و خال خود علامه نور الهدی ٹوپیگر اخذ نمود و حدیث از عم و پدر بزرگوار خود شنیده وکتاب عوارف به پیش نعمت الله بن رضا ٹوپیگر گذرانیده و بسے مردمان بخدمتش مستفید شدند در تصوف رسائل متعدد از و یادگار اند بروز چهارشنبه شانزدهم جمادی الاخری سال بست و ششم از صدی سیزدهم وفات یافت

میر محمد زاهد هروی ابن قاضی محمد اسلم هروی کابلی در هند متولد شده تربیت یافته از پدر خود و دیگر علمای هندوستان اکتساب علوم کرده ذهن ثاقب و فکر صائب داشت و تحقیق و تدقیق گوی سبقت از سابقین ربوده و در حاضرین و لاحقین متفرد بود شاهجهان بادشاه او را به منصب

وقائع نگاری کابل منصوب فرمود در عهد عالمگیر پادشاه محتسب اردوی معلی شد زمان بعد
عالمگیر پادشاه حسب خواهش پادشاه الیه را بصدارت کابل مامور گردانید و در آنجا علاوه منصب
خود افاده علوم میداد تصانیف غرا دارد از انجمله شرح مواقف و حاشیه شرح تهذیب علامه دوانی
و حاشیه رساله تصور و تصدیق مصنفه ملا قطب الدین رازی و حاشیه شرح هیاکل اند بشهور سال
یازده صد و یک هجری بکابل وفات یافت

مولوی محمد باقر مدراسی متخلص بآگاه اصلش از بیجاپور است بسال پنجاه و هشتم از صدی
دوازدهم هجرت در ویلور متولد شده بمدراس نشو و نما یافت پیش مولانا سید ابو الحسن قربی علوم ظاهر
اکتساب نموده عالم علوم عجیبه ماهر فنون غریبه گشت در شعر گوئی و ادب عرب ید طولی داشت گویند
شافعی المذهب بود ممالک مدراس و کرناٹک بفیوض ظاهر و باطن وی پرست بست و چهارم ذی حجه
سال دوازده صد و بست هجری رحلت فرموده بخاک مدراس مدفون گشت تصانیفش [illegible]
تنویر البصیر نفایس النکات القول المبین الدر النفیس دیوان اشعار عربی النفحة العنبریه
کشف الغطا اتحاف السالک جلاء البصایر تبیین الانصاف النقول البدیعة التحفة البدیعه
ریاض الجنان روضة الاسلام وغیرها

مولوی محمد زمان خان شاهجهان پوری جامع الفضائل والکمالات عامل الاحادیث والآیات
محی السنن والحسنات ماحی الشرک والبدعات ابو رجا محمد زمان خان تغمده الله بالرحمة والغفران
مدرس مدرسه حیدرآباد و استاد سید محبوب علیخان نظام الملک رئیس حال بود با فرقه مهدویه عصبیتی
داشت فرقه مهدویه پیروی سید محمد جونپوری مدعی مهدویت میکنند و بمالک دکهن و دیار گجرات
و حیدرآباد دکن اکثری ازین فرقه ضاله سکونت ورزیده بفرق دیگر اسلام تعصب دارند تا اینکه
مرتکب خونریزیهای مسلمانان شدند القصه مسمی سید عیسی عرف عالم میان مهدوی حیدرآبادی
سرگروه آن فرقه رساله کشف الحجب و دلیل متین و ثلاثه سه رسائل مؤلفه خود بسال دوازده صد و
هشتاد و دو هجری و رساله رد شبهات الفتاوی در رد فتوی ابن حجر مکی وغیره ائمه مذاهب اربعه
و رساله معارضة الروایات بعد از یکسال طبع کنانیده باطراف و اقطار هندوستان مشهور و منتشر کرد
بر انهم قانع نماند رسائل مذکوره و رساله دیگر مشتمل معتقدات و معمولات خود تالیف نموده

مع رقعه بخدمت قاضی ولاور علی حاکم دار القضای حیدرآباد از دست خود پیش کرده مضمون رقعه
اینست که ما رسائل مذکوره محض بنابر دریافت حق باطراف بلاد منتشر کردیم و بخدمت علمای آفاق
رسانیدیم و مدتی انتظار کشیدیم لیکن هنوز علمای وقت از جواب ساکت اند لهذا بخدمت سامی پیش
نموده اگر خطای بنظر آید حسبةً لله ما را مطلع باید فرمود که ما ازان رجوع بحق نمایم ورنه اعانت و امداد و تصدیق
واقرار ما یان نمایند فقط قاضی موصوف رقعه و رسائل مذکوره به معیت عالم میان مسطور پیش مولوی
محمد زمان خان فرستاد هر چند که وی علیه الرحمة والغفران از هیچ منازعات و مناقشات کناره کشی
میکرد تاهم نظر به حمیت اسلامی و غیرت ایمانی اشهب قلم حقیقت رقم را در میدان رد و قدح رسائل
مذکوره جولان داد و نیز از اقوال مسلمه آن فرقه دعاوی باطله ایشان را مردود و مسطور فرمود که مجتهدان
آن فرقه بجوابش سر بزانوی سکوت نهاده غریق لجه ندامت شدند نام آن رساله هدیه مهدویه است
هرگاه رساله مذکوره بعالم میان مجتهد مهدویه و مصنف رسائل مردوده رسید بحواریان خود گفته هر کسیکه
مولوی محمد زمان خان را قتل خواهد کرد او را دو مکان مروارید و چهار درخت خرما در بهشت خواهیم داد
بشنیدن کلام ابله فریب جوانی بست و دو ساله ازان فرقه منتظر موقع بود هرگاه نواب مختار الملک بهادر
بتقریب ملاقات پرنس آف ویلز روانه کلکته شده بودند آن بی مغز شهر حیدرآباد را از حاکم بیدار مغز هیچو باغ
خود خالی یافته هرگاه وقت شام روز سه شنبه ششم ذی الحجه سال دوازده صد و نود و دو هجری
مولوی صدر الذکر حسب معمول خود بمسجد تشریف آورده و بعد ادای نماز مغرب دو زانو نشسته
آغاز تلاوت قرآن مجید کردند آن شقی ممدوح الذکر را سلام کرده از پس پشت بضربه کنار مجروح
ساخت که آن مرحوم سر به مصحف مجید نهاده شربت شهادت چشید و خون آن جانباز راه خدا
برآیه کریمه فانظر کیف کان عاقبة المفسدین چکیده بهیئت تجسس نمودند سراغ قاتل نرسید سر خیل مهدویان
بکونسل سفارت انگریزی خزید و بر جنازه آن محو انبوهی کثیر از مسلمانان و جم غفیر از دینداران
گرد آمدند که چهار ده جماعت متفرق نماز جنازه ادا کرده بصحن مدرسه او بحیدرآباد مدفون کردند شعرای
وقت قطعات تواریخ این واقعه بنظم آوردند ازان جمله قطعه تاریخ نوک ریز خامهٔ یکی
محمد عبد الرحمن خان شاکر تخلص و مالک مطبع نظامی زیب ترقیم می یابد و هو هذا محمد زمان خان
ز حکم قضا ٭ بجبر شهادت چو شد آشنا ٭ همین مصرعه سال شاکر نوشت ٭ عبای شهادت ز حق شد عطا

ایضاً له گو چون علی شد بمسجد شہید: از منشی عنایت حسین برون رفت ازجسم چون جان جان شہ
عنایت بگو شد چو عثمان شہید

سرہندی شیخ محمد سعید سہرندی ابن مولانا شیخ احمد مجدد الف ثانی ابن عبد الاحد سہرندی لقب وی
خازن الرحمۃ دانشمند متبحر فقیہ و محدث بود علوم ظاہر و باطن از والد ماجد خود آموختہ حاشیہ
بر مشکوٰۃ المصابیح نوشتہ در یکہزار و ہفتاد ہجری رحلت فرمود

ملا محمد سعید سہالوی پسر دوم ملا قطب الدین الشہید بعد شہادت پدر خود با محضر مظلومی جہت
استغاثہ و دادرسی بحضور محی الدین اورنگ زیب عالمگیر بادشاہ بملک دکن رفتہ از بارگاہ شاہ موصوف
فرمان معافی فرنگی محل کہ از اماکن مشہورۂ بلدۂ لکھنؤ بود حاصل نمودہ مراجعت بوطن کرد و بذریعۂ اہالیان
نزول تعمیل فرمان مذکور بر فرنگی محل قبضہ نمودہ ہمہ فرزندان ملای شہید را در آنجا مقیم ساخت بعد
چندی مرۃً بعد اولی بغرض استحکام فرمان معافی فرنگی محل وغیرہ بخدمت بادشاہ روانہ شدہ بحصول
اسناد دیگر کامیاب شدہ آنرا روانہ وطن کردہ بمکۂ معظمہ رفتہ بلحوق عوارض جسمانی ازین عالم فانی بملک جاودانی
خرامیدہ نزول امکنہ لاوارث و منضبطہ را بہ محاورہ اہل دفتر لکھنؤ گویند

مولانا محمد سعید بدایونی ابن محمد شریف بن محمد شفیع بدایونی وی از اجلۂ علمای وقت و اکابر
اولیای بدایون بود بیعت بخدمت شاہ کلیم اللہ جہان آبادی کہ مزار پر انوارش در دہلی است داشت
و از فیض ظاہر و باطن وی عالمی کامیاب بود چہارم ذیقعدہ سن یازدہ صد و پنجاہ و ہفت ہجری
رحلت فرمود از وی خلف الصدق مولوی محمد لبیب و مولوی عبد الحمید عقب باندند قدس اللہ سرہ السامی

حکیم محمد سرور ساکن احمد آباد نارہ تخلص سرور ابن حکیم حضور احمد طبع سلیم و ذہن مستقیم داشت
تعلیم رسمی پیش مؤلف اوراق یافتہ اکثر اشعار نعتیہ میگفت قصہ اویس قرنی رحمۃ اللہ علیہ منظوم از و
یادگار ہست فتوح الشام را بہ بحر متقارب می نوشت کہ پیغام اجلش در رسید و بعنوان شباب
بسال دوازدہ صد و نود و چہار ہجری ازین جہان درگذشت چند اشعار نعتیہ تضمین کلام سعدی
کہ خاتمہ منظومات اوست بطور یادگار حوالۂ قلم می شوند حقیقت نام و نشان خود بجز عشق
نبوی صلعم دیگر نگذاشت

وہو ہذا

ای نور خدا عجب حسینی — رحمت زبراے عالمینی
محبوب زمان و ہم زینی — اللہ اللہ چہ مہ جبینی

گر بر سر و چشم من نشینی
نازت بکشم کہ نازنینی

آگہ ز علوم اولینی — واقف ز رموز آخرینی
کحل از پئے دیدۂ یقینی — اے نسبت مکی و مدنی

گر بر سر و چشم من نشینی
نازت بکشم کہ نازنینی

واللیل ز گیسوے تو تعبیر — والشمس ز روی تست تفسیر
نون از پئے ابروی تو تقریر — ای مہر سپہر عز و توقیر

گر بر سر و چشم من نشینی
نازت بکشم کہ نازنینی

ای باعث خلقت دو عالم — وی موجب فخر نوح و آدم
منظور نگاہ رب اکرم — ہستی پے ریش سینہ مرہم

گر بر سر و چشم من نشینی
نازت بکشم کہ نازنینی

ای سرمۂ دیدۂ تو لاشہ — ای غازۂ چہرۂ تمنا شہ
بر روے تو دیدۂ تماشا — باز است تو نیز دیدہ بکشا

گر بر سر و چشم من نشینی
نازت بکشم کہ نازنینی

ای حجلہ نشین محمل نور — ای شمع ضیاے شعلۂ طور
از نور تو عالم است معمور — ای مردمک دو دیدۂ حور

گر بر سر و چشم من نشینی
نازت بکشم کہ نازنینی

زلفت پیٔ عاشقان جانباز | زنجیر بلاست اے ہمہ ناز
بیشست ہمہ دلبران طناز | ہستند برین ترانہ دمساز

گر بر سر و چشم من نشینی
نازت بکشم کہ نازنینی

زلف تو بلائے جان سرور | درد تو دوائے جان سرور
عشقت نام و نشان سرور | تا ہست ورد زبان سرور

گر بر سر و چشم من نشینی
نازت بکشم کہ نازنینی

اوستادی مولانا محمد شکور مچھلی شہری ابن شیخ امانت علی جعفری در علوم عقلیہ وادبیہ شاگرد مولانا رشید الدین خان دہلوی و در حدیث و تفسیر مستفید خدمت مولانا شاہ عبد العزیز دہلوی بودند ہموارہ بمناصب جلیلہ از سرکار انگریزی امتیاز داشتند ہنگامیکہ بفتح پور ہنسوہ رونق افروز عہدۂ صدر الصدور بودند مؤلف ہیچمدان بشغل برداری تلامذۂ مولانا کامیابے حاصل کرد بسال ششم از صدی سیزدہم مولانای ممدوح حق تقاعد قبول فرمودہ بوطن مالوف مراجعت فرمودند این حقیر نیز ہمراہ رکاب بمچھلی شہر رفتہ کتب متوسط درسیہ بخدمت فیض رحمت می گذرانید مولانا ممدوح تمام عمر شریف بدرس علوم صرف فرمودند کتب درسیہ بلا معائنۂ کتابی بحالت چہل قدمی درس میدادند بتالیف و تصنیف توجہ نداشتند دو مرتبہ بزیارت حرمین شریفین مشرف شدہ بست و یکم ذیحجہ یوم سہ شنبہ سال سیزدہ صد ہجری از دار فنا بدار بقا شتافتند انا للہ وانا الیہ راجعون ولادت ممدوح بسال دوازدہ صد و یازدہ ہجری باظہور پیوستہ الفظ تاریخ سال ولادت ہمی آید ازین حساب عمر شریف بہ نود و نہ سال رسیدہ باشد

غفر اللہ لہ مچھلی شہر قصبہ الیست از اوابع جونپور

مولوی محمد شبلی اعظم گڈھی مصنف رسالہ اسکات المعتدی فی انصات المقتدی

وحل النظام وغیرہ است جملہ کتب درسیہ متداولہ پیش مولوی محمد فاروق عباسی چڑیاکوٹی گذرانیدہ
اکنون بمدرسۃ العلوم علی گڈھ بمنصب مدرس اول قیام دارد سلمہ اللہ تعالی تصانیفہ المامون
تاریخ زمانہ مامون الرشید خلیفہ عباسیہ بغداد الجزیہ دربیان حقیقۃ جزیہ گذشتہ تعلیم دراظہار
کیفیت تدوین علوم مسلمانان سلف واسامی مدارس قدیمہ شان صحیح امید دربیان حالت موجودہ
اسلام سیرۃ النعمان تواریخ عمری امام ابوحنیفہ رح قصاید وغزلیات عربی فارسی

مولوی محمد شبلی جونپوری خلف سوم مولوی سخاوت علی عمری جونپوری بست ونہم شعبان سال دوازدہ صد وشصت وسہ ہجری تولد یافتہ ہنگام ہجرت فرمودن پدر بزرگوار خود بعہد صغیر السن بود بدینوجہ از رفتن مکہ معظمہ قاصر ماند پیش جد مادری خود قاضی ضیاء اللہ صدر الصدور مرحوم بنارس ولعمت تعلیم وتربیت یافتہ بمقام جونپور از حافظ نعمت اللہ ساکن سرای میر حفظ قرآن مجید نمودہ کتب درسیہ فارسیہ از بعض اعیان جونپور خواندہ تحصیل علوم عربیہ عنان عزیمت تافتہ مختصر صرف ونحو وغیرہ از تلامذہ مفتی محمد یوسف فرنگی محلی تحصیل کردہ باندک زمانے بخدمت مفتی موصوف الذکر تمامی کتب درسیہ متداولہ خاندان نظامیہ بتحقیق وتدقیق تمام کردہ سند فضیلت مفتی محمد یوسف از دست خاص بوے عطا فرمودہ وعلم باطن بخدمت مولوی سید خواجہ احمد نصیر آبادی کہ از تلامذۂ پدر بزرگوار وی بود آموختہ واجازت کتب احادیث از مولوی سید نذیر حسین تلمیذ مولانا محمد اسحاق دہلوی یافتہ بحصول سند ممتاز گشت وبسال دوازدہ صد وہشتاد وشش ہجری بمعیت جد مادری خود قاضی ضیاء اللہ از زیارت حرمین شریفین مشرف گشتہ بوطن مالوف معاودت فرمودہ جانشین پدر خود است وبواسطۂ مدرسہ قرآنیہ جامع جونپور
وتذکیر خلائق می پردازند سلمہ اللہ وابقاہ واوصلہ الی ما یتمناہ۔

مولوی محمد شفیع بدایونی از اجلۂ علمای عہد سلطنت محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر بادشاہ است سلسلۂ نسبش بامیر المومنین سیدنا عثمان ابن عفان رضی اللہ عنہ منتہی میشود وہو مولوی محمد شفیع ابن شیخ مصطفی بن عبد الغفور بن عزیز اللہ بن کریم الدین بن قاضی محمد بن شیخ معروف بن شیخ محمود بن عبد الشکور بن محمد راجی بن قاضی سعد الدین بن قاضی القضاۃ قاضی رکن الدین ملقب بہ شمس الحق ابن قاضی دانیال ابن شیخ شہید بن شیخ ابراہیم بن شیخ اسحاق ابن عبد الکریم بن

شیخ شریف بن نور الله بن عبدالحی بن شیخ محمد فردوس بن شیخ انیس بن شیخ رافع بن شیخ عبدالکریم
بن عبدالرحیم بن عبدالرحمن بن ابان بن سیدنا عثمان بن عفان الاموی القرشی رضوان الله علی
من اتبع الهدی علیهم قاضی دانیال از عراق بهند قدوم آورده بقضای بداون مباهات یافته همدرانجا
سکونت پذیرفته از اولاد امجادش شیخ مصطفی است که در علم تصوف یگانه روزگار خصوصاً در حل
غوامضات کتب شیخ محی الدین عربی مشار الیه علمای کرام بود پسرش مولوی محمد شفیع از ارشد تلامذه
وی است که عمر گرانمایه خود بدرس و تدریس بسر برده بعمر هفتاد و سه سالگی روز جمعه بست و دوم شوال
اواخر صدی یازدهم یا اوائل صدی دوازدهم هجری رحلت فرموده و خلف الصدق عقب خود
گذاشت یکی مولوی محمد شریف دوم خطیب عبداللطیف

محمد صدیق لاهوری ابن محمد حنیف بن محمد لطیف فقیه و محدث و ادیب بود والد ماجد وی از
کابل بلاهور آمده امامت مسجد وزیرخان بیگم صاحب متعهد بود روز دوشنبه تاریخ بست و نهم محرم
سال یازده صد و بست و هشت هجری در لاهور متولد شده چون پنج سالگی رسید مولانا محمد عابد
صاحب تعلیقات تفسیر بیضاوی رسم تسمیه خوانی وی ادا کرد و بعد حفظ قرآن مجید بخدمت مولانا
محمد عابد و مرزا مهر اسد و ملا حفیظ اسد و مولوی علیم اسد و ملا ظهور اسد و ملا شهریار و غیرهم علوم متداوله
تحصیل کرده و سند حدیث از شیخ یحیی ابن صالح مکی مدرس مسجد الحرام و شیخ ابوالحسن سندی مدنی
مدرس مدینه منوره بسال یازده صد و هفتاد یافته تصانیف بسیار دارد و در یازده صد و نود و دو
هجری رحلت نمود. تصانیفش سلک الدرر بصنعت اهمال در سیرت نبویه علیه الصلوة
والتحیة - مدار الاسلام فی علم الکلام - شروط الایمان - القول الحق فی بیان ترک الشعر والحلق -
درر الصدف - رجم الطاغوت فی قصة هاروت و ماروت - صدقة الثقلین فی شمائل النعلین -
شرح النفحات الباهرة فی جواز القول بالخمسة الطاهرة - ازالة الغشاوات فی شرح مناقب السادات
تبییض الورق فی تبیین الحق - جامع الوظائف - قطر الحطب - مزیل الاحزان - زبدة الفرح -
جامع طب احمدی - ترجمه نقد محمدی - هدیة الانام وغیره

محمد صدیق برهانپوری انطاکی دکنی کنیتش ابوبکر لقب وی محی الدین بن حبیب الله
الحسینی البرهانپوری است از تصانیفش رساله مقامات است که در آن یک تنبیه و دوازده فصل

وخاتمه ترتیب داده مسائل احتضار و تجهیز و تکفین وغیره متعلقات میت بیان کرده دیده شد که خالی
از زوائد نیست زمانهٔ وفاتش بدریافت نرسید

شیخ محمد طاهر پتنی نامش جمال الدین محمد ابن طاهر است و به محمد طاهر شهرت دارد بسال نهصد و
چهارده هجری در بلدهٔ نهرواله گجرات متولد شده اولاً از مولانا ناگه و مولانا شیخ ناگوری و مولانا برهان الدین
سمهودی و مولانا یدالله سوهی اکتساب علوم کرده فارغ التحصیل شد من بعد در سن نهصد و چهل و چهار
هجری بسوی حجاز رخت سفر بست و بشرف زیارت حرمین شریفین زادهما الله تشریفاً و تعظیماً مباهات
اندوخته در آن دیار بدیار انوار از شیخ عبدالله زبیدی و سید عبدالله عدنی و شیخ عبید الله حضرمی و شیخ
جار الله مکی و شیخ ابن حجر مصری ثم المکی صاحب صواعق محرقه و شیخ علی مدنی و شیخ برخوردار سندهی
و شیخ علی بن حسام الدین المتقی و شیخ ابوالحسن بکری مکی وغیره تحقیقات و استناد فن حدیث نموده
دست ارادت بدست شیخ علی متقی داده در فضل و کمال کامل و مکمل گشت وازانجا بخیر و برکت بوطن
مالوف باز آمده بافاده و تدریس مرجع طلبه علوم شد چون ذات شریفش آمر بالمعروف و ناهی عن المنکر
بود در قلع و قمع بیخ بدعت و منکرات عموماً بغایت می کوشید خصوصاً در ازاله بدعات هم قوم خود که
همه بوهره بودند و مذهب مهدویه اسمٰعیلیه داشتند همه تن مستعد بود و نیز عهد کرده تا وقتیکه نقش
بدعت و ضلالت از قوم خود زائل نگرداند عمامه بر سر خود نه بندد و حسب وصیت مرشد خود
شیخ علی متقی مداد از دست خود حل کرده بامداد کتب نویسی طلبه را امداد و بحالت درس نیز دستش
از حل نمودن سیاهی باقی ماند چون جلال الدین محمد اکبر بادشاه بسال نهصد و هشتاد هجری مرز و بوم
گجرات را خیمه سرادقات خود ساخت شیخ هم بشمول علمای وقت ببارگاه شاهی تقرب یافت
بادشاه سبب ترک عمامه بستن پرسیده رحمة الله علیه سبب آنچنانکه گذشت بیان نمود اکبر بادشاه
از دست خاص عمامه بر سرش بست و فرمود که نصرت دین متین بذمهٔ من است شما در ازاله بدعت
کوشید خان اعظم مرزا عزیز کوکه برادر رضاعی اکبرشاه که حاکم گجرات بود تا ایام حکومت خود
همه تن مددگار شیخ بود هرگاه مرزا عزیز کوکه معزول شده بجایش عبدالرحیم خان خانان شیعی منصوب
گردید فرقهٔ بواهیر اسمٰعیلیه که مجانست بمذهب اهل تشیع دارند قوی بازو شدند شیخ مایوس شده
عمامه از سر خود جدا کرده جهت عرض حال بپیشگاه بادشاه جانب آگره روانه شد که بواهیر

اسمٰعلیه در پے او روان شدند هرگاه شیخ بنواح اوجین بمنزلی که ما بین اوجین و سارنگ پور واقع است
رسید گروه اشقیا فرصت یافته او را شهید کردند این سانحه بسال نهصد و هشتاد و شش هجری وقوع
یافته همراهیان شیخ نعش وی را به پٹن آورده در مقابر بزرگانش بخاک سپردند شکر الله سعیه و جزاه الله
جزاء شیخ علیه الرحمه در فن حدیث تالیف مفیده دارد از انجمله کتاب مجمع بحار الانوار است در لغت
حدیث که فی الحقیقه بجای خود شرح صحاح سته می تواند شد دیگر مغنی در تصحیح اسماء الرجال بلا تعرض بیان
احوال بغایت مختصر نوشته و تذکرة الموضوعات در بیان احادیث موضوعه و قانون الموضوعات فی
ذکر الضعفاء والوضاعین نیز از تصانیف وی اند بوہره بر وزن جوہره لفظ هندی بمعنی تاجر مشتق از
بیوہار بہای موحده مکسوره و یای مثناة تحتانی مجهوله ساکن مخلوط بواو و های هوز و الف و رای مهمله
بمعنی تجارت قومی است در دکن که همه تجارت پیشه اند با خود ها رابطه معاضدت و اتحاد دارند و اغنیای
شان فقرای خود را اعانت کنند رئیس شان در بمبئی فی زماننا ملا نجم الدین است که شفقت پدرانه
به شیخ بواهیر مرعی دارد و این گروه مهدویه اسمٰعیلیه اند و خود را پیرو محمد ن المهدی بن عبد الله ابن احمد
بن محمد بن اسمٰعیل بن جعفر صادق رض دانند و محمد بن عبد الله را مهدی آخر الزمان گویند و بغایت تعصب
مذهبی دارند و اسمٰعیلیه چند فرقه هستند داؤدیه و اسحاقیه که سوای دکن هندوستان در ممالک
مصر والموت و مغرب و ایران و قهستان یافته می شوند مگر بواهیر اسمٰعیلیه بالخصوص به دکن هند
سکونت دارند فرقه مهدویه که خود را پیرو محمد جونپوری گویند اکثر اهل این مذهب بممالک جی پور
حیدرآباد دکن قیام پذیر اند و فرق درمیان مهدویه اسمٰعیلیه و مهدویه جونپوریه اینست که مهدویه
اسمٰعیلیه میلان به تشیع دارند و مهدویه جونپوریه مائل بمذهب اند نهرواله معرب النهلواره
نام سابق شهر پٹن است پٹن بفتح بای فارسی و تای هندی مفتوح مشدده و در آخر نون ملک
گجرات دکن شهریست که بزبان باستان مقر حکومت راجگان هنود بود

مولوی محمد ظاهر بن سید غلام جیلانی بن سید محمد واضح بن سید محمد صابر بن سید محمد آیت الله
بن سید شاه محمد علم الله حسنی الحسینی القطبی النقشبندی از اولاد امام همام حسن مثنیٰ بن سبط الاکبر امام الانام
حسن ابن علی ابن ابی طالب عم رسول الله صلی الله علیه و علی آله و سلم اصل آبای کرامش از مدینه طیبه
مولد و مسکنش تکیه شاه علم الله از محلات رای بریلی ملک اوده است ولادت با سعادت بسال یازدهم

صد و نود و ہشت ہجری واقع شدہ وی رحمۃ اللہ علیہ کتب درسیہ از عم بزرگوار خود مولوی سید
قطب الہدی تلمیذ رشید مولانا شاہ عبد العزیز محدث دہلوی خواندہ تکمیل علوم بخدمت مولوی
عبد الجامع سید نپوری نمودہ جامع کمالات گشت و بیعت طریقہ بردست سید احمد مجاہد کرد کہ ذکر ش
پیش ازین ثبت اوراق شدہ و نیز باستحصال خرقہ خلافت طریقہ چشتیہ و قادریہ و نقشبندیہ مجددیہ
و محمدیہ مستفیض گردید و از ہدایت و ارشاد و تعلیم طریقہ و تصنیف و تالیف عالمے را منور فرمود
تصانیف شریف او در تصوف و عقائد و محاکمات سنت و بدعت مثل خیر المسالک و تحریم الحرام
و قاطع البدعۃ و رسالہ در بیان وحدت وجود و وحدت شہود و کتابی در بیان فتوحات شام
و غیر ذلک بزبان فارسی وارد و بکمال متانت و سلالت نافع و مفید بہ ترتیب احسن واقع شدہ اند
حضرت ایشان باوجود مشغلہ تصنیف و تالیف و افتا و تدریس و وعظ و ہدایت و مواظبت و
ظائف گاہ گاہ بہ نظم نیز می پرداختند شعر ایشان در ہر زبان فارسی و اردو و ہندی خیلی خوب و
ذوقی مرغوب وارد ہنگامیکہ صاحب ترجمہ علیہ الرحمۃ بنا بر تعلیم پسران پاندی دین بندہ بہادر
دیوان ریاست ریوان بمقام ریوان رونق افروز بود سواد اوراق اکثر اوقات شرف
قدمبوسیش مے یافت در حقیقت حضرت ایشان یادگار سلف صالحین بودند چندی از سکنہ
ریوان دست ارادت بدامان بیعتش دادہ اند و برخی از شعری و ہولی طبع زاد وش بالیت بعض
سرود سرایان ریوان محفوظ است مولوی سید فخر الدین احمد سلمہ ربہ ابن البنت حضرت
ایشان در کتاب مہر جہانتاب اکثری ازان نقل فرمودہ و باقی حالات شان مولوی سید محمد عبد الحی
خلف الصدق مولوی سید قمر الدین احمد صدر الذکر در نزہۃ الناظر مشرحاً تحریر فرمودہ مولوی
ولی الدین نصیر آبادی مرید ایشان بودند و مولوی محمد صادق غازی پوری و مولوی لطف اللہ
مناظر صاحب تفسیر مظہر العجائب و مولوی فخر الدین احمد ابن البنت حضرت ایشان از ایشان
اخذ علوم کردہ اند وفات شریفش در سن دوازدہ صد و ہفتاد و ہشت ہجری بعارضہ فالج
در رای بریلی وقوع یافتہ آہ سید محمد ظاہر بادہ تاریخ وفاتش یافتہ اند رضوان اللہ علیہ و علی اسلافہ
محمد جونپوری مدعے مہدویت در سیادت و شیختش ارباب تواریخ اختلاف کردہ اند مولف
سیر المتاخرین ناقل است کہ سید محمد جونپوری ابن سید بڈہ اویسی از فرادان روحانیت

فیض برگرفته و بر صوری و معنوی علوم حاوی بود از شوریدگی دعوی مهدویت کرد بسیاری مردم
بدو گرویدند و بسا خارق اند و برگزارند انتهی مولوی محمد زمان شاهجهانپوری در هدیه مهدویه از
مطلع الولایت و شواهد الولایت و پنج فضائل و تذکرة الصالحین وغیره کتب معتبره فرقه مهدویه نقل
کرده شیخ جونپور که وی را مهدویان میران سید محمد مهدی موعود میگویند ابتدائیش چنین است که در بلده
جونپور شخصی سید خان نام داشت از وی دو فرزند بوجود آمدند یکی احمد دوم محمد همان شیخ جونپور است
که بسال هشتصد و چهل و هفت هجری متولد شده نام مادرش بی بی آغا ملک بود مهدویان بجهت
ادعای مهدویت نام والدین او را میان عبدالله و بی بی آمنه مقرر کردند چون عمرش بچهار سال و چهار
ماه و چهار روز رسید سید خان پدرش اشراف و اعیان جونپور را به تکلف تمام ضیافت کرده از
زبان شیخ دانیال جونپوری که از مشائخ وقت بود رسم تسمیه خوانی ادا کنانید و وی را جهت تعلیم بشیخ دانیال
مرحوم پسر شیخ جونپور و برادر کلانش احمد بخدمت شیخ دانیال حاضر بوده با کتساب علوم می پرداختند
چون شیخ جونپور طبع بلند و ذهن دل پسند داشت بعمر هفت سالگی از حفظ قرآن مجید و بدوازده سالگی
از علوم درسیه فراغ حاصل کرده و از آنجا که در موشگافی دقائق علمیه دلیر و در مباحثه بجد شیر بود شیخ
دانیال جونپوری و علمای دانا پور وی را بلقب اسد العلماء یاد میکردند شیخ جونپور اول بسلسله چشتیه نسبت
ارادت بشیخ دانیال داده هنگام شباب قدم در ساحت فقر نهاد مردم زمانه باعتقاد تمام بوی
گرویدند سلطان حسین حاکم دانا پور که باج گزار دلیپ رای مرزبان گوڑ بود برابطه اعتقاد بدو پیوسته
و در مهمی دیرا به خود می برد بالجمله شیخ جونپور سلطان حسین را از اطاعت دلیپ رای باز
داشته مستعد جنگ و جدال گردانید سلطان حسین بجمعیت سی هزار سوار جنگی مع شیخ جونپور روانه
جانب گوڑ شد و یکهزار و پانصد سواران مجرد که بفوج براگیان نامزد بودند در رکاب شیخ داشته
دلیپ رای بمجرد شنیدن خبر خروج بسلطان حسین مقابل گشت سلطان حسین بوجه کمی فوج خود
منهزم شده پس پا گردید لیکن شیخ جونپور قدم استقلال از انجا نجنبانید و بپانزده صد سواران براگیان
بر دلیپ رای حمله آورده بیک تیغ او را دو پاره کرد دلش از تنوره بدن بدر افتاد میگویند که بر دلش
صورت بتی که او را دلیپ رای می پرستید منقوش بود این واقعه موجب ازدیاد جذبهٔ شیخ گشت
که هرگاه معبود باطل را چنین اثر است معبود حق را چه خواهد بود. شیخ جونپور تا دوازده سال در آن

جذبه بیهوش ماند چون از آن افاقه یافت ترک وطن کرده مع زن و فرزند و مریدان چند از راه نیستان
دانا پور بجهان گردی رو نهاد درین سفر بی بی الدینی زوجه شیخ و سید محمود فرزندش و شیخ بهیکه
و میان دلاور نومسلم همشیرزاده ولیپ راو مقتول همراه شیخ بودند همدران نیستان الامامت
مهدویت خود مرتبه اول ظاهر کرده که رفقایش تصدیق آن کردند رفته رفته بشهر چندیری رسید
در انجا مردم آن مرزبوم بتذکیر و بیانش هجوم آوردند و مشایخ آن دیار برو حسد بردند و جبراً از انجا
اورا بدر کردند شیخ با تبعه خود بشهر مندو دار السلطنت مالوه آمده غلغله وعظ او گوش زد عالمیان گشت
سلطان غیاث الدین بادشاه مالوه که دران هنگام بحکم پسر خود سلطان نصیر الدین بجولانه زرین
مقید بود شیخ را بعطای انعام کثیر مرفه الحال ساخت و یکی از امرای سلطان غیاث الدین الهداد
نام که بفضیلت علمی و شعرگوئی شهرت داشت ترک دنیا کرده همراه شیخ گشت مهدویان اورا
خلیفه ششم میدانند مرثیه شیخ جونپوری و دیوان مهمل و رساله بارامانت و رساله ثبوت مهدویت
از تصانیف اوست و صاحب دیوان مهری ابن خواجه طرشا گرد همین الهداد است بالجمله شیخ
جونپور از مندو تختگاه مالوه بشهر چاپانیر عاصمه گجرات دکن آمده بمسجد جامع فرود آمد شهره وعظ و ترک
و تجردش آفاق را برگرفت سلطان محمود بیگڑهه ببای موحده مکسوره و یای تحتانی مجهول و کاف
فارسی و دال هندی مخلوط بها لقب سلطان محمود گجراتی است و در تلقب سلطان مذکور بدین
لقب دو وجه بیان کرده اند یکی آنکه بروتهای سلطان مانند دو شاخ گاو سطبر و پیچدار بودند و
بزبان گجراتی این چنین گاو را بیگڑهه گویند دوم بزبان گجرات عدد دو را گویند و گڑه قلعه را چون
فتح قلعه جوناگڈهه و چانپانیر بدست سلطان روی نمود بنابران وی را بیگڑهه می گفتند مرات احمدی
مرزبان گجرات خواست که حاضر مجلس شیخ شود مگر بممانعت علمای وقت ازان اراده باز ماند
میان نظام که بمسجد اسلام خان طالبعلمی بود بحلقه مریدانش آمده همراهش گردید همانجا بی بی الدینی
زوجه کلان شیخ مذکور وفات یافته زیر قلعه مدفون گشت شیخ جونپور از انجا براه برهانپور و دولت آباد
بشهر احمدنگر مطمح سفر خود نشانده احمد نظام الملک بادشاه آن دیار باعتقاد تمام پیش آمده ازان بعد
بزمانه شاهی ملک برید بشهر بیدر رسید شیخ مومن و ملا ضیاء و قاضی علاء الدین دست ارادت
بدو دادند شیخ جونپور از انجا بگلبرگه رسیده بعد زیارت سید گیسو دراز قدس سره براه رای باگ

بہ سیلی واپھول رسید وبسواری مرکب تری عازم بیت اللہ شد ہرگاہ بحرم محرم رسید بیادش آمد کہ
در میان رکن ومقام ابراہیم خلائق بر دست مہدی موعود بیعت خواہد کرد زبان خود را بہ کلمہ من اتبعنی
فہو مومن گویا ساخت میان نظام وقاضی علاء الدین آمنا گفتہ دست بدستش دادہ گفتند کہ دو گواہ
بسند این واقعہ بسال نہصد ویک ہجری بظہور پیوستہ وبعد معاودت از مکہ معظمہ بمسجد تاج خان
سالار واقع احمد آباد گجرات رخت اقامت انداخت بتذکرو دعوت پرداخت ملک برہان الدین و
ملک گوہر داخل جرگہ مریدانش شدند درہمین مسجد بسال نہصد وسہ ہجری بمجمع عام دعوے
مہدویت کردہ این دعوی دوم ہست علما ومشائخ گجرات بسلطان محمود گفتند کہ شیخ جونپوری وعظ
خود حقائق ومعارف خلاف شرع شریف بیان می نماید سلطان حکم اخراجش صادر فرمود شیخ
از انجا بدیہہ سولاسانج منزل گزین گشت میان نعمت کہ رہزنی سفاک بود بجرم قتل یکے
جبشی گریختہ بدو پیوستہ دست ارادت بدست شیخ دادہ بجرگہ رفقایش در آمد بالجملہ شیخ
جونپور از سولاسانج بشہر نہروالہ گجرات کہ آنرا پٹن ہم گویند بر لب حوض خان سرور فرود آمدہ
میان خوند میر واقربایش درآن مقام بسلک ارادت منسلک شدند درانجا نیز ہمان آش وکاسہ
پیش آمد یعنی فرمان ثانی از بارگاہ سلطانی جہت اخراج او صدور یافتہ شیخ مع توابعین بقصبہ
بدلی کہ از پٹن سہ کروہی فاصلہ داشت رخت اقامت انداخت میان خوند میر کہ وزیر ابا ز الملک
بوجہ بدعقیدگی محبوس نمودہ بود از محبس گریختہ بشیخ پیوست بمقام بدلی مذکور جملہ مریدانش بدست
استبداد بدامنش زدند کہ باز دعوی مہدویت کند شیخ زبان خود بدین کلمہ گویا ساخت انا مہدی
مبین مراد اللہ وپیوستہ جسم خود بدو انگشت گرفتہ گفت ہر کہ از مہدویت این ذات منکر شود
کافر ہست ومن از خدا بیواسطہ احکام میگیرم خدا میفرماید کہ علم اولین وآخرین وبیان معنی قرآن و
کلید خزاین ایمان بتو دادم پذیرندہ تو مومن ومنکر تو کافر ہست خوند میر وتمامی یارانش کہ سہ صد و
شصت بودند صداے آمنا وصدقنا در دادند این دعوے سوم ہست کہ در سال نہصد وپنج ہجری
از بطون رحم بعرصۂ ظہور آوردہ تا دم مرگ ہمان دعوے قائم ماند این دعوی را مہدویان
دعوی موکدی نامند بشنیدن این دعوی تنی چند از علماے شہر نہروالہ بقصبہ بدلی آمدہ مباحثا
بدو پیوستند مگر شیخ الخیالات خود باز نیامد علما ای وقت سلطان گجرات را مطلع کردند سلطان

حکم اخراج وی صادر فرمود شیخ با مریدان خود بسوی ملک سنده نهضت نمود واز راه جالور وناگور ونهر واله
بشهر ٹهٹه دار الحکومت سنده فرود آمد ودر انجا هم چند کسان مصدق مهدویت او پیدا شدند چون
اهل اسلام سنده بر عقاید شیخ آگاه شدند شاه سنده حکم قتل شیخ مع مریدانش صادر فرمود
در بانیان مصاحب شاه سنده بسعی تمام حکم قتل ملتوی کنانیده از محروسه سنده وی را بدر کرد
شیخ با مریدان خود که هشت صد مردم بودند بخراسان شتافت منجمله مردم همراهی شیخ سه صد و شصت
نفر ملقب باصحاب ومهاجرین بودند چون بقندهار رسید حاکم قندهار مرزا شاه بیگ بعد آگاهی
بر حالات شیخ فرمود که بروز جمعه هندی را بمسجد جامع پیش علماے اسلام حاضر آرند دلازمان بامتثال
امر حاکم شیخ را گرفتار کرده پیش علمای اسلام بمسجد جامع حاضر آوردند علمای وقت بسختی کلام بدو پیش
آمدند شیخ تحمل بکار برده وعظ قرآنی آغاز نمود مرزا شاه بیگ که نوجوان بود بسحر بیانش فریفته شد
که آن گرمی بسردی مبدل گشت شیخ از ان مهلکه نجات یافته بعد طے منازل بشهر فراه رسید ناگاه
یکے از عهده داران آن شهر آمده اسلحه شیخ ورفقایش گرفته همرهیان را از گوشه کمان خود شمار کرد وگفت
فردا همه بزندان خواهید رفت بعده امیر ذو النون حاکم فراه بنا بر دریافت ماجرا بذات خاص
نزد شیخ جونپوری رسیده گرویده او شد وعلمای وقت را فرمود تا امتحانش در مهدویت بگیرند علما
باب مباحثه ومناظره وا نمودند امیر ذو النون صورت حال بپیشگاه مرزا حسین بادشاه خراسان
معروض داشت بانتظار جواب تا نه ماه بشهر فراه قیام ورزیده بعمر شصت وسه سال در سن
نهصد وده هجری یوم پنجشنبه داعی اجل را لبیک اجابت گفته سفر آخرت اختیار کرد و درمیان فراه
وزرید خون گشت الهداد بن جنید که ذکرش گذشت مرثیه شیخ بر قبرش خواند از جمله اشعار مرثیه
اینست ؎ فضلش که بر جمیع پیمبر شد از خدا ٭ باد ابروز حشر شفاعت گر از خدا ٭

اعوذ بالله من سوء الاعتقاد

مولانا محمد عابد لاهوری از اولاد ابو بکر صدیق رضی الله عنه فقیه مفسر از دودمان علم
کثیر العبادة بود در حلقه مجلس وی روزانه قریب دو صد علما وصلحای نشستند از لاهور پیاده
بحرمین شریفین رفته وبعد ادای مناسک حج وزیارت روضه منوره بلاهور مراجعت فرموده
بتاریخ هیژدهم رمضان سال یازده صد وشصت هجری ازین جهان رحلت فرمود

تصانیفہ حاشیہ تفسیر بیضاوی ناتمام۔ شرح خلاصہ کیدانی بزبان فارسی۔ شرح قصیدہ بانت سعاد۔ رسالہ وجوہ اعجاز قرآن۔ رسالہ فی الاربعۃ الاحتیاطیۃ بعد صلوٰۃ الجمعۃ۔ البشرۃ المبشرۃ فی فضائل الامۃ المرحومہ

شیخ محمد عابد سندھی ابن احمد علی بن یعقوب سندھی فقیہ و محدث جامع علوم عقلیہ و نقلیہ حامی مذہب حنفیہ بود در شہر سیون کہ متصل شہر بوبک برکنارہ شمالی حیدرآباد سندہ واقع است متولد شدہ وی در زبید ملک یمن از علمای وقت مستفید شدہ و از انجا بصنعای یمن رسیدہ بعضے وزیر گشت و منجانب امام صنعاء بطور سفیر بمصر رفتہ و از انجا بوطن مالوف معاودت کردہ بقصبہ نواطی کہ بملک سندہ قریب کراچی بندر ہست رخت اقامت انداخت باز بمدینہ طیبہ آمدہ والی مصر وی را رئیس العلمای مدینہ منورہ مقرر فرمود کتاب مواہب اللطیفہ علی مسند الامام ابی حنیفہ و طوالع الانوار علی الدر المختار و تخریج تیسیر الوصول الی احادیث الرسول و شرح بلوغ المرام از تصانیف وی مشہور اند بروز دوشنبہ ماہ ربیع الاول سال دوازدہ صد و پنجاہ و ہفت ہجری وفات یافتہ در بقیع مدفون گشت۔

میر محمد عسکری جونپوری از سادات عظام بلدہ جونپور شیعی مذہب بود ہر چند تحصیل کتب متداولہ چنانکہ معمول علمای ہندوستان ہست نکردہ مگر بذکای طبعی و زور کتب بینی در جمیع فنون معقول و منقول و فروع و اصول تبحر تام داشت و در حسن بیانی و طلاقت لسانی مشار الیہ اقران بود تا مدتے افادہ علوم می داد و بہ قلیل معاش قانع ماند مؤلف سیر المتاخرین می نویسد کہ بر شیخ صدر جہان عرف انگنون میان کہ سنی المذہب از فضلاے وقت بود بمسئلہ فضیلت ابوبکر صدیق و علی ابن ابی طالب رضی اللہ عنہما چیرہ دست آمد واللہ اعلم بالصواب وے بعمر ہفتاد سالگی بسال یازدہ صد و نود رحلت فرمود

حافظ محمد عظیم پشاوری میگویند کہ وی در اوائل نہایت غبی بود بہ دعای خضر علیہ السلام ذہین گشت و در اندک زمانی علوم عقلیہ و نقلیہ فرا گرفتہ عالم نبیل و فاضل جلیل و واعظ بے عدیل گشت وعظ وی نہایت پرتاثیر و بامذاق بود بزبان عربی و فارسی و پشتو و پنجابی ماہر و مقرر بود یعنی طالب العلم یا سامع وعظ ہر زبانے کہ از زبانہای مذکور می فہمید آنرا بہمان زبان تعلیم مے داد

و موعظت میکرد گو بصارت ظاہرش مفقود شده بود مگر بسبب نور باطن وی را احتیاج بینائی ظاہر نبود در دوازده صد و ہفتاد و پنج ہجری وفات یافته

مولوی سید محمد علی دوکوہی عرف امام علی بن سید غلام محی الدین ساکن دوکوہہ ضلع عبالله مصر بخدمت مولوی لطف الله ساکن علی گڈھ و مولوی حافظ محمد شوکت علی سندیلی و مولوی محمد کمال عظیم آبادی و مولوی محمد احسن پنجابی مدرس کانپور و مولوی عبد الحمید عظیم آبادے تحصیل علوم متعارفه کرده بالفعل بمقام عظیم آباد مطب میکند سلمه الله تعالی

مولوی محمد علی بدایونی بن خطیب محمد لطیف بن خطیب عبد اللطیف بن ملا محمد شفیع عثمانی جدش ان عبد اللطیف خطیب مسجد جامع بدایون بود که آنرا سلطان شمس الدین التمش در سن ششصد و بست ہجری تعمیر کرده ولادت مولوی محمد علی در سال سی و چہارم صدی دوازدهم ہجری بظهور پیوسته از بدو سن شعور شوق تحصیل کمال ظاہر و باطن در سرش افتاد خدمت کملائے عہد که مشہور اکناف عالم بودند دریافته مستفیض می شد لیکن اکثر علوم متعارفه پیش قاضی مبارک گوپاموی و قاضی مستعد خان دہلوی تحصیل و تکمیل فرموده و دست ارادت بدامان ہدایت میر عبد الله دہلوی بسلسله علیه قادریه زده مریدش گشت شرح کمالاتش بخدمتیکه درین مختصر نگنجد بالآخر بعمر شصت و سه سالگی تاریخ بست و پنجم ربیع الثانی سال یازده صد و نود و ہفت ہجری مولوی شمس الدین را عقب خود گذاشته رحلت فرمود شاعری تاریخ وفاتش چنین یافته ؎ از وفات مولوی معنوی گشت تیره بچو شب روز جہان از خرد جستم چو تاریخش بگفت
کرد رحلت زین جہان قطب زمان

مولوی محمد علی صدر پوری ابن شیخ رمضان علی متوطن موضع صدر پور پرگنه ملیح آباد معضافات شہر لکھنؤ عالم ربانی شاعر حقانی متخلص به محمد در اوائل عشره ثانیه صدی سیزدہم از ہجرت متولد شده پیش مرزا حسن علی محدث لکھنوی شافعی المذہب کتب تفسیر و حدیث سماعة و قراءةً گذرانید و بخدمت مولوی شاه بشارت الله بہرائچی مجددی شرف بیعت طریقه نقشبندیه مجددیه یافته مستفیض گشت و در اشاعت سنت و اماتت بدعت بغایت می کوشید و خود ہم شعار و دثار تقوی می پوشید اکثر مصنفاتش از قصاید و مثنویات مشتمل بر مواعظ و نصایح اند و در نعت

نیز چند تصانیف بطرز نصاب دارد بسال دوازده صد و پنجاه و هشت هجری به ٹونک قدوم آورده بجبرگه ملازمان وزیر الدوله امیر الملک نواب وزیر محمد خان بهادر نصرت جنگ منسلک گردیده بمصاحبت و مجالست فرزندان رئیس موصوف مخصوص گشت و تا عمر اخیر بملازمت یمین الدوله وزیر الملک نواب محمد علی خان بهادر صولت جنگ خلف نواب سابق الالقاب بسر برده بتاریخ پانزدهم رجب سال دوازده صد و هشتاد و سه هجری هنگام نیم شب پنجشنبه از عالم فانی بملک جاودانی روان گردید مولوی محمد حسن تاریخ رحلتش صوری و معنوی این چنین گفته ؎ دریغا که آن عالم حق پرست ؛ محمد علی فضل و دانش نفیس ؛ ز عیش جهان دل بپرداخته ؛ بگردید با ملا اعلی جلیس ؛ محمد حسن صوری و معنوی ؛ رقم کرد تاریخ طرز نفیس ؛ بفردوس رفت آن معلی جناب ؛ ز ماه رجب نصف لیل الخمیس ؛ **تصانیفه** آثار محشر در احوال قیامت - دلبر واعظین - تسر الناظرین در نکاح بیوگان - بینو نظیر در قصص بزرگان - هدیة الاخیار قصه عاد اولی و عاد اخری - وقائع احمدیه در حالات سید احمد مجاهد رای بریلی - ترجمه حقیقة الاسلام مصنفه قاضی ثناء الله پانی پتی - نصاب گوهر منظوم - نصاب سلک گهر - نصاب مصدر الفیوض - نصاب مفتاح الخزائن - نصاب درج جواهر - نصاب عناقید الاثمار - نصاب کنز المصادر - مثنوی تحفة الاخیار - مثنوی تحفة الاحباب - قصائد در حمد و نعت - رکاز الهدایت در فقه - مثنوی عبرت افزا قصه زن دیندار عابده

مولوی شاه محمد علی ساکن بهیرا ابن شاه عبد العلیم ابن شاه ابو الغوث کرم دیوان ساکن موضع بهیرا ضلع اعظم گڈهه و برادرزاده حافظ شاه ابو اسحاق قدس سره بشوق تحصیل علوم پای ارادت در جادهٔ غربت نهاده بعد طے منازل و قطع مراحل در مدراس بخدمت الجناب ملا عبد العلی بحر العلوم فرنگی محلی پیوسته و دران مرزبوم مدتے قیام ورزیده از تحصیل علوم درسیه متداوله نقد فراغ بدست آورده بدیار عرب رو آورد و تا سه سال بمدینهٔ طیبه علی صاحبها الصلوة والتحیة رخت اقامت انداخته علم حدیث و اسماء الرجال و اسانید را به تکمیل رسانید و بعد مرور بست و سه سال بوطن مالوف مراجعت فرمود و بوظیفه دولت مدراس که با و میرسید قانع

بوده روزے که چند بوطن بسر برده جهان فانی را پدرود فرمود انا لله و انا الیه راجعون

ملا محمد عمران رام پوری ابن ملا محمد غفران رام پوری شاگرد والد ماجد خود و نیز بخدمت مولوی
حیدر علی رام پوری مستفید شده در فقاهت مشار الیه اقران خود بود و تمام عمر شریفش در افاده تعلیم
طلبه علوم بسر برده رساله تجهیز و تکفین میت از تصنیفاتش مشهور و مطبوع است هنگامیکه بمعیت
والد خود بسمت کلکته تشریف می برد بمقام فتح پور هسوه فقیر حقیر خدمت هر دو بزرگوار دریافته
پدر و پسر نهایت مسن بودند که شخص ناواقف هر دو را برادر یکدیگر می شمرد بعمر هفتاد و دو ساله
بسال هفتاد و یکم از صدی سیزدهم داعی اجل را لبیک اجابت گفته بریاض رضوان پیوست

مولوی محمد عمر رام پوری دانشمند متبحر جامع معقول و منقول ذکی الطبع مناظر غالب شاعر فصیح
واعظ طلیق اللسان تخلص صولت میکرد حاشیه عینی شرح هدایه و رساله طنطنه صولت در باب
سماع ازو یادگار اند سوالات عشره که مولوی محمد حسین لاهوری سرخیل غیر مقلدین مشتهر کرده بود
بجواب هر یک سوال اجوبه متعدده تحریر فرموده نامش عشره بشره نهاد آن رساله نیز از تصانیف
شریفش شهرتی دارد وی رحمة الله علیه بعمر بیست و شش سالگی واقع سیزدهم رمضان المبارک
سال دوازده صد و نود و پنج هجری رحلت فرمود

شیخ محمد عیسی جونپوری ابن شیخ احمد عیسی دهلوی در فتراتیکه از آمدن امیر تیمور بصوب دهلی افتاد
اکثری از اکابر بجونپور رفتند شیخ احمد عیسی نیز در آن میان بود محمد عیسی در آن زمان هفت یا هشت
ساله بود وهم در صغر سن بمقتضای سعادت ازلی و استعداد جبلی مرید شیخ فتح الله اودهی شد
و باشارت پیر مدتی پیش ملک العلما قاضی شهاب الدین دولت آبادی تلمذ کرده شرح اصول
بزدوی که قاضی موصوف تا بحث امر دارد بتقریب وی نوشته است وی بعد فراغ از تحصیل علم
ظاهر در خدمت شیخ فتح الله بتصفیه باطن مشغول شد تا آنکه از کبار مشائخ جونپور شهرت پذیرفت
وهم در انجا مدفون است

ملا محمد غفران رام پوری ابن ملا نائب آخون ابن حافظ سعد الله خان رامپوری از افاغنه
تراهی خیل مرید و تلمیذ ملا فقیر آخون ولایتی بود و نیز بخدمت بعض علمای وقت مستفید شده فتاوای
فقه در صد جزو نوشته که بجنگ موسوم و بکتب خانه رئیس رامپور موجود است علمای نامور
از سایه دامن تربیت و تعلیم او برخاسته اند بعمر صد ساله بسال ششم از صدی سیزدهم هجری

رحلت فرمود مصنف ابجد العلوم وی را بلقب روایت کش یاد کرده العلم عند الله تائب بروزن
صائب بادل تای شناه فوقانیه بعدش الف بعدش همزه مبدله مکسوره و در آخر بای موحده
بمعنی توبه کننده آخون بالف ممدوده وخای معجمه مضمومه و واو معدوله و نون ساکن بمعنی استاد و
معلم جنگ بجیم تازی مضموم وسکون نون وکاف فارسی بیاض بزرگ را گویند

شیخ محمد غوث گوالیاری بسلسله شطاریه مرید حاجی حمید ست در ابتدای حال تا دوازده سال
در دامن کوه چنار ریاضت شاقه کشیده در غارها مسکن و از برگ اشجار غذا میداشت در علم دعوت
بیهمتا و مقتدا و صاحب تصرف بود همایون بادشاه با و عقیدتے کامل داشت بعد انهزام همایون از شیر
شاه افغان و سپے آزار شیخ گردید شیخ سفر دکن اختیار کرد سلاطین آن دیار بحلقهٔ اعتقادش
در آمدند شیخ وجه الدین گجراتی که عالم ربانی و فاضل متبحر بود مطیع و منقادش گشت بسال نهصد و
شصت و شش هجری شیخ از گجرات با گره آمده اکبر بادشاه را در سلک ارادت خود کشیده گر بادشاه
زود منحرف شد و نیز صحبتش با بیرم خان و شیخ گدائی راست نه آمد رنجیده بگوالیار رفت و خانقاهی
تعمیر کرد یک کرور تنگه معاش داشت و نهایت منکسر مزاج بود هر کرا میدید تعظیما قیام مے نمود
رساله معراج نامه در عروج حال خود و جواهر خمسه و اوراد غوثیه و بحر الحیات از تصانیف او یادگار اند
هرگز لفظ من بزبان او نگذشتی همواره تعبیر از خود بفقیر کردی تا اینکه وقت تقسیم غله سگفت که اینقدر
میم و نون غله بفلان بدهید بعمر هشتاد سالگی در سال نهصد و هفتاد هجری رحلت فرموده رحمة الله علیه

شاه محمد فاخر الہ آبادی زایر تخلص بن شاه خوب الله اله آبادی جامع علوم ظاهر و باطن بود
اکتساب علوم ظاهر بخدمت برادر کلان خود شیخ محمد ظاهر کرده حق سبحانه تعالی شانه او را شانے
عظیم داده بود بعمر بست و یک سالگی بجاے پدر بزرگوار و ساده آرای خلافت شده بعمر بیست
و هشت سالہ بزیارت بیت الله مشرف گشت و بمدینه طیبه سند حدیث از شیخ محمد حیات سندهی
مدنی حاصل نمود چون مرتبه سوم عزم حج کرده در برهانپور داعی اجل را لبیک گفته بتاریخ یازدهم ذیحجه
روز یکشنبه سال یازده صد و شصت و چهار هجری جان بجان آفرین سپرد تاریخ ولادتش
خورشید و تاریخ فوتش زوال خورشید یافته اند مزارش در برهانپور به پهلوی شاه عبد اللطیف
برهانپوری است مزار متبرک دیر التصانیف بسیار اند از انجمله قرة العینین فی رفع الیدین و

نور السنۃ و درۃ التحقیق وغیرہ مشہور و مستند شکر اللہ سعیہ

مولوی محمد فاروق چریاکوٹی فرزند خرد قاضی علی اکبر ابن قاضی عطار رسول عباسی است که بفضل و کمال در اقران و امثال گوی سبقت ربوده و ساحت علوم عقلیہ و نقلیہ را بگام تحقیق و تدقیق فرسوده کتب درسیہ فارسیہ و صرف نحو عربیہ و علوم عقلیہ و نقلیہ از مہین برادر خود مولوی عنایت رسول اکتساب نموده و علم ہیات از مولوی رحمت اللہ فرنگی محلی و ہدایہ و صول فقہ از مفتی محمد یوسف فرنگی محلی و حاشیہ زاہدیہ بر شرح ملا جلال از مولوی ابو الحسن منطقی آموختہ بالجملہ ہر دانہ کمال از خرمن اساتذہ نامی اندوختہ مطیہ سفر بمالک حجاز کشید و بزیارت حرمین شریفین بہرہ اندوز گردید و بدیدار علمائے اسلام و اکتساب فیوض از فقرای اہل اسلام بعد عاد ولی رسید در علوم ادبیہ فارسیہ و عربیہ ید طولی دارد و بتعلیم طلبہ علوم می پردازد وی را رسایل بعلوم مختلفہ و اشعار عرب و مکاتیب و خطب انداز انجملہ اندکے از بسیار و مشتی از خرواری نگارم از قصائد فارسی داور اگوہر شناسا اینکم در بزم تو بہر معنی در دل و گنج سخن در آستین ؛ اطلس افلاک را دانم چو نقش بوریا ؛ جامۂ عریانیم رو دارد از دیبائے چین ؛ ہستم از گنج قناعت مایہ دار خرمی ؛ نیستم دریوزہ گردی بر در تاش و نگین ؛ مثنوی کہ بمدح استاد خود مفتی محمد یوسف فرنگی محلی در سال دوازدہ صد و ہشتاد و شش ہجری بسلک نظم کشید و بسمع قبول ممدوح رسید بندی ازان اینست ؎ دلم در شوق زلفش نالہ ساز است ؛ چہ می نالم غم زلفش دراز است ؛ بدل چون دیگ منعم گرم جوشم ؛ بصورت صورت نقش خموشم ؛ دلی دارم مشعبد شیشہ بازی ؛ زبانی جادوی افسون طرازی ؛ حدیث من فسون جان گداز یست ؛ دو چشم صورت خون نابہ ساز یست ؛ نوای من صفیر ہر نشیمن ؛ حدیثم قصۂ ہر کوی و برزن ؛ بسے این خامہ سحر اورز رفت ؛ برآرد جادو یہا از تہ حرف ؛ گہی شب آورد گہ روز بیرون ؛ گہی قائم نماید گاہ اکسون ؛ گہی این خامہ در لبہای ناشاد ؛ با فسون خندہ جوش طرب زاد ؛ گہی از دیدۂ دلہای خرم ؛ برآرد چشمہای اشک ماتم ؛ صفا شمعی است در بزم خیالم ؛ سخن یک نغمہ ساز کمالم ؛ نمی بینی کہ طرفہ بلبلم من ؛ کزین اعجوبہ ہر محفلم من ؛ بہر میدان نمودم ترکتازی ؛ بخواندم نامہ ترکی و تازی ؛ گہی از لوح رازی خواندہ ام حرف ؛ گہی از حرف تازی بستہ ام طرف ؛ گہے اندر مقام لحن شیراز ؛ شدم با اہلی و سعدی ہم آواز ؛ گہی در بزمگاہ نغمہ سازی ؛

سخن راندم باهنگ حجازی ؞ حسود آن فروزان گوهر من ؞ که شمع من بهر بزمے است روشن ؞
قلم چون در لغات و حروف راندم ؞ سخن بر کرسی اعلی نشاندم ؞ به بخود هم بلاغت خامهٔ من ؞ بسے
شمع معانی کرد روشن ؞ ز موجودات عالم جستم اسرار ؞ بخواندم دفتر اعداد و مقدار ؞ بسی خار عنا در
پا شکستم ؞ ز ساز چرخ و انجم طرف بستم ؞ چو کردم راز سر هیچ ظاهر ؞ سخن راندم ز اعراض و جواهر ؞ ز بیخ
معلول و علت وانمودم ؞ گره از وحدت و کثرت کشودم ؞ باحکام عقول و بحث ارواح ؞ بدست
شرع احمد کردم اصلاح ؞ ز طاب نور آن مهر دل افروز ؞ بسے شبهای ظلمت کرده ام روز ؞
سوی آبای علوی یافتم راه ؞ شدم از امهات سفلی آگاه ؞ بنور دیدهٔ اهل بصائر ؞ نظر کردم بگلزار
عناصر ؞ بسے بگماشتم ناظور دل را ؞ تماشای بهار آب و گل را ؞ فنا را دست در هر صورتی دید ؞
ز هر یک لاجرم رخ باز پیچید ؞ ز فکر این و آن خود را تهی کرد ؞ بسوی ملت بیچون رخ آورد ؞ خیالم
رفت از مه تا بماهی ؞ پے اسرار آیات الٰهی ؞ بسا جهد طلب آوردم در کار ؞ ربودم از شریعت
گنج اسرار ؞ چو گردیدم ز راز شرع آگاه ؞ ندیدم در میان جز نقش الله ؞ بمدح ممدوح
می پردازد۔ چو بر اوج کمال خود رسیدم ؞ ز سنگ آستانی بوسه چیدم ؞ چه سنگی سنگ ایوان
شه دین ؞ که دارد از شریعت ملک و آئین ؞ جناب اوستاد کعبه جاه ؞ دلیل راه مردان حق آگاه ؞
سحاب ساکب جود النوال ؞ همام صائد طود الکمال ؞ کمّی فی الوغا لیث الاعادی ؞ کریم فی الندی
غیث الایادی ؞ کریمی یوسف مصر معانی ؞ غزال مرتع فضلش غزالی ؞ چه یوسف مصر معنی را عزیزی ؞
نیز زو ملک جم پیشش به چیزی ؞ بصورت شمع بزم یوسف آمد ؞ بمعنی غیرت بو یوسف آمد ؞
بگیتی در کمال همسرش نیست ؞ جبینی خالی از خاک درش نیست ؞ بشوق مکتب درسش
فلاطون ؞ دلی دارد چو جام باده پرخون ؞ ادب گیرد به بستانش ارسطو ؞ به پیشش بوعلی تکرد زانو ؞
الی آخره بقیه اشعار آبدارش بحیز تحریر نیاوردم که بحر زخار را بکوزه آوردن کارے دارد وی را
ماسوای تصانیف رائقه دو خطبه ادبیه بزبان عربیه اند که داد فصاحت میدهند و بر کمال بلاغتش
دلیلے اند لامع یکے عنوان خطب جمعه که کتابیست مشتمل بر خطب منظومه و منثوره صورتها
الحمد لله القاسم الالآء ؞ الجاسم اللاواء ؞ المعلی الاسماء ؞ والصلوٰة والسلام علی سید الانبیاء ؞
محمد منقذ الاسراء ؞ المخصوص بالاسراء وعلی آله الطاهرین بالباساء ؞ واصحابه القاهرین للاعداء ؞

اما بعد فیقول العبد الخاطی الناسی ٭ محمد فاروق الحنفی العباسی ٭ جعل اللہ من حماۃ ذمار دینہ ٭ واعطی کتابہ بیمینہ ٭ انہ قد سالنی بعض من یحیی واجبہ ٭ واستعبد فی ودہ وتیمنی حبہ ٭ ان انشی خطبا ادبیہ ٭ واجلی للعیون عربا عربیہ ٭ ومع ذلک استقی زلالا ٭ ممزوجا بالعسل الفکری ٭ من کاس ادار ہا ابن نباتۃ المصری ٭ لکن لم یسعنی الاجابہ ٭ لما عن لی ہموم ناصبہ ٭ وکان لی ید عن الاعمال خائبہ ٭ ورجل للبلاد جسائبہ ٭ ونفس من معافرۃ العناء ذائبہ ٭ لا کذوب کتب ادرکہ اللاظ ٭ او ولف طال بہ الجواظ ٭ او برد مسہ اشواظ ٭ حتے علمت ان الارض منزل کل ہول وعناء ٭ ومصب کل زعزع و نکباء ٭ ورأیت العلم قد نضب الیوم مائہ ٭ وخن بالامکار الوائہ ٭ وخفیت من النواظر اضوائہ ٭ ولنیت من الضمائر سمائہ ٭ والجہل قد سطے للناس انائہ ٭ ورفع فی العراض لوائہ ٭ وارو سے الجسوم اردائہ ٭ وعفی الرسوم نکبائہ ٭ حتے غدا حمائلہ ذاویہ ٭ ومنازلہ علے عروشہا خاویہ ٭ فالناس ینکرون مالم یسمع اذہانہم ٭ ویکرہون مالم یسمع آذانہم ٭ فمن صمت فقد یبیح فی ہذہ البلاد ٭ ومن نطق وقع مسائلہ فی الکساد ٭ ثم بعد ما مضی من الایام واللیال ٭ الح لدی فی السوال ٭ وکثر الحاحہ وطال ٭ حتے لم یسعنی الا الانجاح ٭ فاجبت دعوتہ متوکلا علی المولی المناح ٭ **دوم**

خطبہ نکاح مسٹر محمود جج ہائیکورٹ ممالک مغربی وشمالی خلف الصدق سر سید احمد خان نجم الدولہ بصنعت اہمال زیب ترقیم فرمودہ **وہی ہذہ** الحمد للہ الصمد الودود ٭ الحکم العدل المحمود ٭ مالک العہد الموعود ٭ موسع العطاء المحدود ٭ ومرسل ہود ٭ وامر آل داود ٭ ولا عدد عطاء ولعطائہ ٭ ولا احد حاد لالائہ ٭ لا الہ الا اللہ ولا مالوہ للامم سواہ ٭ اللہم صل سلاما ٭ وکلما دوا ما لرسولک محمد اکرم الرسل ٭ مکمل الملل مآل الامل ٭ موصل الرسل والارسل ٭ وہو سماک اللواء ٭ وساعد الاسراء ٭ وصعد السماء ٭ وساد الرسل الکرماء ٭ واعلی محل آدم وحواء ٭ وارحم اللہم آلہ الصلحاء ٭ وا دو دائہ الرحماء ٭ ماہم السماء ٭ وادہم الماء ٭ اعلموا اہل الاسلام ٭ رحمکم اللہ السلام ٭ محل الکرام ٭ اعلموا المرء امامہ الحمام ٭ ومآلہ اعدام ٭ وآمالہ احلام ٭ ومراحلہ آسام ٭ وروا احلہ الام ٭ و صراط لحد الحسام ٭ صلوا للہ ٭ واودوا المرعود ٭ واعدوا العدد والامر المعہود ٭ واصلحوا امور الاہل والآل وراعوا محل العرس المولود ٭ کما امر کم رسولکم المکرم المسعود ٭ وہو رسول اللہ ٭ احمد الاواہ ٭ لما احکم امور المعاد ٭ ورسم امر اصلاح الاہل والاولاد ٭ وحکم وللہ دراہ ٭ صاہر الا حرار ٭

ودا صل لا اطمار ٭ وداد کرام المولد ولا حم اہل الکرم و اسوده ٭ وسلک مسلک رسو لکم محمد کما عمله المولی العادل محمود ٭ ولد الحلا احلی الکامل احمد وہما کلو احد ہما علی الکرام وساد ٭ وسرور ودہما السرور والرساد ٭ سمار الکرم ٭ ودامار الہم اسار الکلوم ٭ وآس المکلوم ٭ اللہم اعط المحمود عمر اطال عہدا وما لا ما حصر عدا ٭ واولہ دعوسہ کل واحد و ٭ واکرمہا ما لا وولدا ٭ وسرہما سرورا ما احصاه احد امدا ٭ بجواب آن سید محمود مکتوبی بزبان اردو باظہار خرسندی طبع نوشتہ ودران نامہ نگارش نمود کہ اگر یہی ہنسی سے کہوں کہ خوب ہے نقط سنائی تو کچھ مضائقہ نہیں۔

شیخ محمد فاضل بٹالوی قادری مجددی از علمای نامدار پنجاب در شریعت وطریقت راسخ قدم بود تمام عمر باشتغال تدریس وتعلیم طلبہ علوم بسر بردہ بسے مردم باکمال از دامن تربیت او برخاستند بسال یازدہ صد وپنجاہ ویک ہجری وفات یافتہ در بٹالہ مدفون گشت

مولوی محمد قاسم نانوتوی ابن شیخ اسد علی بن غلام شاہ بن محمد بخش بن علاء الدین بن محمد فتح بن محمد مفتی بن عبد السمیع بن مولوی ہاشم نانوتوی بہ دوازدہ صد وچہل وہشت ہجری ولادت یافتہ نام تاریخی وی خورشید حسین است بحدت طبع وجودت ذہن مجبول شدہ ابتدا از شیخ نہال احمد نانوتوی و مولوی محمد نواز سہارنپوری کتب عربیہ وفارسیہ خواندہ بسال دوازدہ صد وشصت ہجری بدہلی آمدہ کتب درسیہ متعارفہ پیش مولانا مملوک علی نانوتوی مدرس اول مدرسہ دہلی گذرانیدہ واستناد حدیث بخدمت شاہ عبد الغنی محدث دہلوی کردہ بعد فراغ از تحصیل علوم چندی بمدرسہ انگریزی واقع دہلی تعلق گرفتہ وبعد ترک آن تعلق در مطبع احمدی تصحیح کتب مقرر شد ودر سن دوازدہ صد وہفتاد وہفت ہجری بزیارت بیت اللہ مشرف شدہ دست ارادت بدست ہدایت جناب مولوی وشیخ شیخی حضرت حاجی امداد اللہ تھانوی مہاجر ونزیل مکہ معظمہ بسلسلہ چشتیہ صابریہ دادہ مراجعت فرمودہ سرپرستی مدرسہ اسلامیہ بذمہ خود گرفت زان بعد در سال دوازدہ صد وہشتاد وپنج ہجری ثانیاً بزیارت بیت اللہ الحرام مباہات اندوختہ بوطن مالوف باز آمدہ در دہلی بتدریس وتنشیر علوم پرداخت۔ پادری تارا چند را در مباحثہ مذہبی ساکت نمود در سال دوازدہ صد ونود وسہ ہجری بمقام چاندپور ضلع شاہجہانپور مجمعے بنام میلہ خدا شناسی فراہم شدہ علمای ہر مذہب دران مجمع بہم آمدہ بود ند صاحب ترجمہ

علیہ الرحمۃ علی رؤس الاشہاد ابطال تثلیث وشرک واثبات توحید نبوی بیان فرمودہ کہ حاضرین جلسہ
چہ موافق وچہ مخالف ہمہ مہر سکوت بر دہان خود ہا ثبت کردند وبسال دوازدہ صد ونود وچہار
ہجری با پنڈت دیانند سرستی مباحثہ وجود وتوحید وبا عیسایان گفتگوی تحریف کردہ پنڈت
مذکور سر بجیب سکوت فرو برد و پادریان عیسائی کتب خود گذاشتہ فرار را بر قرار ترجیح دادند
رسالہ حجۃ الاسلام در ینباب مشہور است وہم درین سال کرت ثالث بزیارت بیت اللہ الحرام
شرف اندوز شدہ مراجعت فرمود بمرض تپ مبتلا گشت درعین بیماری پنڈت دیانند مذکور
درباب استقبال قبلہ بر مسلمانان اعتراض کردہ بجوابش رسالہ قبلہ نما تحریر فرمودند وبروز پنجشنبہ
وقت ظہر چہارم جمادی الاولی سال دوازدہ صد ونود وہفت ہجری بمرض تپ وعرض
ذات الجنب رحلت فرمودہ بقصبہ نانوتہ مدفون گردید از تلامذہ وے مولوی محمود حسن
دیوبندی ومولوی فخر الحسن گنگوہی ومولوی احمد حسن امروہوی مشہور اند واز تصانیف شریفہ
او کتب ذیل مطبوع شدہ شایع اند۔ مجموعہ رسایل قاسم العلوم۔ مصابیح التراویح۔ آب حیات
تقریر دلپذیر۔ مباحثہ شاہجہان پور۔ ہدیۃ الشیعہ۔ قبلہ نما دیوبند ونانوتہ دو قصبہ شاہجہان پور اند

مولوی محمد لبیب بدایونی ابن مولوی محمد سعید بدایونی علوم متداولہ از پدر بزرگوار خود
تحصیل وتکمیل نمودہ جامع العلوم بود خصوصا در فقہ وفرایض مہارت کامل داشت بعمر ہفتاد
وچہار سالگی بماہ محرم سال دوازدہ صد وپنج ہجری رحلت فرمودہ بدار الجنان پیوست
رحمۃ اللہ علیہ وعلی اسلافہ

مولانا محمد مبین لکھنوی ابن ملا محب اللہ ابن ملا احمد عبد الحق ابن ملا محمد سعید پسر دوم
ملا قطب الدین شہید سہالوی شاگرد رسید ملا حسن شارح سلم العلوم عالم علوم عقلی ونقلی وواقف
رموز خفی وجلی در جودت ذہن وذکا وطلاقت معروف بود تصانیف لطیفہ وا دارد از انجملہ
شرح سلم وشرح مسلم الثبوت وحاشیہ میرزاہد رسالہ وحاشیہ میرزاہد ملا جلال وحاشیہ میرزاہد شرح
مواقف ووسیلۃ النجاۃ در حالات اہل بیت نبوی صلعم وترجمہ حکایات الصالحین وشرح
اسمای حسنی وشرح تبصرہ در تصوف وزبدۃ الفوائد در بیان سحر رمضان وکنز الحسنات فی
ایتاء الزکوۃ وغیر ذلک اند بیست ودوم ربیع الثانی سال ہزار ودو صد وبست وپنج ہجری

رحلتش سوی روضۂ رضوان وقوع یافتہ در باغ مولانا احمد انوار الحق واقع بلدہ لکھنؤ مدفون گشت
علیہ الرحمۃ والغفران مصرعہ ماہ برج علوم پنہان گشت ؛ مادہ تاریخ فوت اوست

ملا محمد محسن کشمیری از علمای کبار خطہ کشمیر شاگرد ملا محمد امین کانی کشمیری بود در علوم عقلیہ دستگاہی کامل داشت از مشتغلانش کسے بی بہرہ نماند بر ہدایہ و مطول حواشی و تعلیقات نوشتہ و بملا نازک دست ارادت دادہ بسال یازدہ صد و نوزدہ ہجری وفات یافتہ بمقبرہ سید محمد کریانی واقع تاشون مدفون شد

حافظ محمد محسن دہلوی مجددی نقشبندی از احفاد شیخ عبد الحق محدث دہلوی و خلفای شیخ محمد معصوم مجددی است جامع علوم عقلیہ و نقلیہ بود بسال یازدہ صد و چہل و ہفت ہجری وفات یافتہ

خواجہ محمد معصوم سرہندی حضرت عروۃ الوثقی خواجہ مجد الدین محمد معصوم خلف الصدق و خلیفہ اعظم حضرت قیوم ربانی محبوب صمدانی شیخ احمد فاروقی سرہندی مجدد الف ثانی رضی اللہ تعالی عنہما ولادت آن جناب در سن ہزار و ہفت ہجری واقع شدہ بعمر شانزدہ سالگی بحضور پدر بزرگوار فارغ التحصیل گشتند آنحضرت جامع علوم عقلی و نقلی و مخزن کمالات صوری و معنوی بودند بہ بشارت مقام قطبیت و منصب قیومیت از پدر بزرگوار خود مشرف شدند نسبت طریقۂ احمدیہ مجددیہ بتوجہات ایشان در اطراف عالم شایع گردید و عالمی باحوال بلند و مقامات ارجمند رسیدہ کشف مقامات الہیہ آنچنان بود کہ از ولایات بعیدہ منتسبان خود را اعلام میفرمودند کہ فلانی بولایت موسویہ رسیدہ و فلانی بولایت محمدیہ مشرف گردیدہ نہ صد ہزار کس بر دست ایشان مرید شدند و ہفت ہزار کس را آنجناب خلافت دادہ اند در خدمت ایشان طالب یک ہفتہ بمرتبہ فنا و بیک ماہ بکمال ولایت میرسید و بعضی را در یک توجہ بجمیع مقامات میرسانیدند و ہمچنین فرزندان آنجناب اقطاب وقت بودند و ہفت اقلیم را منور ساختند نہم ربیع الاول سال ہفتاد و از صدی یازدہم ہجرت بریاض رضوان پیوستند

سید معصوم نقشبندی بالاپوری زبدۂ اماثل و اقران عمدۂ مشایخ دوران بقصبۂ بالاپور مضاف صوبہ برار سکونت پذیرد ہر چند دیہہ معاف عطیہ نظام حیدرآباد قابض بود شیوع علوم ظاہرہ دران ممالک بہ توفیق وییست و اکثری از اسلاف او علمای کرام و فضلا —

ذوی الاحترام گذشته اند وفاتش در سال نوزدهم صدی سیزدهم هجری بظهور پیوسته در قصبه
بالاپور مدفون گشت

مولوی محمد معظم ساکن پٹنه ابن احمد صدیقی جد امجد مولوی محمد اشرف لکھنوی در پٹنه تولد
یافته از والد خود و ملا عبد الحکیم سیالکوٹی اخذ علوم کرده و قرآن مجید مع تفسیر بیضاوی حفظ گرفته در علوم
دینیه فائق اقران گشت بهادر شاه بن عالمگیر بادشاه عهده قضای پٹنه بدو ارزانی فرموده چند
دیهه بجاگیرش داد مولوی مرقوم بقضا و تدریس مشغول بود از تصانیف او تفسیر قرآن بود که
در استیلای سکھان سوخته شد و نیز شرح مثنوی مولانا روم از وست در سن یکهزار و یکصد و پنجاه
و هشت هجری وفات یافته در پٹنه مدفون شد

مولانا محمد مفتی از اکابر علمای عهد جلال الدین محمد اکبر بادشاه صاحب کمالات منجمله مدرسین
بلده لاهور بعهده افتا سربلندی داشت و هر باری که ختم صحیح بخاری و مشکوة المصابیح میکرد
مجلسی عظیم ترتیب دادی و طبخ بغرا و حلویات میفرمود و بعلمای و صلحا خورانیدی غرض منزل وی
مجمع اعیان افاضل زمان بود چون بنود سالگی رسیده و منحنی و ضعیف گشته از درس باز ماند
پسرانش همه صاحب کمالات و فضائل بجو پدر بودند رحمهم الله

مولوی محمد مکی جونپوری خلف چهارم مولوی سخاوت علی عمری جونپوری کنیت وے
ابو الخیر هست در بست و نهم جمادی الثانی سال دوازده صد و هفتاد و چهار هجری بمکه معظمه
ولادت یافته زیر دامن پرورش والدهٔ خود یعنی صبیبه قاضی ضیاء الله مرحوم بهمراهی برادر علاتی
خود مولوی محمد جنید بوطن واپس آمدند و باندک مدتے از حفظ قرآن مجید فراغ یافته بعد
تحصیل کتب رسمیه فارسیه اکتساب علوم عربیه بخدمت برادر خود مولوی محمد شبلی آغاز نموده بخدمت
مولوے عبد الله ساکن موضع کوپا ضلع چهپرا تلمیذ مولوی مفتی محمد یوسف فرنگی محلی و نیز بخدمت
مولوے سعادت حسین عظیم آبادی و مولوی علی اکرم آروی و مولوی محمد عبد الحی فرنگی محلی
تکمیل نموده بدرس و تذکیر طلبه و عامهٔ خلائق و انتظام مدرسه ربانیه قرآنیه جامع جونپور که قائم
کردهٔ والد ماجد شان است بسر می برند سلمه الله و رقاه الی ما یتمناه

شیخ محمد مودود لاری مرید بابا نظام ابدال نزد مولانا عبد الغفور لاهوری تحصیل علم نموده اند خدمت

و از فراوان دہ بادریوزہ گری نمودہ مراتب عیانی و بیانی نیکو میدانست و بر غرائب علوم چون
لیمیا وغیرہ آگاہی داشت شاہ نعمت اللہ ولی و شاہ قاسم انوار را دریافتہ بالجملہ از ماہران علم
توحید و متبعان مشرب تجرید و تفرید بود در سال نہصد ہجری بہندوستان قدوم آوردہ شیخ
امان پانی پتی پیش وی استفادہ علم توحید و تحقیق کتاب فصوص الحکم وغیرہ میکرد وی در حق شیخ
امان گفتی جوہری قابل یافتم لیکن حیف کہ یک چشم دارد و در مخاطبات نیز اورا بلفظ کورک بخواندی
در شہادر آگرہ اقامت داشت بعد از ان بعلاقہ محبت شیخ امان و رابطہ خدمت او در پانی پت
سکونت اختیار نمودہ ہمانجا بماہ رمضان سنین نہصد و ہفت ہجری والپسین خوابش در گرفت
خوابگاہ او ہم پہلوی شیخ امان است

شیخ محمد احمد آبادی بن شیخ حسن محمد چشتی احمد آبادی گجراتی شہرت دارد کنیتش ابو صالح فرزند ارجمند
شیخ احمد المعروف بشیخ میانجی ابن شیخ نصیر الدین در علوم ظاہر و باطن یگانہ روزگار بود در صغر سن
اکتساب کمالات نمودہ بحضور پدر شہرۂ آفاق گشت دولت و ثروت ظاہری ہم داشت
خرج اعراس بزرگان و طعام درویشان بر وجہ استیفا میکرد مسجدی کلان اندرون شہر احمد آباد
یک لک روپیہ صرف نمودہ بنا فرمود کہ بنای شیخ تاریخ آنست تفسیر محمدی و حاشیہ تفسیر بیضاوی
وغیرہ ازو یادگار اند چہل و یک سال بر مسند ارشاد متمکن بود بعمر پنجاہ و نہ سال بتاریخ بست و ہشتم
ذی قعدہ یوم شنبہ سال نہصد و ہشتاد و دو ہجری رحلت فرمودہ

سید محمد جعفر بدر عالم احمد آبادی گجراتی ابن سید جلال مقصود عالم قدس سرہما دوازدہم
شعبان سال ہزار و بست و سہ متولد شدہ ارادت و خلافت از پدر بزرگوار خود دارند در علوم
ظاہر و باطن باکمال خصوصاً در حدیث و تفسیر فائق الاقران بودند از ایشان مصنفات کثیر
یادگار اند از انجملہ روضات شاہی کہ مشتمل بر بست و چہار مجلد است متضمن احوال بزرگان و در
احادیث و تفسیر وغیرہ دیگر مصنفات بسیار اند نہم ذیحجہ سال ہزار و ہشتاد و پنج ہجری
رحلت فرمودہ در احمد آباد پہلوی پدر خود مدفون اند

سید محمد ابو المجد محبوب عالم ابن سید جعفر بدر عالم احمد آبادی گجراتی دوم ربیع الاول سال ہزار و
چہل و ہفت ہجری متولد شدہ از بدو فطرت و اصل جبلت جاذبہ خدا طلبی و مادۂ اکتساب علمی

درسرداشت ازمشائخ وعلمای صوفیہ احمدآباد گجرات است تصانیف کثیرہ دارد و ازانجملہ دو تفسیر یکی فارسی بروایت اہلبیت دوم عربی بطور جلالین ودر حدیث زینۃ النکات فی شرح المشکوۃ بہ بیان تمسک ہر مذہب یادگار وے، علاوہ تدریس ومطالعہ کتب علمیہ ببی ریاضتہا وعبادتہا میکرد نوزدہم جمادی الاخری سال ہزار ویکصد و یازدہ ہجری رحلت فرمودہ در احمدآباد مدفون گشت

سید محمد پٹنی گجراتی عرف سید خدا بخش بن سید حسین از ملتان بہ پٹن قدوم آوردہ واکتساب علوم صوری ومعنوی از خدمت والد بزرگوار کردہ فقیہ کامل ومحدث عامل وارادت خانوادہ چشتیہ بخدمت برہان الدین قطب العالم داشت بتاریخ پنجم جمادی الثانی سال ہشتصد وچہل و ہفت ہجری رحلت فرمود قبرش در پٹن بزار و تبرک بہ

شیخ محمد صالح احمدآبادی گجراتی عرف پیر بابا ابن شیخ نور الدین بن شیخ محمد گجراتی صالح مادرزاد صاحب علم وحلم وتقوی وسخا مرید وشاگرد وجانشین والد ماجد خود بود از ابتدا تا انتہا پیش پدر خود تحصیل علوم ظاہری وباطنی نمود در عمر ہفت سالگی تمام قرآن مجید با تجوید یاد گرفتہ محمد اعظم شاہ ہنگام صوبہ داری گجرات ویرا بحضور خود طلبیدہ سورۃ الرحمن شنیدہ خلعت ونقد و دیہہ تاجپور عملہ پرگنہ بیرم گام از جاگیر خود مرحمت فرمود وفرمان از حضور اورنگ زیب طلبیدہ داد در عہد فرخ سیر ومحمد شاہ بادشاہ بدہلی مطلوب شدہ رفتہ از ہر یک شاہ دو ہزار روپیہ زادراہ یافتہ واعزاز واکرام وملازمت با اختیار حاصل کردہ مورد عنایات شاہانہ گردیدہ نقد وخلعت وفیل یافتہ اکثر امرا وفضلای گجرات ودکن بر فضیلت وقابلیت شان مقر ومعترف بودند و بر امثال واقران مقدم میدانستند بالجملہ بتاریخ شانزدہم جمادی الثانی سال یکہزار و یکصد وچہل و ہفت ہجری در شاہجہان آباد بحیات پدر بزرگوار سفر آخرت اختیار کردہ نعش او از شاہجہان آباد آوردہ در مقبرہ جد بزرگوارش مدفون کردند تاریخ وفات او از مراد بخش بر می آید

میر سید محمد قنوجی ہموارہ بدرس علوم دینی ونشر معارف یقینی اشتغال داشت شاہجہان بادشاہ در آخر ایام سلطنت بخواہش واعزاز تمام طلبیدہ بقربت خویش اختصاص داد وبعدش عالمگیر بکمال نیاز از اکبرآباد طلبیدہ بشرف تخصیص اعزاز مختص فرمود مصنفات حجۃ الاسلام غزالی خصوص احیاء العلوم پیش وے دیدہ در ہفتہ سہ روز بمذاکرہ علوم در خدمت

شاہی مجلس افادہ گرم داشتی و در تالیف فتاواے عالمگیری مساعی جمیلہ بکار برد۔

حاجی محمد قائم سندھی عالم اکمل فاضل افضل مجموعہ علم معقول و منقول مہبط فیوض مکتسبی و وہبی شاگرد مخدوم رحمہ اللہ سندھی قرین حاجی ہاشم بود و بیرا با علما در مباحث علمی صحبتہا واقع شدہ بجودت ذہن بر اکثر اقران خود فائق برآمدہ ہر روز وقت عصر بیان حدیث نبوی علیہ السلام کردی و بسا اہل توفیق را بسبیل ہدایت سلوک دادی یکبار بحج رفتہ مراجعت نمود کرت ثانی مع اہل و عیال رفتہ آنجا متوطن شد و بدرس حدیث دران مکان ہمیون مشار الیہ سائر علما گردیدہ بسال ہزار و صد و پنجاہ و ہفت ہجری درگذشت از تلامذہ وی ملا محمد باقر واعظ و مخدوم نور محمد مشہور وقت بودند۔

سید جلال مقصود عالم احمد آبادی گجراتی ابن سید محمد مقبول عالم قدس سرہما شب شنبہ پانزدہم شہر جمادی الثانی سال ہزار و سہ ہجری ولادت یافتہ کلمہ وارث رسول تاریخ ولادتش یافتہ اند در یازدہ سالگی قرآن مجید حفظ نمودہ بہ تحصیل علوم مشغول گشت و ابتداے تحصیلش پیش مولانا حسین سیستانی بود و اتمام آن نزد شیخ عبد العزیز مرید و شاگرد پدر خود کردہ و تحصیل علوم باطن از خدمت پدر بزرگوار نمودہ منصب شش ہزاری و خدمت صدارت از حضور شاہجہان بادشاہ داشت با اینہمہ در خلوت بریاضت و مجاہدہ میکوشید و تمام شب بہ بیداری و مناجات می بود ہشتم ربیع الثانی سال ہزار و پنجاہ و نہ ہجری در لاہور رحلت فرمود نعش وی با حمد آباد آوردہ در مقبرہ پدرش مدفون کردند

سید محمد مقبول عالم احمد آبادی گجراتی بن سید جلال الدین ابو محمد ماہ عالم قدس سرہما از مشائخ و علماے صوفیہ گجرات دکن است چہاردہم رجب سال نہصد و ہشتاد و نہ ہجری متولد شدہ جامع کمالات صوری و معنوی حاوی علوم ظاہری و باطنی بود خرقہ خلافت سلسلہ مقربیہ از پدر بزرگوار خود یافتہ بارشاد و ہدایت عالم را منور فرمود تالیف و تصانیف بسیار دارد از انجملہ حجبات شاہی مشتمل بر اوراد شبانہ روزے مشہور است دوازدہم رجب سال ہزار و چہل و پنج ہجری رحلت فرمودہ مرقدش در احمد آباد زیارتگاہ است

مخدوم محمد معین سندھی ولد مخدوم محمد امین ولد مخدوم طالب اللہ سندھی شاگرد مخدوم

عنایت الله جامع جمیع فنون حاوی معقول ومنقول نحریر عصر علامهٔ دهر بود باوجود کمالات علمی
آشنا بحر معرفت شده بصحبت بسیاری از بزرگان دین رسیده بخدمت میان ابوالقاسم
نقشبندی ارادت اتم یافت و در اواخر ایام بخدمت سید عبداللطیف تارک ارادتمندانه اخلاص
پیدا کرد میان وی وحاجی محمد ہاشم همواره مواد قال بمقال میرفت تصانیف کثیره دارد حکام وقت
بدیدنش بکمال تعظیم میرسیدند وی نیز بایشان ملاقاتها نیکو کردی چون سماع دوست بود در عین سماع
رحلت فرمود اشعار محققانه گفتی در فارسی تسلیم و در هندی بیراگی تخلص کردی بسال هزار وصد
وشصت ویک هجری بحالت سماع رحلت فرمود۔

میرک محمود سبزواری ٹھٹوی بزیور فضیلت وتقوی وتجاوز بموصوف بود سالها بلوازم منصب
جلیل شیخ الاسلامی علم نیکنامی برافراخته بسیاری از طلبه علوم را فیض وافی بخشیده در تنسیق وتعلیق
بیضا نمودی وفاتش در محرم سن نهصد وشصت ودو هجری وقوع یافته رفت میرک آه آه
تاریخ رحلتش یافته اند پسرش میرک عبدالباقی در جمیع علوم کامل بود بتخصیص علم هیئت وحکمت
چنانچه عبدالخالق گیلانی را که قرین مرزاجان وعدیل شاه فتح الله بود بعض دقائق علمی از وحل
شدی در اقلیدس دستگاهی پیدا کرده اکثر اشکال از خود ایجاد نمود که پسند طبائع افتاد

میرک محمد ٹھٹوی پسر میرک محمود بفضائل انسانی متصف در سال نهصد ونود هجری
درگذشت فتاوای نورانی ازو یادگار است۔

مخدوم میران ٹھٹوی ابن مولانا یعقوب جامع علوم معقول ومنقول بود مرزا شاه حسن را
چندگاه درس وافاده داده واکثر طلبه علوم اقتباس انوار علم از مشکوة طبع منیرش میکردند فوتش
در سال نهصد وچهل وشش هجری وقوع یافته علامهٔ وارث الانبیا تاریخ وفاتش یافته اند
مدفنش کوه مکلی است

شاه محمد ناصر الهآبادی پسر دوم شاه خوب الله الهآبادی مرید شاه محمد فضل الهآبادی
تلقین یافته پدر خود او هم مثل پدر خود علم ظاهر از برادر کلان محمد طاهر وملا کمال الدین خال خود
تحصیل نموده از تصانیف او کتب منتخب الاعمال وجواهر نفیسه واذکار عشره مشهور اند تاریخ
بست ویکم جمادی الاولی وقت مغرب روز پنجشنبه سال یکهزار ویکصد وشصت وسه هجری

از عالم فنا بعالم بقا رفت رحلت بہ بست فقرۂ آہ آلہ آباد ویرانہ شد تاریخ وفات اوست

مولوی محمد نافع فرنگی محلی خلف اوسط مولانا عبد العلی بحر العلوم کتب مختصرات بخدمت والد خود بشاہجہان پور استفادہ نمود بخشی در پدر و پسر پیدا شدہ بہ لکھنؤ آمدہ بقیہ کتب بخدمت مولوی محمد ولی و مولوی محمد یعقوب تحصیل کردہ ذہن رسا داشت لیکن بوجہ ناموافقت پدر بی معاشی داشت نوبت تدریس نرسیدہ ہموارہ بتلاش معاش دوا دوش نمودی بجانب ٹونک بلشکرگاہ نواب امیر خان رفت از ناموافقت آب و ہوا در انجا باستسقا مبتلا شدہ بقی الدم منجر گردید بست وہشتم شعبان سال دوازدہ صد و بست و دو ہجری رحلت نمود شاعری تاریخ فوتش گفتہ

مولوی نافع آنکہ لیل و نہار ÷ بود مشغول طاعت یزدان ÷ با حبیب خودش چو شد واصل ÷ بذمہ بست وہشتم شعبان ÷ با دل چاک سال رحلت گفت ÷ مخوفات آہ ہاتف از ان مخ

مولوی محمد نعیم فرنگی محلی پسر خرد مولوی عبد الحکیم بن مولوی عبد الرب بن مولوی عبد العلی بحر العلوم بعد حفظ قرآن مجید کتب درسیہ بخدمت والد ماجد خود تحصیل فرمودہ بطریق آبا و اجداد خود درس و تدریس میکند و نامی بر آوردہ و بزیارت حرمین شریفین مشرف شدہ عابد و زاہد صاحب تصنیف است راقم حرف دیباجات تحصیل پیش والد وی دیدہ بود در ان عمر ہم از حسن اخلاق و شائستگی خالی نبود در تالیف کتاب ہذا امدادے کہ از وی بمن رسید شکر گزارم سلمہ اللہ تعالی و ابقاہ

مولانا محمد وارث رسول نما بنارسی وطن قدیم وی غازیپور ہست ولادتش در سال یکہزار و ہشتاد و ہفت ہجری واقع شد مادہ تاریخ آن خلیفہ رسول اللہ ہست پدرش در عہد عالمگیر بادشاہ خدمت قضای بنارس داشت اکثر اتفاق اقامت او با پدر بزرگوار در بنارس رومی نمودی از سید رفیع الدین ید خود بیعت بسلسلہ قادریہ داشت و بعلوم ظاہری تلمیذ ملا ابراہیم شاگرد مولوی محمد علی تلمیذ میرزاہد بود در دو سال از کتب علوم فقہ و اصول و تفسیر و حدیث و منطق و حکمت و ہندسہ و دیگر علوم مروجہ فراغ حاصل ساخت در بنارس بلباس علما بسر می برد و طلبہ علوم را درس میداد و ہدایت و تلقین باطن می کوشید تصانیف رائقہ دارد بالجملہ ذات پاکش منبع افادہ ظاہر و باطن بود تاریخ یازدہم ربیع الثانی سال یکہزار و یک صد و

شصت و شش ہجری رحلت فرمودہ بہ محلہ تیلیانالہ محلات بنارس مدفون گردید

ملا محمد ولی فرنگی محلی ابن قاضی غلام مصطفی ابن ملا محمد اسعد برادر خرد ملا محمد حسن مرحوم شاگرد ملا نظام الدین بن ملا قطب الدین سہالوی بمنصب قضای پرگنہ ملاوان مضاف لکھنؤ ممتاز بود از ان منصب مستعفی شدہ پای استقامت بخانہ خود نہادہ بتدریس علوم تا آخر عمر اوقات بسر بردہ عالمی بخدمت وی تعلیم یافتہ بدرجہ تکمیل رسیدند شرح سلم و حواشی زواہد ثلثہ از تصانیف او متداول و معروف اند سال فاتش بدریافت نرسید

سید محمد ہمدانی فرزند ارجمند امیر کبیر سید علی ہمدانی بوفور علم و زہد و تقوی موصوف بود بعمر بست و دو سالگی با ششصد کس از رفقا و خدمہ در عہد سلطان سکندر بت شکن بکشمیر قدوم آوردہ سلطان بی تراشخ و تردد دست ارادت بدامن ارشادش رسانیدہ بحلقہ مریدانش درآمد و مسمی بسنت ہندوی کہ وزیر و سپہ سالار سلطان بود با جمعی از خاص و عام مشرف باسلام شدہ بملک سیف الدین ملقب گشت و دختر خود بحبالہ نکاح سید موصوف دادوی رحمۃ اللہ علیہ تا دوازدہ سال بکشمیر رخت اقامت انداختہ بدفع بدعات و ترویج سنن اسلام می کوشید رسالہ در علم تصوف و شرح شمسیہ در منطق از تصانیف اوست سید محمد حصاری معاصر و معارض او بود سلطان سکندر بت شکن برای سید محمد ہمدانی خانقاہی عالی در سن ہشتصد و نود و ہشت ہجری بنا نہادہ کہ در نود و نہ با تمام رسیدہ و دیہات بنا بر مصارف خانقاہ مذکور مقرر فرمود سید موصوف بعد اتمام خانقاہ بقصد ادای مناسک حج سفر حجاز اختیار فرمودہ بعد ادای حج بکولاب معاودت نمودہ رحلت فرمودہ بجوار سید علی ہمدانی بر آسود۔

ملا محمد ہروی از ارشد تلامذہ ملا مرزاجان و در علوم عقلیہ ممتاز اقران بود علم تواریخ نیکو دانستی در سن نہصد و ہشتاد و چہار ہجری بہند آمدہ مورد مراحم و عنایات جلال الدین محمد اکبر بادشاہ گشت و بسال نہصد و نود ہجری رخت سفر باخرت برد

سید محمد یوسف بلگرامی ابن سید محمد اشرف الحسینی الواسطی بلگرامی دخترزادہ سید عبد الجلیل بلگرامی و برادر خالہ زاد حسان الہند میر غلام علی آزاد جامع علوم عقلی و نقلی حاوی فروع و اصول بود بست و یکم شوال یوم الاثنین سال شانزدہم از صدی دوازدہم ولادتش بظہور پیوستہ

کتب درسیه پیش سید طفیل محمد بلگرامی اترولوی گذرانیده و نعت و سیر نبویه صلی الله علیه وسلم
از جد مادری خود سید عبد الجلیل و علوم ریاضیه بخدمت بعض اساتذه دهلی خوانده کامل و مکمل
گشت و عقد بیعت بدست سید لطف الله بلگرامی بست طبع موزون داشت اشعار عربی
و فارسی میگفت کتاب الفرع النابت من الاصل الثابت در اثبات توحید شهودی از
تصانیف رائقه اوست که بسال شصت و دوم صدی دوازدهم تصنیف فرمود و سید
غلام علی آزاد بلگرامی در تاریخ آن چنین گفته ع میر یوسف عزیز مصر کمال :: از خم معرفت کشید
رحیق :: کرد در وحدت شهود رقم :: نسخهٔ تازه بفکر عمیق :: از احادیث و کلام الله :: کرد اثبات
حق زهی توفیق :: هست این نسخه دلنشین الحق :: یادگاری ز نامهٔ توفیق :: سال تاریخ این کتاب
خرد :: گفت شمع مجالس تحقیق :: و نیز تاریخی طویل در عربی نظم کرده و در هجا صرف بماده تاریخ اکتفا
نموده و هو مطوق من ریاض القدس المهنی :: مورخا بوفرع شمر مهدی :: سید موصوف الترجمه
تاریخ دوم جمادی الآخر یوم الخمیس سال هفتاد و دوم از صدی دوازدهم در بلگرام رحلت نموده
بباغ محمود زیر زمین آسود میر اولاد محمد متخلص بذکا تاریخ رحلتش یافته قطعه ع از آن شهپر چراغ
دودهٔ حیدر :: محیط علم و عقل و نقل صاحب فطرت دوران :: ذکا تاریخ فوت او عزیزی گفت
در گوشم :: ز قید هستی موهوم آمد یوسفی بیرون :: حسان الهند آزاد بلگرامی تاریخ فوتش در عربی
انشا فرموده و هو مات خیر الزمان یوسفنا :: ولد راشد و ریحان :: از تصانیف عام رحلته :: قال
قلبی علیه رضوان ::

مفتی محمد یعقوب فرنگی محلی بن ملا عبد العزیز بن ملا محمد سعید بن ملا قطب الدین شهید
سهالوی وی تحصیل کتب درسیه بخدمت ملا نظام الدین نیز ملا محمد حسن نموده بپایه تدریس
علوم رسیده و بر سجاده اسلاف خود قیام کرده درس علوم دینی میداد و بهدایت و امانت نامی
بر آورده تا اینکه خدمت افتای شهر لکهنو وزیر الممالک صفدر جنگ ابو المنصور خان باو دادند
بعمر شصت و سه سالگی بعارضه استسقا ازین عالم درگذشت

مفتی محمد یوسف فرنگی محلی ابن مفتی محمد اصغر ابن مفتی احمد ابو الرحیم فاضل اجل و مدرس
اکمل شب و روز به تعلیم طلبه علوم مشغول بود بعد وفات والد خود عهده افتاء عدالت

دیوانی شهر لکهنؤ مامور گردید و بکمال امانت و دیانت انجام عهده مفوضه خود تا انقراض سلطنت
لکهنؤ بسر برد و تقوی و زهد بحدی داشت بعده بمدرسه جونپور بمدرسی مقرر گشت و چند سال در انجا
بدرس اشتغال داشت درین اثنا ولوله شوق زیارت حرمین شریفین در دلش پیدا شده عازم
بیت الله شد و بزیارت روضه منوره بمدینه طیبه رفت و در انجا علیل شده بتاریخ نوزدهم
ذیقعده سال دوازده صد و هشتاد و شش هجری مسافر ملک بقا گردید و بجوار قبر امام حسن رضی الله
عنه مدفون گشت از ارشد تلامذه او مولوی محمد فاروق چریاکوتی است

ملا محمود جونپوری ابن شیخ محمد بن شاه محمد فاروقی در علوم حکمیه ید بیضا و پایه بلند داشت اگر
بوجودش سرزمین جونپور بر ایران و شیراز افتخار جست روا بودی ملا ابتدا از جد خود مولانا شاه محمد
اخذ علوم کرده بعده بخدمت مولانا محمد افضل جونپوری بعمر هفده سالگی تکمیل درس نموده
از جونپور باکبرآباد رفته از آصف خان وزیر شاهجهان ملاقی شده بجونپور مراجعت فرمود و بافاده
و درس علوم پرداخت بتاریخ نهم ربیع الاول سال یکهزار و شصت و دو هجری بحیات استاد خود
مولانا محمد افضل وفات یافت استادش ازین سانحه بحدی اندوهگین شده که تا چهل روز تبسم نکرد
بعد چهل روز او هم رحلت فرمود رحمهما الله کتاب شمس بازغه در حکمت و فرائد فی شرح الفوائد
در معانی و بیان که سال تصنیف آن از لفظ بلیغ برمی آید مع حاشیه آن و رساله مختصر چهار ورقی
بزبان فارسی در بیان اقسام زمان از تصانیف او مشهور اند

قاضی محی الدین کاشانی از مریدان شیخ نظام الدین اولیا قدس سره است بوفور علم و زهد و
تقوی موصوف و از دودمان علم و کرامت و استاد شهر دهلی مشهور بود و بابتدای ارادت از
تعلقات دنیاوی دست بر داشت و فقر و مجاهده پیش گرفت شیخ کاغذی بدست خود نوشت
که مغز آن اینست می باید که تارک دنیا باشی بسوی دنیا و ارباب دنیا مائل نشوی و ده قبول
نکنی و صله پادشاهان نگیری و اگر مسافران بتو رسند و بتو چیزی نباشد این را نعمتی شمری از
نعمتهای الهی فان فعلت ما امرتک فظنی بک ان تفعل کذا فانت خلیفتی وان لم تفعل فالله
خلیفتی چون شدت فقر و فاقه بروی و بر اتباعش که کثیر بود غلبه کرد این معنی یکی از آشنایان
او بدرگاه سلطان علاء الدین شاه دهلی رسانید سلطان قضای اوده که موروث وی بود

بدو مفوض داشت قاضی بخدمت شیخ آمد و عرض کرد که این معنی بغیر خواست چنین واقع شده است حکم مخدوم چه باشد شیخ فرمود البته مثل این معنی بخاطر تو گذشته است آنگاه ہمین معنی برای تو پیش آورده اند قاضی را بدین سبب تشویشی پیش آمد شیخ آن کاغذ نوشته خود از قاضی باز طلبید و تا سالی مزاج شیخ برو متغیر ماند بعد از ان قاضی تجدید ارادت مشرف شده و ہم در حیات شیخ در سال ہفتصد و نوزده ہجری رحلت کرد رحمة الله علیه

مولوی محی الدین بدایونی فرزند اکبر مولوی شاه فضل رسول بن مولوی عبد المجید بدایونی ولادتش در سال دوازده صد و چهل و سه ہجری بظهور پیوسته و مظهر محمود تاریخ میلادش یافته اند کتب متداوله رسمی از معقول و منقول بخدمت پدر بزرگوار خود تحصیل نموده فائق الاقران گشت و بیعت ارادت بحضرت جد امجد خود کرد و تصانیف لطیفه دارد از انجمله حاشیه میر زاہد رساله و حاشیه کلیات قانون بو علی سینا و رساله شمس الایمان در رد وہابیه وغیره رسائل مشهور اند بشتم ذیقعده سال دوازده صد و ہفتاد ہجری در بلده سہارنپور رہنورد عالم قدس گردید

سید شاه محی الدین ویلوری در سال دوازده صد و ہفت ہجری متولد شده عارف بزرگ و عالم سترگ حافظ قرآن بود در فقه و حدیث و تفسیر مهارت تامه داشت در ویلور مدرسه تعمیر نموده مدام بتدریس و تعلیم طلبه علوم مشغول بود فی الحال که بملک مدراس نور علم ساطع و لامع است پرتو فیض عام اوست تصانیف کثیره رائقه دارد از انجمله جواہر الحقائق و فصل الخطاب و جواہر السلوک وغیره مشهور و متعارف اند سوم محرم الحرام سن دوازده صد و ہشتاد و نه ہجری بمدینه طیبه علی صاحبها الصلوٰة والتحیة رحلت فرموده فرزند اکبر وی مولوی سید رکن الدین سلمه الله تعالی جانشین اوست

مخدوم مشو ٹھٹوی نامش رکن الدین است از خلفای مخدوم بلال ساکن تلهٹی ممالک سند ہمواره ہمت بلند بر ادای وظائف طاعات و عبادات می گماشت و در علم حدیث غایت مهارت داشت شرح اربعین و شرح گیلانی و رسائل دیگر از مصنفات او مشهور اند بسال نهصد و چهل و نه ہجری به ٹھٹه درگذشت مدفنش بکوه مکلی است

مخدوم اشرف بساوری از افاضل روزگار و جد مادری ملا عبد القادر بدایونی بود بتاریخ

بستم رمضان سال نہصد وہفتاد ہجری وفات یافت ملای موصوف فاضل جہان تاریخ فوتش یافته

مولوی مخدوم لکھنوی ابن حافظ محمد نواز بن مولوی عبد السمیع بن سید محی الدین المشہدی جدش از مشہد مقدس بدہلی آمد واز انجا به لکھنؤ رخت اقامت انداخت تلمذ بخدمت ملا نظام الدین بن ملا قطب الدین السہالوی دارد ملا عبد العلی بحر العلوم وی سماعةً وقراءةً هردو همتاش بودند ونیز بحضرت شاه ولی الله محدث دہلوی مستفید شده مدام بدرس و تدریس طلبه علوم صارف الاوقات بوده که بسے مردمان از وفیضیاب شدند در عمر اخیر که فقدان بصارت بوی رو نموده ترک تدریس معقولات کرده بافاده کتب دینی میپرداخت کتاب گلستان و بوستان را تصحیح نموده در سن دوازده صد وبست ونه ہجری بمقام لکھنؤ رحلت فرمود شیخ امام بخش ناسخ تاریخ وفاتش چنین گفته ؎ سید مخدوم از جہان رفت ٭ گفتند بزرگ وخرد صد حیف

تاریخ وفات گفت ناسخ ٭ مخدوم زمانه مرد صد حیف ٭

مولوی مخصوص الله ابن مولانا رفیع الدین دہلوی بعد وفات والد خود در وعظ مولانا عبد العزیز عم خود مقری بود در سال دوازده صد وہفتاد وسه ہجری وفات یافت خصصه الله بلطفه

مولوی مراد الله تھانیسری فاروقی نسبا والمجددی المظہری مشربا خلیفه وجانشین مولوی نعیم الله بہرائچی بودند در بلدۂ لکھنؤ تا یاد از چہل سال ترویج طریقه مجددیه مظہریه فرموده عالمی را از ظلمات شرک وبدعت نجات بخشیدند وبه ترک وتجرید واتباع سنت سنیه وتزکیه نفس وتہذیب باطن رہنمونی فرمود که عرفای زمان وصلحای وقت بجلالت منزلت شان متفق بودند بعمر ہشتاد ودو سالگی در دوازده صد وچہل وہشت ہجری ازین سرای فانی رحلت فرمود از اجل خلفای شان مولوی ابو الحسن نصیر آبادی بودند قدس اسرارہم

میر مرتضی شریفی شیرازی نبیره میر سید شریف جرجانی است فاضل افضل شنیع طبع شعر داشت ودر اشعار تخلص شریفی میکرد ودر علوم ریاضی وحکمت ومنطق وکلام فائق بر اقران بود از شیراز بمکه معظمه رفته علم حدیث بپیش ابن حجر مکی اخذ کرده اجازت تدریس یافت واز انجا بدکن واز دکن در سال نہصد وہفتاد ودو ہجری باکبرآباد آمده در بارگاه جلال الدین محمد اکبر شاه بر اکثری از علما وفضلای سابق ولاحق تقدم یافت وبتدریس علوم حکمیه اشتغال داشت تا در سن

نهصد و هفتاد و چهار هجری وفات یافته اولاً او را در دهلی بجوار مرقد امیر خسرو علیه الرحمة مدفون
کردند و ثانیاً چون صدر صدور و قاضی و شیخ الاسلام بعرض رسانیدند که امیر خسرو هندی است
و سنی و میر مرتضی عراقی است و شیعه و یقینکه روح هر دو از صحبت یکدیگر متاذی باشند شکی نیست
که روح را صحبت ناجنس عذابیست الیم لهذا بموجب حکم عالی نعش او را از آنجا کشیده به مشهد
بردند میر محسن رضوی تاریخ فوتش چنین گفته قطعه رفت تا میر مرتضی آن بحر علم گویا ز نسل
آدم رفت ؛ بهر تاریخ رحلتش محسن ؛ گفت علامهٔ عالم رفت ؛ ۹۷۴

سید مرتضی حسینی زبیدی قادری حنفی نامش سید عبدالرزاق و لقبش محی الدین
و کنیت او ابوالفیض است محدث و فقیه و لغوی و ادیب جامع علوم عقلیه و نقلیه بود در
یازده صد و چهل و پنج هجری بقصبه بلگرام متولد گشته در اوایل عمر بزیارت حرمین شریفین مشرف
شده و هم در آن دیار بعزم تحصیل علوم کمر همت بست از مشائخ و علماء زبید و مصر و حجاز و غیره
کسب کمالات ظاهری و باطنی کرده چنانچه شیخ احمد علوی و عبدالخالق زبیدی و ابوالعباس
احمد بن علی بیتی دمشقی حنفی و جمال محمد بن احمد حنبلی و ابو عبدالله محمد ابن احمد عربانی و عبدالغنی
بن محمد بحرانی نزیل مکه و محمد بن زین باسمیط علوی حضرمی و محمد ابن ابراهیم طرابلسی نزیل حلب
و عبدالقادر بن احمد شکعاوی و عمر بن عبدالله بن عمر قاضی و عیسی ابن رشیق و سید عبدالقادر
بن احمد حسینی و غیرهم وی را اجازت حدیث و فقه و غیره علوم دادند چونکه وی بعد تحصیل
علوم تا مدتی در زبید مقیم بود بزبیدی شهرت یافت تا اینکه او را کسی هندی نمی‌دانست
و از زبید بمصر قدوم آورده و افاضه و افاده علوم میداد علاوه دیگر سلطان عبدالحمید خان سلطان
روم و محمد پاشا صدر اعظم وزارت از وی اجازت حدیث یافته بالجمله بوفور علم و نشر علوم بتوسط
کثرت تلامذه و تصانیف کتب که بیانش صیت وی اکناف عالم را در گرفته اگر ویرا
مجدد صدی سیزدهم گویند روا است میگویند هرگاه شهرتش بغایت رسید و از اقطار بلاد و امصار
مردمان کثیر به هجوم آوردند وی بگوشه عزلت نشسته باب ملاقات یاران مسدود کرد
و بماه شعبان بسال دوازده صد و پنج هجری بمرض طاعون وفات یافته بدرجه شهادت
فائز گشت و بمزار سیده رقیه رضی الله عنها مدفون گردید تصانیفش عقود الجواهر المنیفة فی ادلة

امام ابی حنیفۃ الازہار المتناثرہ فی الاحادیث المتواترہ ورا لفرع فی حدیث ام زرع لقطۃ القریب فی مصطلح آثار الحبیب تخریج حدیث شیبتنی ہود والمواہب الجلیلہ فیما یتعلق بحدیث الاولیہ المرقاۃ العلیہ فی شرح الحدیث المسلسل بالاولیہ العروس المجلیہ فی طرق حدیث الاولیہ القول الصحیح فی مراتب التعدیل والتجریح التحبیر فی الحدیث المسلسل بالتکبیر رسالہ اصول حدیث مناقب اہل الحدیث تاج العروس فی شرح القاموس تکملۃ القاموس تخریج حدیث نعم الادام الخل حدیقۃ الصفافی والدی المصطفی الانتصار لوالدی النبی المختار الفیہ السند امالی حنفیہ مجالس الشیخونیہ ایضاح المدارک فی الافصاح عن العواتک عقد الجمان فی بیان شعب الایمان القول المسموع فی الفرق بین الکوع والکرسوع النفحۃ القدسیۃ بواسطۃ البضعۃ العیدروسیہ العقد الثمین فی طرق الالباس والتلقین حکمۃ الاشراق الی کتاب الآفاق شرح الصدر فی شرح اسماء اہل بدر التفتیش فی معنی لفظ درویش رفع نقاب الخفاء عمن انتہی الی وفا وابی الوفا زہر الاکمام المنشق عن جیوب الالہام بشرح صیغۃ سیدی عبد السلام رشفۃ المدام المختوم البکری من صفوۃ زلال صیغ القطب البکری رشف سلاف الرحیق فی نسب حضرۃ الصدیق بلغۃ الاریب فی تحقیق کلام المتن النوافح المسکیۃ علی الفوائح الکشکیہ ہدیۃ الاخوان فی حکم شرب الدخان منح الفیوضات الوافیۃ فیما فی سورۃ الرحمن من اسرار الآیہ ارجوزۃ فی الفقہ طبقات الحفاظ اسعاف الاشراف اتحاف السادۃ المتقین فی احیاء علوم الدین رفع الکلل عن العلل شرح حزب الکبیر المسمی تنبیہ العارف البصیر علی اسرار الحزب الکبیر اعلام المنی فی سر الکنی القول المثبوت فی تحقیق لفظ التابوت حسن المحاضرہ فی آداب البحث والمناظرہ رسالہ فی اصول المعمات کشف الغطاء عن الصلوۃ الوسطی الاحتفال بصوم الست من شوال اقرار العین بذکر من نسب الی الحسن والحسین الابتہاج بذکر الخارج التعریف بضروریات علم التصریف اتحاف الاصفیا بسلاسل الاولیا اتحاف بنی الزمن فی حکم قہوۃ الیمن المعاقد العقدیہ فی المشاہد النقشبندیہ الہدیۃ المضیۃ فی الوصیۃ المرضیہ ارشاد الاخوان الی الاخلاق الحسان شرح الفیۃ السند شرح صیغۃ ابن مشیش شرح صیغۃ السید البدوی شرح ثلاث صیغ لابی الحسن البکری شرح سبع صیغ المسمی بدلائل القرب تحفۃ القماعیل تفسیر سورہ یونس لقطۃ العجلان

فیما لیس فی الامکان ابداع مما کان الشیخ العلیة فی الطریقة النقشبندیة کشف اللثام عن
آداب الایمان والاسلام

مسعود بیگ از اقربای سلطان فیروز نام اصلی وی شیرخان است از علمای صوفیہ کرام
بود مدتی در لباس اغنیا و اہل دول بسر برد تا آنگاہ جذبہ حق گریبان گیر حالش گشت وی مرید شیخ
رکن الدین بن شیخ شہاب الدین شد بغایت حالت سکر داشت در علم تصوف و توحید
تصنیفات بسیار دارد از انجملہ کتاب تمہیدات است کہ بر طبق تمہیدات عین القضاۃ ہمدانی
بسیاری از حقائق و دقائق دران نوشتہ و دیوان اشعارش قصائد و غزل و سائر اقسام سخن را
شامل است و اکثر اشعار و قصائد بجواب امیر خسرو علیہ الرحمۃ گفتہ اگر در بعض مقامات طریق
شاعری نارسی ماندہ و نیز تصنیفے دارد مسمی بہ مرأۃ العارفین در بیان حقائق و معارف قبرش
در مقبرہ پیر اوست قریب مقام خواجہ قطب الدین در دہلی قدس اللہ سرہ

مولانا مسعود لاہوری بن سعد بن سلیمان لاہوری اصل او از ہمدان است پدرش سعد
ابن سلیمان از ہمدان در عہد سلاطین غزنویہ بلاہور آمدہ سکونت اختیار کردہ ملازم سلطان
ابراہیم شدہ رفتہ رفتہ برتبہ عالی فائز گشت پسرش مولانا مسعود از علمای وقت باکتساب علوم
فائق و لائق شد طبع موزون داشت اشعار آبدار میگفت و ہمنشین سیف الدین محمود ابن
ابراہیم بود تا سال پانصد و پانزدہ ہجری زندہ بود او صاحب دیوان عربی و فارسی و ہندی است
دیوان فارسی در ہند و ایران یافتہ می شود مگر دیوان عربی و ہندی نایاب گردید

شیخ مصطفی رفیقی ابن طیب بن احمد بن مصطفی رفیقی کشمیری کنیت او ابو احمد است در
دوازدہ صد و بست و شش ہجری پیدا شدہ عالم عامل فاضل کامل فقیہ و محدث حسن المحاضرہ بلیغ
العبارت شاعر و مورخ بود صحاح ستہ و کتب تصوف از والد ماجد خود خواندہ علوم دیگر عقلی و نقلی
از علمای وقت استفادہ کردہ مدام بطاعت الٰہی مشتغل می بود شیخ بہاء الدین و شیخ احمد و
شیخ احسن و شیخ عبد الشکور رفیقی از اشہر تلامذہ وید بروز جمعہ چہاردہم ربیع الاول سن
دوازدہ صد و نود و چہار ہجری وفات یافت

مولانا مرزا مظہر جانجانان شمس الدین لقب علوی نسب حنفی مذہب مجددی مشرب المعروف

به مرزا مظهر جانجانان ابن مرزا جان نسب شان بنوزده واسطه بتوسط محمد بن حنفیه بجناب ولایت مآب علی رضی الله تعالی عنه می پیوندد والد ماجد وی مرزا جان از منصبداران محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر بود لیکن ترک منصب نموده متوجه اکبرآباد شد در اثنای راه بمنزل کالاباغ حدود مالوه شب جمعه یازدهم رمضان سال یازده صد و یازده حضرت مولانا بوجود آمد چون این خبر بعالمگیر رسید فرمود که پسر جان پدر می باشد ازین وجه نامش جان جانان مقرر کردیم بدین تقریب وی رحمة الله علیه باین اسم موسوم گشت و مظهر تخلص وی است دانشمند متبحر جامع فضائل صوری و معنوی بود اکتساب علوم از علمای وقت نموده و حدیث از حاجی محمد افضل سیالکوتی اخذ کرده و شرف ارادت و خلافت از حضرت سید نور محمد بدایونی مرید و خلیفه شیخ سیف الدین مرید و خلیفه شیخ محمد معصوم عروة الوثقی مرید و خلیفه شیخ احمد سرهندی مجدد الف ثانی یافته قدس الله سرهندی اسرارهم اشعار بدیعه و مکاتیب نافعه ازو یادگار ماند این مختصر گنجایش تفصیل اوصاف حمیده او ندارد هفتم محرم الحرام سال یازده صد و نود و پنج هجری از دست یکی شقی زخم بندوقه طپنچه بر سینه مبارکش رسید شام شب دهم محرم سال مذکور شربت شهادت چشید مصرعه عاش حمیدا مات شهیدا تاریخ رحلتش بری آید

مولانا سید معز الدین خلف اکبر سید شاه خیر العلی چشتی کڑوی متوطن احمدآباد ناره بخدمت علمای لکهنو اکتساب علوم فرموده فراغ حاصل نمود ذهن ثاقب و فهم کامل داشت در عین جوانی سال دوازده صد و پنجاه و پنج هجری ازین جهان فانی بعالم جاودانی رحلت فرموده عقبی بجز اعمال حسنه نگذاشت مرقد شریفش در احمدآباد ناره بمقابر بزرگانش زیارتگاه و متبرک شاعری در تاریخ فوت او قطعه ذیل گفته **قطعه** شفیق مولوی معز الدین * کرد رحلت چو زین جهان بجنان *

سال فوتش چنین رقم کردم * آه او بود بی نظیر جهان *

مولوی معشوق علی جونپوری دانشمند مستعد از تلامذه مولوی فتح علی جونپوری بود تصانیف انیقه و رشیقه نظماً و نثراً ازو یادگار ماند عمر شریفش با وجود تعلق عهدهٔ مفتی بدرس و تدریس گذرانیده بسال دوازده صد و شصت و هشت هجری بمقام باندا رحلت فرمود شاگردش منشی شیخ خادم علی سندیلی مؤلف تاریخ جدولیه تاریخ فوت او چنین یافته * و بود عاشق الله معشوق علی * ذکر حق

بہر خط نقل مخلصش ❊ شد از ین دار فنا بیزار و بست ❊ بہر سیر ملک عقبی محملش ❊ از دوی بگذشت و گم شد در یکی ❊ بود وحدت بسکه در آب و گلش ❊ زین سبب ہاتف یکے کم کرد و گفت ❊

جنت الفردوس بادا منزلش ❊
۱۲۹۹

مولانا محمد معین لکھنوی ابن مولانا محمد مبین لکھنوی اکتساب علوم درسیه از مولوی محمد حمید برادر کلان خود و مولوی ولی الله و مولانا ظہور الله لکھنوی کرده و سند حدیث از مولانا عبد الحفیظ مکی حنفی علیه الرحمة حاصل نموده اشتغال بآن داشت تصنیفات انیقه دارد از انجمله غایة البیان فیما یتعلق بالحیوان و شرح رساله امام نووی و غایة الکلام فی القراة خلف الامام و ابراز الکنوز فی احوال ارباب الرموز در بیان حالات اصحاب رموز کتاب حصن حصین ناتمام و حاشیه صدرا تا بحث ہیولی و نیز بر اکثر کتب درسیه تعلیقات نوشته بتاریخ دوم جمادی الثانی سال ہزار و دو صد و پنجاه و ہشت ہجری از کتب دار فانی بمدرسه ملک جاودانی شتافته و بلغ مولانا احمد انوار الحق مرحوم واقع لکھنو بجائش سپردند ادخله الله بحبوحة الجنان

شیخ معین پسر مولانا امین واعظ صاحب معارج النبوت است ملکی بود بصورت بشری چندی حسب فرمان اکبر بادشاه بامر قضای بلده لاہور اشتغال داشت و دران مدت ہرگز حکم بالزام خصمی نکرده مدعیان را بالحاح تمام ہدایت بمصالحه میکرد و می گفت که شما ہر دو دانائید و تنہا نادان را باید دو دانا کار افتاده لیس مرا شرمنده درگاه خداے تعالی می سازید و ہمواره کتب نفیسه قیمتی می نویسانید و آنرا مقابله نموده و مجلد ساخته بطالب علمان مے بخشید و مدت عمرش درین کار بسر شده ہزار ہا مجلد ازین قبیل بردم بخشیده در سن نہصد و نود و پنج ہجری

از سرای محنت آباد دنیا بروضه عقبی خرامید نور الله مرقده

مولانا معین الدین عمرانی دہلوی در عہد سلطان محمد بن تغلق شاه دانشمندی عظیم مدرس شہر دہلی بود حواشی کنز و حسامی و مفتاح از تصانیف اوست میگویند وی را محمد ابن تغلق شاه دہلی بطلب قاضی عضد بشیراز فرستاده بود چون پادشاه شیراز از ناچرا او واقف گشت بجدائی قاضی راضی نشد بلکه از جمیع املاک سلطنت بر آمده بخدمت قاضی آمده التماس نمود که شما بر تخت سلطنت نشینید من خدمت شما کنم جز منکوحه خود ہر چه دارم از آن شماست قاضی

چون این ہمہ مروت وہمت ازوی بدید فسخ عزیمت دیار ہند نمود مولانا والپس ہندوستان آمد مولانا خواجگی مرید وخلیفہ شیخ نصیر الدین محمود از تلامذہ مولانا ہست وانکار مولانا شیخ نصیر الدین محمود قدس سرہٗ وزوال سرفہ مولانا ازخوردن برنج وجغرات حسب فرمودۂ شیخ وتبدل انکار مولانا باعتقاد شیخ دراخبار الاخیار مذکوریست

خواجہ معین الدین کشمیری ابن خواجہ محمود نقشبندی کشمیری ازعلمای کبار ومشائخ نامدار خطہ کشمیر متبع شریعت ومروج سنت وقامع البدعت بود ودرزہد وتقوی وورع بی نظیر مقبول علمای وصلحای وقت بود ہمچو ملا محمد طاہر خلف ملا حیدر وملا ابوالفتح کلو وملا یوسف مدرس ومفتی محمد ظاہر ومولانا عبد الغنی ومفتی شیخ احمد وغیرہم علمای کشمیر بدو گرویدگی داشتند فتاوی نقشبندیہ وکنز السعادت درعلم شریعت وطریقت ورسالہ رضوانیہ درخوارق والد بزرگوارش از تصانیف وی یادگار اند درسال ہزار وہشتاد وپنج ہجری رحلت نمود

مولانا سید معین الدین خلف اوسط سید شاہ خیرات علی مشہدی کڑوی متوطن وسجادہ نشین احمد آباد نارہ کنیت شریفش ابوالخیر ہست تحصیل علوم متعارفہ بخدمت مرزا حسن علی محدث لکھنوی ومولوی ظہور اللہ فرنگی محلی ودیگر علماے وقت نمودہ جامع علوم عقلیہ ونقلیہ خصوصًا در فن ریاضی شہرہ آفاق بود تمام عمر شریفش بہ تدریس وافادہ بسر برد وبسیاری علمای نامدار از زیر دامن تعلیمش برخاستند باواسطہ عمر خود باوجود کثرت درس حفظ قرآن مجید کردہ وبزیارت حرمین شریفین مشرف شدہ سند کتب احادیث از علماے آن دیار یافتہ مسود اوراق را اجازت دلائل الخیرات وحصن حصین ازان جناب حاصل ہست سوم ربیع الاول سال سیزدہ صد وچہار ہجری باحمد آباد نارہ رحلت فرمودہ ہمدران جا بمقبرہ بزرگان خود مدفون گشت روح اللہ روحہ شاعری تاریخ رحلتش چنین یافتہ ؎ معین جہان کرد چون انتقال ٭ فلک درغم او گریبان درید ٭ فرشتہ خصال وحید الزمان ٭ چنین عالمی کس ندید وشنید ٭ نصیر این بگو مصرعہ سال فوت ٭ بروحش بود رحمت حق پدید ٭ از وی دو فرزند بوجود آمدند یکے مولوی سید شاہ قیام الدین کہ بعد فراغ تحصیل بحضور پدر رحلت فرمود دوم مولوی وحکیم سید شاہ صمد سالدین فارغ العلم موجود اند سلمہ اللہ تعالی از مولانای موصوف الرحمہ تصانیف

ذیل مشہور اند تبیان فی شرب الدخان۔ ہدایۃ المؤمنین الی سلسلۃ الصالحین۔ آداب معینیہ۔
مرقاۃ الاذہان فی علم المیزان۔ ہدایۃ الکونین فی شہادۃ الحسنین۔ رموز القرآن۔ تشناۃ بالتکریر۔ حاشیہ
صدرا۔ رسالہ علم باری تعالی۔ رسالہ علم ہیئت۔ قرابادین۔ طب مفردات۔ طب۔ رسالہ طہر متخلل۔

مرزا مفلس اوزبک از شاگردان ملا احمد جند ملای مستعد و مستحضر در علوم جدل و مناظرہ بود
اما تقریر فصیح نداشت و در اثنای درس اداہای مضحک ازو سر میزد مردی بد قیافہ و کوسہ بود
صلاح و تقوی داشت از ماوراء النہر بہند آمدہ در آگرہ بمسجد جامع خواجہ معین الدین فرنخودی درس
میگفت و توفیق زیارت حرمین شریفین یافتہ در مکہ معظمہ بعمر ہفتاد سالگی رحلت نمود۔

مولوی مقیم الدین ساکن ٹانک ابن سلطان محمد ڈبال خیل سوبہ خیل بن احمد ابن گل محمد
ساکن علاقہ ٹانک یعنی موضع کوٹ ممریز ابتدائی از مولوی دین محمد ساکن ٹانک از میزان الصرف
تا بیبدی خواندہ پس ازان بخدمت علمای وقت یعنی مولوی محمد مظہر نانوتوی و مولوی عبد الحق
شمس العلما خیرآبادی و مولوی احمد حسن پنجابی مدرس مدرسہ دار العلوم کانپور تکمیل کتب درسیہ
نمودہ بالفعل کہ عمر شریفش سی سال رسیدہ مدرس عربی درجہ اول بمدرسہ شوکت الاسلام
سندیلہ مقرر اند سلمہ اللہ تعالی

ملوک شاہ بدایونی از فاضل وقت مرید شیخ بیجو سنبھلی بود تاریخ بست و ہفتم رجب
سال نہصد و شصت و نہ ہجری بعارضہ اسہال کبدی وفات یافتہ در قصبہ بساور مدفون گردید
پسرش ملا عبد القادر مؤلف منتخب التواریخ تاریخ وفاتش چنین یافتہ **قطعہ** سر دفتر
افاضل دوران ملوک شاہ ٭ آن بحر علم و معدن احسان و کان فضل ٭ چون بود در زمانہ جہانی
ز فضل آن ٭ تاریخ سال فوت وی آمد جہان فضل ٭

مولانا میر کلان محدث اکبرآبادی نبیرۂ خواجہ کوہی خراسانی حاجی الحرمین الشریفین
مرید شیخ جلال الدین ہروی صاحب کمالات ظاہر و باطن و دانشمند متبحر بود خصوصا در علم
حدیث کہ اجازت آن از سید میرک شاہ شیرازی داشت و میرک شاہ از والد خود سید
جمال الدین محدث مصنف روضۃ الاحباب و او از عم خود سید اصیل الدین شیرازی مجاز بود
بالجملہ صلاحیت میر کلان نادر زاد و دانش مظہر اسمای حسنی بود جلال الدین محمد اکبر بادشاہ

اوراتعلیم شاہزادہ نورالدین محمد جہانگیر مقرر فرمودہ بتعظیم وتوقیر تمام پیش می آمد میر موصوف بعمر صد سالہ در سال نہصد وہشتاد وسہ ہجری باکبرآباد رحلت فرمودہ ہمدرانجا مدفون گشت یکی از شاگردانش ملا علی قاریست کہ از مصنفاتش اکثر طلبہ علم ہندوستان مستفید می شوند پس خواستم کہ این کتاب از ترجمہ شریفش بی بہرہ نباشد ملا علی قاری بن سلطان محمد ہروی حنفی در ہرات متولد شدہ علوم رسمیہ از علماے وقت وبعض احادیث مشکوٰۃ از مولانا میرکلان محدث اکبرآبادی خواندہ بمکہ معظمہ رسید وہمانجا اقامت گزید واز ابوالحسن بکری وسید زکریا حسینی وشہاب احمد بن حجر ہیثمی وشیخ عبداللہ سندی وقطب الدین مکی وغیرہم علمای آندیار اخذ علوم نمودہ جامع علوم عقلیہ ونقلیہ ومتبع سنت نبویہ یکتای زمانہ گشت در سال چہاردہم از صدی یازدہم بمکہ معظمہ رحلت فرمودہ کتب ذیل مصنفہ او ازو یادگار اند تفسیر قرآن مجید۔ مرقاۃ شرح مشکوٰۃ۔ شرح الشفا۔ شرح الشمائل۔ شرح النخبہ۔ شرح الشاطبیہ۔ شرح الجزریہ۔ ناموس تلخیص قاموس۔ الاثمار الجنیہ فی اسماء الحنفیہ۔ شرح ثلاثیات بخاری۔ نزہۃ الخاطر الفاطر (الفاخر) فی ترجمۃ الشیخ عبدالقادر۔ شرح فقہ اکبر۔ ضوء المعالی شرح قصیدہ امالی۔ تخریج احادیث شرح عقائد نسفی۔ رسالہ تکفیر فرعون۔ رسالہ در بیان احوال والدین رسول الثقلین صلعم۔ المنہاج العلوی فی المعراج النبوی۔ الاہتدا فی الاقتدا۔ شرح قصیدہ بردہ۔ نور القاری شرح صحیح بخاری۔ شرح صحیح مسلم۔ حاشیہ تفسیر جلالین مسمی بجمالین۔ شرح شفای قاضی عیاض۔ جمع الرسائل۔ شرح شمائل۔ شرح جامع صغیر۔ حرز الثمین شرح حصن حصین۔ شرح اربعین نووی۔ شرح الوتریہ والجزریہ۔ شرح الشرح علی نخبۃ الفکر۔ شرح موطای امام محمد۔ سند الانام فی شرح مسند الامام۔ شرح مناسک الحج۔ تزیین العبارۃ لتحسین الاشارۃ۔ الحظ الاوفر فی الحج الاکبر۔ رسالہ عمامہ۔ رسالہ فی سنت الترہ۔ رسالہ عصا۔ اربعین حدیث در نکاح۔ چہل حدیث فضائل القرآن۔ رسالہ ترکیب لا الہ الا اللہ۔ رسالہ قراۃ بسملہ اول سورۃ البراۃ۔ المصنوع فی معرفۃ الموضوع۔ کشف الخدر عن امر الخضر۔ معدن العدنی فی فضائل اویس القرنی۔ رسالہ در احکام سب الشیخین۔ شم العوارض فی ذم الروافض۔ فتح باب العنایۃ فی شرح النقایۃ۔ الاحادیث القدسیہ والکلمات الانسیہ۔ اعراب القاری۔ تذکرۃ الموضوعات۔ تبعید العلماء عن تقریب الامرا۔

حرب الاعظم۔ حاشیہ مواہب لدنیہ۔ شرح عین العلم وغیرہا

میان مخدوم احمد آبادی نامش مولانا شیخ احمد بن شیخ برہان بن ابو محمد بن ابراہیم بن محمد خان غوری ہست محمد خان از اولاد سلطان معز الدین محمد المشہور بسلطان شہاب الدین محمد غوری بود بحکومت ناگور انتساب داشت مولانا احمد بدعای مستجاب شیخ احمد کھٹو احمد آبادی متولد شدہ بایمای شیخ موصوف بنام احمد موسوم گشت وی از علمای صوفیہ دیار گجرات است علوم ظاہر از مولانا صدر جہان گجراتی اکتساب نمودہ در دوازدہ سالگی بہ شرف ارادت حضرت سراج الدین ابو البرکات سید محمد المشہور بشاہ عالم قدس سرہ مشرف گشتہ و دوازدہ سال در خدمت ایشان صرف نمود و دوازدہ سال دیگر بامور ظاہر و باطن مشغول بودہ بتاریخ بست و دوم ربیع الثانی سال ہشتصد و ہشتاد ہجری بعد طی نمودن شصت و چہار مرحلہ زندگانی بعالم جاودانی انتقال فرمودہ و بہ محلہ تاج پور بمحلات احمد آباد گجرات مدفون شد در لفظ آخر الاولیا تاریخ رحلتش یافتہ اند

حرف النون

مولوی سید ناصر الدین محمد ابو المنصور دہلوی امام فن مناظرہ اہل کتاب ابن سید محمد علی ابن سید فاروق علی از علمای اعلام ہندوستان در فن مناظرہ مذہبی دستگاہی کامل دارد و برامانتش در فن مناظرہ علمای وقت متفق اند کہ تصدیق این بیان از رسالہ عین الیقین شدن می تواند با قسیسان نصاری بارہا در مناظرہ غالب آمدہ وی از اولاد سید عبد الغفور قاضی سکت پور کہ وطن قدیمش قصبہ سید آباد عرف وای پور مضاف قنوج است پدرش سید محمد علی میر منشی رزیڈنٹی ناگپور بود ہمدران جا سید ناصر الدین محمد ابو المنصور متولد شدہ اکتساب علوم از والد ماجد وجد امجد خود نمودہ توراۃ و انجیل با تفسیر عربی و یونانی از علمای اہل کتاب خواندہ بسیاری کتب بجواب علمای اہل کتاب تالیف فرمودہ گاہی ملازمت کسی نکردہ مگر چندی بمصاحبت نواب جہانگیر محمد خان رئیس بھوپال امتیازی داشت اکنون عمر شریفش شصت و چہار سال رسیدہ تفسیر قرآن مجید بزبان فارسی می نویسد و تفسیر آیۂ کریمہ با حادیث صحیحہ مطابق می نماید و شہادتش از توراۃ و انجیل سے آرد در حقیقت

کاریست اہم اللہم تمہ سید موصوف الالقاب بدختر مولوی محمد مہدی نزیل کانپور کہ بعلم وفضل خود
شہرۂ آفاق بود کدخدا شدہ دو فرزند نامی وگرامی دارد یکے مولوی سید نصرت علی دوم سید
ناصر علی وبالفعل باہل وعیال در دہلی قیام پذیر است سلمہ واولادہ **تصانیفہ العالیہ**
نوید جاوید بجواب سوالات مختلفہ عیسائیان دولت فاروقی در تاریخ بیت المقدس عقوبۃ الضالین
جواب ہدایۃ المسلمین مصنفہ پادری عماد الدین استیصال جواب رسالہ مسیح الدجال مصنفہ
ماسٹر رام چندر رقیمۃ الوداد جواب نیاز نامہ پادری صفدر علی لحن داودی جواب نغمہ
طنبوری عماد الدین پادری انعام عام جواب آئینہ اسلام ساخت پادری یونس افحام الخصام
جواب تفتیش الاسلام مصنفہ پادری راجرس تصحیح التاویل جواب تفسیر مکاشفات پادری عماد الدین
اعجاز قرآن جواب اعجاز قرآن مصنفہ ماسٹر رام چندر میزان المیزان جواب میزان الحق پادری فنڈر
مجموعہ وعظ یادداشت شلاق فی رد تہذیب الاخلاق حرز جان جواب رسالہ اصلیت
قرآن مصنفہ عبداللہ آتھم عیسائی بتیان بجواب سوالات دوازدہ گانہ نصاری مصباح الابرار
فی رد مفتاح الاسرار مصنفہ پادری فنڈر تادیب نمونہ تحریف تشویش القسیس محاکمہ
عقوبۃ الضالین وہدایۃ المسلمین تصحیح التاویل تنقیح البیان درجواب تفسیر القرآن مصنفہ
سید احمد خان رسالۃ الحق تبجیل التنزیل تفسیر قرآن زیر تالیف تنزیہ الکاملین انکشاف تریاق

مولوی شاہ نصن غازیپوری نامش شاہ محمود ابن مولانا شاہ حسام الدین مانکپوری
جامع علوم ظاہر وباطن بود بعد وفات والد ماجد خود در سال ہشت صد وپنجاہ وسہ ہجری
بطور سیاحت از مانکپور بغازیپور زمانیہ قدوم آورد نصیر خان لوحانی حاکم غازیپور بمعائنہ
کمالات ظاہر وباطن وی معتقد شدہ دست ارادت بدامن بیعتش زدہ واز بارگاہ دہلی ویرا
بعہدہ میر عدل غازیپور مامور کنانید تمامی عمرش بغازیپور بسر گشت ودر سال نہصد وپنج ہجری
رحلت فرمودہ بغازیپور مدفون گردید اولادش بمحلہ قاضی ٹولہ منجملہ محلات غازیپور موجود اند۔

مولوی نجم الدین خان کاکوروی ابن مولوی حمید الدین از خاندان ملکزادگان علویہ قصبہ
کاکوریست عالم یگانہ جامع فضائل چہارگانہ بمنصب قاضی القضاۃ کلکتہ ممتاز بود معہذا بتدریس و
افادہ طلبہ علوم بغایت می کوشید تصانیف وتالیف جلیلہ از و یادگار ماند منوزچی از سرمایہ

علی اوسط کروی رحمہ اللہ تاریخی بدیع در وفات شاہ غلام قطب الدین الٰہ آبادی از آیۂ کریمہ ومن
یخرج من بیتہ الآیۃ بہ تعمیہ و تخرجہ برآوردہ خالی از لطافت نیست تقریرش بلفظہ بعبارت عربی
تفویض قلم سوانح نگار میشود کما نقل المولوی رضا حسن خان الکاکوروی فی رسالہ مطارح الاذکیاء وهو
حامداً ومصلیاً ومسلماً توفی الادیب المحقق والاریب المدقق وحید دهره وفرید عصره سند الشعراء ابلغ
الفصحاء صائغاً صوغ التبر الاحمر انشائہ الفائق المنیع ؛ وناظماً نظم الدرر والجواہر شعره الرائق البدیع
تاشر المن بحجره فی النوادی ؛ لآلی اشعاره باللسان الفارسی والضادی ؛ الشیخ غلام قطب الدین
العباسی الالٰہ آبادی ؛ سلخ ذیقعدة المسلکۃ فی شهور السنۃ السابعۃ والثمانین الواقعۃ فی المائۃ
الثانیۃ من الالف الثانی من الهجرة النبویۃ علی صاحبہا الآف الصلوٰة والتحیۃ بعد ما خرج من
وطنہ المالوف مریداً لادراک حج بیت اللہ وزیارة قبر نبیہ ومصطفاه فی رفقۃ صلحاء وتبعۃ اتقیاء
وطی مراحل البر الی ان قعد غارب مرکب البحر فلما وصل الی بلاد الحجاز ونزل من ظهر ذلک الجماز
ولم یکن حینئذ آوان الحج وادا رنسک الحج والعمرة فی المکۃ المعظمۃ بعمرة فاقام فیہ شهوراً ثم سار فی الطیبۃ الطیبۃ
زادها اللہ تعالی بہاءً ونوراً ہے تشرف بتقبیل عتبۃ النبی علیہ الصلوٰة والسلام وزیارة قبور بعض
صحابتہ واہل بیتہ المدفونین فی ذلک المقام فاذا قرب الموسم فرجع معاوداً الی ام القری فلحقہ
فی بعض منازلہا المرض الوبیل وضرب علیہ طبل الرحیل الی ان اماتہ اللہ فی تلک البقعۃ المبارکۃ
ودفن ہناک اللہم ارض عنہ نقی کریک ورضاک وسدده وعلیہ سبحانہ اجره حیث قعت الآیۃ الکریمۃ
ومن یخرج من بیتہ مہاجراً الی اللہ ورسولہ ثم یدرکہ الموت فقد وقع علیہ اجره علی اللہ وکان اللہ غفوراً
رحیماً التی نزلت فی جندب ابن حمزة حملہ بنوه علی سریره متوجہا الی المدینۃ فلما بلغ التنعیم اشرف علی الموت
فصفق بیمینہ علی شمالہ فقال اللہم ہذه لک وہذه لرسولک ابایعک علی ما بایع علیہ رسولک فمات حمیداً
کما ذکر فی البیضاوی وغیره من کتب التفاسیر مناسبۃ لشان ذلک العالم الہمام والحبر
القمقام بل یخرج منہا تاریخ عام وفاتہ بصنعۃ غریبۃ عجیبۃ الافہام وطریقہ ان یقال فی معنی قولہ
تعالی ومن یخرج من بیتہ ان لفظ من باعتبار عدده الذی ہو تسعون ویخرج من عدد لفظ بیتہ
اربع مائۃ وسبعۃ عشر فبقی ثلثمائۃ وسبعۃ وعشرون مہاجراً الی اللہ ورسولہ والحال انہ یہاجر مجموع
ذلک الی اللہ ورسولہ من جہۃ اعداده التی ہی اربعمائۃ واربعۃ عشر الی تلک الاعداد الباقیۃ

بعد الاخراج فتصیر سبعمائة وواحدا واربعین ثم یدرکه الموت ای یصل عدد لفظ الموت وهو اربعمائة و ستة واربعون فالمجموع الف ومائة وسبعة وثمانون (۱۱۸۷) الذی هی سنة ارتحال ذلک العلام الی دار السلام ولیعلم ان ذلک تقدیر العزیز العلیم حیث ودع رکازها البدیع فی زوایا کلامه القدیم لیستخرجه المعتصم بحبله المتین عبده محمد نجم الدین غفر الله له ولابویه واحسن الیهما والیه انتهی نجم الدین خان قاضی القضاة بروز سه شنبه سیزدهم ربیع الثانی سال یکهزار و دو صد و بست و نه هجری مولوی حکیم الدین صدر الصدور و مولوی علیم الدین صدر الصدور و مولوی خلیل الدین سفیر شاه اوده سه اعقاب سمو الالقاب گذاشته رحلت فرمود مولوی فتح علی جونپوری چند قطعه تاریخ فوتش بسلک نظم کشیده از انجمله اینست **قطعه** بحکمت شمس ملت نجم دین قاضی قضاة چونکه در باغ جهان با حور عین همدوش گشت ٭ سر فرو بردم پی تاریخ و در گوشم رسید علم و فضل و درس و زهد و دین همه روپوش گشت

میر نجم الدین بهکری ابن میر محمد رفیع رضوان شاگرد و همشیره زاده قدوهٔ محمد معین جامع فضائل و کمالات بوده در حیات استاد بر مسند علمی نحو شایسته آراسته جمعی طلبه را بکمال رسانیده تصانیف غریبه دارد منجمله آن در تتبع رساله منطقیه موسوم به یکروزی رساله به اندو بیز گو شته علوم نشته دیگر و تصنیف کرده و در فارسی طوطی نامه را باد بحتی القیه ینشر کشیده اشعار نیکو می گفت و عزلت تخلص میکرد در سال یکهزار و صد و شصت در گذشت

مولوی نجم الدین چریاکوٹی ابن مولوی احمد علی ابن شیخ غلام حسین ابن شیخ سعد الله عباسی چریاکوٹی تمام کتب درسیه را با استعداد کاملی و مهارت تمام از پدر بزرگوار آموخت و در تکمیل تحصیل و یاد داشت مضامین کتب و توسیع دائره بحث مسائل و اقامت حجج و دلائل نظیر نبود در ابتدا شغل تعلیم داشت کنون بدان وادی توجهی ندارد ایشان نظم و نثر فارسی را بطبع و الا بیش رجحانی رو داده چنانچه بنثر یگانه و بنظم نادر زمانه است از تصانیف انیقهٔ وے رساله هفت اقسام حسینی در صرف و اعراب اربعه در نحو متداول و متعارف آن دیار است مثنوی فیض الٰهی هم پله نیرنگ عشق و مثنوی چار ضرب بحالات مختلفه و کتابے در عروض و قافیه و فسانه سیلاب تاریخ طغیان آب که بسال هشتاد و هشتم صد ے

سیزدہم ہجرت بمقام اعظم گڈھ از جوش دریای تونس پدید آمدہ بود و خمسہ محمدیہ در بیان میلاد رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نیز از طبع زاد وی اند مطلع مثنوی فیض آلہی آنیست ؎ خداوند بجولان معانی ۞ کمیت خامہ ام نادہ روانی ۞ ہم در آن مثنوی بتوصیف قصبہ چریاکوٹ گفتہ ؎ چریاکوٹ خوانندش عوامش ۞ ولیکن یوسف آباد ہست نامش ۞ فلک تا طرح این آباد بنہاد ۞ زخاک پاک جنت کرد بنیاد ۞ چراغ آسمان روشن ز دودش ۞ زجنت میرسد ہر دم درودش ۞ ... از مثنوی چہار ضرب ؎ صفی محمد رنیم بکام قلم ۞ بگردش در آوردہ جام قلم ولہ چنان تنگ شد ... رزمگاہ ۞ کہ از دیدہ بیرون نمی شد نگاہ ولہ زجا نجنبد و در گردش است قبلہ نما ۞ بجاے ... غریبم در وطن بی تو ولہ اگر نام من بی نشان جوی برسی ۞ ہمین بس ہست کہ آوارہ خانمان ہستم ۞ سلمہ اللہ

مولوی نجف علی جہجری سلمہ اللہ المخاطب بہ تاج العلما محمد نجف علی خان ابن محمد عظیم الدین قاضی جہجر از اکابر فضلای روزگار بہ بارگاہ نواب یمین الدولہ وزیر الملک محمد علی خان بہادر صولت جنگ فرمانرواے محمد آباد ٹونک بسلک ملازمان منسلک ودر قابلیت و استعداد علمی مشار الیہ اقران است ذہن وقاد وطبع شاعرانہ وتصانیف کثیرہ دارد از انجملہ کافل الاسعاد و شرح قصیدۂ بانت سعاد وتکملۂ صولت فاروقی زائد از پنجاہ ہزار شعر بہ بحر متقارب وسحر الکلام شرح مقامات حریری بزبان عربی بصنعت اہمال وتفسیر غریب وشرح دیوان متنبی وشرح حماسہ وحاشیہ مطول وغیرہ از شرح وسائر بزبان ہندی زبان وسفرنگ شرح ودیگر وسائر دری زبان وعلاوہ ازین پنجاہ رسائل بالسنہ خمسہ کہ دری وہندی وعربی وفارسی دارد وعبارت از آن سست مصنفات مکملہ وی ہستند وبسال دوازدہ صد ونود وپنج ہجری از بارگاہ آقاے نامدار مامور شدہ است کہ قصائد ثلاثہ یعنی بانت سعاد وقصیدہ بردہ وقصیدہ امالی بین الطول والاختصار ہر قصیدہ را سہ سہ شرح بزبان عربی وفارسی واردو بنگارد تا عموم افادہ را ضمین وکفیل باشد اللہم یسر ولا تعسر

مولوی نجف علی سندیلی ابن روشن علی بن چودھری نصرت اللہ شاگرد مولوی حیدر علی سندیلی بود مذہب شیعی وپیشہ نوکری داشت کتابی در تاریخ خاندان ساناسی ومعمول پور تصنیف

نمودہ بتاریخ بست وہشتم ذیحجہ سال دوازدہ صد وپنجاہ وپنج ہجری بمرض فالج وفات یافتہ

مولوی نصر اللہ خان ساکن خورجہ از قبیلہ افاغنہ خویشگی نامش عبد العلیم بود بخدمت مولوی احمد علی چریاکوٹی وغیرہ علمای عصر اکتساب علوم متداولہ رسمیہ کردہ استعداد کامل حاصل نمود ومدام بمزاولت علمی می پرداخت درسرکار انگریزی بعہدۂ ڈپٹی کلکٹری معزز بودہ بعد استحصال حق تقاعد از ان سرکار بسرکار نظام حیدرآباد بمنصب صدر تعلقہ دار سرفرازی یافتہ کتاب ارشاد البلید فی اثبات التقلید وشرح رباعیات یوسفی در طب وشرح خلاصہ کیدانی در فقہ وغیرہ رسائل از تالیفات وی اند بسال دوازدہ صد ونود ونہ ہجری وفات یافتہ

مولوی نصرت علی خان دہلوی قیصر تخلص ابن مولوی ناصر الدین محمد ابو المنصور امام فن مناظرہ اہل کتاب بن سید محمد علی ہفتدہم شوال سال دوازدہ صد وشصت وچہار ہجری متولد شدہ علوم رسمی باستعداد حاصل نمود ماہر زبان فارسی وعربی وترکی وانگریزی وہندیست مطبعی بنام نصرت المطابع اجرا فرمود کہ از ان نصرت الاخبار وناصر الاسلام ومہر درخشان جرائد ہندیہ وعربیہ وفارسیہ شائع می شوند بالجملہ صاحب ترجمہ بلیاقت ذاتی خود شہرتے تمام درممالک ہند وایران وروم ومصر وفرنگستان پیدا کردہ واز بارگاہ سلطان روم بعطاے تمغای مجیدیہ فی زماننا بین الاقران ممتاز ہست تصانیفہم الشہیرہ مفید عام درتعلیم زبان اردو وفارسی وعربی وانگریزی نصرت اللغات درلغات اردو وفارسی وعربی وانگریزی مرآت السلاطین دربیان حالات تاریخی سلاطین روی زمین مع تصویر یک نقشہ عمارات مشہورہ جواہر بی بہا رسالہ خوشنویسی مشتمل بر خط نسخ ونستعلیق وتعلیق وکوفی وشکست وشفیعہ وجبنی وطغرا وگلزار وغیرہ سراب عالم اسباب در ذکر بی ثبات بودن دنیا ومافیہا قیصریہ تاریخ سلطنت روم جواہر زواہر مشتمل بر قطعات مختلفہ بخط قلم خوشنویسان نامور احسن الدلیل فی معلومات التوراۃ والانجیل بطور فرہنگ ہردو گلدستہ شاداب در مناظرہ اہل کتاب کلمۃ الحق قصہ حضرت منصور بہ تطابق حالات عیسیٰ علیہ السلام رحمت عظیم در ذکر اولیاے کرام گلدستہ رؤسا در حالات تاریخی نوابان وراجگان وغیرہ حسنات مشتمل بر غزلیات شعرای عربی وفارسی واردو درمدح سرور انبیا علیہم السلام تاریخ انگلستان صلاح فلاح در ترغیب نکاح ایامی تاریخ

منوره ومکه معظمه اتالیق درتعلیم زبان ترکی اردو فارسی عربی انگریزی انشا نصرت بزبان
ی اردو وعربی تعلیم بلا معلم معلم جیبل زبان تحریف الخیل ضیاء النورین تخطیه معیار ذخیره نصرت
نصرت العلوم والفنون ـ

قاضی نصیر الدین گنبدی دانشمند متبحر ودرویش کامل بود وچیزی از دنیا نداشت وبار دنیا
نیا التفاتی نمی کرد گویند که طلبه علوم ایشان زنجیر درخانقاه گرفته می ایستادند تا بسبب ضعف فاقه
زمین نیفتند منقول است وقتیکه قاضی شهاب الدین حاشیه کافیه نوشته بخدمت او فرستاده
التماس نمود که ایشان این حاشیه را درس گویند تا قبول دیگر یابد وی بجهة غلبه اشتغال باطن ما
بالای صد باب بحث ونزاع نظر اجمالی بران انداخت وگفت خوب نوشته اند احتیاج درس
گفتن نانیست قبرش درجونپور است

مولانا نصیر الدین محمود اودهی ابن یحیی بن عبد اللطیف یزدی در خطه اوده ولادت
یافته اولا پیش مولانا عبد الکریم شروانی که از دانشمندان وقت بود تا هدایه وبزدوی تحصیل نموده
بعد ازان پیش مولانا افتخار الدین محمد گیلانی از هر علمی نصیبی بحصول آورده در بست وپنج سالگی
ترک دنیا نموده تجرید اختیار کرده بریاضت وعبادت پرداخت ولعمر چهل سالگی از دیار اوده
بدهلی آمد بسعادت ارادت حضرت شیخ نظام الدین اولیا مشرف شده اشهر واعظم خلفای
حضرت موصوف وصاحب ولایت دهلی گشت چنانچه حالات شگرف وی در اخبار الاخیار
وتذکرة الاصفیا تفصیلاً مذکور اند تاریخ هژدهم رمضان سن هفتصد وپنجاه وهفت هجری
رحلت فرمود رحمة الله علیه

قاضی نصیر الدین برهانپوری خلف قاضی سراج الدین از مشاهیر فضلای عصر است
در هیزده سالگی شکر الله خان مخاطب بافضل خان شیرازی را ملازم کرد وشیخ علم الله که اعلم علمای
آن وقت ونیز خسرش بود با وبر بنیادی چون قاضی هر قسم حدیث را ترجیح میداد وانکار قیاس
می نمود وحدیث علمای امتی کانبیاء بنی اسرائیل را موضوع میگفت شیخ علم الله باوجود نسبت
دامادیش فتوی بسوختن وکشتنش داده محضری نوشت غیر از شیخ محمد فضل الله وشیخ عیسی که از
اعاظم مشایخ آنجا بودند همه علما بران مهر کردند چون خان خانان محمد قاضی بود وآن دو عالم

مهر نکردند محضر کش نرسیده پس وقتیکه جهانگیر بادشاه بر خانخانان اعتراض فرموده ومدعیان آن ماجرا بعرض رسانیدند فرمان بطلب قاضی نصیر الدین و شیخ علم الله رسید شیخ نزد ابراهیم عادل شاه به بیجاپور رفت و قاضی بعربستان شتافته بطوف حرمین وزیارت امکنه شریفه فائض شده بعد پنج سال عزم وطن نمود جهاز بدست فرنگیان رفت فرنگیان کمالات قاضی شنیده نزد بادشاه خود بردند آدابیکه می بایست بجا نیاورد گفتندش چرا خدمت سلطان نکردی گفت آدابیکه شما بجا می آرید از ماضی آید از انجا رهائی یافته به بیجاپور رسیده ابراهیم عادل شاه دو سه کروه استقبالش کرده با خود برد جهانگیر بادشاه این ماجرا شنیده فرمان طلب فرستاد و حکیم خوشحال پسر حکیم همام را تاکید فرمود که وی را روانه آرد و کند طوعا و کرها از انجا روانه شده به برهانپور وطن خود رسیده عزم بالجزم کرد که از خانه بیرون نیاید درخلال این حال شاهجهان از طرف والد خود بصوبگی دکن سرفراز گشته وارد برهانپور شده قاضی را طلب فرمود قاضی از ان ابا نمود آخر بحیله حواله نزد شاهزاده شاهجهان آمد و آداب بجا نیاورد شاهزاده آزرده خاطر نسنجیده فرموده قاضی مشتاق تو بودیم گفت بچه جهت فرمود کمالات ترا شنیده قاضی گفت آن حالت در من نمانده بالجمله صحبت بملال کشید قاضی را جبرا روانه درگاه نمودند چون بمستقر الخلافة آگره رسیده در راه که سواری بادشاه از باغ سوی دولتخانه میرفت ملازمت نمود اراده تسلیم کرد بادشاه دستش گرفته باغوش کشید پس از چند روز رخصت برهانپور یافته بقیه عمر در مرضیات الهی بسر برده در سن هزار و سی و یک هجری درگذشت

مولوی سید نصیر الدین برهانپوری الملقب بحبیب الله علیه رحمة الله جامع کمالات دینی و دنیوی ماهر علوم صوری و معنوی فاضل افضل محدث اجل فقیه اکمل خلف و تلمیذ سید جلال الدین عرف الله والی صاحب برهانپوریست و سید جلال الدین از اکابر عرفای عهد و اعاظم زهاد شاگرد رشید مولانا شاه عبد العزیز دهلوی بود سید نصیر الدین فقه و حدیث و تفسیر از والد ماجد خود اخذ کرده کامل مکمل گشت تصانیف کثیره دارد از انجمله کتب ذیل مشهور اند. ذریعة الاستشفاع فی سیر سید المطاع. مستوفی الحقوق فی ذم العقوق. روضة الریحان فی فضائل رمضان. صاعقة الربانیه علی الفرقة الوهابیة الکذابیه. ایضاح الارتداد. ساطع الانوار من کلام سید الابرار. تیسیر فی مهمات التفسیر. برهان الهدی فی تفسیر الرحمن علی العرش استوی. لباب التنقیح. براهین ساطعه

تنبیہ الاغبیا، کشف المعضلات، غالیہ مقامتین وغیرہا وفاتش بسال دوازدہ صد و نود و دو ہجری در برہانپور وقوع یافتہ رحمۃ اللہ علیہ

مولانا نظام الدین محمد بدایونی قدس سرہ نام نامیش محمد بن احمد بن علی البخاری و لقب او سلطان المشائخ و نظام الدین اولیا است وی خلیفہ شیخ فرید الدین گنج شکر از محبوبان و مقربان درگاہ الٰہی بود اوصاف حمیدہ او بہ بیان گنجایش ندارد جد او علی بخاری و جد مادریش خواجہ عرب ہر دو از بخارا آمدہ مدتی بلاہور بودند بعدہ در بدایون سکونت اختیار کردند پدر وی خواجہ احمد در صغر سن از سرش رفت مولانا چون بزرگ شد والدہ ماجدہ او را در مکتب سپرد کلام اللہ خواند و دیگر کتب خواندن آغاز کرد در صغر سن کہ عمرش بدوازدہ سال رسیدہ بود کتب لغت می خواند بعد ازان بقصد تعلیم بدہلی آمد و تحصیل علم کرد و پیش شمس الملک کہ صدر ولایت بود تلمذ کردہ علم ادب و حدیث خواند طلبہ علوم وی را نظام الدین بحاث می گفتند ازان بعد بشوق ارادت شیخ فرید الدین گنج شکر با جودھن رفت و وی دران زمان بست سالہ بود شش سیپارہ قرآن مجید پیش شیخ فرید الدین تجوید کرد و شش باب از عوارف نیز سند کرد و تمہید ابو شکور سلمی و بعض کتب دیگر نیز پیش شیخ خواند بعدہ بانعمت خلافت مشرف شدہ بدہلی آمد و قبولیتی کہ وی را دست داد اظہر من الشمس است و تفصیل آن کتب سیر اولیا و ملفوظات و مکتوبات مشائخ کرام مملو اند بتاریخ ہیجدہم ربیع الآخر سن ہفتصد و بست و پنج ہجری رحلت فرمودہ بدہلی مدفون گشت یزار و یتبرک

شیخ نظام الدین امیٹھوی در ابتداے حال تحصیل علوم کتب مروجہ بخدمت شیخ معروف چشتی جونپوری نمودہ کہ مرید مولانا الہداد شارح کافیہ وغیرہ بود چونکہ فطرت عالی داشت ہموارہ چشم بورق بستہ و دل بحق پیوستہ بود سلوک و جذب در وے بہم پیوستہ از ملازمت ذکر و شغل باطن غافل نبود آخر مرید و خلیفہ شیخ معروف موصوف گشت و از شیخ رخصت ارشاد و تکمیل یافتہ بقصبہ امیٹھی پا بدامن قناعت کشید جز بمسجد جامع بجای نرفتی مگر گاہ گاہے بخیرآباد بنا بر زیارت مزار مخدوم شیخ سعد و ملاقات شیخ اللہ دیا خیرآبادی یا بہ گوپامو بتقریب آشنائی قاضی مبارک گوپاموی قدم رنجہ فرمودی وی از سماع پرہیز کردی و مریدان را نیز ازان منع نمودی و فرمودی کہ در اختلاف چرا باید افتاد اگر تقلید کنند باید کہ تقلید اوائل و

کلان تران کنند مدار وی در عبادات و معاملات برکتاب احیاء العلوم و عوارف و رساله مکیه و
آداب المریدین و امثال آن بود و پیش از نماز جمعه نماز ظهر را بجماعت میگذارد و بعد از ان
نماز جمعه خواندی و در خطبه اصلا مدح پادشاهان نبودی مرید هم بسبیل ندرت گرفتی و شغل نگفتی
و تلقین نکردی ملا عبد القادر بدایونی رحلت وی در سن نهصد و هفتاد و نه و شیخ عبد الحق محدث
دهلوی وفاتش در سنه احدی و ثمانین و تسعمائه نوشته باآنکه هر دو معاصر اند والله اعلم بالصواب

شیخ نظام الدین تهانیسری بن شیخ عبد الشکور عمری تهانیسری جامع علوم ظاهری و باطنی
حاوی کمالات صوری و معنوی واقف رموز شریعت و طریقت و معرفت و حقیقت مرید و
خلیفه شیخ جلال الدین تهانیسری بود غرائب علوم همچو کیمیا و غیره می دانست چونکه مصارف
او از آمدنی زاید بود بسعایت حاسدان اکبر شاه ویرا دو بار از هند جلای وطن کرده در اخراج اول
بحرمین شریفین رفته بعد شرف زیارت بهند واپس آمد چون به برهانپور رسید شیخ عیسی سندهی
مع اعیان خود با بهیت استقبال او کرده از و مستفید و مستفیض گشت و در اخراج دوم به بلخ رفته والی
آنجا مرید او شد شرح سوانح امام غزالی و شرح لمعات و تفسیر نظامی و رساله حقیقت و رساله بلخیه وغیره
از تصانیف وی یادگار اند بسال هزار و بست و چهار هجری رحلت فرموده مرقدش در بلخ است

ملا نظام الدین سهالوی فرزند سوم ملا قطب الدین شهید سهالوی است تحصیل علوم متعارفه
بعد شهادت والد ماجد خود از حافظ امان الله بنارسی و مولوی قطب الدین شمس آبادی نموده
فاتحه فراغ پیش مولوی غلام نقشبند لکهنوی خواند بالجمله وی در فرزندان مولانای شهید وحید عصر
و فرید دهر جامع علوم ظاهر و باطن بود که بمقابله تدریس او گرمی تدریس همه مدرسین و فضلای دیار
فرونشست مردمان اقطار و امصار بعیده الاطراف و جوانب مشارق و مغارب برو آمده تعلیمش
مستفید و بهره اندوز شدند تا اینکه در تمام هندوستان کسی باشد که از احاطه تلمذ وی و فرزندانش و
شاگردانش بیرون افتد در معقولات و منقولات کتب مبسوط التصنیف فرموده و بخدمت سید
شاه عبد الرزاق بانسوی قدس سره شرف بیعت حاصل کرده استفاده کامل بهم رسانید حضرت
سید قدس سره ویرا یکی از افراد الذین آمنوا و عملوا الصالحات می شمرد عالمی را از علوم و معارف
باطن خود مستفید گردانید و خلقی کثیر بحلقه بیعت او در آمدند و جمعی غفیر از علما و فضلای نامدار

از دامن تربیت و تعلیم وی برخاستند سعد اوی رحمہ اللہ تعالیٰ بنفس نفیس در بی تفسی نظیری نداشت
وخور دانا چیز محض می انکاشت وشب و روز بعبادت و ریاضت می پرداخت نہم جمادی الاولی
سال شصت ویکم بعد صدی یازدہم ازین جہان فانی بعالم جاودانی شتافت اکرمہ اللہ بنعیم الجنات
تصانیفہ الرائقات حاشیہ شرح ہدایۃ الحکمۃ مصنفہ علامہ صدرالدین شیرازی۔ شرح مسلم الثبوت
صبح صادق شرح منار۔ شرح میارزیہ۔ حاشیہ شمس بازغہ۔ حاشیہ شرح عقاید دوانی۔ ملفوظات
شاہ عبدالرزاق بانسوی قدس سرہٗ

قاضی نظام الدین احمد آبادی گجراتی ابن مولانا نورالدین بن شیخ محمد حافظ قرآن و فاضل
محقق و مدقق در فن ریاضی دست رسا داشتہ بہمہ وجوہ لائق در افتا و شعر از ہمہ فائق بود و بصحبت
سلاطین و امرا رسیدہ از حصول خلاع فاخرہ وفیل مباہی شدہ در سال یکہزار و یکصد و پنجاہ و یک
ہجری بمنصب قضای احمد آباد و از پیشگاہ شاہ دہلی سرفرازی یافتہ با بیچ وطن گردیدہ در اجرای
احکام شریعہ بذل جہد نمودہ در سن ہزار و یکصد و شصت و سہ ہجری بتخانہ کفار کہ اندرون شہر
بمحلہ شاہ پور متصل مسجد احداث کردہ بودند وہنگام نماز و اذان ناقوس ہمے نواختند و مسلمانان را
اذیت می رسانیدند با وجود غلبۂ کفار بلا اعانت صوبہ دار با جماعت مسلمین بران بتخانہ تاختہ
مسمار ساخت از استماع این خبر احمد شاہ بادشاہ دہلی خوش گردیدہ خلعت خاصہ وفیل مادہ
فرستاد دوازدہم ذیقعدہ سال یکہزار و یکصد و شصت و پنج ہجری از عالم فانی بسرای جاودانی
رحلت فرمودہ در پہلوی پدر طرف شرقی مدفون شد رسالہ تفضیلت عالم و رسالہ میزان الساعۃ
و تفصیل الفصول و رسالہ قہوہ و رسائل دیگر از ایشان یادگار ماندہ

شیخ نظام برہان پوری تلمیذ قاضی نصیرالدین برہانپوری بمرتبۂ اعلیٰ کہ عالمگیر ناظم صوبہ دکن
بعالم شہزادگی متعین بود و شیخ را با خود ملازم گرفتہ شیخ قریب چہل سال بخدمتش ماندہ بمنصب ہزاری و
پانصدی سرفرازی یافتہ در فتاوی عالمگیری سعی فراوان نمود از کورنش و دیگر تکالیف معفو بود
با آنکہ سنین عمرش از ثمانین تجاوز کردہ در قوی تفاوت نداشت

قاضی نظام بدخشی اصلش از بدخشانست شاگرد ملا عصام الدین و نیز از ملا سعید مستفید شدہ
اعلم علمای بدخشان و ماوراء النہر بود در تصوف بہرہ وافی داشت و بخدمت شیخ حسین خوارزمی

بیعت نموده نهم جمادی الثانی سال نهصد و هشتاد و دو هجری بمقام خان پور مضاف جونپور بملازمت جلال الدین محمد اکبر بادشاه باریاب شده رعایت بی اندازه یافت ویرا ولا قاضی خان وثانیا غازی خان خطاب دادند فصیح زبان وخوش بیان بود تصانیف معتبره دارد ازانجمله رساله در علم کلام وبیان ایمان تحقیقی وتصدیقی است وبر شرح عقائد حاشیه نوشته ودر تصوف رسائل متعدده تصنیف وتالیف کرده وی اول کسی است که سجدهٔ تحیت پیش بادشاه در فتح پور ادا نموده اعوذ بالله من شرور انفسنا وسن هفتاد سالگی سال نهصد ونود ودو هجری در اوده وفات یافت.

مولوی نعمت الله فرنگی محلی بن ملا نور الله بن ملا محمد ولی بن قاضی غلام مصطفی تحصیل علوم رسمیه بخدمت والد ماجد وعم خود ملا ظهور الله نموده در ابنای جنس سر برآورده بفنون عقلی ونقلی خصوصا در حل ریاضیات ید طولی داشت وی از بس نحیف الجثه ونازک دماغ بود با آهستگی تمام تکلم می فرمود که جلیس فرنیش سخن او بدقت می فهمید ابتدا بعهد شاهی منصب عدالت فیض آباد داشت بعده برای چندی بمقتضای اتحاد حکیم کاظم علی خان موهانی دنیز با ستدعای رئیس سمت برودہ ملک گجرات تشریف برده در سن هزار ودو صد ونود هجری جهان بے بود را پدرود فرمود رضوان الله علیه

مولوی نعیم الله بهرایچی علوی نسبا حنفی مذهبا مجددی مشربا بعد تکمیل علوم ظاهری بقصد اکتساب طریق باطن کمر همت بسته بر آستانهٔ فیض آشیانهٔ حضرت مرزا مظهر جان جانان قدس سره جبین نیاز سوده در مدت چهار سال اکتساب برکات طریقهٔ علیهٔ مظهریه نمودند وبمرتبهٔ کمال رسیده اجازت مطلقه یافته بوطن مالوف مراجعت فرمودند ورع وتوکل وقناعت شعار شان بود در بلدهٔ لکهنؤ بمحله بنگالی ٹوله برخی از ایام اقامت فرمودند ومسجدی بنا کردند وبهدایت طالبان حق می پرداختند از تالیفات ایشان کتاب معمولات مظهریه مشهور است وفات شان در بلدهٔ بهرایچ بسال دوازده صد وهفده هجری اتفاق افتاده همانجا مدفون شدند رحمة الله علیه.

مولوی نعیم الله فرنگی محلی ابن ملا حبیب الله ابن ملا محب الله فرنگی محلی برادر خورد مولوی ولی الله تحصیل کتب درسیه بتکمیل رسانیده بعده منشی گری برده در علم حساب وفرائض مهارتی کامل داشت شانزدهم شوال شب شنبه سال دوازده صد وهشتاد ودو هجری داعی اجل را

لبیک اجابت گفتہ بخلد برین شتافت مولوی لطف اللہ مادۂ تاریخ وفاتش چنین یافتہ

مصرعہ بقصر جنت الماواش دیدم

حاجی نعمت اللہ نوشہری از اولاد ملا مہدی علی کرّوی ہست شاگرد شیخ الاسلام امان اللہ شہید صاحب ورع و تقوی بود بسال یازدہ صد و ہشتاد و دو ہجری وفات یافت

مولوی نقی علیخان بریلوی ابن مولوی رضا علیخان ساکن بریلی روہیل کھنڈ غرۂ رجب سال چہل و ششم صدی سیزدہم ہجرت متولد شدہ بخدمت والد ماجد خود تعلیم و تربیت یافتہ از استفادہ علوم درسیہ فراغ حاصل کردہ ذہن ثاقب و رای صائب و ہمت خالق تعالی ویرا بعقل معاش و معاد ممتاز اقران آفریدہ بود علاوہ شجاعت جبلی بصفت سخاوت و تواضع و استغنا موصوف بود و عمر گرانمایہ خود باشاعت سنت و ازالۂ بدعت بسر بردہ اعلان مناظرۂ دینی مسمی بنام تاریخی اصلاح ذات بین بتاریخ بست و ششم شعبان سال دوازدہ صد و نود و سہ ہجری شائع فرمود و در مسئلۂ امتناع مماثلت رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم سعی موفورہ بکار بردہ کہ رسالۂ تنبیہ الجہال بآن خبر میدہد و بسال نود و چہارم صدی سیزدہم بخدمت سید آل رسول مارہروی بیعت نمودہ مثال خلافت و اجازت جمیع سلاسل جدیدہ و قدیمہ و سند حدیث حاصل کرد و بسال نود و پنجم صدی سیزدہم بزیارت حرمین شریفین شرف اندوز شدہ از سید احمد زین دحلان وغیرہ علمای مکۂ معظمہ مکرّرا علم حدیث را استناد کردہ سلخ ذیقعدہ سال نود و ہفتم صدی سیزدہم ہجرت داعی اجل را لبیک اجابت گفتہ بروضۂ رضوان پیوست روح اللہ روحہ و نور ضریحہ تصانیفہ الفائقۃ الکلام الاوضح فی تفسیر الم نشرح مجلد بیست ضخیم وسیلۃ النجاۃ در سیر سید عالم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم سرور القلوب فی ذکر المحبوب خلاصہ وسیلۃ النجاۃ است جواہر البیان فی اسرار الارکان در بیان صوم و صلوٰۃ وغیرہ ارکان دین اصول الرشاد لقمع مبانی الفساد در ابطال بدعت نجدی ہدایۃ البریہ الی الشریعۃ الاحمدیہ در رد فرق متعددہ کہ درین زمان بفساد انگریزی انگشت نما اند اذاقۃ الآثام لمانعی عمل المولد والقیام ازالۃ الاوہام بر رد فرقہ نجدیہ تزکیۃ الایقان فی رد تقویۃ الایمان فضل العلم والعلما الکواکب الزہرا فی فضائل العلم و آداب العلما الروایۃ الرویہ فی الاخلاق النبویہ النقادۃ النقویہ فی الخصائص النبویہ لمعۃ النبراس فی آداب الاکل و

اللباس[15] التمکین فی تحقیق مسائل التزئین [16]حسن الدعا لآداب الدعا [17]خیر المخاطبه فی المحاسبه والمراقبه [18]هدایة المشارق الی سیر الانفس والآفاق [19]ارشاد الاحباب الی آداب الاحتساب [20]اجمل الفکر فی مباحث الذکر [21]عین المشاهده لحسن المجاهده [22]تشوق الاواه الی طرق محبة الله [23]نهایة السعاده فی تحقیق الهمة والاراده [24]اقوی الذریعه الی تحقیق الطریقه [25]ترویج الارواح فی تفسیر سورة الانشراح

قاضی نور الله شوستری شیعی مذهب بصفت عدالت و نیک نفسی و حیا و تقوی و حلم و عفاف موصوف و بعلم و جودت فهم و حدت طبع و صفای قریحه معروف بود صاحب تصانیف لائقه از انجمله کتاب مجالس المومنین ست توقیعی بر تفسیر مهمل شیخ فیضی نوشته که از حیز تعریف و توصیف بیرون است طبع نظمی داشت بوسیله حکیم ابو الفتح بملازمت اکبر بادشاه پیوست شیخ معین قاضی لاهور که بوجه ضعف پیرانه سالی معزول شده بجایش قاضی نور الله بعهدهٔ قضاے لاهور از حضور اکبری منصوب گردید و انصرام آن عهده بدیانت و امانت کرده در سن هزار و نوزده هجری وفات یافت

اخوند نور الهدی کشمیری ابن اخوند عبد الله مقیم السنه ملقب بعلامة الوری در یازده صد و بست و نه هجری ولادت یافته از والد خود و ملا اسعد الدین صادق و شیخ رحمه الله تحصیل علوم کرده بمرتبه افادت رسید و مدام بنشر علوم و افادهٔ طلاب بسر می برد ملا مقصود و مشتو و میر نظام الدین و بابا اسد الله و ملا محمد ولی و شیخ الاسلام مولوی قوام الدین محمد وغیره علمای کشمیر از تلامذه وی بودند رحمه الله ملا عبد الله و ملا محمد انور که هر دو صاحب علم و فضیلت بودند عقب خود گذاشته بماه جمادی الثانی سال یازده صد و نود و نه هجری رحلت کرد

مولوی نور احمد بدایونی ابن مولوی محمد شفیع ابن مولوی عبد المجید بدایونی از اکابر علما و صلحای بدایون ست بسال سی و دوم صدی سیزدهم هجرت متولد شده تحصیل و تکمیل علوم عقلیه و نقلیه بخدمت مولوی فیض احمد بدایونی نموده مرید شاه عبد المجید بدایونی بود غیر از تدریس و تعلیم طلبه کاری دیگر نداشت شمار تلامذه وی بالوف رسیده باشد وی صاحب برکت بود کسیکه سبقی از وی گرفته از علم محروم نمانده امروز در بدایون و اطرافش کسی کم یافته می شود که از سلسله تلمذ وی بیرون رود بماه جمادی الاول سال دوم صدی چهاردهم هجرت بخلد برین شتافت

ادخله الله بحبوحة الجنان۔

میر نور الهدی اورنگ آبادی ابن سید قمر الدین اورنگ آبادی تاریخ هفتم ربیع الاول سال یکهزار و یکصد و پنجاه و سه هجری در اورنگ آباد متولد شده شاگرد و مرید پدر خود بعمر شانزده سالگی از تحصیل علوم درسیه فراغ حاصل کرده قرآن مجید حفظ نموده همراه پدر بزرگوار بزیارت حرمین شریفین کامیاب شده بوطن مالوف واپس آمد عمر گرانمایه بافاده و تدریس گذرانیده و بر کتاب مظهر النور مصنفهٔ والد خود شرحی نوشته سال وفاتش معلوم نیست احسن الله الیه والی والدیه

مولانا نور الحق دهلوی ابن مولانا الشیخ عبد الحق محدث دهلوی شاگرد والد خود و مرید خواجه محمد معصوم مجددی است در عهد شاهجهان بادشاه رونق بخش منصب قضای اکبرآباد بوده وی را تصانیف بسیار اند از انجمله تیسیر القاری فی شرح صحیح البخاری و شرح صحیح مسلم مشهور اند بعمر نود سالگی در سن هزار و هفتاد و سه هجری رحلت فرموده انا لله و انا الیه راجعون

ملا نور الحق فرنگی محلی خلف اکبر ملا احمد انوار الحق بن ملا احمد عبد الحق عالم ظاهر و باطن خلیفهٔ خاص والد ماجد خود بود بتدریس علوم و یاد الهی مشغول می ماند و بپاسداری خاطر بندگان خدا و انکسار نفس شهرتی داشت بست و سوم ربیع الاول شب یکشنبه سال دوازده صد و سی و هشت هجری رحلت فرموده شعرای وقت تاریخ فوتش بسلک نظم کشیدند ازان جمله بسمل گفته **قطعه** پے تاریخ ترحیلش چو بسمل ❊ و معنی بکلک فکر می سفت ❊ سروش غیب ناگه با دل زار ❊ بسوی حق برفته نور حق گفت ❊ دیگری اینچنین گفته **قطعه** آن نور که بود نور انوار ❊ در نور چو آن ظهور پیوست ❊ دل کرد خبر ز نور پاکش ❊ در جلوهٔ نور نور پیوست ❊ شاعرے دیگر گفت **قطعه** علامهٔ عصر مولوی نور الحق ❊ جانرا با جل سپرد بهیهات ایوای ❊ تاریخ وفات او نمودم مرقوم ❊ نور الانوار مرد بهیهات ایوای ❊

نور الدین محمد ترخان سفیدونی نوری تخلص جامع اقسام هندسه و ریاضی و نجوم و حکمت و کلام از جمله مصاحبان همراز نصیر الدین محمد همایون شاه بود بذل وجود و نثار و ایثار و خوش صحبتی داشت بنابران بخطاب ترخان مفاخرت یافت در اشعار دیوانی ترتیب داده چونکه جاگیر دار پرگنه سفیدون از توابع سرهند بود لهذا وی را سفیدونی می گفتند و در اوائل عهد

جلال الدین محمد اکبر شاہ سال نہصد و ہفتاد و شش ہجری جوی آبی از دریای جمن کندہ زائد از پنجاہ کروہ بجانب کرنال بردہ کہ مردم ازان آب زراعت کردند و باعث رفاہ عامہ رعایا گردید چون آن نہر بقرب ہمان ایام کہ شاہزادہ سلیم بجانب شیخ سلیم چشتی تولد یافتہ باتمام رسیدہ و اکبر شاہ شاہزادہ سلیم را شیخو بابا میگفت آن نہر را باسم شیخونی موسوم کردند کہ ازان سال اتمامش نیز می آید و نی بکسر نون و یای شناۃ تحتانی معروف بزبان ہندی جوی را گویند زمانیکہ اکبر شاہ بر سر حکیم مرزا در سن نہصد و ہشتاد و نہ ہجری لشکر کشید خان مذکور تخلف نمودہ از پنجاب بازگشتہ بجاگیر خود رفت این معنی موجب بدگمانی بر و شد بعد از مراجعت بفتح پور رسیدہ وی را بپای حساب کتاب کشیدہ چند سال آزارش کردند آخر شکستگی تمام از روزگار نادرست بحال و راہ یافتہ چون اکبر شاہ بسال نہصد و نود و چہار ہجری جانب اٹک تشریف فرما شد وی را بتولیت مقبرہ ہمایون نامزد فرمود

ہمانجا بہمان سال وفات یافت

مولانا شیخ نور الدین احمد آبادی گجراتی ابن حاج الحرمین الشریفین شیخ محمد قدس سرہما

ولادت ایشان دہم جمادی الاولی سال یکہزار و شصت و سہ ہجری وقوع یافتہ از بدو فطرت و اصل جبلت داعیۂ خدا طلبی و طلب علمی در سر داشتہ چنانچہ کتاب گلستان سعدی علیہ الرحمۃ در صغر سن بامعانی پیش والدہ ماجدہ خود در ہفت روز خواندہ بود و تحصیل اکثر علوم ظاہری از اخوند مولانا احمد بن اخوند مولانا سلیمان نمودہ و علم باطنی و قرأت و حدیث در خدمت سید محمد ابوالمجد محبوب عالم باتمام رسانیدہ خلافت و ارادت سلسلۂ سہروردیہ و جمیع سلاسل از آنجناب داشتند و در علم عربیت یگانۂ آفاق بودند شہرۂ علم مولانا در تمام اطراف و اکناف عالم رسیدہ مردمان دور و نزدیک از اطراف رسیدہ در مدرسۂ موسومۂ ہدایت بخش سکونت ورزیدہ تحصیل علم از مولانا مے نمودند و فراخور خود موظف مے بودند ہزارہا مردم از صحبت کثیر البرکت ایشان بمرتبۂ کمال رسیدند بالجملہ ذات شریفش نمونۂ بزرگان پیشین بود علاوہ اوراد و وظائف مقررہ روزانہ یک ختم قرآن مجید میکردند و ہر شب دو بار صلوۃ اللیل میگذاردند و ہر بار کہ پہلو میگردانیدند ہزار بار درود شریف مے خواندند و از عمر پانزدہ سالگی تا آخر اربعین اعتکاف فوت نشدہ در ہزار و چہل و سہ ہجری بزیارت حرمین شریفین زادہما اللہ شرفًا

وتعظیماً مشرف شده بوطن خود مراجعت نمودند چون عمر گرامی بنود و یک سال کامل رسیده
بنصف النهار یوم سه شنبه نهم شعبان سال هزار و یکصد و پنجاه و پنج هجری بوصال ذو الجلال
پیوستند و بخانقاه خود متصل بمدرسهٔ هدایت بخش زیر زمین آسوده‌اند اعظم الاقطاب تاریخ وفاتش
یافته‌اند نور الله مرقده تصانیف و تالیف در هر علم دارند که شمارش یکصد و هفتاد و چند کتب
رسیده از انجمله تفسیر مختصر کلام الله و التفسیر النورانی للسبع المثانی دوازده هزار بیت و تفسیر
سورهٔ بقر مسمی به تفسیر ربانی سی هزار بیت و حاشیه بر اوایل تفسیر بیضاوی و نور القاری شرح صحیح
بخاری و حاشیه قدیمه بر حاشیه قدیمه و حاشیه شرح مواقف و حل المعاقد لحاشیه شرح المقاصد و
حاشیه شرح مطالع و حاشیه تلویح و حاشیه عضدی و معول حاشیه مطول و حاشیه شرح وقایه
و حاشیه شرح ملای جامی بر کافیه و حاشیه منهل و حاشیه شمسیه در منطق و حاشیه تهذیب المنطق
و طریق الامم شرح فصوص الحکم لابن العربی مدرسه هدایت بخش محمد اکرم الدین مخاطب
شیخ الاسلام خان صدر صوبهٔ احمد آباد که مرید و شاگرد مولانا بود بصرف یک لک و چند هزار روپیه
برای مولانا موصوف در سن یکهزار و یکصد و دو هجری بنا نهاده و در سال یکهزار و یکصد و نه هجری تمام رسید

شیخ نور الدین رفیقی کشمیری ابن عبد الله بن مصطفی رفیقی کشمیری بسال دوازده صد و بست
و پنج هجری متولد شده و از عم زاده خود شیخ طیب بن احمد بن مصطفی علوم معارف اخذ کرده و
اکتساب دیگر علوم متعارفه بخدمت مولوی محمد حسن بن نظام الدین نموده و باکثر بلاد سیر و
سیاحت کرده بصحبت مشائخ وقت رسیده مستفید گشت و تمام عمر مجرد ماند و طبع موزون
داشت اشعار لطیفه و ابیات نفیسه از و یادگار اند نهم رجب سال دوازده صد و هفتاد
و هشت هجری رحلت کرد

ملا نور محمد کشمیری المشهور به بابا نپلو شاگرد ملا عبد الستار کشمیری بود و در دهلی از مولوی
حسام الدین محمد و قاضی مستعد خان و قاضی مبارک تحصیل علوم کرده بکشمیر آمده بافاده و افاضه
طلبه علوم بسر می برد بر مطول و خیالی تعلیقات نوشته چهارم ربیع الاول سال یازده صد و
نود و پنج هجری رحلت فرموده در مقبرهٔ داتل گنج بخش واقع کشمیر مدفون گشت

حرف الواوٌ

مولوی وارث علی سندیلی ابن شاہ امین اللہ بن شاہ وصف اللہ بن مولوی فضل اللہ
بن شاہ غلام علاء الدین مخدوم زادہ سندیلہ بسال دوازدہ صد و چہار ہجری متولد شدہ ابتدائے
از مولوی احمد بخش سندیلی تعلیم نمودہ زان بعد بخدمت مولوی نور الحق لکھنوی و مولوی سراج الحق
لکھنوی و مولوی جعفر علی ساکن کسمنڈی و مولوی مظہر علی سوداگر لکھنوی و حکیم فرزند حسین
فرخ آبادی تلمذ کردہ بہرہ وافی برداشت و بتدریس طلبہ و مطب مرضی کوشش بلیغ داشت
مرید و خلیفہ جد خود و سجادہ نشین درگاہ مخدوم صاحب بود دہم رمضان سال دوازدہ صد و
چہل و ہفت ہجری رحلت فرمودہ اندرون احاطہ درگاہ مخدوم صاحب واقع قصبہ سندیلہ بخاک سپردند
شیخ وجیہ الدین علوی گجراتی بماہ محرم نہصد و یازدہ ہجری در چاپانیر مضاف گجرات
متولد شدہ اکتساب علوم ظاہری بخدمت ملا عماد طارمی کردہ بحلقہ ارادت شیخ قاضن در آمدہ
جامع کمالات ظاہر و باطن گردید حق سبحانہ و تعالیٰ ویرا مظہر اسم شافی گردانیدہ بود ہر روز جمعے
کثیر و جمی غفیر مرضی باستانۂ او آمدہ التماس دعا می نمودند و اثر آن زودی یافتند بالجملہ خلائق را
پیوستہ از انفاس متبرکۂ او فیض میرسید و منزل او مقصد اقصی اکابر و اخیار روزگار بود با این ہمہ
مداومت تدریس و شغل زمام تصنیف از دست نمی داد و در وضع و لباس امتیاز از احاد الناس
نداشتہ بجامہ درشت اکتفا میکرد و ہرچہ از فتوحات بدو میرسید بذل و ایثار می نمود چون بعہد
سلطان محمود گجراتی شیخ محمد غوث گوالیاری مصنف جواہر خمسہ بگجرات وارد شدہ شیخ علی متقی
کہ از مشائخ کبار و علمای بزرگوار آن دیار بود فتوی بقتل شیخ محمد غوث نوشت سلطان محمود
گجراتی نفاذ آن موقوف بر امضای شیخ وجیہ الدین فرمودہ شیخ وجیہ الدین گفت تا کلام او را نہ بینم
در باب این فتوی حرفی نزنم ہرگاہ شیخ وجیہ الدین با شیخ محمد غوث دوچار شدہ فریفتۂ شیفتۂ
جمال کمالش گردید و استفتا را پارہ پارہ کرد و شیخ محمد غوث از ان مہلکہ نجات یافتہ مرجع انام و
معتقد علیہ حکام آن دیار گشت شیخ وجیہ الدین تاریخ بست و نہم صفر روز یکشنبہ سن نہصد و
نود و ہشت ہجری رحلت فرمودہ با حمد آباد گجرات مدفون گردید در آیہ کریمہ ولہم جنات
الفردوس نزلاً تاریخ فوتش یافتہ **تصانیفہ العالیہ** حاشیہ تفسیر بیضاوی شرح نخبہ در اصول

حدیث۔ شرح عضدی۔ حاشیہ تلویح۔ حاشیہ بزدوی۔ حاشیہ ہدایت الفقہ۔ حاشیہ شرح وقایہ
حاشیہ مطول۔ حاشیہ مختصر۔ حاشیہ تجرید۔ حاشیہ اصفہانی۔ حاشیہ شرح عقاید تفتازانی۔ حاشیہ بر حاشیہ
قدیمہ محقق دوانی۔ حاشیہ شرح مواقف۔ حاشیہ شرح چغمنی۔ شرح تحفہ شاہیہ۔ شرح رسالہ
ملا علی قوشجی۔ حاشیہ فواید ضیائیہ۔ شرح ارشاد قاضی شہاب الدین دولت آبادی۔ شرح
ابیات منہل۔ شرح جام جہان نما در تصوف۔ شرح کلید مخازن۔ رسالہ حقیقۃ محمدیہ صلعم۔ جاپانیر
بجیم مجمہ عربی وبای فارسی مفتوحہ بین الفین وکسر نون ویای تحتانی مجہول ودر آخر رای مہملہ
شہریست از بلاد گجرات دکن۔

مولانا وجیہ الدین پائلی دانشمند متبحر واستاد وقت در زہد وورع ممتاز بود ودر آخر مرید
شیخ نظام الدین اولیا قدس سرہ شد وکمال اعتقاد باو داشت قبرش بر سر حوض شمسی در دہلی
است بحظیرہ قاضی کمال الدین حیدرخان وقتلغ خان کہ نسبت تلمذ بمولانا داشتند رحمۃ اللہ علیہ

مولوی وزیر علی سندیلی ابن مولوی انور علی ابن مولوی اکبر علی ابن مولوی حمد اللہ سندیلی
بمقام کلکتہ تحصیل علوم خصوصاً ادب عربی را کما حقہ بتکمیل رسانیدہ دستگاہی پیدا کرد وچند دیوان
اشعار عربی دارد بمدرسہ کلکتہ دو صد وپنجاہ روپیہ مشاہرہ مے یافت وندرس بود بزمانیکہ نصیر الدین
حیدر فرمان روای لکھنو بود بکلکتہ رحلت نمود

سید شاہ ولی ٹھٹوی ابن سید ابو القاسم متصف بصفات بزرگی در فضیلت وحالت
نیک شاگرد مخدوم رحمت اللہ ٹھٹوی بود ورا املا وانشا وشعر طبع صافی وکافی داشت از نتایج
طبع وقادش نسخہ جامع تحفۃ المجالس متضمن چند علوم یادگار ست در ہزار ویک صد وپنجاہ
ہجری بموضع جگت پور در گذشت

مولانا شاہ ولی اللہ دہلوی نام نامیش ولقب گرامیش ولی اللہ بن عبد الرحیم العمری الحنفی
النقشبندی المحدث الدہلوی بروز چہار شنبہ وقت طلوع آفتاب تاریخ چہارم شوال سال
یازدہ صد وچہاردہ ہجری متولد شدہ اسم تاریخی وی عظیم الدین قرار دادہ اند لاکن اعدادش
یازدہ صد ویازدہ می شوند بہ پنج سالگی بمکتب نشین شدہ بہفت سالگی قرآن شریف ختم نمود
ہمین سال والد ماجدش ویرا بنماز ایستادہ کرد وبصوم رمضان امر فرمود وباجملہ کتب فارسیہ

ومختصرات عربیہ خواند وبعمرده سالگی شرح جامی آغاز کرده ودر چہارده سالگی مشروح شده وبہ پانزده سالگی شرف بیعت بسلسلۂ نقشبندیہ وخرقہ صوفیہ صافیہ وفراغ علمی از خدمت والد ما جد یافتہ مجاز درس گردید والد ماجدش بدین تقریب سامان ضیافت ہر خاص وعام اہل اسلام نموده طعام بسیر چشمی تمام خورانید وہفده سالگی وی والد بزرگوارش ازین جہان رحلت فرمود بعد وفاتش سالی چند بدرس وارشاد بسر برد کہ فضائل ظاہر وباطن ویرا دست داد وطریق فقہای محدثین اختیار فرموده ودرسن یازده صد وچہل وسہ ہجری بزیارت حرمین شریفین مشرف شده زمانی دران دیار فیض آثار رخت اقامت انداختہ از تلمذ شیخ ابوطاہر مدنی وغیره علما ومشائخ حرمین شریفین حظی وافر برداشتہ ودر سال یازده صد وچہل وپنج ہجری بعد ادای مناسک حج از خیر البلدان ہندوستان مراجعت فرمود وبہدایت وارشاد خلائق شبا روزی خود صرف می نمود کہ در سال یازده صد وہفتاد وشش ہجری چار فرزند ارجمند کہ ہر یکی لولد سرآمد بود در عقب خود گذاشتہ رحلت فرمود رحمۃ اللہ علیہ وعلی اسلافہ

اولاده العظام مولانا شاه عبد العزیز مولانا رفیع الدین مولانا عبد القادر مولانا عبد الغنی قدس اللہ اسرارہم **تصانیفہ الشریفہ** فتح الرحمن ترجمہ فارسی قرآن۔ الفوز الکبیر فی اصول التفسیر المسوی شرح الموطا عربی۔ المصفی شرح الموطا فارسی۔ القول الجمیل فیوض الحرمین۔ انسان العین فی مشائخ الحرمین۔ عقد الجید فی احکام الاجتہاد والتقلید۔ ہمعات۔ الطاف القدس۔ مقالہ وضیہ فی النصیحہ والوصیۃ۔ الانصاف فی بیان سبب الاختلاف۔ لمعات۔ سطعات۔ المقدمۃ السنیہ فی انتصار الفرقۃ السنیہ۔ انفاس العارفین۔ شفاء القلوب۔ قرۃ العینین فی تفضیل الشیخین۔ البدور البازغہ۔ زہراوین۔ الخیر الکثیر۔ الانتباه۔ الدر الثمین۔ حجۃ اللہ البالغہ ازالۃ الخفا عن خلافۃ الخلفا۔ تفہیمات۔ الجزء اللطیف فی ترجمۃ العبد الضعیف۔ وصیت نامہ۔ رسالہ دانشمندی۔ الفتح الخبیر فیما لا بد من حفظہ فی علم التفسیر۔ سرور المحزون۔ مکتوبات المعارف الاعتقاد الصحیح وغیرہا۔ وی رحمۃ اللہ علیہ در رسالہ دانشمندی استناد علم خود باین عبارت تحریر فرمود اما بعد فقیر ولی اللہ ابن عبد الرحیم فن دانشمندی از والد خود کسب نموده والیشان از میر محمد زاہد بن قاضی اسلم ہروی والیشان از ملا محمد فاضل والیشان از میرزا جان والیشان از

ملا محمود مشهور یوسف کوسج شیرازی و ایشان از ملا جلال الدین دوانی و ایشان از والد خود ملا
اسعد بن عبد الرحیم و از ملا مظهر الدین گازرونی و ایشان هر دو از ملا سعد الدین تفتازانی
و از سید شریف جرجانی و ایشان از قطب الدین رازی و ایشان و ملا سعد الدین تفتازانی هر دو
از قاضی عضد و ایشان از ملا زین الدین و ایشان از قاضی بیضاوی و ایشان را سند پیوست
تا ابو الحسن اشعری در کتب تواریخ مشهور و معروف انتهی بلفظه

مولوی ولی اللہ برہانپوری ابن مولوی غلام محمد ابتدا اکتساب علوم متعارفه از
والد ماجد خود کرده و استناد کتب احادیث بمکه معظمه از شیخ ابو الحسن آفندی محدث نموده باز بوطن
خود برہانپور معاودت نموده تا حیات والد ہمدر انجا بتدریس و افاده طلاب مشغول بوده بعد
وفات پدر به بندر سورت قدم رنجه فرموده متوطن گشت و بافاده طالبین عمر گرانمایه صرف
کرده در سن دوازده صد و ہفت ہجری رحلت فرموده بمحله سید پور محلات بلده سورت
صورت تدفین یافت

مولوی ولی اللہ فرخ آبادی ابن سید احمد علی عالم باعمل و فاضل اجل تفسیر نظم الجواہر در
سال دوازده صد و سی و شش ہجری تصنیف فرموده فی الحقیقه نظم جواہر است و از نامش
تاریخ تصنیف مفہوم می شود بسال چهل و نهم صدی سیزدہم رحلت فرمود برد اللہ مضجعه

مولوی ولی اللہ لکھنوی ابن ملا حبیب اللہ ابن ملا محب اللہ فرنگی محلی مختصرات بخدمت
والد ماجد خودش و از متوسطات تا مسلم الثبوت از عم بزرگوار ملا محمد مبین تحصیل نموده بعد فراغ
از تحصیل تکمیل و تحقیق سعی بلیغ بکار برده عمر گرانمایه بتدریس طلبه علوم بسر برده که عالمے از و
فیضیاب شده می جامع علوم عقلی و نقلی و حاوی فنون فرعی و اصلی بود تصانیف کثیره لائقه
از و یادگار اند و ہم صفر سال دوازده صد و ہفتاد ہجری از دار فانی بعالم جاودانی بعمر ہشتاد و
ہشت سالگی رحلت فرمود حکیم ظهیر الدین تخلص جواد فتحپوری تاریخ وفاتش چنین گفته
؎ کز وفاتش شد بی سر و پا ٭ ورع و شرع و فضل و علم و عمل ٭ تصانیفه نفائس الملکوت شرح
مسلم الثبوت - تفسیر معدن الجواہر - حاشیه ہدایة الفقه بر عبادات و معاملات - حاشیه
بر حاشیه کمالیه شرح عقاید جلالیه - حواشی زواہد ثلثه - حاشیه صدرا - شرح غایة العلوم و علاج العلوم

تذکرة المیزان. تکملہ شرح سلم ملا احمد عبد الحق. تکملہ شرح سلم ملا حسن. رسالہ تشکیک. کشف الاسرار
فی خصائص سید الابرار. مرآة المومنین وتنبیہ الغافلین فی مناقب آل سید المرسلین
آداب السلاطین. رسالہ عمدة الوسائل. رسالہ اغصان اربعہ

حافظ ولی اللہ لاہوری دانشمند متبحر فقیہ ومناظر واعظ معتبر در رد عقاید نصاری ید طولی داشت
علوم متداولہ از مولوی غلام رسول قلعہ والا ومولوی نور احمد ساکن کہای کوٹلی ومولوی احمد الدین
بگوی حاصل کردہ مرجع مستفتیان لاہور بود در جامع مسجد لاہور ہر آدینہ وعظ میگفت مباحثہ دینی
وصیانة الانسان من وسوسة الشیطان وابحاث ضروری از تصانیف وی یادگار اند بروز جمعہ
وقت ظہر بست وچہارم جمادی الاولی سال دوازدہ صد ونود وشش ہجری بمرض اسہال رحلت فرمود

حرف الہاء

ہمایون شاہ نامش نصیر الدین محمد بن بابر پادشاہ موسس بنیان سلطنة تیموریہ در ہندوستان
پادشاہی بود بہ ملکی ملکات پیراستہ وبجمیع فضائل وکمالات صوری ومعنوی آراستہ ودر علوم
ہیأت ونجوم وسائر علوم عربیہ بی نظیر ومربی اہل فضل وکمال ومرجع اہل تقوی وصلاح یکدم
بی وضو نبودی ونام خدا ورسول صلعم بی طہارت بر زبان نراندی وفحش ودشنام بر زبانش
نگذشتی وبحالت نہایت خشم معتوب را گفتن ای سفیہ کفایت کردی در خانہ ومسجد ہرگز بہ نہادن
پای چپ سبقت نکردی حیا ومروت تمام داشت الغرض تاریخ ہفتم ربیع الاول سال نہصد و
شصت وسہ ہجری شاہ دین پناہ بالای بام کتب خانہ برآمد ودر عین فرود آمدن موذن بانگ
نماز بر زد بجہت تعظیم اذان بادشاہ بہ نشست وبوقت برخاستن عصا خطا کردہ پائش بلغزید
واز چند زینہ باغلطیدہ بزمین افتاد وبپانزدہم ماہ مذکور این عالم بیوفا را پدرود فرمود مولانا قاسم
کاہی تاریخ رحلتش چنین گفتہ **قطعہ** ہمایون بادشاہی ملک معنی ۔ ندارد کس چو او شاہنشہی یاد ۔
زبام قصر خود افتاد ناگہ ۔ وزان عمر عزیزش رفت بر باد ۔ پی تاریخ او کاہی رقم زد ۔ ہمایون پادشاہ
از بام افتاد ۔ سنین عمرش پنجاہ ویک سال ومدت سلطنت بست وپنج سال وکسری بود
انار اللہ مرقدہ ۔

حاجی ہاشم سندھی ولد عبد الغفور شاگرد مخدوم ضیاء الدین اقدم واشہر علما برآمدہ بر اکثر علما

باقبال ونسق فائق گردیده هرچند بعلمای عصر مثل مخدوم محمد معین وغیره درمخالفت میرزا ما در تقویت دین سنت وجماعت واحیای سنن نادره زمان بود کارهای قوی که موجب پشتی دین مبین باشد در زمانش لبعی جسته لله بانجاح میرسید بر مشرکین ومعاندین عملش خوب جریانی داشت بزبانش صدها مردم از گروه ذمیان بشرف ایمان رسیدند و با سلاطین وقت مثل نادر شاه واحمد شاه راه رسل رسائل مفتوح داشته احکام تقویت دین باستدعائش حسب دلخواه میرسیدند وحسن نفاذمی یافتند بالجمله ذاتش از مغتنمات بود در هر علوم تصانیف کثیره دارد

بسال هزار وصد وهفتاد وچهار هجری جهان فانی را پدرود فرمود

مولوی هادیعلی لکهنوی ابن شیخ حسین علی ولد شیخ حبیب الدین خلف شیخ غلام قادر از شیوخ لکهنو که به بجنوریان شهرت دارند ذهین وذکی بغایت فارغ التحصیل بود بکار تصحیح کتب در مطابع لکهنو امتیازی وافر داشت نسخه گهر منظوم که اسم تاریخی است در بیان خواص ابواب صرفیه ودیگر رسائل از تالیف اوست در سال شصت وچهارم صدی سیزدهم هجری جامع الاوراق بخدمتش رسیده رساله فوائد جلالیه منظومه خود پیش کرد مستحسن افتاد

حرف الیاء التحتانیه

سید یاسین گجراتی از بنی اعمام سید شاه میر اکثر کتب متداوله در گجرات بخدمت میان وجیه الدین خوانده مرید شان گشت وبزیارت حج اسلام مشرف گردید وعلم حدیث در انجا حاصل کرد واجازت یافت وبازگشته بهندوستان آمد وچندگاه در لاهور ماند لیس لبس هند در لباس مشیخت گذرانیده خادمان کبودپوش خود را تربیت میکرد وباز بجانب بنگاله رفته

مولانا یعقوب شافعی سنجری جامع معقول ومنقول صاحب تصانیف بود از ولایت سنجر همراه الف خان سنجر در نهرواله گجرات تشریف آورده متوطن شد تفصیل این اجمال آنکه چون سلطان سنجر الف خان سنجر را با هفتاد هزار سوار وپیاده برای تسخیر پتن نهرواله در زمان حکومت راجه بیردهول باگهیله فرستاد تا مدت پنج سال ویازده ماه مقابله ومحاصره با او ماند الف خان درین مدت مقابل قلعه ارک مسجد سنگین ساخت هنوز کار باتمام نرسیده بود که خبر وفات سلطان سنجر رسید الف خان از راجه مبلغها گرفته بولایت خویش مراجعت نمود

مولانا یعقوب کہ ہمراہ الف خان تشریف آوردہ بودند ہمیشہ درین مسجد درس مے فرمودند
الف خان وقت رخصت دہ ہزار تنگہ بخدمت مولانا گذرانید واین مسجد نیف در سال
ششصد و پنجاہ و پنج ہجری بماہ ذیقعدہ اتمام یافت

مولانا یعقوب پٹنی بن خواجگی علوی مرید و خلیفہ قاضی زین الدین دولت آبادی چشتی
بود کسب علوم ظاہر و باطن نمودہ و از برکت شیخ رجب فیض حاصل کردہ بتاریخ سیزدہم
جمادی الثانی سال ہشتصد ہجری رحلت فرمود۔

قاضی یعقوب مانک پوری خویش قاضی فضیلت علم فقہ واصول فقہ را خوب میدانست
خوش طبع و شگفتہ بود اشعار عربی در ہجو ہندی میگفت کہ خالی از مضحکہ نبود در عہد محمد اکبر بادشاہ
قاضی القضاۃ ہند بود بعدہ علی سبیل التنزل بمنصب قضای بنگالہ مامور شدہ در مخالفت
با معصوم کابلی شریک بودہ بدین وجہ او را از بنگالہ طلبیدہ حکم حبس قلعہ گوالیار صادر شد
در اثنای راہ گوالیار فوت گردید۔

شیخ یعقوب صرفی تخلص کشمیری خلف شیخ حسن گنای عاصمی از اکابر کشمیر بود در سن
نہصد و ہفتاد و ہشت ہجری ولادت یافتہ در حداثت سن آثار فطانت و تیز فہمی و بزرگی از
پیشانی اوظاہر بود در ہفت سالگی فضیلت حفظ قرآن مجید دریافتہ علوم متعارفہ بخدمت
مولانا محمد شاہ آنی تلمیذ مولانا عبدالرحمٰن جامی و نیز بخدمت ملا نصیر اکتساب نمودہ و بزیارت
حرمین شریفین شرف اندوز شدہ از شیخ حسین خوارزمی تعلیم باطن و سند حدیث از شیخ
ابن حجر مکی گرفتہ و در لباس سیاحت سفرہا کردہ واکثری از عظمای مشائخ عرب و عجم را ملازمت
نمودہ فوائد کثیر اندوختہ رخصت ارشاد و ہدایت یافت مریدان وی بسیار بودند شب پنجشنبہ
دوازدہم ذیقعدہ سال یکہزار و سہ ہجری رحلت فرمود تصانیفہ تفسیر قرآن مجید ناتمام۔
مسلک الاخیار۔ مثنوی وامق وعذرا۔ مثنوی لیلیٰ مجنون۔ مغازی النبوت۔ مقامات مرشد۔
این ہر پنج کتب مقابل خمسہ مولانا جامی گفتہ۔ مناسک حج۔ شرح صحیح بخاری۔ حاشیہ توضیح
تلویح۔ حاشیہ روایح۔ حاشیہ رباعیات۔ رسالہ اذکار وغیرہا

مفتی یعقوب علی ساکن راجمندری ابن مولوی فضل علی خان در سن دوازدہ

صد و ہفت ہجری متولد شده بخدمت قاضی ارتضا علی خان و مولوی تراب علی خیرآبادی
علوم معقول و منقول اخذ کرده چندی بعهده افتا از سرکار انگلشیه نامور بود بعده ترک ملازمت
نموده بشهر راجمندری محروسه مدراس متوطن شده بافاده طلبه علوم می پرداخت اکثری از طلبه
مدراس بفیوض وی مستفیض شدند بهفتم رمضان سن دوازده صد و ہشتاد و سه ہجری وفات
یافته ببلده راجمندری مدفون گردید۔

شیخ یوسف دہلوی خلیفه شیخ نصیر الدین محمود چراغ دہلی عالم ربانی و ماہر حدیث و تفسیر
قرآنی بود کتابے موسوم به تحفة النصایح مشتمل بر احکام فرائض و سنن و آداب نظم کرده که حرف
روی او رای مهمله است بسال ہفتصد و ہفتاد و چہار ہجری وفات یافته غریق رحمت گشت

سید یوسف ملتانی ابن سید جمال حسینی جامع معقول و منقول شاگرد مولانا جلال الدین
رومی یکی از اجداد وی از مشهد بملتان آمده متوطن شد وی در عهد سلطان فیروز بلباس سپاہیا
از ملتان بدہلی قدوم آورده سلطان مذکور قابلیت و استعداد او ملاحظه کرده وی را مدرس
مدرسه خود که بر حوض تعمیر کرده بود مقرر ساخت وی تا چندسال بر مسند درس و افاده متمکن
بوده عوام و خواص را مستفید گردانید و بر لب الالباب فی علم الاعراب مصنفهٔ قاضی
ناصر الدین بیضاوی که متنی است بس متین در نحو شرحی بسیط بنام یوسفی نوشته و توجیه الکلام
شرح منار در علم اصول ہم از تصانیف وی است بسال ہفتصد و نود ہجری وفات یافته
بر حوض مذکور مدفون گشت

شیخ یوسف بده ایرجی آبای کرام وی از خوارزم بوسائط بعض حوادث روزگار
بممالک ہندوستان آمده در خطه ایرج متوطن شده بودند وی شاگرد و مرید و خلیفه خواجه اختیار الدین
است و از خدمت سید جلال بخاری و شیخ راجو قتال نیز به نعمت خلافت و اجازت مشرف
گشته وی تالیفات انیقه مثل ترجمه منهاج العابدین مؤلفه غزالی و اشعار نیز دارد صاحب
تاریخ محمدی که از مریدان اوست می نویسد که روزی در خانقاه خود سماع می کرد ہم دران
حالت جان بحق تسلیم نمود این واقعه در سن ہشتصد و سی و چہار ہجری بوقوع پیوسته
در صحن خانقاه خود مدفون گشت سلطان علاء الدین ہندوی گنبدی عالی بر مرقدش

تعمیر کردہ رحمۃ اللہ علیہ

مفتی یوسف چچک کشمیری در نقاہت بی ہمتا بود کہ ملا فاضل و ملا عبد الرزاق کشامیر بکمال و ے مقر بودند و بی اکثر بخدمت خواجہ محمود کشمیری حاضر آمدہ دقایق فقہ و تفسیر حل می کرد

خاتمۃ الکتاب

در اسماے کتب ماخذ کتاب ہذا و اسماے معاونین شکر اللہ سعیہم و احوال مؤلف

الکتب الماخذ

سبحۃ المرجان فی آثار ہندوستان مصنفہ حسان الہند سید غلام علی آزاد بلگرامی منتخب التواریخ ملا عبد القادر بدایونی اخبار الاخیار شیخ عبد الحق محدث دہلوی تاریخ جدولیہ منشی خادم علی سندیلی مفتاح التواریخ مسٹر بیل انگریز حدیقۃ الاقالیم اللہ یار عثمانی بلگرامی طبقات اکبری ملا نظام الدین احمد ہروی تاریخ فرشتہ محمد قاسم ہندو شاہ خزانہ عامرہ غلام علی آزاد بلگرامی طرب الاماثل فی تراجم الافاضل مولوی عبد الحی لکھنوی الاغصان الاربعۃ مولوی ولی اللہ لکھنوی آمد نامہ مولوی فضل امام خیر آبادی خزینۃ الاصفیا مفتی غلام سرور لاہوری تاریخ الاولیا مولوی سید اشرف علی عرف مفتی عبد الفتاح ساکن گلشن آباد ناسک سفینۃ الاولیا سلطان دارا شکوہ گورگانے گنج تاریخ مفتی غلام سرور لاہوری تاریخ فیروز شاہی خواجہ ضیاء الدین برنی مسودہ مولوی محمد اشرف لکھنوی از کتب خانہ حافظ محمد شوکت علی رئیس سندیلہ ابجد العلوم مولوی سید صدیق حسن خان قنوجی بھوپالی تذکرۃ الکرام ابو الحسنات پھلواروی بحر زخار مولوی وجیہ الدین لکھنوی تذکرۃ الاصفیا شیخ رحمت اللہ عرف شیخ بری لکھنوی القول الجلی فی تذکرۃ المولوی سخاوت علی مؤلفہ مولوی محمد محفوظ ساکن بلیا حسرت العالم فی وفات مرجع العالم مؤلفہ مولوی عبد الحی لکھنوی کنز البرکات ملوٰنا ابی الحسنات مؤلفہ مولوی حفیظ اللہ اعظم گڈھی سیر المتاخرین غلام حسین طباطبائی حسنی حدائق الحنفیہ مولوی فقیر محمد جہلمی لاہوری واقعات کشمیر المعروف بتاریخ اعظمی مؤلفہ خواجہ محمد اعظم ابن خیر الزمان انوار الصفی مولوی حسین علی ردولوی آئینہ اودھ مؤلفہ سید شاہ ابو الحسن مانک پوری ہدیہ مہدویہ مؤلفہ مولوی محمد زمان خان شاہجہان پوری نجوم السماء فی تراجم العلماء از اہل تشیع انموذج الکمال و مطارح الاذکیا مصنفہ مولوی سید احسن خان

کاکوروی عماد السعادت الجزء اللطیف فی ترجمۃ العبد الضعیف مصنفۂ شاہ ولی اللہ دہلوی
القول الجلی بذکر آثار الولی مؤلفہ شیخ محمد عاشق بارہوی مرآت احمدی تاریخ گجرات تحفۃ الکرام تاریخ سندھ

اسمای گرامی کسانیکہ حین تالیف کتاب بذریعۂ مراسلات ہم افادہ و امداد فرمودند شکر اللہ سعیہم

مولوی حافظ محمد شوکت علی رئیس اعظم قصبہ سندیلہ ضلع ہردوئی ۔ مفتی سید عبد الفتاح عرف مولوی اشرف علی ساکن گلشن آباد ناسک ۔ مولوی محمد ادریس نگرامی ۔ مولوی شاہ عبد القادر بن شاہ فضل رسول بدایونی ۔ مولوی محمد نعیم ابن مولانا عبد الحکیم فرنگی محلی ۔ مولوی عبد الباقی فرنگی محلی ۔ مولوی محمد شبلی ابن مولانا سخاوت علی جونپوری ۔ سید شاہ ابو البرکات چشتی بہاری ۔ مولوی حافظ عبد الکافی احمد آبادی ۔ مولوی سید شاہ صدر الدین کاظمی کرڑی احمد آبادی ۔ مولوی محمد فاروق عباسی چڑیاکوٹی ۔ مولوی سید محمد عبد الحی ابن مولوی سید فخر الدین احمد ساکن تکیہ رای بریلی
مولوی شاہ محمد عادل شاگرد و جانشین مولانا محمد سلامت اللہ

احوال مؤلف

احب الصالحین ولست منہم | لعل اللہ یرزقنی صلاحا

فقیر حقیر راچہ یارا کہ از صف نعال ارباب علم تجاوز کردہ بہ پہلوی علما و فضلا نشیند و خود را در جرگۂ مؤلفین و مصنفین برگزیند لیکن با امتثال اما بنعمۃ ربک فحدث تحریک قلم ژولیدہ نگار لازم آمد پس مخفی مباد کہ مؤلف اوراق محمد عبد الشکور عرف رحمان علی تجاوز اللہ عنہ ذنبہ الخفی والجلی بن حکیم الحکما حکیم شبیر علی غفر اللہ لہ بروز جمعہ دوم ذی الحجہ سال چہل و چہارم از صدی سیزدہم ہجرت (۱۲۴۴) از کتم عدم بعرصۂ وجود قدم نہادہ و بکنار رافت والد غفران مآب پرورش یافتہ بعد رسم تسمیہ خوانی کہ معمول مسلمانان ہندوستان است قرآن مجید ناظرانہ خواندہ کتب ابتدای فارسی آغاز کردہ تا نصاب ابو النصر فراہی رسیدہ بود کہ سایۂ پدری از سرش رفت حکیم احسان علی خان کہ از برادران اعیانی کلان تر بودند بہ تربیت و تادیب من ہیچکارہ آمادہ شدہ بفتح پور مقر خود بردند در آنجا از ضروریات فارسی فارغ گشتہ بخدمت مولانا محمد شکور مچھلی شہرے صدر الصدور ضلع فتحپور و مولانا ثابت علی ہنکوی و مولوی سید حسین علی فتحپوری و مولانا عبد اللہ زید پوری و مولانا شاہ محمد سلامت اللہ بدایونی کانپوری و مولانا قاری عبد الرحمن پانی پتی استفادہ

کتب درسیہ نمودہ تاریخ بستم ربیع الثانی سال دوازدہ صد و شصت و ہفت ہجری بہ سنگرہی
برادر کلان خود مولوی حکیم امان علی خان مرحوم بریاست ریوان رسید چون بدربار باپو رگھوراج سنگھ
خلف الصدق و ولی عہد مہاراجہ بشناتھ سنگھ والی ریوان آمدم معزی الیہ مستفسر نامم شدند
عرض کردم عبد الشکور فرمودند این لفظ بزبان ما ثقیل می آید نام شما رحمان علی ہموزن نام برادر
شما بہتر است تسلیمات بجا آوردم ازان روز بہمین نام مشہور شدم و درین ریاست بکار
سفارت جی پور و منصرمی فوج متعینہ تادیب باغیان کہ شاہراہ دکن راسدود کردہ بودند
پیشی دیوان ریاست و منظمی پرمٹ و ڈپٹی مجسٹریٹی دسول ججی و مجسٹریٹی درجہ اول وقتاً فوقتاً
مامور بودم در سال ہیزدہ صد و ہشتاد و چہار عیسوی ممبر کونسل ریاست باختیارات سکرتری
مقرر شدہ ہمان عہدہ ممتاز ام شانزدہم فروری سال ہیزدہ صد و ہشتاد و ہفت عیسوی بتقریب جشن
جیوبلی قیصر ہند خطاب خان بہادر از بارگاہ گورنمنٹ ہند عطا شدہ میجر ڈی ڈبلیو کی بار صاحب
بہادر پولیٹکل اجنٹ و سپرنٹنڈنٹ ریاست بمقام ریوان بتاریخ بست و دوم اپریل ۱۸۸۷ء
دربار عام منعقد فرمودہ بعد خواندن اسپیچ سند خطاب مہری گورنر جنرل بہادر ہند از طرف
گورنمنٹ ہند و عصاے نقرہ مع چوبدار و خلعت از ریاست بدست خاص عنایت فرمودند
درین قبل بسال دوازدہ صد و ہفتاد و ہشت ہجری مسجدی بمقام ریوان از سنگ بنا کردم کہ
مصارف آن از معائنہ مسجد ظاہر است دیہ معافی دوامی کہ از ریاست یافتہ بودم بنا بر صرف
مسجد مذکور وقف کردم از آمدنی آن موضع تنخواہ موذن و پیش امام و صرفہ مرمت و جا نماز
وغیرہ متعلقہ مسجد می شود چند قطعات تواریخ بنای این مسجد کہ جناب مولانا ابو الخیر سید حسین الدین
کاظمی منظومہ شعراے لکھنو فرستادہ بودند بنا بر ملاحظہ ناظرین زیب ترقیم مے یابند و ہو ہذا

قطعہ تاریخ

حبذا مسجد کہ صحنش چون رخ حور از نور	ہر ستونش ساق عرش کبریا یا ساق حور
بہر تاریخ بنائش منشی فکر رسا	گو در قم مسجد بنای قبلہ عبد الشکور ۱۲۷۸ھ

دیگر در عربی

اسس العبد مسجد الفرق	جزاہ المہیمن الخالق

ارخ الفکر ذاک مصراعًا ۔ ذلک المسجد الحرام بحق ؛

در صدر دروازہ مسجد این آیہ کریمہ کندہ ہست کہ ازان تاریخ بنائش می برآید لیعبدوا اللہ مخلصین لہ الدین حنفاء و اجازت بیعت و خلافت ہر چہار خاندان بسلسلہ چشتیہ صابریہ از حضرت مولائی و شیخی مولانا حافظ حاجی محمد حسین عمری محب اللہی آلہ آبادی یافتم تالیفات خود را بملاحظہ انظار اہل علم نمودن اتحاف موزہ و زنبیل ہست پیش خاقان بقول ؎ نم چشم قلم را شرم دارم ؛ کہ سوی چشمہ حیوان فرستم ؛ تاہم انچہ از بضاعت مزجات باخود دارم مے نگارم

کتب مطبوعہ

فوائد جلالیہ منظومہ فارسی در حصول نحویہ بموزن و قافیہ مأتہ عامل مطبوعہ دہلی ۔ تحفہ مقبول در فضائل رسول صلعم بزبان اردو مطبوعہ مطبع نظامی ۔ طریقہ محسنہ در ابیات مولد و قیام بزبان اردو مطبوعہ لکھنؤ ۔ آداب احمدی در بیان سنن زوائد بعبارت اردو مطبوعہ بنارس ۔ ریاض اللمرا تاریخ امیران اندرونی و بیرونی ہند کہ از گورنمنٹ ہند سلامی اتواپ می یابند اردو مطبوعہ لکھنؤ ۔ تحفۃ البحرین در بیان حفظ صحت مشتمل بر قواعد مسلمہ اطبای یونان و ہندوستان اردو مطبوعہ لکھنؤ ۔ ابنیۃ الاسلام عبارت عربی در بیان ابنیۂ خمسہ اسلام بطور شرح حدیث بنی الاسلام علی خمس الحدیث کہ بدار الخلافہ قسطنطنیہ مطبوع شدہ بحرمین شریفین و بغداد و مصر و بصرہ و شام و تونس وغیرہ تقسیم گشت ۔ طب رحمانی بعبارت فارسی مشتمل بر معالجات قلیل الاجزا مطبوعہ آگرہ ۔ صحت جسمانی بعبارت اردو مشتمل بر بیان فصول سگانہ و خواص ماکول و مشروب مطبوعہ نظامے ہر ہفت در بیان اشیای ہفتگانہ عبارت اردو مطبوعہ ریوان ۔ کفارۃ الذنوب در بیان ادای کفارہ روزہ و نماز میت و طریق اسقاط فدیہ مطبوعہ آگرہ ۔ رسالہ نافعہ متضمن اقوال نصیحت آمیز بعبارت اردو مطبوعہ دہلی ۔ تحفہ خان بہادر در بیان کرسی نامہ قوم بنگیل مطبوعہ الٰہ آباد

کتب غیر مطبوعہ

نیتہ اللبیب فیما لیسر الادیب نثر عربی ۔ دریاے لطافت لطائف و ظرائف اردو ۔ آفتاب حکمت اقوال حکمای سلف اردو ۔ تواریخ بنگیل لکھنؤ اردو

کتب زیر تالیف اللہم تممہا

تاریخ التواریخ ۔ میزان الموازین ۔ جغرافیہ عرب ۔ تعلیم رحمانے ۔ ندیم الاطبا

تکملۃ الکتاب

آگاہ جلوہ ظہور پذیرد کہ تراجم کامل اعیان افاضل ذیل بحیز تحریر در آیند اسمای شریفہ آنہا بجمعی دیگر
کہ بعد ازین قدم بروز در ساحت وجود نہند حوالہ نمودہ مے آید تا کسی موافق بہ تکمیل آن گردد
و باللہ التوفیق و بیدہ ازمۃ التحقیق = قاضی ابراہیم سندی ساکن دربیلہ مضاف سوستان
ملک سند از اکابر علما بود = قاضی ابراہیم ٹھٹوی نبیرۂ مخدوم فیروز جامع کمالات صوری
معنوی بر آمدہ در عہد شاہجہان بادشاہ انتای شاہجہان آباد و قضاے عسکر داشت
میر ابو البقا صاحب تصانیف کثیرہ معاصر نصیر الدین محمد ہمایون شاہ = ابو جعفر عمر لاہوری
ابن اسحاق لاہوری بفضل و دانش طاق و در زہد و تقوی شہرۂ آفاق بود = مولوی ابو الحسن
ساکن کاندہلہ = ملا ابو الحسن کشمیری معروف بشاہم بابا معاصر شہاب الدین محمد شاہجہان بادشاہ
بود = قاضی ابو الخیر بھکری = محمد ابو الخیر ٹھٹوی در فتاوای عالمگیری شریک استنباط مسائل بود =
قاضی ابو سعید بھکری ولد قاضی زین الدین بوفور فضیلت و حضور فرحیت از ممتازان روزگار
بود = ابو الفتح ولد شیخ اللہدایہ خیر آبادی معاصر سلیم شاہ ابن شیر شاہ سور = قاضی ابو القاسم بن ملا
جمال الدین سیالکوٹی معاصر نور الدین محمد جہانگیر شاہ = امیر ابو المعالی برادر امیر علاء الملک تفسیر
سورۂ اخلاص و رسالۂ عدالت و الموذج العلم از مصنفات اوست در سال ہزار و چہل و شش
ہجری بملک بنگالہ وفات یافتہ = ملا احمد پٹنی گجراتی = ملا احمد ٹھٹوی شاگرد شاہ فتح اللہ در عہد
جلال الدین محمد اکبر بادشاہ بود = مولوی احمد حسن مصنف صراط الاہتدا و غیرہ = مولوی احمد گل
نائب مفتی بھوپال = مولوی احمد شاہ سندی = مولوی احمد کبیر ساکن قصبہ پھلواری = مولوی
سید ارشاد حسین ساکن پٹنہ = مولوی ارشاد حسین رامپوری = ملا اسحاق رامپوری ولد ملا احمد
ولایتی = ملا اسحاق بھکری = مولوی اسد اللہ ساکن پٹنہ = قاضی اسمعیل اصفہانی گجراتی معاصر
سلطان محمود بیگڑہ = قاضی اشرف حسین ساکن موہن مضاف لکھنؤ = مولوی اعز الدین سندیلی
ابن سید غلام اولیا مخدوم زادہ قصبہ سندیلہ شاگرد مولوی حیدر علی سندیلی ابن مخدوم جعفر

سال دوازده صد و پنجاه و شش ہجری فوت شد = مولانا افتخار الدین ہرفی معاصر علاء الدین خلجی
مولانا افتخار الدین گیلانی معاصر غیاث الدین تغلق = ملا افضل نٹنو کشمیری بن ملا حیدر چرخے
در عہد محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر بادشاہ بود = مولوی اکبر علی پشاوری = مولوی آل محمد
ساکن قصبہ پھلواری ضلع پٹنہ = مولوی آل حسن موہانی مصنف رسالہ استفسار در رد عقاید
نصاری = مولوی الفت حسین شیعی مصنف معجزہ فرقان وغیرہ = ملا الہداد سہرندی معاصر
بہلول لودی = مولوی الہداد ساکن کلکتہ = مولوی الٰہی بخش فیض آبادی مصنف عمدۃ المرام
فی تحقیق الجملۃ والکلام = الیاس منجم اردبیلی استاد ہمایون بادشاہ جاگیردار پرگنہ موہان مضاف
لکھنؤ = ملا امام الدین دہلوی در اصل لاہوری ہست ریاضی دان بود کہ بدہلی توطن گرفتہ شرحی
مختصر بر تشریح الافلاک مصنفہ بہاء الدین آملی در سال یازدہ صد و سہ ہجری نوشتہ کہ بنام التصریح
فی شرح التشریح شہرت دارد = مولوی امام الدین ساکن ٹونک = سید امان قنوجی معاصر
بہلول لودی = مولوی امین اللہ ساکن پھلواری = مولوی امین اللہ مدرس کلکتہ کہ قصیدہ
غرا در نعت رسول کریم صلعم از و مشہور ہست = مولوی امین احمد بہاری = سید امیر احمد نقوی
سہسوانی = مولوی امیر حسن سہسوانی = مولوی امیر الدین ساکن کاری ضلع گیا = مولوی
انوار الحق بنگلوری = مولوی انور علی لکھنوی مصنف انوار الحواشی = بابا خواجہ قاضی اوجین در
در عہد اکبر شاہ بود = مولوی باب اللہ جونپوری = ملا باقر صباغ کشمیری شاگرد ملا باقر داماد =
ملا باقر لاہ کشمیری شاگرد ملا باقر صباغ = شیخ بایزید بہالن پوری عالم متورع و فاضل متشرع بود
خرقہ خلافت از شیخ محمد معصوم سہرندی قدس سرہ داشت = مولانا بایزید مفتی لاہور در عہد
اکبر شاہ بود = مولوی بدر الدین ساکن قصبہ پھلواری = مولانا بدر الدین واعظ در عہد علاء الدین
خلجی از اودھ بدہلی آمدی و تذکیر گفتی زاہد و متقی بود در تذکیر او جمعیت بسیار شدی و وعظ او در
دلہا کار کردی و از بکا در وقت تذکیر او گرم شدی = بدر الدین بن شیخ ابراہیم سہرندی شارح
[illegible] کیدانی = [illegible] شیخ بدہ ساکن لکھنؤ [illegible] گویند معاصر
بہلول لودی = مولوی برکت اللہ آبادی = مولانا برہان الدین بھکری در عہد علاء الدین خلجی بود
مولانا برہان الدین بزاز معاصر سلطان غیاث الدین بلبن بود = مولوی بشارت حسین [illegible]

مدرسه رام پور = مولوی بشیر الدین قنوجی = مولوی بشیر الدین دہلوی = حکیم بقاء اللہ خان سنبھلی
شاگرد حکیم ببر علیخان موہانی ہفدہم شوال سال دوازدہ صد و شصت و چہار ہجری وفات یافت
طبیب حاذق و نباض صادق بود = مخدوم بلال سندھی ساکن تلہی از مضافات سوستان
ملک سندھ در علم ظاہر شانی عظیم داشت = سید بندگی حسن بلگرامی از سادات ترمذی بلگرام است
در عربی و فارسی و ہندی استعداد کلی داشت ایمان تخلص میکرد و شاگرد میر عظمت اللہ بیخبر بود =
ملا بڈھن اٹیٹھوی برادر ملا جیون = قاضی بیارہ ساکن لکھنوتی معاصر بہلول لودی = ملک
تاج الدین گرامی در عہد جلال الدین خلجی بود = تاج الدین کلاہی و سید تاج الدین قاضی اودھ
در عہد جلال الدین خلجی بودند = شیخ تاج الدین دہلوی در عہد اکبر شاہ بود = ملا تقیا از فضلای عصر بود
در تاریخ مہارتی کامل داشت کتابی در ہیئت از مصنفات اوست اول ملازم عبد الرحیم خانخانان
بود بعد از ان منظور نظر اکبر بادشاہ شدہ در عہد جہانگیر ترقی نمودہ بصدارت رسید و مورخ خان
خطاب یافت در سال ہزار و بست ہجری درگذشت = تقی الدین واعظ معاصر فیروز شاہ بود =
میر جان محمد بلگرامی عالم و فاضل و حافظ و قاری بی نظیر صاحب فکر رنگین بود بسال ہزار و یکصد و
چہل بزیارت حرمین شریفین و عتبات عالیہ شتافت = مولوی جعفر علی ساکن کسمنڈے ناظم
نظم الفرائض = مولوی جعفر علی رام پوری = ملا جلال الدین معاصر سلطان شمس الدین التمش =
قاضی جلال الدین کاشانی ولد قاضی قطب معاصر سلطان غیاث الدین بلبن = خواجہ جلال الدین
امیر حج و نائب وزیر = و مولانا جلال الدین بہکری در عہد جلال الدین خلجی بودند = مولانا جلال حسام
درویش واعظ عہد علاء الدین خلجی تذکرش ممزوج خوف و خشیہ بودی و ہم سخنہای ظریف گفتی =
قاضی جلال الدین ولوالجی در عہد علاء الدین خلجی قاضی ممالک بود = مولوی جلال الدین رام پوری
مولانا جمال الدین ساطبی از علمای قرأت در عہد علاء الدین خلجی بود = مولوی جمال الدین مونگیری
مولوی جمال الدین مدراسی = ملا جمال ملتانی دانشمند مستعد معاصر جلال الدین محمد اکبر شاہ =
ملا جمال لاہوری بسی مردم نیک در شاگردی وی بکمال رسیدند = مولوی جمال شاہ صرفی رامپوری
مولوی جمیل احمد سہسوانی = مولوی جمیل احمد بلگرامی = ملا حاجی بانڈی کشمیری شاگرد یعقوب صرفی
در عہد نور الدین محمد جہانگیر شاہ بود = ملا حاجی گنائی کشمیری عرفت الرضوی و اکثر علوم درس میداد

چون بایام شاہزادگی عالمگیر قصد خروج بر شاہجہان نمود فتوای آن از علمای آرزو دی معلی خواست همه تصدیق خروج کردند مگر ملا حاجی مذکور کناره کشی نموده گفت هرچند فسق و فجور از سلطان بظهور آید خروج که باعث فتنه است خاصةً بمقابله پدر جائز نیست — ملا حامد جونپوری اکثر کتب متداوله نزد محمد زاهد دیده و بعض علم در خدمت دانشمند خان استفاده نموده و در عهد شاهجهان بسلک روزینه‌داران منسلک بود و در عهد عالمگیر داخل مؤلفین فتاوای شده بتعلیم شاهزاده محمد اکبر سرفرازی یافت ملا حبیب در عهد جلال الدین محمد اکبر شاه مدرس بود — ملا حبیب کشمیری در عهد نور الدین محمد جهانگیر شاه میر عدل بود — مولانا حجت ملتانی معاصر علاء الدین خلجی — ملا حسام الدین سرخ لاهوری معاصر جلال الدین محمد اکبر شاه — مولانا حسام الدین اندرپتی معاصر غیاث الدین بلبن — مولانا حسام الدین سرخ و مولانا حسام الدین شادی معاصر علاء الدین خلجی بودند — مولانا حسام الدین متقی ملتانی از اجلهٔ روزگار و کملای آن دیار در پاس آداب شرع نهایت اهتمام می‌ورزید اکثر اوقاتش در عبادات و افادهٔ طلبه مصروف بود مرقدش بقریه حسام‌پور مضاف ملتان واقع است — مولوی حسن جان سندیلی پیش علمای سندیله و نیز بخدمت حافظ محمد شوکت علی مختصرات و مطولات گذرانیده قریب الفراغ است اللهم بلغه الی مامولهٖ — شیخ حسین تبریزی در عهد جلال الدین محمد اکبر شاه مدرس دهلی بود — مولانا حمید الدین مخلص و مولانا حمید مقری از علمای قرأت معاصر علاء الدین خلجی بودند — مولانا حمید مفسر سنبهلی معاصر نصیر الدین محمد همایون شاه — شیخ حمید احمدآبادی معاصر جلال الدین محمد اکبر شاه — شیخ حمید سندی برادر شیخ رحمت الله ولد قاضی عبد الله بن قاضی ابراهیم ساکن دبیله بحامد و الا موصوف و در علوم عقلی و نقلی حظ وافی و در حدیث و تفسیر ید طولی داشت همراه خان اعظم کوکه بمکهٔ معظمه رفته مقتدای اهل حدیث شد — قاضی حماد عباسی ٹھٹوی در فضیلت و کمال اتم و در تقوی و تورع اکرم بود — حمید الدین مسعود لاهوری ابن سعد لاهوری حمید دهر و فرید عصر بود — مولوی خادم حسین سندیلی عرف بو علی ابن حکیم بقاء الله خان سندیلی بتاریخ دهم ذیقعده سال دوازده صد و شصت و پنج هجری بمقام بهوپال رحلت کرد — مولوی خدا بخش پنجابی — مولوی خلیل الرحمن رامپوری محشی دائر الاصول — خواجه علی دانشمند از ماوراء النهر در عهد جلال الدین محمد اکبر شاه به هندوستان قدم آورده مورد مراحم خسروانه شد — مولوی سید خواجه احمد نصیرآبادی

از تلامذہ مولوی سخاوت علی در صورت و سیرت یادگار صلحای سلف بود وے را در باندا دیدم
رحمۃ اللہ علیہما ۔ خواند میر مورخ مصنف تاریخ حبیب السیر و خلاصۃ الاخبار و دستور الوزرا در عہد
ظہیر الدین محمد بابر شاہ بود ۔ مخدوم خیر الدین برہانپوری ۔ مولوی خیر الدین مدراسی ۔ ملا داؤد سوستانی
صاحب فضل و علم بود ۔ ملا داؤد مشکوتی کشمیری شاگرد خواجہ حیدر چرخی معاصر محی الدین محمد
اورنگ زیب عالمگیر بود ۔ ملا دانیال چوراسی شاگرد ملا عبد السلام ساکن دیوہ بود ۔ شیخ دانیال
جونپوری ۔ ملا دراز پشاوری ۔ قاضی دتا سوستانی ولد قاضی شرف الدین المشہور مخدوم راہوا
علمائے نامدار و قاضی القضاۃ بود بصحبت بسیاری از علمای باطن رسیدہ نظر فیض یافتہ و مدتی
بخدمت پدر کسب فضائل نمودہ علم حدیث از مخدوم بلال آموختہ و اکثر علوم از خدمت مخدوم
محمود فخر بہرہ و مخدوم عبد العزیز ہروی یافتہ ہشت دہ تفسیر قرآن مجید بمطالعہ آوردہ معانی و دقائق
آن مستحضر ساختہ و از علم جفر و غیرہ علوم غریبہ نصیبی کامل اندوختہ حافظ چندان داشت کہ اکثر کتب را
ظہر الغیب خواندی مرزا حسن شاہ و از دیباچہ ہا یافتہ و مخدوم عثمان وی را اوستاد لقب دادہ بعد
وفات بقریہ باغبان مدفون گشت ۔ دوستان از تواریخ سند ہست ۔ ملا دوست محمد کابلی ابن
ملا محمد امیر مؤلف رسالہ عین الاصابہ فی رفع السبابہ ۔ مولوی ذو الفقار علی ساکن دیوہ ۔ مولوی
ذو الفقار علی ساکن کلکتہ ۔ مولوی ذو الفقار احمد ساکن بھوپال ۔ ملا رجب گنائی کشمیری در عہد
محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر بود ۔ شیخ رحمۃ اللہ سندی ولد قاضی عبد اللہ ولد قاضی ابراہیم
ساکن دربیلہ بفنون فضل و کمال آراستہ بی نظیر وقت بود رسالہ مناسک حج از وی یادگار ماند ۔
مولوی رحمت اللہ کرانوی مناظر پادری فنڈر مصنف ازالۃ الاوہام و اعجاز عیسوی و اظہار الحق
وغیرہ نزیل مکہ معظمہ زادہا اللہ شرفا و تعظیما ۔ مولوی رستم علی رامپوری بخشی امیر شاہد رسالہ مولوی
رشید احمد گنگوہی ۔ مولوی رضی الدین الہ آبادی ابن مولوی برکت ۔ رضی الدین احمد ساکن
پھلواری ۔ مولانا رفیع الدین گازرونی معاصر سلطان غیاث الدین بلبن ۔ قاضی رکن الدین
سامانہ معاصر سلطان غیاث الدین بلبن ۔ مولانا رکن الدین سنامی معاصر علاء الدین خلجی ۔
سید رکن الدین قاضی کڑا در عہد سلطان علاء الدین خلجی بود ۔ مخدوم سورح ۔ شہ بہک ۔
ملا رہنود لاہوری از علمائے اعلام وقت خود گذشتہ ۔ مولوی ریاضت حسین مؤلف

ریاض العرفان = شیخ زین الدین حوالی معاصر ظهیر الدین محمد بابر شاه = مولوی زین العابدین قاضی بھوپال = مولانا سراج الدین سنجری معاصر غیاث الدین بلبن = مولوی سراج الدین الہ آبادی شارح زبدة الصرف = قاضی سراج الدین علی خان اقضی القضاة کلکته بسال دوازده صد و بست ہجری کتاب جامع التعزیرات بزبان عربی تالیف کرده باز به ترجمه آن بزبان فارسی پرداخته نامش جواہر زواہر نہاد = مولوی سراج احمد سہارنپوری شارح ترمذی = مولوی سراج احمد سہسوانی = قاضی سدید الدین معاصر غیاث الدین بلبن = مولوی سدید الدین دہلوی = مولوی سعادتعلی سہارنپوری = مولوی سعادتعلی بہاری = ملا سعد الله لاہوری باوجود فضیلت موفوره روش ملامتیه داشت = ملا سعد سندی در فضیلت اتم و در کمالات مرجع امم بود = ملک سعد الدین منطقی در عهد علاء الدین خلجی صاحب طبل و نقاره بود = ملا سلطان از مشاہیر مدرسین عهد اکبر شاه بادشاه بود = شیخ سلیمان بلگرامی از علماے عهد اکبر بادشاه صاحب استعداد بود = میران سید اخی قنوجی عالم مستعد معاصر بہلول لودی = سید محمد بن سعید خان دہلوی دانشمند مستعد معاصر بہلول لودی = مولوی سید محمد کالپوی مدرس سیہور محروسه بھوپال = مولوی سید میان ساکن سورت از اساتذه مولوی سید عبد الفتاح گلشن آبادی بود = مولوی سیف الدین مدرس مدرسه رامپور = ملا شاه محمد شاه آبادی ماہر ریاضی و نجوم معاصر اکبر شاه = مولوی شاه محمد خان رامپوری = شاه امیر از علمای صوفیه آگره معاصر اکبر شاه بود = قاضی شاہینده سوستانی از اجله علما و اتقیاے روزگار بود شریعت را با طریقت و طریقت را توامان حقیقت داشته خلعت ارشادش شیخ میر محمد المشهور به میان میر لاہوری ست که بسال ہزار و چہل و پنج ہجری رحلت فرموده = مولانا شرف الدین ولوالجی معاصر غیاث الدین بلبن = قاضی شرف الدین سرباہی معاصر علاء الدین خلجی = مولانا شہاب الدین خلیل در عهد علاء الدین خلجی بود در تذکیر طریقه خوف و خشیه را مراعات کردی و نظم خواندی و بیشتر تفسیر قرآن مجید بیان فرمودی و قصص و حکایات سلوک و مآثر علمای آخرت گفتی و در تذکرا و جمعیت بسیار شدی و سامعان را رقتی تمام بودی = مولانا شہاب الدین ملتانی معاصر علاء الدین خلجی = مولوی شہاب الدین احمد ساکن نسسه

ضلع پٹنہ = خواجہ شمس الدین خوارزمی اوستاد مولانا نظام الدین اولیا قدس سرہ معاصر غیاث الدین
بلبن = مولوی شمس الدین بدایونی بن مولوے محمد علی عثمانی بدایونی محشی شرح وقایہ = قاضی
شمس الدین مراجی عالم متبحر معاصر غیاث الدین بلبن = مولانا شمس الدین ترک معاصر علاء الدین
خلجی = قاضی شمس الدین گازرونی معاصر علاء الدین خلجی = شیخ شمس الدین جونپوری برادر خرد
شیخ محمد ماہ جونپوری در عہد عالمگیر بدرس علوم و سلوک در جونپور اشتغال داشت = مولانا
شمس الدین باخرزی معاصر سلطان فیروز شاہ = شمس خان لاہوری ملای صاحب استعداد
معاصر اکبر شاہ = مولوی شمس الاسلام بدایونی عالم مستعد بود = ملا شیری لاہوری ابن قاضے
عبدالحی ساکن قصبہ کوکوال من اعمال پنجاب فاضل مستعد بود = ملا صالح سہرندی در عہد
سلطان بہلول لودی بود = خواجہ صادق کشمیری معاصر جہانگیر بادشاہ = مولانا صدر جہان از
اجلہ علماے گجرات است بورع و تقوی متصف ہموارہ بطلبہ علوم درس میداد مولانا شیخ احمد
بن شیخ برہان از تلامذہ وی است و بحضرت سید محمد المشہور بشاہ عالم گجراتی انکاری داشت
کہ آخرش مبدل باعتقاد گشت = صدر جہان قنوجی از سادات رفیع الشان بامر فتوے
در عہد عالمگیر ممتاز بود = مولانا صدر الدین گندھک معاصر علاء الدین خلجی = مولانا صدر الدین
تاری معاصر علاء الدین خلجی = قاضی صدر الدین عارف در عہد علاء الدین خلجی صدر جہان بود = شیخ صدر الدین
ملتوی اجل علما و افضل اتقیا معاصر نظام الدین شاہ سند بود جامعیت علوم بدان غایت داشت کہ ہزارہا
شاگرد را برتبہ کمال علمی رسانیدا و اگر بود و سید محمد جونپوری مدعی مہدویت بمخاصمتش پیش آمدہ آخر
بدین سید محمد داخل زمرۂ مریدان راسخ گردید = سید صدر الدین قنوجی از اعاظم علمای بلدہ قنوج
بعہد سلطان سکندر لودی در سال شش صد و چہار ہجری بودہ مدام بلازم رکاب سلطان می بود
قاضی صدر الدین لاہوری در علوم عقلیہ و نقلیہ مہارت کامل داشت = سید صفای بھکری
صاحب علم و عمل سر آمد فضلای اجل و شیخ الاسلام بھکر بود در سال نہصد و نود و یک ہجرے
درگذشت = بھکر شہریست از مضافات سند = مولانا صلاح الدین ستری معاصر علاء الدین
خلجی از مدرسین نامور بود = قاضی صوفی در عہد اکبر شاہ قاضی لاہور بود = مولانا ضیاء الدین بیانہ
در عہد علاء الدین خلجی صدر جہان بود = قاضی ضیاء الدین المخاطب بقاضی خان معاصر

قطب الدین مبارک شاہ بود ۔ خواجہ ضیاء الدین واعظ مصنف مناقب ابرار وغیرہ ۔ قاضی
ظہیر الدین معاصر سلطان غیاث الدین بلبن ۔ مولانا ظہیر الدین لنگ ۔ مولانا ظہیر الدین
بھکری معاصر علاء الدین خلجی بودند ۔ ملا عالم بھکری عالم علوم ظاہر و باطن بود ۔ قاضی عباس
برہانپوری ولد قاضی نصیر الدین دانشمند شہیر بود شاہجہان بادشاہ بفراوان اعزازش طلبید و
بعنایات شاہی مباہی شدہ بوطن مراجعت نمودہ درگذشت ۔ شیخ عبد اللہ متقی ابن مولانا سعد اللہ
ساکن دربیلہ ممالک سندھ در علم تفسیر و حدیث بی نظیر وقت بود در سال نہصد و چہل و ہفت ہجری
بگجرات رفتہ از انجا برفاقت قاضی عبد اللہ ساکن دربیلہ بحرمین شریفین رفتہ اوقات عزیز باتمام
رسانیدہ در ہمہ علوم تصانیف و رسایل خوب دارد ۔ خواجہ عبد اللہ غازی کشمیری ۔ ملا عبد اللہ
ملاری کشمیری در عہد شاہ جہان از علمای نامی بودند ۔ بابا عبد اللہ بن مسعود کشمیری معاصر
جہانگیر بادشاہ بود ۔ مولوی عبد اللہ مصنف تحفۃ الہند ۔ قاضی عبد اللہ سندی ولد قاضی ابراہیم
ساکن دربیلہ فضائل از خدمت مخدوم عبد العزیز ابہری آموختہ تقوی کامل و ورع شامل داشت
بعد فتح شاہ بیگ اندربیلہ با اقربان نقل نمودہ در سن نہصد و سی و چہار ہجری بگجرات دکن آمدہ
و از انجا بمدینہ طیبہ رفت و سکونت مدام اختیار فرمودہ درگذشت ۔ ملا عبد اللہ سیالکوٹی بن ملا
عبد الحکیم بگرداوری علوم از پدر فائق برآمدہ ۔ مولوی عبد اللہ ساکن موضع بھکر اسواد بنون ممالک
پنجاب مصنف رسالہ کشف الحال عن التصریح بالمال ۔ مولوی عبد اللہ ٹونکی ۔ مولوی عبد اللہ
دہلوی ۔ مولوی عبد اللہ رامپوری ۔ مولوی عبد اللہ سہارنپوری ۔ مولوی عبد اللہ محمد آبادی
مصنف عرفان العرفان ۔ مولوی عبید اللہ رامپوری ۔ مولوی عبید اللہ مدرس جامع مسجد بمبئی
مولوی عبد الباری مصنف اعلام الاخبار وغیرہ ۔ مولوی عبد الباری ساکن کلکتہ ۔ مولوی
عبد الباری ساکن بردوان ۔ ملا عبد الباقی بنگالی شاگرد ملا محمود جونپوری کہ بیمن صحبتش دانشمند
برآمد بعد رحلتش در جونپور ماند و اکثر علوم خصوصا در معقولات یگانہ بود و از علمائے آنجا گوے
سبقت مے ربود بدرگاہ عالمگیر رسیدہ موضعی بجمع نہصد روپیہ سیورغال یافتہ مراجعت نمود و
در آنجا بدرس طلبہ علوم عمر عزیزش بسر نمود ۔ ملا عبد الجلیل برادر عبد اکبر شاہ مفتی لاہور بود ۔ مخدوم
عبد الجلیل چشتی در فضیلت اشہر ایام است اسمش از جملہ لاہوری است در عہد شاہجہان بود

پسرانش ابوالفتح و محمد شریف و محمد شفیع ہر یک در فضیلت و قابلیت نامور بودند = مولوی عبدالحق
کانپوری شمس العلما = مولوی عبدالحق پنجابی = مولوی عبدالحق سہارنپوری = ملا عبدالحکیم بن ملا عبدالکریم
کشمیری در عہد عالمگیری بود = مولوی عبدالحکیم واعظ مصنف عشرہ کاملہ وغیرہ = مولوی عبدالحلیم
سہارنپوری = مولوی عبدالحمید رامپوری = شیخ عبدالحی ولد شیخ جمال کنبوہ دہلوی معاصر سلطان
سلیم بود = میر عبدالحی خراسانی در عہد اکبر شاہ صدر الافاضل بود = مولوی عبدالخالق دیوبندی =
ملا عبدالرحمن ساکن بنگری معاصر بہلول لودی = مولانا عبدالرحمن لکھنوی در علوم عقلیہ و نقلیہ
بی نظیر بود بافادۂ دینی می پرداخت معاصر مرزا عیسی و مرزا باقی = ملا عبدالرحمن بوہرہ احمدآبادی
و ملا عبدالرحمن لاہوری معاصر اکبر شاہ بودند = قاضی عبدالرحمن سندی از اجل علما و افضل فضلا
از عہد شاہجہان تا عہد عالمگیر متولی نذر حرمین شریفین بودہ جاگیر مشروط الخدمت داشت
بمدینہ طیبہ رحلت فرمودہ و بقبر محمد حیات سندی مدفون گردیدہ = مولوی عبدالرحمن ساکن پھلواری =
مولانا قاری عبدالرحمن پانی پتی = ملا عبدالرحیم کشمیری در عہد عالمگیر بود = مولوی عبدالرحیم رامپوری =
مولوی عبدالرحیم جونپوری = ملا عبدالرزاق پانڈی کشمیری و ملا عبدالرزاق محشی تجرید
و مصنف رد محاکمات در عہد شاہجہان از علمای نامدار کشمیر بودند = ملا عبدالرزاق کشمیری شاگرد
خواجہ حیدر چرخی در عہد عالمگیر بود = مولوی عبدالرسول سہارنپوری مصنف متن متین در نحو =
ملا عبدالرشید زرگر کشمیری شاگرد محمد افضل چرخی در عہد عالمگیر بود = مخدوم عبدالرشید ساکن
بالکندی ممالک سند از اجل علما و اکمل اتقیا بود جمع کلان از وی باستفادہ کمال علمی و عملی رشید روزگار
شدند = مولوی عبدالسبحان پشاوری = ملا عبدالسلام ساکن دیوہ شارح تہذیب المنطق معاصر و
شاگرد ملا عبدالسلام لاہوری بود = مولوی عبدالسلام آروی = مولوی عبدالسلام پانی پتی =
ملا عبدالشکور لاہوری در عہد اکبر شاہ قاضی جونپور بود = مولوی عبدالشکور فیض آبادی = مولوی
عبدالصمد پشاوری = مولوی عبدالصمد سہسوانی = مخدوم عبدالعزیز پکابانی ساکن کاہان مضافات
سوستان ممالک سند محدث ماہر مفسر متبحر و مدقق و برگزیدہ کشور تحقیق بود و پسر والا گہرش
حلیم الدین علی و ملا اثیر الدین و مولانا یار محمد بربان بجام فیروز بسبب خروج شاہ اسمعیل ماضی
از ہرات بموضع کاہان قدوم آوردہ آن سرزمین را بنشر علوم منور ساختہ ہمدران جا رحل اقامت

اندافتند وہمانجا چشم از مطالعہ نسخہ حیات پوشیدند تصانیف عربیہ چون شرح مشکوۃ وحواشے
اکثر کتب متداولہ از انہا یادگار اند ٭ مولوی عبدالعزیز دریابادی ٭ مولوی عبدالعزیز لکھنوی مؤلف
پیغام محمدی وغیرہ ٭ حافظ عبدالعلی رامپوری بن ملا محمد عمران بن ملا محمد غفران در سال دوازدہ
صد ونود وہفت ہجری وفات یافتہ ٭ مولوی عبدالعلی بن مولوی فضل الرحمن رامپوری
مولوی عبدالعلی ساکن ڈومری ضلع پٹنہ ٭ مولوی عبدالعلی ساکن جایس ٭ سید عبدالفتاح
گجراتی معاصر محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر ٭ ملا عبدالقادر اخوند معاصر نصیر الدین محمد
ہمایون شاہ ٭ مولوی عبدالقادر سنبلی از اولاد امجاد مولوی حمد اللہ شارح سلم نوزدہم ذیحجہ سال
دوازدہ صد وہفتاد ودو ہجری رحلت کرد ٭ مولوی عبدالقادر رامپوری ٭ مولوی عبدالقادر
باعسکظہ ساکن بمبئی ٭ مولوی عبدالقادر ساکن تھانہ ضلع بمبئی ٭ مولوی عبدالقادر ساکن
ہوگلی عالم باعمل صاحب تصانیف دہم ذیقعدہ سال سیزدہ صد وہفت ہجری عبدالطاہر را
بعقب خود گذاشتہ رحلت کرد ٭ مولوی عبدالقدوس بنگلوری ٭ میر عبدالقدوس ٹھٹوی ابن
سید عابد دانشمند کامل نحریر وقت صاحب شان ومستغنی در ابتلاے حبس بر آمدہ
در ہزار وصد وچہل وشش ہجری وفات یافتہ آیہ کریمہ مکرمون فی جنات النعیم مطابق واقعہ است
ملا عبدالقوی احمد آبادی برہانپوری عالمگیر ویرا مخاطب باعتماد خان کرد واکثری را بلفظ اخوند خواندے
مولانا عبدالکریم شروانی معاصر غیاث الدین تغلق ٭ سید عبدالکریم قنوجی ابن سید محمد قنوجی
در عہد عالمگیر مشغول بدرس متداولات بود ٭ قاضی عبدالکریم کشمیری شاگرد ملا ابوالفتح در عہد
عالمگیر بود ٭ مولوی عبدالکریم ساکن ٹونک ناظم رسالہ سبیل الرسول فی الناسخ والمنسوخ ٭ مولوی
عبدالکریم رامپوری ٭ ملا عبداللطیف ساکن [illegible] عالم بلیغ بود حاشیہ بر شرح ملا جامی
دارد ودر بحث الکلام ما تضمن کلمتین حقیقۃ او حکما ای یکون کل واحدۃ منہما فی ضمنہ فالمتضمن اسم فاعل
ہو المجموع والمتضمن اسم مفعول کل واحد من الکلمتین فلا یلزم اتحادہما درین دو بیت درج کردہ
تا مزید بیت مجموعش باسم فاعل را تضمن ہی شمر ٭ ور بخواہی اسم مفعولی از و ہیئت افرادیش
الکن بنگر ٭ شیخ عبداللطیف برہانپوری معاصر محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر بود ٭ مولوی
عبداللطیف دہلوی ٭ مولوی عبداللطیف فقیہ رامپوری ٭ مولوی عبدالمجید برہانپوری ٭

ملا عبدالنبی کشمیری در عہد عالمگیر بود۔ مولوی عبدالوہاب ساکن ہسوا ست نبیرۂ قاضی عبدالوہاب دکنی ساکن قصبہ مونگی کہ در علم فقہ و اصول مہارت کامل داشتہ در عہد عالمگیر قاضی عسکر بود۔ ملا عثمان گجراتی از علمای قرأت و ملا عثمان سامانہ و ملا عثمان بنگالی سنبھلی از علمای نامور در عہد اکبر شاہ بودند۔ خواجہ عزیز الدین صوفی مؤلف تحفۃ الابرار فی کرامۃ الاخیار معاصر غیاث الدین تغلق بود۔ عزیز الدین خالدخانی مؤلف دلائل فیروزی در علم نجوم معاصر سلطان فیروز بود۔ ملا عصام الدین معاصر نصیر الدین محمد ہمایون شاہ۔ علاؤ الدین تاجر و علاؤ الدین کرک و علاؤ الدین صدر الشریعۃ و علاؤ الدین مقری علمای نامدار در عہد علاؤ الدین خلجی بودند۔ مولانا علاؤ الدین اصولی بداؤنی سید علاؤ الدین اودہی۔ امیر علاء الملک مرعشی در عہد شاہزادہ شجاع بود کتاب مہذب در منطق و انوار الہدی در الٰہیات و صراط الوسیط در اثبات واجب از تصانیف وے یادگار اند۔ مولانا علم الدین نبیرۂ شیخ بہاء الدین زکریا ملتانی در عہد علاء الدین خلجی بود۔ مولوی علی اعظم ساکن پھلواری۔ مولوی علی اکبر الٰہ آبادی مصنف فصول اکبری و اصول اکبری۔ ملا علی الماس کشمیری شاگرد ملا جوہر ناتھ در عہد شاہجہان بود۔ علی بن احمد غوری ساکن کراکہ متصل مانک پور است از مریدان شیخ رکن الدین قدس سرہٗ بود و از تصانیف اوست کنز العباد فی شرح الاوراد مصنفۂ بہاء الدین قدس سرہٗ۔ خواجہ علی بنو کشمیری شاگرد ملا شمس پال در عہد جہانگیر شاہ بود۔ ملا علی لیتاک کشمیری معقولی میانہ قد بود جہانگیر شاہ او را لیتاک میگفت ہمان شہرت یافت چنانچہ سال فوتش ہم در مصرعہ وای لیست و بلند ہمت کوہ یافتہ اند۔ مولوی علی حبیب سجادہ نشین پھلواری۔ مولانا علی شاہ جاندارا از اکابر علمای وقت و مرید شیخ نظام الدین اولیا قدس سرہٗ بود کتاب خلاصۃ اللطائف در تصوف از تصانیف اوست۔ ملا علی قاری ٹھٹوی در فضیلت افضل و در قرأت اکمل بعہد مرزا جانی بود۔ ملا علی گردیلای مستعد معاصر اکبر شاہ بود۔ ملا عماد الدین معاصر شمس الدین التمش بود۔ مولانا عماد دانشمند تبحر در زمان سلطان محمد تغلق شاہ دہلی مردی بزرگ و راست گو و حق شناس بود میگویند کہ محمد تغلق در ایام غرور سلطنت خود گفتہ بود کہ فیض خدا منقطع نیست چرا باید کہ فیض نبوت منقطع شود اگر کسی حالا دعوی پیغمبری کند و معجزہ نماید تصدیق میکنیم یا نہ مولانا عماد بر فور گفت کہ کہ گوہ خورد چہ میگوئی محمد تغلق حکم کرد کہ او را ذبح کنند و زبانش بر آرند رحمۃ اللہ علیہ

مولانا عماد الدین حسام در عہد علاء الدین خلجی تا بست سال تذکیر گفتہ در تذکیر او معتبران و دانشمندان
و کاملان و فاضلان و شاعران حاضر می شدند ۔ مولانا عماد الدین محمد طارمی طارم در حوالی شیراز است
ازانجا بگجرات آمدہ بخدمت ملک قطب الدین کہ خلیفہ خاص حضرت سید محمد المشہور بشاہ عالم بودند
مرید گشت چنانچہ در علوم ظاہری نظیر آفاق بود در علم باطن ہم طاق گردیدہ بارشاد و ہدایت خلق
مشغول شد میان وجیہ الدین گجراتی از ارشد تلامذہ دے بود ۔ سید عنایت اللہ مہدوی بالاپوری
عامل کامل و فاضل لاثانی مشہور و معروف وقت خود بود در سال یازدہ صد و ہفتدہ ہجری
رحلت فرمودہ ۔ مولوی عنایت احمد ساکن پٹنہ ۔ مولوی عنایت اللہ ساکن بردوان ۔ مولوی
عنایت حسین ساکن مونگیر ۔ قاضی غضنفر سمرقندی در عہد جلال الدین محمد اکبر شاہ بہندوستان
قدوم آوردہ منصب اقضی القضاۃ ولایت گجرات یافتہ انصرام عہدۂ خود بدیانت میکرد در
علوم متعارفہ یگانہ بود ۔ سید غضنفر ابن سید جعفر نہروالی منسوب بنہر والہ گجرات ۔ مولوی غلام
اکبر خان مصنف ہدایۃ المنکرین وغیرہ ۔ غلام علی کور از اجلۂ افاضل عہد اکبر شاہ بود ۔ مولوی
غلام حسین بنگالی ۔ مولوی غلام سبحان قاضی القضاۃ کلکتہ ۔ مولوی غلام نبی شاہجہانپوری
محشی میر زاہد رسالہ ۔ مولوی غلام علی ساکن مہری احاطہ بمبئی ۔ مولوی غلام احمد نصیر آبادی ۔ مولوی
غلام محمد ہوشیارپوری ۔ ملا غوثی گجراتی ۔ مولانا غیاث بہروچی ۔ سید فاضل معاصر اکبر شاہ بادشاہ
بود ۔ حکیم فتح اللہ گیلانی از اطبای عہد جلال الدین محمد اکبر شاہ بادشاہ بود کتب طبیہ بتحقیقات تمام
خواندہ و در ہیئت نیز ماہر بود و شرح قانون شیخ الرئیس بفارسی نوشتہ ۔ قاضی فتح علی قنوجی شاگرد
مولوی علی اصغر قنوجی در ہمہ علوم متداولہ مناسبتی داشت حاشیہ شرح تہذیب جلالی و شرح مقامات حریری
از تالیفات اینصنف اوست ۔ مولوی فتح علی بردوانی ۔ مولوی فتح علی جونپوری عالم مستعد
عم مولوی معشوق علی جونپوری طبع موزون داشت خصوصاً در بدیہہ گوئی تاریخ شہرۂ آفاق بود ۔
قاضی فخر الدین در عہد جلال الدین خلجی علامہ عصر بود ۔ مولانا فخر الدین ہانسوی و مولانا فخر الدین
نقاتل معاصر علاء الدین خلجی بودند ۔ مولوی فخر الدین لکھنوی ۔ مولوی فخر الدین علی خان
شافعی المذہب قاضی چیناپٹن ۔ مولوی فدا حسین ساکن ضلع پٹنہ ۔ فرید بنگالی دانشمند متبحر
محدث معاصر جلال الدین محمد اکبر شاہ بود ۔ ملا فضلی ملتانی از اکابر علمائے عصر خود بود ۔ مخدوم

فضل اللہ ٹھٹوی نحریر وقت جامع فضائل قدسیہ حاوی معارف انسیہ محلی بحلیہ ورع و تقوی
ہموارہ بدرس علوم اشتغال داشت معاصر میرزا عیسی و میرزا باقی ـ مولوی فضل اللہ لکھنوی ـ
مولوی سید فضیلت حسین ساکن ضلع پٹنہ ـ مولوی فضل اللہ نگرامی ـ مولوی فصیح الدین
از علمای کاملین بلدۂ قنوج بود عمر شریفش بدرس و عبادت بسر برد ـ مولوی فیض الحسن لاہوری
کہ بتدریس علم ادب یگانۂ روزگار بود بتاریخ دوازدہم جمادی الاول سال یکہزار و سہ صد و چہار
ہجری ازینجہان رحلت فرمود ـ مولوی فیض اللہ پنجابی ـ مولوی فیض الحسن سہارنپوری مصنف
تحفۂ صدیقہ در شرح حدیث ام زرع ـ میان قادن پسر شیخ جولو دانشمند مشہور در عہد بہلول لودی
بود ـ سید قادری بلگرامی ابن حافظ ضیاء الدین بلگرامی حاج الحرمین الشریفین فاضل و حافظ
و قاری قرآن بود در وطن گوشہ گرفتہ بعبادت معبود حقیقی اشتغال داشت بسال ہزار و
یکصد و چہل و چہار ہجری درگذشت ـ قاسم ترمذی کشمیری در عہد عالمگیر از علمای نامدار وقت
ملا قاسم واحد العین قندھاری در عہد جلال الدین محمد اکبر بادشاہ از عمدہ ترین مدرسین علوم عقلیہ
و نقلیہ بود ـ مولوی قاسم علی سندیلی ابن مولوی حمد اللہ سندیلی شاگرد پدر خود مردی فاضل و کامل
کثیر الدرس بود و بزیارت بیت الحرام مشرف گشتہ ـ مولوی قدرت اللہ بدایونی ـ مولانا
قطب الدین ناقلہ معاصر غیاث الدین بلبن ـ ملک قطب الدین سہرندی در عہد بہلول لودی
بود ـ شیخ قطب برہان پوری ـ قاضل متورع حافظ جید بود از متقدمین اشعار عرب بسیار بخاطر داشت
و خوب می خواند و باوجود وفور فضائل غربت و مسکنت مفرط داشت بماہ رمضان پیش امامی
عالمگیر بادشاہ مقرر می بود و نیز بتعلیم شاہزادہ معظم مقرر بود و در پنجم سال جلوس عالمگیر بدار الخلافہ
شاہجہان آباد برحمت حق پیوست ـ مولوی سید کاظم علی دریابادی بن سید قاسم علی چہاردہم
ربیع الاول سال سیزدہ صد و پنج ہجری رحلت کرد ـ ملا کبیر الدین مورخ در عہد علاء الدین خلجی بود ـ
مولوی کبیر خان قاضی محمد پور احاطہ بمبئی ـ شیخ کبیر ناگوری از اولاد شیخ فرید بن عبد العزیز بن شیخ
حمید الدین صوفی ناگوری است بزرگ صاحب مقامات جامع علم ظاہر و باطن کتاب وی بن کہ حاشیہ
شرح مصباح است از تصانیف وی است بجہت تفرقہ کہ در ناگور از دست کفار آن دیار واقع
شدہ بود بجانب گجرات رفت و ہمانجا توطن پذیرفت رحمۃ اللہ علیہ ـ شیخ کبیر ولد ملا منور و جعفر سن

بکمال رسیده و از پیران دیگر نیز یافته اکثری کتب متداوله در ملازمت پدر خسر بزرگوار خویش که سعد الله
بنی اسرائیل بود تحصیل نموده طریق صحبت و اختلاط را نیکو ورزیده بحکم جلال الدین محمد اکبر شاه
بهرایچی پدر در پرگنه بچواره و دامن کوه شمالی رفته بضبط و ربط آن نواحی مشغول بود ۔ مولانا کریم الدین
در عهد علاء الدین خلجی تذکیر گفتی و دران تحمید و نعت نظم جدید مناسب آوردی چونکه آواز خوش داشت
سخنهای او در عوام نیفتادی و جمعیت کثیر هم نبودی ۔ مولانا کریم الدین ٹھٹوی جامع فضائل و کمالات
قامع رذایل معضلات بزهد و تقوی نامور معاصر ملا عبد الرحمن ٹھٹوی بود ۔ مولانا کریم الدین جوهری
در عهد علاء الدین خلجی بود ۔ ملا کمال رامپوری بس نامور زیست ۔ مولانا کمال الدین کولی در عهد
علاء الدین خلجی بود ۔ مولانا کمال الدین اودهی و کمال الدین سامانه در عهد فیروز شاه از علمای نامور
بودند ۔ قاضی گھاسی الہ آبادی شاگرد و خلیفه شیخ محب الله الہ آبادی ۔ شاه گدای کشمیری در عهد
جهانگیر شاه از علمای نامور بود ۔ مولوی گلزار علی پھلواری را بس موزون است ۔ مولوی لطف حق
ساکن چهاپور گجرات ۔ مولوی لطف علی ساکن ضلع پٹنه ۔ مولانا لطیف مقری از علمای قرات
در عصر علاء الدین خلجی بود ۔ مولانا میران ماریکله معاصر علاء الدین خلجی ۔ مبارز خان سلطانپوری
معاصر ملا نظام الدین سهالوی رساله مبارزیه در علم کلام از مولفات اوست بس متین ۔
ملا مجنون کشمیری معاصر شاهجهان بود ۔ شیخ محمد اشرف شطاری لاهوری بصلاح و فضیلت نامور
معاصر عالمگیر بود ۔ مولوی محمد ادریس سلهٹی محشی جمع الجوامع سیوطی ۔ مولوی محمد اسرائیل سلهٹی محشی تفسیر
بیضاوی و صدرا ۔ مولوی محمد علی ساکن تھانه مولف کشاف اصطلاحات الفنون ۔
قاضی محمد افضل بهکری ۔ ملا محمد افضل کشمیری معاصر جهانگیر شاه بود ۔ ملا محمد اکرم لاهوری متداولات
را بارها درس گفته بعلم و بردباری و صلاح و پرهیزگاری موصوف معلم شاهزاده کام بخش بود ۔
قاضی محمد احمد آبادی مرید حضرت قطب العالم احمد آبادی قدس سره بود و سه پسر اند یکی قاضی حمید
که بقاضی چاپانده شهرت دارد پدر قاضی محمود دریایی دوم قاضی العالم شاه حماد سوم قاضی حامد
هر سه برادران مرید و خلیفه حضرت شاه عالم احمد آبادی قدس سره بودند ۔ قاضی العالم شاه حماد
دوازده سال در طلب علم پیش مولانا میانجی گجراتی صرف کردند و دوازده سال بجهاد کفره در لباس
سپاهیان بسر بردند دوازده سال ترک همه کرده بخدا مشغول شدند از بدو شعور اکل حلال و صدق

مقال لازم حال خیر مآل شان بود تا اینکہ تقوی شان و در کسب شان ہمہ اثر کردہ بود ہرگز کاہ و دانہ
حرام نمی خورد و بشب خواب کمتر میکردند از بس کہ مظہر جلال بودند کسی را مجال نبود کہ بہ منظر شان بیاید
اغلب اوقات در پردہ جا داشتند خادم طومار حاجات ارباب احتیاج از پس پردہ میخواند ایشان
در جواب بعضی میفرمودند کہ میدہم و برای بعضی نمیدہم فرمودند لہذا علماے وقت فتوی بقتلش دادند
حاجی محمد افضل سیالکوٹی ۔ خواجہ محمد امین ولی اللہی ۔ ملا محمد امین کشمیری معاصر عالمگیر بود ۔ ملا محمد باقر
کشمیری معاصر شاہجہان بود ۔ شیخ محمد بہروچی ۔ ملا خواجہ محمد توپیکر کشمیری معاصر عالمگیر بود ۔
مولوی محمد جیلانی رامپوری مصنف جنگنامہ ۔ قاضی محمد حسین جونپوری از علم و فضل نصیبی وافر داشت
در عہد شاہجہان قاضی جونپور بود و در اوائل عہد عالمگیر بقضای الہ آباد ممتاز شدہ در سن ہفتم
جلوس عالمگیر بحضور آمدہ باضافہ منصب و احتساب لشکر سرفراز گردید و در تالیف فتاوے
عالمگیری سعی نمودہ ۔ مولوی محمد حسین مصنف اشاعۃ السنہ وغیرہ ۔ مولوی محمد حسین مصنف
تیغ فقیر و حربہ فقیر وغیرہ ۔ مولوی محمد حسن امروہوی مؤلف تفسیر معاملات الاسرار فی مکاشفات
الاخبار معروف بتفسیر حضرت شاہی ۔ مولوی محمد حسن اسرائیلی سنبھلی ۔ ملا محمد ہاشمی ٹھٹوی
در عہد شاہزادگی پیش امام شاہجہان بادشاہ بود ۔ شیخ محمد سعید سرہندی ابن حضرت شیخ احمد
مجدد الف ثانی خلیفہ پدر خود بود فاضل متشرع و عالم متورع پیوستہ بارشاد طالبان خدا
و درس علوم اشتغال داشتہ حاشیہ بر حاشیہ خیالی نوشتہ بصحبت عالمگیر رسیدہ رعایت کلی یافتہ
مولوی محمد شاہ مصنف مدار الحق ۔ ملا محمد صادق ٹھٹوی ۔ ملا محمد صالح معاصر جہانگیر شاہ بود ۔
ملا محمد صالح گجراتی ۔ مولوی محمد صدیق اصولی پشاوری ۔ مولانا محمد صدیقی ملتانی گجراتی ۔ مولوی
محمد عادل از ابتدا تا انتہا کتب درسیہ بخدمت مولانا محمد سلامت اللہ کشفی بدایونی الحال جانشین
مولانا موصوف بکانپور ہستند و بہدایت و ارشاد خلائق صارف الاوقات اند سلمہ اللہ تعالی ۔
شاہ محمد عاشق پھلتی ۔ با محمد عثمان کشمیری ابن شیخ محمد فاروق از تلامذۂ ملا سعد الدین صادق وغیرہ
علمای کشمیر بود و نیز بخدمت مولانا شاہ ولی اللہ دہلوی رسیدہ اجازت حدیث و فقہ یافتہ
مولوی محمد عمر دہلوی ابن مولوی کریم اللہ دہلوی در دوازدہ صد و شصت و ہشت ہجری
متولد شدہ و پیش والد ماجد خود تربیت و تعلیم علوم رسمی یافتہ بدرس و تدریس اشتغال دارد

سلمه الله تعالی ۔ مولوی محمد علی ابن مفتی یار محمد دکنی مؤلف کواکب العرفان فی تحقیق السبحان ۔ مولوی
محمد علی نصیر آبادی مؤلف جلاء العیون نظم سرور المحزون ۔ مولوی محمد فصیح غازیپوری واعظ فصیح قامع
رسم تبیح ۔ ملا محمد قاسم استرآبادی بلقب ہندو شاہ شہرت داشت گلزار ابراہیمی مشہور بتاریخ فرشتہ
از تالیف وی است ۔ ملا محمد لاہوری از اکابر علمای لاہور است ۔ مرزا محمد صادق مؤلف صبح صادق
نسبت تلمذ باو دارد و در عہد شاہجہان قضای بنگالہ داشت ۔ شیخ محمد لاہوری ابن عبد الملک
از فضلای نامور پیش علمای حجاز تفسیر و حدیث و فقہ آموختہ بوطن مراجعت نمود و بتدریس روزگار
گذرانید ۔ محمد لبیب کشمیری معاصر جہانگیر شاہ ۔ شیخ محمد راہ جونپوری بعلم صوری و معنوی آراستہ بود
مولوی محمد مصطفی پنجابی ۔ مولوی محمد موسی ابن مولانا رفیع الدین دہلوی ۔ شیخ محمد واعظ لاہوری
از مشاہیر واعظین لاہور بود ۔ مولوی محمد حبیب ساکن پھلواری ۔ شیخ محمد یحیی سرہندی ابن حضرت
شیخ احمد مجدد الف ثانی قدس سرہ بصلاح و تقوی موصوف اکثر اوقات خود بدرس علوم متداولہ
صرف میکرد و مشمول عواطف عالمگیر پادشاہ بود ۔ ملا محمد یزدی قاضی القضاۃ جونپور بجرم افتای
خروج بر اکبر شاہ بادشاہ از عروج منصب خود بغرقاب فنا رسیدہ ۔ مولوی محمد یعقوب دہلوی
ابن کریم اللہ دہلوی برادر کلان مولوی محمد عمر پیش پدر خود اکتساب علوم کردہ بافادۂ طلبہ اشتغال
دارد سلمه الله تعالی ۔ ملا محمود ثانی جونپوری تلمیذ دانشمند خان در اواخر عہد شاہجہان
در گذشت ۔ شیخ محمود بھکری از اجلۂ علمای روزگار بود ۔ قاضی محمود علامہ عباسی ٹھٹھوی معاصر
مرزا عیسی و مرزا جانی حکام سند در حقیقت و کمال از نوادر و در جامعیت علوم بغرائب اظہر
صاحب تصانیف کثیرہ بود منجملہ آن تذکرۃ الاولیا و حواشی متین بر کتب متداولہ است ۔
قاضی محمود دریائی ولد قاضی جیا بلندۂ بزرگی و خوارق ایشان عالم را فرو گرفت و خدمت
عالم آب ہم بایشان تعلق داشت اکثر در تباہی کشتیہا کہ یاد ایشان می نمودند بساحل مراد
میرسیدند ازین سبب دریائی لقب خاص مقرر گشت چون بہ شصت و ہفت سال رسید
بتاریخ سیزدہم شہر ربیع الثانی سال نہصد و چہل و یک جان بحق تسلیم نمود و مرقدش در بھیرپور
مضافات گجرات واقع است ۔ قاضی محی الدین کاشانی معاصر علاء الدین خلجی ۔ مخدوم جہان
سندی در عہد اکبر شاہ از علمای نامور بود ۔ سید عربی بلگرامی عالم عارف بود خلائق ازو منتفع

می شد نہ ہزار و یکصد و ہفتدہ ہجری وفات یافت ۔ سید مرتضی سوستانی در فضیلت اتم شاگرد
حسان الہند سید غلام علی آزاد بلگرامی بود ۔ مولوی مرتضی حسن ساکن پھلواری ۔ ملا مظہر ساکن کڑا
معاصر فیروز شاہ ۔ قاضی معمار الدین در عصر غیاث الدین تغلق بعہدۂ قضاے دہلی سربلند بود ۔
قاضی معروف بھکری معروف و مشہور زمان قاضی شہر بھکر بود بوفور علم و فضیلت و صلاح و تقوی
و لطف طبع و طیب مزاج اتصاف داشت بسمع جام سنجر مرزبان سند رسانیدند کہ قاضی از مدعی
و مدعا علیہ اخذ اجر میکند جام او را طلبیدہ پرسید قاضی گفت بلی اکثر بخاطر میگذرد کہ از گواہان ہم چیزے
گرفتہ شود اما پیش از انفصال دعوی بخانہ خود میروند جام ازین حرف بغایت منبسط شد چون جام را
خوش یافت گفت تمام روز بانفصال دعاوی می پردازم و توابع کثیر من بفاقہ میگذرانند این
حال کی روا باشد جام برای او ادرار لائق مقرر فرمود ۔ مولانا معز الدین اندپنی معاصر علاء الدین
خلجی ۔ مولانا معین الدین لونی معاصر علاء الدین خلجی ۔ قاضی مغیث الدین بیانہ ۔ سید مغیث الدین
ساکن کیتھل در عہد علاء الدین خلجی بودند ۔ مولوی مقبول احمد گوپاموی مؤلف رسالہ تنبیہ الانسان
در بیان حلت و حرمت حیوان ۔ ملا مقیم در عہد اکبر شاہ مدرس دہلی بود ۔ سید منتخب الدین ساکن
کیتھل برادر سید مغیث الدین معاصر علاء الدین ۔ شیخ منصور لاہوری از شاگردان شیخ اسحاق
کاکو است و بیشتر تحصیل علوم در ملازمت ملا سعد اللہ نمودہ مصاہرت باو داشت دانشمند
متبحر بود و در ہمہ علوم عقلی کہ در ہندوستان متعارف اند استحضاری تام و جمعیت انام داشت
از عہد اکبر شاہ چندگاہ قاضی القضاۃ ملک مالوہ بود بعدہ بخدمت ضبط و ربط پرگنہ بجور و حدود
دامن کوہ مامور شد ۔ ملا منور تلمیذ شیخ اسحاق کاکو در عہد اکبر شاہ بود ۔ مولانا منہاج الدین جرجانی
در عہد غیاث الدین بلبن بود ۔ مولانا منہاج الدین تلبنی معاصر علاء الدین خلجی ۔ ملا موسے
احمد آبادی در عصر اکبر شاہ بود ۔ ملا مومن جبل کشمیری معاصر عالمگیر بود ۔ ملک موید جاجرمی در عصر
جلال الدین خلجی بود ۔ شاہ مہدی عطا ابن شاہ حسین عطا ابن شاہ بناہ عطا سلونی کرمی اشرفی
از مضی انا ولاد امجاد شیخ اوحد جونپوری قدس سرہ بسال دوازدہ صد و شصت و شش ہجری
ولادت یافتہ علوم باطن از جد و پدر خود آموختہ خرقۂ چشتیہ در بر کشید و در علوم ظاہر شاگرد مولوی نور احمد
پنجابی بغایت علم دوست و شاغل تدریس طلبہ و لوح بخش سجادہ سلون اند سلمہ اللہ تعالی طلا میر شاہ

حرف النون

کشمیری معاصر عالمگیر بود۔ ملا ناصر در عہد اکبر شاہ قاضی آگرہ بود۔ مولوی ناصر علی غیاثپوری مؤلف مناصر الحسنات وعناصر البرکات وغیرہ۔ ملا نازک کشمیری در عہد عالمگیر بود۔ مولوی نجف حسین سندیلی نوزدہم محرم سال دوازدہ صد وپنجاہ وپنج ہجری بمقام اجمیر رحلت کرد۔ مولانا نجم الدین دمشقی شاگرد مولانا فخر الدین رازی معاصر غیاث الدین بلبن۔ مولانا نجم الدین انتشار معاصر علاء الدین خلجی۔ مولانا نجیب الدین شادی معاصر علاء الدین خلجی۔ مولوی نذیر حسین محدث مصنف معیار الحق وغیرہ۔ ملا نسیم منطقی رامپوری۔ مولانا نصیر الدین غنی ومولانا نصیر الدین ساکن کڑا ومولانا نصیر الدین صابونی در عہد علاء الدین خلجی علمای نامور بودند۔ سید نظام الدین [illegible] در فقہ ادق انام ودر علوم اعلم کرام برآمدہ بجذبۂ طبع گرائیدہ سوی شاہجہان آباد شتافت ودر تالیف فتاوے عالمگیری بسی مشکلات حل کردہ۔ شہر بیست از توابع سندھ۔ مولانا نظام الدین کلاہی معاصر علاء الدین خلجی۔ مولانا نظام الدین علی معاصر بابر بادشاہ۔ ملا نظام الدین ہروی مصنف طبقات اکبری۔ شیخ نظام تھانیسری ابن شیخ عبد الشکور باوجودیکہ تتبع متداولات نمودہ واز کتب صوفیہ مطالعہ نکردہ بود نسخہ در تصوف تصنیف فرمودہ کہ جملہ پسند عارفان است ونیز تفسیری املا کردہ کہ معنی آن ہمہ در قالب تصوف ریختہ۔ قاضی نعمت اللہ عباسی ٹھٹوی نسبش بآل عباس رضی اللہ عنہ منتہی می شود وی از احفاد واولادگان عہدگماشتگان خلفاے عباسیہ در عہد جام صلاح الدین بن جام تماجی بادشاہ سندھ اقدم علما واکرم اتقیا بود۔ مولوی نعیم الدین ابن مولوی فصیح الدین قنوجی تلمیذ مولوی عبد الباسط قنوجی شرح تصدیقات سلم العلوم وحاشیہ صدرا از تصانیف اوست۔ شیخ نور الدین کنبوہ لاہوری ملا مستعد در عہد اکبر شاہ بود۔ مولوی نور کریم دریابادی ملا نور محمد بھکری۔ مولوی واجد علی مؤلف رسالہ معروف العرفان۔ مولانا وجیہ الدین ملہو ومولانا

حرف الواو

وجیہ الدین پائلی ومولانا وجیہ الدین رازی علمای عہد جلال الدین خلجی اند۔ مولوی وحید الحق بہاری بست وچہارم صفر سال ہزار ودو صد ہجری وفات یافتہ کتاب زاد الآخرت وشرح کلمۂ طیبہ ذکر الصلاۃ وقرۃ العاشقین فی حلیۃ سید المرسلین ورسالۂ تحقیق الایمان از وی یادگار اند رحمۃ اللہ علیہ۔ مولوی وحید الزمان بن مولوی مسیح الزمان لکھنوی مؤلف نور الہدایہ ترجمہ شرح وقایہ۔ مولوی وکیل احمد مؤلف رسالہ حمد العرفان۔ قاضی ولی اللہ خان ساکن بردوہ۔ ملا ہاشم کنبوہ معاصر

حرف الہاء

جلال الدین محمد اکبر شاہ ۔ میر ہاشم منور آبادی شاگرد ملا حمید کشمیری معاصر عالمگیر ۔ مولوی سید یاد علی مشہدی کرڑوی فقیہ وقت بود ۔ مولوی سید یار علی مصنف ہادی المضلین ۔ مفتی یار محمد بلیبانی دکنی محشی شرح تہذیب یزدی ۔ ملا یار محمد سہکری مشہور بملا یاری ۔ شیخ یاسین قنوجی از اعیان فضلای بلدہ قنوج کامل مکمل بود خلق کثیر فیضان تلمذ او یافتہاند ۔ فضائل سید ند از انجملہ سید مربی بلگرامی و ملا فیضی امروہی از مشاہیر فضلا ہستند ۔ مولوی یعقوب علیخان رامپوری ۔ ملا یوسف کادسو کشمیری و ملا یوسف چچک کشمیری در عہد شاہجہان نامی بودند ۔ مولوی یوسف علی سندیلی الاصل گوپاموی مولدا لکھنوی وطنا شارح نظم الفرائض ۔

بعد ختم کتاب محبی محمد ابراہیم خان رسالہ دار سنٹرل انڈیا ہارس کہ مرد متدین و محب الاسلام والمسلمین اند ترجمہ مولوی شاہ محمد رمضان شہید بغرض اندراج کتاب نزد من فرستادند چونکہ صاحب ترجمہ بسیار مرد عالم با عمل بود و بحالت اشاعت دین متین شرف شہادت یافتہ ذکرش درین کتاب خالی از زین و برکت نخواہد بود ہمو ہذا

مولوی شاہ محمد رمضان مہیمی

از شیوخ قصبہ مہیم عالم عامل واعظ کامل فخر سرزمین ہریانہ بخصائل حمیدہ و شمائل جمیدہ شہرت عام کالبدر التمام دارد کافہ راجپوتان مسلم کہ بنام رانگرد ملک ہریانہ مشہور اند ذات با برکات آیاتش براہ راست قدم اتباع شریعت نہادہ مشار الیہ متبعان سنت و جماعت ہستند تذکیرش عجیب اثری داشت کہ سامعین بہزار جان مطیع و منقاد می شدند و عبدۂ اصنام تار زنار را ہیچ بار دوش افگندہ حلقہ بگوش باسلام میگردیدند با تجلادی رحمۃ اللہ تعالی بعد زیارت حرمین شریفین زادہما اللہ شرفا و تعظیما براہ بندر بمبئی مراجعت وطن فرمودہ بہر مقامی کہ میرسید حسب عادت خود لب وعظ و تذکیر می کشود و ہدایت اتباع شریعت باہالے آن مقام می نمود تا اینکہ بمقام مندسور رونق افروز شدہ بہ مسجد آن بلدہ محفل وعظ گرم کرد قوم بوہرہ کہ خلاف مذہب اہل سنت اند دین گرمی تذکیر بسر کردن بنادیق بر وحملہ آوردہ تا بضربت بندقہ آن فرقہ ضالہ برتبہ شہادت فائز گشت این واقعہ در سال دوازدہ صد و چہل ہجری بظہور پیوستہ رفقای آن مبرور نعش مغفور ابہدران جا بزمین سپردند بعد از شش ماہ برادر عینی وے تابوتش بقصبہ مہیم آوردہ مدفون نمود شاعری تاریخ شہادتش چنین یافتہ

قطعہ تاریخ

جناب شاہ رمضان قطب آفاق	سراپا معرفت عرفان مآبے
ظہور از بہر تاریخ شہادت	خرد گفتہ خسوف آفتابے ۱۲۴۷

دیگرے گفتہ

در خلد چو رفت شاہ رمضان	دیے شیخ شہید گفت رضوان ۱۲۴۷

تصانیفہ المفیدہ آخرگت۔ بلبل باغ عقاید عظیم۔ رنگیلے۔ مندسور بمیم مفتوح ونون ساکن ودال مہملہ موقوف وسین مفتوح واو مجہول ورای مہملہ شہریست بسرزمین مالوہ مہیم بمیم مفتوح وہای ہوز مکسورہ بعدش یای تحتانی مجہولہ وبیم موقوف قصبہ ایست بمرزبوم ہریانہ متعلقہ ضلع رہتک

مولوی امام الدین کالوڈی

ولد مراد خان عالم باعمل بورع وتقوی موصوف بود جم غفیر از خلائق بہدایت وارشادش براستی پیوستند وی رحمۃ اللہ علیہ بسال دوازدہ صد وسی وہفت ہجری ولادت یافتہ درسال سیزدہ صد ہجری چہار عقب گذاشتہ رحلت فرمود از ان جملہ حافظ غریب اللہ را دیدہ ام بدیانت وتقوی مصداق الولد سر لابیہ است کالوڈ قصبہ ایست محروسہ ریاست پٹیالہ کہ فی الحال بعلم مسند گڈھ شہرت دارد

اعجوبۃ الزمان

مولوی ببر دہلوی و مولوی دہومن سہارنپوری

ہر دو حرف نشناس بوجہ دانش ملازم صحبت مولانا شاہ عبد العزیز دہلوی قدس سرہ بودند قوت حافظہ چندان داشتند کہ آنچہ از مولانا می شنیدند بلفظہ یاد میگرفتند بکرات ومرات وعظ قرآن مجید از زبان مولانا موصوف از ذکر شنیدہ بودند ہر گاہ کسی میگفت چیزے بفرمایند میگفتند آیتی از قرآن بخوان اگر قاری غلط خواندی ازالہ غلط نمودہ ترجمہ وتفسیر آن مالہ وما علیہ شرح ومفصل بیان میکردند مفتی محمد اسد اللہ الہ آبادی مرحوم میفرمودند باری بدہلی رفتم ودران زمان مولوی ببر زندہ بود بشنیدن آوازۂ اوصافش مشتاق لقاے او شدم ونماز جمعہ بمسجد شاہجہانی گذاردم بعد نماز مجلس تذکیر منعقد گشت بعض مردم گفتند ہمین مولوی ببر اند کہ وعظ میگویند بتوجہ تمام بیان شان اصغا کردم آنانچہ شنیدہ بودم زائد یافتم

بعد فراغ از وعظ با مولوی بہر سلام گفتہ مصافحہ کردم و آیۂ کریمہ وزینا السماء الدنیا بزینۃ ن الکواکب خواندہ
پرسیدم ما سوای سبعہ سیارہ جملہ کواکب بر فلک الافلاک ثابت اند کہ ثبوت آن از احادیث نبویہ میشود
پس تزئین سماء دنیا بہ کواکب چہ معنی دارد مولوی بہر جوابم گفت شنیدہ باشید مردمان مے گویند
کہ فلان مکان از شیشہ آلات وغیرہ چہ خوش آراستہ است حال آنکہ شیشہ آلات بسقف و حیطان
آن مکان چسپان و آویزان می باشند و از آنان در حقیقت تزئین مکان مقصود است ہمچنین کواکب گو
بفلک الافلاک منوط و مربوط اند لاکن در حقیقت از آن کواکب سماء دنیا را زینت و روشنی حاصل است
بدین وجہ وزینا السماء الدنیا فرمودہ اند ع صحبت صالح ترا صالح کند

خاتمۃ الطبع از جانب کارپردازان مطبع

بعد حمد و نعت بر سالکان مسالک تحقیق و رہروان منازل تدقیق مخفی و محتجب مباد کہ از بدو آفرینش عالم
تا این دم دقیقی از اوقات زمانہ از وجود باجود انبیاء مرسلین و اوصیاء کاملین و علمای شرع متین و حامیان
دین مبین خالی نماندہ تا گمرہان بوادی ضلالت از بدرقۂ ہدایت و ارشاد آنہا بمنزل مقصود رسند و تشنگان
سراب غوایت از سرچشمۂ مواعظ شان زلال چشند ہمچنین ہر یکی از خلاف جانشین اسلاف شدہ در اکناف
و اطراف عالم بہدایت خلق مشغول ماندند و نیز ابدال و اقطاب اطیاب ہمبرین منوال از جانب حق
مامور شدند چون زمانۂ رسالت بعد حضرت خاتم النبیین سید المرسلین صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم سپری شد خلفای
راشدین و ائمہ طاہرین رضوان اللہ تعالی علیہم اجمعین در ترویج دین و ہدایت کافۂ مسلمین سعیہای وافرہ
و جہدہای متکاثرہ فرمودند و چنانکہ باید در تلقین احکام و تعلیم انام دقیقۂ از دقائق فروگذاشت نمودند بعد از آن
جوق جوق علمای اعلام و کملای فہام بہ نیابت آنہا برخاستند و ہمگی ہمت والا نہمت خود ہا برہمین کار خیر
برگماشتند تا اینکہ خلاق عالم نظر بحمایت دین خویش و در تکثیر خلقت ایشان چنان برکتی عطا فرمود کہ در ہر
بقعۂ زمین نجم افاضات ایشان طلوع نمود چنانچہ اکثر کتب از حالات سنیہ و مقامات علیہ این خیل ربانی
مملو و مشحون است و ہم بحلیۂ طبع درآمدہ در ہر دیار و امصار اشاعت پذیر لیکن عجب اتفاق کہ ہمہ این قسم
کتب را دیدیم بگذار کوائف و سوانح عمری مشائخ و علمای ہندوستان معرا یافتیم آری اگر درین کار سترگ
کسی ہمت نمی گماشت و در تدوین اسامی و حالات این اصحاب اخیار ہمبرین طریق تہاون و تکاسل
راہ می یافت چہ عجب کہ از صفحۂ روزگار نام نامی این حضرات بمرور دہور حک میشد از آنجا کہ از مبدء فیاض

حصه هر یکے جداگانه بهم میرسد انصرام این امر اهم خالق اکرم از فضل اتم موقوف بر ذات بابرکات عالم عدیم النظیر فاضل خبیر محسود اقران و امثال محقق باکمال ماهر رموز خفی و جلی جناب مولانا حضرت مولوی رحمان علی صاحب عم فیضه ممبر کونسل مقام ریوان داشته بود که ایدون بظهور رسید و شاهد مدعا بر منصه شهود جلوه گر گردید که حضرت مصنف ممدوح کتابی نایاب و مخزنی کمیاب متضمن حالات و اسامی علمای هندوستان تالیف و تصنیف فرمودند و نامش اسم باسمی **تذکرهٔ علمای هند** گذاشتند حضرات شائقین را مژده باد که درین ایام برکت انجام بنهایت اهتمام صحیفهٔ مسبوق الذکر حسب تحریک حضرت مصنف در مطبع نامی و گرامی مشهور نزدیک و دور منشی نولکشور واقع لکهنو بحسن انتظام بابو منوهر لال بهارگو بماه نومبر ۱۹۱۴ع مطابق ماه ذی الحجه ۱۳۳۲ھ بار دوم نقش انطباع پذیرفت ایزد منان مقبول عالم و عالمیان کناد بحرمة النون و الصاد فقط

مصنفہ مولوی محمد حسن امروہوی۔ عه

شرح مثنوی روم - از ملا محمد رضا معروف بمکاشفات رضوی۔ ۹ر

جواہر غیبی - از حضرت مظفر علی شاہ اکبر آبادی بحث وحدت وجود و توحید صفات و تحقیق مراتب علم و سلسلہ طریقت۔ ۴ر

تذکرۃ الٰہی - احوال شاہ مظفر علی قدس سرہ از مولانا ابو الحسن صاحب فرید آبادی۔ ۵ر

فتوح الغیب - از حضرت محی الدین غوث الاعظم جیلانی مع شرح فارسی از شاہ عبد الحق محدث دہلوی در ارشادات فقر و تصوف۔ ۱۲ر

دلیل العارفین - ملفوظات حضرت سلطان معین الدین چشتی جمع کردہ حضرت قطب الدین بختیار کاکی۔ ۲ر

مثنوی [illegible] از حضرت خواجہ خواجگان [illegible] الدین بختیار کاکی قدس سرہ [illegible]

مثنوی بزم وصال - در مذاق معرفت مہر و مثنوی۔ ۸ر

رسالہ حق نما - از شاہزادہ دارا شکوہ مرحوم [illegible]

مجموعہ نکات فقر - چہار رسالہ نظم از مولوی مظہر علی اللالی۔ ۳ر

لوائح جامی - از مولانا عبد الرحمٰن جامی ۱ر

تواریخ حالات انبیا و اولیا و اماکن متبرکہ

(اردو)

روضۃ الاصفیا - ترجمہ قصص الانبیا از مولوی محمد طاہر۔ ۱ر۶ و ۹ر یا

ایضاً - مطبوعہ شعلہ طور۔ ۵ر و ۹ر یا

عجائب القصص - حالات انبیا و اولیا از آدم تا خاتم الانبیا صلعم مرتبہ مولوی فخر الدین ۱۲ر عـ پ

تاریخ حبیب الٰہ - مدینہ منورہ از مفتی عنایت احمد ۱ر [illegible]

ترجمہ فوائد سعدیہ - حالات اولیا از مولانا ابو الحسن۔ ۱۲ر

تفریح الاذکیا فی احوال الانبیا

جدید تاریخ مقبول عام از ابتدائے آدم علیہ السلام تا ائمہ شہدا علیہم السلام بصحت احادیث و آثار مولفہ مولانا ابو الحسن حسین کاکوروی کامل در دو جلد۔ للعہ ۲ر [illegible]

حدیقۃ الاولیا - از مفتی غلام سرور لاہوری ۵ر [illegible]

تاریخ مدینہ منورہ - اردو ترجمہ جذب القلوب ۸ر

منہاج النبوۃ - اردو ترجمہ مدارج النبوۃ از خواجہ عبد المجید خان۔ [illegible]

ترجمہ سیر الاقطاب - از سید محمد علی مراد آبادی ۶ر